Presented by: Rana Jabir Abbas

جلد دوم

تفسیر جامع

jabir.abbas@yahoo.com

از انتشارات کتابخانه اسدی
تهران - چاپخانه مصور

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

jabir.abbas@yahoo.com

Presented by: Rana Jabir Abbas

جلد دوم

٤١٣٥٩

تفسیر جامع

جمع آوری شده از تفسیر امام علیه السلام

و عیاشی و کتب اخبار معتبره

با انضمام ترجمه تفسیر علی بن ابراهیم قمی

بقلم دانشمند معظم استاد علامه

آقای حاج سید ابراهیم

ثبت و عرضه کتابخانه
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی
شماره ثبت: ۲۳۲۲
تاریخ ثبت:

از انتشارات :

کتابخانه صدر ـ تهران ناصر

تلفن ۵۳۷۶۹۶

حقوق طبع برای کتابخانه صدر

همیشگی است

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

جلد دوم

تفسیر جامع

بسم الله الرحمن الرحیم

پرستش و ستایش بی منتهی شایستهٔ ذات مقدسی است که آراسته بتمام کمال وجوبی و پیراسته ازهر گونه نقص امکانی است، ودرود بی پایان برعقل کل وهادی سبل نخستین موج دریای وجود محمد محمود صلی الله علیه و آله و بر آل او که مفاتیح طلسمات کنوز مخفیه ذات ازلند و خزان خزائن رحمت رحمانی لم یزلند و مترجمان وحی قرآن و دانایان بتأویل متشابهات وراهنمایان گم گشتگان وادی جهالت وارکان توحید وحقایق اسرار الهند، محبت ومودتشان بر کائنات فرض عین وفرمانشان برخلایق عین فرض آمد و لعنت دائمی برمخالفین و معاندین ایشان تا روز محشر باد و بعد از آنجاکه ظهور اسرار دانش وعلوم و حکم ومعارف قرآن که سر آمد کمالات معنویه است دراین عصر و زمان بسته بتوجه و یمن عاطفت اعلیحضرت ولی عصر روحی و روح العالمین له الفداء است لذا از پیشگاه ساحت قدسش مسئلت مینمایم نظر لطف وعنایتی بفرماید تا بخش دوم و سایر بخشهای تفسیر جامع که حاوی ودیعه کان پیغمبر خاتم کتاب وعترت است باتمام برسانم و از محضر عزربوبی خواهانم این خدمت ناقابل را قبول وذخیره

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آخرت قراردهند نخست نکته‌ایکه لازم است تذکر دهم آنستکه خوانندگان گرامی بدانند که روش ما درتفسیرقرآن فقط طبق امر و دستور پروردگار و ائمهٔ معصومین میباشدکه بما فرمودند چنانچه میفرماید در سوره قیمة آیه ۱۹ « ثم ان علینا بیانه » و نیز درسورهٔ آل عمران آیه ۵ میفرماید « وما یعلم تأویله الاالله والراسخون فی العلم» تاویل متشابهات قرآن‌راکس نداند جزخداوند وائمه اطهار .

ابن بابویه درفقیه بسند خود ازرسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود خداوند جدال کنندگان در دین و قرآن را بزبان هفتاد پیغمبرش لعنت نموده و فرمود هر کس در آیات قرآن جدال کند کافراست ، زیرا خداوند بصراحت میفرماید « و ما یجادل فی آیات الله الاالذین کفروا » ونیزفرمود هر آنکه قرآن را برأی خودتفسیر کندبخداوند افترا و دروغ بسته .

و عیاشی در تفسیرش بسند خود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هر که برأی خود قرآن را تفسیر کند اگربرسبیل اتفاق‌راست گفته باشد اجروپاداش‌نخواهد داشت واگرخطاکندآنمقدار ازخداوند دورشود که آسمان از زمین‌دوراست وفرمود آنچه را یقین دارید که ازما رسیده بگویید وهرچه نمیدانیدبرهیز کنید ازگفتاراوچه خداوند داناتر است .

و نیز بسند دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود چه بسیار دوراست تفسیر قرآن از عقلهای مردم .

و بسند دیگر از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود اظهار رأی در قرآن و کتاب خداکفراست .

ودر کافی بسند خودازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود نمیزند کسی آیه‌ای ازآیات قرآن را بآیه دیگر مگرآنکه کافر میشود .

در بصائر الدرجات بسند خود از سعدبن ظریف خفاف روایت کرده گفت عرض کردم حضور حضرت باقر علیه السلام چه میفرمائید درحق کسیکه از شما علوم و احکامی را یادگرفته‌سپس‌اورا فراموش کرده‌فرمودحجتی‌براونیست‌حجت‌بر کسی‌است که‌احادیثی از ما ائمه شنیده باشد و انکارکند او را یا روایتی از ناحیه ما باو برسد و تکذیب

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کند آنرا و انتقاد باو پیدا نکند در اینصورت آنشخص کافر است اما آنکه فراموش کرده احادیث ما را حجت از او برداشته شده است.

و نیز بسند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود باصحاب خود برشما باد بدوری کردن از تفسیر نمودن قرآن برأی خودتان تا آنکه بدانید آنچه‌را که ما گفته ایم چه بسیار تفسیریست که شباهت دارد بگفتار بشر وحال آنکه قرآن کلام خدا است وهرگز مشابه گفتار خلق نباشد چنانچه مخلوقات شباهتی بخالق خود ندارند و افعال خدا هم بافعال بشرشبیه نیست پس کلام او هم شباهتی نخواهد داشت و هرگاه تفسیر برأی کنید گمراه و هلاك خواهید شد.

از اینجهت ما در این تفسیر از نقل آراء فاسده مردمان و بیانات فلاسفه وعرفاء و از سخنان ابوحنیفه وقتاده و عضدی مسلکان دوری‌جسته‌وصرف نظر نمودیم وهرگز بیان نخواهیم کرد چه این‌عمل تجاوز کردن‌از امر ودستور خداوند وائمه باشدچنانچه بیان شد برخلاف بعضی از معاصرین و مفسرین که آنان اساسشان در تفسیر برسفسطه و مغالطه باشد عقل و منطق را شاهد گفتار و رأی خویش قرار میدهند ولی بطور کلی ازطرزاستدلال واصول دانش دور گشته وطفره میزنند تامطالبی‌بسودهوای خودپیدا کنند از این روهرگاه باحادیث و روایات و فرموده های آل عصمت و طهارت ائمه هدی برخورد کنند وآنها را مطابق سلیقه ومقصود خود نیابند صرف نظر نموده‌بلکه‌تکذیب کنندآن احادیث راگاهی‌بضعف سند وزمانی بضعف‌دلالت وبعضی اوقات به‌نسبت‌دادن راویان بغلو و چیز های دیگر عاقبت داخل کنند خود را در زمره اشخاصیکه خداوند آیه ٤٨ سوره نساء را درباره آنان نازل فرموده و میفرماید «یحرفون الکلم عن مواضعه و هروقت موضوع و مطالبی را خواستند رواج بدهند کتاب آسمانی و قرآن را بمیل وهوای نفسانی خود تفسیروتاویل کنند تا شاهد مدعای باطل خویش قرار دهند اینها کسانی هستند که پروردگار درحق آنها میفرماید «فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیهم ثم یقولون هذا من عندالله وماهومن عندالله» آری حقایق قرآن ودین مبین اسلام بازیچه دست آنان گردیده دیانت واحکام را هدف مقصود خود قرار داده اند و مردم را بدین وآئین اسلام و مسلمانی بدبین و یاغی وطاغی گردانیدند و آنها را از ایمان دور کرده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و علم ودانش راآلت و دست آویز کردند و حقیقت معنویت را از میان برده‌اند و از اسلام جز اسم و صورتی بیش باقی نگذاشتند « و هم یحسبون انهم یحسنون صنعاً » از پروردگارمنان خواستگاریم که مارا از کردار وعملیات اینگونه اشخاص محفوظ بدارد و از چشمه صافی ولایت ما را دور نگرداند .

آغاز

سوره نساء در مدینه منوره نازلشده عدد آیات او یکصد وهفتاد وشش آیه بقول کوفیین و هفت بعقیده دیگران میباشد و سه هزارو هفتصد و چهل پنج کلمه و شانزده هزار و سی حرف است فضیلت آن .

عیاشی بسند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود هرکس در هرجمعه سوره نساء را تلاوت کند از فشار قبرایمن باشد .

طبرسی از ابی بن کعب روایت کرده گفت پیغمبراکرم فرمود هرکه قرائت کند سوره نساء را مانند کسی است که تمام دارائی خود را در راه خدا بمردم صدقه داده و پاداش بنده آزادکردن در راه خدا را داشته باشد و فرمود یاد بگیرید سوره بقره ونساء و مائده و حج و نور را که در این سوره ها احکام و واجبات خدا میباشد .

قوله تعالی : « یاایهاالناس اتقوا ربکم » این آیه خطاب بتمام مردم است از کافرومسلمان و در سایر کتب آسمانی خطابات عمومی آنها بلفظ یا ایها المساکین بود .

شیبانی بسند خود در تفسیر این آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از تقوی فرمانبرداری خدا و معصیت نکردن ومتذکرحق بودن وفراموش ننمودن و سپاس نعمت بجاآوردن وکفران نکردنست .

چگونگی نشوونشار نسل بشر

قوله تعالی : «الذی خلقکم من نفس واحدة وخلق منها زوجها وبث منهما رجالا کثیراً ونساء» عیاشی بسندخود درذیل این آیه ازابی بکرحضرمی روایت کرده گفت سئوال نمود از من حضرت باقر علیه السلام مردم چه میگویند در باره تزویج کردن آدم فرزندان خود را

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة و خلق منها زوجها و بث منهما رجالا کثیرا و نساء و اتقوا الله الذی تساءلون به والارحام ان الله کان علیکم رقیبا (١) و اتوا الیتامی اموالهم و لا تتبدلوا الخبیث بالطیب و لا تأکلوا اموالهم الی اموالکم انه کان حوبا کبیرا (٢)

عرض کردم گویند حوا برای آدم در هر شکمی پسر و دختری بزائید پس از آنکه آنها بحد رشد و بلوغ رسیدند و غریزه شهوت در آنان هویدا شد تزویج نمود دختران را به پسرانیکه با آنها متولد نشده بودند و باین روش نسل بشر افزایش وصورت گرفت، فرمود آنحضرت دروغ میگویند این سخنان را مجوسیها گفته‌اند تا برای صحت عمل وکردار خودشان که با محارم خود ازدواج میکنند دلیل وشاهد باشد ایحضرمی‌بدان انتشار نسل بشر از اینقرار است وقتی شیث هبةالله متولد شد و بحد بلوغ رسید آدم از خداوند تقاضا کرد که برای او زوجه ای بفرستد خداوند حورالعینی را بزمین فرستاد ازبرای شیث، آدم او را تزویج بفرزند خودکرد چهار فرزند پسر از او بوجود آمد خداوند امر کرد بآدم که جنیه ای بفرزنددیگرش تزویج نماید از آن جنیه چهار فرزند دخترمتولد شد این دختران را بازدواج پسران شیث در آورد آنچه زیبائی و جمال است ازحورالعین وهرچه حقد وکینه توزیست ازطرف جنیه و آنچه بردباری و حلم است از جهت آدم است وقتی آن حوریه فرزندان را بزمین نهاد خداوند او را بآسمان بالا برد.

وبسند دیگراز آنحضرت روایت کرده فرمود وقتی پسران آدم بحد رشد وکمال رسیدند خداوند چهار حوریه بزمین فرستاد و امرفرمود که بچهار فرزندانش آدم آنها را تزویج کند از ایشان فرزندانی بوجود آمد پسر و دختر وقتی بالغ شدند دختران

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بنام خداوند بخشنده مهربان

ایمردم بترسید از پروردگاریکه شما را از یکتن آفرید و از آن طینت نیز
جفت او را خلق کرد و از اندوخلق بسیاری از مردوزن در اطراف عالم
پراکنده نمود و بپرهیزید از آنخدائیکه در خواست میکنید و
بترسیدن بارهٔ ارحام همانا خدا نگهبان اعمال شماست (١)
و اموال یتیمان را بآنها بدهید و بدل نکنید مال نا
مرغوب و بدخود رابخوب ومرغوب آنها واموال آنان
رابامال خودنخورید که اینعمل گناه بزرگی است(٢)

برادر را به پسران برادر دیگر تزویج کرد و پس از تولد خداوند آن حوریه ها را بآسمان بالا برد و فرمود بجای آنان چهار جنیه تزویج آن پسران بنماید و باینصورت نسل بشرتوسعه یافت پس آنچه حلم و بردباریست از طرف آدم باشد و هرچه حسادت و بدبینی و زشتی مشاهده کنید از ناحیه جنیه و آنچه زیبائی و صفا و نیکوئی به بینید از جهت حوریه است.

و نیز بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند آدم را از آب و گل آفرید بدین سبب همت اولاد آدم در آب و گل است وحوا را پیش پای آدم خلق فرمود لذا همت زنان توجه کردن بمردان است پس باید زنان را درخانه ها حفظ کنید.

ابن بابویه بسند خود از زراره روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام از من سؤال فرمود که مردم ابتداء نسل بشررا از ذریه آدم چگونه میدانند؟ عرض کردم میگویند خداوند بآدم وحی فرمود دخترانش را به پسران خود تزویج کند واصل مردم ازبرادر و خواهراولیه میباشد، فرمود پناه میبرم بخدا ازاین افتراء ودروغ آیا نعوذبالله پیغمبران وامامان ومؤمنین ازحرام خلق شده اند وخداوند نمیتوانست آنها را ازحلال بیافریند؟ و حال آنکه دو هزارسال پیش از خلقت آدم بقلم امرفرمود جاری شود برلوح محفوظ و حوادث عالم را تا روز قیامت بنویسد واز جمله چیزهائی که نوشت حرام بودن تزویج

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خواهران و برادران و مادران برفرزندان و سایرمحرمات سببی دیگر بود و من خبر دارم که بعضی از حیوانات که خواهرخود را نمیشناسند اگربا آنها جمع شدند بعد بر آنان معلوم شود که با خواهر و یا مادرشان بوده آلت خود را با دندان قطعه قطعه و جدا ساخته وبیهوش شده وهلاك میشوند پس چگونه انسان با هوش و کمل مرتکب این عمل میشود وما می بینیم که حرمت آنها درچهار کتاب آسمانی توراة موسی وانجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمد که در عالم این کتب مشهورند تصریح شده و چیزی از آنها در این کتب جایز وحلال نیست و اصل این سخنان از مجوسیان که از پیغمبران و دانشمندان روی برتافته اند میباشد که بعقیده باطل خود حرف میزنند خدا آنها را بکشد، ای زراره بدان کیفیت ازدیاد نوع بشرازاین قرار بود که برای حضرت آدم حوا هفتاد شکم جفت زائیددرهربار یك پسربود یکدختر تا آنکه قابیل برادر خودهابیل راکشت وازشدت تأثرتا پانصدسال(۱) ناتوان شد سپس توانائی او برگشت وپس از نزدیکی با حوا خداوند شیث هبةالله را منفرداً و به تنهائی باو عطا فرمود و او اول وصی بود که در روی زمین باین سمت منصوب و به پیغمبری یافت و بعد از شیث یافث را نیز منفرداً بآدم عطا فرمود و چون هردوی آنها بحد بلوغ رسیدند و مشیت خدا بر آن تعلق گرفت که نسل بشررا زیادمنتشر گرداند چنانچه درلوح محفوظ او گذشته بود بعد ازظهرروز پنجشنبه حورالعینی بنام برکه (نزلاخ) بزمین نازل وبآدم امرفرمود که او را بشیث تزویج نماید و فردای آنروز حور العین دیگری فرستاد (و در بعضی روایات جنیه‌ای) و امر نمود که او را بیافث تزویج کند.

سپس ازشیث پسری واز یافث دختری بعرصه وجود آمد وچون آندو بحدبلوغ رسیدند بآدم وحی رسید دختر یافث را به پسر شیث تزویج نماید و از نسل پاك و حلال شیث و یافث پیغمبران و مؤمنین بوجود آمدند نه از خواهرو برادرآنگاه فرمود ای زراره مردم درکیفیت خلق حوا چه میگویند عرضکردم میگویند خداوند حوا را ازپهلوی چپ آدم خلق نموده، فرمود پناه میبرم بخدا آیا خداوند توانائی ندانست

(۱) متن حدیث پانصد سال ضبط شده ولی در تواریخ پنج سال ذکر کرده‌اند باحتمال آنکه خمسمائه از سهو نساخ باشد وصحیح خمس بوده.

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

که او را ابتداء مانند آدم خلق نماید!! حرف این مردم سبب میشود که راهی ازبرای گفتار متکلمین باز شود که میگویند آدم با عضوی از بدن خود نکاح کرده ای زراره بدان که خداوند حوا را نیزازگل آفرید واو را پیش پای آدم خمیر نمود وبمدحرکتی کرد که آدم متوجه حرکت او شد وچون بسوی او نظر نمود مخلوقی زیباکه درخلقت شباهت تامی باو داشت دید باو گفت توکیستی؟ حوا جواب داد مخلوقی ازآفریدگان خدا میباشم آدم گفت پروردگارا این مخلوق نیکو منظر که در قرب جوار من است که باشد من از دیدارش بسی مسرورم فرمود این کنیزمن حوا و مؤنث میباشد آیا میل داری که انیس و مونس و فرمانبردار و همزبان تو باشد؟ عرض کرد بلی پروردگارا سپاسگزار این نعمت هستم ، فرمود ای آدم چون صلاحیت هم زیستی با تو را دارد او را از من خواستگاری کن بطوری که در علم خدا و در لوح محفوظ جاری است و مقدر شده بودشهوت براندام آدم مستولی گردید ورغبت به حوا پیدا کرد وازخداوند خواستگار او شد تا رضای خاطر حق چه باشد خطاب رسید خوشنودی من برآنست که احکام دین را بحوا تعلیم کنی آدم اجرای آن امر را قبول نمود خداوند هم فرمود من او را بتو تزویج کردم برو بجانب حوا آدم عزیمت کرد او بجانب من باید خداوند فرمود نمیشود باید تو بجانب او رفته و با او نزدیکی نمائی و اگرآدم بطرف حوا نمیرفت رسم براین میشد که زنان بخواستگاری مردان میآمدند این بود خلقت حوا و ابتدای نسل بشرای زراره .

و نیز بسند خود از ابی بصیرروایت کرده گفت ازحضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم بچه علت خداوند آدم را بدون پدر ومادرآفرید وحضرت عیسی را بدون پدر؟فرمود برای آنکه قدرت خود را بمردم بفهماند وبدانند خدا برهمه چیزتوانائی دارد میتواند مخلوقی را بدون مرد بیافریند چنانچه مردی را بدون مادر و زن خلق نمود و فرمود اینکه زن را نساء نامیده اند برای آن بود که آدم غیر از حوا مونسی نداشت

و ابن بابویه بسند خود درکتاب علل از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند آفرید حوا را از زیادی طینت وگل پهلوی چپ آدم و از اینجهت مردان یک استخوان دنده و پهلو از زنان کمتردارند (و شاید اینحدیث اشاره باشد باینکه جهت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

جسمانیت و حیوانیت در زنان قویتر است از جسمانیت در مردان و جهت روحانیت در مردان بیشتر است ازروحانیت زنان زیرا یمین وراست کنایه است از عالم ملکوت روحانی وشمال وچپ اشاره است از عالم ملك جسمانی وطین عبارتست از ماده جسم و یمین عبارتست از ماده روح وملکی نشاید جز بملکوت پس بهلوی چپیکه ناقص است از آدم کنایه و اشاره از بعضی شهوات است که بروزمیکند از اثرغلبه جسمیکه ازعالم خلق است و آن زیادی طینتی است که استخراج شده ازباطن آدم و گردیده مادهخلقت حوا پس این حدیث اشاره میباشد باینکه جهت ملکوت وامردر مردان قویتر است از جهت ملك و خلق و در زنان بعکس این میباشد چه ظاهر عنوان باطن است و این معنی سر ناقص بودن بدنهای مردانست اززنان وباسراز الهی نرسد کسی بجز اهل سر)

و میان اخبار خلقت حوا وانتشار بشر تناقضی نیست زیرا بعضی تقیة صادر شده و بعضی دیگرهر کدام از آنها اشاره بیکجهتی باشد که مخالف با جهت دیگر نیست .

در کافی روایت کرده بسند خود از حضرت رضا علیه السلام در آیه «**واتقوا الله الذی تسائلون به والارحام**» فرمود مراد از ارحام رحم های آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشند که بساقه عرش چنك زده و میگویند پروردگارا صله کن باکسی که با ما آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم صله میکنید و قطع کن هر آنکه با ما قطع میکند و این صلهٔ رحم در ارحام مؤمنین نسبت بیکدیگر جاریست و این آیه را تلاوت فرمود .

و ابن شهر آشوب از طریق عامه روایت کرده که ابن عباس گفت این آیه درحق اهلبیت و ارحام پیغمبر است زیرا پیغمبرفرمود روزقیامت هرسبب ونسبی قطع وبریده میشود مگر سبب و نسب من .

و نیز بسند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود صله و مراوده کنید با خویشان اگرچه بسلام باشد .

و طبرسی بسند خود از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده فرمود خداوند تبارك و تعالی فرموده من رحمن باشم رحم راآفریده و نام او را از اسم خود بیرون آوردم بدانید هر کس از شما با خویشان خود صله کند من با او صله کنم وچنانچه شخصی قطع رحم کند منهم رحمت خود رااز او قطع نمایم و فرمود دوری بجوئید وپرهیز کنید

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

از قطع با خویشان وارحام خود.

و عیاشی بسند خود ازاصبغ بن نباته روایت کرده گفت فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام ایمردم هرگاه با خویشان خود غضب کردید نزدیك شوید تاآنحالت از شما برود چه هرگاه با ارحام خود تماس گرفتید غضب شما فرو نشیند و اگر در حالت غضب بمانید او از یکدیگر راضی نشوید داخل جهنم خواهید شد و چنانچه غضب مستولی شد بر شما در حالت ایستادن بزمین نشینید تا دور شود آنحالت

و درکافی بسند خود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده رقیب در این آیه بمعنای حافظ و نگهبان میباشد.

عیاشی بسند خود ازسماعه درآیه « وآتوالیتامی اموالهم » روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم مردی مال یتیمی را خورده آیا میتواند توبه کند؟ فرمود باید آن مال را بصاحبش رد کند آیا نمیدانی خداوند میفرماید « ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلما انما یأکلون فی بطونهم نارا و سیصلون سعیرا » و میفرماید « انه کان حوبا کبیرا »

ازدواج و احکام آن

قوله تعالی : **فانکحوا ماطاب لکم من النساء مثنی وثلاث ورباع** . . . تا آخر آیه

زناشوئی یکی از بزرگترین سنت پیغمبر اسلام میباشد چنانچه در کافی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده : فرمود سه نفر از بانوان انصار حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شدند یکی از آنها عرضه داشت شوهرمن گوشت و مواد حیوانی را ترك نموده و تناول نمیکند دومی گفت شوهرمن از هم بستری با زنان دوری کرده وآن دیگری عرضه داشت شوهرمن از استعمال عطریات اجتناب مینماید.

رسول خاتم صلی الله علیه و آله ازشنیدن آن سخنان خشمگین و متغیرشده از منزل خارج و بمسجد رفته و بمنبر تشریف برد و پس از حمد و ثنای باریتعالی فرمود چه شده که جمعی از اصحاب من ترك حیوانی کرده و عطریات استعمال ننموده و با زنان خود هم بستر نمیشوند من که پیغمبر شما هستم گوشت و مواد حیوانی تناول میکنم و عطر

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلث و رباع فان خفتم الا تعدلوا فواحده او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی الا تعولوا (۳) و اتوا النساء صدقاتهن نحلة فان طبن لکم عن شیئی منه نفساً فکلوه هنیئاً مریئاً (٤)

بکار میبرم و با زنهای خود هم بستر میشوم هر که از این سه چیز دوری کند از امت من نیست و نیز پیغمبر اکرم زنان را از ترك دنیا شدن نهی فرمود که خود را معطل گذارده و شوهر اختیار نکنند.

و نیز بسند خود از عبدالرحمن بن بشیر روایت کرده گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام حضور داشتم بانوئی وارد شد پس از سلام عرض کرد من معطله هستم حضرت فرمود مقصودت از این کلام چیست؟ عرض کرد برای درك فضیلت رهبانیت شوهر اختیار نکردم آنحضرت باو فرمود اگر تارك دنیا دارای فضیلت و برتری بود همانا حضرت فاطمه علیها السلام این فضیلت را ترك نمیکرد وهیچ کسی در فضیلت و ثواب بر جده ما پیشی نگرفته‌است.

و نیز از آنحضرت روایت کرده فرمود روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد منزل ام سلمه شد بوی عطر بمشام مبارکش رسیدفرمود ایا حولاءعطر آورده؟ عرض کردبلی اینجا حاضر است‌واز شوهرش شکایت‌دارد، فرمود ای حولاء ازچه شکایت داری‌؟عرضه داشت پدر و مادرم فدای تو باد چندی‌است که‌شوهرم با من‌هم‌بستر نمیشود، فرمودند اگر ثواب هم بستر شدن با عیال خود را میدانست هرگز از تو دوری نمی جست و ترك هم‌بستری نمیکرد، عرضکرد ای‌رسول گرامی ثواب آن چیست؟ فرمود همینکه مردی بطرف عیال خود برود دو فرشته او را محافظت کنند و مانند کسی باشد که با شمشیر برهنه در راه خدا جهاد نماید و چون مقاربت کند گناهانش مانند ریختن برك درختان محو شود و بریزد و همینکه غسل کند ازگناهان پاك شود.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اگر بترسید که در باره یتیمان عدالت نکنید از ازدواج با آنها صرف نظر کنید و آنکس از زنانیراکه پاکیزه و مرد پسند شما باشددو یا سه یا چهاربازدواج خود در آورید و اگر بترسید از آنکه نتوانید بعدالت باآنها رفتار کنید پس یکزن اختیار کنید یا بکنیزیکه دارید اکتفا کنید که بعدالت نزدیکتر است (٣) و مهر زنانیرا بآنها بپردازید و اگر چیزی از مهر خود را بشما از راه خوشنودی به بخشند بر شما حلال و گوارا باشد (٤)

و در تفسیرنعمانی بسند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود جمعی از اصحاب مباشرت با زنان و خوابیدن در شب وافطار در غیرماه رمضان را برخودحرام کرده بودند ام سلمه این موضوع را بسمع مبارك پیغمبراکرم رسانید حضرت همگی آنها را احضار فرمود همینکه شرفیاب حضورش شدند بآنها فرمود چه شده که اززنان دوری میجوئید؟! من که پیغمبر شما هستم ورفتار من باید سرمشق شما باشد با زنهای خود هم بسترمیشوم و بیشتر روزهای غیر رمضان افطارمیکنم و شبها بخواب میروم این رفتار شما ازطریقهٔ اسلام دور است و هر کس از روش و سنت من دوری بجوید از این امت نیست سپس جبرئیل این آیه را نازل کرد «لاتحرموا طیبات ماأحل الله لکم».

ابن بابویه درفقیه بسند خود ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود دورکعت نماز خواندن مرد عیال دار از هفتاد رکعت نماز شخص عزب افضل است و نیز فرمود بیشتر اهل دوزخ مردهای عزب و مجرد میباشند و نیز فرمود ارادل مردگان شب عزاب هستند.

درکافی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودهر کس تزویج کند نصف دین خود را حفظ نموده و باید در صدد صیانت نصف دیگر بر آید (و شاید این فرمایش اشاره بآنست که موجب ارتکاب محرمات و فعل حرام دوچیز است یا شهوت حیوانی و یا نیازمندیهای بدنی چون خوراك و پوشاك، بوسیلهٔ زناشوئی از جنایات و اعمالی که محرك آن شهوت است جلوگیری میشود وآنگاه برای بدست آوردن سایر احتیاجات بدنی باید اقدام بکسب حلال و حرفه مباح نمود.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَلا تُؤتُوا السُّفَهاءَ اَموالَكُمُ الَّتي جَعَلَ اللّهُ لَكُمْ قِياماً وَ ارْزُقُوهُمْ فيها وَاكْسُوهُمْ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً (٥) وَ ابْتَلُوا الْيَتامى حَتّى اِذا بَلَغُوا النِّكاحَ فَاِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً فَادْفَعُوا اِلَيْهِمْ اَمْوالَهُمْ وَلا تَأْكُلُوها اِسْرافاً وَ بِدارا اَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كانَ غَنِيّاً فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كانَ فَقيراً فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَاِذا دَفَعْتُمْ اِلَيْهِمْ اَمْوالَهُمْ فَاَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفى بِاللّهِ حَسيباً (٦)

بیان کیفیت و شرایط ازدواج

زناشوئی بردو قسم است یا دائم و همیشگی است که آنرا عقد دائم گویند و یا برای مدت محدود و موقت است که این قسم را متعه یا عقد انقطاع نامند. و در دائم رعایت چند شرط لازم است:

اول ـ هرگاه زوجه مسلمان باشد باید زوج او هم مسلمان باشد پس ازدواج بانوی مسلمه با کافر به نص آیه ٢٢١ سوره بقره که میفرماید « ولاتنکحوالمشرکین حتی یؤمنوا » حرام است وجایز نیست.

دوم ـ باید زوجه مشخص و معین باشد و همچنین است زوج.

سوم ـ باید ایجاد علقه زوجیت با اجراء صیغهٔ عقد حاصل شود و تراضی طرفین بدون عقد جایز نیست.

و عقد عبارت از ایجاب و قبول است که ایجاب از طرف زوجه و قبول از جانب زوج میباشد ولفظ مخصوص ایجاب درازدواج دائم هرگاه مجری آن خود زوجه باشد کلمهٔ « زوجتك نفسي » و یا « انکحتك نفسي » است و اگر وکیل زن اجرا میکند باید بگوید « انکحتك موکلتي » یا « زوجتك موکلتی علی الصداق المعلوم » ودر قبول فقط جملهٔ قبلت لنفسی هرگاه خود زوج باشد و اگر وکیل باشد جملهٔ قبلت لموکلی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بسفیهان اموال خود راکه قوام زندگانی شما میباشد ندهید و بمقدار خوراك و پوشاك متعارف بآنها داده و بگفتار خوشی آنانرا خوشنود گردانید (٥) آزمایش کنید یتیمان را هنگامیکه بالغ شده و بسن ازدواج برسند اگر درك کنید رشد و عقل آنها را پس اموالشان را بآنان رد کنید و ببهانه آنکه هنوز بالغ و رشد پیدا نکردند باسراف مال آنها را نخورید و اگر سرپرست یتیم غنی و دارا باشد درمقابل نگاهداری مال یتیم اجرتی دریافت نکند و چنانچه فقیر است باندازه متعارف از مال یتیم دریافت دارد و زمانیکه مال آنها را رد کردید گواه و شاهد بگیرید و خداوند برای گواهی خلق کافی است (٦)

کفایت مینماید و درهردو صورت باید اجراء کنندگان صیغهٔ عقد آشنا بلسان عربی و ادبی باشند و کلمات عربی را صحیح تلفظ کنند و قصد آنها از اجراء صیغه ایجاد علقه زوجیت باشد (یعنی بقصد انشاء تلفظ کنند) ومهریه وصداق هم باید در خارج معین و مشخص شده باشد و اگر یکی از ارکان را دارا نباشد عقد صحیح و درست نیست وهرگاه زوجه دوشیزه باشد باید عقد او با اذن ولی باشد.

چنانچه در کافی بسند خودازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود : دختر باکره که پدر دارد نمیتواند ازدواج کند مگر باذن ولی و پدر خود وچنانچه ثیبه و بیوه باشد مالك نفس خود بوده و میتواند با هرکه بخواهد ازدواج کند.

هرگاه تمام شرایط مذکوره موجود شد علاقهٔ زوجیت وزناشوئی حاصل میشود و دیگر نمیشود این علاقهٔ و رشته زوجیت را بهم بزنند مگربطلاق جزدر چند مورد که بدون طلاق میتوانند عقد را فسخ و نکاح را باطل کنند یکی آنکه زوجه افضاشده باشد (یعنی محل بول وحیض او یکی شده باشد) دوم هرگاه زوجه مرض برص ویا جذام داشته باشد سوم اگر زن دیوانه و یاشل بوده و بزوج نگفته باشند.

چنانچه در کافی بسند خود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود اگر در زن معایب و یا نقائصی بوده واهلش پنهان کرده باشند مانند مرض جنون ویا برص ویالنك بودن یاآنکه افضا شده باشد با این عیوب بدون طلاق بر اهل خود برمیگردد.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

چهارم ـ اگر زوجه مبتلا به عفل و یا قرناء باشد (قرناء زنی را گویند که در فرج او گوشت زیادی روئیده شده و عفل آنست که در فرجش استخوانی روئیده که مانع دخول است و بسختی میتوان با او هم بستر شد).

در کافی بسند خود از ابن صالح روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودم چه میفرمائید در حق کسی که با بانوئی ازدواج کرده بعد معلوم شده که اوقرناء یاعفل است؟ فرمود چنین زنی فرزند نمیآورد ومرد از اومتنفر بوده ونکاح فسخ میگردد.

پنجم ـ وقتی که فهمیده شود زوجه پیش از ازدواج زنا کرده زوج اختیار دارد عقد را بهم بزند یا باقی بگذارد.

در کافی وتهذیب بسند خود ازعبدالرحمن روایت کرده اند گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم اگر شخص بانوئی را تزویج کرد وسپس دانست که او زنا کرده تکلیفش چیست؟ فرمود اگر بخواهد مهر را پس گرفته وآن زن را رد میکند و اگر بخواهد او را نگاه میدارد.

ششم ـ هرگاه دوشیزه را تزویج کند و بعد معلوم شود که ثیبه و بیوه بوده در اینجا هم مرد مخیر است در نگاهداشتن و یاکسر نمودن مهریه یا ردنمودن زن.

در کافی بسند خود از ابن قاسم روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سئوال کردم چه میفرمائید در حق کسی که با دوشیزه ای ازدواج نموده سپس معلوم شده که او ثیبه است آیا تمام مهر باو میرسد یا ناقص میشود؟ فرمود کسر میشود.

در تهذیب بسند خود از محمد بن جرك روایت کرده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم شخصی زنی را بشرط آنکه باکره باشد تزویج نمود بعد ظاهر شد که او ثیبه است آیا جایز است او را نگاهدارد؟ فرمود در بعضی اوقات براثر افتادن از مرکب سواری و یاجهیدن ممکن است بکارت زن زایل شود.

و در مواردی هم زوجه میتواند عقد را فسخ و رشتهٔ زوجیت را بهم بزند.

اول ـ اگر جنون و دیوانگی برمرد عارض شود.

در کافی بسند خود ازحمزه روایت کرده گفت حضور حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم بانوئی شوهری داشته عقل اوزایل شده وجنون پیدا نموده فرمود اگر آن

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

زن بخواهد میتواند خود را از آن مرد جدا کند .

و در روایت فقیه آنحضرت فرمود اندازه و حد جنون آنست که اوقات نمازها را نداند .

دوم ـ مردی (اخته) بوده تدلیس کرده و بانوئی را بازدواج خود در آورده در اینصورت آن بانو رشته زوجیت را بهم میزند .

در کافی بسند خود ازسماعه روایت کرده گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم مردی اخته بوده تدلیس نموده و بانوئی را تزویج کرده است حکمش چیست؟ فرمود مهریه آن بانو را از خصی میگیرند و میان آنها جدائی افکنده و بر پشت او تازیانه میزنند که چنین کاری کرده .

سوم ـ هرگاه مرد عنین باشد (فاقد نیروی مردی باشد) در اینصورت هم زوجه میتواند عقد را فسخ کند .

در کافی بسند خود از ابو بصیر روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم بانوئی شوهرش به عنن مبتلا شده (عنن مرضی است که مرد قدرت و توانائی هم بستر شدن باعیال خود را ندارد) آیا آن زن از شوهرش جدا میشود فرمود بلی اگر بخواهد .

در تهذیب بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اگر شخصی بانوئی را تزویج نماید و قادر بر مباشرت و هم بستری با او نباشد یکسال باو مهلت میدهند تا خود را معالجه کند .

ابن بابویه درفقیه بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اگر زنی ادعا کند که شوهرش عنین است و او انکار کند ، آنمرد را در آب سردی نشانند هرگاه بیضهٔ او جمع و بهم کشیده شود عنین نیست و اگر سست و آویخته شد عنن دارد .

مستحب است که زن یا اولیاء او مهریه را اندك وسبك و قابل تحمل قرار بدهند .

در کافی بسند خود از محمد بن مسلم روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود از برکت و حسن زن اندك بودن مهر و مخارج اوست و سبب آسان زائیدن او میشود و از شومی زن زیاد بودن مهریه است که باعث سخت و دشوار زائیدن او

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

میشود .

در فقیه بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود شوم بودن و شئامت در سه چیز است یکی در زوجه و دیگری در اسب سواری وسومی در خانه ، اما شومی زوجه زیادی مهریهٔ اوست و عاق بودن برشوهر و بد خلقی او ، و شومی اسب در بدهنجاری و تمکین نکردن آنست در سواری ، وشومی خانه در کوچك و تنگ بودن صحن آن و بدی همسایگان و زیاد شدن معایب خانه است .

و روایات بسیاری در این باره در دست است اینها احکام عقد دائم بود .

عقد انقطاع

اما عقد انقطاع و متعه هیچ شك و شبهه‌ای در جواز و استحباب آن نیست و در قرآن کریم آیه ٢٤ همین سوره میفرماید : **فما استمتعتم به منهن فآتوهن اجورهن** تا آخر آیه تصریح باین موضوع نموده .

درتهذیب بسندخود از ابن ابی‌عمیر واو از بعض اصحاب‌حضرت‌صادق علیه السلام روایت کرده گفت از آنحضرت موضوع عقد انقطاع و متعه را سئوال نمودند فرمود این آیه اینطور نازل شده :

فما استمتعتم به منهن الی اجل مسمی فآتوهن اجورهن

ودر کافی بسند خود از زراره روایت کرده گفت عبدالله‌بن عمیر خدمت‌حضرت باقر علیه السلام شرفیاب شد، عرض کرد چه میفرمائید درمتعه؟ آنحضرت فرمود خداوند آنرا در قرآن حلال کرده و در شریعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله تاقیامت حلال است، عرض کرد یا اباجعفر شما چنین میفرمائید در صورتی که عمر آنرا حرام کرده ، حضرت فرمود چیزی را که خداوند حلال وجایز فرموده عمر نمیتواند وحق ندارد حرام کند، گفت پناه میبرم بخدا از آنکه شما حلال بدانید آنچه را که عمر حرام کرده، حضرت باو فرمود تو در قول عمر باش و من در فرموده پروردگار و رسول او باقی میمانم بیاباهم مباهله کنیم تاظاهر شود که حق همان است که رسول خدا فرموده وباطل چیزی‌است که عمر گفته .

اما استحباب آن :

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

در فقیه بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود من مکروه میدارم از برای مرد مسلمان که از دنیا برود و یکی از خصلتهای رسول خدا را که متعه باشد ترك کند.

و شیخ طوسی بسند خود از هشام روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود من دوست دارم که مؤمن از دنیا نرود مگر آنکه متعه کند اگر چه یکمرتبه باشد و نماز جمعه را بجماعت بجا آورد اگر چه یك جمعه باشد.

و در کافی بسند خود از ابن حمزه روایت کرده گفت دختر عم من پیغام فرستاد که تو میدانی اشخاص بسیاری بخواستگاری من آمده‌اند وهیچیك آنها را قبول ننموده‌ام و من از نظر رغبت بمردان و شهوت برای تزویج بتو مراجعه نکرده‌ام مگر آنکه بمن رسیده که متعه را خداوند در قرآن حلال کرده و رسول خدا آنرا شریعت و طریقه خود قرار داده و با وجود این عمر آن را حرام کرده من دوست دارم که پیرو فرمان خدا و رسولش بوده و از او سرپیچی نموده ومخالفت کنم لذا تقاضا دارم که‌مرا متعه کنی؟ پاسخ دادم حضور حضرت باقر علیه السلام شرفیاب شده و مشورت مینمایم شرفیاب حضورش شده وموضوع را بسمع مبارکش رسانیدم آنحضرت فرمود اقدام کن خداوند بشما صلوات میفرستد و احادیث در ثواب و ترغیب به متعه بسیار است.

عقد متعه و انقطاع مانند عقد دائم است ازنظر ایجاب و قبول و مهر ولی بایددر متعه مدت را هم معلوم و مشخص نمود چنانچه در کافی بسند خود از زراره روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود متعه صورت پذیر نمیشودمگر با دو چیز یکی مدت معلوم و دیگری مهر و اجرت معین.

و نیز بسند دیگر از ابوبصیر روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرموده باید در متعه بگوئی که من ترا متعه میکنم در مدت معین و اجرت معلوم و لفظ مخصوص آن **متعتك نفسي** یا نفس **موكلتي في المدة المعلومة على الصداق المعلوم** و بجای **متعتك انكحتك يا زوجتك** جائز است با شرایطی که در دائم ذکرشد و پس از گذشتن مدت رشتهٔ زوجیت بخودی خود گسیخته میشود و محتاج بطلاق نیست.

در کافی بسند خود از محمدبن مسلم روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

لِلرِّجالِ نَصيبٌ مِمّا تَرَكَ الْوالِدانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّساءِ نَصيبٌ مِمّا تَرَكَ الْوالِدانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصيباً مَفْرُوضاً (۷) وَإِذا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُوا الْقُرْبىٰ وَالْيَتامىٰ وَالْمَساكينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلاً مَعْرُوفاً (۸) وَلْيَخْشَ الَّذينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعافاً خافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللّٰهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلاً سَديداً (۹) إِنَّ الَّذينَ يَأْكُلُونَ أَمْوالَ الْيَتامىٰ ظُلْماً إِنَّما يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ ناراً وَسَيَصْلَوْنَ سَعيراً (۱۰)

درمتعه طلاق وارث نیست واو مانند اجاره است و از چهار زن محسوب نمیشود(یعنی هرگاه کسی چهار زن دائمی داشته باشد میتواند متعه کند زیرادر دائم زیادتر از چهار زن برای مرد جایز نیست نه‌متعه)

و نیز بسند دیگر ازحضرت‌صادق علیه السلام روایت‌کرده فرمود همینکه مدت متعه تمام شد زن از شوهر بدون‌طلاق جدامیشودوازاین حدیث ظاهرمیشود که‌متعه‌ازلحاظ نداشتن طلاق وارث بردن با دائم فرق دارد لکن اگر در ضمن عقد شرط کنند که‌زوج و زوجه از یکدیگر ارث ببرند جایز است و لازم میشود .

در کافی بسند خود از ابوبصیر روایت‌کرده گفت حضرت رضا علیه السلام فرمود اگر در متعه میراث را شرط کنند زن و شوهر از یکدیگرارث میبرند ولی اگر شرط‌نشود ارث نمیبرند.

و در تهذیب بسند خود ازمحمدبن‌مسلم‌روایت کرده گفت از حضرت‌صادق علیه السلام مقدار مهر را در متعه پرسیدم؟ فرمودند بهرمقدار که راضی شوند وفرمود اگر شرط کردندکه از یکدیگر ارث ببرند باید در شرط خود استوار و باقی باشند .

فرق دیگری که متعه با دائم دارد در متعه نفقه زوجه بر زوج واجب نیست مگر آنکه در ضمن عقد شرط کنند .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

برای مردان بخشی ازترکهٔ ابوین و خویشان باشد و برای زنان هم سهمی است چه مال اندك باشد یا بسیار نصیب هر کس معین گردیده (٧) و هرگاه هنگام تقسیم ارث از خویشان میت و یتیمان و فقراء و بینوایان حاضر باشند از آن مال آنهارا بهرمند سازید و بآنان گفتار نیکوو دل‌پسند بگوئید(٨) و باید بترسند و بایتیمان مردم خوش رفتاری کنند کسانیکه میترسند کودکان ناتوان از آنها بجا بمانند و زیردست مردم شوند و از خدابترسید وسخن باصلاح و درستی بگوئید (٩) آنانکه مال یتیمانرا بستمگری میخورند بحقیقت در شکم خود آتش جهنم بریزند و بزودی درآتش سوزان خواهند در افتاد(١٠)

در تهذیب بسند خود از هشام روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود در متعه نفقه نیست و عزل عیب ندارد (عزل آنست که مرد در حین مواقعه منی را درخارج رحم بریزد که در دائم باید با رضایت زوجه باشد ولی در متعه عیب ندارد).

اما محرمات سببی ونسبی را ذیل آیات ٢٣ و ٢٢ همین سوره بیان خواهیم نمود

در کافی از محمدبن حسن روایت کرده درمعنای آیه **وان خفتم الاتقسطوا فی الیتامی** تاآخر گفت ابن ابی العوجا ازهشام بن حکم سئوال نمود که آیا خدا حکیم نیست ؟ گفت چرا خداوند احکم الحاکمین است، عرض کرد پس خبر بده بمن ازاین آیه که اول میفرماید **فانکحوا ماطاب لکم من النساء مثنی وثلاث ورباع فان خفتم الاتعدلو فواحدة** آیا این امر بعدالت واجب نیست؟ هشام گفت چرا ابن ابی العوجا گفت پس دربارهٔ این آیه چه میگوئی که میفرماید **ولن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم فلا تمیلوا کل المیل** چه حکیمی اینطور سخن میگوید در اول میگوید عدالت کنید و بعد بگوید نمیتوانید عدالت بکنید این دوکلام باهم تناقض دارد ؟ هشام جوابی نداشت که باو بگوید بطرف مدینه حرکت کرد خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید فرمود ای هشام در غیر موقع حج بمدینه آمده ای؟ عرض کرد بلی مسئلهٔ ابن ابی العوجا از من سئوال نمود که نتوانستم جوابش را بدهم شرفیاب شدم که آنرا بپرسم، فرمود چیست؟ هشام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

موضوع را بعرض حضرت رسانید حضرت صادق علیه السلام فرمود اینکه خداوند میفرماید فان خفتم الا تعدلوا فواحدة مراد عدالت در نفقه است اگر تمکن مالی ندارد باید بیش ازیك زن اختیار نکند زیرا باید شخص تساوی در نفقه را میان زنهای خود ملحوظ دارد و اگر وسعت مال داشته باشد میتواند زن متعدد بگیرد و مراد از قول دیگرش که میفرماید و لن تستطیعوا ان تعدلوا بین النساء ولو حرصتم فلا تمیلوا کل المیل مودت و محبت میان آنها را قصد کرده که ممکن نیست کسی که زنان متعدد دارد همهٔ آنها را بیك اندازه و یکسان دوست بدارد ـ هشام از حضور حضرت مرخص شده بعراق آمد و جواب مسئله ابن ابی العوجا را داد گفت ای هشام بخدا قسم این جواب از خود شما نیست .

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر گاه مردی چهار زن دائم داشت و یکی از آنها را طلاق داد تا عدهٔ زن مطلقه نگذرد نمیتواند زن دیگری بگیرد و فرمود نباید آب مردی در یکزمان بر پنج زن دائمه جمع شود .

ابن بابویه بسند خود از محمد بن سنان روایت کرده گفت حضرت رضا علیه السلام در ضمن جواب مسائلی که از حضرتش سئوال نموده بودم نوشته بود ند علت اینکه مرد میتواند چهار زن اختیار کند و زن نباید و نمیتواند بیش از یکشوهر داشته باشد آنست که هر فرزندی از زنهای مرد متولد شود بدون شك منسوب بآنمرد است ولی اگر زنها بیش از یك شوهر میداشتند معلوم نبود اولاد متعلق بکدام یك از شوهرهاست و در نسب وارث فساد روی میداد زیرا همه شوهرها شریك در فرزند میشدند .

عیاشی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود درهرچیزی اسراف هست مگر در زن متعدد گرفتن چه خداوند میفرماید : « فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع » .

و نیز روایت کرده از آنحضرت فرمود مردی بحضور امیر المؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و ازدرد شکم شکایت نمود، امیر المؤمنین علیه السلام بآنمرد فرمود آیا عیال داری ؟ عرض کرد بلی فرمود از عیالت بخواه که چیزی بتو هبه کند باآن عسل خریداری نموده با آب باران شربت کن و بیاشام خوب میشوی زیرا خداوند میفرماید « وانزلنا من

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

السماء ماء مبارکاً» وفرموده « یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للناس » و نیز میفرماید « فان طبن لکم عن شیئی منه نفساً فکلوه هنیئاً مریئاً »پس در این شربت عسل، جمع شده است گوارائی و برکت وشفاء وآن مرد دستور حضرت را انجام‌داده و شفاء حاصل نمود .

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مالی که مرد بعیالش بخشیده دیگر باو برنمیگردد و همینطور اگرزن بشوهرخود مالی هبه کند از جهیزیه خود ویا غیر آن دیگر نمیتر' ـ مطالبه و مسترد بدارد زیرا خداوند میفرماید « ولاتاخذوا مما آتیتموهن شیئاً » و میفرماید « فان‌طبن لکم‌عن شیئی منه نفسا فکلوه هنیئا مریئاً » این آیه شامل مهریه و هبهٔ مال دیگر میشود .

در کافی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده گفتار شخص شراب خوار را تصدیق نکنید و اگراز شما خواستگاری کرد باو دختر ندهید و اگر بیمار شود بعیادتش نروید و در تشییع جنازهٔ او حاضرنشوید و امانت باو نسپارید و اگرسپردید و تلف شد خداوند عوض آنرا عطا نخواهد کرد و درمقابل اتلاف آن‌مال اجری برای‌شما نیست،زیراخداوند میفرماید **ولاتؤتوا السفهاء اموالکم** تاآخرآیه و فرمودکدام سفیهی از خورندهٔ شراب سفیه تر میباشد .

و نیز فرمود هرکس‌مال یتیمی رانگاهداری‌میکند جایزنیست قبل ازآنکه‌یتیم بسن رشد و بلوغ برسد اموالش رادرنموده ودر اختیارش بگذارد پس‌وقتی‌که محتلم شود واجبات خدا بر او واجب میشود و اگرمعصیتی کندکه باید بمرتکب‌آن حد زد حدود خدا بر او جاری میشود همینکه‌آثار بلوغ در او مشاهده‌گردید باگرفتن گواه و شاهد مالش را رد نمایند و اگرنمیدانیدکه بالغ شده یا خیر او را آزمایش‌کنید و به بینیدکه موی عورت او بیرون آمده یا خیر اگر روئیده شده بالغ است والاخیر و جایزنیست‌که تعلل ورزیده وبعذرآنکه هنوز بالغ نشده مالش را ندهید واگربی‌نیاز هستید برای شما حق حفاظت ونگهداری حلال نیست بردارید ولی اگرفقیرباشید در حدود متعارف میتوانید حق خود را برداشته و باقی را ردکنید .

و فرمود خداوند میفرماید به یتیمان ستم نکنیدکه آن ستم بفرزندان خودتان

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا (١١)

عیناً میرسد و خداوند فرموده اگر شخصی به یتیمی ستم کند و آنرا جایز وحلال بداند اولادش از ستم محفوظ نماند و بظلمی که بپدرش نموده مبتلا گردد و چنانچه پدری صالح و نیکوکار باشد اولادش بواسطهٔ نیکوئی پدر محفوظ است و خداوند به یتیمان ستم نکند بواسطه فساد نبودن پدرانشان لکن وا گذارد فرزندرا بسوی پدرش اگر پدر او مرد صالح و نیکوکاری بوده بپاس نیکوئی پدر فرزندش محفوظ خواهد ماند.

در کافی بسند خود ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم فرموده شبی که مرا بآسمان بالا بردند طایفه ای را مشاهده کردم که ازدهانشان آتش داخل واز عقبشان خارج میشد، گفتم ایجبرئیل اینها چه کسانی هستند؟ گفت اشخاصی باشند که اموال یتیمان را خورده اند.

عیاشی بسند خود از ابوبصیر روایت کرده در آیه: ان الذین یأکلون اموال الیتامی ظلماً تاآخر گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم خداوند شما را باقی بدارد بفرمائید کمترین گناهی که انسانرا داخل جهنم مینماید چیست؟ فرمود هر کس یکدرهم ازمال یتیم بخورد، سپس فرمود ما یتیم هستیم یعنی هر کس یکدرهم ازخمس راکه مال ما است بخورد داخل جهنم خواهد شد.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

سفارش میکندخدا شما را در حق‌فرزندان‌که باید پسران دوبرابر دختران‌ارث برند و اگر دختران بیش از دو نفر باشند برای آنها دو ثلث ترکه است و اگریکنفر باشد نصف است و برای پدر و مادر هر یك شش یك ترکه و دارائی باشد اگر میت دارای اولاد باشد و اگر فرزندی نبوده باشد در اینصورت‌مادر یك ثلث میبرد وباقی مال پدر است و اگر میت برادر داشتهٔ باشد در اینصوت نصیب مادر شش یك خواهد بود پس ازآنکه وصیت و دینیکه بمال میت تعلق گرفته خارج شود وشما نمیدانیدکه کدام یك ازپدران و فرزند و خویشان بخیر شما نزدیکترند این احکام ارث از جانب خداوند بر شماواجب شده و خداوند بهر چیز دانا وآگاه هست (١١)

ارث و احکام آن

قوله‌تعالی: **یوصیکم‌الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین**

انسان هر قدر در دنیا عمر کند و هرچه برای رفاه حال وآسایش خویش ثروت و دارائی و مال و منال بدست آورد عاقبت باید تلخی مرك را چشیده و از این سرای فانی بدار باقی وجاودانی رخت بر بندد و رحلت کندروی‌این اصل مسلم شخص خردمند و مسلمان عاقل باید همیشه مترصد و آماده این سفر اخروی بوده و بداند دارائی و اندوختهٔ او پس از مرك‌چگونه و بچه کسانی‌منتقل میشود و توجه کندنسبت به ترکهٔ خود رعایت احکام و دستور الهی شده واز حدود تجاوز نکند خداوند علیم در قرآن‌کریم ذیل آیه‌**یوصیکم‌الله** دستورهای ارث را بیان میفرماید :

ارث عبارت است از دانستن اینکه دارائی شخص پس از مرك باید بکه برسد آیا بکسانی تعلق داردکه پروردگار عزت معین و مقرر داشته و یا با نهائی که مورد علاقه او هستند؟ بدیهی است هرکس در دنیا بحکم فطرت و غریزه به عده‌ای علاقه‌و محبت داشته ومیل دارد که بعد از فوتش هستی و ثروت بهمان اشخاص مورد نظراو منتقل گردد ،در درجه‌اول انسان بکسانی محبت و علاقه داردکه یا خود باعث وجود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آنها شده و یا آنها موجب وجود وهستی او شده‌اند و آنها عبارتند از فرزند و پدر و مادر پس فرزندان و پدر و مادر بحکم عقل و فطرت بعد از فوت شخص قائم مقام او بوده و دارائی او را بدست میآورند وچنانچه کسی فرزند و پدر و مادر نداشته باشد علاقه و محبت او بطرف جد و جده و خواهر و برادر متوجه میشود زیرا جد و جده بمنزله پدر و مادر ،و برادرو خواهر بجای فرزندان شخص میباشند و بهمین نسبت هر قدراز بستگان نزدیك محروم شود توجه وعنایت شخص به ارحام و اقربای دورتر معطوف میگردد پس عقل هم همان طبقات سه گانه‌ای که شارع مقدس بیان فرموده تأئید مینماید و ابداً انحرافی از حکم شرع ندارد بنا براین هیچکس نمیتواند کسی راکه وارث نیست ذیحق در ارث قرار دهد و یا آنکه شخصی راکه شرعاً و ارث است از سهم الارث خود محروم سازد و هر که مرتکب چنین عملی شود با حکم خدا و رسول و عقل مخالفت نموده چنانچه در احتجاج بسند خود از محمد عبدی روایت کرده گفت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روزی نزد هرون رفت هرون چند مسئله از آنحضرت پرسید از آنجمله گفت که چرا شما اولاد علی علیه السلام بر ما فرزندان عباس ادعای فضیلت و برتری دارید و حال آنکه ما هر دو از یك شجره هستیم ما اولاد عباس و شما اولاد ابوطالب و هردوایشان عموی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و قرابت ایشان یکسان و برابراست؛ آنحضرت فرمود چنین نیست که تو میگوئی مابرسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اقرب و نزدیکتریم زیرا عبدالله و ابوطالب برادر پدری و مادری بودند و عباس فقط برادر پدری بود با عبدالله ، هرون گفت پس چرا شما اولاد علی مدعی هستید که ارث رسول خدا بما رسیده در صورتی که با وجود عمو پسر عم ارث نمیبرد و عمو مانع وراثت پسرعم میباشد و در وقت وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عباس پدر ما زنده بود ولی ابوطالب پدرشما پیش از آنحضرت فوت کرده بود؛ حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودای هرون در امان هستم تا پاسخ ترا بگویم؛ گفت امان دادم آنحضرت فرمود با وجود فرزند صلبی چه پسر باشد و چه دختر کسی ارث نمیبرد مگر پدر و مادرو زوج وزوجهٔ متوفی و با وجود فرزند صلبی میراثی برای عمو ثابت نشده و در قرآن هم حکمی بر آن وجود ندارد اینکه جمعی از تیم وعدی و بنوامیه گفته‌اند عمو بمنزلهٔ پدر است حکمی است که برأی خود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

داده‌اند بدون آنکه حقیقتی داشته باشد و یا رسول خدا فرموده و علمائی که مطابق نص قرآن و یا فرمودهٔ پیغمبر و امیرالمؤمنین حکمی بدهند تا بعان بنی امیه بضد آنها فتوی میدهند ،هرون عدهٔ از علماء که سفیان ثوری وابرهیم مدنی و ابن عیاض نیز از آنجمله بودند حاضر کرده و مسئلهٔ مزبور را مطرح و نظر آنها را سئوال نمود ، همه شهادت دادند که آنچه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده فرمایش خدا و رسول و امیرالمؤمنین است و مراد ازبنی تیم وعدی ابوبکر وعمر است چه آنها از قبیله تیم وعدی بودند و این حدیث صریح است که آن دو نفر مخالف قرآن و فرمودهٔ رسول اکرم رفتار نموده و با وجود مقدسه حضرت فاطمه سلام الله علیها ارث را بآن معصومه نداده و به عباس عموی آنحضرت دادند و بر خلاف قرآن کسی که و ارث نبوده و ارث ووارث حقیقی را از ارث محروم ساختند .

در کافی بسند خود از هشام روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود مردم در ارث و درطلاق زنان بقاعدهٔ شرع رفتار نمیکنند مگر بااعمال قدرت وضربت شمشیر و بسند دیگر آنحضرت فرموده امر ارث و طلاق در میان مردم راست نمیشود مگر با شمشیر زدن بر سر آنها و احادیث بسیاری باین مضمون هست که از مجموع آنها چنین برمیآید که مردم در مسائل ارث وطلاق به قانون اسلام وفرمایشات ائمه رفتار نمیکنند بلکه برأی و عقاید باطله و فاسد خود عمل مینمایند چنانچه بعداً نیز بیان خواهد شد .

اما آنچه سبب ارث بردن وارث از مورث میشود دو چیز است یکی قرابت نسبی و دیگری سببی ـ نسب قرابتی را میگویند که بموجب آن کسانی که از نسل یکدیگر هستند بهم مربوط و متصل میشوند مانند قرابت پدر و پسر و یا جد و نوادهٔ او و نیز قرابتی باشد که در اثر جامع نسب، کسانی را بهم متصل و مربوط میسازد نظیر قرابت بین دو برادر و دو پسر عمو که جامع میان آنها جدشان میباشد و اگر جهت اتصال قرابت شخصی با دیگری از طرف پدر باشد او را اقربای پدری و اگر از طرف مادر است اقربای مادری وچنانچه ازهر دوطرف باشد اقربای ابوینی (پدری و مادری) میگویند.

و سبب بر دو قسم است یا زناشوئی که در اثر ازدواج حاصل میشود و یا ولاء که آن هم بر دو نوع است یا ولاء عتق است و یاولاء امامة که بعداً مشروحاً بیان خواهد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ لَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ
فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَ لَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا
تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ
تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَ إِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ
وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ
يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ (۱۲) تِلْكَ حُدُودُ
اللَّهِ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
فِيهَا وَ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۳)

شد و چون درجات قرابت مختلف است لذا شارع مقدس اشخاصی را که بموجب نسب ارث میبرند بسه طبقه تقسیم نموده:

طبقهٔ اول ـ پدر و مادر و فرزندان و نوادگان هرچه پائین برود.

طبقهٔ دوم ـ اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها.

طبقهٔ سوم ـ عموو عمه و دائی و خاله و فرزندان ایشان.

بیان فرائض و صاحبان آن ـ فرائض سهامی را میگویند که شارع مقدس برای اشخاص معین مقرر نموده و باید دانست که ورثه با هم تفاوت دارند بعضی به فرض و بعضی دیگر بقرابت و دسته‌ای بفرض و قرابت هردو ارث میبرند پس صاحبان فرض کسانی هستند که سهم آنان از ترکه معین است، و صاحبان قرابت اشخاصی باشند که نصیبشان معین نیست آنهائی که فقط بفرض ارث میبرند عبارتند از مادر و زوجه و هر گاه از اقرباء میت نباشند و کسانی که بفرض و قرابت هردو ارث میبرند پدر و دخترها و خواهران پدر مادری یا پدری و یا مادری به تنهائی که او را کلاله گویند و فرزندان آنها است و غیر این چند طایفه از هر طبقه که باشند فقط بقرابت ارث میبرند و سهامی که خدا و رسولش معین فرموده اندشش

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

سهم شما مردان ازمال زنان نصف است اگر فرزند نداشته باشند و اگر اولاد دارند چهار یك میباشد بعداز بیرون کردن دین یا وصیتیکه نموده‌اند و سهم زنان از ترکه مردان چنانچه فرزند نداشته‌باشندچهار یك است‌واگر فرزند دارند هشت یك‌خواهد بود پس از خارج کردن دین و وصیت و اگر مردی وارث او کلاله باشد (یعنی برادر و خواهر مادری‌بتنهائی) یا زنی وارثش برادر یا خواهر باشد دراینصورت برای هریك آنها شش یك است و چنانچه بیش از یکنفر باشد برای ... آنها سه یك مال میباشد که بطور تساوی قسمت میکنند بعد از دین و وصیت در صورتیکه وصیت بحال ورثه زیان و ضرر نرساند(یعنی زائد بر ثلث نباشد)این حکم خداست و خدا بهمه چیزدانا و بردباراست (١٢) تمام اینهااحکام خداست و هر که پیروی امر خدا و رسولش‌بنماید به بهشتهائیکه زیر درختانش نهرها جاریست داخل شود و آنجا همیشه بماند و داخل شدن در بهشت سعادت وفیروزی بزرگی خواهد بود (١٣)

سهم است و هرسهمی اختصاص به‌یك یا چند نفردارد که ذیلا بیان میشود :

اول ـ $\frac{1}{2}$ یعنی نصف است واین سهم اختصاص سه نفر دارد :

١ـ شوهر در نبودن اولاد برای زوجهٔ او اگرچه از شوهر دیگر باشد .

٢ـ دختر هرگاه منحصر بفرد است .

٣ـ خواهر پدر مادری و یا پدری وقتی که منحصر بفرد باشد .

دوم ـ $\frac{1}{4}$ یعنی ربع (چهاریك) که مخصوص بدو نفراست یکی شوهرهرگاه عیالش دارای فرزندباشد .دیگری زوجه زمانی که شوهرش فرزند نداشته باشد .

سوم ـ $\frac{1}{8}$ ثمن است (هشت یك) فقط نصیب زوجهٔ شخص است ذرهرموقعی که شوهر دارای فرزند باشد .

چهارم ـ $\frac{2}{3}$ دو ثلث است که این هم مخصوص دو نفر میباشد دو دختریازیادتر وقتی که فرزند ذکوری نباشدودوخواهر یابیشترابوینی یا پدری درصورت‌نبودن‌برادر

پنجم ـ $\frac{1}{3}$ ثلث است و این نیز نصیب دو نفرمیباشد مادروقتی که میت فرزند و برادر نداشته باشد با شرایطی که در حاجب بیان میشود دیگر کلالهٔ امی هرگاه از

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

یکنفر زیاد تر باشد .

ششم- $\frac{1}{6}$ سدس است (شش یك) که سهم سه نفراست ۱- پدر ۲- مادر هرگاه میت فرزند داشته باشد ۳- کلاله امی اگر منفرد باشد.

و تمام این سهام و صاحبانش را خداوند در آیات ۱۱ و ۱۲ و ۱۷٦ همین سورهٔ نساء بیان فرموده .

وهرگاه صاحبان فرض و قرابت با هم جمع شوند باید اول نصیب صاحبان فرض را خارج کرد و بعداً آنچه باقی بماند بصاحبان قرابت داد .

مثلا زمانی که جمع شوند ابوین و زوج یا زوجه برای مادر با نبودن حاجب ثلث میباشد و برای زوج نصف واگر زوجه باشد ربع است وبقیه را بپدر میدهند پس هرگاه ترکه را ۱۲ فرض کنیم تقسیم آن از اینقرار است :

زوج	٦
مادر	٤
پدر	۲
جمع	۱۲

و اگر بجای زوج زوجه بود یعنی میت مرد بود اینطور میشود :

زوجه	۳
مادر	٤
پدر	٥
جمع	۱۲

و اگر مادر ویك دختر و زوجه جمع شدند باین ترتیب تقسیم میشود :

دختر	۱۲
زوجه	۳
مادر	٤
باقیمانده	٥ میان مادر و دختر نسبت بسهام آنها تقسیم میشود
جمع	۲٤

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وهیچوقت نمیشود فرایض از شش سهم زیادتر بشود وعول که عبارت اززیاد کردن سهام از شش سهم است در مذهب امامیه باطل بوده و درست نیست و برخلاف نص آیات قرآنی و احادیث آل عصمت میباشد چنانچه در کافی بسند خود ازابو بصیر روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردم مردم سهام را به صد وزیادتر بالا برده‌اند فرمود هرگز از شش سهم تجاوز نخواهد کرد .

در کافی و فقیه و تهذیب بسندهای خودشان اززهری و او از عبیدالله بن عبدالله بن عتبه روایت کرده گفت حضور ابن عباس بودم مذاکرهٔ فرایض شد ابن عباس گفت سبحان‌الله آیا گمان میکنید آن خداوندی که عدد سنگریزه های بیابان را میداند درمال میت نصف و نصف و ثلثی قرار میدهد پس وقتی که صاحبان سهام نصف مال را بردند جای ثلث چه میشود زفر بن اوس بصری گفت پس چه کسی دراول فرایض را زیاد نمود و عول قرارداد ابن عباس گفت عمر بن خطاب زیاد کرد وقتی که فرایض وسهام ارث در نزد او بعضی مزاحم بعض دیگر بوده ویکدیگر را دفع میکردند عمر گفت من نمیدانم کدام یك از ورثه مقدم و کدام مؤخر است من این مال را در میان آنها قسمت مینمایم و بهریکی یك حصه میدهم بخدا سوگند اگر عمر کسی راکه حق تقدم داشت مقدم میکرد و آن را که خداوند مؤخر داشته مؤخر مینمود هر گز فریضه زیاد نمیشد زفر پرسید کدام یك ازفرایض مقدم و کدام مؤخر میباشد؟ ابن عباس گفت مقدم زوج وزوجه است که فرض آنها نصف و ربع است و در صورتیکه فرزند داشته باشند به ربع و ثمن برمیگردد و دیگر مادر است که فرض او ثلث باشد و چنانچه اولاد در بین باشد سهم اوسدس میشود وهرگز این سه فریضه از ربع وسدس وثمن کم نمیشود اما مؤخر دخترها و خواهرها هستند که اگر یکنفر باشند نصف و زیاد از یکنفر دو ثلث است و هرگاه بر آنها زوج و یا زوجه و یا پدر و مادر جمع شوند برای دختران و خواهران مابقی فرایض میباشد و این دخترها و خواهرها مؤخرند .

ازاین حدیث بخوبی معلوم میشود که عمر ندانسته درحقوق مردمان حکم میکرد و ازکسی هم نمیپرسید چه خودش اعتراف داشت که نمیداند کدام مقدم و یا مؤخر است و با وجود این اقرار واعتراف باز حکم او نافذ و مورد قبول وعمل واقع میگردید

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

چنانچه این عصرهم بعضی از علما بحکم او عمل کرده وتوجه و اعتنائی باحادیث آل عصمت و طهارت نمیکنند گویا آیه اولوالامر وذوی القربی را ندیده و یا آنکه حدیث علی مع الحق را نشنیده اند

طبقه اول

اما طبقه اول که پدر و مادر وفرزندزادگان باشند و هرچه پائین برود برای این طبقه چند حالت میتوان تصور کرد .

حالت اول وارث منحصر بپدر و مادر یا یکی از آنهاست در اینصورت سه قسم میتوان فرض نمود .

۱ـ پدر و مادر مجتمعاً با نبودن حاجب برای مادر (اگرپدر زنده باشد ومیت دارای دو برادر یا یك برادر ودو خواهر ویاچهار خواهر باشد این اشخاص راحاجب میگویند یعنی مانع هستند که مادر ثلث ببرد) یك سوم $\frac{1}{3}$ مال فرض مادر است و بقیه سهم پدر .

۲ـ پدر و مادر مجتمعاً با بودن حاجب برای مادر در این فرض مادر یك‌ششم $\frac{1}{6}$ از ترکه را میبرد و باقی نصیب پدر است .

۳ـ بودن پدریا مادر به تنهائی دراین حال هر کدام باشند تمام ترکه رامیبرند

حالت دوم بودن فرزند و زنده نبودن پدر ومادر است که در این مورد هم سه حالت میتوان فرض کرد .

۱ـ فرزند منحصر بفرد باشد تمام میراث حق اوست خواه پسرباشد یا دختر .

۲ـ فرزند متعدد است ولی یا همه پسرهستند و یا همه دختردر این فرض اموال را بالسویه قسمت میکنند .

۳ـ فرزند متعدد است لکن بعضی پسر و برخی دختر میباشند پسران $\frac{2}{3}$ و دختران $\frac{1}{3}$ یعنی هرپسری دو برابر دختر ارث میبرد .

حالت سوم اجتماع فرزند با پدر ومادر متوفی یا یکی از آنهاست دراین‌صورت نیز سه فرض ممکن است پیش بیاید .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

۱ـ پدر و مادر یا یکی از آنها با یکدختر در اینصورت برای دختر نصف و برای پدر و مادر هریك $\frac{1}{6}$ میباشد و مازاد نسبت بسهامشان بین آنها قسمت میشود درصورتی که برای مادر حاجبی نباشد والامادر ازمازاد محروم خواهد بود.

مثلافرض کنیم ترکه ۳۰ باشد سهم هر کدام ازپدر و مادر ٥ است که $\frac{1}{6}$ میباشد و بهرهٔ دختر ۱٥ که $\frac{1}{2}$ است باقی میماند ٥ که نسبت به ۱٥ یك سوم است یکی را به پدر و یکی بمادر و سه بدختر داده میشود که سهم الارث دختر کلا ۱۸ و پدر ومادر هریك ٦ میشود واگر بدقت ملاحظه شود معلوم میگردد سهم هریك از پدر و مادر $\frac{1}{5}$ و سهم دختر $\frac{3}{5}$ است واگرازاول ترکه به ٥ قسمت تقسیم شده بود نتیجهٔ عمل صحیح انجام میشد.

۲ـ عینا فرض اول است ولی با بودن حاجب برای مادر در این حالت اگر ترکه را ۲٤ فرض کنیم نصیب هریك از پدر و مادر ٤ که $\frac{1}{4}$ است میشود. دخترهم نصف $\frac{1}{2}$ یعنی ۱۲ و باقی میماند ٤ و چون نسبت سهم پدر ودختر یك سوم است یکی را بپدر و سه را بدختر میدهند باین ترتیب سهم پدر ٥ و مادر ٤ و دختر ۱٥ میباشد.

۳ـ پدر یا مادر بتنهائی با یك دختر اگر ترکه را ۱۲ فرض کنیم ۳ سهم پدر میشود که $\frac{1}{6}$ است و ٦ سهم دختر که نصف میباشد و ٤ باقی میماند وچون نسبت سهم پدر ودختر یك سوم میباشد لذا یکی را به پدر و ۳ را بدختر بعنوان رد میدهند وباین ترتیب مجموع سهم پدر سه یعنی $\frac{1}{4}$ ترکه و سهم دختر ۹ یعنی $\frac{3}{4}$ میشود و اگر بجای پدر مادر بتنهائی باشد آن هم همین حالت را خواهد داشت.

حالت چهارم وجود پدر و مادر یا یکی از آنها با چند دختر در اینصورت هریك از پدر و مادر $\frac{1}{6}$ میبرد و دخترها $\frac{4}{4}$ خواهند برد $\frac{1}{4}$ بین پدر و مادر بطور مساوی قسمت میشود و $\frac{3}{4}$ را نیز میان دختران بالسویه تقسیم مینمایند.

حالت پنجم عبارت است از پدر ومادر یا یکی از آنها با یك یا چند پسر یا پسر و دختر در این فرض پدر و مادر هریك $\frac{1}{6}$ می برند و بقیمانده میان فرزندان بقاعدهٔ آنکه سهم هر پسر دو برابر دختر باشد تقسیم میشود هرگاه بجای فرزند نوادگان باشند فرزند دختر نصیب دختر میبرد هرچند پسر باشد وفرزند پسر نصیب پسر میبرد اگرچه

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

دختر باشد و این فرض‌ها در موقعی است که متوفی زوج وزوجهٔ نداشته باشد و اگر زوج و یا زوجه وجود داشته باشند با تمام طبقات هر کدام نصیب خود را خواهند برد زوج با نبودن اولاد $\frac{1}{2}$ و با وجود اولاد $\frac{1}{4}$ میبرد و زوجه با بودن اولاد $\frac{1}{8}$ و بدون اولاد $\frac{1}{4}$ خواهد برد واگر برای شخص متوفی زوجهٔ متعدد باشد همان $\frac{1}{4}$ ویا $\frac{1}{8}$ میان تمام آنها قسمت میشود.

ولی گاهی بابودن زوج یازوجه نصیب صاحبان فرض از اصل ترکه زیادتر میشود دراینصورت باید معلوم شود که‌از نصیب کدام‌یك از ورثه باید کم نمود تا مطابق ترکه بشود؛ مثلا اگر فرض کنیم اصل ترکه ۱۲ باشد ورثه هم عبارتند از زوج و مادر و دو دختر یازیادتر $\frac{1}{4}$ سهم شوهر $\frac{1}{6}$ نصیب‌مادر $\frac{2}{4}$ نصیب دخترها یعنی ۱۳ = ۸+۲+۳ و جمع سهام از اصل ترکه یکی بیشتر میشود که باید آنرا از سهم دخترها کم کنند و بآنها $\frac{7}{13}$ بدهند و همیشه به نص احادیث معتبره نقص و کاهش بر دختر و یا دختران وارد میشود.

موضوع دیگری که بایدمتذکر شد آنست که‌هرگاه بابودن زوج یازوجه ترکه‌از سهام زیادتر آمد زوج یا زوجه نصیبی در مازاد نخواهند داشت و باقیمانده در میان سایرورثه دیگر نسبت بسهامشان قسمت میشود و برای روشن شدن اذهان، تمام‌حالات طبقه اول جدولی در ذیل ترسیم شده بدان مراجعه نمایند.

جدول طبقهٔ اول

پدر ـ مادر با نبودن حاجب

سهم پدر $\frac{2}{3}$ ازتمام ترکه
« مادر $\frac{1}{3}$ « «

پدر ـ مادر با حاجب

سهم پدر $\frac{5}{6}$ از تمام ترکه
« مادر $\frac{1}{6}$ « «

زوج ـ پدر ـ مادر بدون حاجب

سهم زوج $\frac{3}{6}$ از تمام ترکه
« پدر $\frac{1}{6}$ « «
« مادر $\frac{2}{6}$ « «

زوج ـ پدر ـ مادر با حاجب

سهم زوج $\frac{3}{6}$ از تمام ترکه
« پدر $\frac{2}{6}$ « «
« مادر $\frac{1}{6}$ « «

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

زوجه ـ پدر ـ مادر بدون حاجب

سهم زوجه $\frac{3}{12}$ از تمام ترکه
« پدر $\frac{5}{12}$ « «
« مادر $\frac{4}{12}$ « «

زوج ـ پدر

سهم زوج $\frac{1}{2}$ از تمام ترکه
« پدر $\frac{1}{2}$ « «

پدر ـ مادر بدون حاجب ـ یکدختر

سهم پدر $\frac{1}{5}$ از تمام ترکه
« مادر $\frac{1}{5}$ « «
« دختر $\frac{3}{5}$ « «

زوج ـ پدر ـ مادر بی حاجب و با حاجب ـ دختر

سهم زوج $\frac{3}{12}$ از تمام ترکه
« پدر $\frac{2}{12}$ « «
« مادر $\frac{2}{12}$ « «
« دختر $\frac{5}{12}$ « «

زوجه ـ پدر ـ مادر بدون حاجب ـ دختر

سهم زوجه $\frac{5}{40}$ از تمام ترکه
« پدر $\frac{7}{40}$ « «
« مادر $\frac{7}{40}$ « «
« دختر $\frac{21}{40}$ « «

زوجه ـ پدر ـ دختر

سهم زوجه $\frac{4}{32}$ از تمام ترکه
« پدر $\frac{7}{32}$ « «
« دختر $\frac{21}{32}$ « «

زوجه ـ پدر ـ مادر با حاجب

سهم زوجه $\frac{3}{12}$ از تمام ترکه
« پدر $\frac{7}{12}$ « «
« مادر $\frac{2}{12}$ « «

زوجه ـ پدر

سهم زوجه $\frac{1}{4}$ از تمام ترکه
« پدر $\frac{3}{4}$ « «

پدر ـ مادر با حاجب ـ یکدختر

سهم پدر $\frac{5}{24}$ از تمام ترکه
« مادر $\frac{4}{24}$ « «
« دختر $\frac{15}{24}$ « «

زوجه ـ پدر ـ مادر با حاجب ـ دختر

سهم زوجه $\frac{12}{96}$ از تمام ترکه
« پدر $\frac{17}{96}$ « «
« مادر $\frac{16}{96}$ « «
« دختر $\frac{51}{96}$ « «

زوج ـ پدر ـ دختر

سهم زوج $\frac{4}{16}$ از تمام ترکه
« پدر $\frac{3}{16}$ « «
« دختر $\frac{9}{16}$ « «

پدر ـ یک دختر

سهم پدر $\frac{1}{4}$ از تمام ترکه
« دختر $\frac{3}{4}$ « «

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

پدر - مادر - دخترها

سهم پدر $\frac{۱}{٦}$ از تمام ترکه

« مادر $\frac{۱}{٦}$ « «

«دخترها $\frac{۴}{٦}$ « «

زوج - پدر - مادر - دخترها

سهم زوج $\frac{۳}{۱۲}$ از تمام ترکه

« پدر $\frac{۲}{۱۲}$ « «

« مادر $\frac{۳}{۱۲}$ « «

«دخترها $\frac{۵}{۱۲}$ « «

زوجه - پدر - مادر - دخترها

سهم زوجه $\frac{۳}{۲۴}$ از تمام ترکه

« پدر $\frac{۴}{۲۴}$ « «

« مادر $\frac{۴}{۲۴}$ « «

« دختر $\frac{۱۳}{۲۴}$ « «

زوج - پدر - مادر - دخترها پسرها

سهم زوج $\frac{۳}{۱۲}$ از تمام ترکه

« پدر $\frac{۲}{۱۲}$ « «

« مادر $\frac{۳}{۱۲}$ « «

«پسرهادخترها $\frac{۷}{۱۲}$ « «

زوج - پدر یامادر - پسرها دخترها

سهم زوج $\frac{۳}{۱۲}$ از تمام ترکه

« پدریامادر $\frac{۴}{۱۲}$ « «

«پسرهاودخترها $\frac{۷}{۱۲}$ « «

پدر یا مادر - دختر

سهم پدریا مادر $\frac{۱}{۵}$ از تمام ترکه

« دخترها $\frac{۴}{۵}$ « «

زوج - پدریا مادر - دخترها

سهم زوج $\frac{۳}{۱۲}$ از تمام ترکه

« پدریامادر $\frac{۲}{۱۲}$ « «

« دخترها $\frac{۷}{۱۲}$ « «

زوجه - پدر یا مادر - دخترها

سهم زوجه $\frac{۵}{۴۰}$ از تمام ترکه

« پدریامادر $\frac{۷}{۴۰}$ « «

« دخترها $\frac{۲۸}{۴۰}$ « «

زوجه - پدر - مادر - پسرها دخترها

سهم زوجه $\frac{۳}{۲۴}$ از تمام ترکه

« پدر $\frac{۴}{۲۴}$ « «

« مادر $\frac{۴}{۲۴}$ « «

«پسرهاودخترها $\frac{۱۳}{۲۴}$ « «

زوجه - پدر یا مادر - پسرها دخترها

سهم زوجه $\frac{۳}{۲۴}$ از تمام ترکه

« پدریامادر $\frac{۴}{۲۴}$ « «

«پسرهاودخترها $\frac{۱۷}{۲۴}$ « «

در سهم اولاد هرگاه از یك جنس باشند بتساوی تقسیم میشود وهرگاه پسر ودختر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مخلوط باشند پسر دو برابر دختر میبرد.

(پایان احکام و سهام طبقه اول)

مدرك احکام طبقه اول علاوه بر آیه شریفه احادیث معتبری است که ذیلا بیان میشود :

در کافی بسند خود ازمحمد بن مسلم روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود با وجود پدر ومادر وفرزند از متوفی کسی جز زوج و زوجه ارث نمیبرد و برای زوج در نبودن اولاد ۲/۱ وبابودن آن ربع ۴/۱ است وبرای زوجه درصورتی که فرزند نباشد ربع ۴/۱ وباوجود فرزند هشت یك ۸/۱ میباشد.

درتهذیب ازابوعمرو عبدی روایت کرده گفت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود زوج از زوجهٔ خود با وجود ورثه و نبودن فرزند زیادتر از نصف ۲/۱ ارث نمیبرد و با بودن فرزندهم کمتر از ربع ۴/۱ نخواهد برد و زوجه از زوج خود با نبودن فرزند زیادتر از ۴/۱ ربع وباوجودفرزند کمتر از ۸/۱ هشت یك نمیبرد هرچند که چهار نفر یا کمتر باشند.

در کافی بسند خود از مؤمن طاق روایت کرده گفت ابن ابوعوجاء از من پرسید که چرا زن ناتوان در ارث یك سهم میبرد ومرد قوی دو برابر آن؟ من سئوال او را از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم آنحضرت فرمود چون زن جهاد و نفقه بگردن ندارد وآنها بعهدهٔ مردان میباشد از این نظر است که در ارث مرد دوبرابر زن بهره ونصیب دارد و نیز بسند خود از اسحق بن محمد روایت کرده گفت شخصی از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام سئوال کرد برای چه زن ناتوان در ارث یکسهم و مرد دو سهم میبرد؟ فرمودند بجهت آنکه برای زن جهاد ونفقه دادن نیست وبرعهده مردها میباشد بخاطرم رسید که این مسئله را ابن ابوعوجاء ازحضرت صادق علیه السلام سؤال کرده وهمین جواب را آنحضرت باو فرموده بودند، بمجرد خطور این اندیشه حضرت عسکری علیه السلام فرمودند بلی این سئوال را ابن ابوعوجاء از جدم حضرت صادق علیه السلام کرده و جواب ما امامان اهل بیت در مسئله واحد همگی یکسان است.

و باید دانست که برای فرزند ذکور از میراث متوفی اختصاصی است که سایر ورثه در آن شرکت ندارند وآن اختصاصات را حبوه گویند چنانچه در کافی بسندخود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

از حریز روایت کرده گفت : حضرت صادق علیه السلام فرمود هر گاه کسی فوت نماید و دو پسر وارث او باشند شمشیر و قرآن و انگشتر و کتابها و لباس تن پوش او و نیز لوازم واسباب سفر وحیوان سواری او متعلق به پسر بزرگ است واگرفرزند بزرگترمتوفی دختر باشد اشیاء و لوازم مشروحه به بزرگترین فرزند ذکور میرسد و این حدیثرا در فقیه و تهذیب نیز روایت کرده اند .

ودرتهذیب بسند خود ازمحمد بن مسلم وزراره و بکیر وفضیل روایت کرده که نامبردگان گفتند حضرت صادق علیه السلام فرمود اگر کسی وفات نماید و شمشیر و اسلحه داشته باشد بفرزند ذکور او میرسد و اگر پسران متعدد داشته باشد به پسر بزرگ تعلق خواهد داشت و احادیث باین مضمون بسیار است .

درکافی بسند خود از سلمة بن محرز روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم شخصی وفات کرده ومرا وصی خود نموده و او فقط یکدختر دارد؛فرمودند تمام ترکه بدختر تعلق دارد .

و نیز از ابن‌حمران روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم وارث رسول اکرم صلی الله علیه و آله که بوده ؟ فرمودند دختر انحضرت فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها متاع‌خانه وهرچه متعلق بانحضرت بود بارث برد .

درکافی بسند خود از ابن‌ابوخلف روایت کرده گفت حضرت موسی‌بن جعفر فرمود دخترهای دختر شخص متوفی ، قائم مقام دختران او هستند وقتی که برای او دختری نباشد، ودخترهای پسرمتوفی، جانشین پسرهستند هرگاه برای‌او اولادی نباشد .

و در تهذیب بسند خود از ابن حجاج روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود نوادهٔ پسری متوفی‌اگر از صلب او پسری نباشد جانشین پسر او میشود ونوادهٔ دختر او قائم‌مقام دختر میشود و باین مضمون احادیث زیادی است و نیز باید دانست که زوجه از املاك و زمین شوهر ارث نمیبرد چنانچه درکافی بسند خود از زراره روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود زوجه ارث نمیبرد از قریه‌ها و خانه‌ها و اسب‌ها ولی از اموال منقول چون فرش واثاث البیت و ملبوس ارث خواهد برد

و نیز بسند دیگر از محمدبن‌مسلم روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

زوجه ارث میبرد از چوب و بناها (اعیان) ولی از اصل آنها (عرصه) ارث نخواهد برد حضورش عرض کردم بچه علت از فروع ارث میبرد ولی از اصل بی نصیب است؟ فرمود چون برای زوجه نسب نیست تا بوسیلهٔ آن ارث ببرد وزوجه از خارج آمده و براهل نسب داخل شده لذا زوجه از نظر سهم الارث داخل اهل نسب نشده و از فروع ارث میبرد.

طبقهٔ دوم

طبقهٔ دوم عبارتند از جدوجده و برادر و خواهر و فرزندان برادر و خواهر:

اگر برای شخص متوفی از طبقهٔ اول وارثی وجود نداشته باشد ارث او براهمین اشخاص میبرند دراینجا بدو چهار حالت میتوان تصور نمود:

حالت ١ ـ منحصر بودن وارث به یکی از اشخاص فوق که در این صورت تمام ترکه باو تعلق دارد

حالت ٢ ـ اجتماع برادران با هم است و باید دانست برادر پدر مادری با پدری فقط هرگاه با هم جمع شوند برادر پدری ارث نخواهد برد ولی برادر مادری هم بابرادران ابوینی و هم با پدری تنها ارث میبرد و برای این حالت چهار فرض تصور میشود

فرض اول ـ همهٔ برادران ابوینی یا ابی تنها باشند اگر تمام آنها ذکور یا اناث بودند ترکه بطور تساوی میان آنها قسمت میشود.

فرض دوم ـ همهٔ ابوینی یا ابی تنها هستند اما بعضی ذکور و بعضی اناث در این فرض پسران دو برابر دختران ارث میبرند.

فرض سوم ـ همهٔ برادران مادری باشند خواه همه ذکور و یا اناث و یا مختلط، ترکه بطور تساوی میان آنها تقسیم میشود.

فرض چهارم ـ بعضی از برادران ابوینی تنها با برادران و خواهران مادری میباشند در این فرض برادر مادری یا منحصر بفرد است یا متعدد اگر منحصر بفرد بود شش یک ١/٦ ترکه را به برادر یا خواهر مادری میدهند و باقی تعلق دارد به ابوینی و یا ابی تنها و آنان در بین خود از قرار ذکور دو برابر اناث تقسیم میکنند.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مثلا اگر فرض شود ورثه عبارتند از یك برادر یا خواهر مادری و برادر و خواهر پدر ومادری یاپدری تنهاهر گاه ترکه را ١٨ فرض کنیم تقسیم از این قرار است :

برادر یاخواهرمادری $\frac{١}{٦}$ میبرد که $\frac{٣}{١٨}$ میشود و برادرابوینی $\frac{١٠}{١٨}$ خواهرابوینی $\frac{٥}{١٨}$ و هر گاه برادر و خواهر مادری چند نفر باشند و این را کلاله مینامند $\frac{١}{٣}$ ترکه بنص آیه شریفه بآنها تعلق دارد و $\frac{٢}{٣}$ دیگر برای برادر و خواهر ابوینی یا ابی تنها میباشد و هر ذکوری ازآنها دوبرابر اناث سهم خواهدبرد بشرح زیر :

خواهر مادری $\frac{٣}{١٨}$.

خواهر ابوینی $\frac{٣}{١٨}$.

برادر مادری $\frac{٣}{١٨}$.

برادر ابوینی $\frac{٨}{١٨}$.

حالت ٣ ـ اجتماع اجداد است با هم اگر جد و جدهٔ ابی باشند ترکه میان آنها بقرار ذکور دوبرابر اناث تقسیم میشود واگر امی باشند بطور تساوی قسمت میکنند و چنانچه مختلط باشند اگرجد و جدهٔ امی هر دو با هم هستند $\frac{١}{٣}$ ترکه بآنها میرسد و بطور مساوی میان خود قسمت مینمایند و $\frac{٢}{٣}$ بقیه بجد وجده پدری داده میشود که ذکورشان دو برابر اناث سهم خواهند برد .

حالت ٤ ـ اجتماع اجداد با برادران و خواهران میباشد در اینصورت بهاقربای پدری اعم از جد و جده وبرادر و خواهر $\frac{٢}{٣}$ میدهند و ذکور آنها دو برابر اناث سهم خواهد برد و $\frac{١}{٣}$ باقی را باقربای مادری میدهند تا در میان خود بطور تساوی قسمت کنند چه جد و جده یا برادر و خواهر باشد و اگر اقرباء مادری منحصر بفرد بود $\frac{١}{٦}$ باو میدهند وباقیماند $\frac{٥}{٦}$ باقرباء پدری تعلق داردمثلا اگر فرض کنیم که وراث عبارتند از جد وجده پدری و برادر و خواهر پدری وجدو جده و برادر وخواهر مادری ترکه میان آنها بشرح زیر تقسیم میشود :

مثلا اگر اصل ترکه را ٣٦ سهم فرض کنیم اقرباء پدری ٢٤ سهم که $\frac{٢}{٣}$ میباشد میبرند و ١٢ که $\frac{١}{٣}$ ترکه است سهم اقرباء مادری میشود سپس تقسیم بین پدری و مادری از این قرار است :

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

جد پدری	۸/۳۶
جده «	۴/۳۶
برادر «	۸/۳۶
خواهر «	۴/۳۶

$$\frac{۲۴}{۳۶} = ٤ + ۸ + ٤ + ۸$$

جد مادری	۴/۳۶	۱۲/۳۶
جده مادری	۴/۳۶	
برادر مادری	۴/۳۶	
خواهر مادری	۴/۳۶	

جمع کل ۳٦ = ۱۲ + ۲٤

بدین ترتیب سهم اقرباء پدری ۲٤ و سهم اقرباء مادری ۱۲ که به نسبت $\frac{۲}{۳}$ و $\frac{۱}{۳}$ میباشد و چنانچه وارث عبارت بود نداز جد پدری و یك خواهر ابوینی و یك برادر اعی اگر ترکه را ۱۸ فرض کنیم برادر مادری ۳ سهم میبرد که $\frac{۱}{٦}$ است وبقیه بین جد پدری و خواهر ابوینی بقرار ذکور دو برابر اناث تقسیم میشود باین ترتیب:

برادر مادری $\frac{۳}{۱۸}$

جد پدری $\frac{۱۰}{۱۸}$

خواهر ابوینی $\frac{۵}{۱۸}$

که بشرح فوق جمع سهام اقرباء پدری ۱۵ و نسبت میان آنها و سهم اقرباء مادری $\frac{۱}{٦}$ و $\frac{۵}{٦}$ میباشد و برای روشن شدن بجدول ذیل مراجعه شود.

جدول طبقهٔ دوم

جد و جده پدری	جد و جده مادری
سهم جد پدری $\frac{۲}{۳}$ از تمام ترکه	سهم جد مادری $\frac{۱}{۳}$ از تمام ترکه
« جده پدری $\frac{۱}{۳}$ « «	« جدهٔ مادری $\frac{۱}{۳}$ « «
اجداد پدری و مادری	**برادر و خواهر پدری**
سهم اجداد پدری $\frac{۲}{۳}$ از تمام ترکه که ذکور دو برابر اناث تقسیم شود	سهم برادر پدری $\frac{۲}{۳}$ از تمام ترکه
سهم اجداد مادری $\frac{۱}{۳}$ از تمام ترکه که بتساوی تقسیم شود	« خواهر پدری $\frac{۱}{۳}$ « «

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

برادر و خواهر پدری
برادر یا خواهرمادری
سهم برادر پدری $\frac{١٠}{١٨}$
« خواهر « $\frac{٥}{١٨}$
سهم برادریاخواهرمادری $\frac{٣}{١٨}$

برادر یا خواهر پدری
چند برادروخواهرمادری
سهم برادر یا خواهر پدری $\frac{٢}{٣}$
وسهم چندبرادروخواهرمادری $\frac{١}{٣}$
که بطورتساوی تقسیم کنند

جدوجده پدری - برادرپدری
سهم جد $\frac{٢}{٥}$
« جده $\frac{١}{٥}$
« برادر $\frac{٢}{٥}$

جد پدری - خواهر پدری
برادر مادری
سهم جد پدری $\frac{١٠}{١٨}$
خواهر پدری $\frac{٥}{١٨}$
برادر مادری $\frac{٣}{١٨}$

زوجه جدوجده پدری
سهم زوجه $\frac{١}{٤}$ ترکه
« جد $\frac{٣}{٤}$ «
« جده $\frac{١}{٤}$ «

برادر وخواهر مادری
سهم برادر مادری $\frac{١}{٢}$
« خواهر « $\frac{١}{٢}$

جد و جده مادری
برادرپدری
سهم جد و جده مادری $\frac{١}{٣}$
که بطورتساوی تقسیم کنند
سهم برادر $\frac{٢}{٣}$

جد و جده پدری
جد وجده مادری
برادر وخواهرِ ابوینی
و برادروخواهرمادری
سهم اقرباء پدری $\frac{٢}{٣}$ که ذکوردو
برابر اناث ببرند
سهم اقرباء مادری $\frac{١}{٣}$ که بطور
تساوی تقسیم شود

زوج و جد و جده پدری
سهم زوج $\frac{٣}{٦}$ ترکه
« جد $\frac{٣}{٦}$ ترکه
« جده $\frac{١}{٦}$ ترکه

زوج - برادرپدری - برادر
خواهری
سهم زوج $\frac{٣}{٦}$ ترکه
سهم برادرپدری $\frac{٢}{٦}$ «
سهم خواهرپدری $\frac{١}{٦}$ «

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

برادر پدری - خواهر پدری
زوج - برادر وخواهر مادری

سهم زوج $\frac{9}{18}$ ترکه
« برادرپدری $\frac{6}{18}$ ترکه
« خواهر پدری $\frac{3}{18}$ ترکه
« برادر مادری $\frac{2}{18}$ ترکه
« خواهرمادری $\frac{2}{18}$ ترکه

برادر وخواهر پدری وزوجه-
برادر وخواهر مادری

سهم برادر پدری $\frac{10}{36}$
« خواهر پدری $\frac{5}{36}$
« زوجه $\frac{9}{36}$
« برادرمادری $\frac{6}{36}$
« خواهرمادری $\frac{6}{36}$

اجدادواخوات پدری - اجداد
واخوات مادری - زوجه

سهم زوجه $\frac{3}{12}$ تمام ترکه
سهم اقرباءمادری $\frac{4}{12}$ تمام ترکه
که بطورتساوی تقسیم گردد
سهم اقرباء پدری $\frac{5}{12}$ تمام ترکه

برادران و خواهران مادری
خوهران پدری ومادری

سهم برادران وخواهران مادری $\frac{1}{3}$
است که بطورتساوی تقسیم کنند
سهم خواهران پدری $\frac{2}{3}$ است که
به تساوی تقسیم کنند

زوجه - برادر و
خواهر پدری

سهم زوجه $\frac{1}{4}$ ترکه
« برادر $\frac{2}{4}$ ترکه
« خواهر $\frac{1}{4}$ ترکه

اجداد واخوات پدری -اجداد
واخوات مادری -زوج

سهم زوج $\frac{3}{6}$ تمام ترکه
سهم اقرباءمادری $\frac{2}{6}$ « «
که بتساوی تقسیم کنند
سهم اقرباء پدری $\frac{1}{6}$ تمام ترکه
که ذکوردو برابر اناث ببرد

برادر وخواهر مادری
برادر و خواهر پدری

سهم برادر مادری $\frac{2}{18}$ ترکه
سهم خواهرمادری $\frac{2}{18}$ ترکه
سهم برادر پدری $\frac{8}{18}$ ترکه
سهم خواهر پدری $\frac{4}{18}$ ترکه

و سایر فروض از همین جدول
بخوبی ظاهر و فهمیده میشود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اینك مدارك فرض‌های طبقه دوم از قرآن و احادیث معتبره :

یکی آیه ۱۲ همین سورهٔ نساءاست که میفرماید .

و ان کان رجل یورث کلالة او امرأة و له اخ او اخت فلکل واحد منهما السدس فان کانوا اکثر من ذالك فهم شرکاء فی الثلث دیگر آیه ۱۷۶ این سوره است که میفرماید :

یستفتونك قل الله یفتیکم فی الکلالة ان امرؤ هلك لیس له ولد وله اخت فلها نصف ما ترك وهو یرثها ان لم یکن لها ولد فان کانتا اثنتین فلهما الثلثان مما ترك وان کانوا اخوة رجالا و نساء فللذکر مثل حظ الانثیین در آیه اول ارث برادران و خواهران مادری و آیهٔ دوم ارث برادران وخواهران پدری رابیان کرده است. در فقیه ازابن سنان روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال کردم که شخصی وفات کرده و یك برادر دارد ؛ فرمود ترکهٔ او متعلق ببرادر او است گفتم اگر با برادر مادری یك جدپدری هم باشد؛فرمود $\frac{1}{6}$ میراث رابه برادر مادری میدهند و بقیه بجد میرسد، حضورش عرض کردم اگر برادر پدری باشد حکم او چطوز است؛فرمود ترکه بطور تساوی میان آنها تقسیم میشود .

در کافی بسند خود ازحلبی روایت کرده گفت ازحضرت صادق علیه السلام پرسیدم اگر ورثهٔ متوفی عبارت باشند از برادران مادری با جد پدری ترکه را چگونه میان آنها باید قسمت نمود؛فرمود سهم برادران مادری ثلث ($\frac{1}{3}$)است و باقی $\frac{2}{3}$ بجد پدر تعلق دارد .

و نیز بسند خود ازمسمع روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال نمودم شخصی وفات کرده و برادران و خواهران مادری و جد پدری وارث او هستند ترکهٔ او چگونه تقسیم میشود ؛فرمود جداو بمنزلهٔ برادر پدری اوست و $\frac{2}{3}$ دو ثلث ترکه باو تعلق دارد و $\frac{1}{3}$ ثلث بقیه برای برادران و خواهران مادری است که بطور تساوی میان خود قسمت میکنند .

و در تهذیب بسند خود از محمدبن مسلم روایت کرده گفت ازحضرت باقر علیه السلام سئوال کردم ازسهم الارث پسر برادر پدری و پسر برادرمادری؛فرمود پسر برادرمادری سدس $\frac{1}{6}$ میبرد و باقیمانده که $\frac{5}{6}$ است سهم برادر پدری است و همچنین است اگر دختر برادرپدری بادختر برادر مادری باشد برای دختر برادر مادری $\frac{1}{6}$ است دختر برادر پدری $\frac{5}{6}$ ترکه را میبرد .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و در فقیه بسند خود از ابن سنان روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم شخصی وفات کرده و اقرباء او عبارتند ازبرادران و خواهران پدری و جد پدری ؛فرمود جد او مانند یکی از برادران است و ترکه درمیان ایشان ازقرار ذکور دوبرابر اناث تقسیم میشود .

و نیزازابوربیع روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود که امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده برادر پدری باجدارث میبرد وجداو بمنزلهٔ برادر است .

و نیزاز محمدبن مسلم روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود جدشخص متوفی مانند یکی از برادران پدری او میباشد و نیزازجا برجعفی روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمودجد قسمت میکند ترکه رابابرادران متوفی هرچندکه برادران صدنفرباشند. ودر کافی بسند خودازابوعبیده روایت کرده گفت خدمت حضرت باقر علیه السلام عرض کردم شخصی وفات کرده وزوجه وخواهر و جد دارد ؛فرمود ترکهٔ او را چهار قسمت میکنند ۱/۴ آن را بزوجه و ۳/۴ دیگررا بخواهر و ۲/۳ بقیه بجد تعلق دارد . و نیزازابونقیل روایت کرده گفت حضورحضرت صادق علیه السلام کتاب فرائض امیرالمؤمنین علیه السلام را مشاهده نمودم در آن کتاب دیدم رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده بودند جد متوفی با برادران ارث میبرد هرکجاکه برادران ارث میبرند همچنین جده شخص متوفی مانند خواهر ارث خواهدبرد .

در کافی بسند خود ازکناسی روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود برادر پدر و مادری اولی است ازبرادر پدری به تنها و پسر برادر پدر و مادری مقدم است بر پسر برادرپدری .

در تهذیب از حرث اعور روایت کرده گفت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود اعیان بنی ام ارث میبرند نه بنی علات یعنی برادران مادری تنها ارث خواهند برد با برادران پدر مادری تنها ولی برادران پدری تنها که پسران زن پدر است از مادر دیگر ارث نخواهند برد .

در فقیه بسند خود از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود اعیان بنی ام احق است برارث از بنی علات . یعنی با وجود برادر وخواهر پدرمادری برادروخواهر پدری تنها ارث نمیبرند واحادیث باین مضمون بسیار است .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

طبقهٔ سوم

طبقهٔ سوم در ارث عبارتند از عمو و عمه و دائی و خاله و فرزندان ایشان که هرگاه از طبقه اول ودوم کسی وجودنداشته باشد وارث متوفی اشخاص مزبورمیباشند و در این طبقه پنج حالت ممکن است تصور نمود :

اول - ورثه یا چند نفرعمو ویا عمه بتنهائی میباشند که در این فرض ترکه میان آنها بتساوی قسمت میشود مشروط بر آنکه همه ابوینی و یا ابی و یا امی باشند .

دوم - عمو و عمه مجتمعاً هستند در اینصورت اگر تمام آنها مادری باشند ترکه در بین آنان بطور متساوی تقسیم میشود واگرهمه ابوینی و یا ابی تنها بودند بذکور دوبرابرانات ارث داده میشود واگربعضی امی وبعضی دیگر ابوینی ویاابی باشند دراین فرض اگرطرف امی منحصربفرد باشدسدس $\frac{1}{6}$ باو میدهند و بقیه را بابوینی ویا ابی تقسیم مینمایند واگرچندنفرشدند یك ثلث $\frac{1}{3}$ با قرباءامی ودوثلث باقرباء پدری میدهند

سوم- آنست که خاله ویا دائی بتنهائی باشنددراینصورت میراث را بالسویه میان آنها تقسیم مینمایند و همینطور است .

حالت چهارم- که اجتماع دائی ها با خاله ها باشد دراین فرض هم ترکه بطور متساوی میان آنها قسمت میشود .

حالت پنجم - وراث عبارتند از عمو و دائی وخاله که همه جمع باشند در این حال بدائی و خاله که از اقرباء مادری است اگر متعدد بودند $\frac{1}{3}$ ثلث میدهند و $\frac{2}{3}$ بقیه بعمو و عمه میرسدکه آنها بقرار ذکور دوبرابرانات میان خود قسمت مینمایند و همین طور است اگربجای هریك ازآنها فرزندانشان باشند و در تمام طبقات سه گانه زوج و زوجه نصیب خود را اخذ میکنند وهرگاه سهام از ترکه زیادتربشود همیشه نقص در طرف اقرباء پدری است .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

جدول طبقه سوم

عمو ـ عمه

سهم عمو ٣/٤ تمام ترکه
« عمه ١/٤ « «

عمو ـ عمه ـ زوج

سهم عمو ٢/٦ ترکه
« عمه ١/٦ «
« زوج ٣/٦ «

دائی ـ خاله ـ زوج

سهم دائی ١/٤
« خاله ١/٤
« زوج ٢/٤

اعمام ـ اخوال

عمو ٨/١٨ تمام ترکه
عمه ٤/١٨ « «
دائی ٣/١٨ « «
خاله ٣/١٨ « «

اعمام ـ اخوال ـ زوجه

اعمام ٥/١٢ ترکه
اخوال ٤/١٢ «
زوجه ٣/١٢ «

عمو یا عمه یا دائی یا خاله

سهم عمو باعمه ٥/٦ ترکه
« دائی باخاله ١/٦ «

دائی ـ خاله

سهم دائی ١/٢ تمام ترکه
« خاله ١/٢ « «

عمو ـ عمه ـ زوجه

سهم عمو ٢/٤ ترکه
« عمه ١/٤ «
« زوجه ١/٤ «

دائی ـ خاله ـ زوجه

سهم دائی ٣/٨ ترکه
« خاله ٣/٨ «
« زوجه ٢/٨ «

اعمام ـ اخوال ـ زوج

اعمام ١/٦ ترکه
اخوال ٢/٦ «
زوج ٣/٦ «

عمو ـ عمه ـ خاله یا دائی

سهم عمو ١٠/١٨ ترکه
« عمه ٥/١٨ ترکه
« خاله یا دائی ٣/١٨ «

اعمام وعمات ابی وامی

سهم ابی ٢/٣
« امی ١/٣

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و شرط است در ارث بردن و ارثی از مورث خود که متصف بصفات سه گانه زیر نباشد والا وارث نخواهد بود واگر در آن مرتبه وارث دیگری بود ارث را او میبرد و اگر نبود مرتبهٔ بعد از آن ارث را خواهند برد.

اول - وارث باید کافر نباشد پس شخص یهودی و نصرانی وفرق کفار ازمسلمان ارث نخواهند برد ولی ازمورث کافرارث میبرند آنهم دروقتی که آن کافروارث مسلمانی نداشته باشد.

دوم - باید وارث قاتل مورث خود نباشد اعم ازاینکه مباشرقتل بوده یا سبب یعنی دیگری را وادار قتل نموده یا با غیری شرکت در قتل نموده باشد پس کسی که عمداً مورث خود را بقتل رسانده باشد ازارث محروم میشود خواه آن قاتل وارث نسبی باشد مانند پدر و فرزند و سایر اقربا نسبی یا آنکه وارث سببی باشد مثل آنکه شوهر عیال خود را یا زوجه زوج خود را بقتل برساند.

سوم - باید وارث بنده نباشد چنانچه شخصی وفات کند و وارث او بنده و آزادی است آن بنده ارث نخواهد برد.

و نیز شرط است در وارث نسبی که نسب او از راه حلال باشد ومورث او این نسب را انکار نکند پس فرزندی که از زنا متولد شده و یا فرزند ملاعنه ارث نخواهند برد

و دیگر از شرایط بردن ارث زنده بودن وارث است و اگر جنین باشد باید زنده متولد شود و چنانچه مرده متولد شد ارث نمیبرد ولی اگر زنده بدنیا آمد و بعدفوت کرد سهم الارث او را وارث او خواهد برد.

اما حاجب کسی را گویند که مانع ارث بردن دیگری شود و یاسبب گردد که دیگری نصیب بیشتری ببرد اول مانند فرزند است که مانع آنست برادر و خواهر و یا فرزند زاده ارث ببرند پس هرنزدیکتری مانع ازارث بردن دورتر میباشد اگرچه هردو از یك طبقه باشند چنانچه در قرآن کریم میفرماید:

و اولوالارحام بعضهم اولی ببعض -

و دوم نیز یا فرزند است که مانع میشود پدر و مادر زیادتر از سدس $\frac{1}{6}$ ارث ببرند و از ارث بردن شوهر بیشتر از ربع $\frac{1}{4}$ و زوجه بیشتر از ثمن $\frac{1}{8}$ و یا

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

از مانع دو برادر یا یك برادر و دو خواهر یا چهار خواهر میباشند که مانع میشوند مادر بیش از ثلث ارث ببرد ولی شرایطی دارد اول آنکه کافر و بنده نباشند دوم پدرزنده باشد سوم برادرپدر مادری یا پدری تنها باشند پس برادران مادری حاجب مادر نیستند

اما مدرك این احکام احادیث معتبرهٔ است که ذیلا بیان میشود :

درتهذیب بسند خود از ابوایوب روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود که درکتاب امیرالمؤمنین است که فرموده عمه بمنزلهٔ مادرودختر برادر درحکم برادر است و هر صاحب رحمی بمنزله آن رحم است که کشیده شود بر آن رحم مگر آنکه ورثهٔ نزدیکتر بمیت باشد که آن صاحب رحم را از ارث بردن منع کند.

در کافی از ابوبصیر روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام فرائض ارث راپرسیدم فرمودند میخواهی کتاب امیرالمؤمنین علیه السلام را بتونشان دهم ؟ عرض کردم آیا کتاب آنحضرت مندرس وکهنه نشده ؟ فرمود آن کتاب هرگز فرسوده و کهنه نخواهد شد سپس کتاب مجللی را آوردند در آن کتاب بود هرگاه شخصی وفات کند و وارث او عمو و دائی باشند سهم الارث عمو دو ثلث ⅔ و دائی یك ثلث ⅓ ترکه میباشد. ونیز از ابومریم روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود از ترکه متوفی برای عمه ⅔ و برای خاله ⅓ است. ونیز از کناسی روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود عموی پدر مادری تواولی است برعموی پدری و پسر عموی پدر مادری مقدم است بر پسر عموی پدری (مراد آنست که برادر پدر مادری پدر شخص مقدم است بر برادر پدری پدر)

و هرگاه شخصی ازطبقات سه گانه و ارثی نداشته باشد و ارث او امام زمان علیه السلام میباشد و این را ولاء گویندچنانچه در کافی از محمدبن مسلم روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود اگر کسی بمیرد ورثه و قرابتی نداشته باشد ترکهٔ او جزء انفال است

و در تهذیب از ابن عمار روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود چنانچه بنده‌ای را در راه خدا آزاد نمایند اگر بخواهد برای خودش ولی بگیرد هرکس ولی او شود ترکهٔ ومال آن بندهٔ آزادشده تعلق باودارد و نیز دیهٔ جنایات او برذمهٔ ولی میباشد و اگر ولی برای خود انتخاب نکرد تاوقت نمود مال او جزء انفال است ودرزمان غیبت امام، ائمه

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

معصومین اجازه داده‌اند که آن اموال را بمصرف بینوایان شهر و وطن او برسانند چنانچه در کافی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود امیرالمؤمنین مال و میراث شخص بدون وارث را بفقراء بلد آن شخص میداده‌اند .

عیاشی بسند خود از صادقین علیهما السلام روایت کرده در آیه یوصیکم الله فی اولادکم تا آخر فرمودند حضرت فاطمه علیهاسلام نزد ابوبکر رفت و میراث پدر بزرگوار خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مطالبه نمود ابوبکر باو گفت از پیغمبران ارث برده نشود آن حضرت باو فرمود آیا کافر شدی و تکذیب قول خدا و قرآن را مینمائی و آیه را تلاوت کرد

در کافی بسند خود از یونس بن عبدالرحمن روایت کرده گفت حضور حضرت رضا علیه السلام عرض کردم فدایت شوم چگونه درارث، زن نصف بهرهٔ و سهم مرد را میبرد و حال آنکه زنان ضعیف هستند؟ فرمود خداوند مرد را بر زنان بدر جاتی چند فضیلت و برتری داده برای آنکه زن عیال مرد است و مخارج او را مرد می‌پردازد دیگر آنکه همینکه زن شوهر کرد از مرد مهریه میگیرد و مرد که ازدواج کند باید مهریه بدهد بزن از این جهت مساوی میشوند .

و نیز از محمد بن مسلم روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام کتاب ارثی که با املاء پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و بخط امیرالمؤمنین علیه السلام بود بر من قرائت فرمود یافتم در آن کتاب هرگاه مردی فوت کند و جا بگذارد یکدختر و مادری، برای دختر نصف میباشد که سه سهم است و برای مادرش یك که یك سهم است و قسمت میشود مال برچهار بخش سه جزء مال دختر و یك جزء مال مادر است یعنی وقتی ترکه را شش قسمت نمودیم سه قسمت مال دختر و یکقسمت مال مادر است بفرض و دو قسمت زیادی هم بهمین نسبت تقسیم میشود بسبب قرابت میان دختر و مادر که در نتیجه مال چهار قسمت میشود سه قسمت مال دختر و یکقسمت مال مادر است مثلا اگر ترکه را دوازده فرض کنیم شش قسمت بفرض مال دختر و دو قسمت که شش یك است مال پدر یا مادر چهار باقی میماند که اگر بهمان نسبت قسمت کنیم سه تای دیگر مال دختر و یکی مال مادر و باین ترتیب مجموع سهم دختر ۹ میشود که سه ربع است و مجموع سهم مادر سه که یکربع میباشد و همچنین است حکم هرگاه بجای مادر پدر به تنهائی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

باشد و اگر پدر و مادر هر دو باشند برای هریك شش یك است و برای دختر نصف و یك سهم زیادی هم بهمان نسبت میان آنها تقسیم میشود که در نتیجه مال بر پنج قسمت میشود سه قسمت از برای دختر و یکقسمت از برای مادر و دیگری از برای پدر مثلا هرگاه ترکه را سی فرض کنیم پانزده سهم مال دختر است که نصف باشد و برای پدر و مادر ۱۰ سهم که هر کدام شش یك میشود باقی میماند پنج سهم که سه سهم آن متعلق بدختر است و از دو سهم بقیه پدر و مادر هر یك یکسهم میبرند .

در تهذیب بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اول چیزی که از مال میت پرداخت میشود کفن اوست سپس دین و بعداز آن وصیت و بعداز وصیت میراث است .

عیاشی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند پدر و مادر را برتمام وراث داخل نموده و هیچوقت نصیب آنها کمتر از شش یك نمیشود .

در کافی بسند خود از زراره روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود ای زراره چه میگوئی درمردی که وفات کرده و پدرومادرو برادرمادری دارد ؟ حضورش عرض کردم برای مادرشش یك است ومابقی مال پدر است ، فرمود ازروی چه این حکم را نمودی عرض کردم خداوندرقرآن میفرماید فان کان له اخوة فلامه السدس فرمود وای بر تو ای زراره مراد از اخوة در آیه برادر پدری یا پدر مادری هر دو میباشد ولی اگر برادر مادری بتنهائی باشد مانع مادر نشود از ثلث بردن وعیاشی بسند خود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند زن و شوهر را داخل نموده با تمام وراث و نصیب آنها هرگز از چهاریك و هشت یك کمتر نمیشود .

در کافی بسند خوداز حضرت باقر علیه السلام روایت کرده در آیه واللاتی یاتین الفاحشة تاآخرفرمود سوره نور بعد از سورهٔ نساء نازل شده و گواه این مدعا وجود این آیه درسورهٔ نساء و آیهٔ والزانیة والزانی درسورهٔ نور است چه درزمان جاهلیت اگرمردی زنا میکرد مرد راآزار و اذیت نموده وزن را در خانه زندانی میکردند تا بمیرد بدوا اسلام این حکم را امضاکرد سپس بآیه الزانیة والزانی که در سوره نور است نسخ شد

در کافی از جمیل بن دراج روایت کرده در آیه انما التوبة علی الله تا آخرآیه

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ومن يعص الله و رسوله و يتعد حدوده يدخله ناراً خالداً فيها و له عذاب مهين (١٤) واللاتي يأتين الفاحشة من نسائكم فاستشهدوا عليهن اربعة منكم فان شهدوا فامسكوهن في البيوت حتى يتوفيهن الموت او يجعل الله لهن سبيلاً (١٥) واللذان يأتيانها منكم فاذوهما فان تابا و اصلحا فاعرضوا عنهما ان الله كان توّاباً رحيماً (١٦) انما التوبة على الله للذين يعملون السوء بجهالة ثم يتوبون من قريب فاولئك يتوب الله عليهم و كان الله عليماً حكيماً (١٧)

گفت حضرت صادق عليه السلام فرمود هرگاه جان بگلو رسید وبدست مبارك اشاره بحلقوم نمود دیگرجای توبه کردن نیست و این آیه را قرائت فرمود .

وابن بابویه درفقیه ازپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که در آخرخطبه ای فرمود هر کس یکسال پیش ازمردنش توبه کند خداوند توبهٔ اورا قبول کند بعد فرمودیکسال زیاداست یکماه بازفرمودیك روزومجدداً فرمودیکساعت بعدفرمودیکساعت هم زیاداست هر کس پیش از آنکه روح بحلقومش برسد وتوبه کندتوبه اوقبول است وحضرت صادق عليه السلام فرمود هرگاه محتضر احوال آخرت را مشاهده کند دیگر توبهٔ او پذیرفته نمیشود .

در کافی ازحضرت صادق عليه السلام روایت کرده فرمودمثل ابوطالب مثل اصحاب کهف است که ایمان را پنهان نموده و اظهار شرك کردند و خداوند بابوطالب دو اجر عطا خواهد فرمود .

در امالی از حضرت امام حسن مجتبی عليه السلام روایت کرده فرمود خویشی وقرابت بمشرك نفع میرساند ولی بخدا قسم برای مؤمن نفعش بیشتر است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بعمویش ابوطالب در حال موت فرمود شهادتین اظهار کن تا من روز قیامت شفاعت ترا بنمایم واین بیان را آنحضرت بعمویش نمیفرمودمگر آنکه یقین داشت بایمان ابوطالب و این اظهار ایمان در آخرعمر مختص بحضرت ابوطالب است واز کسی دیگر پذیرفته

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و هر که معصیت خدا و رسول کند و از حدود او تجاوز نماید داخل کند او را
بآتشیکه همیشه در آن معذب باشد وبرای اوخواری و ذلت خواهد بود (١٤) زنانیکه
عمل ناشایسته کنند چهار شاهد بر آنها بخواهید اگر گواهی دادند آنانرا در خانه
حبس کنید تا بمیرند یا خدا راهی برای آنها معین کند (١٥) هر کس از زن
و مرد مسلمان مرتکب عمل زشت شود آنها را بملامت و سرزنش
بیازارید وچنانچه توبه کنندمتعرض آنان نشوید خداوند توبه پذیر
وبخلایق مهربانست (١٦) خدا توبهٔ آنهائیرا می پذیرد که
از روی نادانی مرتکب عمل زشتی شدند وپس از آنکه
ببدی آنعمل دانا شدند بزودی توبه کنند پس خداهم
آنانرا ببخشد واوبمصالح امور دانا و آگاهست (١٧)

نمیشود چنانچه خداوند میفرماید «ولیست التوبة للذین یعملون السیئات (ومخفی نماند
که این روایت بصورت ظاهر میخواهد ایمان ابوطالب را ثابت کند برای منکرین زیرا
آنحضرت اینحدیث را بمعاویه فرمود والا میان امامیه جای هیچگونه شبهه‌ای نیست که
ابوطالب از اول ایمان آورد و برای حفظ جان پیغمبر و نگهبانی آنحضرت ایمان خود
را پوشیده داشت و در این باب روایات زیادی از امامیه است از جمله روایتی که در
فوق ذکر شد.

و از ابن عباس روایت کرده‌اند که روزی ابوطالب به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کرد
ای پسر برادر تو پیغمبر مرسلی علیه السلام فرمود آری گفت پس معجزه ای بمن نشان بده درختی
را خواند از جایش حرکت کرد و حضور پیغمبر آمد و شهادت داده برگشت و بجای
خود قرار گرفت ابوطالب گفت شهادت میدهم که تو پیغمبر راستگوئی میباشی (ومراد
بایمان هم ایمان بدین مقدس اسلام است والاحضرت ابوطالب وسایر اجداد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم
و امیرالمؤمنین علیه السلام تا حضرت آدم همه موحد وخدا پرست بودند.

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وليست التوبة للذين يعملون السيئات حتى اذا حضر احدهم الموت قال انى تبت الان ولا الذين يموتون وهم كفار اولئك اعتدنا لهم عذابا اليما (١٨) يا ايها الذين آمنوا لا يحل لكم ان ترثوا النساء كرها ولا تعضلوهن لتذهبوا ببعض ما آتيتموهن الا ان يأتين بفاحشة مبينة و عاشروهن بالمعروف فان كرهتموهن فعسى ان تكرهوا شيئا و يجعل الله فيه خيرا كثيرا (١٩) وان اردتم استبدال زوج مكان زوج و آتيتم احديهن قنطارا فلا تأخذوا منه شيئا اتأخذونه بهتانا و اثما مبينا (٢٠) و كيف تأخذونه و قد افضى بعضكم الى بعض و اخذن منكم ميثاقا غليظا (٢١)

بانوانی که ازدواج باآنها حرام است

قوله تعالی : حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم و اخواتکم تا آخر آیه

در آیات گذشته احکام ازدواج را بیان فرمود ودراین آیه بانوانی راکه ازدواج با آنها تحریم گردیده بیان شده که بموجب آن دوازده دسته از زنان هستند که بعضی بعلت سبب و برخی ازجهت نسب ازدواج آنها حرام گردیده .

آنانی که بواسطهٔ نسب حرام است ازدواج باآنها هفت صنف میباشند :

اول ـ مادر و جده خواه پدری باشد یا مادری .

دوم ـ دختر ونوادگان دختری هرچه پائین برود .

سوم ـ دختران پسر هرقدر که پائین روند .

چهارم ـ خواهر وفرزندان آنهاخواه ابوینی باشند یا آنکه پدری ویامادری تنها

پنجم ـ عمه ها و عمه پدر هرچه بالا بروند .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و نیست توبه برای کسانیکه تمام عمر خود را بزشتی گذرانده اند ودرموقع مرگ اظهار پشیمانی کنند و نه آنهائیکه بحال کفرمیمیرند برای این دوطایفه عذاب دردناکی مهیا باشد (١٨) ای اهل ایمان حلال نیست برای شما باکراه زنانرا ارث بگیرید و بر آنها بهانه جوئی کنید تا بخشی از مهر آنانرا بجوروستم بگیرید مگر آنکه عمل زشتی ازایشان سر بزند وبا آنها خوش رفتاری کنید چنانچه دل پسند شما نباشند اظهار کراهت نکنید چه بسا ناپسندها ست که خدا برای شما در آن خیر زیادی قرارداده است (١٩) اگر خواستید زنی را رها کنید و دیگریرا بجای او اختیار کنید و مال بسیاری باو داده اید مبادا چیزی ازاو بگیرید آیا میخواهید بوسیله تهمت چیزی از عیال خود بازستانید در اینکار گناهی آشکار خواهد بود (٢٠) وچگونه مهراورا خواهید گرفت وحال آنکه هرکس بمباشرت وحق خودرسیده و آن مهرادر مقابل زوجیت و عهد محکم خدا از شما گرفته اند (٢١)

ششم ـ خاله ها وهمچنین است خاله مادر و پدر.

هفتم ـ دختر های برادر اعم ازآنکه آن برادر ابوینی باشد یا مادری و یا پدری تنها.

در کافی بسند خود ازحلبی روایت کرده گفت ازحضرت صادق علیه السلام سئوال نمودم که کدام یك از زنان برمرد حلال نیست؟ فرمود مادران شما که شامل مادر پدر یعنی جده پدری و مادر مادر یعنی جده مادری ودخترانتان که نوادهٔ پسران ونوادهٔ دختران نیز جزء آنها است و خواهرهای شما چه پدر مادری و یا پدری تنها باشد و عمه ها که خواهرپدری و یا مادری پدر شما باشد و خاله ها خواه پدر مادری و یا مادری و پدری مادرتان باشد و دختران برادر اعم از پدر مادری و یا پدری و یا مادری و نیز دختران خواهرشما حرام است.

اما سبب یابعلت مصاهره (زناشوئی) است و آن وقتی است که مردی بازدواج شرعی با زنی نزدیکی نماید مادر زوجه و مادر ما در او هرچه بالا رود ودختران آن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَلاتَنْكِحُوا مانَكَحَ آباؤُكُمْ مِنَ النِّساءِ اِلّا ماقَدْ سَلَفَ اِنَّهُ كانَ فاحِشَةً وَ مَقْتاً وَ ساءَ سَبيلا (٢٢) حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ اُمَّهاتُكُمْ وَ بَناتُكُمْ وَ اَخَواتُكُمْ وَ عَمّاتُكُمْ وَ خالاتُكُمْ وَ بَناتُ الْاَخِ وَبَناتُ الْاُخْتِ وَ اُمَّهاتُكُمُ اللّاتي اَرْضَعْنَكُمْ وَ اَخَواتُكُمْ مِنَ الرَّضاعَةِ وَ اُمَّهاتُ نِسائِكُمْ وَ رَبائِبُكُمُ اللّاتي في حُجُورِكُمْ مِنْ نِسائِكُمُ اللّاتي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَاِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلا جُناحَ عَلَيْكُمْ وَ حَلائِلُ اَبْنائِكُمُ الَّذينَ مِنْ اَصْلابِكُمْ وَ اَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْاُخْتَيْنِ اِلّا ماقَدْ سَلَفَ اِنَّ اللّهَ كانَ غَفُوراً رَحيماً (٢٣)

زن که ربیبه باشد هراندازه پائین برود خواه ولادت دختران پیش ازدواج با مادرشان بوده یا بعداً متولد شوند بر آن مرد حرام است و خواهران او تا هنگامی که آن زن در قید زوجیت آن مرد باقی است حرام میباشد ولی اگراو را طلاق بائن دادبعد از طلاق واگررجعی بودبعد از گذشتن عده میتواند با خواهران آن زن ازدواج نماید و بدون اذن و اجازه او با دختران خواهر و دختران برادر آن زن نمیتواند ازدواج کند و اگر کرد باطل میباشد و بر آن زن نیز پدران و پسران شوهر حرام میشود هر چه بالا روند و یا هرچه پائین برود .

علی بن ابراهیم ذیل آیه ولاتنکحوا مانکح اباؤکم ازابی‌جارود روایت کرده گفت فرمود حضرت باقر (ع) در زمان جاهلیت تا اوایل اسلام عادت براین بود اگر مردی فوت میکرد و عیالی داشت وارث انمرد متوفی جامهٔ بر آن زن می‌انداخت واو را بهمان مهریکه مرد متوفی قرار داده بود بارث میبرد و آنزن مانند سایر اموال میت بارث برده میشد وقتیکه ابوقیس بن اسلت فوت کرد محصن بن ابی‌قیس پارچه‌ای برسرزن پدرش کبیشه دختر معمر بن‌معبد انداخت و او را بارث برد ولی بدون آنکه او را نفقه دهد یا با او مباشرت کند نگاه داشت کبیشه خدمت پیغمبر اکرم شرفیاب شد عرض کرد ابی‌قیس وفات

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و نکاح نکنید زنان پدر خود را مگر آنچه در زمان جاهلیت گذشته چه این کارزشت و قبیح ومبغوض خداوند است (٢٢) حرام شد برشما ازدواج با مادر وخواهر ودختر و عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر و مادران و خواهران رضاعی و مادر زن و دختران زن که در دامن شما تربیت شده‌اند بشرط آنکه با مادر مباشرت کرده باشید و اگر نکرده باشید وطلاق دهید باکی نیست با دختر او ازدواج کنید و نیز حرام است زن فرزند صلبی و جمع میان دو خواهر مگر آنچه پیش ازنزول این حکم واقع شده خداوند بخشنده و مهربانست (٢٣)

و یا سبب بجهت شیردادن و شیرخوردن است که این را رضاع گویند باشرایط مخصوصی که ذیلابیان میشود پس هرگاه بانوئی طفلی‌را شیردادشیردهنده بمنزله مادر و شوهر او درحکم پدر و فرزندانش مثل برادر و خواهران طفل میشوند .

ابن بابویه در فقیه بسند خود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده حرام میشود در رضاع همان کسانی که درنسب حرام بودند و عین این حدیث را در کافی وتهذیب بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند

و شرایط معتبره دررضاع چند چیز است :

اول باید شیر در اثر نکاح صحیح حاصل شود و اگر در اثر زنا باشد یابخودی

کرده و پسرش مرا بارث برده نه‌انفاق میکند برمن و نه‌مباشرت و نزدیکی میناید و نه مرا رها میسازد تا بعشیره وا هل خود برگردم فرمود پیغمبراکرم باو برگردبخانه‌ات شاید در این باره آیه وحکمی نازل شود وتورا مطلع نمایم آیه فوق نازل شد و کبیشه بعشیره واهل خود برگشت و در مدینه مانند کبیشه زنانی بودند که بارث در اختیار وراث قرارگرفته بودند اما ارث برندگان از فرزندان آنزن مرد متوفی نبودند بلکه غیر از فرزند او بودند .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

والمحصنات من النساء الا ما ملكت ايمانكم كتاب الله عليكم واحل لكم ما وراء ذالكم ان تبتغوا باموالكم محصنين غير مسافحين فما استمتعتم به منهن فاتوهن اجورهن فريضة و لا جناح عليكم فيما تراضيتم به من بعد الفريضة ان الله كان عليما حكيما (٢٤) و من لم يستطع منكم طولا ان ينكح المحصنات المؤمنات فمن ما ملكت ايمانكم من فتياتكم المؤمنات والله اعلم بايمانكم بعضكم من بعض فانكحوهن باذن اهلهن و آتوهن اجورهن بالمعروف محصنات غير مسافحات و لا متخذات اخدان فاذا احصن فان اتين بفاحشة فعليهن نصف ما على المحصنات من العذاب ذلك لمن خشي العنت منكم وان تصبروا خير لكم و الله غفور رحيم (٢٥)

خود جاری شود سبب حرمت نشود چنانچه در کافی از یونس روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردم چه میفرمائید در آن طفلی که از شیر بانوئی خورده که او بدون ولادت جاری شده آیا مانند شیر ولادت سبب حرمت میشود یا خیر؟ فرمود حرام نمیشود و اینحدیث را در کافی وتهذیب بسند دیگر از آنحضرت روایت کرده‌اند دوم باید شیر یك شوهر باشد یعنی اگر زنی از شوهر اول طفلی را شیر دهد وبعد از متارکه وطلاق شوهری دیگر نماید و دایه طفل دیگری شود این دوطفل بر یکدیگر حرام نمیشوند.

سوم باید آن طفل بیش ازدوسال نداشته باشد واورا ازشیر بازنگرفته باشند هر گاه پس ازگذشتن دوسال یا باز داشتن از شیر بود اثری ندارد و سبب حرمت آن نمیشود چنانچه در کافی ازفضل روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود شیری که سبب حرمت میشود آنست که پیش از دو سال و قبل از باز داشتن طفل از شیر باشد.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

زنان شوهر دار بر شما حرام است مگر زنانیکه در کارزار با کفار بحکم خدا مالك شده اید برشماست که پیروی کتاب خدا بنمائید وغیر اینها که بیان شد حلال است که بطریق زناشوئی بگیرید نه آنکه زنا کنید و چنانچه از آنها بهره‌مند و لذت بردید پس باید مهر واجرت آنان را بپردازید و باکی نیست برشما که بعد از تعیین مهر هم بچیزی با هم رضایت بدهید همانا خداوند دانا و آگاهست (٢٤) هر کس توانائی ندارد که زنان آزاد باایمان بگیرد از کنیزان مؤمنه که مالك شده‌اند بزنی اختیار کند و خدا بایمان شما داناتر است بعضی از جنس بعض دیگر و در رتبه یکسانند پس با کنیزان مؤمنه با اذن مالك آنها ازدواج کنید و اجرت آنان بانچه تعیین شده بدهید ولی باید کنیزان عفیفه باشند نه زناکار و رفیق بازودوست پیدا کن پس چون شوهر کردند اگر عمل زشتی مرتکب شوند نصف زنان آزاد برانها حد جاری میکنند و این حکم کنیزان نسبت بکسی است که بترسد که بزحمت درافتد واگر صبر کند تا تمکن یافته و زن آزاد بگیرد بهتر است و خداوند بخشنده و مهربانست (٢٥)

چهارم باید آن مقدار بطفل شیر بدهد که گوشت او روئیده شود و استخوانش محکم گردد از اثر شیر خوردن و حد اقل آن یا یك شبانه روز تمام یا پانزده مرتبه پی در پی شیر دادن باشد چنانچه در تهذیب بسند خود از ابن سوقی روایت کرده گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم آیا برای رضاع اندازه ومقدار معینی میباشد؟ فرمودند بلی باید یك شبانه روز یا پانزده دفعه شیر پی در پی باشد واگر طفلی از از بانوئی ده بار شیر بخورد و از دیگری پنج مرتبه بخورد کافی نیست و سبب حرمت نمیشود وبسند دیگر از ابن رباب روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال نمودم مقدار شیری که سبب حرمت میشود چه مقدار است؟ فرمود آنقدر بخورد که گوشت طفل روئیده شود و استخوانش محکم گردد و باید هر بار آنقدر شیر بیاشامد تا سیر شود.

در کافی بسند خود از محمد بن مسلم روایت کرده در آیه حرمت علیکم امهاتکم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَ يَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (٢٦) وَاللّٰهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلاً عَظِيماً (٢٧) يُرِيدُ اللّٰهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً (٢٨) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيماً (٢٩) وَ مَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوَاناً وَ ظُلْماً فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَاراً وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيراً (٣٠)

تا آخر گفت حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام فرمودند اگر زنهای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با آیه ولا تنکحوا ازواجه من بعده ابداً حرام نمیشدند همانا بر حضرت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بموجب این آیه حرام بودند - ابن بابویه از ریان بن صلت روایت کرده گفت در مجلس مأمون جمع کثیری از مردم عراق و سایر بلاد دیگر بودند و حضرت رضا علیه السلام تشریف داشت رو کرد بمردم فرمود خبر بدهید مرا اگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم حیات داشتند آیا دختر و یا دختر دختر مرا صلاحیت داشت تزویج کند؟ عرض کردند خیر ایفرزند رسول خدا فرمود پس معلوم شد که ما اهل بیت پیغمبر هستیم و شما مردم از اهل پیغمبر نمیباشید و الا حرام بود بر پیغمبر اکرم دختران شما چنانکه حرام است دختران ما بر آنحضرت زیرا ما اهل او و شما امت آنحضرت میباشید و نیز روایت کرده بسند خود از حضرت موسی بن جعفر که بهارون الرشید فرمود اگر پیغمبر زنده شده و دخترت را خواستگاری بنماید آیا میدهی؟ عرض کرد سبحان الله چطور نمیدهم بلکه از این وصلت برعرب و عجم افتخار میکنم، حضرت فرمود اما آنحضرت از من دختر نمیخواهد ومنهم بآنحضرت دختر نمیدهم هارون گفت چطور نمیدهی؟ و از شما دختر نمیخواهد؟ فرمود برای آنکه من از ذریهٔ و نسل آنحضرت هستم و شما نیستید، هارون گفت احسنت ای ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام و نیز روایت کرده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خدا میخواهد احکام خود را برای شما بیان کند و شما را بآداب کسانیکه پیش بودند راهنمائی کند و برشما ببخشاید و خداوند دانا و آگاهست (٢٦) خدا میخواهد شمارا بیامرزدو آنانیکه پیروی از شهوات میکنند میخواهند شما مسلمانان را از راه حق و رحمت برگردانند (٢٧) وخداوند میخواهد برشما آسان گرداند چه انسان ناتوان و ضعیف آفریده شده است (٢٨) ای اهل ایمان مال یکدیگر رابباطل و نا حق نخورید مگر بوسیله تجارتیکه از روی رضا و رغبت باشد و خود کشی نکنید همانا خداوند بشما مهربانست (٢٩) و هر کس این اعمال رابجا آورد ازروی دشمنی و ستم بزودی اورا درآتش دوزخ بریم ویردن بسوی دوزخ برای خدا آسانست (٣٠)

بسند خود از ابی حمزه گفت از حضرت باقر سئوال نمودم که مردی زنی را تزویج نمود و قبل از اینکه باونزدیکی نمایداورا طلاق داد آیا حلال و جایزاست دختر آنزن را بنکاح در آورد؟فرمود بلی خداوند میفرماید **فان لم تکونوا دخلتم بهن فلاجناح علیکم** لکن اگر تزویج کنی دختری را بدون آنکه باونزدیکی کنی و طلاقش بدهی مادرش بر تو حلال نیست، حضورش عرض کردم چرا میان آنها فرق است مگر هردو مساوی نیستند؟فرمود خیر خداوند فرموده **وامهات نسائکم** وشرطی در این قرار نداده آنطور که دررباتب قرارداده است.عیاشی بسندخود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در آیه **والمحصنات من النساء** فرمود آنها زنهای شوهر دار هستند و محصنات صاحب کتاب زنان عفیفه یهود ونصاری میباشند.

و در کافی روایت کرده از ابی بصیر در آیه **فما استمتعتم به منهن** تا آخر آیه گفت از حضرت باقر علیه السلام سئوال نمودم که جواز متعه زنان در قرآن چیست؟ حضرت این آیه را قرائت فرمود.

وروایت کرده در کافی از حضرت صادق علیه السلام در آیه **ومن لم یستطع منکم طولا** فرمود مراد از طول مهر وصداق است

در کافی روایت کرده از صادقین ذیل آیه **فاذا احصن فان اتین بفاحشة** تا آخر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا

(٣١) وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا

وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

(٣٢) وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ

أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا (٣٣)

فرمودند بنده و کنیز هر گاه زنا کردند نصف حد بر آنها جاری میشود واگر تکرار کردند تا هفت دفعه در هرمرتبه نصف حد آزاد برایشان زده میشود و در دفعه هشتم آنان را بقتل میرسانند و فرمود حضرت صادق علیه السلام خداوند بشخص بنده ترحم نموده لذا لذا برای بندگیش دستورداده تا آنکه حاریشود براوحد آزاد لکن هردفعه بقدر نصف آزاد و از اینجهت فرموده بنده و کنیز زناکار را در مرتبه هشتم بقتل برسانند

عیاشی ازاسباط بن سالم روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام بودم مردی آمد از انحضرت آیه یا ایها الذین آمنوا لاتاکلوا اموالکم بینکم با لباطل را سئوال نمود فرمود مراد قمار وربااست ومراد از لاتقتلوا انفسکم آنست که یکی از مسلمانان بتنهائی بسوی منازل کفار و مشرکین برود و خود را بکشتن دهد خداوند این عمل را نهی فرموده

و نیز فرمود مردان وقتی که برای جهاد با پیغمبر اکرم میرفتند تنها بردشمن حمله مینمودند بدون اجازه واذن پیغمبر لذا خداوند در این آیه نهی فرموده آنها را از اینعمل که خود را بکشتن ندهند

ابن بابویه در کتاب فقیه ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس عمداً خودکشی و انتحار کند در آتش جهنم مخلد باشد.

عیاشی ازمیسر روایت کرده در آیه ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم تا آخر گفت من وعلقمه حضرمی وابوحیان عجلی و عبدالله بن عجلان بانتظار حضرت باقر علیه السلام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اگر از گناهان بزرك كه‌منع كردند شمارادوری بجوئید ما از گناهان دیگر درگذریم و بمقامی نیکوتر برسانیم شمارا (۳۱) آرزو نکنید در آن فضیلت و برتریکه خداوند بعضی را به بعض دیگر داده برای مردان از آنچه‌کسب نمودند بهره‌ای باشد و نیز برای زنان و در خواست کنید از فضل خداوندهمانا خدابهرچیز توانا است

(۳۲) ما برای هریك از ورثه حقی قرار دادیم از آنچه پدر و مادر وخویشان جای‌گذاشته اند وبا هر که پیمان بسته‌اید بهره اورابدهید هماناخداوند برهرچیزی گواماست(۳۳)

بودیم‌همینکه تشریف آورد بسوی ما توجه نموده‌و فرمود مرحبا بخدا قسم من‌دوست دارم روح وبوی شما را که بردین خدا میباشید علقمه حضورش عرض کرد هر کس بردین خدا باشد حضرتت شهادت میدهی که ازاهل بهشت است؟ حضرت قدری‌مکث نموده فرمود نفس خود را نورانی کنید اگر مرتکب گناهان کبیره نشوید من برای‌شما شهادت میدهم،حضورش عرض‌نمودیم گناهان کبیره چنداست؟ فرمود گناهان کبیره‌هفت است یکی شرك بخدا آوردن دوم مال یتیم خوردن سوم ربا خواری چهارم عاق پدر و مادر پنجم فرار از جهاد ششم کشتن مرد یا زن مسلمان هفتم نسبت زنا دادن بزنان عفیفه مسلمان عرض کردیم‌ما بحمدالله مرتکب این اعمال‌نشدیم فرمود پس شما اهل بهشت هستید.

و نیز روایت کرده از معاذبن کثیر گفت حضرت صادق علیه‌السلام بمن فرمود ای‌معاذ گناهان کبیره هفت‌است‌و همهٔ آنها رادشمنان ما نظر بعداوتی که‌باماداشتندمرتکب شده‌اند اول شرك بخداست آنچه را خداوند و رسولش فرمودند در باره ما ائمه آن دشمنان تکذیب کردند گفتار خدا و رسول‌را دوم‌قتل نفس کشتند امام‌حسین علیه‌السلام واصحاب اورا سوم عاق والدین خداوند فرموده **النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم و ازواجه امهاتهم وهواب لهم** پس عاق‌رسول خدا شدند در بارهٔ ذریه واهلبیت او پنجم نسبت نا شایسته دادن بزنان عفیفه و محصنه و در بالای منبر بناموس کبری و حضرت زهرا علیهاالسلام نسبت بی جاداده‌اند ششم‌خوردن‌مال یتیم، انفال وحقوقی که درقرآن برای ماازخمس واجب‌شده بودخوردند هفتم فرارازجهاد باامیرالمؤمنین

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

الرِّجالُ قَوّامُونَ عَلَى النِّساءِ بِما فَضَّلَ اللّهُ بَعْضَهُمْ عَلى بَعْضٍ وَ بِما
انْفَقُوا مِنْ اَمْوالِهِمْ فَالصّالِحاتُ قانِتاتٌ حافِظاتٌ لِلْغَيْبِ بِما حَفِظَ اللّهُ وَاللّاتِي
تَخافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَ اهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ
اَطَعْنَكُمْ فَلا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلاً اِنَّ اللّهَ كانَ عَلِيّاً كَبِيراً (٣٤)

از روی اختیار بیعت کرده و سپس ازاطراف انحضرت فرار کردند و اورا خوار نمودند و انکار حق مانمودند و تمام گناهان کبیره رادر مورد خاندان پیغمبر اکرم انجام دادند و در روایت ابی خدیجه از حضرت صادق علیه السلام دروغ بر خداو رسولش را نیز بر آن هفت افزوده است و در روایت حضرت رضا علیه السلام فرمود گناه کبیره گناهی است که سبب داخل شدن بجهنم بشود و منحصر بآنهانیست

در کافی روایت کرده از حضرت باقر علیه السلام در آیه **ولاتتمنوا مافضل الله** آن حضرت فرمود بندهٔ نیست مگر آنکه خداوند برایش رزق حلال لازم و مقدر کرده که در کمال خوشی باو میرسد و باو روزی حرام ازراههای دیگری عرضه میشود اگر اواز حرام چیزی بدست آورد خداوند تقاص میکند و بقدر حرامی که استفاده کرده از روزی حلال او کم میکند و غیر از این دو روزی فضیلت بسیاری برای مردم هست که اگر از خدا بخواهند بآنها عطا فرماید .

و عیاشی ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند ارزاق وروزی را میان بندگان خود تقسیم فرموده و فضل بسیاری رانزد خود نگاهداشته و قسمت ننموده و دستور فرموده که بندگان از آن زیادتی و فضل سئوال کنند تا عطا فرماید و فرموده **و اسئلوا الله من فضله** وجایز نیست که شخص حسرت و آرزوی مال مردم را بکشدو بگوید ایکاش آنهارا بمن داده بودند و خداوند باو نمیداد ولی اگر ازخدا درخواست کند که از فضل وکرمش باو هم عطا فرماید والبته اگر مصلحت باشد خداوند آن در خواست را باجابت خواهد رسانید .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مردان را برزنان تسلطی هست بواسطه آن برتری که خداوند بعضی را بربعضی دیگر داده و بجهت آنکه از مال خود بزنان باید نفقه بدهند پس زنان نیکو وفرمانبردار در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه راخدا بحفظ آن امرفرموده نگاهدارند و زنانیکه ازنافرمانی آنها بیمناك هستید نخست آنان را پنددهید اگرمطیع نشدند از خوابگاه خودتان دور سازید واگر باز فرمانبرداز نشدند آنها را تنبیه نمائید چنانچه اطاعت کردند بر آنها ستم نکنید همانا خداوند بزرگوار و بزرك منزلت است (٣٤)

در کافی از حسن بن محبوب روایت کرده گفت از حضرت رضا علیه السلام معنی آیه و لکل جعلنا موالی مما ترك الوالدان را سئوال کردم ؛ فرمود مراد از موالی در این آیه ائمه معصومین از آل محمد صلی الله علیه و آله می باشد که خداوند از برای آنها از شما مردم عهد و میثاق گرفته و نیز فرمود در زمان جاهلیت ارث را به برادر میدادند و بآنهائیکه بنده‌ای راآزاد مینمودند یا آنکه بایکدیگر سوگند یاد میکردند که از هم ارث ببرند و این رویه بموجب آیه و اولی الارحام نسخ شد.

حکم بانوانی که نافرمانی میکنند

قوله تعالی : **الرجال قوامون علی النساء** تا آخر آیه

طبرسی در مجمع از جمعی از صحابه روایت کرده که گفتند این آیه در بارهٔ سعیدبن عمر و زوجهٔ او حبیبه دختر زیدبن زهیر که از نقباء انصار بوده نازل شده و چگونگی آن بدینقرار است که روزی سعید عیالش را بعلت نافرمانی میزند حبیبه با پدر خود حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب و از سعید شکایت مینماید پیغمبر حکم قصاص و تلافی میدهد و همینکه پدر و دخترخواستند از خدمت پیغمبرمرخص شوند جبرئیل نازل شده و آیه را میآورد پیغمبر بآنها فرمود از قصد خود منصرف شوید واز قصاص صرفنظر کنید ما ارادهٔ امری نمودیم ولی خداوند دستور دیگری ابلاغ فرمود والبته آنچه خدا میفرمایداطاعتش واجب است وبانزول این آیه بمناسبت فضل وبرتری که خداوند بمردان عطا نموده قصاص ازشوهران برداشته شد زیرا در تلوآیه خداوند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اِنْ خِفْتُمْ شِقاقَ بَيْنِهِما فَابْعَثُوا حَكَماً مِنْ اَهْلِهِ وَ حَكَماً مِنْ اَهْلِها اِنْ يُرِيدا اِصْلاحاً
يُوَفِّقِ اللّٰهُ بَيْنَهُما اِنَّ اللّٰهَ كانَ عَلِيماً خَبِيراً (۳۵) وَاعْبُدُوا اللّٰهَ وَلا تُشْرِكُوا بِهِ
شَيْئاً وَ بِالْوالِدَيْنِ اِحْساناً وَ بِذِي الْقُرْبى وَالْيَتامى وَالْمَساكِينِ وَ الْجارِ ذِي
الْقُرْبى وَ الْجارِ الْجُنُبِ وَالصّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَ ما مَلَكَتْ اَيْمانُكُمْ
اِنَّ اللّٰهَ لا يُحِبُّ مَنْ كانَ مُخْتالاً فَخُوراً (۳۶) الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَ يَأْمُرُونَ النّاسَ
بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ ما آتاهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاَعْتَدْنا لِلْكافِرِينَ عَذاباً مُهِيناً (۳۷)
وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ اَمْوالَهُمْ رِئاءَ النّاسِ وَلا يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَلا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ
مَنْ يَكُنِ الشَّيْطانُ لَهُ قَرِيناً فَساءَ قَرِيناً (۳۸)

مرد را ولی امر زنان قرار داده و آنها را بواسطه زنان برتری بخشیده هم از نظر فزونی عقل و دانش و عزم ثابت مردان و هم آنکه مردها ملزم به تادیه نفقه و مهر بانوان هستند و پس از آن آیه حکم بانوان فرمانبردار و نافرمان را که با شوهران خود مخالفت میکنند بیان فرموده «واللاتی تخافون نشوزهن» تا آخر آیه بدیهی است برطبق دستور شارع مقدس برای هریك اززوجین حقی است که باید نسبت بیکدیگر مراعات نمایند همانطوریکه نفقه عیال برهمسرش واجب است تمکین و فرمانبرداری زن از شوهردر امور مشروعه و امتناع ننمودن از هم بستری وانواع خدماتی که باید انجام دهدواجب میباشد و چنانچه آثار نافرمانی و نشوز از زوجه ظاهر شود نخست باید او را پند و اندرز دهند و اگر اصلاح نشد با او بتندی و خشونت رفتار کنند و چنانچه باز مؤثر واقع نشود او را تنبیه نموده و میزنند اما طوری که آسیبی باو نرسد و مجروح نگردد و همینکه اطاعت نمود و تغییر رویه داد دیگر رفع شدت عمل نموده و کاری برخلاف محبت و وداد ننمایند اما اگر شوهر سر ناسازگاری داشته ورعایت وظیفه زوجیت نکند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اگر بترسید از نزاع میان زن وشوهر شخصی از بستگان مرد و دیگری از اهل زن بداوری اختیار کنید اگر قصد اصلاح داشته باشند خداوند آنان را بر اصلاح موفق گرداند وخدا بهرچیز داناو آگاه میباشد (٣٥) خدا را پرستش کنید وهرگز برای اوشریك قرار ندهید و نسبت بپدر و مادر وخویشان وفقیران وهمسایه بیگانه ورهگذران وبندگان نیکی ومهربانی کنید خداوند مردم خود پسند و متکبر را دوست نخواهد داشت (٣٦) کسانیکه بخل میورزند ومردم را وادار ببخل میکنند و آنچه را که خداوند از فضل خود بآنها عطا فرموده پوشیده میدارند البته مابرای آنان عذابی خوار کننده مهیا داشته‌ایم (٣٧) آنهائیکه اموال خود را از روی ریا وخود نمائی انفاق میکنند و بخدا و روز قیامت ایمان ندارند آنها یار شیطانند وهر که را شیطان یار باشد یار بدی خواهد داشت (٣٨)

مثلا از تأدیه نفقه و از مباشرت و هم بستری با زوجه خود داری کند حاکم شرع باید آنمرد را مجبور کند که حقوق واجبه را ادا نماید و اگر اختلاف از زن و مرد هردو باشد آنرا شقاق گویند (شقاق بمعنی دشمنی و مخالفت بین دو نفراست) که در این مورد بموجب آیه شریفه باید طرفین برای خود حکم معین کنند تا به نزاع آنها رسیدگی و رفع اختلاف نمایند.

در کافی بسند خود ازسماعة روایت کرده گفت ازحضرت صادق علیه السلام سئوال نمودم اگر حکمین از زوجین اختیار و اجازه گرفتند که یا اقدام باصلاح و یا آنکه حکم تفرقه بدهند آیامیتوانند میان ایشان تفریق کنند؟ فرمود بلی مشروط بآنکه زوجه درطهر غیر مواقعه باشد مجدداً عرض کردم اگرحکمین در امر تفریق و متارکه اختلاف پیدا کنند چه صورت دارد؟ فرمودند تفریق وطلاق ممکن نیست جز در حال اتفاق که اگر حکم بتفریق کنند نافذ خواهد شد.

و فرمود آن دو حکم بازن و مرد شرط میکنند که اگر بخواهند جداشوند

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و ماذا عليهم لو آمنوا بالله واليوم الاخر وانفقوا مما رزقهم الله وكان الله بهم عليماً (٣٩) ان الله لا يظلم مثقال ذرة وان تك حسنة يضاعفها ويؤت من لدنه اجراً عظيماً (٤٠) فكيف اذا جئنا من كل امة بشهيد وجئنا بك على هؤلاء شهيداً (٤١) يومئذ يود الذين كفروا وعصوا الرسول لو تسوى بهم الارض ولا يكتمون الله حديثا (٤٢) يا ايها الذين آمنوا لا تقربوا الصلوة وانتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون ولا جنبا الا عابري سبيل حتى تغتسلوا وان كنتم مرضى او على سفر او جاء احد منكم من الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتيمموا صعيداً طيباً فامسحوا بوجوهكم وايديكم ان الله كان عفواً غفوراً (٤٣)

وچنانچه مایل باشند برگردند و نمیتوانند و نباید بدون اذن هر دوی آنها حکم بطلاق و جدا شدن بدهند ـ زن و مردی خدمت حضرت امیر آمدند آن جناب یکنفر ازطرف مرد و یکی هم ازطرف زن فرستاد و بآن دو فرمود آیا میدانید بین آن دو نفر زن و شوهر چه حکم کنید باید حکم کنید اگر میخواهند با هم زندگی کنند و اگر نمیخواهند جدا شوند شوهر گفت من راضی بطلاق نیستم گفتند پس باید نفقه او را بدهی و حق رفتن نزد اورا نداری و اگر شوهر در این حال بمیرد زن آن مرد ارث میبرد و اگر زن بمیرد شوهر از آن زن ارث نمیبرد اگر زن بحکم حکمین راضی بوده و شوهر کراهت داشته باشد و اگر مرد راضی بوده وزن کراهت داشته آنزن ارث نمیبرد و نفقه هم باو نمیدهند لکن مرد از او ارث میبرد تا اینکه حکم حکمین را قبول کند.

ابن بابویه بسند خود ازحضرت امام حسن علیه السلام مجتبی در آیه الرجال قوامون

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و چه زیانی بآنان میرسد اگر بخدا و روز قیامت ایمان آورده و از آنچه خداوند روزی ایشان کرده انفاق مینمودند خداوند باحوال آنها داناست (٣٩)همانا خداوند بکسی بقدر ذرهٔ ستم نکند و هر عمل نیکی را زیادگرداند و از جانب خود بنیکو کاران پاداش بزرك مرحمت فرماید (٤٠) چگونه باشد حال مردمان در روز قیامت هنگامیکه امامان رابر آنها گواه آوریم وترا ای پیغمبر بر این امامان بگواهی خوانیم (٤١) در آنروز آنانیکه کافرشدندو نافرمانی رسول کردند دوست دارند که باخاك زمین یکسان بودند در آنروز یکه کتمان حق نمودند (غصب خلافت امیرالمؤمنین نمیکردند)و پنهان نیست کردار و گفتار آنها نزدخداوند (٤٢)ای اهل ایمان در حال مستی نزدیك نماز نیائید تا آنکه بدانید چه میگوئید و نه درحال جنابت مگر آنکه مسافر باشید تا وقتی که غسل کنید واگر بیمارید و نمیتوانید غسل کنید یادرسفر هستید یاقضاء حاجتی دست داده یابازنان نزدیکی نموده‌اید وآب نیافتیددراینصورت باخاك پاك تیمم کنید دست هاوصورت رابآن مسح کنید همانا خداوند بخشنده و آمرزنده است (٤٣)

علی النسا فرمود شخص یهودی خدمت پیغمبر آمد و مسائلی چند پرسید از آنجمله این بود : چیست فضیلت و برتری مردان بر زنان ؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود برتری مردان برزنان مانند برتری آسمانست برزمین ویا اهمیت آب برخاك که بواسطه‌وجود آب زمین زنده میشود و اگر مرد نبود خداوند زن را نمی آفرید و این آیه راتلاوت فرمود، یهودی گفت این فضیلت برای چیست؟ فرمود خداوند آدم را ازگل آفرید و از زیادی گل آدم حوارا خلق نمود اول کسی که اززنان اطاعت کرد آدم بود لذا او را از بهشت خارج نمودند و خدا فضیلت مردان رابیان فرموده است آیا نمی بینی چگونه زنان حیض میشوند و نمیتوانند خدا را عبادت کنند و مردها اینطور نیستند یهودی گفت ای محمد صلی الله علیه و آله راست میگوئی

عیاشی روایت کرده در آیه **واعبدوالله و لا تشرکوابه شیئا** از حضرت صادق علیه السلام فرمود رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از والدین است وامیر المؤمنین علیه السلام نیز

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

الم تر الی الذین اوتوا نصیباً من الکتاب یشترون الضلالة و یریدون ان تضلوا السبیل (٤٤) و الله اعلم باعدائکم و کفی بالله ولیاً و کفی بالله نصیراً (٤٥) من الذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه و یقولون سمعنا وعصینا واسمع غیر مسمع و راعنا لیاً بالسنتهم و طعناً فی الدین ولو انهم قالوا سمعنا واطعنا واسمع وانظرنا لکان خیراً لهم واقوم ولکن لعنهم الله بکفرهم فلا یؤمنون الا قلیلا (٤٦)

یکی دیگر ازوالدین است ابی بصیر گفت حضورش عرض کردم آیا درقرآن شاهدی بر این فرمایشاتتان میباشد؟ این آیه را قرائت فرمود.

ابن شهر آشوب از پیغمبر اکرم بسند خود روایت کرده فرمودمن و علی دوپدر این امت میباشیم و بعضی عاق علی میشوند.

محمدبن جریر بن خالد در کتاب مناقب روایت کرده که روزی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بامیرالمؤمنین فرمود از منزل بیرون رفته و بمردم اعلام کن و بگو آگاه باشید هر کس در اجرت و مزد با جیری ظلم کند لعنت خداوند بر او باد و هر کس با غیر موالی و بزرگان خود دوستی کند خداوند او را لعنت کند و هر کس پدر و مادرخود رادشنام دهد لعنت خدا براوباد امیرالمؤمنین مردمرا صدازد و فرمایشات پیغمبر اکرم را ابلاغ نمود عمرو جماعتی دیگراز مردم خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده عرض کردندبیاناتی که علی بمردم اعلام نمود تفسیر هم دارد؟فرمود بلی خداوند میفرماید «لااسئلکم علیه اجرا الاالمودة فی القربی» پس هر کهستم نماید بمادر اجرو مزد ماکه دوستی اهلبیت من است براو لعنت خدا باد و میفرماید«النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم» هر که را من مولای او هستم علی مولای اوست هر کس دوست بدارد غیرعلی وذریه او را بر او باد لعنت خداوند گواه باشید ای مردم من وعلی دوپدراین امت هستیم هر کس سبّ کند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیا ندیدی حال آنهائیکه بهره‌ای از کتاب عطا شد بآنان خریدند گمراهی را ومیخواهند شما مسلمانان را از راه راست گمراه گردانند (٤٤) خداوند داناتر است بدشمنان شما وکفایت کند دوستی خدا شما را و یاری خدا شما را کفایت کند (٤٥) بعضی از یهود تغییر دهند کلمات خدا را از جای خود و میگویند او امر خدا را شنیده و نافرمانی میکنیم و بزبان جسارت گویند بشنو ایکاش ناشنوا بودی و گویند مارا رعایت کن و گفتارشان تمسخر و زبان بازی در دین است و اگر میگفتند که ما فرمان حق را شنیده و ترا فرمانبردار یم و توسخن ما رابشنو وبحال ما بنگر همانا برای آنها بهتر و نزدیکتر بصواب بود ولی خداوند بواسطه کافر شدن آنها رالعنت کرد و بجز اندکی ایمان نخواهند آورد (٤٦)

یکی از ما رالعنت خدا براو بادوقتی که عمر از حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیرون رفت گفت ای اصحاب محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر اکرم نه درروز غدیر خم و نه در غیر آن روز باندازه‌ای که امروز بر ولایت علی تاکید فرمود تاکیدی نکرده بودند حسان بن ثابت گفت این فرمایشات پیغمبر اکرم هفده روز پیش از رحلت حضرت بود

در کافی ذیل آیه «فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود این آیه نازل شده در باره امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم به تنهائی که در هر زمانی امامی از اهل بیت میباشد که گواه بر امت است و محمد صلی الله علیه و آله و سلم در هر زمان گواه است بر ما ائمه.

و در بصائر الدرجات سعد بن عبدالله از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود صاحبان صراط اوصیاء و ائمه باشند توقف کنند در صراط، کسی از آنجا عبور نکند جز آنهائیکه امامان را شناخته و معرفت بحق آنان داشته باشند شناسانیده خداوند بائمه دوستدار انشان را و ائمه گواه بر مردم باشند و پیغمبر اکرم گواه بر ائمه است خدا عهد و میثاق گرفته از مردم بر اطاعت و فرمانبرداری آنها از ائمه و اینست معنای آیه شریفه.

عیاشی از ابی بصیر روایت کرده گفت سئوال نمودم از حضرت باقر علیه السلام معنی آیه را فرمود پیغمبر اکرم بامیر المؤمنین فرمود ایعلی روز قیامت که شود خداوند امر

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

يا ايها الذين اوتوا الكتاب آمنوا بما نزلنا مصدقاً لما معكم من قبل ان نطمس وجوهاً فنردها على ادبارها او نلعنهم كما لعنا اصحاب السبت وكان امر الله مفعولا (٤٧) ان الله لا يغفر ان يشرك به ويغفر ما دون ذلك لمن يشاء ومن يشرك بالله فقد افترى اثماً عظيماً (٤٨)

کند هر پیغمبر ووصی او را حاضر کنند تا بر امت خود گواهی دهند و تورا بخوانند تا بر امت من گواهی دهی .

ودر آیه «یومئذ یود الذین کفروا» از آنحضرت روایت کرده فرمود امیرالمؤمنین خطبه خواند و در آن بیان فرمود روز قیامت مهر زنند برزبانها وکسی قدرت برسخن گفتن نداشته باشد سپس اعضاء وجوارح انسان را بسخن درآورند تا گواهی دهد بآنچه عمل کرده و پنهان ندارد چیزیرا

و بسند دیگر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود کسانیکه ستم و معصیت کردند در حق امیرالمؤمنین علیه السلام روز قیامت آرزومیکنند که ایکاش زمین آنها رافرو میبرددر آن روزیکه برغصب خلافت آنجناب اجتماع کردوآنچه که پیغمبراکرم صلی الله علیه وآله وسلم درباره امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده کتمان نمی نمودند

روایت کرده درکافی از زیدشحام گفت از حضرت صادق علیه السلام معنای «لاتقربوا الصلوة وانتم سکاری» را سئوال نمودم؟ فرمود مراد بیهوشی وکسالت خوابست که در آنحالت نباید نماز خواندیعنی طوری خواب برشخص غلبه کندکه نداند چه میخواند

علی بن ابراهیم ذیل آیه «ان الله لا یغفران یشرك به» ازهشام روایت کرده گفت سئوال نمودم از حضرت صادق (ع) آیا گناهان کبیره مشمول غفران میشود؟ فرمود بلی و نیز سئوال کردم مراد از آیه که میفرماید «الم تر الی الذین یزکون انفسهم» چه اشخاصی میباشند؟ فرمود آنهائی هستند که نام خود را صدیق و فاروق وذوالنورین گذاشته اند و آنهائیکه بخدا افتراء و دروغ بسته اند اولی ودومی و سومی میباشند .

و نیز روایت کرده بسند خود ازآنحضرت ذیل آیه «الم تر الی الذین اوتوا نصیبا من الکتاب» فرمود این آیه نازلشده در باره یهودیها که مشرکین عرب ازآنها سئوال

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای اهل کتاب ایمان آورید بقرآنیکه نازل نمودیم و گواهی تورات و انجیل شماست پیش از آنکه برگردانیم صورتهائی را بعقب سر یا آنکه برشما مانند اصحاب شنبه لعنت و عذاب بفرستیم و قضای خداوند البته واقع شدنی است (٤٧)

خدا هر کس که باو شرك آورد نخواهد بخشید و بجز شرك هر کرا بخواهد میآمرزد و هر آنکه شرك بخدا آورد دروغ وافترا بسته و گناه بزرگی مرتکب شده (٤٨)

ابن بابویه روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام در آیه «فتیمموا صعیداً طیباً» فرمود تیمم برای کسی که آب نیابد مانند کسی است که وضوء گرفته است ابی ایوب عرض کرد اگر در آخر وقت آبی یافت؟ فرمود نمازش صحیح است و گذشته است گفت عرض کردم با آن تیمم میتواند نماز دیگری بخواند؟ فرمود اگر آب پیدا کرد وقدرت بر آن داشت تیمم او باطل میشود.

و نیز از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هرگاه کسی در مسجدالحرام یا مسجد پیغمبر خوابیده بود و محتلم شد باید تیمم نموده و از مسجد بیرون آید و اگر در سایر مساجد بود مانعی ندارد وبدون تیمم عبور کند و ما حکم تیمم را ذیل آیه ٦ سوره مائده بیان خواهیم نمود انشاالله.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در آیه یا ایها الذین اوتوا الکتاب فرمود جبرئیل این آیه را برپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اینطور نازل نموده:

یا ایها الذین اوتوا الکتاب آمنوا بما نزلنا فی علی نوراً مبینا.

و نیز روایت کرده از جابر بن یزید جعفی گفت حضرت باقر علیه السلام بمن فرمود ای

کردند آیا این بت پرستی که ما داریم بهتر میباشد یا دین محمد (ص)؟ بانها پاسخ دادند دین شما افضل است فرمود آنحضرت این آیه نازلشد نیز در باره اشخاصیکه غصب حق آل محمد (ص) کرده و در باره آنها حسد بردند و مراد از جبت و طاغوت اولی و دومی باشد و مراد از ناس در اینجا امیرالمؤمنین (ع) وائمه هستند و ملك عظیم خلافت آن بزرگواران است بعداز پیغمبر اکرم و بسند خود از حنان روایت کرده گفت فرمود حضرت صادق (ع) مراد از کتاب که بآل ابراهیم عطا فرمود نبوت است و حکمت عبارت از فهم و حکومت و ملك عظیم اطاعت واجبه الهیه باشد.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ اَنْفُسَهُمْ بَلِ اللّٰهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا (٤٩) اُنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَكَفَى بِهِ اِثْمًا مُبِينًا (٥٠) اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِينَ اُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هٰؤُلَاءِ اَهْدَى مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا (٥١)

جابر حرکت نکن تا علاماتی که برایت میگویم بشنوی گرچه نمی بینم که تو آن زمان رادرك کنی ولی ایجابر حدیث کن این بیانات را بمردمان بعد ازخود اول علامت اختلاف فرزندان فلانست ودیگر آنکه از آسمان صدائی شنیده شود و صدائی از ناحیه دمشق بلند شود بفتح و فیروزی و قریه ای از قرای شام که نامش حابیه است گرفته شود و ساقط شوند طایفه ای ازطرف راست مسجد دمشق و طایفه ای خارج از دین بیرون آیند از ناحیه ترك و آنها را جمعی فتنه جو تعقیب کنند از طرف دوم واستقبال کنند از آنها برادران ترك تا وارد شوند بجزیره ای و نیز استقبال کنند رومیانی که خارج از دین هستند تا وارد شوند بزمین رمله و آن موضعی است در مصر ایجابر در آنسال دراطراف عالم مخصوصاً درناحیهٔ مغرب زمین اختلاف زیادی است واول شهری که ازمغرب زمین در آن اختلاف پدید آید سرزمین شام است بعد از اختلاف زیاد جمع شده برسه دسته منقسم شوند طایفه ای دارای پرچم سفید وقرمزی باشند ودسته ای دارای پرچم مختلف وبرنگهای گوناگون و دسته سوم پرچم سفیانی است که با طایفهٔ دوم برخورد نموده ومیان آنها جنك واقع شود و این لشکرسفیانی قصد حرکت و عبور عراق کند از شهرقرقیسا در آنجا یکصد هزار نفر از ستمکاران کشته شود و سفیانی هفتاد هزار نفر از لشکریان خود را بطرف کوفه بفرستد ودر آنجا کشتار بسیار کنند و جمعی از کوفیان اسیرشوند ویکی از بزرگان کوفیان بدست سردار لشکر سفیانی کشته شود در آنوقت پرچمهای زیادی از طرف خراسان بسرعت و شتاب رو بعراق آورند که در میان آنها جمعی از اصحاب حضرت حجة عليه السلام میباشند بسفیانی خبر میرسد که حضرت حجت عليه السلام درمدینه

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیا نمی بینی آنهائیکه نفس خود را پاك میشمارند چقدر ناپاکند خداهر کرا بخواهد
پاکیزه و پاك گرداند و بقدر رشته خرمائی بکسی ستم نشود (٤٩) بنگرچگونه
بر خدا دروغ می بندند و اینکارگناه بسیار آشکاریست (٥٠)
ندیدی آنانیکه بهره‌ای ازکتاب آسمانی داشتند چگونه
به بتهای‌جبت‌وطاغوت گرویدند و میگویند بکفار که
راه شما نزدیکتراست از راه اهل ایمان (٥١)

است سفیانی با لشکریان بجانب مدینه حرکت کنند آنحضرت از مدینه بمکه تشریف میبرند خبر بسفیانی رسدکه حضرت بمکه رفته اند درتعقیب حضرت حرکت مینماید همینکه بزمین بیدا برسند منادی ازآسمان ندا کندکه ای زمین بیدا بگیر این لشکر راتمام آنها را زمین فروبرد مگرسه نفر آنهاکه خداوندصورت آنان را بعقب برگرداند و آنها ازطایفه بنی کلاب می باشند و این آیه دربارهٔ ایشان نازل شده است :

یا ایها الذین اوتوالکتاب آمنوا بما نزلنا مصدقاً لما معکم من قبل ان نطمس وجوها فنردهاعلی ادبارها

حضرت حجت ﷺ درآنوقت در مکه معظمه باشد و ما این حدیث را در ذیل آیه « اینماتکونوا یات بکم الله جمیعاً » از طریق شیخ مفید با اندك اختلافی در سورهٔ بقره بیان نمودیم لذا تتمه خبررا اینجا ذکرنکردیم .

قوله تعالی : **ان الله لایغفران یشرك به** تاآخرآیه

ابن بابویه در فقیه از هشام روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت صادق ﷺ آیاگناهان کبیره داخل در استثناء و مشیت خداوند میباشد؟ فرمود بلی اگر خداوند بخواهد عقاب میکند مرتکبین کبایر را و اگر بخواهد عفو مینماید .

و نیز بسند خود از امیرالمؤمنین روایت کرده فرمود نیست آیه‌ای در قرآن محبوب تر از این آیه نزد من

و بسند خود از زیدبن علی‌بن‌الحسین ﷺ روایت کرده گفت پدرم از پدرش‌امام حسین ﷺ و آنحضرت از امیرالمؤمنین ﷺ پدرش حدیث کرده فرمود مؤمن هر روز

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

أُولٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ وَ مَنْ يَلْعَنِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيراً (٥٢) أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذاً لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيراً (٥٣) أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلىٰ مَا آتَيٰهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرٰهِيمَ الْكِتٰابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَيْنٰاهُمْ مُلْكاً عَظِيماً (٥٤) فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيراً (٥٥)

و برحالتی بمیرد شهید از دنیا رفته است شنیدم حبیب خود پیغمبر اکرم فرمود اگر مؤمن از دنیا برود و گناه بسیاری داشته باشد همانا مرگ کفاره گناهان او باشد سپس فرمود هر کس از روی خلوص بگوید لااله الاالله او بیزار است از شرك و هر کس از دنیا برود و مشرك نباشد داخل در بهشت شود پس از آن تلاوت فرمود پیغمبر اکرم آیه را و فرمود ای علی خداوند می آمرزد ازدوستان و شیعیانت آنچه راکه بخواهد امیرالمؤمنین گفت عرض کردم ای رسول خدا این آیه درباره شیعیان من میباشد؟ فرمود بلی سوگند بخدا که در حق شیعیانت باشد آنها از قبر بیرون آیند وذکرشان این باشد لا اله الاالله محمد رسول‌الله علی‌بن ابی‌طالب حجة الله بر آنها لباسی از ابریشم سبز بپوشانند و آنان را داخل بهشت کنند و فرشتگان بایشان گویند امروز آنروزیستکه خداوند بشما وعده داده بود.

عیاشی از جابر روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود مراد از آیه « ان الله لایغفر ان یشرك به » آنست که کسی بولایت امیرالمؤمنین علیه السلام کافر بشود خداوند او را نیامرزد و مراد از « و یغفرما دون ذلك لمن یشاء » آنهائی هستند که دارای ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام میباشند.

و نیز روایت کرده ازابی العباس گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم از کمتر چیزی که شخص را مشرك مینماید؟ فرمود کسی که بدعت گذارد و یا برای خود ولی بتراشد و او را دوست بدارد و امامان را دشمن داشته واز آنها رو بگرداند.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده ذیل آیه « الم تر الی الذین اوتوا

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

این طایفه را خداوند لعنت کرده وهر که‌را خدا لعنت کند هرگز یار و یاوری نخواهد یافت (٥٢) آیا کسانیکه بخل میورزند بهره ای از ملك و سلطنت خواهند یافت (٥٣) آیا حسد میورزند بعضی بر آن اشخاصیکه خدا آنها را بفضل خود برخوردار نموده پس ما بآل ابراهیم (مراد پیغمبر و آل اوست) کتاب و حکمت عطا نمودیم وبآنها ملك و سلطنت بزرگی بخشیدیم (٥٤) بعضی بآنها ایمان آوردند و بعضی راه دین بستند و مانع شدند وکفایت کند آتش دوزخ برای تیره آنها (٥٥)

نصیباً من الکتاب یؤمنون بالجبت والطاغوت » تا آخر « وکفی بجهنم سعیرا » فرمود هرپرچمی بلند شود پیش ازظهور حضرت حجت عليه السلام صاحبش طاغوت است که غیرخدا را عبادت کند.

و نیز از برید عجلی روایت کرده گفت از حضرت باقر عليه السلام معنای آیه «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم» را سؤال نمودم جواب فرمود بآیه « الم تر الی الذین اوتوا نصیبا » تا آخر آیه وفرمود می گویند ائمه ضلال وگمراه که بطرف جهنم رهبری و دعوت میکنند بهترند از آل محمد صلی الله علیه و آله که مردم را به بهشت هدایت میکنند و مراد از « ام لهم نصیب من الملك » امامت و خلافت است که خداوند بما عطا فرموده و ماهیم که درمقابل این عطای خداوند مورد حسد مردم میباشیم که بغیر ما بخلایق دیگر چنین عطائی نشده است و معنای « فقد آتینا آل ابراهیم » آنست که خداوند پیغمبران وامامان را از آل ابرهیم قرار داده وتعجب است که مردم امامت را در آل ابرهیم تصدیق نموده و اقرار دارند ولی برای آل محمد صلی الله علیه و آله انکار مینمایند در صورتی که آل محمد صلی الله علیه و آله همان آل ابرهیم میباشد.

ونیز ازحضرت موسی بن جعفر عليه السلام روایت کرده فرمودما کسانی هستیم که‌مردم برما حسد میبرند و این دو روایت را عیاشی نیز بسند خود نقل نموده است.

و درکتاب سلیم بن قیس روایت کرده از امیرالمؤمنین عليه السلام خطاب نمود بمعاویه و فرمود بدان رحمت و استغفار نیست برتو وطلحه وزبیر مگر لعنت و عذاب و نیستید شما از جهت بدعت گذاردن در دین ومعصیت وگناه کمتر از آنکسیکه وثوق باوداشته

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا (٥٦) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا (٥٧)

و در صدد خون‌بهای او قیام کرده اید (مراد عثمان است) شما واو برما اهل بیت‌ستم کردید ومردم رابرما جرئت دادید خداوند حال شما را دراین آیه بیان میفرماید «الم تر الی الذین اوتوا نصیبامن الکتاب یؤمنون بالجبت‌والطاغوت» تاآخر آیه را تلاوت نمود وفرمود ای‌معاویه ماهمان مردم هستیم که حسد میبرندبرما اهل بیت‌وماشخاصی هستیم که خداوند میفرماید درباره ما «و آتیناهم ملکا عظیما» ای معاویه ملك وسلطنت بزرك‌ماآنستکه خداونداطاعت وفرمانبرداری‌ازماراواطاعت خود ونافرمانی‌بماراامعصیت خود قرار داده این مردم اقرار دارند باطاعت وفرمانبرداری آل ابراهیم وانکارمیکنند او را درآل محمد صلی الله علیه و آله و حال آنکه آل محمد صلی الله علیه و آله همان آل ابراهیم میباشند ای معاویه اگرتو و پیشینیان تو از اعراب قبیله ربیعه ومضربما جفا کردند هماناخداوند طایفه ای را بیافریندکه ایمان بما ائمه خواهند داشت و هرگز کافر بما نخواهند بود

عیاشی بسند خود از داودبن فرقد روایت کرده گفت شنیدم حضرت صادق علیه السلام تلاوت نمودآیه «ام یحسدون‌الناس» را اسمعیل فرزندآنحضرت که درحضورش نشسته

علی‌بن ابراهیم بسند خود ذیل آیه کلما نضجت جلودهم بدلناهم جلوداً از حضرت صادق (ع) روایت کرده اصحاب حضورش عرض کردند ایفرزند رسول خدا چگونه مبدل میشود پوستها به پوست دیگر ؟فرمود مانند خشتی که‌آنرا شکسته و خاك نموده مجدداً گل کرده و آنرا قالب زده خشت کنی این خشت خشت اول نیست لکن اصل هر دویکی است و فرمود مراد از ایاتنا امیرالمؤمنین و ماائمه میباشیم

علی‌بن ابراهیم ذیل‌آیه الم ترالی الذین یزعمون انهم آمنوا روایت کرده که این آیه در باره زبیربن عوام وارد شده با یهودی درسر باغستانی نزاع داشت زبیر گفت آیاراضی میشوی نزد شبیه یهودی برویم یهودی گفت ایزبیر آیا حاضری پیش محمد(ص)

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کسانیکه بآیات ما کافرشدند بزودی در آتش دوزخ آنها را درافکنیم و هرچه پوست بدنشان بسوزد پوست دیگرمبدل کنیم تا سختی عذابرا بچشند همانا خداوند بزرك است و کارش از روی حکمت باشد (٥٦) آنانیکه ایمان آورده و عمل نیك بجا آورند بزودی آنها راداخل بهشتی کنیم که زیردرختانش نهرها جاریست در آنجا جاوید بمانند و برای آنان همسران پاکیزه است و بسایه رحمت خویش درآوریم ایشان را (٥٧)

بود توجهی باو نمود و فرمود مراد از ملك عظیم اطاعت کردن از ما اهل بیت است که خداوند برمردم واجب کرده سپس تلاوت فرمود اینقسمت آیه را «و منهم من صدعنه» عرض کردم استغفار میکنم و ندانستم که مراد آل محمد صلی الله علیه و آله هستند وفرمودحضرت بلی بعض از مردم بآل ابراهیم و فرزندان او که ما ائمه هستیم ایمان آورند و بعضی دیگر رو بگرداندند.

روایت کرده در کافی از برید عجلی گفت از حضرت باقر علیه السلام آیه «ان الله یأمرکم ان تؤدو الامانات الی اهلها» را سئوال نمودم؟ فرمود خداوند ازاین آیه ما را قصد نموده که عالم و سلاح را امام اول رها کند بدوم و دوم بسوم تا برسد بحجت عصر علیه السلام امام دوازدهم.

صاحبان امر، ائمه میباشند

ابن بابویه بسند خود از جابربن یزید جعفی روایت کرده در آیه **یاایها الذین**

برویم بدین مناسبت این آیه نازل شد و نیز فرمود این آیه شامل میشود تمام دشمنان آل محمد (ص) را ودر ذیل آیه «فکیف اذا اصابتهم مصیبة» ازصادقین روایت کرده فرمودند این آیه از آیاتیستکه تاویلش بعد از تنزیل او می باشد همینکه در قیامت فاسقین زنده شدند برای پیغمبر بدروغ قسم میخورند که ما خلافت را از امیرالمؤمنین که برگردانیدیم قصدمان احسان و توفیق بود و شاهد اینکه راجع بقیامت است روایت ابن ابی عمیر است از حضرت صادق (ع) فرمود بخدا قسم مصیبة عبارت از آنستکه فاسقین را عذابی فراگیرد در کنار حوض کوثر برای انکه خداوند میفرماید فکیف اذا اصابتهم.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اِنَّ اللّٰهَ یَأمُرُکُم اَن تُؤدُّوا الاَمانات اِلیٰ اَهلِها و اِذا حَکَمتُم بَینَ النّاسِ اَن تَحکُمُوا بِالعَدلِ اِنَّ اللّٰهَ نِعِمّا یَعِظُکُم بِهِ اِنَّ اللّٰهَ کانَ سَمیعاً بَصیراً (٥٨) یا اَیُّها الَّذینَ آمَنُوا اَطیعُوا اللّٰهَ و اَطیعُوا الرَّسُولَ و اُولِی الاَمرِ مِنکُم فَاِن تَنازَعتُم فی شَیءٍ فَرُدُّوهُ اِلَی اللّٰهِ وَالرَّسُولِ اِن کُنتُم تُؤمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالیَومِ الآخِرِ ذٰلِکَ خَیرٌ وَاَحسَنُ تَأوِیلاً (٥٩) اَلَم تَرَ اِلَی الَّذینَ یَزعُمُونَ اَنَّهُم آمَنُوا بِمَا اُنزِلَ اِلَیکَ و ما اُنزِلَ مِن قَبلِکَ یُرِیدُونَ اَن یَتَحاکَمُوا اِلَی الطّاغُوتِ و قَد اُمِرُوا اَن یَکفُرُوا بِهِ و یُرِیدُ الشَّیطٰانُ اَن یُضِلَّهُم ضَلٰلاً بَعِیداً (٦٠)

آمنوا اطیعوا اللّٰه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم گفت از جابر انصاری شنیدم زمانی که این آیه نازل شد حضور پیغمبر اکرم عرض کردیم شما شناسانیدید بما خدا و رسولش را که خودتان میباشید اولی الامر که اطاعت او در مرتبه خدا و رسول قرار گرفته کیست؟ فرمود ایجابر مراد از اولی الامر جانشینان من میباشند که اول آنها علی بن ابیطالب علیه السلام است بعد حسن سپس حسین بعد علی بن الحسین بعد محمد بن علی که در تورات معروف بباقر است و تو او را درك کنی ایجابر هروقت خدمتش رسیدی سلام مرا باو برسان بعد از او جعفر صادق بعد موسی بن جعفر و پس از او علی بن موسی و بعد از او محمد بن علی و بعد از او علی بن محمد بعد از او حسن بن علی بعد از او هم نام وهم کنیه من حجت خدا در روی زمین فرزند حسن بن علی عسکری آن امامی است که خدا او را از نظر شیعیان پنهان و غایب میکند و بدست او مشرق تا مغرب زمین فتح میشود و خداوند بدست او نام خود را بتمام مردم برساند و خداوند آن امام را غایب نمیگرداند مگر برای امتحان نمودن دلها و آزمایش مراتب ایمان آنها جابر گفت عرض کردم ایرسول خدا آیا در زمان غیبت او شیعیان از جنابش انتفاعی میبرند؟ فرمود آری بآن خدائی که

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خدا امرمیکند شما راکه امانت را بصاحبش ردکنید وهر گاه در میان مردم حکومت گردید بعدالت داوزی کنیدهماناخداوندنیکوپندمیدهد شما راوخداوندبرهر گفتاری شنوا و بهرچیزی بیناست (٥٨) ای اهل ایمان فرمان خدا و رسول و فرمان صاحبان امر (ائمه معصومین) را اطاعت کنید و اگر در چیزی نزاع کردید بحکم خدا و رسول برگردید اگر بخدا و روز قیامت ایمان دارید و برگشتن بحکم خدا و رسول از هرچیزنیکوتر و عاقبتش بهترخواهد بود (٥٩) آیا مشاهده نمیکنی کسانیراکه بخیال خود بقرآن وکتابهائیکه پیش ازتوفرستاده شده ایمان آورده اند چگونه میخواهند کسانیراکه مانند جبت و طاغوت هستند حاکم خود قرار بدهند وحال آنکه امرشدندکه بآنها کافر شوند و شیطان میخواهدآنانرا گمراه کند بطوریکه از هرگونه سعادت دور باشند (٦٠)

جانم بدست قدرت اوست و مرا بسوی خلق فرستاده است شیعیان از نور او روشن میشوند و از ولایت او منتفع و بهره مند شوند مانندآنکه مردم ازآفتاب منتفع‌شوند وآفتاب در زیر ابر باشد ایجابر اینها ازمکنونات وسرخدا بود و از خزائن علم اوست و ازغیراهلش اینها را پنهان کن.

در کافی از ابی مسروق روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم ما بامردم‌سخن‌میگوئیم‌وبآیه «اطیعوالله‌واطیعوالرسول‌واولی‌الامرمنکم» برای‌آنهاحجت میآوریم میگویند این آیه درحق مؤمنین نازل شده و حجت میآوریم برای‌آنها بآیه «قل لااسئلکم علیه اجراً الا المودة فی القربی» میگویند این‌آیه هم در باره قرابات و ارحام مسلمین نازل شده و هرچیزی راکه برای مخالفین حجت آوریم برای هریك تاویلات باطل کنند، فرمود هرگاه کار باینجا رسیدکه بدلائل وحجت های شما تسلیم نشوندآنها را بمباهله‌دعوت نموده و نفرین کنید عرض کردم چطور مباهله کنیم؟فرمود نفس خود را تا سه روز پاکیزه و اصلاح کنید و سه روز روزه بگیرید و با مدعی و مخالفین خود بیرون روید بجانب کوه ها اگردو نفرباشید انگشت سبابه خود را در

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اِذا قيلَ لَهُمْ تَعالَوْا اِلى ما اَنْزَلَ اللّهُ وَ اِلَى الرَّسُولِ رَايْتَ الْمُنافِقينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُوداً (٦١) فَكَيْفَ اِذا اَصابَتْهُمْ مُصيبَةٌ بِما قَدَّمَتْ اَيْديهِمْ ثُمَّ جاؤُكَ يَحْلِفُونَ بِاللّهِ اِنْ اَرَدْنا اِلّا اِحْساناً وَ تَوْفيقاً (٦٢) اُولئِكَ الَّذينَ يَعْلَمُ اللّهُ ما فى قُلُوبِهِمْ فَاَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ عِظْهُمْ وَ قُلْ لَهُمْ فى اَنْفُسِهِمْ قَوْلاً بَليغاً (٦٣)

انگشت سبابه او شبکه نموده تا بنصفه خم کن و شروع کن ابتدا برای نفس خود و بخوان « اللهم رب السموات السبع ورب الارضين السبع عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم » اگر ابو مسروق (خودش) حقی را انکار نموده و ادعای باطلی میکند آتشی از آسمان نازل و یا عذابی دردناك برسان آنوقت دعا را متوجه مدعی نموده وبگو خدا یا اگراین شخص منکر حقی است ویا ادعای باطل میکند بسوی او آتشی از آسمان نازل و یا عذاب دردناکی بفرست و بمن فرمود همینکه آثار نزول بلا را مشاهده نمودی دیگر در آن مکان توقف منما بخدا قسم کسی این عمل را انجام ندهد مگر آنکه خداوند باجابت برساند مباهله و نفرین اورا و فرمود وقت وساعت مباهله باید مابین طلوع فجر و طلوع آفتاب باشد در ذیل این آیه این گونه روایات از طریق امامیه زیاد است .

درکافی از ابی بصیر روایت کرده گفت سئوال نمودم از حضرت صادق علیه السلام معنی آیه «اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم» را فرمود مراد ازاولی الامر امیر المؤمنین و فرزندانش میباشد و در حق آنان این آیه نازل شده ، عرض کردم مردم میگویند چنانچه آیه در حق آن بزرگواران نازل شده پس چرا خداوند آنها را بنام در قرآن بیان نفرموده؟ فرمود بمردم بگوخداوند درقرآن آیه اقیموا الصلوة وآتوا الزکوة را نازل کرده و بیان نفرموده چگونگی نماز و تعداد رکعات او را و همچنین بیان نکرده مقدار زکوة را و پیغمبر اکرم تفسیر نموده نماز و زکوة را برای مردم و حج را نازل نموده و بیان نکرده تعداد طواف و کیفیت حج را تمام آنها را پیغمبر تفسیر کرده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

زمانیکه بآنها گفته شود که بحکم خدا ورسول بازآئید منافقین را بینی که سخت مردم را ازگرویدن بتو منع میکنند (٦١) چگونه خواهد بود حال کسانیکه چون رنجی از کردار زشت خود بآنها برسد سپس نزد تو آیند و سوگند یاد کنند بخدا که ما در کار خود قصدی جز نیکوئی و موافقت با مسلمانان نداشتیم (٦٢) ایشان طایفه ای هستند که خدا از دل ناپاك آنها آگاهست پس تو ای پیغمبر از آنها روی بگردان ولی بآنان نصیحت کن و با گفتار نیکو در میان ایشان سخن بگو (٦٣)

برای مردم این آیه را هم نازل کرده درحق امیرالمؤمنین و فرزندانش و پیغمبر بیان تفسیر او را نموده و فرموده ایمردم بدانید من هرکرا مولا و آقایم علی نیز مولا و آقای او است سفارش میکنم شما را بکتاب خدا و اهل بیت خود و از خداوند درخواست نمودم که جدائی نیفکند میان آندو تا کنار حوض کوثر بر من وارد شوند پروردگارهم مسئول مرا اجابت فرمود ایمردم باهل بیت من یاددهید چیزیرازیرا آنها داناتر از همه شما باشند و هرگز از راه راست خارج نکنند کسی را و براه ضلالت و کمراهی وارد نکردانند ای ابی بصیر اگر پیغمبر ساکت شده بود و بیان نمی فرمود مراد از اولی الامر را، همانا فلان و فلان مردم را بسوی خود دعوت نمیکردند خداوند در قرآن نازل فرمود آیه تطهیر را تا شاهد وگواه بربیان پیغمبرش باشد وفرمود « انما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیراً » روزی امیرالمؤمنین و دو فرزندانش حسن و حسین علیهما السلام و حضرت فاطمه علیها السلام در خانه امسلمه بودند پیغمبر عبائی طلبید و آنها را زیر عبا داخل نمود و گفت پروردگارا برای هر پیغمبر اهل و جانشینی باشد اینها هم بزرگان اهل بیت من میباشند امسلمه عرض کرد ای رسول خدا من هم ازاهل بیت شما هستم؟ فرمود خیر تو براه نیکو وپسندیده خواهی بود جبرئیل نازل شد و آیه تطهیر را آورد هنگامیکه پیغمبر رحلت نمود امیرالمؤمنین اولی شد بمردم از خود آنها وقتی آنحضرت خواست این دارفانی را وداع کند امام حسن اولی گردید وهرگز نمیتوانست وداخل نمیکرد امیرالمؤمنین فرزندان دیگرش را در اهل بیت چه بغرض اینکار را مینمود حسن وحسین اعتراض میکردند ومیفرمودند خداوند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ مَا اَرْسَلْنا مِنْ رَسُولٍ اِلّا لِيُطاعَ بِاِذْنِ اللّهِ وَ لَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّهَ تَوّاباً رَحِيماً (٦٤)

فَلا وَرَبِّكَ لا يُؤْمِنُونَ حَتّى يُحَكِّمُوكَ فِيما شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لا يَجِدُوا فِي اَنْفُسِهِمْ حَرَجاً مِمّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيماً (٦٥)

این آیه را فقط در حق ما چند نفر نازل فرموده چنانچه امام حسن علیه السلام هم نمیتوانست فرزندان خود را داخل در اهل بیت نماید و بعدازحسن امام حسین ولی واولی بمردم شد و هیچ کدام از فرزندانش جز حضرت امام زین‌العابدین ادعاء اهل بیتی و ولی را نکردندو آیه واولوالارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب اللّه در بیان این موضوع نازل شده ای ابی بصیر خداوند از اهل بیت پیغمبرش هرشك و پلیدی را برداشت و آنها را پاکیزه نمود بخدا قسم هرگز ما ائمه اهل بیت پیغمبرشکی نیاورده‌و نخواهیم آورد

و درکتاب سلیم‌بن قیس که از اصحاب امیرالمؤمنین است ازآنحضرت روایت کرده‌گفت سئوال نمودم اندك چیزیکه بنده مؤمن را از ایمان خارج و بکفر داخل مینمایدچیست؟ فرمودامیرالمؤمنین سئوالی کردی بفهم پاسخ اورا اندك چیزیکه‌داخل گرداند بنده مؤمن‌رابسوی کفر آنستکه مرتکب‌نواهی‌خدابشود وازاو امر اوسرپیچی کند و برأی خود دینی درست‌کند و بسازد و شیطان را پرستش‌کند و امام و حجت خدا وآنکسیکه اطاعت ودوستی او را برمردم واجب‌کرده نشناسد و نداند ولی‌اگر خدا را شناخت و اقراروااعتراف‌بفرمانبرداری‌او نمودوشناخت پیغمبر وامام راودانست که آنها حجت خدا هستند و اطاعت فرمان‌آنان واجب و لازم است چنین شخصی مؤمن باشد.

سلیم گوید عرضکردم حضورش اگرچه‌آن شخص نادان باشد ازچیزهای‌دیگر؟ فرمود بلی هرگاه اوامر و نواهی خدا راانجام دهد تکراراً عرض‌کردم یا امیرالمؤمنین صفات امام و حجت خدا را بیان بفرمائید تا اوراشناخته و فرمانبردارش باشیم؟ فرمود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ما نفرستادیم پیغمبری رامگر آنکه مردم بامرخدا باید اورا اطاعت کنند واگرمنافقینی که بخود ستم کردند ازکردار زشت خود بتو رجوع میکردند تابرای آنان استغفار کنی و ازخدا برایشان طلب آمرزش نمائی البته خدا را در اینحال مهربان و پذیرندهٔ توبه میبافتند (٦٤) نه چنین است قسم بخدای تو آنها براستی اهل ایمان نباشند مگر آنکه در حال اختلاف ونزاع تنها تو را حاکم کنند وآنگاه بهرحکمی که بسود یا زیان آنها کنی نسراضی در دل نداشته و تسلیم فرمان تو شوند (٦٥)

همان کسی باشد امام وحجت که خداوند نام او را با نام خودو پیغمبرش بیان نموده و میفرماید «اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولی الامرمنکم» عرض کردم واضح و روشن تر بیان فرمائید؛ فرمود امام وحجت همان شخصی است که پیغمبر فرمود در باره او «انی تارك فیکم امرین کتاب الله وعترتی اهل بیتی» تاآخرحدیث ثقلین و ما درآخربخش اول بطور تفصیل آنرا بیان نمودیم .

در کافی از عبدالله بن عجلان روایت کرده گفت فرمود حضرت باقر علیه السلام آیه اطیعوا الله در حق امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندانش نازل شد و خداوند آنها را بجای پیغمبران قرارداده مگر آنکه ایشان حلال وحرامی رابیان نکنند جز آنچه پیغمبر آورده

عیاشی ذیل آیه «الم ترالی الذین یزعمون» ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس میان او وبرادردینی خودش نزاعی داشته و طرف خودرا برای حکمیت نزد برادران دینی و مؤمنین دعوت کندواو قبول ننموده و بمراجع حکام وسلاطین تمایل نماید مانند کسی است که به جبت و طاغوت مراجعه وتوسل بجوید درصورتی که خداوندامرفرموده که به جبت وطاغوت کافرشوند .

در کافی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود آیه « اولئك الذین یعلم الله ما فی قلوبهم » در حق فلان وفلان نازلشده .

و نیز از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود برآنها شقاوت وعذاب پیشی گرفته وآنچه در دل دارند فقط دشمنی امیرالمؤمنین است در دنیا .

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده درآیه « فلا و ربك لایؤمنون حتی

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ لَوْ اَنَّا كَتَبْنا عَلَيْهِمْ اَنِ اقْتُلُوا اَنْفُسَكُمْ اَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِيارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ اِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَ لَوْ اَنَّهُمْ فَعَلُوا ما يُوعَظُونَ بِهِ لَكانَ خَيْراً لَهُمْ وَ اَشَدَّ تَثْبِيتاً (٦٦) وَ اِذاً لَآتَيْناهُمْ مِنْ لَدُنَّا اَجْراً عَظِيماً (٦٧) وَ لَهَدَيْناهُمْ صِراطاً مُسْتَقِيماً (٦٨) وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَاُولئِكَ مَعَ الَّذِينَ اَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسُنَ اُولئِكَ رَفِيقاً (٦٩) ذلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَ كَفى بِاللَّهِ عَلِيماً (٧٠) يا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُباتٍ اَوِ انْفِرُوا جَمِيعاً (٧١)

يحكموك فيما شجر بينهم » تا آخر آيه فرمود اگر جماعتى از مسلمين خداى يگانه را عبادت نموده نماز بپا دارند و روزه بگيرند و زكوة داده و حج بروند اما بگويند و يا در دل خود چنين انديشه كنند كه چرا پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله اين حكم را اينطور فرموده؟ و اگر آنطور كه ما ميگوئيم آورده و امر كرده بود بهتر بود، همانا مشرك خواهند شد و بعد اين آيه را تلاوت نموده و فرمود اى مردم برشما باد به تسليم شدن به احكام و اوامر پيغمبر اكرم صلى الله عليه و آله و اين روايت در محاسن برقى نيز ذكر شده است.

در كافى از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده در آيه « ولو انا كتبنا عليهم ان اقتلوا انفسكم » تا آخر آيه فرمود يعنى اگر بآنها حكم ميكرديم كه خود را بكشيد و براى امام خود تسليم شويد يا از ديار خود براى رضا و خوشنودى امام خود بيرون بياييد محققاً اين امر را جز معدودى از ايشان بجا نمى آوردند و اگر مخالفين على عليه السلام بجا ميآوردند آنچه را نصيحت و پند بآنها داده شده بود در بارهٔ ولايت امير المؤمنين همانا براى آنها بهتر بود و برقرار بودند.

در كافى ذيل آيه « ولو انهم اذ ظلموا انفسهم » تا آخر آيه بسند خود از زراره

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اگر بآنها واجب میکردیم که خود را بکشید یا از دیار خویش برای کار زار بیرون روید بجز اندکی از آنان اطاعت نمیکردند و اگر بآنچه پند و اندرز میدهند عمل مینمودند نیکوتر و با اساس تر بود (٦٦) در آن وقت ما آنها را بپاداش اطاعت مزدی بزرك عطا میکردیم (٦٧) و آنانرا براه راست راهنمائی مینمودیم (٦٨) کسانیکه خدا و رسول را اطاعت کنند با آنهائیکه خدا لطف وعنایت کامل عطا فرموده از پیغمبران صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند بود واینان چقدر رفیقان خوبی هستند (٦٩) این فضیلت ازطرف خداست و کفایت کند خدا ازجهت دانائی (٧٠)

ای اهل ایمان سلاح جنك برگیرید و آنگاه دسته دسته یا همه بیکدفعه برای جهاد و کارزار بیرون روید (٧١)

روایت کرده گفت فرمود حضرت باقر علیه السلام خداوند در قرآن امیرالمؤمنین را مخاطب خود قرار داده عرض کردم در کدام موضع؟ این آیه را تلاوت نمود وفرمود جاؤك خطاب بآنحضرت است یعنی ایعلی میآیند نزد تو تا طلب آمرزش کنی برای آنها.

و نیز اززراره روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام فرمودند آیه اینطور نازل شده «ولو انهم اذ ظلموا انفسهم جاؤك یاعلی فاستغفروالله» و کلمه یاعلی را ساقط کردند و ما بیان نمودیم مراد آنستکه تأویل آیه را تغییر دادند نه لفظ او را

شیخ در امالی بسند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده در آیه « ومن یطع الله و الرسول فاولئك مع الذین انعم الله علیهم » فرمود مردی از انصار حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمد و عرضکرد ایرسول خدا من بقدری شیفتهٔ دیدار شما هستم که توانائی و طاقت دوری و فراق را نداشته و هر وقت که داخل منزل میشوم متذکر حضرتت گشته تمام کارهایم را رها نموده و فوراً برای زیارت جمالت میآیم چون شما را فوق العاده دوست دارم نمیدانم درروز قیامت که شما داخل بهشت شده ودربالاترین مقام جای گزین میشوید چگونه توفیق دیدار شما نصیبم میشود؟ همینکه این آیه نازل

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و ان منکم لمن لیبطئن فان اصابتکم مصیبة قال قد انعم الله علی اذ لم اکن معهم شهیداً (۷۲) ولئن اصابکم فضل من الله لیقولن کان لم تکن بینکم و بینه مودة یالیتنی کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً (۷۳) فلیقاتل فی سبیل الله الذین یشرون الحیوة الدنیا بالاخرة ومن یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً (۷٤)

شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آن مرد را خواست و آیه را برای او قرائت فرمود و باو بشارت به بهشت داد.

نعمت داده شدگان آل محمد هستند

قوله تعالی : و من یطع الله والرسول فاولئك مع الذین انعم الله

در کتاب مصباح الانوار از انس بن مالك روایت کند که در صبح یکی از روزها نماز را با رسول اکرم بجا آوردیم سپس آنحضرت متوجه ما گردید من حضورش عرض کردم اگر میل دارید تفسیر آیه را بیان فرمائید؛ فرمود مراد از نبیین من هستم وصدیقین برادرم علی بن ابیطالب و شهداء عمم حمزه و صالحون دخترم فاطمه و فرزندانش حسن و حسین میباشند عباس حاضر بود بجانب حضرت رسول آمد وعرض کرد آیا من و شما وعلی و فاطمه و حسن و حسین از یك طایفه نیستیم؟ فرمود پیغمبر چطور ای عمو؟ عباس عرض کرد شما علی و فاطمه و حسن و حسین را معرفی میکنید و نامی از من ذکر نکردید پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم لبخندی زده فرمود اینکه گفتید ما از یك طایفه نیستیم چرا همگی از یك طایفه میباشیم لکن ای عمو بدان که خداوند من و علی و فاطمه و حسن و حسین را آفرید پیش از آنکه آدم را خلق نماید وقتی که نه آسمان و نه زمین و نه ماه و نه آفتاب و نه جهنم و نه ظلمت و نوری بود عباس گفت پس چگونه بوده خلقت شما؟ فرمود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بعضی شما را بخبرهای دروغ و وحشتناك از جهاد باز میدارند و اگرحادثه ناگواری بشما روی دهد گویند خدا ما را مورد لطف خود قرار داد و ما را از کشتن محفوظ داشت (٧٢) واگرفضل خداشامل حال شماگردد گویا میان شما وآنان هیچگونه دوستی نبوده وگویند ایکاش ما نیزباآنها بودیم و از غنیمت که نصیب آنان شده بهره فراوان میبردیم (٧٣) باید مؤمنین در راه خدا با کسانیکه زندگانی دنیا را خریدند بعوض آخرت جهاد کنند و هرکس در راه خداکشته شود یا فاتح برگردد پس بزودی پاداش بزرگی باو عطا خواهیم کرد (٧٤)

ای عمو زمانی که خداوند اراده فرمود ما را بیافریند تکلم فرمود بکلمه ای و نوری خلق شد سپس بکلمهٔ دیگری تکلم فرمود و ازآن روحی ایجاد شد آنگاه آن روح و نور را با هم مخلوط نمود مرا و علی و فاطمه وحسن و حسین راآفرید ما تسبیح و تقدیس مینمودیم خداوند را در وقتی که تقدیس و تسبیح کننده ای نبود وچون خدا خواست مصنوعات خود را بیافریند نور مرا شکافت وازآن عرش را بیافرید پس عرش از نور من است و نور من از نور خداست و نور من بالا تر از نور عرش خدا میباشد پس ازآن شکافت نور علی را وازآن فرشتگان راآفرید پس ملائکه از نور علی است و نور علی از نور خدا است و علی بالاتر از ملائکه است بعد نور فاطمه را شکافت و ازآن آسمان وزمین راآفرید پس آسمان وزمین از نوردخترم فاطمه است و نورفاطمه از نور خدا است وفاطمه بالاترازآسمان وزمین است بعد نور فرزندم حسن راشکافت و ازآن ماه وآفتاب راآفرید پس آفتاب وماه از نور حسن است و نور فرزندم حسن ازنورخدا است وحسن از ماه وآفتاب بالاتراست بعد ازآن نورفرزندم حسین راشکافت و ازآن بهشت و حورالعین رابیافرید بنابراین بهشت وحور از نور حسین ونورفرزندم حسین از نور خدا است وحسین بالاتراز بهشت وحورالعین میباشد آنگاه بظلمات امر کردکه بتاریکی خود بپوشاند آسمانها را پس ظلمت آسمانها را فراگرفت وفرشتگان را در ظلمت و تاریکی قرار داد آنها با تسبیح و تقدیس خود فریادشان بلند شده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ وَ الْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا (٧٥) الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا (٧٦)

گفتند پروردگارا اززمانی که ما را آفریدی واین اشباح را بما شناسانیدی ماهیچگونه زحمتی ندیدیم پروردگار رابحق این اشباح وارواح مقدسه این تاریکی را ازمابرطرف ساز، پس خداوند از نور دخترم فاطمه قندیل هائی بیرون آورده وبعرش آویزان نمود از نورآن قندیلها آسمان و زمین روشن و ظاهر گشت بدین جهت دخترم ملقب بزهرا شد فرشتگان گفتند پروردگارا این نور که موجب روشنائی آسمان و زمین گردید از چیست ؟ وحی فرمود بآنها این نوری است که بیرون آوردم از نور جلال خود برای کنیزم فاطمه دخترحبیبم محمد صلی الله علیه و آله و سلم و زوجهٔ ولیم و برادر پیغمبرم و پدر حجت‌های خودم برپندگانم ای فرشتگان گواه باشید من ثواب تسبیح و تقدیس شما را قراردادم برای فاطمه و شیعیان ودوستدارانش تا روز قیامت عباس چون این بیانات را از رسول خدا شنید ازجای خود بلند شد ومیان دوچشمان امیرالمؤمنین علیه السلام را بوسید و گفت یا علی بخدا قسم‌توحجت بالغهٔ خدائی برای کسانیکه بخدا وروز قیامت ایمان‌بیاورند

روایت کرده طبرسی درآیه « یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم » تاآخر آیه از حضرت باقر علیه السلام فرمود اسلحه راحذر گفته اند برای آنکه آلت ووسیله ای‌است که حملات دشمن باآن دفع میشود .

و عیاشی روایت کرده ازحضرت صادق علیه السلام فرمودخداوند آنها را مؤمنین نامیده و حال آنکه ایمان ندارند و اگر اهل آسمان و زمین اینکلمه را بگویند « قال قد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

چرا در راه خدا بکار زار نمیروید و حال آنکه جمعی ناتوان از زن و مرد و کودك شما در مکه اسیر کفارند و میگویند خدایا ما را از این شهر که مردمش ستمکارند بیرون بیاور و از طرف خود برای ما بیچارگان یاور و نگهداری بفرست (٧٥)

کسانیکه ایمان آورده اند در راه خدا و کفار درراه شیطان جهاد میکنند ای مؤمنین شما با دوستان شیطان بجنگید و از آنها نترسید همانا مکر و سیاست شیطان بسیار ضعیف است (٧٦)

انعم الله اذلم اکن مع رسول الله » یعنی اگر با رسول الله نبودم خدابمن نعمت عطامیفرمود همانا تمام اهل آسمان و زمین باین گفتار مشرك میشدند و این حدیث را طبرسی نیز روایت کرده است .

عیاشی بسند خود ذیل آیه « ربنا اخرجنا من هذه القریة الظالم اهلها » از امام زین العابدین روایت کرده فرمود حضرت خدیجه دوا بوطالب وفات نمودند پیغمبر در اثر فوت آنها غم واندوه شدیدی بوجود مقدسش روی داد و از کفار قریش ترسید شکایت کرد بجبرئیل این آیه نازل شدای محمد از شهر مکه که اهلش ستمگرند بیرون شو و بمدینه هجرت کن امروز یاوری در مکه برای تو نخواهد بود پیغمبر هجرت نمود بمدینه منوره

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در تفسیر آیه « الم تر الی الذین قیل لهم کفوا ایدیکم » تا آخر فرمود این آیه خطابست بمردم که باید در بارهٔ صلح حضرت امام حسن علیه السلام با معاویه ساکت باشند و چون نوشته شد که بر آنها در رکاب حضرت امام حسین علیه السلام جهاد کنند گفتند چرا برما جهاد واجب شده است چرا جهاد تا زمان ظهور حضرت حجت علیه السلام تاخیر نمی افتد زیرا جهاد با آنحضرت نصرت و فیروزیست خداوند میفرماید این زندگانی چند روزهٔ دنیا اندك و نابود شدنی است و آخرت جای ثابت و پایدار و بهتر است برای پرهیزکاران و متقین .

و نیز از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده صلحی که امام حسن علیه السلام با معاویه نمود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

الم تر الی الذین قیل لهم کفوا ایدیکم و اقیموا الصلوة و آتوا الزکوة فلما کتب علیهم القتال اذا فریق منهم یخشون الناس کخشیة الله او اشد خشیة و قالوا ربنا لم کتبت علینا القتال لولا اخرتنا الی اجل قریب قل متاع الدنیا قلیل والاخرة خیر لمن اتقی ولا تظلمون فتیلا (۷۷) اینما تکونوا یدرککم الموت ولو کنتم فی بروج مشیدة وان تصبهم حسنة یقولوا هذه من عند الله وان تصبهم سیئة یقولوا هذه من عندک قل کل من عند الله فمال هؤلاء القوم لا یکادون یفقهون حدیثا (۷۸)

برای این امت بهتر بود از آنچه آفتاب بر آن طلوع میکند بخدا قسم این آیه در باره آنحضرت نازل شده که باید اطاعت آنحضرت که امام است نموده لکن آن مردم راضی نشدند بآن صلح و طلب مینمودند جهاد و کارزار را و« فلما کتب علیهم القتال » در بارهٔ حضرت امام حسین علیه السلام نازل شده است و فرمود بر امام حسین علیه السلام و تمام اهل زمین نوشته شده بود که در رکاب آنحضرت جهاد کنند در آن هنگام گفتند چرا بر ما جهاد فرض شده . ودر روایت علی بن اسباط آنحضرت فرمود اگر تمام مردم روی زمین با امام حسین علیه السلام بجهاد میرفتند همه کشته میشدند .

علی بن ابراهیم ذیل آیه« الم تر الی الذین قیل لهم کفوا ایدیکم» ازحضرت صادق(ع) روایت کرده فرمود قسمت اول این آیه در مکه نازل شده مسلمین از پیغمبر اکرم درخواست میکردند که بانها اذن جهاد داده شود وقتی در مدینه جهاد بر آنان فرض شد گفتند چرا جهاد بر ما واجب شد و تأخیر نیفتاد تا زمان ظهور حضرت حجة (ع) خداوند در جواب آنها فرمود «متاع الدنیا قلیل والاخرة خیر لمن اتقی» سپس این آیه را نازل فرمود «اینما تکونوا یدرککم الموت» هر کجا باشید مرگ شما را در یابد خواه در جهاد و یا در قصر های محکم بنیاد و یا در ظلمات سه گانه مشیمه و رحم و بطن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیا ندیدی حال کسانیکه بآنها گفته شد اکنون ازجنك خود داری کنید ودست بکشید
و بنماز و دادن زکوة قیام کنید پس زمانیکه حکم جهاد بر آنها نوشته شد مانند آنکه
از خدا بترسند ازدشمنان ترسیدند و گفتند پروردگارا چرا بر ماحکم جهاد را واجب
فرمودی و چرا عمر ما را تا هنگام مرك طبیعی بتاخیر نینداختی ای پیغمبر بآنان
بگوزندگانی دنیا متاعی است اندك و آخرت برای هر که خدا ترس باشد بهتر
ازدنیاست ودر آنجا کمترین ستمی بکسی نخواهدشد (٧٧) هر کجاباشید
اگرچه درقلعهای بسیارمحکم باشد مرك بشما میرسد اگر نعمت
و خوشی بطایفه منافقین برسد گویند آن ازجانب خداست
و اگر زحمتی بایشان رسد بتو نسبت دهند ای پیغمبر
بگو آنها همه از جانب خداست چرا این طایفه نادان
از فهم هر سخن دورند (٧٨)

معنی سیئه و حسنه

قوله تعالی : وان تصبهم حسنة یقولوا هذه من عندك تا آخر و کفی باللّه شهیدا

دراین دو آیه برای دانشمندان امر مشتبه شده که در اولی میفرماید « قل کل من عندالله » تمام ازطرف خداست اعم ازحسنه وسیئه در آیه دوم فرموده حسنه ازجانب خداست وسیئه ازجانب خودشخص میباشد پس جمع بین این دو آیه چطور میشود ولی جواب این اشکال را حضرت صادق علیه السلام بیان فرموده آنحضرت میفرماید حسنات وسیئات در قرآن بر دو قسم است حسناتی که خداوند آنها را ذکر نموده صحت و سلامت و امنیت و وسعت رزق است که درمقابل آنها مرض ترس و گرسنگی و شدت اضطراب سیئات است « و ان تصبهم سیئة » همین مفهوم را میرساند معنای دوم از برای حسنات افعال بندگانست که فرموده « من جاء بالحسنة فله عشر امثالها » و نظائر آن زیاد است و همچنین سیئات هم دوقسم است قسم اول ازسیئات مانند گرسنگی مرض شدة که فرمود « و ان تصبهم سیئة یطیروا بموسی و من معه » و مانند عقوبت گناه و کیفر معصیت کار

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ما اصابك من حسنة فمن الله و ما اصابك من سيئة فمن نفسك و ارسلناك للناس رسولا و كفى بالله شهيداً (۷۹) من يطع الرسول فقد اطاع الله ومن تولى فما ارسلناك عليهم حفيظاً (۸۰) ويقولون طاعة فاذا برزوا من عندك بيت طائفة منهم غير الذى تقول والله يكتب ما يبيتون فاعرض عنهم و توكل على الله و كفى بالله وكيلا (۸۱) افلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً (۸۲)

وقسم دوم ازسيئات افعال بد گانست که بسبب ارتکاب آنها عذاب میشوند ومراد ازاین آیه « من جاء بالسيئة فكبت وجوههم فى النار » این معنی میباشد پس آنکه میفرماید « ما اصابك من حسنة فمن الله وما اصابك من سيئة فمن نفسك » یعنی آنچه عمل کردی و مرتکب گناهی شدی که در دنیا و آخرت به کیفر آن میرسی از ناحیه نفست میباشد چه دزد و قاتل و زناکار که در بارهٔ آنها حدود جاری میشود برای اعمالی است که از خود آنها سرزده وخوف و شدة وعلت های عقوبات گناه را انعام خداوند سیئه نامیده و میفرماید « فمن نفسك » یعنی باعمالی که نتیجهٔ کار های خودت باشد و آنجا که میفرماید «کل من عندالله » یعنی صحت وعافیت ووسعت رزق و مراد از سیئات عقوبات وکیفر گناه است که تمام از نزد خدا است .

عیاشی بسند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند تبارك و تعالی فرموده ای پسر آدم باراده من تو میخواهی و میگوئی و در اثر توانائی دادن من واجبات مرا بجا آوردی و بوسیله نعمت من توانائی پیدا کردی بر معصیت و نافرمانی من آنچه از نیکوئی و حسنات بتوبرسد ازجانب خدا است و آنچه بدی برسد از طرف خودت میباشد زیرا من اولی بحسنات و تواولی بسیئات هستی ، ازمن سئوال نکنند ولی از شما پرسش خواهند کرد .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

هرچه از نیکوئی بتو رسد از جانب خدا است و هربدی که میرسد از نفس خودت میباشد ای پیغمبر ما تورا برسالت برای راهنمائی مردم فرستادیم و گواهی خدا بجهت رسالت تو کافی باشد (٧٩) هر که فرمان رسول را برد فرمان خدا برده و هر که رو برگرداند ما تورا برای نگهبانی آنها نفرستادیم (٨٠) منافقین نزد تو اظهار ایمان واطاعت کنند و چون از حضورت دور شوند خلاف گفته تو را در دل گیرند و خدا اندیشه شبانه آنها را خواهد نوشت پس ای پیغمبر از آنها روی برگردان و بخدا توکل نما تنها خدا برای یار ومعین تو کافی خواهد بود (٨١) آیا درقرآن فکر و تامل نمیکنند تا بر آنان ثابت شود که اگر ازجانب غیرخدا بود همانا می یافتند درآن اختلاف بسیاری را (٨٢)

در کافی ذیل آیه « ومن یطع الرسول فقد اطاع الله » از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود مفتاح هرچیزی خوشنودی خداوند و اطاعت نمودن از امام و شناختن او میباشد خداوند میفرماید « من یطع الرسول فقد اطاع الله و من تولی فما ارسلناك علیهم حفیظا » اگرشخصی تمام شبهارا بعبادت مشغول باشد وتمام روزها را روزه بگیرد وجمیع اموال خود را صدقه بدهد و هرسال بحج رود و امام و حجت خدا را نشناسد تا او را دوست داشته واعمالش براهنمائی آن امام بوده باشد درنزد خدا اجر وپاداشی نخواهد داشت و ازاهل ایمان نیست و اینحدیث را عیاشی نیز نقل نموده .

و بسند دیگر از ابی اسحق نحوی روایت کرده گفت شنیدم می فرمود حضرت صادق علیه السلام خداوند تربیت داد پیغمبر خود را برمحبت خود وفرموده « انك لعلی خلق عظیم » سپس واگذار نمود احکام وامورات را بآنجناب و فرموده « ما آتیکم الرسول فخذوه وماتهیکم عنه فانتهوا » وفرمود « ومن یطع الرسول فقداطاع الله » ورسول اکرم تفویض نمود آنها را بعلی و ائمه علیهم السلام شما اصحاب ، تسلیم ما ائمه شدید و سایر مردم انکار نمودند ما را ، بخدا قسم ما دوست داریم شما سخن بگوئید در هرچه ما سخن گفتیم و ساکت باشید در آنچه ما نگفته ایم واسطه میان شما و خدا ما ائمه هستیم سوگند بخدا خیر و نیکوئی برای کسی نیست هرگاه مخالفت کند اوامر خدا و ما را

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اِذا جاءَهُم اَمرٌ مِنَ الاَمنِ اَوِ الخَوفِ اَذاعوا بِهِ وَلَو رَدّوهُ اِلَى الرَّسولِ وَاِلى اُولِي الاَمرِ مِنهُم لَعَلِمَهُ الَّذينَ يَستَنبِطونَهُ مِنهُم وَ لَولا فَضلُ اللّهِ عَلَيكُم وَ رَحمَتُهُ لَاتَّبَعتُمُ الشَّيطانَ اِلّا قَليلاً (۸۳) فَقاتِل فى سَبيلِ اللّهِ لاتُكَلَّفُ اِلّا نَفسَكَ وَ حَرِّضِ المُؤمِنينَ عَسَى اللّهُ اَن يَكُفَّ بَأسَ الَّذينَ كَفَروا وَاللّهُ اَشَدُّ بَأساً وَ اَشَدُّ تَنكيلاً (۸٤) مَن يَشفَع شَفاعَةً حَسَنَةً يَكُن لَهُ نَصيبٌ مِنها وَ مَن يَشفَع شَفاعَةً سَيِّئَةً يَكُن لَهُ كِفلٌ مِنها وَ كانَ اللّهُ عَلى كُلِّ شَيءٍ مُقيتاً (۸۵)

در کافی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده در آیه « و یقولون طاعة فاذا برزوا من عندك » فرمود مراد منافقین وابوعبیدة بن جراح است.

و نیز در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در آیه « واذا جاء هم امر من الامن اوالخوف اذاعوابه » فرمود خداوند کسانی راکه اسرار خدا ورسولش رااظهار و منتشر میسازند سرزنش نموده و میفرماید برشما باد بدوری کردن از نشر وافشای امور و اسرار پنهانی.

در اختلاف باید بصاحبان امر رجوع کرد

شیخ مفید در کتاب اختصاص بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در تفسیر « ولو ردوه الی الرسول و الی اولی الامر منهم » فرمود مثل علی بن ابیطالب علیه السلام و مثل ما ائمه بعد از آنحضرت مانند حکایت موسی و آن عالم (خضر) است که موسی خضر را ملاقات و درخواست نمود که اجازه بدهد بااورفاقت کند بطوریکه خداوند در قرآن بیان میفرماید «قال له موسی هل اتبعك علی ان تعلمن مما علمت رشدا» آیه ٦٥ سوره کهف چون خداوند بموسی فرمود من ترا از میان مردم برای پیغمبری برگزیده و به تکلم نمودن سر افرازت کرده ام عطایای ما را بگیر و سپاسگزار باش و در این

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

هر گاه امریکه باعث ایمنی یا ترس مسلمانان است و باید پنهان داشت منتشرمیسازند تا دشمنان آگاه شوند اگررجوع مینمودند برسول و صاحبان امر از خودشان همانا میدانستند او راآنانیکه اهل دانشند و اگرنه این بود که فضل خدا شامل حالتان بود بجز اندکی هم شیطان را پیروی میکردید (۸۳) ای پیغمبر جهادکن در راه خدا وتکلیف نکن جز نفس خودرا ومؤمنین را ترغیب کن امید است که خدا آسیب کافرانرا ازشمابازدارد وقدرت خدااز یاری مردم فزون تروانتقامش سخت تر خواهد بود (۸٤) هر کس وسیلهٔ کار نیکی شود او نیز بهره‌ای از آن ببرد وهر که سبب کار زشتی شود سهمی از آن خواهد یافت و خداوند برهر کاری مراقب خواهد بود (۸۵)

الواح از هرچیزی برای تو نوشته ایم وسی گمان میکرد تمام علوم و چیزهائیکه در نبوت احتیاج دارد درالواح نوشته شده است درصورتی که بمضمون «فوجداعبداً من عبادنا آتیناه رحمة من عندنا و علمناه من لدنا علماً» (آیه ٦٤ سوره کهف) نزد آن بندهٔ خدا و عالمی که دیده بود علومی مشاهده نمود که در الواح نوشته نشده بود مدعیان علم هم خیال میکنند دانشمند وفقیه هستند وتمام چیزهائی که مردم بآن احتیاج دارند از فقه وعلم دین میدانند وآنچه که میدانند وحفظ کرده اند صحیح است ورسول خدا بآنها یاد داده است و حال آنکه آن علوم از رسول خدا نیست و اگر بعضی هم از آن حضرت باشد ایشان نمی فهمند و معنای آنرا نمیدانند و شاهد براینکه تمام آن علوم ازرسول خدا نمیباشد آنست که اگر مسئله ای از حلال و حرام ، مردم از آنها بپرسند خبری و علمی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزدشان نیست و حاضر باعتراف هم نیستند که بگویند ما نمیدانیم و کراهت دارند که موضوع را از اهلش سئوال کنند و از معدن و مرکز علم یاد بگیرند ، لذا برأی و قیاس عمل میکنند وبرطبق نظر خود رفتار مینمایند و بدعت در دین خدا میگذارند و نمیخواهند بموجب روایات وارده از حجت ها وائمه طاهرین عمل نمایندوحال آنکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده هر بدعتی گمراهی است واگرمسائلی از دین خدا از ایشان پرسیده میشد و ازرسول خدا خبری ندانسته و در صدد تحقیق

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اِذا حُيِّيتم بِتحيَّةٍ فحيّوا بِاَحسن مِنها اَو رُدّوها اِن اللّه كان علی كُلّ شیءٍ حَسیباً (۸٦) اَللّه لا اِله اِلّا هُو لیجمعنّكم اِلی یوم القیمة لا رَیب فیه وَمن اَصدق مِن اللّه حدیثاً (۸۷) فما لكم فی المُنافقین فئتین و اللّه اَركسهم بِما كَسبوا اَتریدون اَن تهدوا مَن اَضلّ اللّه وَمن یُضلل اللّه فلن تجد له سبیلاً (۸۸) وَدّوا لو تكفرون كما كفروا فتكونون سواء فلا تتخذوا منهم اَولیاء حتّی یُهاجروا فی سَبیل اللّه فَاِن تولّوا فخذوهم و اقتلوهم حیث وجدتموهم وَلا تتخذوا منهم وَلیّاً وَلا نصیراً (۸۹)

ازما آل محمد صلی الله علیه و آله برمیآمدند محققاً یادمیگرفتند واین عدم مراجعه بخاندان عصمت فقط ناشی ازحسادت وکینه‌ای است که نسبت بآل محمد صلی الله علیه و آله دارند بخدا قسم موسی باآنکه پیغمبر زمان خود بوده و باو وحی نازل میشد در برابر عالم زمان خود حسد نبرده پس از آنکه او را شناخت و بعلمش اقرارنمود درخواست کرد که باو اجازه دهد پیروی از وی نماید و اخذ معارف و علوم کند واوباآنکه میدانست موسی طاقت رفاقت او را ندارد و تحمل علوم او را نداشت و صبر نمیکرد و باو گفت « انك لن تستطیع معی صبراً » بازموسی باکمال خضوع و فروتنی باو گفت انشاءالله مرا ازصبر کنندگان خواهی یافت و نافرمانی نمیکنم تا از فیوضات علمی بهره مند گردم ـ ولی این امت رغبت بما نداشته و علماء و فقها طاقت تحمل علم ما را ندارند و حاضر نیستند که ازما اخذ علم کنند و جاهلین برمقام ما کراهت دارند که ازعلم و دانش ما استفاده نموده و حقایق دین خدا را یاد بگیرند وحال آنکه علم ما نزد خداوند برحق وحقیقت است.

عیاشی ذیل آیه « ولوردوه الی الرسول والی اولی الامرمنهم » ازعبدالله بن جندب روایت کرده گفت نوشت بسوی من حضرت رضا علیه السلام نامه ای و مرقوم داشته بود در آن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

هرگاه مردم بشما ثنائی گویند شما نیز بمانند آن یا بهتر پاسخ دهید همانا خدا بحساب هر کاری بینا و واقف باشد (٨٦) آنخدائیکه جز او هیچ خدائی نیست همه رادر روز قیامت که شکی در آن نمیباشد جمع آورد و کیست که راست‌تراز اوسخن گوید(٨٧) چرا در بارهٔ منافقین دو طایفه شدیدجمعی باسلام و دیگران بکفرشان قائل‌هستید؛ محققاً خدا آنها را بکیفراعمال زشتشان میرساند آیا شمامیخواهید کسی راکه‌خدا گمراه کرده راهنمائی کنید و هرکرا خدا واگذاشت بحال گمراهی هرگز راهی برای راهنمائی او نخواهی یافت (٨٨) دوست دارند منافقین که شما مسلمانان بمانند آنها کافر شوید تا همه در کفر برابر باشید پس‌دوست‌نگیرید آنانرا تا زمانیکه در راه خدا هجرت کنند و اگرروبرگردانیدند هرکجا یابید آنهارابقتل برسانید و از آنان‌یارو یاوری اختیار نکنید (٨٩)

نامه خداوند رحمت کندترا این‌طایفه ای‌راکه وصف نمودی دیشب برادران‌شما بودند امروز باشما دشمن‌هستندوازشمابیزاری میجویند برخلاف شما سیرمیکنند آنها کسانی هستندکه توقف نمودند در حیوة پدرم موسی بن جعفر علیه صلوات‌الله علیه و درآخر نامه نوشته بودند : اینقوم را شیطان وسوسه کرده ومغرورشدند بشبهاتی چند ودین‌بر آنها مشتبه نیست برای آنکه احکام دیانت واضح و روشن است آنان فریب خوردند و دروغ میگویند برعالم و دانشمندان خود ومیخواهند ازپیش‌خود هدایت وراهنمائی یابند لذا هرچرا برای‌آنان بگوئی جواب دهند ازکجا اینطور باشد ؛ وبرای چه فلان چیز واجب یا حرام است ؛ هلاکت برایشان وارد شد از آنجائیکه باید احتیاط کنند و سبب این هلاکت اعمالی است‌که خودآنها بدست خویش انجام داده اند و پروردگار هیچوقت ستم بکسی نخواهدکرد بلکه واجب بودبرآنها توقف کنند درآنچیزهائیکه نمیدانند یا شك وتحیردارند وبرگردانند آنها رابسوی عالم واهلش خداوند میفرماید و اگربرگردانیدآنها را بسوی رسول واولی‌الامر هرآینه یاد میدهند شما ها را وعالم آل محمد صلی‌الله‌علیه وآله‌وسلم هستندآن آل استنباط میکنند و بیرون میآورند امورات را از

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

الّا الّذين يصلون الى قوم بينكم و بينهم ميثاق اوجاؤكم حصرت صدورهم ان يقاتلوكم اويقاتلوا قومهم ولو شاء الله لسلطهم عليكم فلقاتلوكم فان اعتزلوكم فلم يقاتلوكم و القوا اليكم السلم فما جعل الله لكم عليهم سبيلا (۹۰) ستجدون آخرين يريدون ان يأمنوكم و يأمنوا قومهم كلما ردّوا الى الفتنة اركسوا فيها فان لم يعتزلوكم و يلقوا اليكم السلم و يكفوا ايديهم فخذوهم و اقتلوهم حيث ثقفتموهم و اولئكم جعلنا لكم عليهم سلطاناً مبيناً (۹۱)

قرآن و می شناسانند بشما حلال و حرام را و آل محمد حجتهای خداوند میباشند بر مخلوقاتش.

و نیز ذیل آیه «ولولا فضل الله علیکم ورحمته» از حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود فضل خدا رسول اکرم و رحمت او ولایت ائمه میباشد.

و بسند دیگر از حضرت موسی بن جعفر روایت کرده فرمود فضل خدا رسول اکرم و رحمت او علی بن ابیطالب است.

در کافی روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام در آیه «فقاتل فی سبیل الله لاتکلف الا

علی بن ابراهیم بسند خود از صادقین روایت کرده که آیه ستجدون آخرین در باره عیینة بن حصین فزاری نازل شده و در شهر آنها قحطی شده بود خدمت پیغمبر اکرم آمد و قرار گذاشت که در محل خودشان بمانند و متعرض مسلمین نشوند و او یکی از منافقین ملعونی بود که پیغمبر اکرم او را احمق فرمانبردار قوم نامیده بود و نیز گفته در آیه «وما کان لمؤمن ان یقتل مومنا الاخطأ» در اینجا کلمه الا بجای لا واقع شده نه استثناء است یعنی اگر مرد مؤمنی وارد دارالحرب شد و کشته شد دیه برای او نیست و بر قاتل است که یك بنده مؤمن آزاد کند زیرا پیغمبر اکرم فرمود کسیکه وارد دارالحرب شد بری میشود ذمه از آن و فرمود اگر کسی مؤمن را عمداً بقتل برساند توبه اش قبول نمیشود تا او را

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مگر آنهائیکه با شما عهد و پیمان بسته‌اند یا بنزد شما آیند که از جنك با شما و قوم خودشان که دشمنان شما هستند خود داری کنند و ازجنك دلتنك باشند و اگر خدا میخواست آنهارا برشما مسلط مینمود تاقتال کنند پس هرگاه ازجنك کناره گیری کردند و تسلیم شدند در اینصورت خدا برای شما راهی برعلیه آنها نگشوده (٩٠) بزودی میبابید طایفه ای را که میخواهند از شما باظهار اسلام و از قوم خود با تظاهر بکفرایمنی یابند و هرگاه راه فتنه و شرك برآنها باز شود بکفر خود بازگردند پس از نفاق با شماکناره دوری نجسته و تسلیم نشدند و از آزار دست نکشیدند در اینحال هرکجا آنها را یافتید بگیرید و بقتل برسانید ما برجان و مال آنها شما را تسلط آشکاری (٩١) بخشیدیم

نفسك» تاآخر آیه فرمود:

خداوند برسول تکلیفی محول فرموده که مردم را بآن مکلف ننموده است آن حضرت راتکلیف نموده که بتنهائی با مردم جهاد کند اگرچه کسی را نیابد که در رکابش با او جهاد نماید و سپس آیه را تلاوت فرمود.

و عیاشی بسند خود از سلیمان بن خالد روایت نموده که گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم مردم میگویند اگر برای امیرالمؤمنین علیه السلام حقی بود پس بچه سبب قیام نفرمود تا حق خود را از آن مردم بگیرد؟ فرمود خداوند هیچ کس را به تنهائی

قصاص کنند و هر که پیغمبر یا امام را بکشد برای او توبه نیست زیرا قاتل همردیف و مانند پیغمبر وامام نیست تا او را قصاص کنند که توبه‌اش قبول شود وفرمود حضرت صادق اگرمشرکی امام و پیغمبر را بکشد موفق بتوبه نخواهد شد یعنی توفیق حاصل نمیکند که داخل اسلام بشود ولی اگر یکی ازمشرکین یا یهود و نصاری مسلمانی را بقتل برساند اگرداخل اسلام بشود گناهش محو شود چون پیغمبر فرمود قبول اسلام برطرف میکند معصیتهای پیش از اسلام را چه بزرگترین گناه شریك قرار دادن برای خداست پس وقتی که توبه او از شرك قبول شداز کمتر از آن نیز قبول میشود.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ ما كانَ لِمُؤْمِنٍ اَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِناً اِلّا خَطَأً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِناً خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ اِلى اَهْلِهِ اِلّا اَنْ يَصَّدَّقُوا فَاِنْ كانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ اِنْ كانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ اِلى اَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيامُ شَهْرَيْنِ مُتَتابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللّهِ وَ كانَ اللّهُ عَلِيماً حَكِيماً (۹۲) وَ مَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِناً مُتَعَمِّداً فَجَزاؤُهُ جَهَنَّمُ خالِداً فِيها وَ غَضِبَ اللّهُ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ وَ اَعَدَّ لَهُ عَذاباً عَظِيماً (۹۳)

يا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اِذا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ فَتَبَيَّنُوا وَ لا تَقُولُوا لِمَنْ اَلْقى اِلَيْكُمُ السَّلامَ لَسْتَ مُؤْمِناً تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيوةِ الدُّنْيا فَعِنْدَ اللّهِ مَغانِمُ كَثِيرَةٌ كَذلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا اِنَّ اللّهَ كانَ بِما تَعْمَلُونَ خَبِيراً (۹٤)

مکلف به جهاد نفرموده مگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را و برای امیرالمؤمنین طرفداران و جمعیتی که او را در امر ولایت یاری کنند وجود نداشت وخداوند میفرماید « الا متحرفاً لقتال او متحیزاً الی فئة » .

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در آیه « و اذا حییتم بتحیة فحیوا باحسن منها » هرگاه یکی ازشما عطسه نموده و گفتند « یرحمکم الله » باوجواب بگوید « یغفرالله لکم ویرحمکم الله » و آیه را تلاوت فرمود .

در کافی بسند خود از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود سلام کردن مستحب است ولی جواب دادن آن واجب میباشد .

ونیز از آنحضرت روایت کرده اگر کسی پیش از آنکه سلام کند سخن گفته وسئوالی نماید جوابش را ندهید .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

هیچ مؤمنی نبایدکه مؤمن‌دیگر را بقتل رساند مگر آنکه باشتباه خطا رفته دراینحال بایدبه کفاره این‌خطا بندهٔ مومنی راآزادکند ودیه آنرا بصاحب خون تسلیم نماید مگر آنکه ورثه او را بقاتل ببخشد و اگراین مقتول از کسانی است‌که با شما دشمن و مخاربند در اینصورت دیه ندهد لکن بر اوست‌که بندهٔ مؤمنی آزادکند و اگر مقتول از آنهائی است‌که بین شما وآنها عهدی برقرار است پس باید دیه را بپردازد و بندهٔ نیز آزادکند و اگربنده نیابد دو ماه متوالی روزه بگیرد این توبهٔ است‌که از جانب خدا معین شده و خدا باعمال مردم دانا وآگاه است (٩٢) هرکس عمداً مؤمنی را بکشد کیفرش آتش جهنم است‌که در آن همیشه معذب خواهد بود وغضب و خشم خدا براو باشد و عذابی بسیار بزرك برایش آماده سازد (٩٣) ای اهل ایمان هرگاه بیرون روید در راه خدا تحقیق و تجسس کنید و نسبت کفر بکسیکه اظهار اسلام نماید و تسلیم شما باشد ندهید تا مال او را که متاع ناچیز دنیاست بغنیمت ببرید وغنیمت بیشمار نزد خداست واسلام شماهم ازاول‌همین اظهاربودتاوقتیکه خدابرشمامنت گذاشت وبنورایمان موفق شدید پس بایدتحقیق کنید که‌خدابرهرچه که میکنید آگاهست(٩٤)

و نیز بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود بخیل کسی است‌که بخل در سلام کند.

صلح پیغمبر با اشجع و بنی ضمره

قوله تعالی : فما لکم فی المنافقین تاآخرآیه

این آیه در بارهٔ اشجع و بنی ضمره نازل شده و حکایت این دو نفرآنست که چون پیغمراکرم صلی الله علیه وآله وسلم برای‌جنك بدرازمدینه خارج شدند دروقت معین به نزدیکی شهرآندو نفر در حرکت بودند و قبلاآندو نفرقرارداد نموده بودندکه متعرض آنها نشوند اصحاب پیغمبرگفتند ما درنزدیکی بنی ضمره هستیم‌ومیترسیم‌که با مامخالفت کنند یا بمدینه هجوم ببرند یا باکفارکه با ما جنك دارندکمك نمایند خوبست اول

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر والمجاهدون فی سبیل الله
باموالهم و انفسهم فضل الله المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین
درجة و کلا وعد الله الحسنی و فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجرا
عظیما (۹۵) درجات منه و مغفرة و رحمة و کان الله غفورا رحیما (۹٦) ان
الذین توفیهم الملائکة ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین
فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها فاولئک مأویهم
جهنم وساءت مصیرا (۹۷)

ما با اینها جنگ کنیم، پیغمبر فرمود خیر اینها از نجبا و نکویان عرب هستند حق صله رحم را مراعات نموده وبعهد خود وفا میکنند شهر بنی اشجع که در نزدیکی شهر بنی ضمره بود و آنها طایفهٔ از کنانه میباشند دچار قحط وغلا شده وزراعتی در آن بعمل نیامده و چون با بنی ضمره قرار داد مراعات و امان داشته و پیمان بسته بودند بشهر بنی ضمره آمده بودند وچون پیغمبر دانست مردم بنی اشجع آنجا هستند مهیای جنگ با آنها شد زیرا فقط با بنی ضمره قرار داد بسته بود لذا آیه فوق نازل گردید.

منازل قبیلهٔ اشجع نزدیکی کوهی بودودرمجاورت محلی واقع شده بود که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آنجا میگذشتند و آنها از ترس آنکه مبادا مسلمین بایشان بجنگ درآیند باتفاق رئیس خود مسعود بن رجیله با تمام افراد قبیله که هفتصد نفر بودند درماه ربیع الثانی سال ششم هجرت بمکانی که شعب سلح نامیده میشد رفتند پیغمبر اسید بن حصین را باجمعی نزد آنها فرستاد که معلوم شود برای چه به شعب نامبرده وارد شده اند مسعود بن رجیله باستقبال آمده براسید بن حصین سلام کرد و گفت قصد شرفیابی حضور پیغمبر راداشتیم که معاهده منعقد کنیم و باتفاق اسید بسوی پیغمبر حرکت نمودند اسید بن حصین به

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

هرگز کسانیکه از مؤمنین بدون عذر و مرض از جهاد باز نشینند باآنهائیکه بمال و وجان کوشش وجهاد کنند یکسان نخواهند بود خدا جهاد کنندگان بمال و جان را بر بازنشستگان ازحیث درجه برتری دادهوهمه اهل ایمان را وعده نیکوفرموده ومجاهدان رابرقاعدین باجروثواب بزرك برتری دادهاست (٩٥)این درجات وبرتری رحمت اوست و خدا در بارهٔ بندگان آمرزنده ومهربانست (٩٦) آنهائیکه ظالم و ستمگر بودند وقتی فرشتگان آنان راقبض روح کنند ازایشان پرسش کنند کهدرچکار بودید؟ جواب دهند ما در روی زمین مردمانی ضعیف و ناتوان بودیم فرشتگان گویند آیا زمین خدا وسعت نداشت که در آن سفر کنید و از وادی ضلالت و نادانی بسرزمین دانش بروید مکان ایشان جهنم است و بسیار بد جایگاهی است (٩٧)

پیغمبر عرض کرد قبیلهٔ اشجع ترسیدندکه ما باآنها جنك کنیم برای عقد قرارداد صلح آمدند پیغمبرده بار شترخرما برای آنها فرستاد و فرمودند ارسال هدیه قبل از اظهار احتیاج بسیار پسندیده ونیکواست پس فرمود ایطایفه اشجع برای چه آمدهاید؟ عرض کردند ما مردم کمی هستیم وهیچگاه اندیشه جنك با شما نداشتهایم بحضورت آمدهایم تا پیمان صلح به بندیم پیغمبرصلح با آنها را پذیرفت و روز بعد بمساکن خود رفتند وآیه « الاالذین یصلون الی قوم » نازل شد .

طبرسی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده درآیه **فما لکم فی المنافقین فئتین** فرمود این آیه دربارهٔ جمعی نازل شده که از مکه بمدینه آمده و در حضورمسلمانان اظهار اسلام نمودند و همینکه بمکه مراجعت کردند اظهار شرك کرده و بطرف یمن حرکت کردند و چون مقرر شد که مسلمانان با آنها جنگ کنند دو دسته شده و اختلاف بین آنها پدیدار شدبعضی گفتنداینها مسلمان شده اند وعده دیگرعقیدهداشتند که اینان مشرکند واین آیه در بارهٔ آنها نازل گردید .

درکافی روایت کرده ازحضرت صادق علیه السلام درآیه « وماکان لمؤمن ان یقتل مؤمناً

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

الّا المستضعفين من الرّجال و النّساء والولدان لايستطيعون حيلة و لا يهتدون سبيلا (۹۸) فاولئك عسى الله ان يعفو عنهم و كان الله عفوّاً غفوراً (۹۹) و من يهاجر في سبيل الله يجد في الارض مراغماً كثيراً وسعة و من يخرج من بيته مهاجراً الى الله و رسوله ثم يدركه الموت فقد وقع اجره على الله و كان الله غفوراً رحيماً (۱۰۰)

الا خطاء فرمود قتل عمدی آنست که کسی با سنك و یا آهن و عصا یا اسلحه دیگری به شخصی بزند که منجر بمرك شود این قتل عمدی است و قتل خطا و سهوی آنست که شخصی قصد زدن حیوان یا چیز دیگری را داشته وتیراو بغلط بکسی اصابت نموده و موجب مرگش شود این قتل خطائی است نه آنکه کسی را بزند و بکشد و بعد بگوید من بقصد کشتن نزدم و قصد در اینجا مصداق نداشت.

واز آنحضرت روایت کرده فرمود دیهٔ قتل غیرعمد یا صدشتر است یا هزار گوسفند یا ده هزار درهم نقره یا هزار دینار طلا میباشد.

و شیخ در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در بارهٔ مرد مسلمانی که در زمین مشرکین بوده و مسلمانان او را اشتباهاً بقتل رسانیده و بعد فهمیده اند که مقتول مسلمان بوده فرمود یك بنده آزاد میکنند و این است مراد آیه که میفرماید:

وان كان من قوم عدو لكم و هو مؤمن فتحرير رقبة مؤمنة

در کافی بسند خود از معمربن یحیی روایت کرده گفت سئوال نمودم از حضرت صادق مردی میخواهد کفارهٔ ظهار بدهد آیا جایز است طفل نوزاد را آزاد کند؟ فرمود درهر کفاره ای میتوان طفل را آزاد نمود مگر در کفاره قتل خطائی که باید بموجب آیه شریفه بنده مؤمن و مقررا آزاد نمود.

و نیز روایت کرده بسند خود ازابن بکیر گفت ازحضرت صادق علیه السلام سئوال نمودم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مگر آنانیکه از مردان و زنان و فرزندان که در حقیقت ناتوان بودند وچاره وگریزی
نداشته و راهی بنجات خود نمی یافتند (۹۸) پس آنها امیدوار بعفو خدا باشندو
خدا ازگناهان آنان درگذرد و او بخشنده و مهربانست (۹۹)و هر کس
در راه خدا هجرت کند برای گشایش و آسایش امور خود
جایگاه بسیار خواهد یافت و هر که بیرون آید از
وطن خودوهجرت کند بسوی خدا ورسول او
ومرگ اورادریابد اجروثواب اوبرخداست
وخدا آمرزنده ومهربانست(۱۰۰)

مرد مؤمنی مؤمن دیگری را بقتل رساند آیا میتواند توبه کند؟ فرمود اگر او را بجهت ایمانش کشته برای او توبهٔ نیست و اگر بر اثر غضب و یا چیز دیگری مرتکب قتل شده توبهٔ او قصاص نمودن اوست مگر آنکه صاحب خون او را عفو کند وقصاص نماید در اینصورت باید دیه مقتول را بصاحب خون رد کند و یك بنده هم آزاد کرده دو ماه متوالی هم روزه بگیرد وشصت فقیر را سیر نموده بعد استغفار کند تا خداوند توبه اش را قبول نماید .

عیاشی از عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام ازمن سئوال فرموده که آیا قاضی یحیی بن سعید برخلاف رویهٔ شما قضاوت میکند ؟عرضکردم بلی دو نفرجوان در رحبه با هم نزاع کردند یکی ازآنها دست دیگری راگاز گرفت و آن دیگری سنگی برداشت و باو زدآنشخص مرد یحیی بن سعید قاضی ازاودیه گرفت ابن شبرمه وابن ابی لیلی که دونفرقاضی دیگربودندبه عیسی بن موسی گفتند این حکمی که یحیی کرده درست نیست حضورش عرض کردم آنها گمان میکردند که این قتل خطائی است و قتل عمدی نیست مگر بکشتن با اسلحه حضرت صادق فرمود قتل عمدی آنست که شخص اراده کند چیزی را بزند وآنرا هدف و نشانه قرار دهد پس بغلط بکسی برسد وکشته شود ولی اگر با هرچیزی اعم ازسنك یاآهن یا عصا وغیره بکسی بزند و درنتیجه کشته شود این قتل عمد است .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

علی‌بن ابراهیم بسند خود ازصادقین علیهما السلام روایت کرده فرمودند آیه «یا ایهاالذین آمنوا اذا ضربتم فی‌سبیل‌الله» بعد از آنکه پیغمبر اکرم ازجنك خیبر برگشت واسامةبن زید را با عدهٔ باطراف قرای یهود و فدك فرستاد تا آنها را دعوت باسلام نماید نازل‌شد و قصه او از اینقرار است :

مردی یهودی بنام مرداس‌بن نهیك‌فدکی درآنجا بود چون فهمید لشکرپیغمبر بآنجاآمده اند تمام اهل و عیال خود را جمع کرد وبطرف کوه رفت در موقع عبور از کنار اسامه گفت شهادت میدهم بوحدانیت خدا و نبوت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله اسامه نیزه ای باو زد و او راکشت ودرموقع مراجعت جریان واقعه را حضورپیغمبرعرض کرد پیغمبر فرمود مردی راکه شهادت‌بوحدانیت خدا ونبوت من‌داد چراکشتی؟عرض کرد بیانش‌از روی حقیقت نبود بلکه برای آن بود که کشته نشودفرمود آیا پردهٔ روی دل او راپاره کرده‌و دانستی که آنچه بزبان میگفت دردل اقرار ندارد لذا اسامه قسم‌خورد که از آن پس کسی راکه بزبان اقرار باسلام کند نکشد و بعداز پیغمبراین عذر را بهانه‌کرد واز امیرالمؤمنین تخلف کرد و دوری جست واین عذر او مقبول نیست زیرا ادله بسیاری بود که اطاعت امیرالمؤمنین واجب بوده درجهاد نمودن باکفار و ستمکاران و مکرر از پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله شنیده‌بوداین‌فرمایشات‌راکه خطاب بآنحضرت مینمود ومیفرمود کار زار با تو کارزار با من است و تسلیم تو تسلیم من باشد و این اعمال میرساندنفاق اسامه را و چون خداوند درآیه سابق احکام قتل نفس و اقسام او را بیان فرمود لذا دنباله آن امرباحتیاط و دقت را میفرماید تاکسی دراثر بی احتیاطی مرتکب قتل نفس نشود سپس پشیمان و خجل گردد و این شأن نزول را نیزطبرسی در مجمع بیان کرده است .

طبرسی در آیه « لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر » ازابوحمزه ثمالی روایت کرده گفت فرمود حضرت زین‌العابدین علیه‌السلام آیه اینطور از اول نازلشده بود « لایستوی القاعدون من المؤمنین و المجاهدون فی سبیل الله » ابن مکتوم نابینا حضور پیغمبرعرض کرد ایرسول خداما صاحبان عذرهم درزمره قاعدین داخل‌میباشیم ؟ جبرئیل نازل شد و این آیه را بطریق فوق وارد کردو فرمود این آیه در باره کعب

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بن مالك و مرارة بن ربيع و هلال بن امیه که از طایفه بنی سلمه و بنی عمروبن عوف و بنی واقف میباشند نازل شده آنها در جنك تبوك از پیغمبر و اصحابش دوری کرده و حاضر نشدند برای جهاد و علی بن ابراهیم از صادقین علیهما السلام روایت کرده فرمودند این آیه نازلشده در حق اشخاصیکه از امیرالمؤمنین دوری جستند ودر رکاب آنحضرت بجهاد نرفتند فرشتگان هنگام مرك بآنها گویند چرا از آنحضرت دوری کردید؟ جواب دهند ما نمیدانستیم که حق با امیرالمؤمنین بود خداوند در مقابل گفتار آنان خطاب نموده و میفرماید « الم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها » (مگردین خدا و قرآن راهنمای شما نبود و وسعت نداشت چرا در قرآن نظر نکردید تا بفهمید که حق با آنحضرت بوده) و منافاتی ندارد آیه‌ای چند شأن نزول داشته باشد و این دو حدیث منافات بایکدیکر ندارند .

ابن بابویه از زراره روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام آیه **الاالمستضعفین من الرجال و النساء والولدان** را سؤال نمودم فرمود کسانی هستند که نه بر کفرو نه بر ایمان توانائی دارند یعنی هیچکدام را تشخیص نمیدهند و بچه‌ها وهر که از مرد و زن که عقلشان مانند بچه‌ها باشد قلم از آنها برداشته شده است .

و نیز از سلیمان بن خالد روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمودم مستضعف چه کسانی میباشند ؟ فرمود ابلهانی هستند که بآنها میگوئید نماز بخوانید نماز میخوانند و نمیدانند چه میگویند و کسی که نفع و ضرر خود را نداند مگر برایش بگوئی و پیر مردی که نزدیك است هلاك شود و بچه ها مستضعف میباشند اما کسی که مجادله میکند و متصدی خرید و فروش میشود و محتاج کسی نیست نباید گفت مستضعف است بخدا چنین شخصی ضعیف نیست .

عیاشی ذیل آیه « و من یخرج من بیته مهاجراً الی الله » از محمد بن حکیم روایت کرده گفت زراره فرزند خود عبید را فرستاد بسوی مدینه تا از حالت موسی بن جعفر علیهما السلام اطلاع یابدوفات کردزراره پیش از آنکه پسرش از مدینه مراجعت کند این خبر بحضرت موسی بن جعفر علیهما السلام رسید فرمود امیدوارم که زراره داخل باشد درزمره آنهائیکه خداوند این آیه را درشأن آنان نازل فرموده و آیه را تلاوت نمودند .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اذا ضربتم في الارض فليس عليكم جناح ان تقصروا من الصلوة ان خفتم ان يفتنكم الذين كفروا ان الكافرين كانوا لكم عدوا مبيناً(۱۰۱) وَاذا كُنتَ فيهم فاقمت لهم الصلوة فلتقم طائفة منهم معك وليأخذوا اسلحتهم فاذا سجدوا فليكونوا من ورائكم ولتأت طائفة اخرى لم يصلوا فليصلوا معك وليأخذوا حذرهم و اسلحتهم ودالذين كفروا لو تغفلون عن اسلحتكم وامتعتكم فيميلون عليكم ميلة واحدة ولا جناح عليكم ان كان بكم اذى من مطر او كنتم مرضى ان تضعوا اسلحتكم و خذوا حذركم ان الله اعد للكافرين عذاباً مهيناً (۱۰۲)

كيفيت نماز مسافر

قوله تعالى : و اذا ضربتم في الارض فليس عليكم جناح ان تقصروا من الصلوة .

هر گاه شخصي واجد شرايطي چند شد لازم‌است نمازهاي چهار ركعتي خودرا شكسته بجا آورد .

اول ـ بايد طي مسافت شرعي بنمايد و آن عبارت از رفتن هشت فرسخ متصل و يا چهار فرسخ برود و چهار فرسخ بر گردد .

دوم ـ بايدقصدسفر كرده باشد بدينمعني كه ازاول اراده مسافرت داشته نه آنكه مقداري راه برود بعد قصد سفر كرده و مقدار ديگري طي طريق كند در اينجاحكم مسافر را ندارد ولي در مراجعت چون هشت فرسخ بايد بر گردد مسافراست .

سوم ـ بايد دربين راه مسافرت خود را قطع ننمايد بتوقف در بين راه مثلا اگر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و زمانیکه سیر و سفر نمودید در روی زمین باکی نیست بر شما که نماز را شکسته بجا آورید (چهار رکعت را دو رکعت بخوانید) هر گاه بترسید که کافران شما را برنج و هلاك اندازند چه دشمنی کفار نسبت بشما آشکار است (١٠١) وهر گاه در میان سپاه اسلام باشی و میخواهی نماز بپاداری باید عدهٔ از لشکریان مسلح با تو بنماز بایستند و چون سجده نماز را بجای آورند ایندسته برای نگهبانی رفته و طائفهٔ که نماز نخوانده اند با لباس جنك و اسلحه بنماز آیند زیرا کافران دوست دارند که شما از اسلحه خود غفلت نموده و ناگهان یکدفعه بشما حمله کنند اما اگر باران و یا بیماری شمارا از گرفتن اسلحه برنج اندازد باکی نیست که اسلحه را زمین گذارید ولی باید از دشمن در حذر باشید خدا برای کفار عذابی خوار کننده فراهم ساخته است (١٠٢)

ملك و آبادی دربین راه داشته و قصد توقف در آنجا را هم دارد یا در اثنا راه بمنزل و وطن خود برسددر آنجا هم مسافرمحسوب نمیشود .

چهارم ـ باید سفرش جایز باشد خواه سفر واجب چون سفرحج یا مباح مانند سفر تجارت یا آنکه سفرمستحب باشد مثل سفر زیارات اماکن متبرکه ومشاهدمشرفه

پنجم ـ ازکسانی نباشد که او راکثیر السفر گویند و ملاك کثیرالسفر آنست که مدتی راکه درسفر میگذراند بیش ازتوقف درحضر باشد مانندمکاری‌هاورانندگان اتومبیل و ملاحان کشتی و جولاگرهاکه در قراء و قصبات و بین شهرها بقصد تجارت وخرید و فروش رفت و آمد مینماید .

و چون مسافر آنقدر از شهرخود دور شود که دیگر بناهای شهر را نه بیند ویا آنکه صدای اذان را نشنود میتواند نماز خود را شکسته بخواند .

در تهذیب بسند خود از معاویة بن وهب روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم کمترمسافتی که مسافرمیتواند در سفرنمازش را بقصر بجاییاورد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فَاِذا قَضَيْتُمُ الصَّلوٰةَ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ قِياماً وَ قُعُوداً وَ عَلىٰ جُنُوبِكُمْ فَاِذا اطْمَأْنَنْتُمْ فَاَقِيمُوا الصَّلوٰةَ اِنَّ الصَّلوٰةَ كانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتاباً مَوْقُوتاً (۱۰۳) وَلا تَهِنُوا فِي ابْتِغاءِ الْقَوْمِ اِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَاِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَما تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللّٰهِ مالا يَرْجُونَ وَ كانَ اللّٰهُ عَلِيماً حَكِيماً (۱۰٤) اِنّا اَنْزَلْنا اِلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النّاسِ بِما اَرىٰكَ اللّٰهُ وَلا تَكُنْ لِلْخائِنِينَ خَصِيماً (۱۰۵) وَ اسْتَغْفِرِ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ كانَ غَفُوراً رَحِيماً (۱۰۶)

چه مقداراست؟ فرمودیك بريد برود و يك بريد باز گردد وبريد چهار فرسخ است.

در فقيه بسند خود از عمار روايت كرده گفت حضور حضرت صادق عليه السلام عرض كردم مردم مكه دروقت عزيمت بعرفات نماز را در آنجا تمام ميخوانند ،فرمود واى بر آنها كدام سفر سخت تر از سفر كردن بعرفات است شما در آنجا نماز را شكسته بجا بياوريد و اينحديث را در كافى نيز روايت كرده است.

در كافى بسند خوداززراره روايت كرده گفت حضرت امام محمد باقر عليه السلام فرمود پيغمبر اكرم صلى الله عليه وآله وسلم حج كرد وسه روزدرمنى توقف نموده ونمازرا آنجا قصر بجا آوردند بعد ازآن ابوبكر و عمر، و عثمان نيز تا شش سال همينطور نماز ميخواندند يعنى در منى و عرفات نماز را شكسته بجا ميآوردند سپس عثمان بعد از شش سال نماز ظهررا چهار ركعت خوانده و بعد تمارض كرده وخود را بيمارجلوه داد تاكه بدعت اومحكم شود و بمؤذن گفت برو بعلى بگوكه عثمان ميگويد نماز عصر را با مردم بجا آورد اميرالمؤمنين فرمود من نماز عصررا همانطوركه رسول خدا بجاآورد دوركعت خواهم خواند عثمان مجدداً پيغام فرستادكه نبايد چنين كنى بلكه بايد چهار ركعت خوانده شود اميرالمؤمنين پاسخ دادند بخدا سوگند من هرگزمخالفت خدا و رسولش نميكنم والبته مانندرسول خدادوركعت بجاميآورم عثمان چون چنان ديدخودش براى نمازحاضرشد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و زمانیکه نماز را بجا آوردید در حال ایستاده و نشسته و بر پهلو خدا را یاد کنیدو وقتیکه از آسیب دشمن ایمن شدید پس نماز کامل بجا آورید همانا نماز بر اهل ایمان حکمی واجب نوشته شده (۱۰۳) از دنبال کردن در کار دشمن سستی نکنید اگر شما از آنها رنج وزحمت می‌برید آنان نیز ازدست شما رنج میکشندولی شما باطف خدا امید وار هستید و ایشان امیدی ندارند و خداوند دانا و حکیم است (۱۰٤) ایرسول ما قرآنرا بحق بر تو فرستادیم تا میان مردم حکم کنی بآنچه خداوند نازل نموده بسوی تو و نباش برای خاطر دشمنان با مؤمنین دشمن (۱۰۵) و از خدا آمرزش بطلب همانا خداوند آمرزنده و مهربانست (۱۰۶)

برخلاف دستور خدا و روش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سیره ابوبکر و عمر نماز عصر را چهار رکعت خواند و پس از شهادت امیرالمومنین علیه السلام معاویه حج کرد و نماز ظهر را قصر بجا آورد اصحاب عثمان گفتند معاویه برخلاف عثمان رفتار نمود و باعث شماتت دشمنان عثمان شد عده ای نزد معاویه رفته و گفتند آیا دانستی چه کردی؟ معاویه گفت وای برشما آیا نمیدانید که رسول خدا در اینجا نماز را بقصر بجا آوردند و ابوبکر و عمرهم بدستور پیغمبر عمل کرده و دوست ورهبر شما عثمان هم در مدت شش سال چنین میکرد اینك شما بمن تاکید میکنید که طریقه رسول خدا و ابوبکر وعمر را ترك نمایم؟ آنها قسم خوردند که ای معاویه از تو راضی نمیشویم مگر آنکه تبعیت از عثمان کنی معاویه برای خاطر آن مردم قبول کرد که تابع عثمان شود و نماز عصر را چهار رکعت بجا آورد بنی امیه وامراء آنها هم آن رویه راتعقیب وهمان روش عثمان را عمل مینمایند و برخلاف دستور خدا و رسول نماز را در منی و عرفات تمام بجا میآورند و طریقهٔ غلط و خلاف عثمان هنوز متداول است حتی در میان عده ای از شیعه امامیه رسم شده که فتوای میدهند باید در مسافت چهار فرسخ رفتن و برگشتن شب را توقف نکنند و حال آنکه برطبق حدیث فوق معلوم شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در منی و عرفات سه روز توقف میفرمود و مسافت میان مکه و عرفات بیش از چهار فرسخ نیست و شرط

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَلا تُجادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتانُونَ انْفُسَهُمْ انَّ اللّهَ لا يُحِبُّ مَنْ كانَ خَوّاناً اثِيماً

(۱۰۷) يَسْتَخْفُونَ مِنَ النّاسِ وَلا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللّهِ وَ هُوَ مَعَهُمْ اذْ يُبَيِّتُونَ ما

لا يَرْضى مِنَ الْقَوْلِ وَ كانَ اللّهُ بِما يَعْمَلُونَ مُحِيطاً(۱۰۸) هاانْتُمْ هؤُلاءِ جادَلْتُمْ

عَنْهُمْ فِي الْحَيوةِ الدُّنْيا فَمَنْ يُجادِلُ اللّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيمةِ امْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ

وَكِيلاً(۱۰۹) وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءاً وَ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّهَ يَجِدِ اللّهَ غَفُوراً رَحِيماً(۱۱۰)

وَ مَنْ يَكْسِبْ اِثْماً فَاِنَّما يَكْسِبُهُ عَلى نَفْسِهِ وَ كانَ اللّهُ عَلِيماً حَكِيماً (۱۱۱) وَ مَنْ

يَكْسِبْ خَطِيئَةً اَوْ اِثْماً ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئاً فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتاناً وَ اِثْماً مُبِيناً (۱۱۲)

نشده که چهار فرسخ را در یك روز و یا دو روز رفته و بر گردند زیرا اهالی مکه در وقت عزیمت بعرفات چند روزی در آنجا اقامت مینمایند.

در تهذیب بسند خود از صفوان روایت کرده گفت از حضرت رضا علیه السلام سئوال کردم که شخصی از بغداد خارج شده و اراده داشت که تا سه فرسخ برود و برفیق خود برسد آنجا که رسیده دوست خود را نیافت برای رسیدن باو آنقدر رفت تا به نهروان رسید که تا بغداد چهارفرسخ فاصله دارد آیا آن شخص موقع مراجعت ببغداد باید نمازش را شکسته بخواند یا خیر؟ فرمود نباید شکسته بجا بیاورد چه او در موقع خروج از منزلش قصد مسافرت نداشته و منظورش رسیدن به رفیقش بوده در قسمتی از راه نهروان ولی اگر از منزل خود اراده عزیمت به نهروان را داشت با رفتن و آمدن آن راه سفر محسوب میشد ولازم بود که روزهٔ خود راافطار کرده و نمازش را شکسته بخواند

و نیز از عمار روایت کرده گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم شخصی از منزل خود برای انجام کاری بیرون میرود ولی ارادهٔ سفر ندارد و میرود تا پنج وشش فرسخ و در قریهٔ منزل مینماید از آنجا نیز شش فرسخ دیگر میرود آنجا هم توقف نموده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و با اهل ایمان جدال نکن برای خاطر کسانیکه بنفس خود خیانت میکنند همانا خداوند خائن و گناهکار را دوست نمیدارد (١٠٧) خیانت کاران از مردم شرم داشته و از خداوند شرم ندارند و شبانگاه که گفتاری ناروا و ناپسند برای اتهام خلق در دل میاندیشند خدا در آنحال هم با آنها ست و بهر چه میکنند احاطه دارد و آگاهست (١٠٨) بفرض که شما خود از طرف آنها برای زندگانی دنیا بتوانید دفاع کنید کیست که روز قیامت طرفداری آنان بنماید و یا چه کسی بکفالت ایشان تواند بر خاست (١٠٩) هر کس عمل زشتی کرده و یا بخود ستم نموده پس از آن از خدا طلب آمرزش کند خدا را بخشنده و مهربان خواهد یافت (١٠) و هر کس گناهی کند بخود زیان رسانیده و خداوند دانا و از عمل مردم آگاهست (١١١) هر که گناهی مرتکب شده و یا خطائی کرده و بدیگری تهمت بزند همانا مرتکب گناهی بزرگ و آشکار شده است (١١٢)

و منزل میکند ؛ فرمود آن شخص مسافر نیست مگر آنکه از منزل خود قصد رفتن هشت فرسخ را داشته باشد و هر گاه قصد نداشت باید نماز را تمام بجا آورد .

در کافی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود شش طایفه هستند که باید نماز را در سفر تمام بخوانند و قصر نکنند :

اول ـ کسانی هستند که خراج بیت المال را جمع آوری مینمایند .

دوم ـ تاجری که بقصد تجارت و داد و ستد از شهری بشهری سفر مینماید .

سوم ـ امیر و حاکمی که در منطقه حکومت و امارت خود و حوزهٔ مأموریت گردش مینماید .

چهارم ـ چوپانی که برای بدست آوردن مرتع و زمین پر آب و علف برای گوسفندان خود میگردد .

پنجم ـ کسی است که برای تفریح بشکار میرود نه برای اعاشه عائله خود .

ششم ـ کسانی که بسفر نامشروع از قبیل سرقت و راهزنی یا لهو ولعب میروند

و بسند دیگر از عمار روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود هر کس مسافرت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَلَوْلا فَضْلُ اللّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ اَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ اِلّا اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَ اَنْزَلَ اللّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ عَلَّمَكَ مَالَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَ كَانَ فَضْلُ اللّهِ عَلَيْكَ عَظِيماً (۱۱۳) لا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوِيهُمْ اِلّا مَنْ اَمَرَ بِصَدَقَةٍ اَوْ مَعْرُوفٍ اَوْ اِصْلاحٍ بَيْنَ النّاسِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَالِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ اَجْراً عَظِيماً (۱۱٤)

کند باید روزه را افطار کند و نمازش را شکسته بخواند مگر آنکه سفر او در معصیت باشد و یا از طرف اهل معصیت بسوی جمعی از مسلمین اعزام شده باشد یا آنکه او را برای زیان رسانیدن و بد گوئی طایفه‌ای فرستاده باشند و باید دانست کثیر السفر بکسی اطلاق میشود که شغلش مسافرت است و توقف او در منزل کمتر از ده روز میباشد.

ابن بابویه در کتاب فقیه بسند خود از ابن سنان روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود اگر مکاری در منزل خود پنج روز یا کمتر توقف داشته باشد نباید در سفر نماز را شکسته بخواند و روزهٔ ماه رمضان بر او واجب است و اگر اقامتش در منزل خود یا شهری که میرود ده روز یا زیاد تر باشد نماز را شکسته بجا میآورد و در سفر افطار میکند.

در تهذیب بسند خود از حماد روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم شخصی مسافرت میکند و در بین راه بمنزل خود نیز میرسد آیا در آن منزل نماز را تمام بجا آورد یا شکسته؟ فرمود شکسته بجا میآورد و آن منزلی که در آن باید نماز را تمام بجا بیاورد منزلی است که آنرا وطن خود قرار داده است و هر گاه مسافر در شهری اراده نماید که ده روز یا زیادتر توقف کند باید نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد و چنانچه در حال تردید بود که امروز میرود یا فردا تا مدت سی روز نماز را

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و اگرفضل ورحمت خدا شامل حال تو نبود طایفه‌ای از آنها که دشمن اسلامند تصمیم گرفته بودند که تو را از راه صواب گمراه کنند آنان خود را از راه حق دورساخته‌اند و بتو هیچ زیانی نرسانند خداوند بر تو قرآن و حکمت نازل فرموده و آنچرا که نمیدانستی بتو آموخته و لطف و عنایت بزرك خود را بر تو خداوند عطا نموده است

(۱۱۳) نیست نیری در بیشتر سخنان سری آنها مگر آنکه کسی در صدقه دادن و نیکوئی و اصلاح میان مردم سخن سری گویدو هر که چنین کاری برای رضا مندی خدا کند بزودی باو اجر بزرك کرامت فرماید (۱۱٤)

شکسته میخواند و پس از آن تمام بجامیآورد اگرچه بازدرتردید باقی باشد.

در کافی بسند خودازعلی‌بن جعفر علیه السلام روایت کرده گفت ازبرادرم حضرت‌موسی بن‌جعفر علیه السلام پرسیدم که شخص مسافری است و در بین راه توقف کرده و ماه رمضان میرسد آیا براین شخص روزه واجب است یاخیر؟فرمود اگر قصد و اراده داشته باشد که در آن مکان ده روز یا بیشتر توقف کند روزه ماه رمضان بر او واجب است وگرنه باید افطار نماید.

و نیز از ابوبصیرروایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود در مسافرت اگر بمکانی رسیدی و قصد عشره کرده و خواستی ده روز یا بیشتر در آن محل بمانی باید روزه بگیری و نماز راتمام بخوانی ولی اگردودل بوده و در توقف وحرکت درتردید باشی تا مدت سی روز نماز را شکسته و افطار میکنی پس از اینمدت اگرچه فردای آنروز باید ازآن شهر بروی و بسفرادامه دهی لازم است نماز را تمام خوانده و روزه بگیری و اگر کسی در مسافرت نماز را تمام خواند و بعد متذکر شد چنانچه وقت کافی باشد نماز را اعاده و به قصر میخواند وگرنه نمازش صحیح است وقضامورد ندارد چنانچه درکافی بسند خود از عیص‌بن قاسم روایت کرده گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم مسافری نماز خود را تمام خوانده‌است چه باید بکند؛ فرمود اگر وقت دارد اعاده کند و چنانچه وقت گذشته نماز اودرست است.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ مَنْ يُشاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ ما تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدىٰ وَ يَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ ما تَوَلّىٰ وَ نُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَ ساءَتْ مَصِيراً (۱۱۵) اِنَّ اللّٰهَ لا يَغْفِرُ اَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ ما دُونَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَشاءُ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلالاً بَعِيداً (۱۱٦) اِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ اِلّا اِناثاً وَ اِنْ يَدْعُونَ اِلّا شَيْطاناً مَرِيداً (۱۱۷) لَعَنَهُ اللّٰهُ وَ قالَ لَاَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبادِكَ نَصِيباً مَفْرُوضاً (۱۱۸)

و در چهارمحل مسافر اختیار دارد که نماز را شکسته یا تمام بخواند و تمام خواندن آن افضل است چنانچه در کافی از عبدالحمید روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در مدینه و مسجد کوفه و در حرم حضرت امام حسین علیه السلام نماز را باید تمام بجا آورد و این حدیث را در تهذیب و ابن قولویه در کتاب مزار روایت کرده اند.

عیاشی بسند خود از زراره و محمدبن مسلم روایت کرده در آیه « واذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلوة » گفتند حضور حضرت باقر عرض کردیم چه میفرمائید در نماز سفر و مسافر چگونه باید تمام بخواند؟ فرمود در سفر واجب است نماز را شکسته بجا آورد همانطور که واجب است در حضر تمام خوانده شود عرض کردیم خداوند فرموده « لیس علیکم جناح ان تقصروا » و نفرموده «افعلوا» یعنی فرمود باکی نیست که شما نماز را قصر بخوانید و نفرموده واجب است که قصر بجا آورید پس چگونه واجب است قصر در نماز سفر؟ فرمود آیا خداوند نفرموده «ان الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج البیت او اعتمر فلاجناح علیه ان یطوف بهما » مگر طواف واجب نیست همچنین است نماز سفر حضورش عرض کردیم پس اگر کسی در سفر نماز را چهار رکعت خوانده است باید آن نماز را اعاده کند یا خیر؟ فرمود اگر این آیه را برایش قرائت و تفسیر کرده باشند معذالك نماز را در سفر تمام بجا آورده باید اعاده کند واگر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

هر کس بعد از روشن شدن راه هدایت با رسول خدا مخالفت کند و راهی غیر طریق اهل ایمان پیش گیرد بآنطریق باطلیکه برگزیده‌واگذاریم اوراو بجهنم درافکنیم و آن بدجا یگاهی‌است (۱۱۵) همانا هرکه بخدا شرك آورد نخواهد آمرزیداوراو گناهان کمتر از شرك‌راکه سرزند از هرکه‌بخواهد میبخشدو هرکس‌بخدا شرك آوردسخت گمراه‌شده وازسعادت دور افتاده است(۱۱٦)غیرخدا هرچه را بخدائی‌بخوانند جمادی بیش نیست و یا شیطانی سرکش‌و فریبنده است (۱۱۷) خدا شیطان را لعن نموده چه او بمجادله بر خواست و گفت من از بندگان‌تو بعضی‌را زیر بار اطاعت خویش خواهم کشید (۱۱۸)

آیه را برای او نخوانده اند و نمیدانسته اعاده لازم نیست و نماز واجب در سفر دو رکعت است مگر نماز مغرب که سه رکعت میباشد و پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله آنرا بحال خود واگذاشته و باید در سفرو حضر سه رکعت خوانده شود.

قوله تعالی: و اذا کنت فیهم فاقمت لهم الصلوة تا آخر آیه

طبرسی و علی‌بن ابراهیم در تفسیرخود بیان کرده اند این آیه وقتی نازل‌شد که پیغمبراکرم بقصد مکه از مدینه خارج شد و بحدیبیه رسیده بود کفار قریش خبردار شدند خالدبن ولید را با دویست سوار بجلوی پیغمبرفرستادند وقتی خالد نزدیك‌سپاه اسلام رسید که موقع نماز شده وبلال اذان‌گفت پیغمبر نماز را با مردم بجاآورد خالد گفت چقدر خوب بود که درحین‌نماز ما بآنها حمله میکردیم و آنان را ازبین میبردیم لکن وقت باقی است نماز دیگر اینکار را انجام میدهیم چه نماز نزد ایشان ازهرچیز عزیزتر است واگربآنها حمله‌کنیم نماز را قطع نمیکنند جبرئیل نازل شد واین آیه را که دستور نماز خوف است به پیغمبراکرم ابلاغ‌نمودلذا پیغمبراصحاب را دودسته کرد یکدسته با اسلحه در برابر دشمن ایستادند ودسته دیگر باپیغمبرمشغول نماز شدند و ایستاده یك رکعت بجا آوردند اینها بجای دسته اول رفته و آنهاآمدند رکعت دوم‌را پیغمبرباآنان بجاآورد و تشهد و سلام گفت واین عمل سبب اسلام‌آوردن خالد شد سپس پیغمبراسلحه خود رازمین گذاشت وبرای قضاء حاجت بکناری رفت فاصله‌زیادی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَلَاُضِلَّنَّهُمْ وَلَاُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَاٰمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ اٰذَانَ الْاَنْعَامِ وَلَاٰمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ
خَلْقَ اللّٰهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا (۱۱۹)
يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ اِلَّا غُرُورًا (۱۲۰) اُولٰئِكَ مَاْوٰيهُمْ جَهَنَّمُ
وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا (۱۲۱) وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا اَبَدًا وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا وَمَنْ اَصْدَقُ مِنَ
اللّٰهِ قِيلًا (۱۲۲) لَيْسَ بِاَمَانِيِّكُمْ وَلَا اَمَانِيِّ اَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا
يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا (۱۲۳)

بین آنحضرت و اصحاب پدید آمد نشست در سایه درختی مورث بن حارث محاربی متوجه آنحضرت شد برفقایش گفت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از اصحابش دور افتاده خدا مرا بکشد اگر او را نکشم از کوه پائین رفت و با او شمشیر برهنه‌ای بود رسید بالای سر پیغمبر شمشیر را بالا برد و گفت ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم که تو را از دست من نجات دهد و حفظ نماید؟ فرمود خداوند با اقتدار فوراً آن ملعون بصورت در افتاد پیغمبر از جا بلند شد شمشیر او را گرفت و حمله نمود باو فرمود ایمورث کیست که تو را از دست من نجات دهد عرض کرد کسی نیست فرمود اسلام اختیار کن وشهادتین بزبان بیاور گفت اینکار نکنم ولی عهد میکنم که دیگر بجنگ شما نیایم و از دشمنانت حمایت و یاری نکنم پیغمبر شمشیر او را داد مورث گفت بخدا قسم شما از من بهترید فرمود البته چنین است و من سزاوارم که بهتر باشم و رفت بطرف رفقایش آنها باو گفتند ما دیدیم که با شمشیر برهنه بالای سر پیغمبر ایستاده بودی پس چرا اورا بقتل نرساندی؟ گفت خواستم شمشیر را فرود آورم ناگاه شخصی از عقب بشانه من زد تمام بدنم بلرزه درآمد و بصورت در افتادم پیغمبر تشریف برد وقصه را باصحاب خود خبرداد و آیه را بر آنها تلاوت فرمود

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و هماناگمراه کنم بندگان را وبآرزوهای باطل دور ودرازدرافکنم و بآنها دستور دهم تا گوش حیوانات راقطع کنند تا علامت باشد که‌این حیوانات نصیب بتها است و امر کنم که خلقت خدائی را تغییردهند و احکام را بد لخواه‌خود تبدیل کنند و هر کس شیطان را دوست خود بگیرد در عوض خدا ، پس او زیانی برده‌که برهرکس آشکار است(۱۱۹) شیطان‌بسیار وعده دهد وآرزومند و امید وار کند اما وعده شیطان بجز غرور و فریب چیزی‌نیست (۱۲۰) منزلگاه‌آنها جهنم است و از آنجاگریزی نخواهند یافت (۱۲۱) کسانیکه ایمان بخدا آورده و عمل نیکو بجا آورند بزودی آنها را به بهشتی که زیردرختانش نهرها جاریست و در آنجا جاوید بمانند داخل‌کنیم وعده خدا بر حق است و کیست که در گفتار راستگو تر از خدا باشد (۱۲۲) کارها بآرزوی شما مسلمانان و یهودو نصاری درست نمیشودهر که کاربد کند کیفر آنرا خواهد دید و بجز خدا کسی را یار و یاور خود نتواند یافت (۱۲۳)

عیاشی از زراره روایت کرده در آیه «ان الصلوة کانت علی المؤمنین کتاباً موقوتاً» گفت معنای این آیه‌را ازحضرت باقر علیه السلام سئوال نمودم؟ فرمود ازبرای نمازوقت‌وسعت داری میباشد، گاهی‌زود دراول‌وقت‌خوانده‌میشود وگاهی در غیر آن‌مگرنماز جمعه که وقت آن‌محدودومعین‌است‌ومراداز «کتاباموقوتاً» واجب‌بودن‌نمازاست واگرچنانچه بعضی میگویندمرادوقت‌مشخص‌ومحدودباشدپس‌بایدسلیمان‌بن‌داود هلاك شود وقتی که‌گفت آفتاب‌پنهان شده‌است‌زیرا نماز را درغیروقت آن‌خوانده‌است‌وهیچ‌نمازی‌از نظر توسعهٔ وقت چون نماز عصرنیست‌که وقت‌آن از بعد ازگذشتن چهار رکعت نماز ظهر است تا غروب آفتاب .

قوله تعالی : **ولاتهنوا فی ابتغاء القوم**

این آیه تتمه آیه ۱۲۰ سوره آل عمران است که فرمود « ان یمسسکم قرح فقدمس القوم قرح»و درکیفیت غزوه احد در آنجا بیان شد .

قوله تعالی : **انا انزلنا الیك الکتاب بالحق** تا آخر آیه

سبب نزول این آیه آنست‌که سه برادر شرور معروف از طایفه بنی ابیرق که

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ
الْجَنَّةَ وَ لَا يُظْلَمُونَ نَقِيراً (۱۲٤) وَ مَنْ أَحْسَنُ دِيناً مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ
مُحْسِنٌ وَ اتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلاً (۱۲٥) وَ لِلَّهِ مَا فِي
السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطاً (۱۲٦) وَ يَسْتَفْتُونَكَ
فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَ مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ
اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَ تَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ
الْوِلْدَانِ وَ أَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَى بِالْقِسْطِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ
كَانَ بِهِ عَلِيماً (۱۲۷)

از انصار بودند بنام بشیر و بشر و مبشر بر عموی قتادة بن نعمان که از اصحاب بدر بود شبیخون زدند سپر و شمشیر و طعامیکه برای عیالش فراهم آورده بود بسرقت بردند قتاده خدمت پیغمبر اکرم شرفیاب شد و عرض کرد عدهٔ از خانواده بدکاری بعمویم دستبرد زده و شمشیر و سپر و طعام خانواده اش را ربودند ولی در طایفهٔ مزبور مرد مؤمنی بنام لبید بن سهل بود بقتاده گفتند این عمل لبید است چون او از این افترا باخبر شد شمشیر برکشید و بزبنی ابیرق حمله نمود گفت شما بمن نسبت سرقت میدهید و حال آنکه خودتان سارق و مردمی منافق هستید که به پیغمبر بدمیگوئید واو را بقریش نسبت میدهید یا این کار را روشن کنید یا شما را بقتل میرسانم باو گفتند خدا ترا رحمت کند برگرد تو بیزاری از این عمل و مردم آن طایفه بنزد یکی از منسوبان لبید بنام اسید بن عروه که مردی خوش صحبت بود رفته و او را وادار نمودند که خدمت پیغمبر شرفیاب شده و عرض کند که قتاده بیکی از افراد خانوادهٔ ما که اهل شرف و نجابت است نسبت سرقت داده پیغمبر فرستاد قتاده را آورده و او را مورد مؤاخذه قرار

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و هر زن و مردیکه کار شایسته کنند و بخدا ایمان داشته باشند به بهشت داخل میشوند و مقدار رشته خرمائی باو ستم نکنند (١٢٤) چه دینی بهتر از آنستکه تسلیم حکم خدا بشوند مردم و نیکوکار باشند و پیروی از آئین ابراهیم کنند و ابراهیم را خداوند بمقام دوستی بر گزیده است (١٢٥) هر چه در آسمان و زمین است همه ملك خداست همانا خداوند بهرچیزی احاطه دارد (١٢٦) ای پیغمبر در باره زنان ،از تو سؤال کنند بگو آنچه از آیات قرآن خدا بر شما تلاوت میشوددر حق زنان و دختران یتیم که مهر و حقوقیکه در باره آنها نوشته شده هرگاه مایل بازدواج با آنان هستند و در حق فرزندان ناتوان دستور میدهد که در باره یتیمان بعدالت رفتار کنید و هر کار نیکوئی بجا آورید خداوند بر آن آگاهست (١٢٧)

داد قتاده فوق العاده متاثر و مغموم گردید نزد عمویش رفت و گفت ایکاش مرده بودم و پیغمبر اینگونه بمن سخن نمیگفت عمویش باو گفت خداوندیار و معین تو است پس این آیات « ولا تجادل عن الذین یختانون انفسهم » تا آخر آیه و کان فضل الله علیك عظیماً نازلشد .

علی بن ابراهیم بسند خود ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود چند نفری ازقبیله بشیر خدمت پیغمبر اکرم رفته وعرض کردند که رفیق ما بشیر ،از تهمت سرقت که باو نسبت داده اند مبری است وما ازطرف اوعذر میخواهیم چون آیه « یستخفون من الناس » نازلشد آن اشخاص روبه بشیر نموده وگفتندای بشیر، از گناهی که کردهٔ توبه و استغفار کن گفت من قسم میخورم که لبید سرقت کرده لذا آیه « و من یکسب خطیئة » نازل شد پس بشیر کافر شد و بکفار قریش ملحق گردید و این آیه « و لولا فضل الله » دربارهٔ آنانیکه از جانب بشیر عذر میطلبیدند نازلشد و بشیر در مکه دیواری را سوراخ کرد که از آنجا داخل خانه شود و اشیاء خانه را سرقت کند دیوار

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا
بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ
كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۲۸) وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ
فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا
رَحِيمًا (۱۲۹) وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا (۱۳۰)
وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ
وَإِيَّاكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ
اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا (۱۳۱)

بسر او فرود ریخت و آنرا هلاك شد.

در کافی بسند خود از عبدالله بن سنان روایت کرده در آیه انا انزلنا الیك الکتاب بالحق گفت حضرت صادق علیه السلام بمن فرمود بخدا قسم خداوند احکام را بکسی غیر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین تفویض نکرده است و این آیه را تلاوت فرمود.

و در محاسن از موسی بن اشیم روایت کرده گفت از حضور حضرت صادق علیه السلام درخواست کردم وقتی را معین کنند که برای پرسش مسائلی شرفیاب شوم روزی را قرار گذاشتند روز موعود شرفیاب شده سئوالات خود را مطرح نموده و جواب شنیدم در این هنگام شخص دیگری وارد شد عیناً مسائل مرا سئوال کرد حضرت جوابهائی غیر از آنچه بمن داده بودند باو فرمود من متحیر شدم همینکه آنشخص خارج گردید یکنفر دیگر وارد شد او هم عین مسائل مورد بحث را پرسید جوابی باو فرمود که غیر از جواب من و شخص اول بود و از این جهت متأثر و غمگین شده و نزدیك بود که کافر شوم شخص سومی اجازه خواست وارد شد او نیز همان مسائل ما را سئوال نمود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و اگر زنی بترسد از آنکه شوهرش باوی مخالفت کند یا از او دوری بجوید باکی نیست که هر دو براه صلح و سازش باز آیند البته صلح بهتر است از نزاع و نفسهارا بخل وحرص فرا گرفته و اگر نیکوئی کنید و پرهیز کارباشید بپاداش او برسید همانا خدا بهر چه کنید آگاهست (۱۲۸) هر گز نمیتوانید میان زنان بعدالت رفتار کنید هر اندازه حریص برعدالت باشید بازبکمال میل خود یکی را بهرمندودیگریرا محروم می کنید و بلاتکلیف ومعلق می گذاریدو اگرسازش کنید وپرهیز کارباشید همانا خداوند آمرزنده و مهربانست (۱۲۹) و اگر جدا شوید از یکدیگر بطلاق باز خدا هر یك را ازرحمت واسع خود بینیاز گرداند وخدادارای رحمت بی منتهاست وبحقیقت همه چیز داناست (۱۳۰) هر چه در آسمان و زمین است ملك خداست وما سفارش نمودیم بشما و بکسانیکه پیش از شما بآنان کتاب فرستادیم که پرهیز کار و خدا ترس باشید واگر همه کافر شوید همانا خدا راکه ملك آسمان و زمین برای اوست ازطاعت شما بی نیاز باشد و اوستوده صفاتست (۱۳۱)

جوابی باو دادند برخلاف همه ما چنان خانه بنظرم تاریك شد و اندوهی مرا گرفت که فوق آن تصور نشود ناگاه آنحضرت متوجه من شده با دست مبارك به کتف من زد و فرمود ای پسر اشیم خداوند بسلیمان بن داود ملك و سلطنت عطا فرمود و گفت: **هذا عطاء نافامنن اوامسك بغیر حساب** و تفویض کرده امردین را به محمد صلی الله علیه و آله فرمودانا انزلنا الیك الکتاب بالحق لتحکم بین الناس بما اریك الله وخداوند آنچه را که بمحمد صلی الله علیه و آله تفویض فرموده بما ائمه نیز تفویض نموده است.

در کافی روایت کرده بسند خود از ابی الجارود در آیه **لا خیر فی کثیر من نجویهم** تاآخر آیه گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود هر وقت برای شما حدیثی بیان نمایم از من بپرسید که در کجای قرآن بآنحدیث اشاره شده است از جمله احادیثی که میفرمود این بود که فرمودند پیغمبر اکرم قیل و قال نمودن و داد و فریاد و جدال کردن وفاسد نمودن اموال وحرص بمال داشتن وزیادسئوال کردن رانهی فرموده است عرض کردیم این فرمایشات در کجای قرآنست این آیه **لا خیر فی کثیر من نجویهم** را

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَلِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ وَ کَفٰی بِاللّٰهِ وَکِیلاً (۱۳۲) اِنْ یَشَأْ یُذْهِبْکُمْ اَیُّهَا النَّاسُ وَیَأْتِ بِاٰخَرِینَ وَ کَانَ اللّٰهُ عَلٰی ذٰلِکَ قَدِیراً (۱۳۳) مَنْ کَانَ یُرِیدُ ثَوَابَ الدُّنْیَا فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَ کَانَ اللّٰهُ سَمِیعاً بَصِیراً (۱۳٤) یَا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُونُوا قَوَّامِینَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلٰی اَنْفُسِکُمْ اَوِ الْوَالِدَیْنِ وَالْاَقْرَبِینَ اِنْ یَکُنْ غَنِیّاً اَوْ فَقِیراً فَاللّٰهُ اَوْلٰی بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوٰی اَنْ تَعْدِلُوا وَ اِنْ تَلْوُوا اَوْ تُعْرِضُوا فَاِنَّ اللّٰهَ کَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِیراً (۱۳۵)

تلاوت فرمود و نیز آیه **ولا تؤتوا السفهاء اموالکم التی جعل الله لکم قیاماً** و آیه **لاتسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم** را قرائت فرمود.

روایت کرده عیاشی از صادقین علیهما السلام در آیه **ومن یشاقق الرسول من بعدما تبین له الهدی** فرمودند زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام در کوفه تشریف داشتند جمعی ازمردم حضورش شرفیاب شده و عرض کردند که امامی برای آنها معین کند که در ماه رمضان برای آنها امامت کند امیرالمؤمنین علیه السلام آنها را از این کار نهی فرمود چون صبح روز رمضان شدمردم صداهابه وا رمضانا بلند کردند حارث اعور حضورش کرد یا امیرالمؤمنین چون برای این مردم امامی تعیین نفرمودید ناله وفریاد میکنند فرمود آنها را بخوانید بیایند مردم شرفیاب حضورش شدندبآنها فرمودچه اراده دارید برای شما امام تعیین و نماز بخواند هر که راکه بخواهید ولو معصیت کارهم باشد وآیه را تلاوت فرمود.

و نیز مردی از انصار روایت کرده گفت من واشعث کندی و جریر جبلی از کوفه بیرون رفته و براهی میرفتیم در بین راه گفتاری از جلوی ما عبور کرد اشعث و جریر بآنجوان گفتند ای امیرالمؤمنین واین دو نفر دشمن آنحضرت بودندمن از آنها جدا شدم و بعد قصه را بمولای خود امیرالمؤمنین عرض کردم آنحضرت بآن مرد انصاری فرمود واگذار که آن کفتار در قیامت امام اشعث و جریر باشد آیا قول خداوند راکه

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و از برای خداست آنچه در آسمانها و زمین است و تنها خدا برای خلق و نگهبانی آنها کافی است (۱۳۲) اگر خدا بخواهد شما مردم رابکلی از دنیا میبرد و طایفه دیگر میآورد و البته خدا بر این کار قدرت و توانائی دارد (۱۳۳) اگر کسی خیر و ثواب دنیا را بخواهد بداند که نزد خدا خیر دنیا و آخرتست و او دعای مردم را میشنود و باحوالشان بیناست (۱۳٤) ای اهل ایمان نگهدارعدالت باشید و برای خاطرخدا گواهی دهید هرچند بضرر خودیا پدر و مادرو خویشان شماباشد و هر چه شهادت برای فقیر یا توانگر باشد از هیچکس طرفداری ننموده و از حق بر نگردید که خدا برعایت حقوق آنها اولی است پس در حکم و شهادت پیروی نفس نکنید تاعدالت بر قرار باشد و اگر زبان را در شهادت بگردانید و از بیان حق خود داری کنید همانا خدا حاضر و بهر چه کنید آگاهست (۱۳۵)

میفرماید **نوله ما تولی** توجه ننموده ای.

گفتن امیر المؤمنین بکسی بجز علی بن ابیطالب جایز نیست

عیاشی بسند خود از محمدبن اسمعیل رازی روایت کرده در آیه ان یدعون من دونه الا اناثاً گفت شخصی حضور حضرت صادق علیه السلام وارد شد و عرض کرد السلام علیك یا امیر المؤمنین حضرت بسیار متغیر شد و بآن مرد فرمود ساکت شو و دیگر این خطاب امیر المؤمنین را بمن نکن زیرا اطلاق این عنوان بغیر ازعلی بن ابیطالب جایز نیست و خداوند این اسم را بآنحضرت اختصاص داده و هر کس راضی شود باو امیر المؤمنین گفته شود بمرض بدی مبتلا شده و مفعول واقع شود اگرچه پیش از آن مبتلا نبوده چنانچه خداوند میفرماید ان یدعون من دونه الا اناثاً وان یدعون الا شیطاناً مریداً کسی را بنام امیر المؤمنین نخوانند مگر آنکه آنکس مانند زنان باشد و یا چون شیطان رجیم مردود شود حضورش عرض کردم پس قائم آل محمد علیه السلام حضرت حجت علیه السلام را بچه نام میخوانند فرمود باو میگویند السلام علیك یا بقیة الله السلام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

یاایها الذین آمنوا آمنوا بالله ورسوله والکتاب الذی نزل علی رسوله والکتاب الذی انزل من قبل ومن یکفر بالله و ملائکته وکتبه ورسله والیوم الاخر فقد ضل ضلالا بعیدا (۱۳٦) ان الذین آمنوا ثم کفروا ثم آمنوا ثم کفروا ثم ازدادوا کفرا لم یکن الله لیغفر لهم ولا لیهدیهم سبیلا (۱۳۷) بشر المنافقین بان لهم عذابا الیما (۱۳۸)

علیك یابن رسول الله

و نیز روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام درجمله فلیغیرن خلق الله فرمود مراد احکام و نو امر خداست که آنها را تغییر میدهند.

و نیز بسند خود از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده در جمله یعدهم و یمنیهم وما یعدهم الشیطان الا غرورا فرمود اول کسی که نوحه گری کرد وغنا خواند شیطان بود و او اول شخصی بود که خوانندگی را پیشه خود ساخت.

قوله تعالی: واتبع ملة ابراهیم حنیفا تا آخر آیه

مراد از حنیفه سنت های ده گانه است که حضرت ابراهیم آورد و تا روز قیامت آنها منسوخ نمیشود و آنها رادرسوره بقره ذیل آیه ۱۲٤ بیان نمودیم علی ابن ابراهیم بسند خود از حضرت صادق روایت کرده فرمود حضرت ابراهیم اول کسی بود که خداوند سنگریزه را برایش بصورت آرد در آورد آنحضرت درمصر دوستی داشت روزی تصمیم گرفت بنزد دوست خود رفته و مقداری گندم از اوام بگیرد ولی وقتی بمصر رسید او را ندید مأیوسانه برگشت و الاغش را خالی برگرداند ظرفهائی راکه برای گندم برده بود از شن و سنگریزه پر کرد و بمنزلش برگشت بار را انداخت ولی از ساره عیالش خجالت میکشید بار را خالی کند یکسره داخل اطاق شد خوابش برد عیالش درب بار را گشود و بهترین آرد هارا مشاهده کرد مقداری از آن برداشت و نان تهیه نمود و

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ایکسانیکه بزبان ایمان آورده‌اید از راه‌خلوص‌دل بخدا و رسول و بقرآنی که فرستاده و کتابهائیکه پیش ازاین فرستاده شده‌ایمان، آورید وهر که‌بخدا و فرشتگان و کتابهای آسمانی و رسولان و روز قیامت کافر شود سخت در گمراهی فرو رفته و از سعادت دور باشد (۱۳۶) آنانکه ایمان آورده سپس کافر شدند باز ایمان آوردند پس از آن کافر شدند و بر کفر خود افزودند آنها را خدا نخواهد آمرزید و براهی راهنمائی نخواهد فرمود (۱۳۷)

بمنافقین بشارت بده که برای آنها عذابی سخت و دردناك خواهد بود (۱۳۸)

خدمت ابراهیم آورد حضرت ابراهیم بساره‌فرمود این‌نان رااز کجا تهیه نمودی؟ عرض کرد از آن آردیکه از نزد دوست مصری خود آوردی ؛ فرمود آن از جانب دوستم میباشد اما نه دوست مصری بلکه دوست حقیقی که خداوند متعال است و از این جهة باو لقب خلیلی و مقام خلت عطا گردید.

ابن بابویه ازحضرت عبدالعظیم روایت کرده درمعنی آیه « واتخذالله ابرهیم خلیلا » گفت شنیدم ازحضرت امام علی النقی فرمود ابراهیم را خداوند از اینجهت خلیل‌خود گردانید که زیاد صلوات برمحمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و آل او میفرستاد.

قوله تعالی : **وان امرأة خافت من بعلها نشوزاً** تا آخر آیه

طبرسی در مجمع روایت کرده از حضرت باقر علیه‌السلام فرمود سبب نزول این آیه آنستکه دختر محمد بن مسلمه عیال رافع بن جریج بود سنین عمر او زیاد شد و رافع عیال جوانی که بهتر از او بود اختیار کرده زوجه اولی را طلاق داد از زمان عده او مدت کمی باقی بود باو گفت اگر میل داری رجوع میکنم برتو ولی بدون همبستری و اگر بخواهی طلاق دیگر میدهم گفت راضی هستم رجوع کنی و بهمان حالت بمانم پس‌این آیه در باره آنها نازل شدو فرمودا گربانوئی‌بترسد ازآنکه شوهرش او را طلاق دهد و یا از او دوری نماید بشوهرش بگوید من از شماتت مردم رنج میبرم حاضرم از هرحقی‌که بگردن تو دارم چشم پوشیده و نفقه هم نمیخواهم از

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا (۱۳۹) وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا (۱٤۰)

من دوری نکن و مرا طلاق نده و سایه خود را از سر من کم نکن در چنین موردی شایسته است که مرد از زن خود اعراض ننموده و او را طلاق ندهد و در خواست عیال‌خودرا بپذیرد. ومراد از آیه «ان تقوموا للیتامی بالقسط» آنستکه اگرمردی یتیمی را تحت‌تربیت‌وسرپرستی خود درآورد همینکه بسن رشد رسید میل کند با اوازدواج نماید و بهمین مناسبت اموالش را در اختیار یتیم نگذارد در این اثنا شخص دیگری برای ازدواج باآن دختر در صدد برآید وسرپرست مانع از این ازدواج شود و بانتظار مردن او را نگاه دارد تاآن مال را از اوببرد خداوند این عمل را نهی‌فرموده و نیز فرمود حضرت صادق علیه السلام مردم فاسد میکردند مالهای ایتام را و از بین میبردند خداوند امر کرد اصلاح کنند و اموال آنها را از بین نبرند.

قوله تعالی: یستفتونك فی النساء تا آخر آیه

طبرسی بسند خود ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود در زمان جاهلیت از از میراث پدر بزن و دختر و بچه نمیدادند، و بکسی ارث میدادند که بتواند جنگ بکند و این رویه در نظر آنها بسیار نیکو بود همینکه آیه ارث نازل شد گفتند برویم نزد پیغمبر و تذکر بدهیم که رسم جاهلیت اینست شاید حکم ارث را تغییر بدهد خدمت رسول‌اکرم شرفیاب شدند و عرض کردند بموجب آیه برای دختر نصف و برای پسر بچه هم از مال پدر ارث مقرر گردیده و حال آنکه هیچکدام از آنها نمیتوانند سوار براسب شده و بجنك بروند و غنیمت بیاورند؛ پیغمبر فرمود من از جانب خدا مأمورم وچارهٔ جز فرمانبرداری از اوامر او نیست

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آنهائیکه کفار را بجای مؤمنین بدوستی میگیرند آیا طلب میکنند عزت و سعادت را در نزد کافرین ؟ همانا تمام عزتها نزد خداست (١٣٩) آیا در کتاب خدا که نازل شده برشما این حکم میباشد که هرگاه آیات خدا را شنیدید بآن کافر شده و سخریه کنید؟ ای مؤمنین با آن منافقین مجالست نکنید هر گاه قرآن و مسلمانان را استهزاء کنند ، و اگر با آنها همنشین باشید دراینصورت شماهم مانند آنان هستید و خدا منافقین را با کفار در جهنم جمع خواهد نمود (١٤٠)

در کافی از عاصم بن حمید روایت کرده در آیه « وان یتفرقا یغن الله کلا من سعته » گفت حضور حضرت صادق علیه السلام نشسته بودم مردی آمد و از فقر و فاقه شکایت کرد باو امر فرمود ازدواج کند، مرد اطاعت امر نموده زنی را تزویج نمود فقرش زیادتر شد مجدداً شکایت نمود امر فرمود طلاق بدهد زنرا طلاق داد وثروتمند گشت حضرت فرمود من او را بدو امری که خداوند امر فرموده امر کردم فرمود و **انکحوا الایامی منکم والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله والله واسع علیم** آیه ٣٢ سوره نور و نیز میفرماید **وان یتفرقا یغن الله کلا من سعته**

روایت کرده صدوق در مصباح الشریعه در معنای **ولقد وصینا الذین اوتوا الکتاب من قبلکم و ایاکم** از حضرت صادق علیه السلام فرمود بالاترین وصیت‌ها آنستکه خدا را فراموش نکنی و همیشه متذکر او باشی و او را نافرمانی و معصیت نکنی و در هر حال خدا را عبادت و پرستش نموده ومغرور به نعمت او نبوده و پیوسته سپاسگزار باشی تا ازستاری باعظمت و جلال خدا بیرون نشوی (یعنی باندازهٔ معصیت ننمائی که خداوند پرده دری نموده ومفتضح گرداند تورا) تاهلاك شود اگر چه شداید وسختی روی بتو آورد و از غم و محنت روزگار بسوزی و باید دانست که بلایای خداوند بکرامت همیشگی ملفوف و پیچیده است و سختی و محنت کشیدن سبب قرب و خشنودی خداست اگر چه مدتی مدید بطول انجامد پس وای از نعمتی که خدا اعطا کند و کفران شود و باید از معصیت خداوند پرهیز کند .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

الذین یتربصون بکم فان کان لکم فتح من الله قالوا الم نکن معکم وان کان للکافرین نصیب قالوا الم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین فالله یحکم بینکم یوم القیمة ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلا (۱٤۱) ان المنافقین یخادعون الله وهو خادعهم واذا قاموا الی الصلوة قاموا کسالی یراؤن الناس ولا یذکرون الله الا قلیلا (۱٤۲)

قوله تعالی: کونوا قوامین بالقسط تا آخر آیه

در تهذیب بسند خود از ابن سوید سابی روایت کرده گفت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نامهٔ بمن نوشت سئوال کردم ازشهادت؛ جواب مرقوم داشته بودند اقامه شهادت کن برای خدا اگر چه بر زیان خود و خویشانت باشد و اگر بترسی که زیانی ببرادرت برسد در اینصورت خودداری کن. و فرمود حضرت صادق علیه السلام مؤمن برمؤمن حقوقی دارد واجب ترین آنها گفتار حق است اگرچه بزیان خودش باشد و باید پیروی از هوای نفس نکند و از حق دوری نجوید

و بسند دیگر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مؤمن را برمؤمن هفت حق است و واجب ترین آنها آنستکه شخص حق بگوید و لو آنکه آن حق گفتن بزیان پدر مادر و یا خویشانش باشد و از حق بباطل میل نکند

روایت کرده در کافی در معنای آیه «ان الذین امنوا ثم کفروا ثم ازدادو کفرا» تا آخر آیه از حضرت صادق علیه السلام فرمود این آیه در حق اولی و دوی وسومی نازل شده در اول وقت به پیغمبر ایمان آوردند وقتی که ولایت علی علیه السلام را بآنها عرضه داشت کافر شدند و در روز غدیر خم که امر فرمود با امیر المؤمنین علیه السلام بیعت کنید بظاهر ایمان آورده و بیعت کردند ولی پس از رحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقض عهد کرده کافر شدند و باغصب خلافت آنحضرت کفر خود را زیاد کردند پس آنها هرگز ایمان نیاورده و

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

منافقین کسانی هستند که نگران ومراقب حال شما مسلمانان باشند اگر برای شما فتح و فیروزی پیش آید برای گرفتن غنیمت گویند آیا ما باشما نبودیم؟ و اگر کافران فاتح شوند بآنها گویند آیا ما شما را باسرار درونی مسلمانان آگاه نکردیم و شما را از آسیب مسلمانان نگهداری ننمودیم؟ پس خدا روز قیامت میان شما مسلمانان ومنافقین حکم کند و هرگز خداوند راه تسلطی برای کافرین بزیان مؤمنین باز نخواهد فرمود

(١٤١) همانا منافقین با خدا مکر و حیله میکنندو خدا نیز با آنها همین معامله را میفرماید و چون بنماز می‌ایستند با حال بی‌میلی و کسالت و ریاکاری باشد و یاد خدا نکنند جز اندکی از ایشان(١٤٢)

خداوند هیچوقت آنها را نیامرزد.

قوله تعالی : **الذین یتخذون** تا آخر آیه .

این آیه درباره بنی امیه نازلشده که مخالفت کرددراینکه خلافت در بنی‌هاشم بوده باشد و عزت بمعنای قوتست در اینجا .

عیاشی روایت کرده در آیه **و قد نزل علیکم فی الکتاب ان اذا سمعتم آیات الله یکفر بها و یستهزا بها** تا آخر آیه از حضرت رضا علیه السلام فرمود هر گاه شنیدید که شخصی انکار حق وتکذیب او را مینماید و از اهل طایفه شماست از نزد او بلند شوید و ترك مراوده نمایند. و در روایت کشی از آنحضرت است که بمحمدبن عاصم فرمودای محمد بمن خبر داده‌اند که‌تو با واقفی‌ها مجالست مینمائی (واقفی‌ها کسانی هستند که درامامت حضرت موسی بن‌جعفر علیه السلام توقف کرده‌اند) عرض کرد بلی فدایت شوم‌لکن من باعقیده آنهامخالف هستم فرمود باآنها مجالست نکنیدخداوند این آیه را برای‌شما نازل کرده **ان اذا سمعتم آیات الله یکفر بها** هر گاه شنیدید که‌بعضی از ائمه شما را تکذیب و سخریه میکنند با آنها مراوده و مجالست نکنید وگرنه شما هم مانند آنان باشید و مراد از کافرین در این آیه واقفیه و هر آنکه منکر یکی از ائمه است میباشد و مراد از آیات الله ائمه طاهرین علیهم السلام است .

وابن بابویه ازحضرت رضا علیه السلام روایت کرده‌در معنای **و لن یجعل الله للکافرین**

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مذبذبين بين ذلك لا الى هؤلاء ولا الى هؤلاء ومن يضلل الله فلن تجد له سبيلا (۱٤۳) يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الكافرين اولياء من دون المؤمنين اتريدون ان تجعلوا لله عليكم سلطانا مبينا (۱٤٤) ان المنافقين في الدرك الاسفل من النار ولن تجد لهم نصيرا (۱٤٥) الا الذين تابوا واصلحوا واعتصموا بالله واخلصوا دينهم لله فاولئك مع المؤمنين وسوف يؤت الله المؤمنين اجرا عظيما (۱٤٦)

على المؤمنين سبيلا فرمود خداوند حجتى براى كافرين بر ضرر مؤمنين قرار نداده است وخداوند خبر ميدهد از كفارى كه پيغمبران خودرا بقتل رسانيدند معذالك در اين كشتن حجتى بنفع كفار بر ضرر پيغمبران نيست و اين آيه در حق عبدالله بن ابى نازلشده كه بجهاد نرفت و امر پيغمبر را اطاعت ننمود چون پيغمبر بر كفار غلبه نمود گفت منهم با شما بودم و همينكه كفار غالب شدند بآنها گفتند نه ما شما را باسرار مسلمانان آگاه كرديم .

عياشى روايت كرده از حضرت باقر عليه السلام در آيه ان المنافقين يخادعون الله و هو خادعهم فرمود در حالتى كه كسالت داريد و خواب آلوده هستيد و يا براثر خوردن غذا سنگين ميباشيد بنماز نايستيد زيرا اين كار منافقين است كه خداوند در باره ايشان ميفرمايد و اذا قاموا الى الصلوة قاموا كسالى يراؤن الناس ولا يذكرون الله الا قليلا

قوله تعالى : مذبذبين بين ذالك

يعنى نه مسلمان هستند و نه يهودى اظهار ايمان كنند ولى در باطن كافرند خداوند لعنت كند آنها را .

على بن ابراهيم ذيل آيه « ان المنافقين فى الدرك الاسفل من النار » از صادقين عليهما السلام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

دو دل باشند نه بسوی مؤمنان یکدل میروند و نه بجانب کفار و هر کرا خدا بحالت گمراهی رها کند هرگز او را براه هدایت نخواهی یافت (١٤٣) ای اهل ایمان نباید کافرین را بدوستی گرفته و مؤمنین را رها کنید آیا میخواهید حجتی برای خدا آشکار کنید بر عقاب کفر و عصیان خود (١٤٤) همانا منافقین در پست ترین مکان جهنم جای خواهند داشت آنان هر گز یاوری نخواهند یافت (١٤٥) مگر آنهائیکه توبه کرده و اصلاح امور خود بنمایند و بدین حق در آویخته و دین خود را برای خدا خالص گردانند پس اینها با مؤمنان باشند و بزودی خدا بمؤمنین اجر و پاداش بزرگ عطا خواهد فرمود (١٤٦)

روایت کرده فرمودند این آیه در باره عبدالله بن ابی واردشده و جاریست تاقیامت در حق هر منافق و مشرکی .

عیاشی بسند خوداز حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود از رسول اکرم سؤال نمودند برای نجات از عذاب قیامت چه باید کرد؟ فرمود خدعه نکنید با خدا وهر که خدعه کند باخدااو نیز با آنکس خدعه مینمایدو ایمان را از دل او برطرف میکند و در حقیقت با نفس خود خدعه کرده، عرض کردند حضورش چگونه باشد خدعه کردن با خدا؟ فرمود عمل باوامر خدا میکند ولی اراده غیر خدا را از عملش می نمایدسپس فرمود آنحضرت بپرهیزید از عمل ریاکه او شرک است ریاکاررا روز قیامت بچهار نام صدای کنند و گویند ایکافر وای فاجروای زیانکار وای حیله باز طلب کن مزدخود را ازکسیکه اعمال خودت رابخاطر او بجا آوردی .

و نیز از آنحضرت ذیل آیه « لا یحب الله الجهر » روایت کرده فرمود هرکس احترام مهمان را بجا نیآورد باو ستم نموده و باکی نیست بران مهمان که بد گوئی کند ازاو و فرمود خوب نیست که مردم ستم وبدی خودرا علنی کنندونباید بکسی ستم کرد مگرباو ظلم نموده باشد. ودر حدیث دیگرفرمود اگرشخصی نزد تو بیایدوستایش در بارهٔ تو بگوید که درتو وجود نداشته باشداورا تکذیب نموده و گفتارش را تصدیق

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ما يفعل اللّٰه بعذابكم إن شكرتم و آمنتم وكان اللّٰه شاكراً عليماً(۱٤۷)

لا يحبّ اللّٰه الجهر بالسّوء من القول إلّا من ظلم وكان اللّٰه سميعاً عليماً(۱٤۸)

إن تبدوا خيراً أو تخفوه أو تعفوا عن سوء فإنّ اللّٰه كان عفوّاً قديراً (۱٤۹)

إنّ الّذين يكفرون باللّٰه و رسله و يريدون أن يفرّقوا بين اللّٰه و رسله

و يقولون نؤمن ببعض و نكفر ببعض و يريدون أن يتّخذوا بين ذلك

سبيلاً (۱۵۰)

ننما و قبول نکن چه او بتو ظلم نبوده و مدحی کرده که در تو نبوده و ظلم نهادن چیزیست در غیر محل خود .

و در ذیل آیه «ان الذین یکفرون باللّه ورسله» از آنحضرت روایت کرده فرمود آن مردم به نبوت رسول خدا اقرار نمودند ولی منکر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام شدند و میخواهند بخیر و خوبی برسند هیهات نه چنین است .

طبرسی در مجمع روایت کرده از حضرت باقر علیه السلام ذیل آیه « یسئلك اهل الکتاب ان تنزل علیهم کتاباً من السماء » فرمود کعب بن اشرف و جماعتی از یهود گفتند ای محمد صلی اللّه علیه و آله اگر تو پیغمبری برای ما کتابی یکدفعه نازل کن چنانچه موسی کتاب تورات را دفعة نازل کرد این آیه در جواب آنها نازل شد و فرمود بآنها بگو موسی که دفعة آورد تورات را بسوی شما پس چرا تقاضای بزرگتری نمودید و گفتید ما میخواهیم آشکارا خدا را مشاهده کنیم با آن همه معجزات و آیات ظاهر باز هم ایمان نیاوردند و ما قصه آنها را در سوره بقره بخش اول تفسیر ذیل آیه ۵۵ بیان نمودیم پس از آن خداوند بیان میفرماید یك بیك معجزاتیکه برای آنها ظاهر شد و معصیتهائیکه مرتکب شدند و فرمود آنحضرت یهودیان معاصر پیغمبر خاتم، پیغمبران را نکشتند بلکه اجداد آنها کشته بودند ولی چون آنان از کردار پیشنیان خود راضی بودند خدا ایشان را ملزم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اگر شما شکر خدا کنید و باو ایمان آورید ، خدا چه غرضی دارد شما را عذاب کند ؛ خداوند شکر شما را میپذیرد و باعمال شما دانا است (١٤٧) دوست ندارد خداوند که کسی بگفتار زشت صدای خود را بعیب مردم بلند کند مگر آنکه ستمی باو رسیده باشد در اینصورت اگر ازدست ظالمی فریاد کند رواست وخدا شنوا و داناست (١٤٨) اگر نسبت بمردم آشکارا یاپنهانی نیکی کنید یااز بدی آنها را درگذرید اینکار خوشنودی خداست و او همیشه ازبدیها در گذرد با آنکه در کیفر بآنها توانائی دارد (١٤٩) آنهائیکه بخدا و رسولش کافر شدند و میخواهند که میان خدا و پیغمبرانش جدائی افکنند و میگویند با بعضی از گفتار پیغمبران ایمان آورده و ببارهٔ ایمان نیآورده‌ایم میخواهند میان کفر و ایمان راهی از روی هوا و هوس اختیار کنند (١٥٠)

کرد بکشتن پیغمبران و همینطوراست اگر کسی از کردار و عمل شخصی اظهار رضایت نماید مثل آنست که او هم مرتکب آن کار شده و چون آن یهودیان راضی و خوشنود شدند به کشتن پدرانشان پیغمبران را، لذا گردن گیر آنها شد

ابن بابویه ذیل آیه « قلوبنا غلف » ازابراهیم بن ابی محمود روایت کرده گفت سئوال نمودیم از حضرت رضا علیه السلام معنای ختم بر دل یهودیان را ؟فرمود ختم عقوبت و عذاب نمودن آنهاست برای خاطر کفرشان چنانچه میفرماید «بل طبع الله علیها بکفرهم» و عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مقصود یهودیها که گفتند دلهای ما در پرده است یعنی تورات و احکام آن را پشت سر میاندازیم .

طبرسی در مجمع ذیل آیه « و ما صلبوه و لکن شبه لهم » از ابن عباس روایت کرده گفت فرمود امیرالمؤمنین وقتی مشاهده کرد رئیس یهودیان که خداوند مسخ نمود آنهائی راکه دشنام و بد گفتند بعیسی و مادرش دراثر دعای حضرت عیسی ترسید مبادا آنحضرت نسبت باو هم دعا وتفرین کند، لذا جمع کرد تمام یهودیها را که بریزند خانه عیسی و اورا بقتل برسانند خداوند جبرئیل را فرستاد تا آنها را منع کند چنانچه میفرماید «وایدناه بروح القدس» یهودیها درعیسی را گرفتند آنحضرت فرمود بآنها خداوند میفرماید میخواهد شما را همینکه خواستند او را بقتل برسانند، جبرئیل عیسی را داخل

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

أُولٰئِكَ هُمُ الْكٰفِرُونَ حَقّاً وَ أَعْتَدْنا لِلْكٰفِرِينَ عَذاباً مُهِيناً (۱۵۱) وَ
الَّذِينَ آمَنُوا بِاللّٰهِ وَ رُسُلِهِ وَ لَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ
أُجُورَهُمْ وَ كانَ اللّٰهُ غَفُوراً رَحِيماً (۱۵۲) يَسْئَلُكَ أَهْلُ الْكِتٰابِ أَنْ تُنَزِّلَ
عَلَيْهِمْ كِتٰاباً مِنَ السَّماءِ فَقَدْ سَئَلُوا مُوسىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَقالُوا أَرِنَا اللّٰهَ
جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصّٰاعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ ما جاءَتْهُمُ
الْبَيِّناتُ فَعَفَوْنا عَنْ ذٰلِكَ وَ آتَيْنا مُوسىٰ سُلْطاناً مُبِيناً (۱۵۳)

در زاویه خانه کرد و از آنجا روزنه‌ای بسقف داشت از آن روزنه عیسی را بآسمان بالا برد رئیس یهودیها شخصی را بنام ططیانوس وارد روزنه کرد تاعیسی را همانجا بقتل برساند وقتی داخل شد آنحضرت را ندید یهودیها گمان کردند که عیسی را بقتل رسانید خداوند اورا شبیه عیسی کرد وقتی از روزنه خارج شد رفقای خودش حمله باو نمودند گرفتند و او را بدار کشیدند هر چه فریاد میزد که من عیسی نیستم بلکه ططیانوس هستم قبول نکردند حتی بعضی از یهود گفتند صورت تو صورت عیسی است ولی بدن بدن ططیانوس است و از اینجهة خداوند میفرماید " شبه لهم " امر بر آنها مشتبه شد

ودر روایت دیگر فرمود وقتی یهودیها داخل خانه شدند تمام حواریون را خداوند بشمایل عیسی در آورد گفتند اینها سحر کردند باید تمام آنان را بقتل برسانیم فریاد زدند ایعیسی یا خودت را معرفی کن یا الان تمام شماها را بقتل میرسانیم؟ حضرت عیسی بحواریون فرمود کیست ازشما که امروز نفس خود را به بهشت بفروشد؟ یکی از آنها بنام سرخس گفت من حاضرم بیرون آمد از میان آن جمعیت و گفت من عیسی هستم گرفتند او را کشتند و بدار کشیدند و همانروز و ساعت خداوند حضرت عیسی را بآسمان بالا برد و آنکسیکه یهودیها را راهنمائی کرده بود بخانه حضرت عیسی یکی ازشاگردان و حواریون آنحضرت بود که نام او بود شمعون زکریا و سی درهم گرفته و اینعمل را کرد و آن شخص از

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آنان بحقیقت کافرند و ما برای کفار عذابی خوار کننده مهیا ساخته‌ایم(١٥١) آنانیکه بخدا و رسولانش ایمان آورده‌اند و بین خدا و پیغمبرانش جدائی نیفکنده‌اند آنها را بزودی خدا پاداش عطا کند وخدا همیشه آمرزنده و مهربانست (١٥٢) ای پیغمبر اهل کتاب از تو در خواست کنند که از آسمان یکدفعه کتابی برای آنها فرود آوری همانا از موسی بالا تر ازاین در خواست کردند و گفتند خدا را بدیدگان ما آشکارا جلوه گر ساز برای این تقاضای بیجا آنان را صاعقهٔ سوزانی بگرفت سپس با آن همه معجزات گوساله پرستی را اختیار نمودند پس از آن ما از ایشان در گذشتیم و بموسی حجت و برهان آشکار عطا نمودیم (١٥٣)

منافقین بود و پس ازاین عمل پشیمان شد و خودکشی کرد و بعضی گفتند که یهود او را گرفته و بدار کشیدند هرچه فریادمیکرد من همان شخصی هستم که شما را راهنمائی کرده‌ام توجهی باو ننموده ونصاری او را ملعون میدانند پس ازاین جهة امر بریهودیها مشتبه شد و گفتند ما عیسی را بقتل رسانیدیم و دراین موضوع بیان دیگری در سورهٔ آل عمران نمودیم بآنجا هم مراجعه بشود .

ابن بابویه درآیه« وبکفرهم وقولهم علی مریم بهتانا عظیما» ازعلقمه روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود آیا این مردم نگفتند که مریم دختر عمران با مرد نجاری بنام یوسف رابطه نامشروع داشته و براثر آن پسری زائیده بنام عیسی.

علی بن ابراهیم ذیل آیه « و ان من اهل الکتاب الا لیؤمنن به» از شهر بن حوشب روایت کرده گفت حجاج بمن گفت درقرآن آیه‌ایست که مرا حیران کرده؛ گفتم امیران کدام است ؛این آیه را بیان کرد و گفت بخدا قسم من عدهٔ زیادی یهودی و نصرانی را گردن زدم وهرقدر چشم میاندازم ندیدم که لب‌های آنها حرکت نماید و اظهار ایمان واقرار بتوحید کند؛ گفتم مراد از آیه اینطور نیست، گفت پس مراد چیست؟ گفتم که حضرت عیسی درزمان ظهور حضرت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله بزمین فرود میآید وپشت سرحضرت حجت علیه السلام نماز میگذارد وباقی نمی‌ماند یهودی و نصرانی مگر آنکه ایمان میاورند، گفت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ورفعنا فوقهم الطور بميثاقهم و قلنا لهم ادخلوا الباب سجداً و قلنا لهم لا تعدوا في السبت و اخذنا منهم ميثاقاً غليظاً (۱۵٤) فبما نقضهم ميثاقهم و كفرهم بايات الله و قتلهم الانبياء بغير حق و قولهم قلوبنا غلف بل طبع الله عليها بكفرهم فلا يؤمنون الا قليلا (۱۵۵) و بكفرهم و قولهم على مريم بهتاناً عظيماً (۱۵٦)

وای برتواز کجا این سخن را میگوئی واز کجا آوردهٔ؛ گفتم این معنی راحضرت باقر علیه السلام بمن خبر داد ،گفت بخدا قسم این خبر را از سر چشمهٔ پاکیزه و صاف آوردی و همینطوراست .

عیاشی روایت کرده از مفضل بن عمر در آیه وان من اهل الکتاب الا لیومنن به گفت از حضرت صادق علیه السلام مفهوم آیه را سئوال نمودم ؛فرمود این آیه دربارهٔ ماخاندان نبوت نازل شده ای مفضل هیچ یك از فرزندان ودزاری فاطمه نیست که بمیرد وازدنیا خارج شود مگر آنکه اقرار بامامت ائمه معصومین وامام زمان خود نماید چنانچه فرزندان یعقوب بیوسف اعتراف و اقرار کردند وقتی که گفتند لقد آثرك الله علینا بخدا قسم خداوند ترا ازمیان ما برادران به پیغمبری برگزید .

ونیز از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هیچیك از افراد یهودی ونصاری و سایر ادیان باطله دیگر نمی باشند مگر آنکه هنگام مرك پیغمبر و امیرالمؤمنین را مشاهده نموده و بفهمند که آن دو بزگوار برحق بوده و آنها برسول و امیرالمؤمنین کافرهستند .

ونیزدر آیه «فبظلم من الذین هادوا» ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اگر کسی در زمین گندم بکارد واقدام به پاك کردن زمین ننموده و سر کشی بزراعت ننماید

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و کوه طور را برای اتمام حجت و گرفتن پیمان بر فراز سر آنان بلند نمودیم و بآنها
گفتیم بحال سجده باین درگاه درائید و گفتیم از حکم روز شنبه سر پیچی
نکنید و از آنها پیمانی سخت گرفتیم (١٥٤) پس بسبب شکستن پیمان
و کافر شدن بآیات خدا وکشتن پیغمبران بنا حق و گفتن
باینکه دلهای ما در پرده است خدا بر دلهای آنان
مهر نهاد وبجز اندکی ایمان نیاوردند(١٥٥)
بسبب کفرشان در تهمت زدن
بمریم تهمت بسیار
بزرگی (١٥٦)

ومحصولش خوب نشود وبین گندم وجو آنچه مشاهده کند باید خود را ملامت نماید که سستی وغفلت کرده زیرا خداوند میفرماید فبظلم تا آخر وفرمود طیباتیکه حلال بود و خداوند بر آنها حرام نمود گوشت شتر و کاو و گوسفند بود.

شیخ مفید در کتاب اختصاص روایت کرده در آیه «انا اوحینا الیك کما اوحینا الی نوح والنبیین من بعده» در حدیث ابن سلام که یکی از یهودیهای خیبر گفت چرا از محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواننده بسوی حق پیروی نمیکنید؟ گفتند ای ابن سلام نمیدانیم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم راست میگوید یا خیر گفت آلان ازاوحوادث گذشته و اخبار آینده و از ناسخ و منسوخ سئوال میکنیم اگر پیغمبر باشد چنانچه پیغمبران گذشته بیان کردنداو هم برای ما بیان میکند ای ابن سلام شما نزد محمد صلی الله علیه و آله و سلم رفته و با او تکلم کن و مشاهده کن چگونه جواب تورا میدهد، ابن سلام گفت چقدر شما نادان هستید اگر محمد صلی الله علیه و آله و سلم همان پیغمبری باشد که موسی و عیسی بشارت آمدن او را داده‌اند اگر تمام جن و انس با او طرف کلام شوند همه را جواب داده و مجاب کند گفتند راست میگوئی اما تدبیرچیست؟ گفت تورات را بیاورید تامن مسائلی چند از روی آن بنویسم چهل وچهار مسئله نوشت و خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم برد و حضورش شرفیاب شد در روز دوشنبه بعد از نماز صبح گفت السلام علیك یامحمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و قولهم انا قتلنا المسیح عیسی ابن مریم رسول الله و ما قتلوه و ما صلبوه ولکن شبه لهم و ان الذین اختلفوا فیه لفی شك منه ما لهم به من علم الا اتباع الظن و ما قتلوه یقیناً (۱۵۷) بل رفعه الله الیه و کان الله عزیزاً حکیماً (۱۵۸) و ان من اهل الکتاب الا لیؤمنن به قبل موته و یوم القیمة یکون علیهم شهیداً (۱۵۹) فبظلم من الذین هادوا حرمنا علیهم طیبات احلت لهم و بصدهم عن سبیل الله کثیراً (۱۶۰) و اخذهم الربوا وقد نهوا عنه و اکلهم اموال الناس بالباطل و اعتدنا للکافرین منهم عذاباً الیماً (۱۶۱)

فرمود برهر کسی که پیروی از هدایت خدا نماید سلام و رحمت باد تو کیستی؟ گفت من ابن سلام از رؤسای بنی اسرائیل و از کسانی هستم که تورات را بخوبی قرائت نموده‌ام من فرستادهٔ یهود با آیات تورات میباشم می‌بینم ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم تو از نیکوکارانی بیان کن آن آیات را؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود شکر میکنم خدا را بر نعمت هائی که بمن عطا فرموده‌است ای ابن سلام آمدی سئوال کنی که هدایت شوی یا گمراه گردی؟ عرض کرد آمدم برای آنکه هدایت شوم فرمود سئوال کن هرچه میل داری، گفت ای محمد انصاف دادی بمن خبر ده آیا تو پیغمبری یا رسولی؟ فرمود من هم پیغمبرم و هم رسول هستم و در قرآن است (منهم من قصصنا علیك ومنهم من لم نقصص علیك گفت راست گفتی ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم ابن سلام پرسید عشرون چیست؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود عشرون زبور است که در بیست روز آخر رمضان خداوند بر داود نازل فرمود و در قرآنست که (و آتینا داود زبورا) روایت طولانی است و هر که بخواهد به کتاب اختصاص مراجعه کند.

روایت کرده طبرسی در آیه (انما المسیح عیسی بن مریم رسول الله) از پیغمبر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و گفتار آنها بدروغ که ما مسیح عیسی فرزند مریم رسول خدا را بقتل رسانیدیم و حال آنکه نه او را کشتند و نه بدار زدند بلکه امر بر آنها مشتبه شد و کسانیکه عقاید مختلف در باره او اظهار داشتند از روی تردید در باره او سخن میگویند و دانا نبوده و پیروی از گمان کنند بطوریقین بدانید که مسیح را نکشتند (۱۵۷) بلکه او را بسوی خود بالا برد و خدا توانا و کارش از روی حکمت است (۱۵۸) نیست از اهل کتاب مگر آنکه پیش از مرگ بوی ایمان خواهند آورد و روز قیامت بر آنان گواه خواهد بود (۱۵۹) پس بجهة ستمیکه یهود نمودند و مردم را از راه خدا باز داشتند مانعمتهائیکه بر آنان حلال بود حرام نمودیم (۱۶۰) و بواسطه آنکه آنها ربا میگرفتند و اموال مردم را بباطل میخوردند و حال آنکه از آن نهی شده بودند عذابی دردناك برای آنان مهیا ساخته (۱۶۱)

اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود عیسی را از این جهت مسیح نامیدند که بدن او به نجاسات مسح نشده بود و از لوث معاصی پاك و منزه است.

طبرسی بسند خود از ابن عباس روایت کرده گفت نصاری حضور پیغمبر اکرم شرفیاب شدند و عرض کردند ای محمد چرا صاحب ما را اهانت میکنید؟ فرمود صاحب شما کیست؟ گفتند عیسی فرمود چه گفتم درباره او؟ عرض کردند میگوئی بنده خداست و حال آنکه یکی از خدایان است این آیه نازل شد در پاسخ آنها

و در کافی روایت کرده از حمران گفت از حضرت صادق علیه السلام معنای قول خداوند که فرموده «وروح منه» را سئوال نمودم؟ فرمود روح الله مخلوقی است که خداوند در آدم و عیسی آفرید.

در کافی ذیل آیه «ان الذین کفروا و ظلموا لم یکن الله لیغفر لهم» از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود جبرئیل این آیه را اینطور نازل کرده «ان الذین ظلموا آل محمد حقهم لم یکن الله لیغفر لهم» و نیز فرمود در آیه یا ایها الناس قد جائکم الرسول بالحق اینطور جبرئیل آیه را فرود آورده یا ایها الناس قد جائکم الرسول «بالحق من ربکم فی ولایة

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

لٰكِنِ الرّٰسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَ الْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَ الْمُقِيمِينَ الصَّلٰوةَ وَ الْمُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أُولٰئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْراً عَظِيماً (١٦٢) إِنّٰا أَوْحَيْنٰا إِلَيْكَ كَمٰا أَوْحَيْنٰا إِلىٰ نُوحٍ وَ النَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أَوْحَيْنٰا إِلىٰ إِبْرٰاهِيمَ وَ إِسْمٰعِيلَ وَ إِسْحٰقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْأَسْبٰاطِ وَ عِيسىٰ وَ أَيُّوبَ وَ يُونُسَ وَ هٰرُونَ وَ سُلَيْمٰانَ وَ آتَيْنٰا دٰاوُدَ زَبُوراً (١٦٣) وَ رُسُلاً قَدْ قَصَصْنٰاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَ رُسُلاً لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَ كَلَّمَ اللّٰهُ مُوسىٰ تَكْلِيماً (١٦٤) رُسُلاً مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ لِئَلّٰا يَكُونَ لِلنّٰاسِ عَلَى اللّٰهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَ كٰانَ اللّٰهُ عَزِيزاً حَكِيماً (١٦٥) لٰكِنِ اللّٰهُ يَشْهَدُ بِمٰا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ وَ الْمَلٰائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَ كَفىٰ بِاللّٰهِ شَهِيداً (١٦٦) إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ صَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلٰالاً بَعِيداً (١٦٧)

على فامنوا خيراً لكم وان تكفروا بولايته (فان لله ما فى السموات و ما فى الارض) و نيز آيه (لكن الله يشهد بما انزل اليك انزله بعلمه) اينطور نازل شده (لكن الله يشهد بما انزل اليك فى على انزله بعلمه و اين سه حديث را عياشى نيز روايت كرده يعنى تاويل آيه اينطور نازل شده و فرمود مراد از (ولاتقولوا ثلثة انتهوا) سه خدائى است كه نصارى قائل شدند و آنها اقانيم سه گانه اب وابن وروح القدس است.

عياشى بسند خود از عبدالله بن سليمان روايت كرده گفت سئوال كردم ازحضرت صادق عليه السلام معناى آيه «قد جائكم برهان من ربكم و انزلنا اليكم نورا مبينا» را فرمود برهان وجود مقدس پيغمبر اكرم است و نور اميرالمؤمنين عليه السلام ميباشد عرض

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ولی کساتیکه از آنها در دانش قدمی ثابت دارند مؤمنین آنان بآنچه بتو و پیغمبران گذشته نازل شده ایمان میآورند و آنهائیکه نماز بپا میدارند و زکوة میدهند و بخدا و روز قیامت ایمان دارند بزودی پاداش و ثواب بزرگی بآنان عطا کنیم (١٦٢) ما بر تو وحی فرستادیم چنانکه بنوح و پیغمبران بعد از آن و بابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان فرستادیم وبداود کتاب زبور عطا کردیم (١٦٣) پیغمبرانیکه حال آنها را برای تو بیان نمودیم و آنهائیکه حکایت حالشان ننمودیم بهمه وحی فرستادیم و خدا با موسی در کوه طور سخن گفت (١٦٤) رسولانی فرستاد تا بخوبان بشارت دهند و بدان را بترسانند تا پس از فرستادن این پیغمبران مردم حجتی بر خدا نداشته باشند و خداوند توانا و کارهایش ازروی مصلحت است (١٦٥) و خدا بآنچه بر تو نازل نموده بدانش همیشگی خود گواهی دهد و فرشتگان نیز گواهی دهند وخدا ترا کفایت باشد (١٦٦) آنهائیکه کافر شدندو مردم را از راه خدا باز داشته‌اند همانا سخت گمراه گشته و از راه هدایت دور شدند (١٦٧)

کردم حضورش (صراط مستقیم) یعنی چه ؟ فرمود وجود مقدس امیر المؤمنین است گفتم(و اما الذین آمنوا بالله واعتصموا به) یعنی چه : فرمود مراد کسانی هستند که بولایت امیرالمؤمنین وائمه طاهرین علیهم السلام تمسك جسته و چنك زدند

عیاشی از بکیر بن اعین روایت کرده در آیه (یستفتونك قل الله یفتیکم فی الکلاله) تا آخر آیه گفت حضور حضرت باقر علیه السلام بودم مردی وارد شد واز آنحضرت سئوال نمود چه میفرمائید در بارهٔ میراث زنی که فوت کرده و دو خواهر وشوهر دارد؟ آنحضرت فرمود شوهر نصف مال را میبرد و بقیه سهم دو خواهر است آنمرد گفت مردم چنین نمیگویند،فرمود آنها چه میگویند؟عرض کردمیگویند برای دوخواهر متوفی دوثلث است

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَ ظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقاً

(١٦٨) إِلاَّ طَرِيقَ جَهَنَّمَ خالِدِينَ فِيها أَبَداً وَ كانَ ذلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً (١٦٩)

يا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ فَآمِنُوا خَيْراً لَكُمْ وَ إِنْ تَكْفُرُوا

فَإِنَّ لِلَّهِ ما فِي السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ وَ كانَ اللَّهُ عَلِيماً حَكِيماً (١٧٠) يا أَهْلَ الْكِتابِ

لا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَ لا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلاَّ الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ

رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أَلْقاها إِلَى مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ لا تَقُولُوا

ثَلاثَةٌ انْتَهُوا خَيْراً لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلهٌ واحِدٌ سُبْحانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ ما فِي السَّمواتِ

وَ ما فِي الْأَرْضِ وَ كَفى بِاللَّهِ وَكِيلاً (١٧١) لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْداً

لِلَّهِ وَ لا الْمَلائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَ مَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبادَتِهِ وَ يَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ

جَمِيعاً (١٧٢)

واز برای شوهر نصف و ترکه باید برهفت قسمت تقسیم شود، آنحضرت فرمود مأخذ این گفته آنها چیست؟عرض کردمیگویندخداوند فرموده (فان کانتا اثنتین فلهما الثلثان) برای دو خواهر دو ثلث است و برای شوهر نصف فرمود پس اگر بجای دو خواهر یك برادربود چه‌میگویند؟ گفت‌شوهر نصف‌ترکه‌را میبردو باقی مال برادراست، حضرت‌فرمود آیه آخر سورهٔ نساء را قرائت کن ، ابن بکیر گفت حضرت باقر علیه السلام متوجه من شد فرمود آیا بفرائض نظر کرده‌ای؟ عرض کردم چه بگویم در مسئله‌ای که نزد ما باطل است، فرمود نظر کن برای آنکه هروقت امثال‌این مردرا دیدی بتوانی جواب اورابدهی و در مسائل دینی قوی باشی .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کسانیکه کافر شدند و ستم بخود و دیگران نمودند خداوند هیچوقت آنانرا نیامرزد و براهی راهنمائی نفرماید (١٦٨) مگر براه دوزخ که در آن جاوید بمانند و کیفر ستمکاران برای خدا کاریست آسان (١٦٩) ایمردم پیغمبر حق برای راهنمائی شما از جانب خدا آمد ایمان بیاورید باو که برای شما بهتر است و اگر کافرشوید خدا از اطاعت شما بی نیاز است و هر چه در آسمان و زمین است هم ملك خداست و او دانا و کارهایش از روی حکمت باشد (١٧٠) ای اهل کتاب در دین خود غلو نکنید و درباره خدا جز براستی سخن نگوئید و نیست عیسی بن مریم مگر رسول خدا و کلمه او که از عالم الوهیت بمریم القاء شده پس بخدا و پیغمبرانش ایمان بیاورید و نگوئید خدا سه تاست (اب ابن روح القدس) از این گفتار شرك بازبایستید برای شما بهتر است همانا نیست خدای شما جز خدای یکتا منزه و برتر است از آنکه برایش فرزندی باشد هر چه در آسمان و زمین است همه ملك خداست واو برای نگهبانی همه مخلوقات کفایت کند (١٧١) هرگز مسیح از بنده بودن خدا انکار نکند و فرشتگان مقرب نیز از بندگی خدا استنکاف ندارند و هر کس از بندگی خدا انکار کند و سر پیچد پس زود باشد که خداوند همه را بسوی خود محشور گرداند (١٧٢)

و نیز از حمزة بن حمران روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام معنای کلاله را سؤال نمودم؟ فرمود عبارت از کسی است که بعد ازمرگش پدر ومادر وفرزند برجای نگذاشته است.

ونیز ازمحمدبن مسلم روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام سؤال نمودم شخصی فوت نموده ویکی از پدر و مادرو دختر و پسری جاگذاشته ؟آیا مراد خداوند از کلاله که درآیه اشاره میفرماید همین است؟ فرمود خیر ارث نمیبرند با پدر و نه با مادر و نه با پسرو نه دخترمگرشوهر و زن زیراشوهر نصف میبرد هرگاه آنزن فرزندی نداشته باشد سهم مرد کم نمیشودوهمچنین بهره و نصیب زن ازشوهر کم نمیشود هرگاه فرزندی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فَاَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ اُجُورَهُمْ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ اَمَّا الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَ اسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَاباً اَلِيماً وَلا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللّهِ وَلِيّاً وَلا نَصِيراً (۱۷۳) يا اَيُّهَا النّاسُ قَدْ جاءَكُمْ بُرْهانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ اَنْزَلْنا اِلَيْكُمْ نُوراً مُبِيناً (۱۷٤) فَاَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللّهِ وَ اعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِنْهُ وَ فَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ اِلَيْهِ صِراطاً مُسْتَقِيماً (۱۷٥) يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلالَةِ اِنِ امْرُؤٌا هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَ لَهُ اُخْتٌ فَلَها نِصْفُ ما تَرَكَ وَ هُوَ يَرِثُها اِنْ لَمْ يَكُنْ لَها وَلَدٌ فَاِنْ كانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثانِ مِمّا تَرَكَ وَ اِنْ كانُوا اِخْوَةً رِجالاً وَ نِساءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنْثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللّهُ لَكُمْ اَنْ تَضِلُّوا وَ اللّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۷٦)

نباشد برای مرد

و نیز روایت کرده از ابن بکیر گفت وارد شد مردی حضور حضرت باقر علیه السلام و عرض کرد زنی فوت نموده شوهری دارد و برادر مادری و خواهر پدری سهم الارث این اشخاص چگونه است؟ فرمود برای شوهر نصف است که سه سهم میشود واز برای برادر مادری ثلث میباشد که دوسهم است وسهم خواهر پدری یك سهم است آنمرد عرض کرد فرائض زیدبن ثابت وابن مسعود وفرائض عامه غیر ازاین است ای ابوجعفر آنها میگویند برای خواهر پدری سه سهم است ازشش سهم و برای برادر مادری دوسهم و بالا میبرند نصیب را (یعنی قائل بعول هستند وعول عبارت ازاین است، مثلا در اینجا شوهر سه سهم که نصف است میبرد و خواهر سه سهم دیگر که نصف است و ثلث بالا میبرند که نصف برادر است و بعبارت دیگر نصف از اصل ترکه زیاد تر میباشد و نزد امامیه عول باطل است

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و هر که ایمان آورده و عمل نیکو بجا آورد پاداش او را بطور کامل عطا کند و بفضل خود بران بیآفزاید و هر که سر کشی کند و تکبر ورزد او را بعذابی دردناك معذب کند و برای نجات خود یار و یاوری نخواهد یافت(۱۷۳)ایمردم برای شما از جانب خدا رسولی با آیات و معجزات فرستاده شده و نازل نمودیم بسوی شما نور تابان امیرالمؤمنین و فرزندانش را آشکارا (۱۷٤) پس کسانیکه ایمان بخدا آورند و بریسمان محکم او (امیرالمؤمنین) چنك زده و متوسل شوند بزودی آنها رادر فضل و رحمت خود داخل کرداند و آنان را براه راست راهنمائی فرماید(۱۷۵) ای پیغمبر از تو در باره کلاله سئوال کنند(برادر و خواهر مادری است) بگوخدا چنین میفرماید هر گاه کسی بمیرد و فرزند نداشته باشد و او را خواهری جامانده نصف ترکه برای اوست واو نیز از خواهر ارث میبرد اگر خواهر فرزندی نداشته باشد واگر دو خواهر دارد دو ثلث ترکه سهم آنهاست واگر چندین برادر و خواهر دارد در اینصورت ذکور دو برابر اناث ارث میبرد خدا این احکام را برای هدایت شمابیان میفرماید تا گمراه نشوید همانا خداوند بهر چیز دانا میباشد (۱۷٦)

زیرا نمیشود خداوند نصیبی معین کند که زاید از اصل ترکه باشد و دراینجا دو نصف یك ثلث میباشد بقول عامه) آنحضرت فرمود ازروی چه مأخذی این حرف را میزنند عرض کرد خداوند میفرماید **وله اخت فلها نصف ما ترك** برای خواهر نصف میباشد حضرت باقر علیه السلام فرمود اگر شما بظاهر آیه حجت میآورید چرا نصیب برادر راکم نمودید؟ زیرا خداوند میفرماید **و هو یرثها ان لم یکن لها ولد** یعنی برای برادر تمام مال است اگر آنزن فرزندی نداشته باشد و البته تمام مال بیشتر از نصف میباشد و شما تمام مال را که در بعض موارد فرض برادراست نمیدهید و تمام را بخواهر میدهید که خداوند در موارد معینه بهره او را نصف مقرر داشته .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود احلت لکم بهیمة الانعام الا مایتلی علیکم غیر محلی الصید وانتم حرم ان الله یحکم ما یرید (۱) یا ایها الذین آمنوا لاتحلوا شعائر الله ولا الشهر الحرام ولاالهدی ولا القلائد ولاآمین البیت الحرام یبتغون فضلا من ربهم ورضواناً و اذا حللتم فاصطادوا ولا یجرمنکم شنان قوم ان صدوکم عن المسجد الحرام ان تعتدوا وتعاونوا علی البر والتقوی ولا تعاونوا علی الاثم و العدوان و اتقوا الله ان الله شدید العقاب (۲)

سوره مائده

در مدینه نازل شده

سوره مائده در مدینه نازل شده ویکصدوبیست آیه و دو هزاروهشتصدوچهار کلمه ویازده‌هزاروهفتصدوسی‌حرف میباشدو درفضیلت قرائت این سوره‌ابن بابویه بسند خود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که هر کس در هر پنجشنبه سورهٔ مائده را قرائت کند ایمان او بتاریکی ظلم وستم پوشیده نشود و هرگز بخدا شرك نیاورد.

عیاشی بسندخوداز حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده سورهٔ مائده سه ماه قبل ازرحلت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله نازل شد و فرمود قسمتی ازقرآن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بنام خداوند بخشنده مهربان

ای اهل ایمان وفاکنید بهر عهدیکه بستید حلال گردیدچهار پایان برای شما جز آنچه بیان میشود و جز آن صیدیکه بر شما در حال احرام حلال نیست همانا خدا بهرچه خواهد حکم میفرماید (۱)ای‌اهل ایمان حرمت شعارهای‌خدا و ماه حرام رانگاه دارید و متعرض هدی و قلائد (قربانیهای حاجیان است که علامت بگردن آنهاست) نشوید و زوار کعبه را که در طلب فضل و خوشنودی‌خدا آمده‌اند آزار ندهید و هرگاه از احرام بیرون آمدید صید کنید و دشمنی طایفه‌ای که از مسجد الحرام منعتان کردند شمارا بر بی عدالتی و ستم وادار نکند ، و باید در کار نیك و تقوی کمك کنید و برستمکاری و گناه امدادننکنید و ازخدا بترسید و برهیز کاریرا پیشه‌خود سازید همانا عذاب‌خداسخت و کیفر او شدید خواهد بود (۲)

ناسخ‌بعضی احکام قرآن‌میباشدوفرمایشات آخر ایام‌عمر پیغمبر اکرم ﷺ دراین قبیل احکام حجت ومأخذواقع میشود ، وچون سورهٔمائده از آخرین سوره‌های نازله قرآن است‌بعضی احکام بموجب آیات این‌سوره نسخ شده ولی ازاحکام‌مقرره درسورهٔ مائده چیزی نسخ نگردیده است . و فرمود روزی پیغمبر اکرم ﷺ سوار بر قاطر سفید و سیاهی شده بودند که این‌سوره راجبرئیل نازل نمود و سنگینی این وحی بطوری بود که نزدیك شد شکم آنحیوان بزمین برسدو رسول اکرم ﷺ را بیهوشی فراگرفت و دست‌های مبارك را بدوش شیبة بن‌وهب جهنی نهاد تا بزمین نیفتد پس از لحظه سر مبارك را برداشت و سوره مائده را قرائت فرمود و رسول اکرم ﷺ بآن عمل نمود و ماهم بر طبق احکام این سوره عمل کردیم .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و نیز بسند خود از زراره روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود روزی عمر اصحاب پیغمبر را جمع کرد و امیرالمؤمنین علیه السلام هم در آن جا تشریف داشت و بآنها گفت چه میگوئید درمسح کردن بروی کفش (درموقع وضو گرفتن) ؟مغیرة بن شعبه گفت من دیده‌ام که رسول اکرم صلی الله علیه و آله بروی نعلین خود مسح نمود امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود آیا این عمل رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیش از نزول سورهٔ مائده بوده یا بعد از آن ؟ عرض کرد نمیدانم ، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود سوره مائده این حکم را نسخ نموده که بروی کفش مسح کنند و این سوره سه ماه پیش از وفات پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازلشده و رسول اکرم فرمود هر کس این سوره را قرائت کند خداوند ده حسنه باو کرامت فرماید و ده سیئه از دیوان اعمالش محو کند و درجات او را بتعداد نفوس یهود و نصاری که در روی زمین تنفس کنند بلند گردانند .

قوله تعالی : **یاایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود احلت لکم بهیمة الانعام**

عیاشی از ابن عباس روایت کرده گفت شنیدم از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود نازل نشده هیچ آیه **یا ایها الذین آمنوا** مگر آنکه رئیس و شریف آنها امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام میباشد . واینحدیث راعامه باسانیدمتعدده نقل نموده‌اند. ودرصحیفه حضرت رضا علیه السلام است که فرمود هر چه در قرآن آیه « یا ایها الذین آمنوا » میباشد همه در حق ما ائمه اهل بیت نازل شده .

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از اوفوا بالعقود آنست که بعهد و میثاقی که بین خود بسته اید وفا کنید .

و بسند دیگر ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دردوازده مورد عقد بسته برذمه‌مردم نسبت بولایت و خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام و مراد ازنزول آیه اینست که بعهدو پیمانیکه ازشما گرفته وفا کنید(وفرق بین عقد وعهد آنستکه عقدباید میان دو نفر باشدوعبارت ازوصل واتصال نمودن دوچیز است بیکدیگر بخلاف عهد که بمعنی الزام استوممکن است ازیکجانب باشد پس هرعهدی عقد میباشدولی هرعقدی عهد نیست) .

در کافی ازحضرت صادق علیه السلام ذیل آیه احلت لکم بهیمة الانعام روایت کرده‌فرمود از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سئوال کرند خوردن گوشت فیل و خرس و بوزینه چه

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

صورت دارد ؛فرمود هیچکدام ازاینها جزء بهیمة الانعام که‌خداوند حلال نموده نیستند و اینها حرام‌گوشت میباشند. و مقصود ازبهیمة الانعام بچه توی شکم چهارپایان است اگرپشم و موبیرون آوردند ذبح‌مادرشان کفایت‌میکنداز‌ذبح آنها واین آیه‌دلیل‌وشاهد میباشد که غیرچهارپایان حرامست زیرا قید بهیمة بانعام قید وصفی میباشد و بهیمه‌هر حیوان چهارپائی را گویند.

قوله تعالی: **لاتحلوا شعائرالله‌ولا الشهرالحرام** تاآخرآیه

شعائرخدا عبارت است‌از احرام وطواف وسعی بین صفا ومروه و دورکعت نماز طواف در مقام حضرت ابراهیم و اعمال حج تماماً. و نیزاز شعائر است هرگاه قربانی حج را باقلاده یا علامتی دیگرمشخص کنند که‌مردم بدانوسیله بدانندآن‌حیوان‌قربانی حج است و متعرض او نشوند، و رها کنند آن قربانی را و بروند در ماههای حج که شوال و ذیقعده و ذیحجه است و مراد از قلائد نعلین است که با آن نماز خوانده شده و آمین‌البیت کسانی‌هستند که‌حج‌خانه‌کعبه میکنندوهرگاه ازاحرام بیرون آمدید صید و شکارکردن حیوانات وحشی برشما حلال است و آیه واذا حللتم فاصطادوا امر عقیب حظر است و دلالت بروجوب نمیکند (یعنی هرگاه شارع مقدس نهی فرمود از چیزی تا مدت معینی سپس‌امربآن چیزنمود آن امرالزامی نیست که حتماً باید عمل‌باو نمود ، بلکه همان چیزیکه نهی شده بود از آن حلال شده وشخص مختاراست که‌اورا بجاآورد یا خیر) و نبادا عداوت ودشمنی قریش که شما را پیش ازاین اززیارت‌مسجد الاحرام منع کرده بودند وا دار برستم و بی‌عدالتی کندتااز حدود خداوند تجاوز ودر ماههای حرام باآنان قتال کنید.

طبرسی از حضرت باقر علیه‌السلام روایت کرده درآیه « یا ایها الذین آمنوا لاتحلوا شعائرالله » فرمود این‌آیه در حق مردی ازبنی ربیعه نازل شده و عادت اعراب این‌بود که نمیدانستند صفا ومروه از شعائراست ، ومیان صفا ومروه سعی نمیکردند وطواف نمینمودند خداوند در این آیه‌آنها را نهی فرمود.

عیاشی از موسی بن بکیرروایت کرده گفت روزی زیدبن علی بن الحسین بر حضرت باقر علیه‌السلام وارد شد و با خود مکتوبی داشت ازاهل کوفه که او را دعوت کرده‌و

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

حرمت علیکم المیتة والدم ولحم الخنزیر وما اهل لغیر الله به والمنخنقة
والموقوذة والمتردیة والنطیحة وما اکل السبع الا ماذکیتم وما ذبح علی
النصب وان تستقسموا بالازلام ذلکم فسق الیوم یئس الذین کفروا من دینکم
فلا تخشوهم واخشون الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت
لکم الاسلام دینا فمن اضطر فی مخمصة غیر متجانف لاثم فان الله غفور
رحیم (۳)

نوشته بودند ماهمه اجتماع نموده ایم وشما خروج کنید حضرت باقر بزید گفت خداوند تبارك و تعالی حرام نموده چیزهائی را و حلال کرده حلال هائی و مثل هائی زده وسنت هائی قرار داده و امام دانا را از اشتباه دور نگهداشته است و از چیزهائی که خداوند بر امام واجب فرموده باید اطاعت نموده و فرمانبردار باشد آنست که امام سبقت بگیرد پیش از وقت وموعد آن وبا آنکه امام بیموقع اقدام بجهاد کند خداوند فرموده « ولاتقتلوا الصید وانتم حرم» آیا قتل نفس بزرگتر است یا صید که موقع و زمان خاص برای آن مقرر داشته ؟ «اذا حللتم فاصطادوا » و نیز فرموده است « ولاتحلوا شعائر الله ولاالشهر الحرام » عدهٔ ماههای سال معلوم است و چهار ماه از آنها را ماه حرام قرار داده و نیز فرموده :

فسیحوا فی الارض اربعة اشهر واعلموا انکم غیر معجزی الله

ابن بابویه بسند خود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده در آیه « حرمت علیکم المیتة والدم ولحم الخنزیر »تاآخر آیه فرمود مردار و خون وگوشت خوك معلوم است که حرام میباشد و ما اهل لغیر الله عبارت از قربانیهائی است که برای بتان میکنند و منخنقه روش مجوس است که گاو و گوسفند را خفه نموده و وقتیکه بمیرند آنهارا میخورند و عادت بذبح حیوانات ندارند ومتردیه آنست که چشمهای حیوانرا میبندند

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

حرام شدبرشمامؤمنین گوشت مردار وخون وگوشت خوك وآن حیوانیکه بنام غیرخدا ذبح کرده باشند وهرحیوانیکه خفه کنندیا چوب بزنند ویا ازبلندی انداخته اند یا بشاخ زدن کشتندو نیم خوردهٔ درندگان جز آنچه پیش از آن تذکیه کرده باشند وآنچه برای بتان میکشند یا با تیرهای قرعه کشی قسمت میکنند وخوردن همه آنها کار زشتی است امروز کفار از آنکه بدین شما دستبرد زنند و اخلال کنند مأیوسند پس شما از آنان بیمناك نشوید و از من بترسید امروز دین شما را بحد کمال رسانیدم ونعمت خود رابر شما تمام کردم و دین آئین اسلام را برایتان بر گزیدم و اگر کسی در حال اضطرارنه بقصد گناه مرتکب یکی ازمحرمات شود همانا خداوند بخشنده و مهربانست (٣)

وآنرا ازبلندی پائین می اندازند تا بمیرد آنوقت آنرا میخورند وموقوذه حیوانی است که در اثر مرض جان داده باشد .

و بروایت دیگر حیوانیست که دست پای اورا بسته و قید میکنند و با چوب آنقدر باو میزنند تا بمیرد بعد اورا میخورند و نطیحه آنست که حیوان را جلوی قوچی میاندازند که با شاخ زدن آنرا ازپای در آورده و کشته شود و بعد آنرا بخورند و ما اکل السبع گاوو گوسفندی که گرك ویاشیرقدری از آنرا خورده باشد و نیم خورده درندگانرا میخوردند که خداوند حرام فرموده است و ما ذبح علی النصب مرادحیوانانی است که آتش پرست ها برای آتشکده ویاکفار قریش برای درختها وسنگهاکه مورد پرستش آنها بود قربانی میکردند .

قوله تعالی : وان تستقسموا بالازلام

ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود تستقسموا این است که روی حیوانی قیمت میگذاشتند وآنرا بده جزء تقسیم مینمودند آنگاه ده نفرجمع و شریك میشدند و قرعه کشی مینمودند بنام هفت نفر برنده و سه نفر بازنده برنده ها موسوم بودند به فذ وتؤم و مسبل ونافس وحلس و رقیب ومعلی که فذیك نصیب داشت تؤم دو نصیب تا میرسد بمعلی که هفت نصیب داشت و سه نفر که می باختند موسوم به

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

سفیح و منبح و وغد بودند وقیمت آن حیوان را بصاحبش میپرداختندوهفت نفربرنده آن حیوان را بین فقرا تقسیم میکردند و اینعمل را قمار بازی مفاخره نام گذاشته بودند واگر کسی دراین قمارها شرکت نمیکرد مورد ملامت و سرزنش واقع میشد و میگفتند که حاضر نیست بسازمان بینوایان کمك کند و خداوند این قمار را هم حرام فرمود .

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که مردی از اصحاب عرضکرد فدایت شوم برایچه خداوند مرداروخون وگوشت خوك را حرام نموده است؟فرمودخداوند تبارك و تعالی چیزی را حرام ننموده و یا چیزهائی را حلال نکرده مگربرای حفظ مصالح خود مردم وبندگان،نه آنکه بنا بمیل وارادهٔ خود بعضی چیزها را حلال نموده و براثربی میلی و اراده نداشتن چیزهائی را حرام کرده است خداوندکه بندگان را خلق نموده میداندچه چیزهائی سبب قوام بدن آنها میباشد و جسم وتن آنها را باصلاح میآورد آنها را حلال فرموده و آنچه را که بانسان ضرر میرساند از راه لطف و تفضل حرام و نهی نموده و در حالت اضطرار وقتی که دسترسی بچیزی نباشد باندازهٔ که تلف نشود مباح فرموده که تا مختصری مصرف کند نه زیادتر. اما گوشت مردار که حرام شده اگر کسی بخورد بدن را ضعیف وناتوان گرداند وجسم را آب کند وقوای بدنی را سست و نسل منقطع شود و بمرك ناگهانی و سکته بمیرد. خوردن خون هم سبب جراحات معده وکلیه و قساوت قلب و بی رحمی میشود بطوریکه رحم نکند برفرزند و پدر و مادر و دوست صمیمی خود حتی حاضر بقتل آنها میشود .خوردن گوشت خوك نیزسبب بی غیرتی و بی تعصبی و فساد اخلاق و معایب دیگرشود وخداوند عدهٔ ازقوم بنی اسرائیل و یا سائر ملل را بصورت خوك و خرس مسخ نمود و نهی فرمود ازاینکه مردم بآنها منتفع شوند تا آنکه بعقوبت آنها گرفتار نکردند ، و شراب حرام شد برای فسادی که در اوست وشراب خوار مانندبت پرست میباشد وشرابخواری موجب ارتعاش اعضاء وبدن است و نورانیت شخص رازایل نماید ومروت وجوانمردی را ببرد وبکارهای زشت از قبیل آدم کشی و خونریزی و زنا با اقرباء و محارم وادار کند و شارب خمر عقل را از دست داده و بهرمفسده و فتنه ای کشیده میشود .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

نزول آیه الیوم اکملت لکم دینکم در غدیر خم

قوله تعالی : **الیوم اکملت لکم دینکم**

طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودوقتی که این آیه نازل شدپیغمبر اکرم فرمود الله اکبر بزرك است خداوند براتمام دین و تکمیل نمودن نعمت خود و برراضی بودنش بردین اسلام و رسالت من و ولایت علی بن ابیطالب علیه السلام بعد از من ، و فرمود هر که را من مولای او هستم علی مولای اوست پروردگارادوست بدار هر کسی راکه علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر آنکه علی را دشمن میدارد .

شیخ در امالی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده خداوند بمن هفت چیز عطا نموده که بهیچ پیغمبری جز محمد صلی الله علیه و آله و سلم عطانفرموده است راه ها را برای من گشوده است و علم مایاو بلایاو انساب را بمن تعلیم داده و عطا فرموده بمن فصل خطاب را ومن با اجازه پروردگار بسوی ملکوت آسمانها و زمین نظر نمودم و حوادث گذشته ووقایع آینده تا روزقیامت برمن مکشوف گردید وبولایت من خداوند دین این امت را کامل و نعمت خود را بر آنان تمام نمود و بدین اسلام از ایشان راضی گردید ، وقتی که در روز غدیروتعیین ولایت برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ای محمد خبربده بامت که من بولایت و خلافت علی دین آنها را کامل نمودم و آیه را تا آخر قرائت نموده فرمودند تمام اینها از جانب خداوندبمن عطا شده است و شکر و سپاس میکنم چنین خدائی راکه باین مواهب مرا سرافراز فرموده .

روایت کرده شیخ ابوعلی محمدبن احمدبن علی معروف بابن فارسی که از اجله قدماء امامیه میباشد ازحضرت باقر علیه السلام درروایت مفصلی که آنحضرت فرمودپیغمبر اکرم قصدحج نمودازمدینه منوره درحالتی که تمام احکام شریعت اسلام را بجز احکام حج وولایت برای مردم بیان فرموده بود جبرئیل نازل شد گفت خداوند بتوسلام میرساند ومیفرماید من هیچ پیغمبری را قبض روح نکردم مگر آنکه دین او را کامل نمودم و حجت خود را مؤکد ساختم و باقی نمانده برتو از واجبات احکام دین وشریعت مگردو امرواجب

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

که باید آنها را بمردم برسانی یکی واجبات حج است و دیگری ولایت واجبه وخلافت بعد ازخودت میباشد ، زیرا من هر گز زمین راخالی از حجت خود نمیگذارم وخداوند ترا امرمینماید بحج بروی وامر کنی هر کس ازمردم شهرمدینه واطراف آن وسایر شهرهای دیگر که استطاعت دارند حج بروند واحکام حج رابآنها یادبدهید .منادی فرمان پیغمبر اکرم را بمردم رسانید وقریب هفتاد هزار نفراز مردم دررکاب پیغمبر بحج رفتند بعدد اصحاب حضرت موسی که برای هرون ازآنها بیعت گرفت پیغمبرهم ازاین هفتاد هزار نفر برای امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت گرفت اینهاهم شکستند بیعت خدا ورسولش را ومانند اصحاب موسی گوساله و سامری این امة را پیروی نمودند جمعیتی که در راه حج بود چنان بهم متصل و فشرده شده بود که ذکر تلبیه میان مدینه و مکه را پر کرده بگوش میرسید چون حضرت بعرفات رسید بازجبرئیل نازل شد و گفت خداوند سلام میرساند و میفرماید اجل تو نزدیك شده است و امرمیکنم بتو امرولایت وخلافت علی رامقدم بداری و وصیت باو نمائی و هرچه از علوم و میراث پیغمبران پیشین نزدتو هست بعلی تسلیم بداری و بمردم برسانی که علی خلیفه منست بعد از توو عهد و میثاق مرا بمردم ابلاغ نمائی و من هیچ پیغمبری را قبض روح ننمودم مگر آنکه کامل و تمام کردم دین را بولایت اولیاء خود و دشمنی نمودن با دشمنانم و ولایت کمل توحید و یگانگی منست و وسیله اتمام نعمت بربندگانم میباشد هر کس علی را اطاعت کند مرا اطاعت نموده و هر کس از اوتمرد کند از من تمرد کرده است هر که او را بشناسد مؤمن است و هر که منکر او باشد کافر و هر که مرا در روز قیامت با ولایت علی ملاقات نماید به بهشت داخل کنم واگر با دشمنی علی مرا ملاقات کند بجهنم وارد شود برخیزای محمد و علی را بولایت و خلافت وحجت بین خلایق منصوب نما و عهد و میثاق از آنها بگیر و بآنها تذکر بده که ولایت علی دین کامل و توحید ویگانگی من میباشد نعمت کامل و تمام من بربندگان پیروی کردن از ولایت علی بوده و امروز کامل گردانیدم برشما نعمت خود را وراضی شدم که اسلام با ولایت علی دین شما باشد ، پیغمبر اکرم ترسید که مبادا منافقین تفرقه اندازند و برگردانند مردم را بطرف جاهلیت و چون دشمنی مردم را نسبت بعلی میدانست از جبرئیل درخواست نمود که از خداوند نگهبانی و حفاظت

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وعصمت او را مسئلت نماید و فرمود ای جبرئیل من بیم آن دارم که مردم مرا تکذیب نموده و قول مرا در بارهٔ علی قبول ننمایند جبرئیل بآسمان بالا رفت و دو مرتبه درمنی و مسجدخیف نازل شد وامر نمود که فرمان حق را در بارهٔ علی اجرا نما از جبرئیل پرسید که آیا عصمت هم آورده‌ای؟ گفت خیر این بازهم پیغمبر نسبت بنصب علی اقدام نفرمود برای دفعه سوم در کراع الغمیم که بیابانی است بین مکه و مدینه جبرئیل نازل شد و موضوع ولایت علی را گوشزد نمود و چون عصمت نیاورده بود پیغمبر فرمود میترسم که مردم مرا تکذیب کنند چهارمین دفعه جبرئیل در غدیرخم که در سه میلی بجحفه است و مکان معلومی است پنج ساعت از روز گذشته نازل شد آیه شدید و عتاب آمیز **یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیك من ربك فی علی وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمك من الناس** را نازل کرد اول قافله حاج از غدیر گذشته وبه جحفه نزدیك شده بود پیغمبر امر فرمود که آنها را برگردانند و تمام هفتاد هزار نفر در آنجا اجتماع نمودند، آنگاه امر پروردگار را بمردم ابلاغ فرمود و علی را بروی دست بلند کرده بمردم نشان داد و خطبه مفصلی ایراد و قرائت فرمود تا آنجائی که فرمود :ای مردم بدانید خداوند بمن فرموده اگر امر ولایت علی را بشما نرسانم هیچ تبلیغ رسالت نکرده امر من اکنون سبب نزول این آیه را برای شما بیان میکنم جبرئیل تا بحال چند بار برمن نازل شد ومرا از جانب پروردگار مأمور نصب خلافت ومعرفی علی نمود که در این محل توقف کرده و به هر کس که حضور دارد از شما اعم ازسیاه و سفید بشناسانم که علی بن ابیطالب علیه السلام برادر و وصی وخلیفه وامام بعد ازمن میباشد و او نسبت بمن مانند هرون است نسبت بموسی جز آنکه بعد از من پیغمبری نخواهد بود ،و شروع فرمود بقرائت آیاتی که درشأن امیرالمومنین علیه السلام نازل شده یك بیك آنها را تلاوت نمود و فرمود ایمردم بدانید و بفهمید که خداوند علی را بامامت وخلافت واجب الاطاعه برعموم شما مهاجر و انصار وتابعین و شهری و دهاتی و بیابانی و حاضر و غایب و عرب و عجم و ترك و روم و بنده وآقا کوچك و بزرك و سفید و سیاه شما نصب و تعیین فرموده وحکم علی در بارهٔ تمام شما نافذاست هر که با علی مخالفت نماید ملعونست وهر که مطیع و فرمانبر دار او باشد آمرزیده شود ایمردم این آخرین مکانی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

است که من در حضور تمام شما و چنین جمعیتی میباشم ،امر پروردگار خود رابشنوید و اطاعت کنید که پرورد گار شما صاحب و مولای شماست و پس از امرخق اطاعت رسولش محمد صلی الله علیه و آله و سلم راکه در برابر شما ایستاده سخن میکوید و پس ازمن علی بامر پرورد گار امام شماست و بعد از علی امامت در ذریه من که از صلب علی است میباشد تا روزیکه ملاقات کنید خدا و رسول اوراچیزی حلال نیست مگر آنکه خدا آنرا حلال کرده باشد و حرامی نیست مگر آنکه خدا حرام نموده است خداوند حلال و حرام را بمن شناسانید و من بشما رسانیدم و تمام آنها را بعلی یاد دادم و خداوند علمی را را بمن نیاموخت مگر آنکه آنرا بعلی تعلیم نمودم و نیست علمی مگر آنکه خداوند آنرا شمرده و درامام مبین محدود فرموده و علی آن امام مبین است ایمردم نسبت بعلی تعدی نکنید و از ولایت علی استنکاف ننمائید او مردم را بسوی حق هدایت ورهبری کند و بحق عمل مینماید و باطل را از بین میبرد شما بملامت ملامت کنندگان دست از علی نکشید و توبهٔ کسی راکه منکر علی باشد قبول ننموده و همواره معذب باشد ای مردم دوری بجوئید از اینکه امر مرا در مورد علی مخالفت کنید که آتشی بشمامی رسد که هیزمش سنك گو گرد و بدن مردم است وخداوند آنرا برای کفار مهیانموده،ایمردم بخدا قسم خداوند مرا بشارت داده بوجود پیغمبران گذشته و من آخرین آنها هستم که حجت برتمام آفرینش اولین و آخرینم از اهل آسمان و زمین، و هر کس بمن شك کند کافر است و هر که درگفتارم بعلی شك نماید شك در تمام پیغمبران و احکام خداوند کرده،شك کننده در اینها در آتش جهنم است ،ایمردم مقدم بدارید علی راکه او بعداز من از هرمرد وزنی افضل است،بواسطهٔما خداوندارزاق شمارانازل گردانید، وملعونست ملعون مغضوب خداست مغضوب من است هر که رد کند این گفتار مرا در بارهٔ علی، آگاه باشید که جبرئیل مرا باین گفتار خبرداد تاآنجاکه فرمود: ایمردم تفکردر قرآن بنمائید و آیاتش را بفهمید و بمحکمات آن عمل کنید و از متشابهاتش پیروی ننمائید بخدا قسم علی برای شما متشابهات قرآن رابیان می کند و تفسیرقرآن نمی کندمگر این علی که من او را برسردست گرفتم و بالای منبر آورده و شما او را مشاهده میکنید و او معلم شماست هر که راکه من مولای او هستم علی نیز مولای اوست آگاه باشید

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ایمردم خداوند فرمود علی و اولادش یکی از دو چیز سنگین و پربها می باشدوقرآن هم یکی از ثقلین دوم است وهر کدام از این دو ، بیان کننده یکدیگر است و هرگز ازهم جدا نشوند تا وارد شوند برمن کنار حوض کوثر . آگاه باشید حلال وجائز نیست گفتن امیرالمؤمنین یکسی بعد ازمن مگربعلی ، وعلی را چنان برسردست بلند نمود که سفیدی زیربغل مبارکش آشکار شد واین روایت بسیار مفصل است هر که بخواهد تمام آنرا به بیند بکتاب روضه نگاه کند یا به تفسیر برهان که آن روایت را عیناً از اول تا آخر ذکر نموده است و روایت غدیر خم از طرق امامیه و نیز از طریق عامه زیاد و متواتراست و خداوند حجت را برمخالفین تمام فرموده تا نگویند ما روایت غدیر را ملاحظه نکردیم ، سپس امرفرمود بتمام مردم و رؤسای آنها تاباامیرالمؤمنین بیعت نمودند و بعد پیغمبر اکرم فرمود شمارا دعوت نمودم تادر حضور پروردگار شاهد باشید که من امر اورا در بارهٔ علی بشما رسانیدم اینك اگر عمل کنید یا نکنید خداوند از شما مواخذه و سئوال میفرماید .

و در امالی از ابی حمزه ثمالی روایت کرده گفت فرمود خضرت باقر علیه السلام فرستاد خداوند جبرئیل امین را بر پیغمبر اکرم تا شهادت دهد بولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و سلام کند بآنحضرت و تهنیت بگوید او را و دستور بدهد که مردم خطاب کنند بآنحضرت یا امیرالمؤمنین علیه السلام وفرمود آنحضرت بپیغمبر اکرم هفت نفر از آنقوم را خواند وبآنها فرمود شما گواه باشید در روی زمین بولایت علی ، مختارید اقامه شهادت کنید یا کتمان نمائید پاداش و کیفر اورا خواهید دید اول آنها ابابکر بود پیغمبر فرمود باو خطاب کن بعلی امیرالمؤمنین و سلام کن بآنحضرت ، ابابکر گفت از جانب خدا و رسولش این امر را انجام دهم ؟ فرمود بلی ابابکر از جای خود بلند شد و دست امیرالمؤمنین را گرفت و بیعت کرد سپس عمر از جای بلند شد و بیعت و سلام کرد بعد مقداد و ابی ذر و حذیفه یمانی و ابن مسعود و بریده بیعت کردند سپس پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بآنها فرمود : شما گواه باشید بر ولایت علی و مختارید کتمان کنید یا اظهار نمائید در هردو صورت بکیفر و پاداش خواهیدرسید . و اینحدیث ازمتواترات شیعه و سنی است . و دراحتجاج از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود روز غدیرخم

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مردم مشاهده کردند شخصی بسیار نیکو و باهیبت میگفت من ندیدم هرگز محمد صلی الله علیه و آله و سلم در امری آنقدر اصرار ورزد و تأکید کند مگر در ولایت علی علیه السلام و این عهد را چنان محکم بسته که جز کافر بخدا اورا نقض نکند، وای بحال کسانیکه این عهد را بشکنند و بهم زنند، در آن هنگام عمر متوجه بآنشخص شد و کلام او را شنید از منظره و هیبت وبزرگی او تعجب کرد، عرض کرد به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ایرسول خدا گفتار این شخص راشنیدید؟ فرمود پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم ای عمر میدانی او کیست ؟ عرض کرد نمیدانم، فرمود او جبرئیل امین است ایعمر شنیدی کلام اورا پس از عهد شکنی دوری بجو، هر که عهد ولایت علی را بهم بزند و نقض کند خدا و رسول و فرشتگان ومؤمنین از او بیزاری جویند و تا قیامت اورا لعنت کنند . و فرمود حضرت صادق علیه السلام حقوق مردمان با دو شاهد عادل ثابت میشود ، ولی نزد منافقین حق امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام با چند هزار ثابت نشد و نیست بعد از حق جز گمراهی روشن و آشکارا ، سپس این آیه را تلاوت فرمودند **کذلك حقت کلمة ربك علی الذین فسقوا انهم لا یؤمنون** و در بصائر الدرجات اززید شحام روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام بودم مرد معتزلی وارد شد سئوالاتی از آنحضرت کرد جواب شنید، سپس آنحضرت بآن مرد فرمود چیزی نیست که فرزندان آدم باو محتاج باشند مگر آنکه حکم آن از طرف خدا و رسولش وارد شده و اگر وارد نشده باشد دریك موضوع حکمی ، خداوند برماحجت نمیآورد ، آن معتزلی عرض کرد حضورش خداوند بچه حجت بر ما تمام کرده و آورده؟ فرمود بقولش که میفرماید **الیوم اکملت لکم دینکم** و کامل نمود دین را بولایت علی و اولادش و اگر کامل نبود خداوند این بیان را نمی‌فرمود .

در کافی ازمحمدبن مسلم روایت کرده گفت فرمود حضرت باقر علیه السلام آخرین واجبیکه خداوند برپیغمبرش نازل کرد ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام وائمه معصومین بود و دیگر بعد از آن حکمی ابلاغ نفرمود تا ازدار دنیا رحلت نموده سپس آیه «الیوم اکملت لکم دینکم» نازل شد درغدیر خم بعد از آنکه امیرالمؤمنین علیه السلام را برخلافت وولایت منصوب کرد.

وجملهٔ فمن اضطر جملهٔ معترضه است وعطف میشود بمحرمات سابقه واجازه ورخصت

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

است برای مضطر ، و مخصمه گرسنگی است و در روایت ابی جارودداست از آنحضرت که فرمود معنای متجانف متعمد نبودن و میل بگناه نکردن است .

احکام شکار و ذبح

قوله تعالی : **قل احل لکم الطیبات و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمو نهن مما علمکم الله** تا آخر آیه

باید دانست صید بدوطریق صورت پذیرمیشود: یا بوسیله آلات وادوات مخصوص بشکار و اسلحه ، یا بتوسط حیوانات درنده و پرندگان شکاری ، و صید بهر ترتیب که بدست آید از دو حال خارج نیست ، یا زنده است و جان دارد و یا آنکه کشته شده و مرده است در صورت اول هر صید که زنده بدست بیاید با ذبح شرعی خوردنش حلال است و در صورت دوم چنانچه شکار بوسیله سك تربیت شده بدست آمده حلال ، و اگر بوسیله سباع و درندگان چون پلنك و گرگ و یا عقاب وکرکس گرفتار شده باشد حلال نیست و نباید خورد ، هم به نص آیه شریفه فوق و هم آنکه با احادیث رسیده ازمعصومین علیهم السلام . در کافی از ابی بکر حضرمی روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم شکاری که با حیوانات از قبیل مرغهای شکاری و فیل و امثال آن صید شود چگونه است ؟فرمود این قبیل شکار را نخورید حلال نیست مگر آنکه زنده بوده وآنهارا تزکیه کنید ، مجدداً عرض کردم اگر بوسیله سگ شکار شود چطور است ؟ فرمود صیدی که بوسیله سگ تربیت شده بدست بیاید حلال است چه خداوند میفرماید و **ما علمتم من الجوارح مکلبین** . و نیز بسند دیگر از سیف بن عمیره روایت کرده که گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود هردرنده ای شکاررا برای خود میگیرد مگر سگ تربیت شده که آنرا برای صاحبش نگاه میدارد .وفرمود چون خواستید سگ را بدنبال شکار روانه نمائید نام خدا را ذکر کنید که بدینوسیله تزکیه شکار بنام خدا تحقق پذیر .

در کافی از جمیل روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم شخصی سگ شکاری را برای شکار میفرستد و حیوانی را زنده صید نموده میآورد ولی صاحب سگ کارد و وسیله ذبح را ندارد آیا میتواند بگذارد تاسگ صیدرا بکشد ؟

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

يسئلونك ماذا احل لهم قل احل لكم الطيبات وما علمتم من الجوارح
مكلبين تعلمونهن مما علمكم الله فكلوا مما امسكن عليكم واذكروا اسم الله
عليه و اتقوا الله ان الله سريع الحساب (٤) اليوم احل لكم الطيبات وطعام
الذين اوتوا الكتاب حل لكم و طعامكم حل لهم والمحصنات من المؤمنات
والمحصنات من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم اذا آتيتموهن اجورهن محصنين
غير مسافحين ولا متخذى اخدان و من يكفر بالايمان فقد حبط عمله و هو
في الاخرة من الخاسرين (٥)

فرمودند عیب ندارد و آیه را تلاوت فرمود.

در شکار بتوسط سگ رعایت چند شرط لازم است :

اول باید سگ تربیت شده و معلّم باشد ومراد از تربیت سگ آنست که‌چون آنرا رها کنند به تعقیب صید برود و چون صدایش بزنند برگردد وضمناً بایدصاحب سگ آنرا بقصد شکار بفرستد و اگر خود سگ بدون آنکه صاحبش روانه کند صید نماید خوردن آن شکار حلال نیست .

دوم ـ باید شکارچی مسلمان باشد پس شکار یهود و نصاری‌ویاسایر فرق کفار حلال نیست ولی اگر شخص مسلمان سگ شکاری کفار را برای صید بفرستد مانعی ندارد و صیدش حلال است .

سوم ـ باید هنگام روانه ساختن سگ صاحبش بسم‌الله گفته و نام خدا رابزبان جاری کند و اگر نکند صید حلال نمیشود .

چهارم ـ باید سگ شکاری از نظر صاحبش دور نشود و شکار صید را بوسیله سگ به بیند و اگر پس از تجسس و کاوش صید کشته‌ای رادید حلال نیست مگر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای پیغمبر از تو سئوال کنند بر آنهاچه چیز حلال‌شده؟ بگو هرچه پاکیزه است‌حلال میباشد و صیدیکه بوسیله‌سگهای تربیت شده گرفته اید بروشیکه خداوند بشمایادداده و از آن صیدیکه نگاه میدارد حلال است بخورید و نام خدا بران صید یادکنید و از خدا بترسید که زود بحساب خلق میرسد (٤) امروز هرچیز پاکیزه و طعام اهل کتاب بر شما حلال شده و طعام شما بر آنها نیز حلال است و ازدواج با زنان پارسای مؤمنه و اهل کتاب‌در صورتیکه اجرت و مهر آنان را بپردازید و ایشان هم زناکار و رفیق باز نباشند برشما حلال‌شد وهرکس کافرشود بدین اسلام عمل خویش را تباه کرده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود (٥)

آنکه یقین داشته باشد کشته شدن صید بر اثر گرفتن سگ باشد.

اما شکار با اسباب و اسلحه ـ شرط است که آلات و ادوات صید از آهن باشد و چنانچه غیر آهن باشد وقتی شکار حلال است که آنرا زنده بگیرد وذبح نماید.

در کافی از حلبی روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال نمودم شخصی باشمشیر و یا نیزه و تیر حیوانی را میزند و میکشد و هنگام زدن نام خدارا هم بزبان جاری میکند آیا خوردن گوشت آن حلال است؟ فرمودند بلی حلال است.

ودر قرب الاسناد از علی‌بن جعفر علیه السلام روایت‌کرده گفت ازبرادرم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سئوال کردم شخصی آهویا الاغ وحشی را بضرب شمشیر دو نیمه کرد و کشت آیا میتواند گوشت آنرا بخورد؟ فرمودند اگر موقع زدن نام خدا را بزبان جاری کرده باشد حلال است.

در فقیه از حریز روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال کردم که شخصی تیری بشکار میزند و فردای آنروز حیوان راکشته پیدا مینماید، آیا میتواند گوشت آنرا بخورد؟ فرمودند اگر یقین کند که‌حیوان براثر پرتاب کردن‌تیر او کشته‌شده

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و هنگام انداختن تیر هم بسم‌الله گفته باشد حلال است .

در تهذیب از ابن خالد روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال کردم که اگر کسی شکار را با سنك و نظائر آن بکشد میتواند گوشت آنحیوان رابخورد ؟ فرمودند خیر حلال نیست . و این حدیث را در کافی و فقیه نیز ذکر کرده‌اند .

لازم است توجه داشت که شکار مخصوص حیوانات وحشی است و حیوانات اهلی را باید ذبح کنند مگر آنکه عاصی شده و فرار کند یادر چاه و گودالی افتاده باشد که زنده بیرون آوردن آن مقدور نباشد .

در کافی از حلبی روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال کردم اگر کسی با شمشیر شتر و یا گوسفند را از غیر محل معمول نحر ویا ذبح کند چه صورت دارد ؟ فرمود درحال اختیار و بعمد حرام است ، اما اگر فرار کرده وممکن نباشد آنرا دستگیر ساخته و ذبح نمایند در اینصورت عیب ندارد .

ذبح و شرایط آن

در ذبح و سر بریدن حیوان رعایت چند شرط لازم است :

اول ـ باید در حال اختیار وسیله و آلت ذبح آهن باشد و اگر بغیر آهن ذبح نمایند حرام است .

در کافی از محمد بن مسلم روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم اگر حیوانی را با سنك یا نی و شیشه و امثال آن ذبح کنند چه صورت دارد ؟ فرمودند تزکیهٔ شرعی فقط با آهن انجام میگردد .

و اینحدیث را در تهذیب روایت کرده و اضافه مینماید : ولی در حال اضطرار مثلا اگر در بیابان باشد و کارد و یا آلت آهنی نیابد عیبی ندارد .

در فقیه از ابن حجاج روایت نموده گفت از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام سئوال کردم اگر برای کشتن حیوان کارد پیدا نشود آیا ممکن است باسنك و چوب و نی ذبح نمود ؟ فرمودند اگر چهاررگ آنرا قطع کنند مانعی ندارد .

در کافی از زیدشحام روایت کرده گفت ازحضرت صادق سئوال کردم اگر برای کشتن کاردبدست نیامد آیا میتوان بانی ذبح نمود ؟ فرمودند اگر اسلحه وآلت آهنی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

پیدا نشود باسنك ونی واستخوان میشود حلقوم حیوان را قطع وخون آنرا جاری نمود

دوم ـ باید شتر را از گودی سینه‌اش نحر نمود و گاو وگوسفند را از گلوی آنها ذبح کرد وچنانچه بعکس آن رفتار نمایند ذبیحه حرام میشود .

در کافی ازیونس روایت کرده گفت حضور حضرت موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم بعضی از مردم مکه بجای آنکه گاورا ذبح کنند نحر مینمایند ؟ فرمودند از گوشت آن حیوان نباید خورد وحرام است زیرا در قرآن ایه سوره بقره میفرماید **فذبحوها وماکادوا یفعلون** وآنها برخلاف دستور قرآن رفتار مینمایند

در فقیه ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اگرشتررا که باید نحر شود ذبح کنند ویاگاوو گوسفندکه باید ذبح شود نحر نمایند حرام میشود و امثال این احادیث بسیار است .

سوم ـ باید هنگام ذبح درحال اختیار حیوان را رو بقبله بخوابانند .

در کافی ازمحمدبن مسلم روایت کرده گفت بحضرت باقر علیه السلام عرض کردم شخصی حیوانی را ذبح کرد نفهمید که آیا بطرف قبله بوده یانه چه صورت دارد ؟ فرمودند عیب ندارد و حلال است ولی اگر عمداً آنرا روبقبله ذبح نکرده باشد حرام است و نباید از گوشت آن خورد

چهارم ـ در موقع ذبح باید بسم الله گفته و نام خدارا بزبان جاری کرد

در فقیه ازوردبن زید روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام سئوال کردم اگر مسلمانی در موقع ذبح نام خدا را بزبان جاری نکند ذبیحه چه صورت دارد ؟ فرمود از آن نخورید زیرا خداوند در قرآن میفرماید : **فکلوا مما ذکر اسم الله علیه** ولا تاـ **کلوا مما لم یذکر اسم الله علیه** یعنی ازهر آنچه نام خدا را بر آن گفته‌شده بخورید و از آنچه نام خدا بر آن گفته نشده تناول نکنید

وبسند دیگر ازمحمدبن مسلم روایت کرده گفت خدمت حضرت باقر علیه السلام عرض کردم شخصی در موقع ذبح بجای بسم الله تسبیح و یاتکبیرو یاالحمدلله گفته باشد چه صورت دارد ؟ فرمودند تمام این کلمات نام های خداست وکفایت میکند

پنجم ـ باید ذبح کننده مسلمان باشد و ذبیحه‌سایر فرق اعم ازیهود ونصاری و

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

غیره حرام است

در کافی از قتیبه روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال کردم چوپانی دارم که نصرانی است گاهی اتفاق میافتد که گوسفندی را سر می برد آیا از گوشت آن گوسفند میشود خورد؟ فرمود نخورید و بکسی هم نفروشید زیرا قیمت آن حرام است و باید غیر مسلمان ذبح ننماید: مجدداً عرض کردم پس مقصود از این آیه که میفرماید **وطعام الذین اوتوا الکتاب حل لکم** (یعنی خوراك مردم صاحب کتاب بر شما حلال است) چیست؟ فرمود مراد از این طعام خوراك غیر حیوانی است و غلّه وحبوبات است

در تهذیب از زکریا بن آدم روایت کرده گفت حضرت رضا علیه السلام بمن فرمود ای زکریا نباید جز در وقت ضرورت از ذبیحه غیر مسلمین بخوری.

احادیثی که خوردن ذبیحه اهل کتاب را حلال وجایز دانسته از روی تقیه است و عامه آنرا حلال میدانند

ودر قرب الاسناد از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام دستور داد منادی ندا کند که ای مسلمانان کسی نباید اقدام بذبح کند مگر اینکه مسلمان باشد

ششم - باید چهار رگ (دوشاه رگ ویکی مجرای تنفس و یکی مجرای خوراك) قطع وبریده شود واگر یکی از آنها بریده نشود حرام میگردد

در کافی از محمدبن مسلم روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود از حیوانی که تزکیه نشده وازمحل ذبح سر نبریده باشد نخورید ولی ذبیحه زنان و اطفال نا بالغ هرگاه رعایت شرایط را بکنند عیب ندارد و خوردنش حلال است

در کافی از مرزبان روایت کرده گفت از حضرت رضا (٤) سئوال نمودم اگر بانوئی یا یك طفل نابالغ ذبح کند چه صورت دارد؟ فرمودند حلال است واگر یکی از شرایط مذکوره رعایت نشده باشد حیوان کشته شده در حکم مردار است و حرام میباشد ولی اگر احتمال نبودن یکی از شرایط داده شود اعتنائی بآن نباید کرد

در فقیه از زراره و محمدبن مسلم روایت کرده گفتند از حضرت باقر (٤) سئوال کردیم خریدن گوشت از بازار مسلمانان در حالی که معلوم نیست قصابها رعایت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

شرایط ذبح را میکنند ، چه‌صورت دارد ؟فرمودند بخرید و تناول کنید،پرسش وسئوال مورد ندارد. ودرحال اضطرار اگر رعایت بعض از شرایط مقدور نباشد مانند روبقبله کشتن یا ذبح به غیر آهن و یا قطع چهار رك ضرری ندارد مثل آنکه گوسفندی در چاه‌افتاده باشد وبیرون‌آوردنش ممکن نباشد و نمیتوان رو بقبله سر برید

در فقیه از زراره روایت کرده گفت خدمت حضرت باقر علیه السلام عرض کردم شتری در چاه افتاده و آنرا از طرف دم‌بریده و قطعه قطعه نموده اند ؛ فرمود اگر بسم‌الله گفته باشند عیب ندارد .

در قرب الاسناد از حضرت صادق روایت کرده فرمود از امیرالمؤمنین سئوال کردم حیوانی بصورت در چاه افتاده و با ذکر نام خدا آنرا قطعه قطعه کرده وگوشتش را خارج نموده‌اند ؛ فرمود حلال است و بخورید

و علامت تزکیه حیوان خروج خون است بطور متعارف ازآن

در کافی از حسین‌ابن مسلم روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام بودم محمدبن عبدالسلام شرفیاب حضورش شده وعرض کرد جدهٔ من می‌گوید گاوی را بامیله آهنی زده وساقط کرده‌اند بعد آنرا ذبح نموده‌اند خوردن گوشت آن چه صورت دارد ؟ فرمود اگر خون معتدل از آن‌خارج شده بخورید واطعام کنید ودرغیر اینصورت نباید خورد . در تهذیب از ابوبصیر روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال کردم گوسفندی را ذبح میکنند پس از ذبح دست و پانزده حرکت نمیکند و خون سیاه رنك زیادی از آن‌خارج‌میشود چه‌صورت دارد ؟ فرموداز گوشت آن‌نخورید زیرا امیرالمومنین (٤) فرمود اگر دست وپا و چشم حیوان پس‌از ذبح حرکت نکند نباید از گوشت آن استفاده کنند

بیان آنچه از حیوانات و پرندگان که حلال و یا حرام است

شکی نیست که هستی و قوام بدن انسان وابسته‌به تغذیه وخوراك است‌چنانچه خداوند در آیه ٨ سوره انبیاء میفرماید

و ماجعلنا جسدا لایأکلون الطعام وماکانواخالدین یعنی در دنیا ما بدنی را قرار ندادیم که محتاج بغذا نباشد و پیوسته زنده بماند و چون خداوند دانا

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وحکیم است میداند چه‌نوع غذائی بدن را نگاهداری مینماید و کدام غذا زیان بخش و مضر برای بدن است، روی این اصل بعضی ازاغذیه را حلال و برخی از آنها را حرام فرمود، و پیغمبر اکرم فرموده: هر گوشتی که از حرام روئیده شود شایسته سوختن در آتش است و انسان از دو حال خارج نیست. یادر حال اختیارو رفاه است ویاآنکه گرفتار شدت واضطرار است وحلال وحرام در دو حالت متفاوت است چه بعضی ازچیزها که درحال اختیار حرام است درحال اضطرار برای حفظ بدن وقوام آن حلال میشود

بر طبق احادیث معتبره از حیوانات دریائی غیر ازماهی که دارای فلس وپولك باشد حلال نیست خواه پولك ها بماند چون ماهی آزاد و ماهی سفید و امثال آن یا آنکه نماند مانند کنعت که نوعی ازماهی است که اول پولك داشته و بعد ریخته شده، وهرماهی که دراصل پولك نداشته باشد حرام است مانند مارماهی وغیر آن

و تزکیه ماهی زنده بیرون آوردن آنست از آب و اگر درآب مرده باشد مردار و حرام است و اگر هنگام صید ماهی بسم الله بگویند بهتر است ولی چنانچه نگویند حرام نیست

در کافی از حلبی روایت کرده گفت ازحضرت صادق علیه السلام سئوال کردم چنانچه شخص هنگام شکار ماهی نام خدا را بزبان جاری نکند چه صورت دارد؟ فرمودند حلال است وعیبی ندارد

و بسند دیگر از عیسی بن عبدالله روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم ماهی را که مجوس صید کند میتوان خورد؟ فرمود اگر زنده بتوبدهد یا آنکه به‌بینی زنده از آب بیرون آورده عیب ندارد ولی اگر ادعا کند که زنده از آب بیرون آورده‌ام جایز نیست

آنچه از حیوانات اهلی و بیابانی حلال است: اول بهائم که عبارت از گاو و گوسفند وشتراست، ودیگر آهومیباشد چنانچه‌میفرماید **احلت لکم بهیمة الانعام** و مادیان واستر و الاغ نیز حلال است ولی کراهت دارد

درکافی ازمحمدبن مسلم روایت کرده گفت ازحضرت صادق علیه السلام سئوال کردم در مورد گوشت مادیان واستر والاغ چه‌میفرمائید؟ فرمودند حلال است ولی مردم از نظر استفاده سواری

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و باربری باید آنها را از خوردن معاف بدارند

بعضی اوقات حیوانات حلال گوشت بجهاتی چند حرام میشوند :

اول ـ هر گاه حیوانی عادت بخوردن مدفوع انسان کند که در اینصورت باید آنرا استبراء نمود یعنی چهل روز آنهارا ببندندو علوفه پاك بخورد آنها بدهند تاترك عادت کند .

دوم ـ اگر از خوك آنقدر شیربنوشند که‌استخوان آنها ازآن شیر محکم شود

سوم ـ اگر مفعول انسانی واقع شود که بچه های آنهاهم حرام گوشت‌میشود

پرندگان

چهار قسم از پرندگان هستند که حرام گوشت میباشند :

اول ـ پرندگانی که چنگل قوی داشته و بشتاب دنبال سایر پرندگان میروند مانند باز و قرقی و عقاب و شاهین و کرکس و نظائر آنها .

دوم ـ هر پرنده ای‌که هنگام پرواز بالهای خود را حرکت ندهد وصاف‌پرواز کند و یا بال خود را کمتر حرکت بدهد . درکافی اززراره روایت‌کرده گفت حضور حضرت صادق علیه‌السلام عرض کردم ایمولای من پرندگان حلال گوشت چه علامت دارند؟ فرمودند آنهائی که در موقع پرواز بال خود را حرکت بدهند حلال است و آنهائی که مستقیم و بی حرکت بال سیر میدهند حرام هستند .

سوم ـ هر پرنده ای که قانصه (سنگدان) و یا حوصله (چینه‌دان) یا صیصیه (خار ویا انگشت زائدی برساق پای‌پرنده)نداشت حرام است و اگر یکی از این سه چیز را داشته باشد حلال است . درکافی ازسماعه روایت کرده گفت حضرت رضا علیه‌السلام فرمود طیوری که دارای سنگدان یا چینه دان که مانند معده است بوده و یا انگشت زیادی برپای دارند حلال است

چهارم ـ هر پرنده‌ای که روایت خاص در حرمت آنها رسیده باشد چون‌طاوس ویا خفاش (شبکور).

آنچه از اعضاءحیوانات حلال گوشت حرام میباشد بدینقرار است :

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اول ـ خون

دوم ـ طحال

سوم ـ بیضتین (دنبلان)

چهارم ـ آلت نری حیوان

پنجم ـ زهره (کیسه صفرا)

وهر عضوی که از بدن حیوان حلال گوشت زنده جدا کنند در حکم مردار است و خوردنش حلال نیست .

در کافی از کاهلی روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال کردم اگر دنبهٔ گوسفندان زنده را جداکنند چه صورت دارد؟ فرمود اگر برای اصلاح و معالجهٔ حیوان باشد عیبی ندارد ولی در حکم مردار است وقابل استفاده وانتفاع نیست .

و دمیدن در بدن حیوانات پس از ذبح و در وقت پوست کندن مکروه است چنانچه از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که روزی در موقع حرکت از بازار فرمود ای جماعت قصاب از پیروان ما محسوب نمیشود هرکه در بدن گوسفند و حیوانیکه ذبح شده نفخ نموده و بدمند و حکمت این امرهم آشکار است ، زیرا ممکن است شخص دمنده مبتلا بمرض مسری بوده و با این عمل بیماری او بدیگران سرایت نموده وگروهی را مبتلا سازد ، و از این قبیل اخبار معلوم میشود که قوانین اسلام ومذهب جعفری تا چه حد متین و مبتنی بر اصول علمی بوده و چه وقایعی را مورد عنایت قرار داده اند ولی باکمال تأسف کوردلان معاند با خاندان آل عصمت بر اثرعدم طهارت مولد نمیخواهند و نمیتوانندمردم را با این فرمایشات معصومین آشنا ساخته واخلاص و ایمان آنهارا تقویت کنند .

روایت کرده عیاشی از جابردرآیه و من یکفر بالایمان فقد حبط عمله و هوفی الاخره من الخاسرین گفت از حضرت باقر علیه السلام تفسیر آنرا سئوال نمودم ؟ فرمود مراد از ایمان ولایت علی علیه السلام است هرکس بولایت علی علیه السلام کافر شود درآخرة از جملهٔ زیانکاران است واین روایت را درمحاسن ودر کتاب روضه نیز ذکر نمودند و آن حضرت فرمود تفسیر این آیه در خود قرآنست و مراد از کفرهم تکذیب ولایت

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

علی علیه السلام میباشدوولایت علی باتفاق ایمان می باشد وعیاشی بسند خود ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود کمترین چیزی که شخص را از اسلام خارج میکند آنستکه رأی بر خلاف حق بدهد و در رأی خود پایداری نماید و این آیه را تلاوت فرمود ، پس از آن فرمود: کافر کسی است که بآنچه خداوند فرموده عمل نکرده و بامرخدا راضی نشده است

و نیز بسنددیگر از آنحضرت روایت کرده فرمود کسانیکه کافر بایمان میشوند آنهائی هستند که عمل باوامر خدا نکنند و راضی باحکام الهی نمیباشند

قوله تعالی : **الیوم احل لکم الطیبات**

در کافی از ابی جارود روایت کرده گفت سئوال کردم معنی این آیه را از حضرت باقر علیه السلام فرمود طعامیکه خداوند از اهل کتاب حلال نموده حبوبات وسبزیجات است در تهذیب از قتیبه اعشی روایت کرده گفت سئوال کرد شخصی از حضرت صادق علیه السلام آیا از ذبیحه ایکه یهودی یا نصرانی ذبح کرده بخوریم ؟فرمود حلال نیست و هر گاه چوپان یهودی یانصرانی دارید و گوسفندی را ذبح نموده باشد اورا نخورید و بدیگران نفروشید که پول آن حرام است، عرض کرد انشخص حضورش پس مراد از آیه که میفرماید : طعام اهل کتاب حلال است چه میباشد ؟فرمود حبوبات وامثال آن باشد. واینحدیث را درکافی نیز روایت کرده . وبسند دیگرازانحضرت روایت کرده که فرمود مراد از طعام عدس ونخود و نظایر اینها از حبوبات میباشد

در کافی از زراره روایت کرده گفت سئوال کردم معنی آیه **والمحصنات من الذین اوتوا الکتاب** را؛ فرمود این آیه ناسخ آیه **ولاتمسکوا بعصم الکوا** فرو آیه **ولاتنکحوا المشرکات حتی یؤمن** می باشد خداوند نکاح اهل کتاب را بموجب آیه ایکه در سوره بقره است حرام نموده بود و بموجب آیه سوره مائده حلال شد

ونیز بسند دیگر از حسن بن جهم روایت کرده گفت فرمود بمن حضرت رضا علیه السلام ای ابا محمد چه میگوئی در حق مردیکه بانوئی نصرانی تزویج کند در حالتیکه عیال مسلمانی هم دارد ؟ عرض کردم حضورش فدایت گردم در حضور شما امام واجب الاطاعة چه بگویم ؟ فرمود هرچه میدانی بگو تاحقیقت امر را بفهمی عرض کردم جایز نیست

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلوة فاغسلوا وجوهکم وایدیکم الی المرافق وامسحوا برؤسکم وارجلکم الی الکعبین وان کنتم جنبا فاطهروا وان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط او لمستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیدا طیبا فامسحوا بوجوهکم وایدیکم منه ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج ولکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون (٦)

ازدواج بانوی نصرانی فرمود بچه دلیل ؟ گفتم بموجب آیه «ولا تنکحوا المشرکات حتی یؤمن» فرمود چه میگوئی درباره این آیه والمحصنات من الذین اوتوا الکتاب ؟ عرض کردم این آیه ناسخ آیه قبل میباشد تبسمی فرمود و گفت بلی. عیاشی از ابی جمیله روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت موسی ابن جعفر (ع) مراد از محصنات اهل کتاب چه کسانی می باشد ؟ و معنی احصان چیست ؟ فرمود بانوان باعصمت و عفت از اهل کتاب مراد است

(احکام وضو وغسل وتیمم)

قوله تعالی : یاایها الذین آمنوا اذا قمتم الی الصلوة فاغسلوا وجوهکم وایدیکم الی المرافق

واجب بر دو قسم است: غیری ونفسی، غیری واجبی است که منظور از او برای انجام عبادت دیگری باشد چون طهارت که وجوبش یا برای نماز است همانطور که در آیه مبارکه فوق تصریح شده و یا آنکه برای طواف خانه کعبه است که فرمود **الطواف بالبیت صلوة** (یعنی طواف خانه کعبه چون نماز است) و یا آنکه برای دست زدن بقرآنست چه میفرماید **لایمسه الا المطهرون** قرآن را نباید طاهر مجزو پاکیزه دست بزنند بنابراین وجوب طهارت و غرض اصلی از آن برای انجام فرائض سه گانه مزبور است لذا تا وقت نماز نرسد بقصد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای اهل ایمان چون برای نماز برخیزید صورت و دستها را تا آرنج بشوئید وسر
وپا ها را تا بر آمدگی مسح کنید واگر جنب هستید غسل کنید چنانچه
بیمار یا مسافر باشید یا قضاء حاجتی بشما رخ داده و یا بازنان
مباشرت کرده اید و آب نیابید در اینصورت بخاك
پاك تیمم کنید و بآنخاك صورت ودستها را مسح
کنید خدا برشما در دین سختی قرارنداده
ولی میخواهد که شما پاکیزه شوید و
نعمت خود را تمام کند شاید
شکر گذار باشید (٦)

وجوب نمیشود وضوء گرفت ویاغسل نمود

چنانچه در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود همینکه وقت نمازداخل شد ، طهارت واجب میشود . و طهارت نیز بر دو نوع است یااصلی واختیاری که عبارت از وضو وغسل باشد وآنرا طهارت آبی نیز مینامند وباآنکه اضطراری وبدلی است و او عبارت از تیمم بدل ازوضو ویاغسل است که طهارت خاکی نیز گفته میشود

در کافی از زراره روایت کرده گفت حضور حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق عرض کردم موجبات وضوء چند چیز است ؟ فرمودند هرچه‌از دومخرج خارج شوداعم از بول وباغایط و یامنی وخون دیگر خوابی که عقل را از کار بیندازد

و نیز از زراره روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم شخصی وضوء داشته ولی برای لحظه‌ای خوابش برده آیا باید تجدید وضوکند؟ فرمود گاهی ممکن است چشم شخصی خواب رود ولی قلبش بیدار و گوشش شنوا باشد و در اینصورت احتیاج بوضو نیست و اگر چنان خواب مستولی شود که دیدگان خفته و دل وگوش شخصی هم ازکاربیفتد پس‌ازبیداری برای نمازواجب‌است وضو بگیرد مجدداًخدمتش عرض کردم اگر بطرف او چیزی حرکت دهند و ملتفت نشود آیا بخواب رفته است؟ فرمود باید یقین حاصل نماید که خوابش برده و هرگز شك یقین را زایل نگرداند و یقین دوم باعث برابطال یقین اول است

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وضو ـ وضو دارای چند رکن است

اول ـ نیت

دوم شستن صورت

سوم شستن دو دست

چهارم ـ مسح سر

پنجم ـ مسح پاها

شك و تردید نیست که نیت در عبادات واجب است چه انجام کارها طریق گوناگون داشته و تعیین طریقهٔ مخصوص وقتی میسر است که شخص بقصد انتخاب آن طریقه مبادرت نماید ،مثلا شخص ممکن است بدن و یا دست خود را داخل آب نماید ولی بمنظور پاکیزه نمودن و شستشوی مطلق بدن یا دست و یا آنکه بقصد خنك شدن و رفع حرارت جسم و زمانی بقصد غسل و یا وضوء و یا غیر اینها و تفکیك این اعمال از یکدیگر جز توجه به نیت عمل کننده معلوم نخواهد شد لذا کلیه کارهائی که بدست مردم عاقل انجام میشود اعم از عبادات و یا سایر اعمال و افعال ممکن نیست که فاقد هدف و نیت باشد روی این اصل کلی است که بعضی از بزرگان گفته‌اند که اگر خداوند ما را بعبادتی تکلیف بفرماید که بدون نیت باشد تکلیف مالایطاق و امر محال بوده پس عبادت از سایر امور فقط به نیت متمایز میشود و جز بوسیله قصد ،عبادت از کارهای مشابه آن امتیاز حاصل نمیکند،لذا نیت رکن عبادت محسوب میشود و شاهد بر این امر حدیثی است که از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در تهذیب روایت کرده فرمود :همانا عمل تحقق پذیر نمیشود مگر به نیت .و نیز از ابو حمزه شمالی روایت کرده گفت حضرت امام زین العابدین علیه السلام فرمود عملی انجام نمیشود جز آنکه نیت و قصد انجام آن عمل در نظر گرفته شده باشد و انسان مستحق پاداش عمل خود نمیشود مگر بهمان نیتی که در حین مبادرت عمل بجا آورده . واز این احادیث ظاهر میشود که مدار اعمال و کردار مردم چه از نظر پاداش و جزا و چه از حیث کیفر و عقاب منوط بنیت است زیرا اعمال شخص در حکم جسد و بدن است و نیت و قصد روح ،پس باید در عبادات نیت بطوری باشد که ثوابی بر آن مترتب بوده و یا از عقابی فاعل عمل را نجات بخشد و این عمل امکان پذیر نیست مگر آنکه خالصاً و مخلصاً برای

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خدا باشد چنانچه در قرآن میفرماید: **وما امروا الا لیعبدوا الله مخلصین له الدین** و میفرماید **واعبدوا الله مخلصین له الدین** بنابراین بدون شك اگر عبادت با ریاء همراه شود باطل بوده و مقبول واقع نخواهد شد ـ روزی حضرت صادق علیه السلام به عباد بصری فرمود: برتو باد که از ریا و خود نمائی دوری بجوئی چه اگر کسی عملی را برای غیر خدا بجا بیاورد خداوند آن عمل را به غیر واگذار فرموده و قبول ننماید (یعنی باید از غیر خدا پاداش آن عمل را بخواهد) و از بیشتر احادیث و آیات قرآنی چنین استنباط میشود که عمل توام با ریا شرك است چنانچه میفرماید **ولا یشرك بعبادة ربه احداً** یعنی در پرستش خداوند دیگری را شریك قرار ندهد و در بعضی اخبار است که حضرت صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرموده هر کس نماز را بطور ریا بجا آورد مشرك است و نیز آنحضرت فرمود هرگاه یکی از شما عبادت و عملی کند که غرض و نظرش آن باشد که مردم او را از انجام آن عبادت و کار ثواب ستایش و مدح کنند، از برای خدا شریك قرار داده و مشرك است.

۲ ـ شستن صورت باید بطوری انجام شود که از حیث طول از محل روئیدن موی سر تا چانه و از جهت عرض آن قسمتی که فرا گیرد بین انگشتان ابهام و وسطی از دست مردم مستوی الخلقه چنانچه در کافی از زراره روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام مقدار شستن صورت را که خداوند در وضو مقرر فرموده پرسیدم؟ فرمودند شستن صورت در وضو که نباید زیادتر و یا کمتر از آن باشد آنست که فرا گیرد آنرا انگشتان ابهام و وسطی و از محل روئیدن موی سر تا زنخ و هر چه خارج از اینمقدار است جزء صورت محسوب نمیشود

۳ ـ حد واجب شستن دودست آنست که از آرنج تا سر انگشت‌ها شسته شود و باید از مرفق بپائین شروع به شستن نمایند و برعکس آن جایز نیست چنانچه در کافی از هیثم بن عروة تمیمی روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام معنی آیه **فاغسلوا وجوهکم وایدیکم الی المرافق** را پرسیدم و دست خود را از نوك انگشتان تا آرنج شسته و عرض کردم آیا باین ترتیب صحیح است؟ فرمودند چنین نیست و این آیه این طور نازل شده **فاغسلوا وجوهکم وایدیکم من المرافق** و دست های مبارك خود را از مرفق تا سر انگشتان شسته و فرمود باین ترتیب باید شست

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

۴ـ واجبست پس از شستن دست‌ها مسح سر و باید برمقدم و جلوسر واقع شود چنانچه در کافی ازمحمدبن مسلم روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود مسح کن برمقدم سر خود.

و بسند دیگر از زراره روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود بارطوبت دست راست خود جلوی سررا مسح بکن.

و نیز گفت تکراراً عرض کردم حضورش بفرمائید بدانم از کجای آیه فهمیده میشود که‌درموقع وضو باید به‌بعض‌سرو پا مسح کرد؟آنحضرت تبسمی نموده وفرمود ای‌زراره پیغمبر فرمود وقرآن هم صریحاً دلالت دارد وقتی فرمود باید صورتهای خود را بشوئید دانستیم که‌مراد تمام صورت است، زیراآنرا مقید بقیدی نکرده بودسپس فرمود وایدیکم الی‌المرافق وصل‌فرموده‌دستهارابمرفق پس‌بایدازمرفق‌شست،بعدفرمود وامسحوبرؤسکم‌دانستیم باید‌ببعض‌سر باشد ازجهت آوردن کلمهٔ «باء» متصل‌کردپاها را بسردانستیم که‌باید قسمتی ازپاهارامسح نمودوتمام این‌احکام راپیغمبر اکرم‌برای مردم تفسیر فرموده ومردم آنهارا ضایع نمودند.سپس فرمود اگر آب نیافتید باید تیمم نمائید بصورت ودستها در اینجانیز لفظ باآورده تامعلوم شود به بعض صورت‌باید مسح شود وفرمود که خداوند برشما سخت نگرفته‌است،باز‌ازآنحضرت سئوال کردم کعب کجای پاست؟فرمود دراینجامراد مفصل است نه‌استخوان‌ساق

۵ ـ پنجم از واجبات وضو مسح پاها است‌ازسرانگشتان تاکعب‌پا نه‌شستن آنها چنانچه درتهذیب از غالب‌بن هذیل روایت کرده گفت‌ازحضرت باقر علیه السلام معنی آیهٔ وامسحوابرؤسکم‌وارجلکم را پرسیدم وعرض کردم که ارجلکم را به‌کسرلام باید خواند یابه نصب؟فرمودند به‌کسرقرائت می‌شود.

و نیزازبزنطی روایت کرده گفت ازحضرت رضا طریقهٔ‌مسح برپاها را پرسیدم؟ آنحضرت دست‌مبارك رابرانگشتان پانهادوتا مفصل قدم‌یعنی کعب‌پامسح نموده‌وفرمود اینطور باید‌مسح نمود،وترتیب را دروضو گرفتن‌باید رعایت‌نمودباین‌معنی که‌اول‌صورت را شسته بعد دست‌راست وپس‌ازآن دست‌چپ وآنگاه مسح سر وبمسح پاخاتمه‌دهند

چنانچه درکافی از زراره روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود دروضو از

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

دستور خداوند پیروی کنید و ابتدا نمائیدبه‌شستن صورت و دستها سپس مسح‌سر و پاها واجزاء آنرا بریکدیگر مقدم ندارید تاپرخلاف دستوررفتاری نشودو اگردستها را پیش ازصورت شستید بایدمجدداً مبادرت به شستن صورت نموده وبعداً دستها را بشوئیدوچنانچه پاهارا قبل‌از سرمسح کنید بایدبرگشته اول‌سررامسح نموده‌وسپس‌پاها رامسح‌نمائید .

ونیز بسنددیگر ازمحمدبن‌مسلم روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود مسح کن برپاها وپای‌راست‌رابرپای‌چپ مقدم بدار .

و موالات دروضوء شرط است یعنی‌افعال‌را بی‌درپی انجام‌دهند ،چنانچه در فقیه ازمعاویةبن‌عمار روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم مشغول وضو شدم ناگاه ظرف آب‌دیخت خادمه خودرا صدا زدم که آب بیاورد تاآب‌حاضر نمود قدری طول کشید صورت ودستم خشك شد ،فرمودند باید وضو رااز نوشروع نموده و تکرارکنی.

وبه نص آیه‌شریفه شستن سروپا بجای مسح کردن آنها جایز نیست.

در کافی از محمدبن مروان روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمودچه‌بسا مردی شصت یاهفتاد سال عمرنموده و نماز خوانده ولی‌خداوند نمازش را قبول‌ننماید! عرض‌کردم چطور چنین چیزی میشود ؟ فرمودند چونکه خلاف دستور عمل کرده و بجای مسح نمودن پای خود را شسته .

و بسند دیگر اززراره روایت کرده گفت‌حضرت صادق فرمودند ای‌زراره‌اگر وضو گرفتی ولی بجای مسح پا اقدام به‌شستن‌آن کردی‌وضونگرفته‌ای. و فرق‌شستن ومسح نمودن آنست که‌در شستن جریان آب برعضو شرط است ولی در مسح فقط کشیدن دست با رطوبت برعضو کافی است

احکام جنابت

قوله تعالی : وان کنتم جنباً فاطهروا

سبب جنابت دوچیز است :یکی مباشرت بازنان‌ودیگری خارج‌شدن‌منی است.

درکافی از محمدبن اسمعیل روایت‌کرده گفت خدمت حضرت رضا علیه السلام عرض کردم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

واذکروا نعمة الله علیکم ومیثاقه الذی واثقکم به اذ قلتم سمعنا واطعنا و
اتقوا الله ان الله علیم بذات الصدور (۷) یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله
شهداء بالقسط ولا یجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی
واتقوا الله ان الله خبیر بما تعملون (۸) وعد الله الذین آمنوا و عملوا
الصالحات لهم مغفرة واجر عظیم (۹) والذین کفروا وکذبوا بآیاتنا اولئک
اصحاب الجحیم (۱۰) یا ایها الذین آمنوا اذکروا نعمت الله علیکم اذ هم قوم ان
یبسطوا الیکم ایدیهم فکف ایدیهم عنکم واتقوا الله وعلی الله فلیتوکل المؤمنون (۱۱)

مردی با عیال خود در بستر شد و منزی نمود ولی از آن منی خارج نشده آیا بر آنان غسل واجب است فرمودند بلی در کلیه صورت مرد بازن موجب غسل میشود.

و نیز از حلبی روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم اگر شخصی با عیال خود بازی کند غسل بر او واجب میشود فرمودند اگر انزال نشده غسل بر او واجب است و خروج منی در اثر بازی با زن موجب غسل نمیشود مذی عبارت از آب رقیق لزج و شفافی است که پس از ملاعبه و بازی با زن خارج میشود و ودی آبی است که از شخص مریض خارج میشود و ودی بانزال آبی است که بعد از بول کردن خارج میشود.

چنانچه در فقیه از زراره روایت کرده اند که گفته است حضرت صادق علیه السلام فرمود هنگامیکه در حال نماز مذی و وضاء از شخص خارج شود نباید نماز را قطع کند زیرا آنها وضوء را باطل نمیکنند و در حکم آب بینی است و بر شخص جنب قبل از غسل چند چیز حرام است اول قرائت کردن سوره های عزایم (سوره اقراء و سوره والنجم و حم سجده و الم سجده.

دوم مس کردن قرآن یا اسماء خداوند و ائمه علیهم السلام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و یاد کنید نعمت خدا را که بشما عطا نموده وعهد او را که باشما محکم کرده آنگاه که گفتید امر تو را شنیدیم و اطاعت نمودیم از خدا بترسید همانا به نیات درونی شما داناست (۷) ای اهل ایمان در راه خدا ثابت قدم و شاهد با عدالت و درستی باشید و نباید دشمنی کنید بر قومیکه از اثر آن شما را از راه عدالت منحرف میسازد عدالت کنید که بتقوی نزدیکتر است از هر عملی و از خدا بترسید که خدا بهرچه کنید آگاهست (۸) وعده داده خدا آمرزش و پاداش بزرگ را بکسانیکه ایمان آورده و کار نیکو کرده‌اند (۹) و آنهائیکه کافر شده و آیات خدا را تکذیب کردند آنان اهل دوزخ خواهند بود (۱۰) ای اهل ایمان یاد آورید نعمت خدا را وقتی که میخواستند طایفه ای بر شما غلبه نموده ودست تعدی دراز کنند شر آنها را از سر شما کوتاه نمود و بترسید از خدا و باید مؤمنین باو توکل کنند (۱۱)

سوم نشستن درمساجد وعبور کردن از مسجدالحرام ومسجد پیغمبر اکرم ﷺ ودر حکم مساجد است، شاهد ائمه معصومین علیهم السلام

غسل بردو نوع است: ترتیبی و ارتماسی

ترتیبی آنست که نخست سروگردن را بشوید سپس طرف راست و بعد طرف چپ بدن را

در فقیه از زراره روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم که شخص جنب چگونه باید غسل نماید فرمود پس از پاکیزه نمودن بدن خود سه کف آب برسر بریزد بعد طرف راست و چپ را بشوید تا آب بتمام بدن جاری گردد کفایت خواهد نمود. و در روایت دیگر فرمود اول سرخود راشسته سپس سایر اعضاء خود را بشوید

غسل ارتماسی آنست که تمام بدن را یکمرتبه در آب فرو برد.

در کافی از حلبی روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود اگر شخص جنب یکدفعه در آب فرو رود کافی است. واز مضامین اخبار چنین برمیآید که غسل ترتیبی از ارتماسی افضل است و در ایام غیر رمضان ارتماس در آب رخصت و تسهیلی از

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ولقد اخذ الله میثاق بنی اسرائیل و بعثنا منهم اثنی عشر نقیباً وقال الله انی معکم لئن اقمتم الصلوة و آتیتم الزکوة و آمنتم برسلی و عزرتموهم و اقرضتم الله قرضاً حسناً لاکفرن عنکم سیئاتکم ولادخلنکم جنات تجری من تحتها الانهار فمن کفر بعد ذلک منکم فقد ضل سواء السبیل (۱۲) فبما نقضهم میثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسیة یحرفون الکلم عن مواضعه و نسوا حظاً مما ذکروا به و لا تزال تطلع علی خائنة منهم الا قلیلا منهم فاعف عنهم واصفح ان الله یحب المحسنین (۱۳)

جانب شارع مقدس است و البته در روزهای ماه رمضان غسل ارتماسی جایز نیست و هر گاه موجبات چندی برای غسل فراهم شود یک غسل کفایت کند از تمام آنها.

در کافی از زراره روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود اگر جنب باشی و روز جمعه هم باشد وقصد زیارت هم داشته باشی وتصادفاً آنروز هم روز عرفه باشد همینکه بعداز طلوع فجر غسل جنابت کنی برای تمام آن موارد کفایت خواهد کرد و همین حال دارد اگر زنی برای حیض و جنابت و جمعه واحرام فقط غسل جنابت کند کافی است برای تمام آنها.

- جبیره ۵ -

هر گاه یکی از مواضع وضو ویا قسمتی ازبدن در وقت غسل مجروح باشد باید شخص جبیره کند

عیاشی در تفسیرش از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم اعضاء شخصی شکسته و اورا بسته اند چگونه باید وضو بگیرد و یاغسل نماید؟ فرمود روی موضعی را که بسته اند مسح نموده و دست مرطوب می کشده و نیز

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خداوند از بنی اسرائیل عهد گرفت و دوازده بزرك میان آنها برگزید و بآنها فرمود من با شما هستم اگر نماز بپا داشته وزکوة داده و بفرستادگان من ایمان آورده و آنان را یاری کرده و بخدا وام دهید وام نیکو تاشمارا بیامرزم و داخل بهشت گردانم که زیر درختانش نهرها جاریست پس هر کس از شما بعد ازگرفتن عهد کافر شود همانا از راه راست دور افتاده (۱۲) و چون آنها عهد را شکستند و ما هم آنانرا لعنت کردیم و دلهایشان را سخت گردانیدیم کلمات خدا را از جای خود تغییر میدادند و فراموش کردند نصیب بزرك را که بآنها وعده داده همیشه بر خیانت کاری آنها مطلع میشوی جز اندکی پس از آنها درگذر و بدیهایشانرا ببخش همانا خدا نیکوکاران را دوست میدارد (۱۳)

گفتم اگر هوا سرد باشد و از استعمال آب بترسد چه باید بکند ؟ حضرت آیه ولاتقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیما را قرائت فرمود.

در کافی از عبدالاعلی روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم پاهایم لغزید و بسنك خورد ناخن آن شکست و کنده شد روی انگشت پا دوا گذارده ام در موقع وضو چگونه مسح کنم ؟ فرمودند این مسئله و نظائر آن را از قرآن بخوبی استنباط میشود خداوند میفرماید: در دین برای شما مشقت و رنج مقرر نشده روی پارچه و خرقهٔ که با انگشت پای خود بسته مسح نموده و دست بکش و احادیث باین مضامین زیاد است

احکام تیمم

قوله تعالی : وان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا ماء فتیمموا صعیدا طیبا

خداوند در این آیه شریفه میفرماید : ای اهل ایمان اگر بیمار یا مسافر هستید و یا با زنان مباشرت نموده و یا آنکه قضاء حاجت نموده و آب نیابید در اینصورت باید

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ
فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا
يَصْنَعُونَ(١٤)يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ
مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ (١٥)يَهْدِي
بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَ
يَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (١٦)

با خاك پاك تيمم كنيد و باآن خاك بعضى از صورت و دستهاى خود را مسح نمائيد خداوند نميخواهدشمادر زحمت ومشقت باشيدبلكه اراده فرموده است شمارا پاكيزه كند و نعمت خود را تمام نمايد.

عياشى از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده فرمود مراد از لمستم النساء مباشرت با زنان است و آنحضرت فرمود خداوند ساتر است و مستور بودن را دوست ميداردلذا مباشرت را بااين كلمه تعبير فرموده. و مجوز تيمم چند چيز است:

اول نبودن آب

در كافى از زراره روايت كرده گفت حضرت باقر عليه السلام فرمودوقتى كه مسافر آب پيدا ننمايد اگر وقت دارد جستجو ميكند تا آب بيابد واگر بترسد كه وقت بگذرد تيمم نموده ونمازرابجا بياورد.

و تيمم جايز نيست مگر بعداز جستجو كردن آب ومأيوس شدن از تحصيل آن و شاهد براين معنى قول خداست كه ميفرمايد: فان لم تجدوا ماء و مقدار تجسس را شارع مقدس بيان فرمود: در تهذيب وكافى از زراره روايت كردند گفت حضرت صادق عليه السلام فرمود بايد مسافر در زمين هموار بمقدار پرتاب دو تير جويای آب شود و

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بعضی از آنها که گفتند ما نصاری هستیم از آنان عهد گرفتیم ولی عهدیکه در انجیل بود
ازیاد بردهوه مخالفت نمودند ما نیز بکینه عملشان آتش جنك ودشمنی را تا روز قیامت
میان آنها برافروختیم و بزودی خداوند بآنچه میکند آگاه خواهد ساخت (۱۴) ای
اهل کتاب رسول ما آمد تا حقایق بسیاری از آنچه از کتاب تورات و انجیل را
پنهان داشته اید برای شما بیان کند وازبسیاری خطاهای شما در گذرد
همانا از جانب خدا برای شما نوری مانند امیرالمؤمنین و رسولی
وکتابی آشکار آمد(۱۵)راهنمائی میکند باوخداوند کسانی را
که پیروی از خوشنودی او کنند و براه سلامت خواهد
افتاد و بیرون میکند آنها را از تاریکی بروشنائی و
هدایت میکند ایشان را براه راست (۱۶)

در اراضی ناهموار بقدر یك تبر پرتاب کفی بوده وزیادتر از آن لازم نیست .

دوم ترس از استعمال آب خواه بترسد از آنکه باعث مرض بشود یا آنکه بر شدت بیماری ومرض بیفزاید زیرا در آیه شریفه تصریح فرموده **وان کنتم مرضی**

در تهذیب از احمدبن ابی نصر روایت کرده گفت ازحضرت رضا علیه السلام سئوال کردم شخص جنبی مریض است وبدنش زخم وجراحت دارد و ازسرما میترسد چه باید بکند؟ فرمود تیمم بدل از غسل بنماید و هرگاه آب داشته باشد ولی از عطش بترسد دراین صورت هم باید تیمم کند وآب را برای آشامیدن نگاه دارد .

در تهذیب ازحلبی روایت کرده گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم شخصی جنب است و مقداری آب دارد اما اگر باآن آب غسل کند تشنه میماند واز عطش وبی آبی میترسد آیا باید غسل نماید فرمود : خیر باید تیمم کند.واز این قبیل احادیث بسیار است .

وباید برزمین و برآنچه صدق زمین میکند تیمم نمود و برمعادن ویا خاکستر و آنچه اززمین روئیده میشود تیمم جایز نیست .

در کافی از ابن سنان روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود اگر شخص

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

لقد كفر الذين قالوا ان الله هو المسيح ابن مريم قل فمن يملك من الله شيئا ان
اراد ان يهلك المسيح ابن مريم وامه ومن في الارض جميعا ولله ملك السموات
والارض وما بينهما يخلق ما يشاء والله على كل شيء قدير (۱۷) وقالت اليهود
والنصارى نحن ابناء الله واحباؤه قل فلم يعذبكم بذنوبكم بل انتم بشر ممن خلق يغفر
لمن يشاء ويعذب من يشاء ولله ملك السموات والارض وما بينهما واليه المصير (۱۸)
يا اهل الكتاب قد جائكم رسولنا يبين لكم على فترة من الرسل ان تقولوا ما جاءنا
من بشير ولا نذير فقد جاءكم بشير و نذير و الله على كل شيء قدير (۱۹)

جنب آب نیابد باید مسح کند بزمین و تیمم نماز بجا آورد و فرمود خدای آب همان خدای زمین است پس هروقت آب بدست نیاورید بزمین تیمم کنید و هرگاه زمین گل باشد وخاك نیابد تیمم بغبار جایز است.

در کافی از ابی بصیر روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود اگر خاك نیابی و برلباس تو هم غباری نباشد که تکان دهی و بر آن تیمم نمائی پس بر گل تیمم کن که خداوند ازصاحبان عذر این عمل را میپذیرد. و احادیث بسیار باین مضمون میباشد.

اما کیفیت تیمم ـ واجب است کف دو دست را بزمین بزند و پیشانی خود رااز محل روئیدن موی سر تا طرف بینی مسح نماید سپس با کف دست چپ پشت دست راست وباکف دست راست پشت دست چپ را مسح کند.

در کافی اززراره روایت کرده گفت ازحضرت باقر علیه السلام تیمم راسئوال کردم فرمود عمار یا سر حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله عرض کرد جنب شدم و آب هم نداشتم تیمم کردم فرمود چطور تیمم نمودی عرض کرد لباسهایم را کنده و مانند الاغ خودم را بروی خاك غلطا نیدم فرمود ایعمار اینطور نیست سپس پیغمبر اکرم کف دستهای مبارك را

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

همانا کافر شدند کسانیکه گفتند خدا مسیح فرزند مریم است ای پیغمبر بگو چه قدرتی میتواند کسی را از قهر خدا نگهدارد واگر خدا بخواهد عیسی و مریم وهر که در روی زمین است همه را هلاك گرداند و آسمان زمین وهرچه مابین آنهاست همه ملك خداست و خدا برهرچیز توانائی دارد (۱۷) یهود ونصاری گفتند ما پسران ودوست خداهستیم ای پیغمبر بگو پس چرا شما را خداوند بگناهانتان عذاب میکند بلکه شما بشر ویکی از مخلوقات خداهستید هر کرا بخواهد بیامرزد وآنکه را خواسته باشد عذاب میکند واز برای خداست ملك آسمانها و زمین وآنچه بین آنهاست وبازگشت همه بسوی اوست (۱۸) ای اهل کتاب رسول ما آمد تا بیان کند احکام را برای شما درروزگاریکه پیغمبری نبود تا نگوئید رسولیکه بشارت بثواب وبیم بعقاب دهد برای ما نیامد تا هدایت یابیم پس آنرسول بشارت دهنده و ترساننده بسوی شما آمد وخدا برهرچیز توانائی دارد (۱۹)

بزمین گذاشت و برداشت مسح نمود میان پیشانی مبارك را تاطرف پائین ابرو و بعد یکدفعه دیگر کفها را بزمین گذاشت و برداشت و پشت دستهای خود را مسح نمود.

ونیز از زراره روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام سئوال کردم تیمم چگونه است؟ فرمودند برای وضو وغسل یکی است سپس دست های خود را بزمین زده بعد آنها را بهم زد و پیشانی خود رامسح نمود و پشت دستها را هم مسح کرد ویکمرتبه دیگر نیز بزمین زد ند و پشت دستها را مسح نمودند و فرمود اگرجنب باشی همینکه آب یافتی غسل کن و اگر جنب نباشی وضو بگیر.

در کافی از محمد بن مسلم روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود اگر آب بدست نیاوردی خواستی تیمم کنی تیمم را آخر وقت بکن چون ممکن است آب فراهم شود واگر نشد زمین از دست نمیرود.

و در قرب الاسناد از ابن بکیر روایت کرده که گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کردم شخصی جنب است وآب برای غسل نمییابد آیا تیمم بکند و نماز بخواند؟ فرمود خیر تا آخروقت صبر میکند اگر آب بدست نیامد زمین فوت نمیشود.

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

در کافی ازعلی‌بن سالم روایت کرده گفت‌حضورحضرت صادق علیه السلام عرض کردم که من باتیمم نماز خواندم وبعد آب بدست آمد وقت هم باقی است آیا نماز رااعاده کنم ؟ فرمودند لازم نیست خدای آب همان خدای خاك است .

درکافی از زراره روایت کرده گفت عرض کردم حضور حضرت باقر علیه السلام آیا شخصی میتواند بیك تیمم تمام نمازهای شبانه‌روز رابجاآورد؟فرمودبلی چنانچه‌حدثی از او سرنزده باشد وآب هم نیابد بایك تیمم بجا آورد .

در مجمع روایت کرده‌از ابی‌جارود گفت‌سئوال کردم از حضرت باقر علیه السلام معنی آیه «واذکروا نعمةالله علیکم و میثاقه الذی واثقکم به» فرمود مراد از میثاق‌چیزهائی استکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مردم در حجة الوداع بیان فرموده از تحریم محرمات وواجبات وچگونگی طهارت وواجب بودن ولایت امیرالمؤمنین‌و فرزندانش برمردم .

ودر روایت علی بن‌ابراهیم ازآنحضرت فرمود مراد بمیثاق که پیغمبر از مردم گرفت و محکم نمود اورا بر آنها ولایت امیرالمؤمنین است و مردم آنروز گفتند ما شنیدیم فرمایشات شما راو قبول داریم و اطاعت میکنیم سپس نقض کردند و شکستند آن عهد و میثاق را

علی‌بن ابراهیم ذیل آیه «وجعلنا قلوبهم قاسیة یحرفون الکلم عن مواضعه» از صادقین علیهما السلام روایت کرده فرمودند مراد آنستکه باز داشتند امیرالمؤمنین علیه السلام را از موضع خلافت ودلیل برآنکه مقصود از کلمه امیرالمؤمنین علیه السلام است قول خداوند میباشد که میفرماید «وجعلها کلمة باقیة فی‌عقبه» یعنی قرار دادیم امامة راکلمه باقیه در فرزندان آنحضرت .

در کافی از حضرت صادق ذیل آیه «ومن الذین قالوا انانصاری اخذنا میثاقهم روایت کرده فرمود از نصاری عهد گرفته شد که عیسی بنده خداست لکن او را خدا گرفتند وبابی ربیع شامی فرمود از بردگان سودانی خریداری نکن زیرا آنها داخل در این آیه میباشند وآیه را تلاوت فرمود .

و نیز روایت کرده از آنحضرت ذیل آیه« یا اهل الکتاب قدجائکم رسولنایبین لکم کثیراً مماکنتم تخفون »فرمود پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله بیان کرد برای یهود و نصاری

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

چیزهائی راکه آنهاپنهان میکردندازتورات چه‌ازاحکام یااخباریکه درظهور آنحضرت بود

در کافی ذیل آیه «قدجائکم من الله نور و کتاب مبین» ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد ازنور پیغمبر صلی الله علیه و آله وامیرالمؤمنین علیه السلام وائمه میباشند.

و نیز در آیه «یااهل الکتاب قدجائکم رسولنایبین لکم علی فترة من الرسل»

ازابی حمزه ثمالی روایت کرده گفت در خدمت حضرت باقر مشرف بحج شدم در انسالیکه هشام بن عبدالملك بحج رفته ونافع مولای عمربن خطاب همراه اوبود در رکن ومقام مردم اجتماع کرده بودند در اطراف حضرت باقر علیه السلام سئوال کرد نافع از هشام کیست این شخص که این قدرمردم باو احترام میکنند واطرافش راگرفته‌اندهشام گفت آن بزرگوار حضرت باقر علیه السلام امام اهل کوفه است نافع گفت الان میروم از او مسائلی سئوال میکنم که کسی نتواند جواب آنها را بدهد مگر پیغمبر یاوصی او هشام گفت برو سئوال کن شاید اورا خجل کنی نافع مردم را عقب زدو بحضور آنحضرت رسید گفت مسائلی دارم که بجز پیغمبر یاوصی او نتواند کسی پاسخ آنها را بدهد حضرت سرمبارك را بلند نمود فرمود سئوال کن هرچه دلت میخواهد، گفت خبر دهید مرا چه‌مقدار مدت فاصله بود میان حضرت عیسی وپیغمبرخاتم صلی الله علیه و آله فرمود مقصودم آنچیزاکه صحیح وحق است یا آنچه توعقیده‌داری؟ عرض کرد قول من وقول حق هردو را بفرمائید فرمود اما صحیح وحق پانصد سال فاصله بود ولی بقول تو شش‌صد سال نافع خجل و شرمنده برگشت بنزد هشام.

سعد بن عبدالله در بصائر الدرجات ازمحمدبن سلیمان دیلمی روایت کرده گفت سؤال کردم معنی آیه «اذجعل فیکم انبیاء وجعلکم ملوکا» راازحضرت صادق علیه السلام فرمود پیغمبران مانند رسول اکرم وابراهیم و اسمعیل باشند وملوك مراد ائمه آل محمد هستند عرض کردم بعضی ملك وسلطنتی بزرگ می‌باشد فرمود ملك بهشت ودوزخ ودرروایت دیگر فرمود مالك بهشت وملك رجعت.

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اِذْ قَالَ مُوسٰی لِقَوْمِهٖ یٰقَوْمِ اذْکُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَیْکُمْ اِذْ جَعَلَ فِیْکُمْ اَنْبِیَآءَ وَ جَعَلَکُمْ مُلُوْکًا وَ اٰتٰىکُمْ مَّا لَمْ یُؤْتِ اَحَدًا مِّنَ الْعٰلَمِیْنَ (۲۰) یٰقَوْمِ ادْخُلُوا الْاَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِیْ کَتَبَ اللّٰهُ لَکُمْ وَ لَا تَرْتَدُّوْا عَلٰۤی اَدْبَارِکُمْ فَتَنْقَلِبُوْا خٰسِرِیْنَ (۲۱) قَالُوْا یٰمُوْسٰۤی اِنَّ فِیْهَا قَوْمًا جَبَّارِیْنَ وَ اِنَّا لَنْ نَّدْخُلَهَا حَتّٰی یَخْرُجُوْا مِنْهَا فَاِنْ یَّخْرُجُوْا مِنْهَا فَاِنَّا دٰخِلُوْنَ (۲۲)

تکلیف یهودیان بورود بیت المقدس وامتناع آنها

قوله تعالی : یاقوم ادخلوا الارض المقدسة التی کتب الله لکم

تا آخر آیه که میفرماید «فلاتاس علی القوم الفاسقین» این آیه متمم آیه ۶۰ سوره بقره است که میفرماید «واذقلتم یاموسی لن نصبر علی طعام واحد» که شرح آن ازاینقرار است پس از غرق فرعون وفرعونیان بنی اسرائیل از آب نیل گذشته وبعد ازطی منازلی چند بوادی تیه رسیدند ودر اینمدت خداوند غذای روزانه آنقوم را ازمرغ بریان وترنجبین مقررفرموده ونازل میکرد روزی بنی اسرائیل بحضرت موسی عرض کردند ما نمیتوانیم بیك نوع غذا قناعت واکتفا کنیم ازخدا بخواه که برای ماازروئیدنی ها ونباتات مانند عدس وخیار وپیاز مرحمت نماید (شرح جریان ضمن تفسیر آیه مزبور بیان شده است) بموسی خطاب رسید اینك که قوم چنین تقاضائی دارند دستور بده که بشهرمقدس بروند وحکم خدا را اطاعت نمایند تازیانکار نباشند بنی اسرائیل جواب دادند در آن شهر مردم مقتدر وستمکار سکونت دارند ماهرگز بآن شهر نمیرویم تاآنکه آنها از آنجا بیرون بروند خطاب بموسی رسید که ازهر سبطی یکنفر انتخاب کن تا باراضی کنعان رفته و نعمتهای آنرا مشاهده نموده وقوم را باخبر سازند موسی از هرسبطی یکنفر را برگزید چنانچه میفرماید «و بعثنامنهم اثنی عشر نقیباً» از سبط بنیامین یوشع

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بیاد آور هنگامیکه موسی بقوم خود گفت ایقوم نعمت خدا را بخاطر آورید که
برشما ارزانی داشت ودرمیان شما پیغمبرانی بر گزید وپادشاهی داد وچیزهائی عطا
کرد که بمردمان زمان خودتان عطا نفرمود (۲۰) ایقوم بزمین
مقدسیکه خداوند برای شما معین نموده داخل شوید
و بحکم خدا پشت نکنید تازیانکار شوید (۲۱)
گفتند در آن زمین طایفه ستمکاران مقتدر
هستند تا آنها بیرون نروند ما هرگز
داخل نشویم وقتی رفتند ما
وارد میشویم (۲۲)

وصی وپسر خواهر خود واز سبط یهودا کالب بن یوفنا را انتخاب نموده وبایشان دستور داد از راه کوهستانی جنوب مرزشهر وارد شهر مقدس شده و تحقیق نمائید که مردمان آن شهر چگونه‌اند ومختصری هم ازمیوه انسرزمین برای قوم خود بیاورید آنان بر فرموده موسی حرکت نموده و باپیمودن مسافتی راه خودرا بارمش مقدس رسانده و نخست بشهر جیرون وارد شدند دیدند که عوج بن عناق فرمانروای آن شهر است و گروهی از فرزندان عناق در تحت سرپرستی عوج در آن شهر زندگی مینمایند واز باغها وبستانهای آنجا مقداری انگوروانارواانجیر باخودبرداشته واز کنار دریای اردن عبور کرده بسر منزل کنعانیان رسیدند واز وضع زندگی ومسکن آنها نیز کسب خبر نموده بسوی بنی اسرائیل مراجعت کردند یوشع وکالب باسایر نقیبان هم عهد شده و متفق گشتند که جز نیکوئی های زمین مقدس حرفی نزنند و شجاعت ونیرومندی بنی عناق را به بنی اسرائیل نگویند که بیمناك شده وازرفتن به بیت المقدس منصرف گردند بااین تصمیم وتعهد درکوه فاران شرفیاب خدمت موسی وهارون شده ویوشع وکالب از درختان سرسبز و آبهای گوارا و میوه‌های فراوان آنسرزمین توصیف بسزائی کرده ومیوه‌هائی را که آورده بودند تقدیم داشتند و بنی اسرائیل را برای رفتن بآن شهر مقدس تحریص وترغیب کردند لکن سایر نقباء عهد شکنی نموده و برخلاف یوشع وکالب از قدرت وشجاعت بنی عناق ومردم آنسامان بحث کرده وبه بنی اسرائیل گفتند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قال رجلان من الذين يخافون انعم الله عليهما ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبون و على الله فتوكلوا ان كنتم مؤمنين (۲۳) قالوا يا موسى انا لن ندخلها ابدا ما داموا فيها فاذهب انت و ربك فقاتلا انا ههنا قاعدون (۲۴) قال رب اني لا املك الا نفسي و اخي ففرق بيننا و بين القوم الفاسقين (۲۵) قال فانها محرمة عليهم اربعين سنة يتيهون في الارض فلا تأس على القوم الفاسقين (۲۶)

شما قادر برزم و کارزار با آن جماعت نیستید و هرچه یوشع و کالب خواستند ذهن مردم را روشن نموده و بی پا بودن بیانات آنها را ثابت کنند قبول نمی کردند چنانچه در آیه شریفه میفرماید .قال رجلان من الذين يخافون انعم الله عليهما ادخلوا عليهم الباب فاذا دخلتموه فانكم غالبون وعلى الله فتوكلوا ان كنتم مؤمنين (یوشع و کالب که مورد لطف خدا بودند بدنبی اسرائیل گفتند شما از این در که خدا فرموده در آئید همینکه داخل شدید شما بر آنها غالب خواهید شد) زیرا خداوند با استه آنها حقیقتی ندارند بنی اسرائیل توجهی باظهارات آنها ننموده وتصمیم گرفتند که یوشع و کالب راسنگسار کرده و برای خودسرداری انتخاب نموده وبمصر برگردند وبموسی گفتند تو بهمراهی پروردگارت باجباران قتال نمائید وما اینجا خواهیم بود موسی خشمگین شده گفت پروردگارا من جز برخود و برادرم بر کسی تسلط و فرمانروائی ندارم ترمیان ما و این قوم فاسق بدگار جدائی بیفکن بموسی وحی رسید اینک که با این همه معجزات و آیات این قوم نافرمانی نموده وایمان نیاورده اند همه را هلاک نموده وقومی دیگر بوجود میآورم موسی سخت متأثر شده بدرگاه خدا تضرع وزاری نموده عرض کرد پروردگارا تو با اراده ومشیت خود اینجماعت را از مصر بیرون آوردی واز اشراق نور حضرت شبها قوم را راهنمائی فرموده و روزها را در ظل ابر رحمت حفظ فرمودهٔ (اشاره بآنست که

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

دو نفر مرد خدا ترس که مورد نعمت و لطف خدا بودند به بنی‌اسرائیل گفتند از آن دریکه خدا امر فرموده چون وارد شوید بر آنها غالب خواهید شد و بخدا توکل کنید اگر ایمان دارید (۲۳) باز گفتند ایموسی هرگز ما داخل نشویم در زمین مقدس تاوقتیکه جباران در آنجا هستند، تو به همراهی پروردگارت برو و با آنها جنك کن ما هم در اینجا خواهیم نشست (۲۴) موسی گفت پروردگارا من جز برخود و برادرم فرمانروا نیستم خدایا میان ما و اینقوم فاسق جدائی افکن (۲۵) فرمود خداوند چون ایشان مخالفت امر مرا کردند ورود بر زمین مقدس را بر آنان حرام کردم و تا چهل سال بایستی در بیابان حیران و سر گردان بمانند پس تو ایموسی بر این طایفه فاسق متاسف مباش (۲۶)

وقتی بنی‌اسرائیل درحرکت بودند روزها همیشه قطعهٔ ابری برسر آنها سایه میافکند وشب‌ها چون مشعل نوری راهنما ودلیل آنقوم میشد ودر طول مسافرت‌ها بوسیلهٔ ابر ونورمشعل هدایت ورهبری میشدند (اگر این قوم رابکیفرخیره سری ونافرمانی هلاك گردانی قومی که بوجود آیند خواهند گفت اینان براثر نفرین موسی هلاك شده‌اند و تمنی دارم که گناه آنهارا بخشیده واز عقوبت و هلاکت آنها درگذری خطاب رسید « فانها محرمة علیهم اربعین سنة یتیهون فی الارض فلاتاس علی القوم الفاسقین» یعنی ای موسی من از آنها درگذشتم ولی چون گفتار ناروائی برزبان راندند ورود بزمین مقدس را بر آنها حرام کردم تاچهل سال دراین بیابان تیه سر گردان وحیران بمانند و تو برای خاطراین قوم فاسق متاسف نباش) غیراز یوشع و کالب که خبرخوش بقوم رسانیدند سایر نقیب‌ها که مردم رامرعوب نموده وخبرهای بد بمردم میدادند آناً هلاك شده واز آنجماعت جز نواده‌های آنها کسی واردبیت‌المقدس نشد وچون ده نفر نقیب هلاك شدند موسی به بنی‌اسرائیل گفت علت مرك این عده آن بود که بایمان خود شما را ازعزیمت به بیت المقدس ترسانیده واخبار موحش بشما دادند بنی‌اسرائیل گفتند ماحاضریم وهر کجا که خدا خواسته باشد خواهیم رفت موسی گفت چون قبلا مخالفت نموده و از رفتن ابا کردید اینك عزیمت شمامورد نداشته ومشمول عنایت ولطف خداوند نخواهید

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

شد و مغلوب دشمنان میشوید

بنی‌اسرائیل این‌مرتبه هم‌بفرموده موسی گوش‌نکرده‌وبسوی‌کوه حرکت کردند اتفاقا صندوق عهد نامه را که‌همیشه درمیان قوم بود باخود نبرده وموسی هم‌باایشان عزیمت ننمود وچون بنی‌اسرائیل برفراز کوهی که‌مسکن‌بنی عناق‌بود رسیدندنا گزیر باآنهاقتال کردند وجمع بسیاری از ایشان کشته‌شده وبازماندگان فرار نموده وخودرا بموسی رسانیدند موسی بآنها گفت من بشما گفتم که چون باامرخدا مخالفت کرده‌اید شکست‌خواهید خورد اینك بمانید تامن خودم بابنی‌عناق مصادف شده و آنها را از بین ببرم‌سپس موسی وهارون ویوشع و کالب روانه شده و نخست باعوج بن‌عناق تلاقی‌نموده وموسی عصایش را برساق‌پای عوج زده بیفتاد ودر دم جان‌بداد از آنطرف بنی‌اسرائیل غیبت موسی‌را مغتنم شمرده بسرپرستی یکی‌ازبزرگان خود برای‌مراجعت‌بمصرحرکت نمودند ازبامداد تاشامگاه‌راه پیمودندچون‌نیك‌ملاحظه کردندخودراهمانجائی‌یافتند که صبح کرده بودندتصمیم گرفتند بخدمت‌موسی شتافته‌وعذر بخواهند روزدوم‌نیز براه‌افتادند چون‌شب رسیددیدند درمکانی هستند که‌صبح‌راه‌افتاده‌بودندفهمیدندبنابمشیت‌پروردگار گرفتار آن بیابان شده و نمیتوانند خارج شوند بنابراین‌بانتظاربازگشت‌موسی‌بماندند چون موسی میان قوم بازآمد وخبر کشتن عوج را بآنهاداد بنی‌اسرائیل از موسی در خواست کردند که‌در میان آنها بماند واز خداوند بخواهد تاتوبه آنهارا قبول کند موسی گفت همانطور که قبلا گفته‌ام بکیفر نافرمانی واینکه گفتیدباخدای خودبرود جهاد کن باید مدت چهل سال در این بیابان تیه بمانید (تیه صحرائی است در میان فلسطین وایله واردن بمساحت شش فرسخ) و بنی‌اسرائیل مدت چهل سال بقصد رفتن بارض مقدس وفلسطین بابانك الرحیل‌الرحیل الوحا الوحا باروبنه را حرکت میدادند وبراه میافتادند وپس‌از راه‌پیمائی شبانه، صبح همانجائی بودندکه حرکت کردند یعنی خداوند بزمین امر میفرمود که میان آنها دور بزنند واین‌حال تامدت چهل سال باقی بود ودر اینمدت هارون در آن‌بیابان‌فوت‌نمود وموسی‌به‌بنی‌اسرائیل اطلاع داد که‌پس ازوی یوشع وصی اومیباشد وبامرخداوند مامور جهاد است باجابرین ویکسال پس از آن‌حضرت ، موسی‌نیز دارفانی را وداع نمود وبعداز سه‌ماه از رحلت موسی خداوند

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

یوشع امر نمود که بنی اسرائیل را ازوادی تیه کوچ داده و بسرزمین موعود وارض مقدس برساند، ازرود اردن عبور داده واراضی شامات و کنعان و بیت المقدس را بین آنها قسمت کند وباو وحی کرد من باتوهستم همچنانچه باموسی بودم از شریعت موسی منحرف نشده وبراهنمائی و هدایت قوم بپرداز، یوشع بزرگان بنی اسرائیل را بخواست ودستور داد تابه بنی اسرائیل اعلام نمایند درمدت سه روز مهیای سفرشوند تابیاری خداوند آنها را ازرود اردن عبور داده وبارض موعود برسانم همگی خودرا آماده اطاعت واجرای امر یوشع دانسته گفتند خدائی که باموسی بود باتوهم میباشد یوشع چون ازاتحاد و اتفاق قوم مطمئن گردید دوتن ازمردان شایسته و کاردان را بشهر اریحا فرستاد تااطلاعات لازمه درباره آنسامان کسب نموده وباز گردند، آندونفر ازخدمت یوشع مرخص شده وباریحا رفته برحسب اتفاق بخانه زنی بنام راحاب وارد و منزل نمودند ورود آندو را به پادشاه خبر داده و گفتند دونفراز بنی اسرائیل بجاسوسی وارد شهر شده ودر خانه راحاب منزل کرده اند شاه برای دستگیری آنها عده‌ای روانه نمود ولی راحاب قبل از ورود مأمورین آنها را در محل امنی پنهان ساخته همینکه مامورین آمدند و تحقیق در باره واردین نمودند اظهار داشت دونفر بمنزل من آمده وشبانگاه خارج شدندمن ندانستم ازکجا آمده وبکجا رفتند اما اگر شما بشتاب براثر آنها بروید دور نیست که آنها را بیابید ومامورین به تعقیب دو نفر مزبور از شهر خارج و به تجسس پرداختند راحاب چون خانه را ازمامورین خالی دید مهمانان خود را ازمخفی گاه بیرون آورده و گفت از روزی که بنی اسرائیل از مصر خارج شده و فرعونیان را غرق و عوج بن عناق را بقتل رسانیده‌اند خبر آنها در این شهر منتشر شده و مردم شهر از سطوت و قدرت بنی اسرائیل دچار وحشت و اضطراب گردیده و یارای مقاومت و پایداری در برابر کسی ندارند شما فوراً از خانهٔ من بیرون رفته و بر فراز این کوه در دخمه و غاری خود را پنهان کنید و پس از سه روز که مأمورین از دستگیری شما مأیوس و منصرف شدند بمرکز خود رهسپار شوید ولی باید با من عهد نموده و سوگند یاد کنید که هنگام غلبه و ورود باین شهر خانه من وکسانی که در این خانه پناه آورده اند از تعرض لشگریان مصون بوده ومال و جان من و بستگانم در امان باشند آنها گفتند چون

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

جان ما را حفظ نموده و احسان بزرگی در حق ما روا داشتی بجان منت پذیریم و مصونیت خانه‌ترا تعهد میکنیم و در تاریکی شب خانه راحاب را ترك گفته‌و بدستور او رفتار نموده‌وخودرا بیوشع رسانیده‌و جریان‌واقعه راحضورش‌عرضه داشتند یوشع پس ازاستماع بیانات فرستادگان دستورداد‌تا بنی اسرائیل حرکت نموده وکنار رود اردن فرود آیند و بنی‌لیوی‌راامر نمود صندوق عهدنامه‌را باخود حمل‌نموده‌و پیشاپیش قوم بروند ومقررداشت‌احدی‌ازصندوق‌پیشی نگرفته وبمقدار دوهزاردزراع عقب آن‌حرکت نمایند وصندوق را دلیل‌بگیرند همینکه بنی لیوی صندوق عهدرا کنار رودخانه اردن رسانیدند آب ازجریان بایستادوروی‌هم متراکم گشت و ازجانب دیگر بدریا سرازیر شده و رودخانه خشك شد یوشع دستور داد صندوق عهد را در وسط رودخانه نگاهدارند تا تمام بنی‌اسرائیل‌ازرودخانه بگذرند وچون آخرین فرد ازرود عبورنمود وصندوقرا آوردند آب بجریان عادی برگشت ویوشع دستور داد از هر سبطی یکنفر انتخاب نموده و هرکدام سنگی باخودبردارند تا بیادبود عبور بنی اسرائیل‌ازرودواردن در محلی موسوم به‌جلجال منارهٔ بسازند ودرهمین نقطه بود که بیوشع وحی‌شد تا افراد ذکوربنی‌اسرائیلراختنه کنندزیراکسانی که ختنه‌نشده‌بودنددروادی تیه‌مرده‌وازدنیارفته و فرزندانشان ازاین‌سنت غافل بودند و بهمین مناسبت آن محلرا به فلقا نام نهادسومین روزپس از گذشتن ازرود راعید گرفتندوپس‌ازبرگزارشدن مراسم‌عیدمن‌وسلوی (مرغ بریان‌وترنجبین) قطع گردید و بنی اسرائیل از آن تاریخ ببعد از حبوبات‌تغذیه‌نمودند ناگاه یوشع چشمش بکسی افتادکه باشمشیر برهنه بطرف‌وی میآید پرسید کیستی پاسخ داد من قائد فرشتگانی هستم که خداوند بکمك شما فرستاده یوشع ازمشاهده آنحال‌شادشد وسجدهٔ‌شکر بجا آورد و از فرشته پرسید چه بکنیم؟ فرشته گفت نعلین از پای‌در آورده ودراین سر زمین‌مقدس باخضوع و تذلیل بستایش خدا مشغول باش و ودستوربده بنی‌اسرائیل‌تاشش‌روزروزی‌سه مرتبه‌درشهراینجا بگردندوروزهفتم متفقاً به باروی شهرحمله نموده وباذن‌خداوند درهای‌قلعه‌باز وشهر فتح‌خواهد شد بنی‌اسرائیل بآن‌دستور عمل‌نموده‌وروزهفتم یورش‌وحمله‌عمومی بقلاع شهراریحاآغاز و درهای‌شهر گشوده شدوبنی اسرائیل فاتحانه داخل شهر گشته و جز خانه راحاب که بنا به‌تعهد آن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

دو نفر فرستادگان یوشع در امان بودند بقیه را مورد نهب وغارت قرار داده ساکنین شهررا بقتل رسانیده و خانهها را آتش زدند آنگاه خطاب شد به یوشع کـه به بنی اسرائیل بگو :

اسکنوا هذه القریة فکلوا منها حیث شئتم وقولوا حطة نغفرلکم خطایا کم و ادخلوا الباب سجدا یوشع به بنی اسرائیل ابلاغ کرد که‌ا ریحا حرم‌خداست هنگام گذشتن از دروازه‌برای‌تعظیم‌خمیده داخل شوید وباگفتن کلمه حطة ازخداوند برای آمرزش گناهان خود طلب مغفرت کنید مؤمنین قوم مطابق دستورعمل کردند و مترفین از روی‌سخریه‌واستهزاء کلمه حطةرابه حنطی‌سمقانا تبدیل‌میکردند که‌مفهومش گندم سرخ‌بودخداوند بر آن جمع غضب‌فرمود وطاعون‌را بـر ایشان مسلط ساخت و گروه بیشماری در معرض هلاک و نابودی قرارگرفتند یوشع وصلحای قوم‌بدرگاه‌خدا تضرع وزاری نموده وخداوند بلا راازمیان آنها برطرف کرد .

پس از اریحا شهرستان عی و بعد اریحا شام وعمان یکی پس از دیگری بتصرف بنی اسرائیل در آمد و یوشع اراضی مقدسه‌را بین بنی اسرائیل تقسیم کردوبدینطریق فرمان خداوندانجام پذیر گردید.

چندی بعد صفورا دختر شعیب عیال‌حضرت موسی به‌تحریك و اغوای‌منافقین‌بر علیه یوشع قیام‌وبا لشگری بیشمار بجنك با یوشع پرداخت یوشع لشگریان مزبور را مغلوب‌ومنکوب وصفورارا اسیر ودستگیر کرده باو فرمودباحترام همسری باپیغمبرخدا موسی از کیفرو مجازات تو صرفنظر نموده و امرترا بآنحضرت واگذار می‌نمایم تا روزقیامت بکیفر خود برسی . این قصه جمع آوری ومرتب شده‌از تفسیرعلی بن‌ابرهیم و مجمع واحادیث متعدد.

عیاشی‌ذیل آیه «یا قوم‌ادخلوا‌الارض‌المقدسة» ازعلی بن اسباط روایت کرده گفت حضور حضرت رضا علیه‌السلام عرض کردم‌اهل مصر خیال‌میکنند که زمین آنها زمین‌مقدسی است‌و هفتادهزار طایفه از آن‌سرزمین‌بدون‌حساب داخل بهشت‌میشوند؛فرمودابن‌طور نیست که آنها خیال کرده‌اند غضب نکرد خداوند بر بنی اسرائیل مگر آنکه آنها را داخل شهرمصر نمودوازایشان راضی نشد جز آنکه آنان را ازمصر خارج وبمنطقه

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ اِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ اَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْاٰخَرِ قَالَ لَاَقْتُلَنَّكَ قَالَ اِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَّقِيْنَ (۲۷) لَئِنْ بَسَطْتَ اِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِيْ مَا اَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ اِلَيْكَ لِاَقْتُلَكَ اِنِّيْ اَخَافُ اللّٰهَ رَبَّ الْعَالَمِيْنَ (۲۸) اِنِّيْ اُرِيْدُ اَنْ تَبُوْءَ بِاِثْمِيْ وَ اِثْمِكَ فَتَكُوْنَ مِنْ اَصْحٰبِ النَّارِ وَ ذٰلِكَ جَزٰؤُا الظّٰلِمِيْنَ (۲۹) فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ اَخِيْهِ فَقَتَلَهُ فَاَصْبَحَ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ (۳۰) فَبَعَثَ اللّٰهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْاَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِيْ سَوْاَةَ اَخِيْهِ قَالَ يٰوَيْلَتٰى اَعَجَزْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِثْلَ هٰذَا الْغُرَابِ فَاُوَارِيَ سَوْاَةَ اَخِيْ فَاَصْبَحَ مِنَ النّٰدِمِيْنَ (۳۱)

دیگری کوچ داد وخداوند وحی رسانید بموسی که جسد یوسف را ازمصر بیرون ببرد موسی راهنمائی برای پیدا کردن قبر یوسف خواست پیره زنی را نشان دادند آن پیره زن بموسی گفت نشان نمیدهم مگر آنکه از خداوند دو چیز برای من بخواهی یکی آنکه مرا جوان کند و دیگر آنکه با تو به بهشت بروم در نظر موسی درخواست پیره زن بزرك جلوه نمود خطاب رسید درخواستهای اورا انجام بده موسی انجام تقاضای اورا ازخداوند مسئلت نمود آنگاه بموسی گفت وقت طلوع ماه بیا تا بتو نشان بدهم و در موعد مقرر موسی رفت و جسد یوسف را که در تابوتی ازچینی قرار داشت از رود نیل بیرون آورد سپس آنحضرت فرمود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده آب وغذا درظروف سفالی مصر نخورید وسرخود را با گل آن نشوئید زیرا سبب ذلت و برطرف شدن غیرت میشود و نیز فرمود که قبر موسی را عزرائیل فرشته موکل برقبض ارواح حفر کرد که بصورت انسانی درآمده بود و بنی اسرائیل محل قبر اورا نمیدانند وازپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سئوال نمودند که قبر موسی کجاست؟ فرمود درطریق اعظم جنب کثیب احمر است وفرمود بین موسی وداود پانصد سال فاصله بود و بین داود وعیسی یکهزار و صدسال فاصله است.

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وبخوان بر آنها براستی قصه دوپسر آدم هابیل و قابیل راکه تقرب جستند بخدابوسیله قربانی، ازیکی قبول شد واز آندیگری پذیرفته نشد قابیل به برادرش گفت البته من ترا خواهم کشت، هابیل گفت مرا گناهی نیست همانا خداوند قربانی راازپرهیز کاران خواهم پذیرفت (۲۷) اگرتوبکشتن من دست درازکنی من هرگز بکشتن تو اقدام نخواهم کرد چه من ازخدای جهانیان میترسم (۲۸) من میخواهم گناه کشتن من و گناه مخالفت توهردو بتوباز گردد تا از اهل دوزخ شوی که اوجزای ستمکاران است (۲۹) پس هوای نفس اورا بکشتن برادرش وادار نمود تا او را بقتل رسانید و باینجهة از جمله زیانکاران گردید (۳۰) خداوند کلاغی را فرستاد تا زمین را بچنگال خود حفر کند و باو بنمایاند که چگونه بدن مرده برادررا در زیر خاک پنهان سازد قابیل گفت وای بر من که ناتوان تر از کلاغی هستم و نمیدانستم جسد برادر را زیر خاك پنهان نمایم پس برادر خود را بخاك سپرد و صبح کرد در حالیکه ازجمله پشیمان شدگان گردید (۳۱)

کیفیت کشته‌شدن هابیل بدست قابیل

قوله تعالی : واتل علیهم نبا ابنی آدم بالحق اذقربا قربانا فتقبل من احدهما ولم یتقبل من الاخرقال لاقتلنك قال انما یتقبل الله من المتقین تا آخر آیه که میفرماید فاصبح من النادمین :

عیاشی از زراره روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام عرضکردم مردم عقیده دارند که قابیل هابیل را بآن علت بقتل رسانید که آدم خواهر قابیل لوزا را که دختری زیبا بود به هابیل داد واقلیمارا که زشت بودبه قابیل تزویج نمود سپس تزویج خواهران بر برادران را خداوند حرام فرمود و باین سبب قابیل نسبت به برادرش هابیل کینه‌ورزی نمود و اورا بقتل رسانید .

حضرت صادق علیه السلام فرمود این عقیده نادرست وسخیف است که باکمال بی‌شرمی چنین نسبت ناروائی بحضرت آدم اولین پیغمبر وخلیفه خدا میدهند و حال آنکه ده‌هزار سال پیش ازخلقت آدم خداوند بقلم قدرت حوادث واموری که تا روز قیامت درعالم باید

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مِنْ اَجْلِ ذٰلِكَ كَتَبْنا عَلىٰ بَنِي اِسْرائيلَ اَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْساً بِغَيْرِ نَفْسٍ اَوْ فَسادٍ فِي الْاَرْضِ فَكَاَنَّما قَتَلَ النّاسَ جَميعاً وَ مَنْ اَحْياها فَكَاَنَّما اَحْيَا النّاسَ جَميعاً وَلَقَدْ جاءَتْهُمْ رُسُلُنا بِالْبَيِّناتِ ثُمَّ اِنَّ كَثيراً مِنْهُمْ بَعْدَ ذٰلِكَ فِي الْاَرْضِ لَمُسْرِفُونَ (۳۲)

جاری شود درلوح محفوظ نوشته و چیزهائی که حلال وحرام بوده‌اند معین فرموده و ازجمله محرمات تزویج برادر وخواهر وفرزند و مادر وسایرمحرمات نسبی است که حرام بوده و تا بقیامت حرام خواهد بودزراره‌میگوید مجدداً حضورش عرض کردم‌پس بچه علت قابیل هابیل را بقتل رسانید؟ فرمود خداوند بآدم وحی فرمودکه اختصاصات نبوت را به هابیل تسلیم نموده و اسم اعظم را باو تعلیم کن و اورا وصی خود قراربده قابیل چون خود را بزرگتروشایسته ترازبرادرش میدانست به هابیل حسد برد آدم بنا بفرمان خداوند بآن دوبرادر دستور دادکه قربانی در راه خدا بنمایند هرکدام مورد قبول واقع شده وصی وجانشین پدرگردند آنها نیزبرطبق دستور پدر قربانی خود را بربالای کوه گذاردندکه اتفاقاً آتش قربانی هابیل را بسوزانید وبا سوختن آن پذیرش قربانی هابیل در پیشگاه خداوند تائید گردید و قربانی قابیل مردود شد وبهمین سبب قابیل به هابیل حسد برد .

(درآن زمان سوخته شدن قربانی دلیل برپذیرش آن بود) هابیل به برادرش گفت من چه کنم که خداوند فقط قربانی متقیان و عبادات و اعمال پرهیزکاران را می پذیرد، قابیل بهابیل گفت من ترا البته خواهم کشت، هابیل جواب‌داد اگرتوبرای کشتن من دست برآوری من هرگزبکشتن تو دست دراز نخواهم کرد چه من از خداوند جهانیان میترسم پس از اینگفتگو ، نفس او را بکشتن برادرش تحریك نمود واورا با ضرب سنك از پا درآورد و بقتل رسانید ولی ندانست با جسد برادرش چه کند آنگاه دوکلاغ با یکدیگر بمنازعه‌پرداخته ویکی‌از آنها کشته شد آندیگری‌زمین را باچنگال

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بدین سبب بر بنی اسرائیل چنین حکم کردیم که هر کسی نفسی را بدون حق، وفساد کردن در روی زمین بکشد مانند آنستکه همه مردم را کشته و اگر کسی نفسی را حیات بخشد مثل آن بود که بهمه مردم زندگانی بخشیده همانا رسولان ما بسوی خلق با ادله و معجزات آمدند سپس بسیاری از مردم باز در روی زمین فساد و سرکشی کنند (۳۲)

و منقار خود گود نموده و جثه کلاغ کشته شده را در خاك پنهان نمود، قابیل با خود گفت وای برمن که ازاین کلاغ عاجزتر بودم فوراً جسد برادر خود را بخاك سپرد واز عمل خودسخت نادم وپشیمان گردید واز آنوقت دفن مردگان مرسوم ومعمول گردید

وقتی که قابیل نزد پدرش باز گشت و آدم هابیل را ندید باو گفت فرزندم را کجا رها کردی؟ قابیل گفت مگرمرا نگهبان اونموده بودی آدم گفت بیابا من تابمحلیکه قربانی کرده‌اید برویم و آدم از گفتار قابیل در قلبش احساس نگرانی نمود وهمینکه به محل قربانی رسیدند کشته شدن هابیل بر آدم اشکار شد ولعنت کرد زمینی راکه قبول کرده خون هابیل را و امر شد بآدم که قابیل را لعنت کند و قابیل صدائی از آسمان شنید که میگفت لعنت خدا برتوباد که برادرت را بقتل رسانیدی وبرای آنکه آدم زمین را لعنت کرده زمین خرن زا نمی آشامد پس آدم از قربانگاه برگشت و چهل شبانه روز برای فقدان هابیل گریه کرد وبسوی خداوند شکایت کرد، از جانب پروردگار وحی رسید که بجای هابیل فرزنددیگری بتو عطا میکنم سپس حوافرزندی پاك وپاکیزه ومبارك بیاورد و روز هفتم ولادت آن طفل، از خداوند وحی رسید بآدم که این فرزند موهبتی است از طرف ما برای تو و او را هبةالله نام گذار و آدم همان اسم را بآن فرزند گذاشت.

دراکمال الدین ابن بابویه‌از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده‌فرمود هنگامیکه‌قابیل دید قربانی او قبول نشد شیطان او را فریب داده و باو گفت آیا میدانی چرا قربانی برادرت قبول شده و قربانی تو مردود گردید؟ چون هابیل آتش را میپرستید قربانی

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

إِنَّمَا جَزَاؤُا الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاداً أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۳۳)

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۳۵)

او پذیرفته گردید قابیل بر اثر این بیان شیطان ، بنائی برای آتش بر پاکرده و آتش در آن افروخته و مشغول پرستش آتش گردید و گفت با پرستیدن آتش و مراقبت در این امر البته قربانی من نیز قبول خواهدشد و او اول کسی بود که آتش پرستشد .

محمد بن مسلم ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده گفت درمسجدالحرام نشسته بودم دیدم طاوس یمانی برای اصحابش حدیث میگفت تا رسید بجائی که بآنها گفت آیامیدانید در چه روز نصف مردم کشته شدند؟ حضرت باقر علیه السلام فرمود بگو چهار یك مردم گفت چگونه چهار یك بوده ؟ فرمود مردم روی زمین عبارت بودند از آدم وحواو هابیل وقابیل و همینکه هابیل کشته شد چهار یك جمعیت روی زمین کشته شده با خود گفتم فردا این مسئله رااز حضرت تحقیق خواهم نمود روز بعد خدمت حضرت باقر علیه السلام رفتم دیدم آنحضرت نزدیك درب منزل نشسته و منتظر غلام خود میباشد قبل از آنکه من سئوال خود را پرسش کنم آنحضرت سبقت نموده و فرمود در یکی از نقاط هند مردی است که رو بآفتاب مقید و بسته شده و باگردش آفتاب او را رو باطراف میگردانند و ده نفر همیشه موکل و مراقب او هستند که پیوسته او را برابر آفتاب نگاه دارند و اگر یکی ازآن ده نفر بمیرد اهل محل یکنفر دیگر را بجایش میگذارند و هیچوقت عده آن ده نفر کم نمیشود

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کیفر آنهائیکه با خدا ورسولش جنك می کنند ودرروی زمین فساد و اخلالگری
کنندآنستکه آنان رابقتل رسانند یابدار کشیده ویادست پایشان رابخلاف
یکدیگر جداسازند (یعنی دست راست وپای چپ) ویاتبعیدنموده از
دیارشان واین ذلت خواری دنیوی آنهاست ودر آخرت عذابی
بسیار بزرك خواهندداشت(۳) جز کسانیکه توبه کنند پیش
از کیفرشان ودستگیری وبدانیدخداوند بخشنده و
مهربانست(۳٤) ای اهل ایمان از خدا بترسیدو
طلب کنید وسیله تقرب باو را و جهاد
کنیددرراه خداتارستگار باشید(۳۵)

و آنهادر زمستان آب سردو در تابستان آب گرم بسر آن شخص مغلول ومقید میریزند و فرمود وقتی شخصی از آن محل عبور میکرد پرسیدای بنده خدا توکیستی که چنین معذب میباشی؟ او سر خود را بلند کرده و نگاهی نموده پاسخ داد که تو احمق ترین مردم یاعاقلترین آنها هستی من از ابتدای خلقت بشر اینجا و بدین حال هستم و تادنیا باقی است خواهم بود هنوز کسی غیر از تو از من نپرسیده که کیستم و آن جناب فرمود گمان دارند مردم که آنمرد قابیل است .

قوله تعالی : من اجل ذلك كتبنا على بني اسرائيل انه من قتل نفسا بغير نفس او فساد في الارض فكانما قتل الناس جميعاً تا آخر آیه

این آیه گرچه در ظاهر خطاب مخصوص است بطایفه بنی اسرائیل لکن درمعنی تمام مردم در اینحکم مساوی هستند و احیاء مردم بچند صورت تحقق پذیرد مانند نجات غریق یا سوخته شده یاکسیکه خانه برسرش خراب شده باشد یا آنکه متکفل مخارج بینوائی شود تا توانگر گردد یا مالی بمرد فقیر و پریشان عطا شود تا او بی نیاز شده وازفقر بیرون رود و بالاترین اینها هدایت و راهنمائی گمراهان است که براه تقوی ودیانت رهبری شده واز ضلالت خلاصی یابند چنانچه در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هرآنکه شخصی رااز گمراهی وضلالت بیرون آورده و براه هدایت وتقوی رهبری

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (٣٦) يُرِيدُونَ أَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ (٣٧) وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (٣٨) فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٣٩)

کند مانند آنستکه اورا زندگانی بخشیده‌و اگر ازراه هدایت بضلالت برساند مثل آنستکه اورا بقتل رسانیده‌و اینحدیث را درامالی نقل کرده . وبسند دیگر ازحمران روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت صادق علیه السلام چگونه کسیکه یکنفررا بکشد مثل آنستکه تمام مردم‌را بقتل رسانیده؟ فرمودعذابی باو کنند که اگر تمام‌مردم راکشته بودهمان‌عذاب کیفر اوبود و بمکانی ازدوزخ وارد کنند اوراچنانچه تمام‌مردم رابقتل رسانیده‌بوددرهمان جایگاه قراروماًوای‌اوبود، گفتم اگر یکنفر دیگررا بقتل برساند چطور است ؟ فرمودعذاب اوچند برابر می‌شود.

عیاشی از ابی‌بصیر روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت باقر علیه السلام معنی آیه را ؟ فرمود هرآنکس یکنفر را ازراه کفر بسوی ایمان رهبری کند گویا آنشخص را احیاء کرده .

طبرسی در آیهٔ « ثم ان کثیراً منهم بعدذلك فی الارض لمسرفون » از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده‌فرمود مسرفون کسانی‌هستند که محرمات‌راحلال‌میدانندودرروی زمین خونریزی می‌کنند .

قوله تعالی: انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا تاآخرآیه

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کسانیکه کافر شدند اگر دوبرابر آنچه ثروت درروی زمین است فدا آرند تا
بآن خودرا از عذاب روزقیامت برهانندهرگزازآنهاقبول نشودوبرای ایشان عذاب
دردناك خواهد بود (٣٦) میخواهنداز آتش دوزخ بیرون شوند و هرگز
خارج نخواهند شدواز برای آنها عذاب پایداری خواهد بود (٣٧)
دست مردوزن دزدرا جداسازید بکیفرعملشان که خدامقرر داشته
وخدابرهر کاری تواناو داناست بمصالح امور (٣٨) هرکس
بعدازستمیکه کرده توبه کندو کارخودرا اصلاح نماید
همانا خداوند توبه اورا پذیرفته و او بخشنده و
مهربانست (٣٩)

این آیه نازلشده در حق اشخاصیکه با پیغمبر عهد بسته بودند سپس آنعهدرا شکسته وفساددرروی زمین کردند :

در کافی ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود طایفه ای از بنی ضبه مریض شده بودند خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شده آنحضرت بآنها فرمود توقف کنید درمدینه زمانیکه بهبودی حاصل کردید روانه میکنم شمارا بمحل خودتان ، گفتند در بیرون مدینه توقف وسکونت می نمائیم پیغمبر دستورداد آنها را ببرند بمکانیکه شتران صدقه را در آنجا نگاهداری میکنند و از شیر شتران بایشان بدهند تا تندرست شوند هنگامیکه بهبودی یافتند و قوی شدند سه نفر از شتربانان را بقتل رسانیده و شتران را بغارت بردند خبر برسول اکرم دادند امیر المؤمنین علیه السلام رادرتعقیب آنها فرستاد آن حضرت آنانرا یافت در بیابانی نزدیك یمن متحیر شدند و توانائی نداشتند که فرار کنند گرفت ایشانرا وبحضور پیغمبر آورد این آیه نازلشد .لذا آنها رابقتل رساندندو اینحدیثرا در تهذیب نیز نقل نموده .

و نیز از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هرکس در مقام جدال با خدا و پیغمبراکرم برآید و مردمرا کشته و اموال آنها را بگیرد باید اورا کشت و کشته اش را بدار کشید، واگر کسی مردم رابکشد ولی درصددضبط اموال نباشد اورامیکشند ولی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

الم تعلم ان الله له ملك السموات و الارض يعذب من يشاء و يغفر لمن يشاء و الله على كل شيء قدير (۴۰) يا ايها الرسول لا يحزنك الذين يسارعون في الكفر من الذين قالوا آمنا بافواههم و لم تؤمن قلوبهم و من الذين هادوا سماعون للكذب سماعون لقوم آخرين لم يأتوك يحرفون الكلم من بعد مواضعه يقولون ان اوتيتم هذا فخذوه و ان لم تؤتوه فاحذروا و من يرد الله فتنته فلن تملك له من الله شيئاً اولئك الذين لم يرد الله ان يطهر قلوبهم لهم في الدنيا خزي و لهم في الاخرة عذاب عظيم (۴۱)

دار کشیده نمیشود وهر کس محارب باشد وفقط مال مردم را میبرد و کسیرا نمیکشد دست راست وپای چپ اوراقطع میکنند و اگر شخصی اخلالگر بوده و باعث وحشت مردم باشد اما نه مال کسیرا میبرد ونه آنکه قتل نفس میکند، باید اورا نفی بلدوتبعید نموده ازشهری بشهر دیگر وفرمود کسانیکه قبل از دسترسی بآنها توبه کنندوپشیمان شوند این احکام درمورد ایشان جاری نمیشود.

قوله تعالی: **یا ایها الذین آمنوا اتقوالله و ابتغوا الیه الوسیلة**

ابن شهر آشوب درمعنی آیه از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود آنحضرت وسیله من و فرزندانم میباشیم هرگاه شخصی از خداوند چیزی در خواست کند ما را واسطه و وسیله درخواست خود در درگاه ربوبی قرار دهد تا خداوند حاجات اورا بر آورد و انجام دهد و اینحدیث را صفاردربصائر الدرجات بسند خود از سلمان فارسی روایت کرده.

طبرسی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده فرمود ایمردم هرگاه چیزیرا ازخدا بخواهیدمرا واسطه ووسیله قراردهید حضور پروردگار، ووسیلهٔ درجه‌ای باشددربهشت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیاندانستی که ملك آسمان و زمین از برای‌خداست هرکرا بخواهدعذاب کند و از هرکه خواهد در گذرد و خدا بر هر چیز توانائی دارد (۴۰) ای پیغمبر غمگین مباش از گروهی که می شتابند بسوی‌کفر و بزبان اظهار ایمان کنند و بدل ایمان‌نیاورند و و نیز از یهودیانیکه جاسوسی و فتنه انگیزی نموده و به آن قومیکه از روی تکبر نزد تو نیامدند میرسانند، کلمات حقیکه تغییر دادند از محل خودش ومی‌گویند اگر حکم قرآن اینطور که ما میخواهیم از جانب خدا آورده‌شود بپذیرید وگرنه دوری کنید و هرکرا خداوند بآزمایش و رسوائی افکند هرگز تو اورا از قهر خدا نتوانی رهانید آنهاکسانی هستند که خدا نخواسته دلهایشان را از پلیدی کفر ونادانی پاك گرداند نصیب ایشان دردنیا ذلت وخواری و در آخرت عذاب بسیار بزرگی است که فراهم شده برای آنان (۴۱)

کسی نمیرسد باو جزمن که پیغمبر شما هستم . وبسند دیگر از اصبغ بن نباته روایت کرده گفت فرمود امیر المؤمنین علیه السلام در بهشت دو قبه از لؤلؤ باشد که منتهی میشود بعرش پروردگارو در هر یك از آن‌ها هفتادهزار غرفه باشد یکی سفید است ودیگری زرد رنك، سفید درجات و وسیله‌هائی است برای محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت اووزرد تعلق دارد بابراهیم و اهلبیتش .

عیاشی در آیه « یریدون ان یخرجوا من النار » از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود دشمنان امیر المؤمنین علیه السلام در آتش جاوید وهمیشه معذب خواهند بود وخداوند میفرماید «وماهم بخارجین» منها آن دشمنان هرگز بیرون نخواهند آمداز آتش جهنم .

حکم دزد و تحریك ابن ابی دواد معتصم عباسی را بقتل حضرت جواد (ع)

قوله تعالی: **و السارق و السارقة فاقطعوا ایدیهما**

در کافی روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که سئوال نمودند از آن حضرت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کیفیت تیمم را این آیه را تلاوت فرمود و آیه وضورا سبس فرمود مسح کن بر کفین خوداز محلی که بریده میشود .

درتهذیب روایت کرده بسندخوداز محمد بن مسلم گفت حضورحضرت صادق علیه السلام عرض کردم در چه مقداراز سرقت دست دزد را میبرند؟ فرمود درچهاریك دینار عرض نمودم درد ودرهم نیزمیبرند؟ فرمود درچهار یك دینارطلا هر چه قیمت آن باشد باز عرض کردم اگر کسی کمتر از چهاریك دینار سرقت کند باو دزد می گویند؟ و چنین شخص درنزد خدا دزد محسوب میشود یا خیر ؟ فرمود بلی اونزد خدا سارق است لکن دست سارق بریده نشود درکمترازچهاریك دینار و اگر بنابوه که درکمتر ازچهاریك بریده میشد همانا دست عموم مردم بایستی بریده شود .

عیاشی از صادقین علیهما السلام روایت کرده فرموده اند بریده نمیشود دست دزد تا آنکه دو مرتبه اقرار بدزدی نماید .

و نیز از امام زین العابدین علیه السلام روایت نموده فرموددست دزد بریده نمی شود مگر آنکه دیوار خانه‌ای را سوراخ کرده باشد یا قفلی رابشکند .

ونیز روایت کرده از صاحب و رفیق ابن ابی دواد زرقان گفت روزی ابن ابی دواد از نزدمعتصم عباسی بر می گشت در حالتی که بسیار غمناك ومحزون بود و گفت امروز آرزو میکردم که ایکاش من بیست سال قبل ازاین مرده بودم گفتم برای چه ؟ گفت از دست محمد بن علی بن موسی الرضا علیه السلام (یعنی حضرت جواد امام نهم روحی و ارواح العالمین له الفداه)امروزحضور امیر خلیفه معتصم عباسی بودیم دزدی را آوردند که بدزدی خود اعتراف نموده بود و خلیفه میخواست براو حد جاری نماید تمام علماء را در مجلس خود حاضر نموده و محمدبن علی الجواد علیه السلام نیز حضور داشت خلیفه سئوال نمود دست این دزد از کجا باید قطع شود؟ من گفتم باید ازمچ دست بریده شود بنا بفرموده خداوند که می‌فرماید : " و امسحوا بوجوهکم و ایدیکم " جمعی هم با من هم عقیده شدند عده گفتند باید ازمرفق برید برای آیه وضو که میفرماید "وایدیکم الی المرافق " خلیفه رو به محمد بن علی علیه السلام نموده گفت شمادر این مورد چه می‌فرمائید؟ فرمود این جماعت عقیده خودرا بیان داشتند مرا معذور بدار خلیفه اصرار کرد حضرت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فرمود مرا ازشرح این موضوع معاف نمائید، بیان این حکم برای من گران تمام خواهد شد خلیفه قبول نکرد و آن حضرترا بخدا واجدادش قسم داد، فرمود ای خلیفه الحال که مجبورم بیان کنم بدان که تمام اینها بخطا رفته اند ودر فتوای خود خطا کردند درشریعت اسلام ودستور پیغمبر آخر زمان باید قطع دست سارق از اصول مفصل انگشتان باشد و کف دست رارها نموده وبگذارند، خلیفه گفت دلیل براین معنی چیست؟ فرمود یکی قول پیغمبر است که فرموده سجده میکنند برهفت موضع یکی پیشانی ودو کف دست ودوزانو ودو انگشت پا اگر دست دزد ازمچ ویامرفق قطع شود برای او دستیکه درموقع سجده باید بکاررود باقی نمیماند وخداوند میفرماید «وان المساجد لله» یعنی این هفت عضو مختص خداوند است «فلاتدع مع الله احداً» کسیرا با خدا در این هفت موضع شریك قرار ندهید پس عضوی که بخدا اختصاص دارد بریده نمیشود معتصم بسیار تعجب نمود ازاین حکم و خوشوقت شد وامر کرد دست دزد را مطابق فرمودهٔ حضرت جواد علیه السلام از اصول مفصل انگشتان بریدند نه از مچ وصاحب ابن ابی دواد گفت گوئی قیامت برپاشد آرزو داشتم که زنده نمانم صاحب ابن ابی دواد گفت که نامبرده بمن گفت سه روز بعد از جلسهٔ مزبور حضور خلیفه معتصم رفته باو گفتم ایخلیفه عرضی دارم که واجب است عرض نمایم گرچه میدانم دراثر این نصیحت خودرا داخل آتش جهنم خواهم نمود، خلیفه گفت آن نصیحت چیست؟ باو گفتم ایخلیفه در مجلسی که کلیه علماء وفقهاء وبزرگان کشور جمع شده اند ودر مسئله دینی وامر دین مشورت نموده و احکامی از آنها سئوال مینمائید و آنها نظر خودرا در بارهٔ مسئله ای بیان نموده وحکم دهند و حکم علماء وفقهای حاضر در مجلس را حضار وحتی پرده گیان از پشت پرده بشنوند، آنگاه خلیفه رأی و حکم آنها را تماماً بخاطر جوانیکه عدهٔ قائل بامامت او هستند وعقیده دارند که خلافت حق آن جوان بوده و اورا اولی واحق بمقام خلافت بشناسند، رد نموده، وبفتوای آنجوان عمل کرده وقول تمام علماء و فقهاء را ناچیز و بی اعتبار جلوه دهد چه نتایج وخیمی بار میآورد و آیا خلیفه بدست خود بااین عمل سند باطل بودن خلافت خودرا ننوشته است؟ ابن ابی دواد لعنة الله علیه گفت همینکه این بیانات را خلیفه استماع نمود رنگش تغییر نموده ودانستکه من چه گفته ام وبمن گفت خدا جزای خیر بتو دهد که مرا نصیحت کرده و ازخواب غفلت بیدار نمودی. روز

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

سَمّاعُونَ لِلْكَذِبِ اكّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جاؤُكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ
وَ إِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئاً وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ
يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ(٤٢)وَ كَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَ عِنْدَهُمُ التَّوْراةُ فِيها حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ
يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذلِكَ وَ ما أُولئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ(٤٣) إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْراةَ فِيها هُدىً
وَ نُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هادُوا وَ الرَّبّانِيُّونَ وَ الْأَحْبارُ بِما
اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتابِ اللَّهِ وَ كانُوا عَلَيْهِ شُهَداءَ فَلا تَخْشَوُا النَّاسَ وَ اخْشَوْنِ
وَ لا تَشْتَرُوا بِآياتِي ثَمَناً قَلِيلاً وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولئِكَ هُمُ
الْكافِرُونَ(٤٤)

چهارم بیکی از منشیان و نویسندگان خوددستور داد که آنحضرترا بمنزلش دعوت کرده و اورامسموم سازد اجابت ننمود ، بدیگری تکلیف نمودو بحضرت گفت یکی از وزراء استدعادارد منزلشرا بقدوم مبارك تبرك فرمائی وحضرت ناچاربقبول گردید بخانهٔ شخص مزبور تشریف بردند طعام بسیار نیکوئی تهیه و سم بسیار مهلکی در آن ریخته بودند ، همینکه قدری از طعام مزبور را میل فرمود فوراً اسب سواری خویشرا طلبید میزبان ملعون اصرار کرد کمی دیگر تشریف داشته باشید حضرت جواد فرمود رفتن من از منزل تو برای تو بهتر است (کنایه از اینکه تو کار مرا تمام کردی اگر بیرون رفتم ممکن است بدروغ بمردم بگوئید که باجل خود از دنیا رفته است) و آنحضرت فقط آنروز وشبرا زنده مانده روز پنجم بعد از مجلس مزبور برحمت ایزدی پیوسته شهید شدند. وقضیه ابن ابی دواد و علمای امثال او هیچ جای تعجب نیست آنروزگار ابن ابی دواد یکنفر بود که برای خاطر یك حکم شرعی سبب شهادت آنحضرت شد در این زمان صدها چون ابن ابی دواد هستند که نمیگذارند همان احکام و اخبار واردهٔ از اهل

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آن جاسوسان درغگو خورندگان مال حرامند اگر بنزد تو آیند میان آنها داوری کن یاروی از آنان بگردان واگر روی از آنها گردانیدی هرگز بتو زیان نتوانند رسانید واگر حکم کردی میان ایشان بعدالت حکم کن خدا دوست میدارد آنانیرا که بعدالت حکم میکنند(۴۲) چگونه تورا حکم میکنند وحال آنکه تورات نزد آنهاست و در آن حکم خدا مذکوراست و از آن روی گردانیده اند وچنانچه پس از تورات حکم کنی باو راضی نشوند، وآنها بخدا ایمان نیاورده اند(۴۳) ما فرستادیم تورات را که در آن هدایت و روشنائی دلهاست تا پیغمبرانیکه تسلیم امر خداهستند بآن کتاب بر یهودیان حکم کنند و دانشمندانی که مأمور نگهبانی احکام کتاب خدا هستند بر صدق او گواهی دهند و نترسید از مردم واز من بترسید و آیات مرا ببهای اندك نفروشید وهر کس بخلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کسی از کافرانست (۴۴)

عصمت و منبع علم که با خون ائمه اطهار تمام شده بدست مردم مسلمان برسد و آنها اصولا معتقد بامامت ائمه نبودند ولی اینها در ظاهر مدعی هستند که مذهب امامیه دارند لکن دشمن اخبار و روایات وارده از معصومین میباشند آنها به خطبه ها و فرمایشات امیر المؤمنین علیه السلام شرحها نوشته و توضیح بیان میکنند و این دسته ازمدعیان خطب نهج البلاغه آنحضرت را آتش میزنند ویادر چاه میافکنند این است عملیات امثال ابن ابی دوادهای زمان و هم عصر ما.

قوله تعالی: یا ایها الرسول لایحزنك الذین یسارعون فی الکفر

علی بن ابرهیم از صادقین علیهما السلام روایت کرده فرمودند سبب نزول این آیه آن بود که در مدینه دو طایفهٔ یهودی از اولاد هارون نضیر و قریضه بودند که عدهٔ اولی هزار و دومی هفتصد نفر میشد جمیعت بنی نضیر سرمایه دارتر و حال ووضعشان بهتر ازمردم بنی قریضه و ازدوستان عبدالله بن ابی بشمار میرفتند ایندو طایفه با یکدیگر معاهده و پیمان بسته بودند که اگربین آنها قتلی واقع شود چنانچه قاتل از طایفه بنی نضیر باشد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

که یکی ازافراد بنی قریضه را بقتل رسانده ، قاتل راوارونه سوار شتر کرده وصورتش را گل مالیده ونصف دیه وخونبها را ببنی قریضه بدهد ،و اگر برعکس یکی از مردم بنی قریضه ازبنی نضیر بکشد قاتلرا بقتل رسانیده وتمام دیه رابیستگان مقتول بدهندومفهوم این قرار داد نوشته شده و بین آنها مبادله وهمانطور مورد عمل بود تا زمانیکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بمدینه هجرت فرمود و قبایل اوس وخزرج بدین اسلام داخل شدند و در نتیجه یهودیها ضعیف گردیده واتفاقاً یکی ازمردم بنی قریضه یکنفر از بنی نضیر راکشت بستگان مقتول یکنفررا بسوی آنها فرستادند تا مطالبه دیه نموده وقاتل راقصاص کنند بنی قریضه اعتراض نموده گفتند چنین حکمی در تورات نیست و قراریکه بین مابود از طرف شما بما تحمیل شده یا باید دیه بگیرید و یا بقصاص قاتل اکتفاء کنید و اگر باین امر راضی نیستید بمحمد صلی الله علیه و آله بین ما وشما حکم باشد و هرچه حکم نمایداجرا کنیم ،بنی نضیر نزد عبدالله بن ابی رفته و باو گفتند که بمحمد صلی الله علیه و آله بگو عهدی که فیما بین ما بسته شده نشکند ،عبدالله بآنها گفت شخصی رابفرستید گفته های من وفرمایشات پیغمبر رابشنودو هرچه حکم فرمود بشما برساند خواستید بآن عمل کنید واگر نخواستید نکنید،عبدالله حضور پیغمبر شرفیاب شدوموضوع قراردادواینکه بنی قریضه بواسطهٔ تشریف فرمائی شما قرارداد را تحمیلی دانسته ودرصدد نقض آن برآمده وشمارا بحکمیت قبول نموده اند عرض نمود ، و تقاضا کرد شما هم قرار داد آنها را نقض نفرمائید یعنی بر طبق همان پیمان حکم کنید ، زیرا بنی نضیر قوی هستند و بیم آنستکه بین آنها جنك درگیرد پیغمبر اکرم مغموم شدوجوابی بآنها نفرمودتاجبرئیل نازلشدو آیهٔ فوق راکه بیان حال آنها است آورد و عبدالله بن ابی بآنها گفت اگر به نفع شما حکم نکرد شما به آن حکم راضی نشوید .

یهودیان نخستین کسانی بودند که مجلس شورا تأسیس کردند .

قوله تعالی : و من الذین هادوا سماعون للکذب سماعون لقوم آخرین لم یأتوك یحرفون الکلم من بعد مواضعه

طبرسی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده سبب نزول این آیه آن بود که زن شوهرداری از اشراف یهود با مردی ازاشراف یهود زنا کرده و یهودیها میل نداشتند بر طبق حکم

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

تورات آنها را سنگسار کنند هردورا بمدینه اعزام‌داشته و به یهودیهای مدینه‌نوشتند که از پیغمبر اکرم مجازات آنها را سئوال کنند شاید که آنحضرت حکم سنگسار ندهند جمعی از محترمین یهود مدینه از جمله کعب بن الاشرف - کعب بن اسید و سمیة بن عمر و مالك و کنانة بن ابی الحقیق زن و مرد زنا کار را حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده و گفتند ای محمد صلی الله علیه و آله مجازات زنای محصنه چیست که درمورد این زن و مرد اجرا شود ؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود آیا بحکم من تمکین نموده وراضی میشوید؟ عرض کردند بلی جبرئیل نازلشد و دستور سنگسار نمودن آنها را داد پیغمبر فرمود باید آنهارا سنگسار نمائید قبول نکردند جبرئیل گفت بین خود ویهودیها ابن صوریارا حکم قراربده، پیغمبر فرمود آیا شماجوان سفیدروئی که ساکن فدك است و نامش عبدالله بن صوریا میباشدمیشناسید ؟ عرض کردندبلی فرمود چطور شخصی است؟ گفتند اوداناترین یهود در روی زمین است و بآنچه خداوند بحضرت موسی نازلکرده واقف است فرمود عقب او بفرستید تا بیاید، کسیرا فرستاده حضور پیغمبر شرفیاب شد باو فرمود ای ابن صوریا بر توگواه‌میگیرم خدائیرا که جز او خدائی نیست و اوست که تورات برموسی نازل نموده و دریا را برای‌شما شکافت و شمارا از غرق شدن نجات داده وفرعون و فرعونیانرا غرق وبوسیلهٔ ابر بر سرشماسایه‌افکندوبرای‌شمامرغ بریان‌وترنجبین نازل‌فرمود آیا درکتاب تورات برای مجازات زنای‌محصنه‌حکم سنگسارنمودن هست‌یا خیر؟ عرض کرد چرا وگفت اگر نمیترسیدم خداوند تورات اگر دروغ بگویم مرا بسوزاند البته اقرار نمیکردم و یا تغییر میدادم حکم تورات‌را و سئوال نمود ای محمد صلی الله علیه و آله خبر بده بمن ازحکمی که درقرآن برای‌اینموضوع مقرر شده؟ فرمودهرگاه چهار نفرمرد عادل باهم در یك‌مجلس‌شهادت بدهندبرزنای‌زن‌ومردی‌مانندداخل‌شدن‌میل‌درسرمه‌دان واجب است آن دورا سنگسار نمود، عرض کرد بخدا قسم در تورات هم بهمین ترتیب است پیغمبر به یهودیها فرمود پس شماچگونه رفتارمیکردید؟ گفتند هرگاه‌مزانی‌وزانیه از اشخاص ضعیف بودند آنهارا سنگسار مینمودیم وچنانچه ازاشراف بودند آنهارارها میکردیم از اینجهت زنابین‌اشراف زیادشدحتی پسرعموی‌پادشاه مازناکرد اوراسنگسار نکردیم مردی دیگرزنا کرد درباریان پادشاه خواستند اورا سنگسار کنند بستگان

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مردزناکار گفتند ما نمیگذاریم تاآنکه پسرعموی پادشاه را هم سنگسار کنید و بـر اثر آن گفتند پس بیائید جمع شده مجلسی تشکیل داده و بامشورت یکدیگر بجای احکام تورات که ازجانب خداست خودمان حکم تعیین نمائیم که برای فقراء واشراف قابل اجراء ویکسان باشد و حکم سنگساررا رها کنیم آمدند مجلس شوری تشکیل دادند و قرار گذاشتند که هرکس زناکند اول اورا چهل تازیانه بزنند بعد صورتشرا سیاه نموده وارونه سوار الاغ کرده بدور شهر بگردانند و در نتیجه بجای حکم خداوند قانون مورد تصویب مجلس شورای یهود مورد عمل قرار گرفت .

یهودیها بابن صوریا گفتند چقدر عجله وشتاب نمودی تا ضمیر خودرا آشکارو آنچه در دل پنهان داشتی بیان نمودی حقاً تو لایق حکمیت نبودی وبیجهت ترا انتخاب کردیم ما میخواستیم درغیاب تو حرفی بزنیم؟! ابن صوریا گفت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خدارا برمن گواه گرفت واگر اینکاررانمیکردهرگز حکم تورات رااظهار نمیکردم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هرشورائی درهرزمان تشکیل شود همه احکام خدارا درآن شورا تغییر وتبدیل دهند سپس دستورداد آن مردوزن یهودیرا بیرون مسجد سنگسار نمایند وفرمود من اول کسی هستم که حکم توراتراپس از آنکه بوسیلهٔ شما متروك واز بین رفته بوداجراء نمودم وخداوند این آیه را نازل فرمود **قل یا اهل الکتاب قد جائکم رسولنا یبین لکم کثیرا مما کنتم تخفون من الکتاب ویعفو عن کثیر** (یعنی ای یهودیان ونصاری آمد بسوی شما پیغمبر ما تابرای شما بیشتر از چیزهائی که از احکام تورات و انجیل پنهان میداشتید بیان کند) ابن صوریا حضور پیغمبر عرض کرد اینجا مقامی است که بخداوند و تـو ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم پناه آورده ام ازحضرتت درخواست می نمایم ازاحکام بسیاری که امرشده عفو کنید آنهارا بیان فرمائید؟ پیغمبر توجهی نفرمود بازدیگر ابن صوریا سئوال نمود که خواب شما چطوراست ؟ فرمود چشمانم بخواب میرود ولی قلبم بیدار است تصدیق نموده مجدداً عرض کرد بمن خبر بدهید که چطور میشود یکوقت فرزندشبیه پدروزمانی بمادرشباهت پیدا میکند ؟ پیغمبر اکرم فرمود آب هریك از مردوزن بردیگری سبقت بگیرد فرزند شباهت باو پیدا مینماید گفت راست میگوئی بفرمائید کدام یك ازاعضاء ازآب مرد وچه اعضائی از آب زن ایجاد میشود؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرق کرده وصورت مبارکش قرمز

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

شد جبرئیل نازل شد و پیغمبر بحالت اول بر گشت و فرمود گوشت وخون وناخن وموی از آب زن آفریده میشود واستخوان ورگ از آب مرد، ابن صوریا تصدیق نموده واسلام آورد آنگاه از حضرت پرسید که کدام یك از فرشتگان بر شما نازل میشود؟ فرمود جبرئیل گفت اورا برای من وصف بفرمائید؟ پیغمبر وصف جبرئیل را بیان فرمود ابن صوریا گفت شهادت میدهم که در کتاب تورات هم بهمین ترتیب که فرمودید توصیف شده وشهادت میدهم که تو پیغمبر برحق میباشی وچون ابن صوریا اسلام اختیار نمود یهودیها اورا دشنام دادند سپس عین روایت علی بن ابرهیم را درذیل این روایت، طبرسی بیان نموده است وجبرئیل نازل شد حکم رجم وقصاص را آورد.

در کافی ازحضرت صادق علیه السلام درمعنی «اکالون للسحت» روایت کرده فرمود سحت ثمن حیوان مرده و عوض شراب ومهر زنان زانیه و اجرت سحر وجادوگر است.

ودر روایت دیگر فرموده اگر صنعتگران شب تاصبح کار کنند اجرت آنها نیز حرام وسحت است (واین درصورتیستکه حق چشم را از خوابیدن اداء نکنند) وحضرت باقر علیه السلام گرد وبازی بچه‌ها را نهی فرموده و خوردن گردوئی که با آنها بازی نمایند حرام و سحت میباشد، و فرمود امارشوه گرفتن کفر است.

ابن بابویه ازامیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود هرگاه مردی حاجت برادر مؤمن خودرا بر آورد سپس هدیهٔ اورا قبول کند آن هدیه حرام وسحت باشد.

ونیز فرمود اجرت زنانیکه غنا میخوانند سحت وحرام است.

وعیاشی ازحضرت باقر علیه السلام درآیه **انا انزلنا التورية فيها هدى** ونور روایت کرده فرمود هدایت و نوری که خداوند در تورات نازل فرموده ما میباشیم.

ودر کافی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله درآیه « ومن لم یحکم بما انزل الله فاولئك هم الکافرون روایت کرده فرمود هرکس در دودرهم حکم کند برخلاف حکم خداوند از اهل این آیه است یعنی کافر میباشد.

و این روایت را عیاشی از حضرت صادق علیه السلام نقل نموده و شیخ نیز در تهذیب ذکر نموده.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ كَتَبْنا عَلَيْهِمْ فِيها أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَ الْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَ الْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَ السِّنَّ بِالسِّنِّ وَ الْجُرُوحَ قِصاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولئِكَ هُمُ الظّالِمُونَ (۴۵) وَ قَفَّيْنا عَلى آثارِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْراةِ وَ آتَيْناهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدىً وَ نُورٌ وَ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْراةِ وَ هُدىً وَ مَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ (۴۶) وَ لْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِما أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولئِكَ هُمُ الْفاسِقُونَ (۴۷)

حکم قصاص اعضاء

قوله تعالی: و کتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس والعین بالعین تا آخر آیه

مناسبت این آیه با آیات دیگر مشروحه قبل آنست که در آن آیات حکم زنا وقصاص راکه یهودیان تغییرداده بودند بیان فرموده ودر این آیه قصاص را بیان داشته ودر ضمن اشاره نموده که این احکام درتورات نیز نوشته شده ولی یهودیها تغییر وتبدیل داده اند چنانچه ابن صوریا درحضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض نموده ومادرجلداول این تفسیر ذیل آیه ۱۷۹ سوره بقره مشروحاً ذکر نمودیم که جنایات بردونوع است یانفسی یااعضائی وآن نیز یابصورت عمد بوده ویابراثراشتباه وخطاعارض شده، احکام قتل نفس درذیل آیه مزبور بیان گردیده امااحکام جنایت اعضائی که باصطلاح فقهاقصاص طرف گفته میشود اگر ناشی از خطاباشد باید بشخصی که مورد جنایت واقع شده دیه دادودیگر قصاص ندارد و چنانچه عمداً صورت گرفته البته باید قصاص شود مگر آنکه طرف بدریافت دیه راضی شود و از قصاص درگذرد و باید دانست که قصاص در جراحات

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و حکم کردیم در تورات بربنی اسرائیل که در قبال نفس نفسی، و بجای چشم چشمی، و در عوض بینی بینی، و گوش را بگوش، و دندانرا بدندان قصاص کنند، و برای هر زخمی هم قصاصی خواهد بود، وهر کس بجای قصاص بصدقه و دیه راضی شود نیکی کرده و کفاره گناه او خواهد بود، وهر که خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند او از ستمکاران خواهد بود (۴۵) پس از آن رسولان، عیسی فرزند مریم را فرستادیم و تصدیق توراتیکه درد ست بود مینمود وعطا کردیم باو انجیل را که در آن راهنمائی و پند بود برای اشخاص پرهیز کار (۴۶) و باید اهل انجیل بر آنچه خدا در آن فرستاده حکم کنند وهر کس بخلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند از جمله فاسقان خواهد بود (۴۷)

وارده بر زن و مرد مساوی است تا برسد بر ثلث دیه و همینکه بر ثلث دیه رسید دیه مرد دو برابر دیه زن میشود.

در کافی و تهذیب از حلبی روایت کرده‌اند که از حضرت صادق علیه السلام سئوال کردند که در قصاص اعضاء زن و مرد آیا دیهٔ آنها مساوی است؟ فرمود دندان مرد با دندان زن انگشت مرد با انگشت زن وزخم موضحهٔ مرد بازخم موضحهٔ بر زن دیه آنها مساوی است تابرسد بر ثلث دیه همینکه ازثلث دیه تجاوز کند دیه مردان دو برابر دیه زنان خواهد بود.

شارع مقدس برای جراحات و آسیب واردهٔ بر ۱۸ عضو دیه مقرر فرموده

اول ـ موی سر و ریش اگر بطوری قطع کنند که دیگر روئیده نشود باید دیه کامل بدهند و در حکم سر است موهای ابروان

دوم ـ چشم ها درهردو دیدگان یك دیه کامل ودر یك چشم نصف دیه است

سوم ـ بینی است که هرگاه تمام آنرا بریده باشند باید یك دیه کامل داده شود.

چهارم دو گوش است درهریك نصف ودرهردو دیه تمام است.

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

پنجم- دو لب است.

ششم - بریدن تمام زبان

هفتم - کشیدن و کندن تمام دندانها است که بیست و هشت دندان باشد و اگر یك یا چند دندان کنده شود بهمان نسبت باید دیه بدهند

هشتم - شکستن گردن است بطوریکه دیگر خوب نشود ویا راست نگردد

نهم - شکستن چانه است.

دهم - قطع کردن دودست.

یازدهم - جدا کردن دو پا است.

دوازدهم - انداختن و قلم کردن ده انگشت است چه ازدست وچه ازپاباشد.

سیزدهم بریدن دو پستانست.

چهاردهم- بریدن فرج زن است.

پانزدهم - بریدن آلت مرد است.

شانزدهم شکستن کمر است.

هفدهم -خرد کردن دو ران است.

هیجدهم - ضربت وارد آوردن بر نخاع است که از گردن تا کمر امتداد دارد و در تمام آنها باید دیه کامل بدهند و اگر جراحات تمام نبوده و آسیب وارده کم و مختصر باشد بجای دیه ارش میدهند یعنی اعضاء و یا عضو آسیب دیده را قبل از وقوع جنایت قیمت میکنند و پس از حدوث جنایت و معیوب شدن نیز قیمت گذارده و تفاوت عضو صحیح و ناقص را می پردازند و در این حالت قانون کلی در دست نیست و نسبت باشخاص و نوع جراحات وارده حکم فرق میکند و مدارك این بیانات علاوه بر استنباط عمومی از مفاد آیه شریفه احادیث معتبره است که از نظر تبرك و تیمن چند حدیث ذکر میشود.

در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود حضرت امیرالمؤمنین حکم کرد در بارهٔ مردی که فرج زنی را بریده بود که یك دیهٔ کامل بآن زن بدهد و فرمود اگر نداد زن اختیار دارد که نصف دیه بمرد بدهد و آلت او را بعنوان قصاص جداسازد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و نیز از ابن جریش روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام بابن عباس فرمود آیادر حکم خدا اختلافی است؟ عرض کرد خیر فرمود پس چرا برخلاف حکم میکنی و در بارهٔ شخصی که انگشتانش را یکی قطع کرده و کف دستش را دیگری میگوئی باید شخص دوم دیه بدهد و با اولی صلح کند آیا خداوند از احکام مورد احتیاج مردم حکمی را فروگذار کرده؟ ای ابن عباس حکم خدا آنست ازکسی که انگشتان راقطع کرده دیه بگیرند و بدومی بدهند و دست اورا بعنوان قصاص جدا کنند

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودمردی‌راکه بر اثر ضربات وارده چشمانش نابینا وآب سیاه آورده بود نزد عمر آوردند، جانی میگفت دیه میدهم واز قصاص صرفنظر کنید و مرد نابینا قبول نمیکرد و اصرار بر قصاص داشت عمر گفت آنهارا حضور امیرالمؤمنین علیه السلام ببرند حضرت ابتدا بآن مرد فرمود دیه بگیر و از قصاص بگذر عرض کرد راضی بدیه نیستم حضرت دستور داد قدری پنبه را در آب خیسانیده و در اطراف دیدگان جانی گذارده و آئینه ای را برابر نور خورشید نگاه داشته و جانی را وادارکنند تا در آئینه آنقدر نگاه کند تا پیه چشمانش آب شده و چیزی را نبیند.

درتهذیب ازحبیب روایت کرده گفت از حضرت‌صادق علیه السلام سئوال کردم اگرکسی دست راست دونفر را قطع کند حکمش چیست؟ فرمود دست راستش را بعنوان‌قصاص اولی ودست‌چپ‌او رابرای‌دومی قطع‌میکنند،حضورش‌عرض کردم‌میگویندامیرالمؤمنین دراین قبیل موارد دستور میفرمود دست راست و پای چپ را قطع کنند!! فرمود این عمل‌در حکم خداست نه در حقوق مردم و باید در حق افراد بر یکدیگر دست بجای دست و پا برای پا قصاص شودمگر آنکه جانی فقط یك دست داشته باشد عرض کردم بر چنین شخصی دیهٔ واجب نشده؟ فرمود دیه در جائی است که جانی دست‌و پا نداشته باشد که از او قصاص کنند.

درکافی از ابوبصیرروایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال کردم شخصی دندان و یا بازوی دیگری را شکست باید او را قصاص کنند و یا آنکه دیه بگیرند؟ فرمود باید قصاص شود مگر آنکه مضروب راضی بدریافت دیه شود عرض کردم اگر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ انْزَلْنا اِلَيْكَ الْكِتابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقاً لِما بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتابِ وَ مُهَيْمِناً عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِما اَنْزَلَ اللّٰهُ وَ لا تَتَّبِعْ اَهْوائَهُمْ عَمّا جاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهاجاً وَ لَوْ شاءَ اللّٰهُ لَجَعَلَكُمْ اُمَّةً واحِدَةً وَلٰكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي ما آتاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْراتِ اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِما كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۴۸) وَ اَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِما اَنْزَلَ اللّٰهُ وَ لا تَتَّبِعْ اَهْوائَهُمْ وَ احْذَرْهُمْ اَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ ما اَنْزَلَ اللّٰهُ اِلَيْكَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ اَنَّما يُرِيدُ اللّٰهُ اَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَ اِنَّ كَثِيراً مِنَ النّاسِ لَفاسِقُونَ (۴۹)

جانی حاضر شود بیشتر از دیهٔ غرامت بدهد؟ فرمود جایز است

و از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود امیر المؤمنین علیه السلام حکم کرد در بارهٔ کسی که مردی را که یك چشم داشت قصاص کنند یا یك چشمش را کور نموده و و نصف دیه بگیرند و یا آنکه دیه کامل گرفته و از قصاص بگذرد وفرمودند آن کسی که یك چشم داشت بمنزله کسی بوده که با دوچشم نظر میکند

در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود شخصی گوش یکی را برید معالجه کرد بهبودی یافت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود مرتکب را قصاص کنند، زیرا قصاص برای آن عیبی است که اثر آن باقیمانده

در کافی از ابو مریم روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال کردم دو نفر مشترکا دست یکی را بریده اند حکم آنها چیست ؟ فرمود مختار است در آنکه دست یکی از آنها را جداکند و آن دیگری ربع دیه باولی بدهد یا آنکه نصف دیه بآنها بپردازد و دستهای هردورا بعنوان قصاص قطع کند

و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام درشکستن استخوانی که خوب میشد قصاص نمیفرمود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact: jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و ما این قرآن را بحق برتو فرستادیم در حالتیکه تصدیق کنندهٔ کتبی است که پیش از این نازل شده‌است و برآنها گواهی دهد پس حکم کن میان آنها بآنچه خدا فرستاده و پیروی نکن ازخواهشهای آنان تابازدارندتورا ازآنچه ازطرف‌خدا برتو نازل شده وما برای هرملتی راه وطریقی مقرر داشتیم واگر خدا میخواست همه‌را یك امة قرار میداد ولی‌خواسته‌است شمارا بانچه‌در کتاب فرستاده آزمایش کند پس بکارهای نیك پیشی گیرید که بازگشت همه شما بسوی خداست و در آنچه اختلاف بنمائید شما را آگاه خواهد ساخت (٤٨)

ای پیغمبر حکم کن میان آنها بآنچه خدا برتو فرستاده و پیرو خواهشهای آنان مباش و دوری جو که مبادا ترا فریب دهند دربعضی احکام که خدا برای تو فرستاده واگر از حکم خدا روی گردانند نگران مباش وبدان که‌خدا میخواهد ایشانرا بعقوبت بعضی گناهان گرفتار سازد همانا بسیاری از مردم فاسق‌خواهند بود (٤٩)

در کافی از ابن مسکان روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود دیه جنین پنج نوع است

هرگاه‌جنین نطفه بود و آنرا فاسد کرد (خواه‌مادر نطفه را ازبین ببردیادیگری) بیست دینار و اگر بصورت علقه (خون بسته) باشد چهل دینار و چنانچه مضغه شده باشد (گوشت بسته) شصت دینار و در صورتی که استخوان جنین درست شده باشد هشتاد دینار وهمینکه جنین بمرحلهٔ کمال رسیده و روح در آن دمیده شده باشد اگر جنین ذکور است هزار دینار و چنانچه دختر باشد پانصد دینار و اگر زن باردار را بکشند و معلوم نشود حمل او پسر بوده یا دختر علاوه بردیه خود آن زن باید نصف دیه پسر و نصف دیه دختر که هفتصدو پنجاه دینار باشد از قاتل بگیرند و این در صورتی است که قتل غیر عمدی بوده و بخطا مرتکب شده باشد

عیاشی در آیه‌و من لم یحکم بما انزل الله فاولئك هم الفاسقون روایت کرده از ابی جمیله و او از حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام که فرمودند خداوند خمس را برای آل محمد واجب و مقرر فرمود ابوبکر از نظر دشمنی و حسد امتناع نمود که‌خمس را بآل محمد بدهد و خداوند در این آیه میفرماید وهر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْماً لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ (۵۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ

وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۱) فَتَرَى الَّذِينَ

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ

يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسَرُّوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ (۵۲)

وَ يَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ

حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ (۵۳)

کس حکم نکند بآنچه خداوند نازل فرموده او فاسق است و ابوبکر اول کسی بود که خمس را از آل محمد صلی الله علیه و آله منع نموده و حق ایشان را ازبین برد و بآنها ظلم کرد و چون درگذشت عمر بدون رضای آل محمد صلی الله علیه و آله بجای ابوبکر نشست و مانند او عمل نمود و خمس آل محمد صلی الله علیه و آله را نداد.

روایت کرده در کافی از حضرت باقر علیه السلام در آیه افحکم الجاهلیة یبغون تا آخر آیه فرمود حکم بردونوع است یکی حکم خداونداست ویکی هم حکم زمان جاهلیت میباشد و این آیه را تلاوت نمود سپس فرمود آگاه باشید که زیدبن ثابت درفرایض ارث برطبق احکام دورهٔ جاهلیت حکم وفتوی داده است. و این روایت را عیاشی نیز ذکر نموده است

قوله تعالی: **یا ایهاالذین آمنوا لا تتخذوا الیهود والنصاری اولیاء** تا آخر آیه در آیات گذشته بیان نمودحالات یهود و نصاری را در این آیه دستورمیدهد بمسلمین که باید قطع مراوده ودوستی باآنها بنمایند و از آنان بیزاری جویند. طبرسی روایت کرده از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله گفتند سبب نزول این آیه آن بود وقتی در احدجنگ

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیا آنها طلب میکنند حکم زمان جاهلیت را ؟ وکدام حکم برای اهل یقین از حکم خداوند بهتر خواهد بود؟! (۵۰) ای اهل ایمان یهود و نصاری را دوست خود نگیرید بعضی از آنان دوستدار بعضی دیگرند و هرکه با آنها دوستی کند بحقیقت از ایشان خواهد بود همانا خداوند راهنمای ستمکاران نخواهد بود (۵۱) مشاهده میکنی آنهائیکه در دلهایشان بیماریست در راه دوستی باآنان میشتابند و میگویند میترسیم از ایشان بما آسیبی برسد امید است که خدا برای مسلمین فتح و پیروزی پیش آورد یا امری از طرف خود ظاهر سازد که سبب شوکت و عزت مسلمانان گردیده صبح کنند در حالتیکه از آنچه در دل پنهان داشته بودند پشیمان شوند (۵۲) و اهل ایمان میگویند آیا اینها هستند که با جدیت بسیار بخدا سوگند یاد میکردند که ما از شما هستیم اکنون چگونه ریاکاری آنها پدیدار شد واعمالشان باطل گردید پس صبح نمودند درحالتیکه زیانکار بودند (۵۳)

سخت و دشوار شد برمسلمانان بعضی از آنان گفتند ما میرویم بطرف یهود و از آنها امان میخواهیم طایفه دیگر گفتند میرویم بجانب شام و از نصاری امان می طلبیم خداوند این آیه را نازل کرد در بارهٔ آنها ولی حکم آن عمومیت دارد نسبت بتمام مسلمانان تا روز قیامت

عیاشی ذیل همین آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هرکس دوست بدارد آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و مقدم بدارد ایشان را بر تمام مردم روی زمین برای خاطر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس آن شخص با آل محمد میباشد و بمنزله آنهاست نه عین آنان و اینطور است حکم خداوند در قرآن که میفرماید « و من یتولهم منکم فانه منهم » هر آنکه از شما دوست بدارد آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بمنزله آنها است و این فرمایش نظیر قول حضرت ابراهیم است که خداوند از او حکایت میکند گفت ابراهیم «فمن تبعنی فانه منی » هرکه از من پیروی کند او بمنزله اهل من میباشد

و نیز در آیه «اهؤلاء الذین اقسموا بالله» از ابی بصیر روایت کرده گفت فرمود حضرت باقر علیه السلام حکم بن عیینه وسلمه و ابا مقدام گمراه کردند بیشتر ازکسانی راکه گمراه شده‌اند وآنها درمصداق این آیه داخل هستند و من الناس من یقول آمنا

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

يا ايها الذين آمنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين يجاهدون في سبيل الله و لا يخافون لومة لائم ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم(٥٤) انما وليكم الله و رسوله و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلوة و يؤتون الزكوة و هم راكعون (٥٥) و من يتول الله و رسوله و الذين آمنوا فان حزب الله هم الغالبون (٥٦) يا ايها الذين آمنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا دينكم هزوا و لعبا من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم و الكفار اولياء و اتقوا الله ان كنتم مؤمنين (٥٧)

بالله و باليوم الاخر و ماهم بمؤمنين ونيز داخل اين آيه ميباشند «واقسموا بالله» تا آخر آيه و آيه «فترى الذين في قلوبهم مرض» واين آيه درحق عبدالله بن ابى نازل شده كه به پيغمبر اكرم عرض كرد قرار داد بني نضير را نقض نكن ميترسم جنك درگيرد

طبرسي از حضرت باقر عليه السلام و حضرت صادق عليه السلام روايت كرده فرمودند آيه من يرتدمنكم عن دينه فسوف يأتي الله بقوم يحبهم و يحبونه دربارهٔ اميرالمؤمنين و اصحاب باوفايش كه در جنك بصره در ركاب آنحضرت جهاد ميكردند نازل شده و اين آيه خطاب به اصحاب پيغمبر است آنهائيكه غصب نمودند حقوق آل محمد را و از دين اسلام خارج شدند بزودى اصحاب حضرت حجة عليه السلام بيايند و با آنها جهاد كنند و از هيچ چيز ترس و واهمه ندارند

عياشي از سليمان بن هارون روايت كرده گفت عرض كردم حضور حضرت صادق عليه السلام بعضي از مردم گمان ميكنند كه شمشير پيغمبر اكرم نزد عبدالله ميباشد فرمود بخدا قسم نميدانند و نديده اند او را مگر در حضور حضرت امام حسين عليه السلام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای‌اهل ایمان هرکس از شما از دین خود مرتدشود خداوند بزودی قومی راکه‌بسیار دوست دارد و آنهاهم خدا را دوست دارند و نسبت بمؤمنین فروتن و بکافرین سر افراز و مقتدرند بر میانگیزد که در راه خدا جهاد کنند و از نکوهش ملامت کننده نترسند و فضل خدا این است که بهرکه بخواهد عطا کند و خدا وسعت دهنده و باحوال مردم داناست(٥٤) ولیّ امر شما، خداورسول وآنکسی استکه نماز بپاداشته و در حال رکوع زکوة بفقیران داده است(باتفاق علمه و خاصه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده که در حال نماز انگشتری بفقیر عطا نمود و این آیه در شأن آنجناب نازل شد (٥٥) وهرکسی ولی او خدا و رسول وآنکسی باشد که ایمان آورده آنشخص ازحزب خداست و حزب خدا غالب خواهد بود (٥٦) ای اهل ایمان با کافران و اهل کتاب که دین شما را بیازیچه ومسخره گرفته‌اند دوستی نکنید و از خدا بترسید اگر ایمان دارید (٥٧)

و صاحب شمشیر معین است نبرند شما را این مردم بطرف راست و چپ بخدا قسم اگر اهل آسمانها و زمین جمع بشوند و بخواهند آن شمشیر را از اهلش که‌حضرت حجةبن الحسن علیه السلام روحی و روح العالمین له الفداء باشد بگیرند قدرت و توانائی ندارند و اگر تمام اهل عالم کافر شوند خداوندبوجود مقدس آنحضرت انتقام ازآنها خواهدکشید سپس‌فرمودآیا نمیشنوی قول خداوندرا و آیه را تلاوت کردآنحضرت و ثعلبی که از علماء عامه است در تفسیرش از طرف خودشان روایت کرده که این آیه نازل شده در حق امیرالمؤمنین علیه السلام

خاتم بخشی امیرالمؤمنین‌در حال نماز و نزول آیه انما ولیکم‌الله در شأن آنحضرت

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در معنای یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها فرمود چون آیه: انما ولیکم الله و رسوله تا آخر آیه نازل شد جمع

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اِذا نادَيتُم اِلَى الصَّلوٰةِ اتَّخَذُوها هُزُواً وَ لَعِباً ذٰلِكَ بِاَنَّهُم قَومٌ لا يَعقِلُونَ (۵۸) قُل يا اَهلَ الكِتابِ هَل تَنقِمُونَ مِنّا اِلّا اَن آمَنّا بِاللّٰهِ وَ ما اُنزِلَ اِلَينا وَ ما اُنزِلَ مِن قَبلُ وَ اَنَّ اَكثَرَكُم فاسِقُونَ (۵۹) قُل هَل اُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِن ذٰلِكَ مَثُوبَةً عِندَ اللّٰهِ مَن لَعَنَهُ اللّٰهُ وَ غَضِبَ عَلَيهِ وَ جَعَلَ مِنهُمُ القِردَةَ وَ الخَنازِيرَ وَ عَبَدَ الطّاغُوتَ اُولٰئِكَ شَرٌّ مَكاناً وَ اَضَلُّ عَن سَواءِ السَّبِيلِ (۶۰) وَ اِذا جاؤُكُم قالُوا آمَنّا وَ قَد دَخَلُوا بِالكُفرِ وَهُم قَد خَرَجُوا بِهِ وَ اللّٰهُ اَعلَمُ بِما كانُوا يَكتُمُونَ (۶۱)

شدند عدهٔ از اصحاب پیغمبر در مسجد مدینه و بعضی ببعض دیگر گفتند در مورد این آیه چه میگوئید اگر آیه را انکار کنیم بتمام آیات و احکام اسلام کافر میشویم و اگر آنرا تصدیق نموده و ایمان بیاوریم علی را بر خود تفوق داده و مسلط کنیم زیرا این آیه صریحاً بر ولایت علی علیه السلام دلالت دارد؛ همه آنها گفتند ما میدانیم محمد صلی الله علیه و آله و سلم راست میگوید لکن امر او را در بارهٔ علی اطاعت نمیکنیم لذا این آیه نازل شد که میفرماید این مردم ولایت علی علیه السلام را دانستند پس از آن انکار ولایت نموده و کافر شدند. ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که جمعی از یهودیان منجمله عبدالله بن سلام و اسید بن سعلبه و ابن یامین و ابن صوریا اسلام آورده خدمت پیغمبر شرفیاب شدند عرض کردند ای رسول خدا موسی پس از خود یوشع بن نون وصیت کرد وصی بعد از شما کیست؟ آنوقت آیه «انما ولیکم الله» نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بآنها فرمود برویم بمسجد؛ همینکه خواستند داخل مسجد شوند سائلی را مشاهده نمودند پیغمبر از او پرسید آیا کسی در مسجد چیزی بتو عطا نموده؟ عرض کرد بلی ایرسول خدا آن مردی که مشغول نماز است، فرمود در چه حالی بتو عطا نمود؟ عرض کرد در حال

jabir.abbas@yahoo.com

Contact :-jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و چون شما صدای خود را بنماز بلند کنید آنرا مسخره و بازی گیرند چه آنها مردمی بی خرد و نادان میباشند (۵۸) بگو ای اهل کتاب آیا سبب کینه و انتقام شما از ما مسلمانان جز این نیست که ما بخدا و رسول و آنچه بسوی ما نازل شده و بانچه پیش از این نازل شده ایمان آورده ایم همانا بسیاری از شما مردمان فاسق هستید (۵۹) بگو ای پیغمبر آیا آگاه سازم شما را که کدام قوم نزد خدا بدترین پاداش را خواهند داشت آنها کسانی هستند که خدا برایشان غضب و لعنت کرده و آنانرا بصورت بوزینه و خوك مسخ نموده و نیز آنکسانی باشند که عبادت خدا را رها کرده و پرستش شیطان و بت را انتخاب نموده این طایفه بدترین مقام را نزد خدا داشته و از راه فیروزی و راست گمراه خواهند بود (۶۰) و چون منافقین نزد شما آیند گویند که ما ایمان آورده‌ایم وحال آنکه آنها با همان کفر و انکار باقی هستند و ازایمان بسوی کفر بیرون رفته اند و خدا داناست بآنچه در دل آنان کتمان میکنند (۶۲)

رکوع، پیغمبر تکبیر گفت و مردم همه تکبیر گفتند پیغمبر رو بمردم کرد وفرمودپس از من علی وصی منست و ولی شما است کسانی که حضور داشتند گفتند راضی هستیم به پروردگار یکتا وبانکه اسلام دین ما و محمد صلی الله علیه و آله پیغمبرو علی بن ابیطالب ولی وامام ما باشد، لذا خداوند این آیه را نازل فرمود **ومن یتول الله و رسوله والذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون**. ازعمر بن خطاب روایت کردند گفت بخدا قسم چهل مرتبه در نماز و حالت رکوع انگشتر صدقه دادم تا در بارهٔ من هم مانند آیه ای که در بارهٔ علی نازل شده نازل شود ابداً نازل نشده و شیخ در کتاب امالی از ابی رافع روایت کرده گفت روزی بر پیغمبر اکرم وارد شدم دیدم در خواب هستند وماری در کنار خانه بود خوش نداشتم که مار را بکشم پیغمبر بیدار شد من میان پیغمبر و مار نشستم که مبادا بوجود مقدس پیغمبر صدمه بزند و گفتم خود را فدای پیغمبر کنم اگر بخواهد کسی را بزند مرا بزند و مار خود را جمع کرد و دیدم پیغمبر آیه «انما ولیکم الله» را تا آخر قرائت میفرماید و فرمود حمد خدای را که بر علی نعمت خود را تمام فرمود گوارا باد بر علی فضل و رحمت خداوند که باو عطا فرموده است بعد فرمود در آنجا چیست؟ عرض کردم ماری خفته است، فرمود آنرا بکش و کشتم سپس

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ تَرىٰ كَثيراً مِنْهُمْ يُسارِعُونَ فِي الْاِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ اَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مٰا كانُوا يَعْمَلُونَ (٦٢) وَ قالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللّٰهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ اَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمٰا قالُوا بَلْ يَداهُ مَبْسُوطَتانِ يُنْفِقُ كَيْفَ يَشاءُ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثيراً مِنْهُمْ مٰا اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْياناً وَ كُفْراً وَ اَلْقَيْنا بَيْنَهُمُ الْعَداوَةَ وَ الْبَغْضاءَ اِلىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ كُلَّما اَوْقَدُوا نٰاراً لِلْحَرْبِ اَطْفَاَهَا اللّٰهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْاَرْضِ فَساداً وَ اللّٰهُ لا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ(٦٣) لَوْلا يَنْهيهُمُ الرَّبّانِيُّونَ وَ الْاَحْبارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْاِثْمَ وَ اَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مٰا كانُوا يَصْنَعُونَ(٦٤)

فرمود ای ابی رافع چگونه میباشی با قومی که باعلی جنك میکنند و حال آنکه علی برحق و آنها برباطل میباشند و جهاد با آنها واجب و خداوند فرموده هر کس توانائی ندارد که باعلی بجهاد آنها برود بایددردل باآنان جهاد کند وچیزی بر آنها نیست، گفتم ایرسول‌خدا دعا بفرمائید که من آن‌زمان را درك کنم وخداوند بمن قدرتی عطا فرماید تادرر کاب علی بجهاد بروم، پیغمبراکرم دعاکرد وفرمود برای هرپیغمبری امینی است و امین‌من‌ابی رافع‌است و چون مردم پس از کشته شدن عثمان با علی علیه‌السلام بیعت‌نمودند و طلحه و زبیر خروج کردند ومرتد شدند فرمایش پیغمبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بیادم آمد خانه و باغی که‌در مدینه‌داشتم‌فروخته بافرزندان خود بیرون رفته که در رکاب‌امیرالمؤمنین علی مشغول‌جهادشویم ولی درك محضر آنجناب رانکردم‌تا از بصره بکوفه وارد شدند و بعد بجنك صفین و جنك خوارج نهروان رفته و در رکاب آنحضرت قتال مینمودم تا شاید شهید شوم که متاسفانه امیرالمؤمنین علیه‌السلام درکوفه شهید شدند و بمدینه برگشتم در حالی که نه مالیهٔ داشتم و نه خانه‌ای حضرت امام حسن خانه ای از خانه های امیر المؤمنین و مقداری از زمینهای ینبوع بمن عطا نمودند که باعیالاتم در آنجا

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بسیاری از آنها را مشاهده میکنی که در گناه و ستمکاری و خوردن مال حرام می شتابند همانا بکار بدی عمل میکنند (٦٢) چرا دانشمندان و روحانیون آنها را از خوردن مال حرام و گفتار زشت باز نمیدارند وحال آنکه بدکاری را انجام می‌دهند(٦٣) یهود گفتند دست خدا بسته است و دیگر در خلقت تغییری نمیدهد بواسطه این گفتار بلعنت خدا گرفتار شدند بلکه دست قدرت خدا باز است و بهر راهی بخواهد انفاق می کند همانا بسیاری از آنها در اثر قرآنیکه بتو نازل شده بکفر و طغیان خود افزودند وما بکیفر آن تا قیامت آتش جنك و دشمنی میان آنها بر افروختیم هرگاه برای جنك با مسلمانان آتشی بر افروزند خدا آن آتش را خاموش سازد و آنهادرروی زمین بفساد کوشش میکنند وخداهرگزمردمان مفسد را دوست ندارد (٦٤)

سکونت نمودم . و از طرق عامه و خاصه روایات زیادی است که این آیه در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده است

در احتجاج طبرسی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده جمعی از منافقین حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردند آیا از واجبات چیزی باقی است که نفرموده باشید؟ این آیه نازل شد قل انما اعظکم بواحدة یعنی بولایت امیرالمؤمنین سپس آیه انما ولیکم الله نازل شد و این موضوع در تمام فرق مسلمین مورد اتفاق است که در آن روز جز علی علیه السلام در رکوع کسی صدقه نداده است و اگر در آیه نام علی ذکر میشدمنافقین آنرا اسقاط مینمودندو این آیه و نظائر آن از رموزی است که درقرآن ذکر شده تا تحریف کنندگان نتوانند بآن دست بزنند تا برسد بامثال شما مردم بعد از آن زمان و پس از آن آیه غدیر و بعد از آن آیه الیوم اکملت لکم دینکم نازل شد .

عمار ساباطی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود انگشتری که امیر المؤمنین علیه السلام در نماز و در حالت رکوع صدقه داد حلقهٔ آن چهار مثقال نقره

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

داشت و نگینش پنج مثقال از یاقوت سرخ بود و معادل خراج شامات میارزید که قریب سیصد بار شتر نقره و چهار بار شتر طلا میشود و انگشتر مزبور متعلق به مروان بن طوق بود که بدست امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از جنگها بقتل رسیده و علی علیه السلام انگشتر او را حضور پیغمبر اکرم آورده و تسلیم نمود مانند سایر غنائم جنگی وچون مختصات کفار مقتول بمسلمانی که او را کشته اختصاص داشت پیغمبر آنرا بخود آن حضرت داد انگشتر در دست مبارك او بود تادر حال رکوع بسائل صدقه دادند

شیخ طوسی روایت کرده که این عمل در روز بیست و چهارم ذی الحجه واقع شده و همان روز مباهله بوده است

غزالی در کتاب سرالعالمین روایت کرده و نوشته است که انگشتری که امیرالمؤمنین صدقه داد انگشتر حضرت سلیمان بوده است

در کافی ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود امر کرد خداوند به پیغمبر اکرم ولایت علی راونازل کردبر آنحضرت آیه «انماولیکم الله» را وواجب نمود برمردم ولایت اولی الامر را آنمردم ندانستند اولی الامر چه اشخاصی هستند خداوند به پیغمبرش محمد صلی الله علیه و آله دستور داد تا تفسیر کند برای آنها اولی الامر وولایت ایشان را چنانچه تفسیر فرمود نماز و زکوة و حج و روزه را برای آن مردم وقتی امر خداوند به پیغمبرش ابلاغ شد مترسید از آن مردم که از دین بر گردند وتکذیب کنند فرمایش او را، وحی رسید باو ای پیغمبر برسان ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را بر مردم اگر ابلاغ نکنی مانند آنست که هیچ کدام از احکام مارا ابلاغ نکرده باشی ، ما تو را ازشر این مردم حفظ مینمائیم پس پیغمبر آنحضرت را بخلافت نصب فرمود

فرمودحضرت باقر علیه السلام واجبات یکی پس ازدیگری از جانب خداوند نازل میشد و آخر واجبی که نازل شد ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام بود سپس آیه « الیوم اکملت لکم دینکم » نازل شد که میفرماید خداوند دین شمارا کامل کردم و بعد از این واجبی نازل نکنم

شیخ مفید در کتاب اختصاص از ابی علا روایت کرده گفت عرض کردم حضور حضرت صادق علیه السلام آیا اوصیاء و امامان اطاعتشان واجب است ؟ فرمود بلی خداوند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

میفرماید درباره ایشان **اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم** و آن امامان کسانی هستند که این آیه را خداوند در شأن آنان نازل کرده و میفرماید «**انما ولیکم الله**» تا آخر آیه.

در احتجاج از حضرت عسکری روایت کرده در حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود منافقین حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردند آیا واجبی دیگر هست برما که هنوز پروردگار او را نرسانیده تا بدانیم بعد از آن چیزی باقی نیست و بیش از این تکلیفی نداریم خداوند این آیه را نازل فرمود **قل انما اعظکم بواحدة** همانا سفارش میکنم شمارا بولایت سپس **آیه انما ولیکم الله و رسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون** نازل شد و اختلافی در میان امة نیست که این آیه در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام نازل شده و کسی جز آن حضرت در حال رکوع صدقه و زکوة نداده و علت آنکه خداوند در قرآن نام آن بزرگوار را ذکر نکرده صراحتاً برای آنستکه اگر ذکر مینمود منافقین این آیه را از قرآن ساقط و تحریف میکردند و همینطور است در آیات دیگر که بطریق رمز فرموده و ما ائمه رموزات آنرا بیان کرده ایم و این معنا لطفی است از جانب خداوند تا ندانند معنای آنرا آن اشخاصیکه در صدد تحریف و اسقاط قرآن بیرون آمدند و تا ما ائمه برسانیم آن رموزات را بشما و امثال شما و در باره ولایت امیرالمؤمنین خداوند آیه «**الیوم اکملت لکم دینکم**» را نازل کرد

قوله تعالی: **و من یتول الله ورسوله والذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون**

ابن شهر آشوب از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود این آیه نازل شده در شأن امیرالمؤمنین علیه السلام و مراد از «والذین آمنوا» آنحضرت میباشد و حزب خدا شیعیان آن بزرگوار هستند که برتمام بندگان غالب شوند و در این آیه نیز مانند آیه پیش خداوند ابتداء نموده بذات خویش سپس بنام پیغمبرش بعد از آن بنام ولی خود امیرالمؤمنین علیه السلام

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود بعد از آنکه آیه ولایت نازل شد و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مردم را در غدیر خم جمع نمود و فرمود بآنها هر کس را

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

که من مولای او میباشم علی نیز مولایش باشد و فرمودپروردگارا دوست بدارهر که علی را دوست داشته و دشمن بدار کسیکه علی را دشمن داشته سپس امر نمود مردم باآنحضرت بیعت کنند تمام مردم بیعت کردند وکسی حرفی نزد جزعمر وابوبکروقتی خواستند بیعت کنند عرض کردند ایرسول خدااین بیعت ازطرف شماستیا پروردگار؟ فرمود از طرف پروردگار امرشده بمن تا بیعت بگیرم از شما برای امیرالمؤمنین علیه السلام آن دونفربیعت کردند و ازمیان جمعیت بیرون رفتند و با خود نجوی میکردندطولی نکشید عمربرگشت حضور پیغمبراکرم عرض کرد ایرسول خدا من از میان جمعیت خارج رفتم برای حاجتی مشاهده کردم مرد نیکومنظری که بهترازاو هرگزندیدم لباس سفیدی دربرداشت ومیگفت پیغمبرخدا از این مردم عهد و پیمان گرفته بود بولایت و و خلافت علی علیه السلام وکسی این عهد را نمی شکند و بهم نمیزند مگرآنکه کافرمیشود فرمود ایعمر ندانستی که بودآن مرد ؟ عرض کرد خیر گفت آن جبرئیل امین بود ایعمر بترس ازخدا و نبوده باش اول کسیکه این عهد را نقض وبشکنی سپس، فرمود حضرت صادق علیه السلام درغدیرخم دوازده هزار مرد با امیرالمؤمنین بیعت کردند و شهادت دادند بحقانیت آنحضرت با اینوصف حق آن بزرگوار را ندادند و از برای شما مالی است اگردو نفرشهادت بدهند میتوانید آنمال را بگیرید و فرمود وآیه فان حزب الله در شأن آنحضرت نازل شد .

قوله تعالی : **یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوآ** تاآخر **وان اکثرکم فاسقون**

طبرسی ازابن عباس روایت کرده این آیه درحق رفاعة بن زیدبن ثابت و سوید بن حرث نازل شده آنها درظاهر اسلام آوردند سپس از جمله منافقین شدند بعضی از مسلمانان باآنها مراوده و دوستی میکردند لذا این آیه وارد شد ودر اینجا اهل کتاب وکفار و هرکه استهزاء میکند بدین اسلام جمع نموده اگر چه آن شخص در ظاهر مسلمان باشد و نهی فرموده از دوستی و مراوده باآنها سپس خبرمیدهد خداوند از حال آن جماعت که چگونه سخریه و استهزاء مینمایند بمسلمین و نماز و فرمود بگو بآن جماعت یهود چگونه انکار میکنید ما را وحال آنکه میدانید از طرف خدا قرآن

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

نازل شده برما و حق است و شما فاسق هستید که برای خاطر ریاست دنیا و کسب مال ایمان نمی آورید .

قوله تعالی : **هل انبئکم بشر من ذلک مثوبة عندالله من لعنه**

فرمود حضرت عسکری علیه السلام امیر المؤمنین فرموده خداوند امر کرده به بندگان که دوری بجویند ازراه و طریق اشخاصیکه بر آنها غضب کرده و مسخ شدند بصورت بوزینه و خوك و ایشان یهودیها هستند که خداوند برای نافرمانی که کردند و از حکم شنبه برگشتند خداوند جوانان آنها را بصورت بوزینه و پیر انشان را بشکل خوك بر گردانید.

علی بن ابراهیم از صادقین علیهما السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود آیه «واذا جاؤکم» در حق عبدالله بن ابی و اصحابش نازل شده که دعوی اسلام می نمودند درحالیکه داخل در کفر شده بودند و بهمین سبب از ایمان خارج شدند و سحت چیزیرا گویند که بین حلال و حرام باشد مثل آنکه شخص اجیر شود برای حمل شراب و یا گوشت خوك یا اجاره دادن ملك برای عمل حرام پس اجیر شدن و یا اجاره دادن جائز وحلال است ولی حمل شیئی حرام وعمل حرامیکه درملك میشود سحت است. وفرمود حضرت صادق علیه السلام بهاء مردار و سك و مهر زن زانیه سحت و حرام است و همچنین رشوه گرفتن قاضی و دست مزد کاهن و ساحر نیز حرام است

در کافی از عمر بن رباح ذیل آیه «لولا ینهیهم الربانیون» روایت کرده گفت عرض کردم حضور حضرت باقر علیه السلام شنیدم شما فرموده اید هر کس طلاق غیر سنة و بدون شاهد عدلین بدهد آن طلاق صحیح نیست ؟ فرمود آنحضرت من نمیگویم خداوند میفرماید بخدا قسم اگر ما بشما چیزی از راه جور بگوئیم هما نا شرما ائمه از شما مردم بیشتر است و آیه را تلاوت فرمود و اینحدیث را عیاشی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده (مراد آنستکه هر کس از پیش خود بدون فرموده خدا و رسول حکم یا فتوائی بدهد اوبد تربن مردمان میباشد چنانچه علماء یهود و نصاری این کاررا میکنند پس هر کس از علماء شیعه به رأی خود حکم و فتوا دهد مانند علماء یهود و نصاری می باشد)

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ولو ان اهل الكتاب آمنوا و اتقوا لكفرنا عنهم سيأتهم و لادخلناهم
جنات النعيم (٦٥) و لو انهم اقاموا التورية و الانجيل و ما انزل اليهم
من ربهم لاكلوا من فوقهم و من تحت ارجلهم منهم امة مقتصدة و كثير
منهم ساء ما يعملون (٦٦) يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك و ان لم
تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس ان الله لايهدى القوم
الكافرين (٦٧)

ابن بابویه بسندخود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در آیه وقالت الیهود یدالله مغلولة غلت ایدیهم و لعنوا بما قالوا که آن حضرت فرمود یهودی ها گفتند خداوند از امر موجودات فارغ شده است و دیگر اشیاء و موجودات کم و زیاد نمیشود خداوند در جواب آنها فرموده است دست‌های آنها بسته‌باد خداوند بهر که بخواهد انفاق میکند آیا نشنیده‌اید قول خداوند را که میفرماید : خدا محو مینماید هر چه را بخواهد و ثبت فرماید هر چه را اراده کند و اصل کتاب در نزد پروردگار است و از برای خداوند بدا و مشیت میباشد ؟ .

ونیز از آنحضرت روایت کرده فرمود همینکه خلقت آفرینش بدست قدرت حق خاتمه یافت یهودیها گفتند قدرت و ایجاد خداوند تمام‌شده واز آفریدن خلق فارغ گردیده ودست او بسته شد، خداوند در این آیه کریمه رد گفتار آنها را فرموده بقولش «بل یداه مبسوطتان ینفق کیف یشاء» یعنی دست قدرت خدا باز است مقدم و مؤخر میدارد و زیاد وکم میکند و خداوند دارای بداو مشیت است و هر وقت ستمکاران بخواهند به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم تعدی کنند خداوند آنها را سر نگون خواهد نمود .

مراد از دست خداوند چیست و معنای آن چه میباشد ؟

ابن بابویه از محمد بن مسلم روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام معنای این

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اگر اهل کتاب ایمان آورند و پرهیز کار شوند همانا گناهان آنها را پنهان سازیم و داخل کنیم آنهارا در بهشتیکه پر نعمت است (٦٥) واگر بدستورات تورات وانجیل و قرآنیکه بتو نازل کردیم قیام کنند همانا ازبالای سر وزیر پابنعمت ما برخوردار میشوند بعضی از آنها مردمی معتدل ومیانه رو و بسیاری دیگر بد عمل هستند (٦٦) ای پیغمبر آنچه از جانب پروردگار در باره علی بتو نازل شده بمردم برسان و اگر نرسانی تبلیغ رسالت نکرده‌ای و خدا تو را از شر وآزار مردمان حفظ خواهد نمود همانا خداوند راهنمائی نکند طایفه کفار را (٦٧)

آیه راکه خداوند میفرماید یا ابلیس ما منعك ان لا تسجد لما خلقت بیدی سئوال نمودم که مقصودومعنای ید در این آیه چیست؟ آنحضرت فرمود دست در کلام عرب اشاره بقدرت و نعمت است چنانچه میفرماید « واذکر عبدنا داود ذاالاید » ونیز میفرماید « والسماء بنیناها باید » یعنی بقوة ونیز میفرماید « وایدهم بروح منه » یعنی تقویت کردیم آنهارا ووقتی شخصی بدیگری بگوید « عندی یدبیضاء » یعنی نزد من نعمت است (از اینجامعلوم میشود اینکه یکی از القاب امیرالمؤمنین علیه السلام ید الله است یعنی دست خدا مراد از آن قوت و نعمت هردو میباشد).

عیاشی روایت کرده درآیه « ولوانهم اقاموالتورية » از حضرت باقر علیه السلام فرمود مراد از « ماانزل » ولایت علی و ائمه است که خداوند در تورات و انجیل برآنها نازل فرمود ومراد از فوق باران و منظور از تحت نباتات است. و نیز عیاشی درآیه « منهم امة مقتصدة » ازابی‌صهبا بکری روایت نموده گفت شنیدم امیرالمؤمنین ازرأس الجالوت و اسقف نصاری دعوتی کرده و فرمود من باآنکه ازشما داناترم سئوآل میکنم وخدا را برشما گواه میگیرم که راست بگوئید بحق آن خدائی که انجیل را بر عیسی علیه السلام نازل فرمودو آنرا بابرکت ومایه شفای بیماران وزنده کنندهٔ مردگان قرار داد شما پس

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَى شَيْءٍ حَتَّى تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۶۸) إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (۶۹) لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَى أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ (۷۰)

ازحضرت عیسی علیه السلام بچند فرقه و دسته منشعب شده‌اید؟ گفتند یك فرقه امیرالمؤمنین فرمود بخدا دروغ میگوئید نصاری هفتاد دوفرقه هستند و یکفرقه از آنها نجات یافته وهفتاد و یك فرقه دیگردر آتش روند وآیه را تلاوت نمود و فرمود «امة مقتصدة» همان‌فرقه ناجیه‌میباشد.

وانس بن مالك روایت کرده گفت رسول خدا فرمود امت موسی علیه السلام بعداز آن حضرت هفتاد و یك فرقه شدند هفتاد فرقه آنها در آتش هستند یك فرقه در بهشت و امت عیسی علیه السلام بعد از او هفتاد و دوفرقه گشته ویك‌فرقه آنها در بهشت و هفتادویك فرقه در جهنم میباشند و امت من هفتادو سه فرقه شده و فقط یك فرقه آنها نجات‌یافته و ببهشت میروند.

غدیر خم

قوله تعالی: یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیك من ربك وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمك من الناس ان الله لایهدی القوم الکافرین

این آیه در مراجعت پیغمبر اکرم از حجة الوداع نازل شد و آنحضرت اززمانی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای پیغمبر به یهود و نصاری بگو که شما ارزشی ندارید تا آنکه بدستور تورات و
انجیل و قرآنیکه بشما از طرف پروردگار فرستاده شده قیام کنید همانا بسیاری از
آن ها در اثر قرآنیکه بشما مسلمانان نازل شده بر کفر وسرکشی خود افزودند پس ای
پیغمبر برحال طایفه کافران نباید تأسف خوری (۶۸) همانا اهل ایمان و یهودان وستاره
پرستان و نصاری اگر بخدا و روز قیامت ایمان آورده وعمل نیکو بجا
آورند برای آنها ترس و اندوهی نخواهد بود (۶۹) ما از بنی
اسرائیل عهد وپیمان گرفتیم وبسوی آنها پیغمبرانی فرستادیم
هرچه را پیغمبران بسوی آنها آوردند که مطابق
میل آنان نبود بعضی او را تکذیب
کردند و طایفه دیگر پیغمبران
را بقتل رسانیدند (۷۰)

که بمدینه هجرت فرمودند ده حج نمودند و حج دهم را حج وداع میگویند چه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در همانسال رحلت فرمود، درحجة الوداع در منی خطبهٔ تلاوت نمودند بعد ازحمد الهی وستایش پروردگار فرمود: ایمردم سخنان مرا بشنوید ودر آن خوب تعقل کنید زیرا بعد از سال جاری دیگر شمارا ملاقات نمیکنم فرمود کدام شهر ازجهت احترام بزرگتر است ؟ گفتند شهر مکه فرمود همانا خون و مال عرض شما برشما محترم است مثل حرمت این روز شما در این شهرتان و در اینماه ذیحجه تاروزیکه ملاقات نمائید پروردگارتانرا ، و از کردارتان پرسش کند آگاه باشید ایمردم این سخنرا درك نمودید و بمقصود و مفهوم آن رسیدید ؟ عرض کردند بلی فرمود خدایا گواه باش سپس فرمود آگاه باشید عادات و رسوم دورهٔ جاهلیت ویا خون و مالیکه در بین شما بود همه را زیر پا گذاشته و از بین برداشتیم و هیچیك ازشما بر دیگری جز بتقوی برتری ندارد آیا اینسخنانرا دانستید و بشما رسید؟ عرض کردند بلی فرمود خدایا گواه باش بازفرمود آگاه باشید هرحد ومکانی که اززمان جاهلیت محفوظ بود برطرف کردم و اول حدیرا که برداشتم جای عباس بن عبدالمطلب بود و آگاه باشید هرخونیکه در زمان جاهلیت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و حسبوا الا تكون فتنة فعموا وصموا ثم تاب الله عليهم ثم عموا و
صموا كثير منهم و الله بصير بما يعملون (۷۱) لقد كفر الذين قالوا ان الله
هوالمسيح ابن مريم و قال المسيح يا بنى اسرائيل اعبدوا الله ربى و ربكم
انه من يشرك بالله فقد حرم الله عليه الجنة و مأويه النار و ما للظالمين من
انصار(۷۲) لقد كفر الذين قالوا ان الله ثالث ثلثة و مامن اله الا اله واحد وان
لم ينتهوا عما يقولون ليمسن الذين كفروا منهم عذاب اليم(۷۳) افلا يتوبون
الى الله ويستغفرونه والله غفور رحيم (۷۴)

میان اشخاص بود برطرف کردم و اول خونیکه ازآن صرفنظر نموده و برطرف کردم خون ربیعه بود آیا شنیدید؟ گفتند بلی فرمود خدایا گواه باش سپس فرمود آگاه باشید شیطان مأیوس است از اینکه دراین سر زمین بیاید ولکن از اینکه‌شما عبادات خود را سبك میشمارید خشنود میشود بدانیدو آگاه‌باشیدچنانچه پیروی شیطان‌نمودید مثل آنستکه اورا پرستش کرده اید و بدانید مسلمانان برادر یکدیگرند خون ومال مسلمانان برکسی حلال نیست مگر مالیکه برضایت خاطر بکسی بخشیده شود و من شمارا بجهاد کفار امر میکنم تا اینکه کلمهٔ توحیدرا بر زبانشان جاری کنند که دراین صورت آنان در حمایت و حفظ من هستند وجان‌و مالشان محترم است مگر از روی قصاص وحکم خداوند آیا شنیدیدایمردم؟ گفتند بلی فرمود خدایا گواه باش‌بعدفرمود سخنان مرا بدقت حفظ کنید که بعدازمن بشما نفع میرساند و آن‌ها را خوب بدانید و بفهمید تا پس از من ایمان خودرا ازدست نداده بکفر بر نگردید آیا هیچیك ازشما برای خاطر امر دنیا گردن بعضی از یکدیگر را میزند اگر کسی مرتکب اینعمل شود والبته‌هستندکسانیکه بجامیآورندیعنی گردن‌یکدیگررامیزنند زیرا در کتیبه‌ولوحی که

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jâbir Abbas

وگمان کردند که آزمایش نمیشوند پس بعد از شنیدن وحی خدا کور و کر شدند سپس خداوند توبه آنها راپذیرفت بازهم بسیاری دیگر کور و کر شدند خدا بهر چه کنند بینا و آگاه است (٧١) محققاً کافر شدند آن هائیکه گفتند مسیح پسر مریم خدا است وگفت مسیح ببنی اسرائیل خدائی که آفرینندهٔ من وشمااست بپرستید و هر کس بخداوند شرك آورد خداوند بهشت را بر او حرام گرداند وجایگاهش آتش دوزخ باشد نیست برای ستمکاران یارو یاور (٧٢) کافرشدند کسانیکه گفتند که خدا یکی ازسه اقانیم(اب ابن روح القدس) است ونیست خدائی جزخدای یکتا و اگراز این گفتار باز نایستند همانا ملاقات کنند آنهائی که کافر شدند عذاب درد ناکی را (٧٣)

آیا توبه نمیکنند و بسوی خدا باز نمیگردند تا از او

طلب آمرزش کنند همانا خداوند

بخشنده ومهربان است (٧٤)

بین جبرئیل و میکائیل بوددیدم که من باشمشیر بصورتهای شما میزنم و پس از آن متوجه سمت راست خود شده کمی ساکت شده سخنی نفرمود بعد از آن فرمود اگرخدا بخواهد علی بن ابیطالب هم با شمشیر بصورتهای شما میزند پس فرمود ایمردم آگاه باشید من پس ازخود دو چیز میان شما جا میگذارم که اگر بآنها متوسل شده و چنك بزنید هرگز گمراه نخواهید شد : یکی کتاب خدا قرآن و دیگری عترت واهلبیت من همانا پروردگار بینا و توانا بمن خبر داد که قرآن وعترت هیچوقت وزمانی ازیکدیگر جدا نخواهند شد تا آنکه روز قیامت درکنارحوض کوثر بمن برسند کسانی که آن دو رشته را محکم گرفتند نجات یابند و هرکه با آن دو مخالفت کند هلاك خواهدشد آیا شنیدید ؟ گفتند بلی فرمود خدایا گواه باش بعد فرمود در قیامت عدهٔ از شمامردم میخواهند در کنار حوض کوثر بمن ملحق شوندولی آنها را دور نموده و برمیگردانند من میگویم پروردگارا اینها اصحاب من هستند، خطاب میرسدای محمد آنها بدعتهائی بعد از تو در دین وارد ساخته وسنت وطریقهٔ ترا تغییر داده اند میگویم دور باشید عذاب خدا بر شماباد و چون آخر ایام تشریق شد روز ١٣ ذی‌الحجه سوره « اذا جاء

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

نصرالله و الفتح» نازل شد پیغمبر اکرم فرمود مردم برای نماز در مسجد خیف که در منی میباشد جمع شدند بعد از نماز پیغمبر اکرم حمد و ثنای خدا را بجا آورده و فرمود خداوند یاری کند کسی را که سخن مرا بشنود و حفظ نموده و برساند به کسانی که نشنیده اند چه بسیار حاملین علم و دانشی که دانشمند نباشند و چه بسا بردارندهٔ علمی که بدانشمندتر از خود علم را میرساند سه طایفه هستند که موردخیانت واقع نشوند یکی مرد مسلمانی که دل خودرا در عمل و عبادت برای خداوند خالص کرده باشد

دوم ـ نصیحت و پندادن پیشوای مسلمانان سوم ملازمت با اجتماع آنها زیرا خداوند بآن‌ها احاطه دارد ـ دیگر آنکه مؤمنین بایکدیگر برادرند و خون و جان آن ها مساویست و بگردن یکدیگر ذمه دار هستند، و در مقابل مردم خارج از اسلام و ایمان با هم متحد و هم آهنگ میباشند ایمردم من پس از خود دو چیز سنگین و بزرگ بجای میگذارم عرض کردند ای رسول خدا آن دو چیز کدام است؟ فرمود کتاب خدا و عترت و اهلبیتم همانا خداوند دانا و مهربان بمن خبر داد که آندو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا اینکه در کنار حوض کوثر برمن وارد شوند مانند این انگشت سبابه و وسطی و جمع کرد دو انگشت مبارك را و بمردم اشاره نمود در این هنگام چند نفر از حاضرین باخود گفتند محمد صلی الله علیه و آله و سلم میخواهد امامت را درخانوادهٔ خود قرار دهد چهار نفر از آن‌ها از منی بسوی مکه رفته و داخل خانه کعبه شده با یکدیگر پیمان بسته و متعهد شدند که اگر محمد صلی الله علیه و آله و سلم فوت نماید و یا کشته شود با تمام قوا کوشش نموده و نگذارند امامت باهل بیت پیغمبر منتقل شود که این آیه بر پیغمبر نازل شد.

ام ابرموا امرا فانا مبرمون ام یحسبون انا لانسمع سرهم و نجویهم بلی ورسلنا لدیهم یکتبون (سورهٔ زخرف آیه ۷۹ و ۸۰)

پس بیرون آمد پیغمبر اکرم از مکه بسوی مدینه رهسپار شد در حالی که در این سفر حج کلیه اعمال و مناسك حج را بمردم تعلیم داده و توصیهٔ و سفارش های لازمه را بعموم مسلمین حاضر در حج فرموده و شنوانیده بودند همینکه بمنزلی که به غدیر خم موسوم بود رسیدند جبرئیل نازل شد و این آیه را آورد.

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیك من ربك وان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمك من الناس

لذا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در آن محل توقف فرمود ودستور داد کسانی که رفته بودند برگردند همینکه تمام حاضرشدند منبری ترتیب داده برفراز منبر تشریف برده خطبه ای قرائت و پس از ذکر حمد و ثنای خداوند فرمود ایمردم آیا میدانید ولی شما کیست؟ عرض کردند بلی خدا و رسول او ، فرمود آیا میدانید که من اولی تر از نفس شمابشما هستم؟ عرض کردند میدانیم، فرمود خدایا گواه باش همین جمله را تا سه مرتبه تکرار فرمود و مردم میگفتند بلی میدانیم و آن بزرگوار میفرمود خدایا شاهد وگواه باش. آنگاه دست امیر المؤمنین را گرفته و آن جناب را بلندکرد بطوریکه سفیدی زیربغل آنحضرت پیداشد بعد فرمود آگاه باشیدهر کسرا من ولی او میباشم این علی ولی ومولای اوست خدایا دوست بدار دوستداران علی را ودشمن بدار دشمنان علی را و یاری کن هر که یاری نماید علی را وخوار ذلیل گردان هر کسیرا که علی راخوار کند، پس فرمود خدا یا شاهد وگواه باش بر این مردم و خود من هم از شاهدان وگواهان هستم عمر ازمیان اصحاب برخاست و عرضکرد یا رسول الله اینکه علی را بولایت نصب فرمودی از طرف خداوند است و یا از جانب شما است؟ فرمود بخدا قسم که از جانب اوست و منهم راضی هستم چه خداوند فرمود علی امیر المؤمنین و امام متقین و پیشرو پیشانی سفیدان میباشد، و خداوند اورا در روز قیامت روی پل صراط مینشاند که دوستانش را داخل بهشت و دشمنانش را داخل جهنم میکند ، یکعده از مردم که بعداز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله مرتد شدند گفتند که محمد صلی الله علیه و آله این بیان را در مسجد خیف هم کرد و اینجاهم ابلاغ نمود اگر بمدینه برسیم از مابرای علی بیعت میگیرد چهارده نفر ازایشان برگشتن پیغمبر باهم متفق شده ودرعقبه که بین جحفة والوداء است هفت نفرسمت راست و هفت نفر طرف چپ راه کمین کردند تا اینکه در موقع عبورپیغمبر شتر را رم داده و براکنند تا بزمین افتاده و بقتل برسانند ، شب که تاریکی جهانرا فراگرفته بود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله درمیان کاروان مسلمین تشریف داشته و در کمال اطمینان شترش را میراندچون به عقبه نزدیك شدند جبرئیل ندا درداد که ای محمد صلی الله علیه و آله فلان وفلان در

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَ أُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ انْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ انْظُرْ أَنَّى يُؤْفَكُونَ (۷۵) قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۷۶)

کمین نشسته و مهیای قتل تو هستند، پیغمبر اکرم به عقب سر توجه فرموده پرسید کیست همراه و پشت سر من حذیفه یمانی گفت ای رسول خدا من هستم فرمود صدای جبرئیل را شنیدی؟ عرض کرد بلی فرمود این راز را پنهان دار پیغمبر بعقبه رسید ویك یك آن اشخاص را بنام صدا کرد چون صدای پیغمبر را شنیدند از کمینگاه خارج شده وبمیان لشکر رفته و خودرا پنهان کردند ولی بارهای خودرا بسته و مرکب سواری خود را رها کرده بودند مردم به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ملحق شده و پیغمبر براحله آن اشخاص عبور کرده و آنها راشناخت همینکه بمنزل بعدی فرود آمدند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود چطور است حال کسانیکه در خانهٔ کعبه باهم قسم شده و پیمان بستند که اگر محمد صلی الله علیه و آله بمیرد و یا کشته شود نگذارند امر ولایت و خلافت در اهلبیت من باشد اشخاص مزبور خدمت پیغمبر آمده قسم خوردند که ما چنین قصدی نداشته وارادهٔ کشتن ترا هم نکردیم این آیه نازلشد **یحلفون بالله ماقالوا** یعنی قسم بخداخوردند که نگذارند خلافت در اهلبیت رسولخدا بماند.

و **لقد قالوا کلمة الکفر بعد اسلامهم وهموا بمالم ینالوا** یعنی بیاناتی کفرآمیز گفته و کافر شدند پس از اسلامشان وقصد کشتن پیغمبر را داشتند ولی موفق نشدند و **ما نقموا الا اغناهم الله و رسوله من فضله فان یتوبوا یك خیراً لهم وان یتولوا یعذبهم الله عذابا الیما فی الدنیا والاخرة ومالهم فی الارض من ولی ولانصیر** سوره توبه آیه ۷۵ پیغمبر اکرم وارد مدینه شد ماه محرم و نیمهٔ اول صفر حال مبارکش خوب بود و در نصفه دوم ماه صفر بیمارشده ودرهمان بیماری روز بیست و هشتم ماه صفر رحلت فرمود.

ابن مسعود روایت کرده گفت پیغمبر اکرم پس ازمراجعت از حجة الوداع بمن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

نیست مسیح پسر مریم جز پیغمبری و پیش از اوهم پیغمبرانی آمده بودند و مادرش نیز زنی راستگو و با ایمان بود و هردو غذا تناول میکردند (پس آنها خدا نبودند) بنگر چگونه آیات خودرا روشن میکنیم و آنگاه مشاهده کن آنان چگونه بخدا دروغ میبندند (۷۵) بگو ای پیغمبر آیا شما غیر خدا را می‌پرستید که مالك سود وزیان شما نیست وخداست که شنوا و دانا میباشد (۷۶)

فرمود ای پسر مسعود اجل من نزدیك شده آیا میدانی مولای تو بعد از من کیست؟ نام عدهٔ زیادی را بردم پیغمبر اکرم متاثر شده فرمود گریه کنندگان درعزا و مرگ گریه کنند چرا از علی بن ابیطالب تجاوز میکنی و برای چه اورا بر دیگران مقدم نمیداری ای پسر مسعود در روز قیامت برای این امت پرچم هائی افراشته میشود و مقدم آنها پرچم بزرك منست با علی بن ابیطالب ﷺ وجمیع مردمان آرزو دارند که بزیر آن پرچم بروند منادی ندا میکند این فضیلت و بزرگی و فخری است برای تو ای علی بن ابیطالب ﷺ .

ودر کافی از حضرت باقر ﷺ روایت کرده فرمودخداوند بر مردم پنج امرواجب و مقرر فرمودکه یکی از آنها نماز است و مردم نمیدانستند چگونه نماز بجا آورند جبرئیل نازل شد و دستور آن رابپیغمبر اکرم ﷺ داد دوم زکوة بود که جبرئیل به پیغمبر گفت تا بمردم بفهماند چطور باید زکوة دهند،سوم روزه بودکه ماه رمضان را در میان شعبان وشوال قرارداد چهارم حج بودکه‌مناسك آن‌را پیغمبر بمردم تعلیم‌نمود. پنجم ولایت بود که در عرفات وروز جمعه آیه ولایت نازل شد، وتفصیل آن را در آیه «الیوم اکملت لکم دینکم‌بیان کردیم وحضرت باقر ﷺ فرمود مردم بچهار امرواجب عمل کردند و پنجمین امر که ولایت بود ترك نمودند و ما درذیل آیه « الیوم اکملت لکم » چند خربیان کردیم و ازطرق امامیه وعامه دراینباب اخبار بسیاری است وخبر غدیر خم وهمچنین معنای « یا ایها الرسول » از اخبار متواتره میان‌جمیع فرق اسلامی‌و از ضروریات مذهب است که انکار کنندهٔ آن کافر میباشد .

و ابن بابویه بسند خود از حضرت باقر ﷺ روایت کرده فرمود پدرم میفرمود روزی پیغمبر اکرم ﷺ سواره ازمدینهٔ منوره‌بیرون‌میرفت و امیرالمؤمنین پیاده‌همراه

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ (٧٧) لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ (٧٨) كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ (٧٩) تَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ (٨٠) وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ (٨١)

آنحضرت طی طریق مینمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود یا ابو الحسن یا سوار شو ویا بمدینه برگرد زیرا خداوند بمن امر نموده که هروقت من سوار شدم شما هم بایدسوار شوید و پیاده راه بروید وقتیکه من پیاده راه میروم و بنشینی هر گاه من نشسته باشم مگر برای انجام حدی از حدود خداوند که باید ایستاده بجا آورید و خداوند مرا بوجودت گرامی داشته است، مرا بنبوت وپیغمبری بر گزیده و ترا ولی و جانشین من قرار داده که در حدود الهی و مشکلات احکام قیام مینمائی بآن خدائیکه مرا به پیغمبری فرستاده هر کس ولایت ترا انکار نماید اقرار بمن نداردو هر آنکه شماراقبول نداشته باشد بمن اعتقاد ندارد ، و فضیلت تو مانند فضیلت من است چنانچه خداوند میفرماید " قل بفضل الله و رحمته و بذلك فليفرحوا هو خير مما يجمعون " مراد ازفضل خدا نبوت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و رحمت خداوند ولایت علی بن ابیطالب میباشد کهشیعه باید بوجودمحمد صلی الله علیه و آله و سلم وعلی علیه السلام خوشحالی کند چهدردنیا وچهدر آخرت در صورتیکه معاندین در دنیا فقط بمال و اهل وفرزند خوشحال میباشند بخدا قسم ای علی بشر خلق نشده مگربرای عبادت پروردگار وشناسائی مقام ولایت دردین اسلام وبوسیلهٔ

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای پیغمبر باهل کتاب بگوشما بناحق دردین خود غلو نکنید وازپی خواهشهای آن قومی که خود گمراه شده و بسیاریرا نیز گمراه نمودند و از راه راست دور انداخته انـد نروید (۷۷) کفار بنی اسرائیل بزبان داود و عیسی پسر مریم لعنت کرده شدند بسبب آن نافرمانی و طغیان سرکشی که نموده‌اند (۷۸) هیچوقت از کارزشت دست برنمی‌دارند و چه قدر قبیح وناشایسته است آنچه بجا میآورند (۷۹) می بینی بسیاری از آنها راکه باکافران دوستی میکنند وآنچه بتوسط اعمال زشت پیش خدا ذخیره میکنند که سبب غضب خدااست بسیار بد ذخیره ای است وآنهـا در عذاب همیشگی خواهند بود (۸۰) اگر یهود و نصاری بخدا وپیغمبر وکتابیکه براو نازل شده ایمان آورده بودند البته کفران را دوست خودنمی گرفتند لکن بسیاری از آنها فاسق بدکار خواهند بود (۸۱)

شما راه‌مستقیم هدایت راطی کنند و هر که ازتو برگردد گمراه‌شود و کسیکه بطریق ولایت نرود خداوند اورا هدایت نکند و میفرماید « انی غفار لمن تاب وعمل صالحاً ثم اهتدی » یعنی من آمرزندهٔ کسی‌هستم که از معاصی توبه کند و بمن ایمان بیاورد و عمل نیك انجام دهد پس از آنکه بولایت شما هدایت‌پیدا کرد ای‌علی وخداوندبمن امرفرموده که‌بمردم ابلاغ کنم همانطوریکه‌حق من برمردم واجب‌شده حق‌ترا نیز بمردم واجب فرموده و اگر آنچه در باره ولایت تو یاعلی از طرف پروردگـار بمن امرشده بمردم نرسانم خداوند رسالت مرا ناقص شمرده وعمل مرا ضایع و فاسدگرداند و هر که خداوند را بدون ولایت تو ملاقات نماید عملش ضایع و فاسد شده و ازبین برودو این بیانات را از طرف خود نمیگویم بلکه هر چه را خداوند در بارهٔ تو امر فرموده است‌میگویم .

و نیز از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود زمانیکه آیه « یا ایها الرسول » که در بارهٔ ولایت است درغدیرخم برپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد پیغمبر اکرم فرمود ایمردم می‌ترسم شما را دعوتی کنم و اجابت نکنید آن وقت هم من مسئول خدا باشم

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و هم شما در اینمورد چه می گوئید ؟ عرضکردند ما همه شهادت میدهیم که شما تبلیغ رسالت فرموده و پند داده و آنچه برشما لازم بوده ادا کرده اید خداوند بهترین جزاء پیغمبران را بشما مرحمت نماید آنگاه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود خدا یا شاهد باش و بمردم فرمود ایمردم حاضرین بغایبین برسانند هر کس بمن ایمان دارد باید در ولایت علی ابن ابیطالب مرا تصدیق کند ایمردم آگاه باشید ولایت علی ولایت من است وخداوند ازمن عهد گرفته درسه مرتبه که ولایت اورا بشما برسانم آیاشنیدید آنچه گفتم همه گفتند بلی ای رسول خدا.

در بصائر الدرجات در ذیل آیه قل یا اهل الکتاب از حضرت باقر علیه السلام روایتکرده فرمود ما انزل ولایت امیر المؤمنین علیه السلام استکه در توریة و انجیل بر یهود و نصاری نازل نموده .

و اینحدیث را سعدبن عبدالله و عیاشی نیز روایت کردند و درسند سعدبن عبدالله این زیادتی نیزمیباشد (و آن چه نازل کرده درتورات وانجیل ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ولایت ماائمه است .)

در کافی روایت کرده در آیه « وحسبوا الا تکون فتنة » از حضرت صادق علیه السلام فرمود زمانیکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله حیوة داشت و در میان مردم بود گمان کردند که آزمایش نمیشوند ولی کورو کر شدند وقتیکه آنحضرت رحلت فرمود از میان آنها و همینکه امیرالمؤمنین علیه السلام قیام فرمود و زمام اموررا بدست مبارك گرفت خداوند توبه آنها را قبول نمود پس از آن باز کرو کورشدند و تا ساعت قیامت دروادی گمراهی سیر نموده و سرگردان میروند .

و این روایت را عیاشی نیز ذکر نموده است . وفرمود حضرت صادق علیه السلام معنای آیه آنستکه آنمردم گمان کردند آنها رابولایت امیر المؤمنین علیه السلام آزمایش نمیکنند و در زمان پیغمبر اکرم هم کور شدند و نتوانستند مقام علی را مشاهده کنند و هم کر شدند که بسخنان پیغمبر گوش ندادند وبعد از پیغمبر و قیام امیر المؤمنین بر آن کوری وکری تا اینساعت و تا ظهور حضرت حجة علیه السلام باقی بمانند .

عیاشی در آیه « انه من یشرك بالله فقدحرم الله علیه الجنة » از زراره روایت کرده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

گفت نامه ای حضور حضرت صادق نوشتم اینمردم روایت کردند از پیغمبر اکرم که فرموده هر کس شرك بخدا بیاورد واجب میشود بر او آتش دوزخ و اگر شرك نیاورد بهشت براوواجب میشود پاسخ آنمرقوم داشته بودند کسیکه بخدا شرك آوردخداوند میفرماید حرام نمودیم بر او بهشت را و اما آنکه شرك نیاوره دراو نظراست بهشت بهر کسی واجب میشود که معصیت خدا بجا نیاورد.

ابن بابویه در آیه «ماالمسیح ابن مریم» روایت کرده که حضرت رضا علیه السلام فرمود مراد از این بیان که مسیح ومادرش غذا میخورند آنستکه آنها نیز مانند سایر افراد بشر مبتلا بحدث شده و مدفوعات از آن ها دفع میشد.

و عیاشی نیز این حدیث را روایت نموده وخداوند از ذکر آنکه عیسی ومریم طعام میخوردند کنایه آورده بر اینکه آنها محدث میشدند و محدث ممکن نیست واجب الوجود و خداباشد.

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام در آیه «کانوا لا یتناهون عن منکر فعلوه» روایت کرده فرمود مردم در مجلس معصیت کاران داخل نمیشدند و با آنها در معاصی وارد نبوده و شرکت نمیکردند ولی اگر آنهارا میدیدند بصورتهایشان تبسم کرده واظهار بشاشت ومهربانی نموده و با ایشان انس و الفت میگرفتند لذا خداوند نهی فرموده که مؤمنین معصیت کاران و یا کفاررا دوست خودنگیرند مگر از نظر تقیه.

قوله تعالی: **قل یا اهل الکتاب لاتغلوا فی دینکم غیر الحق** تاآخر آیه

فرمود حضرت امام حسن عسکری علیه السلام فرموده امیر المومنین علیه السلام خداوند امر فرموده ببندگان خود که دوری بجویند از راه گمشدگان وآن ها نصاری هستند که خداوند در بارهٔ ایشان می فرماید «یا اهل الکتاب لاتغلوفی دینکم سپس فرمود آن حضرت هر کس کافر بخدا شود از راه او دور گشته وخداوند بر اوغضب خواهد کرد.

طبرسی در آیه «لعن الذین کفروا من بنی اسرائیل تاآخر کثیراً منهم فاسقون» از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود داماداودلعن کرداهل ایله را چون آنها مخالفت کردند در احکام روز شنبه وصیدیکه حرام بود مرتکب شدند داود گفت پروردگارا بپوشان بر اینجماعت لباس لعنترا مانندرداء وکردن بندخداوند آنها را مسخ وبصورت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

لَتَجِدَنَّ اَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَ الَّذِينَ اَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ اَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا اِنَّا نَصَارىٰ ذٰلِكَ بِاَنَّ مِنْهُمْ قِسِّيسِينَ وَ رُهْبَانًا وَ اَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۸۲) وَ اِذَا سَمِعُوا مَا اُنْزِلَ اِلَى الرَّسُولِ تَرىٰ اَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ (۸۳) وَ مَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَ مَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَ نَطْمَعُ اَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ (۸۴) فَاَثَابَهُمُ اللّٰهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ ذٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ (۸۵)

بوزینه درآورد و اما حضرت عیسی نفرین کرد بر آن اشخاصیکه مائده بر ایشان از آسمان نازل شد سپس کافر شدند بعد فرمود حضرت باقر علیه السلام این مردم دوست می دارند پادشاه ستمکاررا و تمجیدمی کنند افعالیکه ازراه هوی وهوس بجا می آورد تا آنکه بمال تا قابل دنیا برسند .

علی بن ابرهیم از مسعدة بن صدقه روایتکرده گفت مردی از حضرت صادق علیه السلام سئوال کرده عدهٔ از شیعیان دردستگاه سلاطین وارد شده و خدماتی برای آن‌ها انجام می‌دهند و آن پادشاهان‌را دوست داشته وبا ایشان خلطه وآمیزش مینمایند عمل این عده چه صورت‌دارد؟ آنحضرت‌فرمود آن‌ها ازشیعیان نیستندبلکه اززمرهٔ جباران‌وستمکاران محسوب‌می‌شوند ودرتأئید فرمایش خود این آیه «لعن الذین» راقرائت‌فرمود و اینحدیث را عیاشی نیز ازآنحضرت نقل کرده‌است.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

همانا خواهی یافت که دشمن ترین مردم نسبت بمسلمانان یهود و مشرکانند و با محبت ترین با اهل ایمان کسانیست که گویند ما نصاری هستیم و این دوستی از این جهت است که بعضی از آنها پارسایان ودانشمندبوده و گردنکشی و تکبر نمیکنند (۸۲) و چون آیاتیکه برسول فرستاده شده گوش دهند اشك از دیدهٔ آنها جاری شود چه ایشان حقانیت آنرا شناخته و گویند پروردگارا ما ایمان آوردیم مارا در زمرهٔ گواهان صدق او بنویس (۸۳) و گویند چرا ما بخدا و کتاب ایمان نیاوردیم تا امید آن را داشته باشیم که خداوند ما را داخل در طایفه نیکوکاران گرداند (۸۴) پس خدابرای گفتارشان پاداش نیکو بآنها داد و آن بهشتی است که زیر درختانش نهر ها جاریست و در آن بهشت زندگانی همیشگی خواهند داشت و این است پاداش نیکوکاران(۸۵)

مهاجرت مسلمانان بسوی حبشه

قوله تعالی :لتجدن اشد الناس عداوة تاآخرآیه

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود نصارائیکه مسلمانان رادوست داشتند همان کسانی هستند که در زمان فترت میان حضرت عیسی علیه السلام وحضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده و انتظار پیغمبر خاتم رامی کشیدند .

طبرسی و علی بن ابرهیم از اصحاب پیغمبر روایت کردند که سبب نزول این آیه آنست : قریش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و کسانیکه در بدو امر ایمان آورده بودند در مکه بسیاراذیت میکردندبطوریکه پیغمبر مسلمین را امرفرمودندبحبشه هجرت نمایند لذاجعفر با هفتاد نفر از مسلمانان بوسیله کشتی عازم حبشه شدند همینکه خبرحرکت آنها بقریش رسید عمروبن العاص وعمارة بن ولید وچند تن دیگر را نزد نجاشی پادشاه حبشه فرستادند تاازپادشاه تقاضای اخراج آنها رانموده و بمکه برگردانندوعمروعاص و عمارة هر دو از دشمنان بودند بنی مخزوم از عماره و بنی سهم از عمروعاص بیزاری

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

جستند عمرو عیالش رانیز همراه خودبرد وقتیکه سوار کشتی شدند بباده گساری وشراب‌خواری مشغول شدند عماره جوان زیبائی بود بر اثر مستی بعمرو گفت بعیالت بگو مرا بپذیرد عمرو جواب داد آیا چنین امری جایز است که زن من هم بستر با تو شود عماره ساکت شد همینکه ازاثر شراب کاملا سرمست بود عمرو بن عاص را که در روی عرشه کشتی بود ازبالا بدریا انداخت عمرو خودرا بسینه کشتی رسانیدو اورا از دریا بیرون آوردند بالاخره بحبشه رسیده وخدمت نجاشی رفته وهدایائیکه همراه برده بودند حضور پادشاه تقدیم داشته و مورد قبول قرار گرفت عمرو بن العاص عرضکرد عدهٔ ازمردم مکه که از طایفهٔ ما هستند با ما مخالف شده و دین ماواجدادخودرا ازدست داده خدایان ما را دشنام داده‌اند وفعلا بحبشه هجرت نموده‌اند شرفیابی ما برای آنستکه مقرر فرمائید آنها را از حبشه خارج کنند تابوطن خودمراجعت نمایند نجاشی جعفر رااحضار نموده پرسید که اینها چه می گویند گفت ای پادشاه چه گفته و چه میخواهند پادشاه گفت تقاضا دارند که شما رابموطن اصلی بر گردانیم جعفر گفت ای پادشاه از ایشان سئوال کنید آیا ما بندهٔ آنها هستیم عمرو گفت خیر آنها آزادبوده واز بزرگان هستند مجدداً جعفر گفت سئوال کنید از آنها آیا دین وطلبی ازما دارند گفت خیر گفت آیا ماکسی از آنها را کشته ایم و خونی در گردن ماست که مطالبهٔ خون آنرا مینمایند گفت خیر جعفر گفت پس ازجان ما چه می‌خواهند اینها ما را اذیت نمودند وما هم ازشهر و دیار خود بیرون آمدیم عمرو گفت ای پادشاه این جماعت با ما وخدایان ما مخالفت نموده خدایان ما را دشنام داده و بمقدسات ما توهین کرده وجوانان مارا فاسد نموده وجمعیت مارااز هم پاشیده اند اجازه فرمائید آنها را در اختیار ما گذارده و بسرزمینشان بر گردانیم و جبران گذشته نمائیم جعفر گفت ای پادشاه راست است که ما با ایشان مخالفت کرده‌ایم زیرا درمیان ماپیغمبری مبعوث شده که ما را بتوحید رهبری نموده و مقرر داشته که بت‌ها و شرکای خدارارها نموده وخدای یگانه را پرستش نمائیم قمار بازی را ترك نموده ظلم و ستم راحرام کرده خونریزی را از کبائر شمرده زنا نمودن رباخوردن و خون ومردار راممنوع ساخته ومارابنماز خواندن وزکوة دادن واحسان وصلهٔ رحم نمودن امر کرد واز فحشاء واعمال زشت نهی کرده است نجاشی گفت بخدا قسم حضرت عیسی بن مریم نیز برهمین

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

امور مبعوث شده بود و بعدرو به‌جعفر نموده گفت ازچیزهائیکه خداوند برپیغمبرتان نازل فرموده است آیا حفظ داری؟ گفت بلی و سورهٔ مریم را برای نجاشی قرائت کرد همینکه بآیهٔ **و هزی الیك بجذع النخلة تساقط علیك رطبا جنیا فکلی واشربی وقری عینا** رسید نجاشی سخت منقلب گشته و گریه‌شدیدی‌نمود وگفت بخدا قسم‌این بیانات حق است عمروبن‌عاص گفت ای پادشاه اینمرد ازمخالفین وبدخواهان مامی‌باشد او رادر اختیار مابگذار که بکشور خود برگردانیم نجاشی‌برآشفت و کشیدهٔ‌برچهرهٔ عمرو نواخت بطوریکه خون جاری‌شد و گفت ساکت‌شو بخدا قسم چنانچه باردیگر جسارتی بآنها نمائی هر آینه نابودت میکنم عمرو بن عاص سر افکنده برخاست و از حضور نجاشی دور شد و ازترس میگفت که دیگر ما متعرض جعفر نمیشویم ودرموقع خروج دید خادمه که بالای سر نجاشی ایستاده بعماره توجه دارد و دانست که‌زیبائی عماره‌آن زن‌را بخود مشغول داشته است وقتیکه بمنزل رسیدند بعمارهٔ گفت اگر با کنیز پادشاه رفت و آمدکنی اوهم ترا میخواهد و فریفته ات میباشد شاید برای مامفید واقع گرددعماره باکنیز مراوده پیدا نمود عمرو بعمارهٔ گفت بکنیزبگو قدری‌ازمشك و عطریات پادشاه برایت بیاورد عمارهٔ از کنیز درخواست نمود و اوهم اجابت کرد و آورد عمروعاص که ازعماره دلتنك بود و کینهٔ بر دل داشت آن عطریات را برداشته نزد نجاشی برد و گفت ای پادشاه احترام بمقام سلطنت و تکریم سلطان بر ما لازم و اطاعت او واجب است وهرگاه کسی‌بدد باد پادشاه‌راه یافت بایداز هرجهت رعایت‌ادب نموده ومخصوصاً به‌حریم پادشاه بادیدهٔ عفت‌نگریسته‌نظری‌آلوده بشهوت نداشته‌باشد رفیق دیروزی من کنیز پادشاهرا فریفته و با او مراوده پیداکرده وآن کنیزازعطریات مخصوص شاهانه برای او فرستاده است که اینك به‌حضورتان تقدیم می دارم نجاشی غضبناك شده و قصدکشتن عماره‌را نمود ولی‌چون‌اورا در مملکت خودبصورت‌مهمانی پذیرفته بود و مهمانان‌در امان بودند بملازمین خود دستور داد سماره‌را احضار نموده وکاری کردند که‌سختر از کشتن بودفرمان داد آلت او را از زیبق‌پر کردند که براثر آن حالت وحشی ها و جنون مخصوص‌بر او عارض گردید و راه بیابان‌در پیش گرفته و از مردمان دوری میجست همراهان عمرو که برای بدست آوردن اودرتلاش بودند

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ (۸۶) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (۸۷)
وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ (۸۸)
لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ
فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ
أَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَٰلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ
إِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۸۹)

اورا در مکانی نزدیك ببرکهٔ آب ودر مجاورت وحشیها یافتند و آن قدر مضطرب و و پریشان بودکه پس ازچندی در میان وحشیها مرد و عمرو بن العاص بمکه برگشت و مردم قریش را از مقام و منزلت جعفر در نزد نجاشی خبر داد که چگونه در حبشه در ناز ونعمت و نهایت احترام بسر میبرد جعفر و همراهان در حبشه بودند تا وقتیکه پیغمبر خیبر را فتح نموده و با قریش صلح کردوبرای جعفر از اسماء دخترعمیس پسری بنام عبدالله متولد شد و خداوندبنجاشی نیز پسری عنایت فرمود که نامشرا محمد گذارده و کلیهٔ مسلمانان که بهمراهی جعفر بحبشه رفته بودند مراجعت کردند ـ ام حبیب دختر ابو سفیان تحت نظر عبدالله و در حبشه بود پیغمبر شرحی بنجاشی نوشته و ازام حبیب خواستگاری فرمود نجاشی ام حبیب را حاضر کرده و شرح خواستگاری پیغمبر راباو اطلاع داد ام حبیب قبول نمود نجاشی چهار صددینار صداق برایش مقرر نموده باهدایای بسیار و لباس و عطریات و نفائس دیگری خدمت پیغمبر روانه ساخت و از طرف خود نیز ماریه قبطیه را که مادر ابرهیم شد با البسه فاخر و هدایای شایسته بهمراهی سی نفراز قسیسین ودانشمندان حضور پیغمبر فرستادو بعلمادستور داد که مواظب سخنان

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و کسانیکه کافر شدند و آیات خدا را تکذیب نمودند اهل دوزخ خواهند بود (۸۶) ای اهل ایمان حرام نکنید برخود چیزهای پاکیزه ایکه‌خداوند برای شما حلال‌نموده و ستم نکنید که خدواندستمکاران رادوست نمیدارد(۸۷) و از هرچیز پاکیزه‌وحلال که خداوند روزی شما نموده تناول کنید و پرهیز کنید از آنخدائیکه باوایمان آورده اید (۸۸) خداوند شمارا بقسمهای لغو و بیهوده مؤاخذه نخواهد کرد ولی بسوگندهائیکه از روی عقیده قلبی یادکنید مؤاخذه مینماید و کفاره آن‌قسم طعام‌دادن بده نفر فقیر است از آن‌طعامیکه برای اهل وعیال خود تهیه میکنید و یا پوشانیدن‌ده نفر بینوا باشد و یا بندهٔ آزاد کند و اگر کسی توانائی اینهارا نداشته‌باشد باید سه روز روزه بگیرد این کفاره سوگندهائیست که یاد میکنید و باید بسبب کفاره‌حرمت سوگندهای خودرا نگاهدارید خداوند آیات خود را برای شما بیان میکند تا سپاسگزار باشید (۸۹)

پیغمبر و اعمالش از نماز و طعام وخواب او بوده ونتیجهٔ مشاهدات خود را باطلاع او برسانندچون‌بمدینه‌خدمت‌رسول‌اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسیدند آنهارا باسلام‌دعوت‌فرمودوبرایشان قرآن تلاوت کرد و این آیهٔ‌کریمه را « و اذقال الله یاعیسی بن مریم اذکر نعمتی علیك و علی والدتك » تاآخر آیه که‌می‌فرماید «فقال الذین کفروا منهم ان هذا الاسحرمبین» برای آنها قرائت کرد چون آیه مزبور را از رسول اکرم شنیدند گریه کرده‌و ایمان آوردند و بسوی حبشه نزد نجاشی حضور یافته به تفصیل کردار پیغمبررا برایش خبر داده و همان آیه‌را برای نجاشی‌خواندندنجاشی گریه‌بسیاری کرد قسیسین هم گریستند نجاشی اسلام اختیار نمود ولیکن اظهار نه‌ود و برخود ترسید و بقصد دیدار پیغمبر از مملکت حبشه بیرون رفت‌ولی درموقع عبور ازدریا مرك اورا دریافت.

ابن ابی عمیر از حضرت صادق علیه‌السلام روایتکرده که آیه « یا ایها الذین آمنوالا تحرموا طیبات ما احل الله لکم » درحق امیرالمؤمنین علیه‌السلام و بلال و عثمان بن مظعون نازل شده که امیرالمؤمنین قسم خورده بود شبها را نخوابد وبعبادت مشغولشود وبلال قسم خورده بود که روزها همیشه روزه بدارد وعثمان بن مظعون قسم خورده بود که‌با

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

عیال خود هم‌بستر نشود روزی زن عثمان بدیدن عایشه رفته بود و اوزن بسیار زیبائی بود عایشه چون اورا ساده و بی آرایش دید گفت چرا چنین ساده و بی غازه هستی جواب داد برای‌که خود را زینت کنم بخدا قسم شوهرم لباس زهد پوشیده و رهبانیت اختیار کرده وقسم خورده که بامن نزدیکی نکند چون پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله بمنزل‌وارد شد عایشه قضیه عثمان‌را بعرض پیغمبررسانید فوراً پیغمبر بمسجد تشریف برده‌ومنادی مردم را دعوت بمسجد نمود همینکه اجتماع کردند پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله خطبهٔ قرائت فرمودپس از حمد وثنای الهی فرمود چرا بعضی از شما چیزهای طیب‌و حلال‌را برخود حرام نموده‌اید منکه پیغمبر شما هستم‌شبها را میخوابم ومباشرت با زن مینمایم وبیشتر روزهای غیر رمضان‌را افطار مینکم هرکه‌ازروش و سنت من اعراض نماید ازمن‌نیست آنها گفتند ایرسول خدا ما قسم‌خورده‌ایم پس خداوند آیه "لایؤاخذکم الله‌نازل‌فرمود .

در کافی ذیل آیه لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم‌از مسعدهٔ بن صدقه روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت صادق علیه‌السلام سوگند لغو را فرمود اینستکه‌بگویی‌نه بخدایا آری‌بخدا و اینگونه سوگندها واقع نمیشود و اینحدیث را عیاشی‌از آنحضرت نیز نقلکرده است .

عیاشی از زراه روایتکرده گفت سئوال نمودم ازحضرت صادق علیه‌السلام کفاره قسم را فرموده فقیر و بینوا را هرکدام دومد ازطعام باید داد باخورش که اعلای آن گوشت است و ادنایش زیتون و سرکه باشد (مد از یك چارك قدری زیاد تر میباشد) یا هرکدام‌از آن ده نفر را دو تکه لباس بدهد و اگر بضاعتی نداشت بایدسه روزمتوالی روزه بگیرد .

و نیز از ابرهیم بن عبدالحمید روایتکرده گفت سئوالکردم از حضرت موسی بن جعفر علیه‌السلام آیا می‌توانم کفاره‌را بیك‌نفر بدهم فرمود خیر باید بده نفر عطاکنی‌عرض کردم حضورش باقربا وخویشان خود می‌توانم فرمود آری گفتم بضعفا از زنانیکه‌غیر شیعه هستند می‌توانم عطاکنم فرمود آری ولی اگر بدوستان ما بدهی‌بهتر است ومن بیشتر دوست دارم.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قوله تعالی: **انما الخمر و المیسر والانصاب و الازلام رجس** تا آخر آیه

علی بن ابراهیم ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هرچیزیکه مستی آورد خمر است و هر چیزیکه زیاد آن سکر و مستی آورد کم آن هم حرام میباشد و سبب نزول این آنستکه ابابکر بر اثر آشامیدن شراب مست شده و در نتیجهٔ مستی شعر میگفت و گریه میکرد و بر کشتگان بدر مرثیه میخواند پیغمبر صدای اورا شنید و گفت خدایا زبان اورا از گفتار باز بدار دیگر حرف نزد تا آنکه مستی ازاو زایل شد و خداوند آیهٔ تحریم را نازل فرمود و آن ایام درمدینه از خرمای تازه شرابی درست مینمودند که بفضیح موسوم بود چون آیه نازل شد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روانه مسجد شد و فرمود ظرفهای شراب را درهم شکسته و ریختند بطوریکه آن روز درمدینه اثری از مسکرات باقی نماند و فرمود خداوند خرید و فروش و هر گونه انتفاع از مسکرات را چه بسیار و چه کم باشد حرام نموده وامر فرموده شارب خمر را برای اولین بار تازیانه بزنند و اگر برای دفعه چهارم باز بیاشامد اورا بقتل برسانند و فرمود شارب خمر را در قیامت از چرک و کثافاتیکه از فرج زنان زانیه تراوش مینماید و عفونت آن ساکنین درکات جهنم را اذیت مینماید می آشامانند و فرمود نماز شارب خمر تا چهل روز قبول نمیشود و چنانچه تا چهل روز دیگر بشرب خمر ادامه داده و بدون توبه بمیرد خداوند در روز قیامت اورا از کثافات خارج شده از فرجهای زنان زناکار سیراب میکنند و بمناسبت آنکه ظرفهای شراب فضیح را پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد دستور معدوم کردن آن را ابلاغ فرموده بودند آن مسجد مزبور به مسجد فضیح موسوم گردیده است.

اما مراد از میسر نرد وشطرنج و انواع قمار میباشد و مقصود از انصاب بتهائی استکه مورد پرستش کفار بودو ازلام قدحهائی استکه مشروبات را بآنها تقسیم مینمودند و خداوند خرید و فروش و هر گونه سودبردن اینها را حرام فرموده وخداوند دراین آیه خمر و قماررا هم ردیف وقرین بت پرستی قرارداده است.

و ما احکام و کیفر شراب خواررا در بخش اول تفسیر ذیل آیه ۲۲۰ سوره بقره مفصلا بیان کردیم بآنجا مراجعه شود.

حصین بن حمدان خصیبی وحسن بن ابو الحسن دیلمی صاحب کتاب ارشاد دیلمی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

يا ايها الذين آمنوا انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه لعلكم تفلحون (۹۰) انما يريد الشيطان ان يوقع بينكم العداوة و البغضاء في الخمر و الميسر و يصدكم عن ذكر الله و عن الصلوة فهل انتم منتهون (۹۱) و اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و احذروا فان توليتم فاعلموا انما على رسولنا البلاغ المبين (۹۲) ليس على الذين آمنوا و عملوا الصالحات جناح فيما طعموا اذا ما اتقوا و آمنوا و عملوا الصالحات ثم اتقوا و آمنوا ثم اتقوا و احسنوا والله يحب المحسنين (۹۳)

هردو از حضرت صادق عليه السلام در ذيل آيه انما الخمر و الميسر و الانصاب و الازلام رجس من عمل الشيطان تا آخر آيه روايت كرده اند كه فرمود روزى امير المؤمنين على بن ابى طالب عليه السلام ابو بكر را در محليكه سكه بنى نجار بود ملاقات كرد ابو بكر بآنحضرت سلام كرد و گفت اى ابو الحسن گمان ميكنم كه شما از اينكه مردم در سقيفه بنى ساعده جمع شده و مرا خليفه نموده اند مكدر شده ايد بدانيد كه من مايل باين امر نبودم و نميتوانستم با آراء مردم مخالفت كنم و پيغمبر فرموده امت من برخطا جمع نميشوند امير مؤمنان فرمود كدام امت بر خطا جمع نميشوند آنهائيكه اطاعت پيغمبر نموده و برهنمائى او هدايت يافته و در دين و امر خدا تغيرى نداده و بعهديكه خدا و رسولش در بارهٔ من از آنها گرفته وفا كرده اند يا مانند شما كه امر خدا را تغيير داده ايد ابو بكر گفت اى على بخدا قسم اگر كسيكه من باو وثوق دارم باين امر شهادت بدهد همانا امر خلافت را تسليم شما ميدارم امير المؤمنين فرمود كيستكه از پيغمبر موثق تر باشد كه در چهار مكان از تو و يارانت دربارهٔ ولايت من عهد گرفت و در بين ايشان عمر و عثمان هم حضور داشتند.

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای اهل ایمان همانا شراب و قمار وبت پرستی وتیرهای قمارپلیدوازاعمال شیطانی است دوری بجوئید از آنها تا رستگار شوید (۹۰) شیطان میخواهد در اثر می گساری و قمار میان مسلمانان عداوت و دشمنی اندازد و شما را از یاد خدا و نماز باز دارد آیا از این کردار باز نمیدارید نفس خود را ؟ (۹۱) و اطاعت کنید خدا و رسول را وبترسید از مخالفت او و اگر روی بر گردانیدبدانید برسول ما جز آنکه آشکارا تبلیغ کند تکلیفی نخواهد بود (۹۲) نیست بر آنهائیکه ایمان آورده ونیکوکار شدند باکی در آنچه‌از طعها مها خورند هرگاه‌پرهیز کار شده و ایمان آورده و عمل نیکو بجای آرند سپس با تقوی و ایمان باشندپس‌از آن پرهیز کار و نیکو بوده باشند و خداوند نیکو کاران را دوست میدارد (۹۳)

یکی در بیعت الرضوان . در زیر درخت . دوم ـ در خانهٔ ام سلمه .

سوم ـ در یوم الدار .

چهارم ـ در روز غدیر خم‌پس از مراجعت از حجة الوداع ـ که شما تماماً گفتید شنیدیم‌واطاعت میکنیم امرخدا ورسول‌اوراو پیغمبراکرم گواهی شمارابرخودتان‌حجت گرفت‌وگفتید خداورسول‌او شاهد وگواهما میباشد وبازپیغمبر فرمود بایدحاضرین‌این امررا بغائبین برسانندو بعضی از شما شاهد بعضی دیگر باشید وهمهٔ شما ولایت‌مرابمن تهنیت و تبریك گفته و عمر نزدیك من آمده و دست خودرا روی کتفم گذاشت ودر حضور شما گفت :

بخ بخ لك یا علی اصبحت مولای و مولی کل مؤمن و مؤمنة یا علی صبح نمودی درحالتیکه‌تو مولای‌من ومولای مؤمنان هستی ابوبکر گفت‌ای ابوالحسن بیان امری‌نمودی که اگر من‌درحیوة پیغمبر ازآنحضرت میشنیدم کاملا اطاعت میکردم امیر المؤمنین باو فرمود ای ابو بکر خدا و رسول شاهد بر تو میباشند اگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زنده شود و بفرماید چرا در حق من ستم نمودی‌حقیکه خدا ورسول او

jabir.abbas@yahoo.com
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

يا ايها الذين آمنو ليبلونكم الله بشئي من الصيد تناله ايديكم و رماحكم
ليعلم الله من يخافه بالغيب فمن اعتدى بعد ذلك فله عذاب اليم (۹۴) يا
ايها الذين آمنوا لا تقتلوا الصيد و انتم حرم و من قتله منكم متعمداً
فجزاء مثل ما قتل من النعم يحكم به ذوا عدل منكم هدياً بالغ الكعبة او
كفارة طعام مساكين او عدل ذلك صياماً ليذوق و بال امره عفا الله عما سلف و من
عاد فينتقم الله منه والله عزيز ذو انتقام (۹۵) احل لكم صيد البحر وطعامه
متاعاً لكم و للسيارة و حرم عليكم صيد البر ما دمتم حرماً و اتقوا الله
الذي اليه تحشرون (۹۶)

برای من مقرر فرموده اند نه برای تو و سایر مسلمین دیگر، چه میگوئی او آیا حق مرا تسلیم نموده و بکنار خواهی رفت؟ گفت آری اگر پیغمبر را بعد از رحلت او مشاهده نموده و بمن امر کند خلافت را بشما واگذار خواهم کرد، امیر المؤمنین دست ابو بکر را گرفته بجانب مسجد قبا بردو هردو وارد مسجد شدند ابوبکر دید رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشغول نماز است از ترس بصورت بزمین افتاد وغش کرد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صدا زد ای ابوبکر سر بردار از زمین ای گمراه حیله گر و فتنه انگیز ابوبکر سر برداشت و گفت لبیک ای رسول خدا آیا پس از مرگ باز زندگانی و حیوة است؟ پیغمبر فرمود و ای بر تو ای ابوبکر آن خدائی که زنده مینماید همان خداست که میمیراند و بهر کاری توانائی دارد ابوبکر ساکت شد پیغمبر اکرم بحالت غضبناک بر ابوبکر نظر نموده و فرمودای ابوبکر وای بر تو عهدی که در چهار موضع برای علی در نزد خدا و رسولش کردی فراموش نمودی؟ گفت فراموش نکرده ام فرمود پس چرا حق علی را غصب کرده و با او بمنازعه برخاستی؟ وتمام عملیاتی که ابوبکر مرتکب شده بود بپیغمبر باو گوشزد فرمود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای اهل ایمان همانا خداوند شما را بچیزی از صید میآزماید که در دسترس شما ویا نیزهای شما بیایند تا بداند که کدامیك از شما در باطن از خدا میترسید پس هر کس بعد از این از حدود خدا تجاوز نماید او را سخت عذاب دردناکی خواهد بود(۹۴) ای اهل ایمان در حال احرام صید را نکشید و هر که عمداً بکشد مثل آن صید را که مانند اورا دومؤمن عادل حکم کنند بعنوان هدی بکعبه رساند یا چند نفر مسکین را طعام دهد یا روزه بگیرد تا عقوبت مخالفتش را بچشد خداوند از گذشته پیشین شما در گذرد ولی هر کس تکرار کند خدا از او انتقام کشد و خداوند مقتدر و صاحب انتقام است (۹۵) صید دریا و خوردن آن برشما حلال شد تا شما و کاروانان از آن بهره‌مند شوید و صید بیابانی تا زمانیکه محرم هستید برشما حرام است وبترسید از خدائیکه بسوی او باز گشت میکنید(۹۶)

و آنچه را که قبلا امر فرموده بود مجدداً بابوبکر تکرار نمود ابوبکر عرض کرد ایرسول خدا آیا توبهٔ من قبول میشود و اگر خلافت را بعلی واگذار کنم خداوند از گذشته من خواهد گذشت ؟ فرمود بلی اگر توچنانچه میگوئی عمل نمائی من ضمانت خواهم نمود که خداوند توبهٔ ترا قبول فرماید وبرعهد خود استوارباش و پیغمبر از نظر ابوبکر پنهان شد ابوبکر بامیرالمؤمنین علیه السلام متوسل شده گفت وای بر من ای علی با من بیائید که در مسجد پیغمبر رفته بالای منبر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مشاهدات خود را بمردم بگویم که چگونه پیغمبر را زیارت نموده و اوامر آنحضرت راکه بمن فرموده بمردم تذکر داده وخلافت را بشما تسلیم کنم ، امیرالمؤمنین فرمود من با شما خواهم آمد ولی شیطانی که با تو هست نمیگذارد این کار را انجام دهی ، ابوبکر گفت اگر شیطان مرا رها نکند من شیطان را رها مینمایم و از اواطاعت نخواهم کرد ، امیرالمؤمنین فرمود من برای آنکه حجت را بر تو تمام کنم پیغمبر را بتو نشان دادم و اطمینان دارم که بر خلاف آنچه میگوئی پیروی از شیطان خواهی نمود و از مسجد قبا خارج

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

شده بطرف مسجد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روانه شدند ابوبکر در هر لحظه رنگش متغیر میشد و مردم هم که بابوبکر نگاه میکردند با خود میگفتند چه حادثه ای روی داده که ابوبکر آنقدر متوحش و ترسناك شده عمر او را دید و گفت ای خلیفه رسول خدا چه خبر است که تا این حد وحشت داری ؟ ابوبکر گفت ای عمر دست از من بدار بخدا قسم دیگر گفته‌های ترا قبول نمیکنم ، عمر گفت قصد کجا دارید؟ جواب داد میخواهم بمسجد و بالای منبر رفته امر مهمی را بمردم بگویم ، عمر گفت اکنون وقت مسجد و منبر نیست !! ابوبکر گفت ای عمر مرا رها کن و من بسخنان تو احتیاجی ندارم عمر گفت پیش از رفتن بمسجد لااقل برای تجدید وضو بخانهٔ ما بیا ابوبکر بامیر المؤمنین نظر نموده گفت ای ابوالحسن شما بمسجد رفته و نزد منبر بنشینید تا من بسوی شما بیایم آنحضرت تبسمی کرد و فرمود نگفتم شیطان ترا رها نمیکند و نمیگذارد قصد خود را انجام دهی ، امیر المؤمنین بمسجد تشریف برد و ابوبکر و عمر هم بمنزل رفتند و و ابوبکر شرح قضایای خود و دیدن پیغمبر و اینکه او امر نموده است خلافت را بامیر المؤمنین تسلیم دارد برای عمر بیان کرد و گفت علی بمن گفته که تو ای عمر شیطانی هستی و نمیگذاری من بعهد خدا و رسولش عمل نمایم عمر بابوبکر گفت ترا بخدا قسم بیاد میآوری روز اول ماه رمضانی که روزه بر ما واجب شده بودوقتی که حذیفهٔ یمانی و سهل بن حنیف و نعمان ازدی و خزیمة بن ثابت بسوی خانهٔ تو آمده بودند که قرومن خود را تأدیه کنند از پشت در صدائی شنیده و توقف کردند شنیدند که عیالت ام بکر میگوید آفتاب بلند شده برخیز و داخل خانه پنهان شو تا اصحاب محمد صلی الله علیه و آله صدای ترا نشنوند و خون ترا حلال نشمارند زیرا محمد صلی الله علیه و آله خون کسی را که مخالفت با امر خدا نموده و بدون علت مسافرت و بیماری عمداً روزه رمضان را افطار کند حلال شمرده است بعیالت گفتی طعامی که از شب مانده بیاور و ظرفی ازشراب پر کن عیالت طعام وشراب برایت آورده و در روز ماه رمضان شراب نوشیده مست شدی و این اشعار راخواندی و آن جماعت از پشت در صدای تو را می‌شنیدند ترجمهٔ اشعار ابوبکر این است

• ای ام بکرمرا بحال خودم واگذار ـ همانا مرگ ما را مانند گیاه خشك ونابود

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

میسازد-قوم وعشیرهٔما همیشه‌سرگرم شرابند- پسرابن‌ابی کبش بمامیگوید که زوداست زنده شویم - کجاست زنده شدن ؟- زنده‌شدن پس ازمرك از موهومات وخیالاتست- آنچه محمد ﷺ میگوید باطل است و از سخنان بی پا و زورگوئی است - آگاه باشید آیاکسی هست از جانب من بخدای رحمن خبررسانیده وبگویدکه من تارك‌ماه رمضانم و روزهٔ آنرا افطار میکنم و برساند باوکه هرچه به محمد ﷺ وحی‌میکند همه ازافسانه های پیشینیان است اگرراست میگویند خدا مانع شراب خوردن من‌شود و دست مرا بگیردکه درماه رمضانش غذا نخورم وکار حکیم آنست که اگر الاغی دید بگردنش افسار می اندازد ».

تمام این‌اشعاروسخنان کفرآمیزرا حذیفه وهمراهانش‌ازپشت درشنیده‌ودیدند که پیغمبر را هجو میکنی یکدفعه بخانه ات هجوم آوردند و ترا ای ابوبکردیدندکه کاسه پر از شراب را در دست گرفته ومینوشی بتوگفتند ای دشمن خدا و رسول این چه حالت‌است؟وترا بمسجد برده که درحضورپیغمبراکرم قصهٔ تو را با اشعارت‌بگویند و بعضی هم بتو میگفتند بگو دیشب هم شراب خورده بودم و عقلم زایل شده تاحدبتو نزنند محمد ﷺ بیرون آمده بسویت نظرکرده و فرمود وای برتو مگرنمیدانی‌که شراب و مسکرات عقل را زایل میکند؟و ماگفتیم ای پیغمبرگرامی امرءالقیس‌اشعاری دردم شراب گفته است :

« شربت الاثم حتی زال عقلی کذاك الخمر یفعل بالعقول »

یعنی شراب خوردم تا عقلم زایل شد و همین‌کاررا مسکرات باعقل‌ها مینمایند.

ای ابوبکر ترا چه شده آنوقت محمد ﷺ را تکذیب مینمودی‌و اکنون اورا تصدیق میکنی و حال آنکه باعتقاد ما محمد ﷺ مردی دروغگووساحربود؟ابوبکر گفت ای عمر برای من شکی ازآنچه میگوئی نیست وقصه آن ماه رمضان و خوردن شراب و گفتن آن اشعار را بخوبی بخاطر دارم والان بهمان عقیده باقی هستم بمسجد برو وبعلی بگو انتظارمرا نداشته باشد عمربمسجد رفته وبعلی گفت درپی کارخویشتن برووازفکر آنکه خلافت رابگیری‌منصرف شوامیرالمؤمنین تبسمی فرمود وسپس گفت وای برتوای عمر ووای براین‌امت که شما خلیفه وپیشوای آنها باشید عمردر پاسخ گفت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

جَعَلَ اللّٰهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَاماً لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ
وَالْقَلَائِدَ ذٰلِكَ لِتَعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِي الْاَرْضِ وَاَنَّ اللّٰهَ
بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (٩٧) اِعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَاَنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٩٨)
مَا عَلَى الرَّسُولِ اِلَّا الْبَلَاغُ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ (٩٩) قُلْ لَا يَسْتَوِي
الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ اَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللّٰهَ يَا اُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ
تُفْلِحُونَ (١٠٠) يَا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْئَلُوا عَنْ اَشْيَاءَ اِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَاِنْ
تَسْئَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللّٰهُ عَنْهَا وَاللّٰهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ (١٠١)

ای علی گفته های شما حق وراست است هرچه میخواهی بگو وامیرالمؤمنین بجانب منزل خود برگشت.

واین روایت را طبرسی دراحتجاج ودیگران با اندك اختلافی ذکر نموده اند.

و شیخ در تهذیب از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود بشارب خمر باید حد بزنند چه کم آشامیده باشد چه زیاد. وفرمود قدامة بن مظعون راکه شراب آشامیده بود نزد عمر آوردند وپس از گواهی شهود عمر از امیرالمؤمنین کسب نظر نمود امیرالمؤمنین فرمود که هشتاد تازیانه براو بزنند قدامه گفت یاعلی برمن نباید حد زده شود چون من ازاهل این آیه میباشم (لیس علی الذین آمنوا وعملوا الصالحات جناح فیما طعموا) امیرالمؤمنین فرمود تو ازاهل این آیه نیستی اهل این آیه وطعام که بیان شده مؤمنینی هستند که عمل نیکو داشته و طعام حلال میخورند نه حرام وشارب خمر نمیداند چه میخورد وچه می آشامد اورا هشتاد تازیانه بزنید و زدند.

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هرمسکری را حرام نموده است واگرشارب خمری راحضور آنحضرت میآوردند اوراحد میزدند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خداوند قرار داد کعبه را خانه محترم بجهت قوام مردمان و ماه حرام وقربانی نشاندار و بی نشان ازبرای آنستکه بدانید که خدا بهرچه درآسمان و زمین است آگاه وبهمه چیز داناست (۹۷) بدانید که کیفر خداوند سخت و او آمرزنده و مهربانست (۹۸) نیست بررسول جز تبلیغ احکام وخدا میداند هرچه پنهان یا آشکارکنید (۹۹) بگو ای پیغمبر هرگز مرد پاك وناپاك یکسان نخواهند بود هرچند زیادی پلیدان شما را بشگفت آورد پس ازخدا بترسیدای خردمندان تارستگارشوید(۱۰۰)

ای اهل ایمان هرگز از چیزهائی پرسش نکنید که اگر فاش شود شما را بدآیدواگرسئوال اورا هنگام نزول قرآن واگذارید ظاهرشود و بمصلحت شماست خداوند درگذرد از سئوالات گذشته شما و اوآمرزنده وبردبار است(۱۰۱)

واگرباز می‌آشامید برای دومین مرتبه هم حد جاری میفرمود وبرای دفعه سوم شارب خمر را بقتل میرسانید و میفرمود هرچه که مستی آوردزیاد و یا کم آشامیدن آن نیز حرام است .

پیغمبراکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود زود است که بیایند طایفهٔ که بیتوته میکنند در حال غنا و شرب خمرولهوولعب و خداوند آنها را درهمانشب مسخ مینماید و چون صبح شود بصورت بوزینه و خنزیرمیشوند .

واحذروا یعنی تعدی وطغیان در معصیت نکنید همانطورکه اصحاب سبت (روز شنبه) تعدی کردند که دستهٔ از مردم یهودبودند وبر آنها صید نمودن درروزشنبه حرام شده بود میگفتند روزشنبه برطایفهٔ پیش از ما حرام بوداما برای ما حلال است و آنها را بهمین سبب مؤاخذه‌خواهند کرد ومیگفتند ماازروزی که صید شنبه را حلال‌دانستیم درخیرونیکوئی بودیم و اموالمان فراوان وبدنهایمان سالم بوده خداوندآنها رادریك شب مسخ وهلاك نمودو چون شرب‌خمروقمارحرام شد طایفهٔ ازمهاجرین‌وانصارحضور پیغمبرعرض کردند آیارفقای سابق‌ماکه مرده اند چون شرب خمر نموده اند موردعذاب

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

واقع خواهند شد پیش از حرام شدن و خداوند خمررا نجس شمرده و ازعمل شیطان قرارداده است که این آیه نازل شد.

قوله تعالی: **لیس علی الذین آمنوا وعملوا الصالحات جناح فیما طعموا**

طبرسی ازبعض صحابه روایت کرده گفتندوقتی آیه حرمت شراب نازل شدجمعی از اصحاب حضورپیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم عرض کردندایرسول خداپس چه میفرمائید درحق برادران مسلمانان ماکه شراب نوشیدند و از داردنیا رفته اند؟ خداوند این آیه را نازل فرمود بر آنهائیکه ایمان آورده و نیکوکارشدند گناهی نیست در آنچه خورده اند هرگاه پرهیز کاریرا پیشه خود قرار داده اند. و این معنی منافات ندارد که شراب درمذهب یهود و نصاری پیش از اسلام حرام بوده است چه حجاز واهل مکه برمذهب یهود ونصاری نبودند تا پیش ازنزول آیه حرمت شراب شرب خمر ننموده باشند.

درکافی ذیل آیه «یا ایهاالذین آمنوا لیبلونکم الله» تاآخرازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود این آیه درجنگ حدیبیه نازل شده خداوند برای آنها صید را جمع کرد پس داخل رحلهایشان جادادند و آنها را آزمایش فرمود و تا خدا اتمام حجت ننماید کسی را عذاب نخواهد کرد.

قوله تعالی: «یاایهاالذین آمنوا لاتقتلوا الصیدتا آخر» ظاهر آیه واجب است کفاره دادن کسی که عمداً صید راکشته، ودرتفسیر آیه واجب است جزاء برهرکسی که صید راکشته خواه بعمد وخواه بخطا.

تزویج مأمون دخترش ام الفضل را بحضرت جواد (ع)

علی بن ابراهیم از محمدبن میمون نصیبی روایت کرده گفت وقتی که مأمون خواست دخترش ام الفضل را بحضرت جواد علیه السلام تزویج نماید تمام اهل خود رااحضار نموده و قصد خود را باطلاع آنها رسانید،عدهٔ باو گفتند ای امیرمگرمیخواهی خلافتی راکه در عهده داری از دست بدهی باآنکه میدانی و بخوبی میشناسی بین ما و اولاد علی عداوتی قدیم موجوداست؟مأمون گفت ازاین سخنان درگذرید و من باین ازدواج علاقهٔ شدیدی دارم، گفتند ای امیرمیخواهی نورچشم خود را به ازدواج طفلی درآوری

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

که هنوز آشنائی در دین ندارد و بین واجب و مستحب تمیز ندهد و حق را از باطل نشناسد؛ودر آنموقع سن مبارك حضرت جواد علیه السلام ده ویا یازده سال بود وتأکید کردند که خوبست چندی صبر کنید تا تربیت یافته و بآداب دین مؤدب شود و بتواند قرآن قرائت کند وواجبات راازمستحبات بشناسد،مأمون گفت بخدا قسم او ازهمه شماباحکام خدا و رسول داناتراست و واجب ومستحب را بخوبی میداند وقرائت قرآن میکنددر حالیکه محکم ومتشابه وعام و خاص و ناسخ و منسوخ و تاویل و تنزیل آنرا ازشما بهترمیداند بیائید از او سئوال کنید اگرطوریست که شما میگوئید قبول مینمایم واگر چنانست که من میگویم تصمیم خود را اجرا خواهم نمود وگفت بروید یحیی بن اکثم قاضی القضاة و دانشمندان وعلمائی که نظیر ندارند حاضر کرده بیایند و مال وهدایائی زیاد بدهید تاآنکه با حضرت جواد علیه السلام مباحثه کنند ومسائلی از آنحضرت بپرسند که در مجلس تزویج بتواند جواب دهد و در مجلس مباحثه عدهٔ کثیری از مردم حضور داشته باشند برطبق دستور مأمون عمل نموده و جمع بیشماری حاضرشده و حضرت جواد علیه السلام هم تشریف آورد بمأمون گفتنداجازه میدهی که یحیی از حضرت جواد مسئله بپرسد؛مأمون به یحیی بن اکثم گفت هرمسئله‌فقهیه که میخواهی سئوال کن وببین‌چطور میداند وچگونه از عهدهٔ جواب برمیآید ؟ .

یحیی از حضرت جواد پرسید چه میفرمائی درشخص محرمی که درحال احرام صیدی راکشته؟آنحضرت فرمودبگوئیدبدانم کسی که صید راکشته درحرم کشته یادر خارج، عمدی بوده یا بخطا،ازروی علم مرتکب شده‌یا نادانی،کشنده عبد بوده یاآزاد صغیربوده یاکبیر، دفعه اولش‌بوده یا خیر،آیا ازطیور وپرندگان بوده وآیا از جوجه ها بوده،ویا بزرك آیااصراردر کشتن صید داردیا پشیمان است،درشب‌بوده یا بین‌الطلوعین و یا در روز،آشکاراکشته ویا پنهانی،دراحرام عمره بوده و یا دراحرام حج؟یحیی چنان خجالت کشید که صحبت راقطع کرد وتمام اهل‌مجلس متوجه شده وبه تعجب‌در آمدند و مأمون ازجواب حضرت جوادبا ونشاط وخوشحالی شدیدی براو دست داد که‌مافوق آن تصور نمیرفت گفت ای ابوجعفرجواد آیا اذن میدهی که خطبه عقد را جاری کنم؟ فرمود بلی مأمون خطبه ذیل را خواند :

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قد سألها قوم من قبلكم ثم اصبحوا بها كافرين (١٠٢) ما جعل الله من بحيرة و لا سائبة ولا وصيلة و لا حام ولكن الذين كفروا يفترون على الله الكذب و اكثرهم لا يعقلون (١٠٣) و اذا قيل لهم تعالوا الى ما انزل الله و الى الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا اولو كان آباؤهم لا يعلمون شيئاً و لا يهتدون (١٠٤) يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم لا يضركم من ضل اذا اهتديتم الى الله مرجعكم جميعاً فينبئكم بما كنتم تعملون (١٠٥)

الحمد لله اقراراً بنعمته و لا اله الا الله اخلاصاً لعظمته و صلى الله على محمد عند ذكره و قد كان من فضل الله على الانام ان اغناهم الله بالحلال عن الحرام فقال و انكحوا الايامى منكم و الصالحين من عبادكم و اماءكم ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله و الله واسع عليم

پس گفت محمدبن علی خواستگاری کرده ام الفضل دختر عبدالله را و صداق او را پانصد درهم طلا بذل کرده من که پدر دختر هستم تزویج کردم او را بتو ای حضرت جواد آیا قبول داری؟ فرمود بلی قبول دارم این ازدواج را بهمین صداق سپس مأمون بمردم بحسب مراتب شأن و مقامشان که در آن مجلس بودند ولیمه داد در این هنگام صدای کشتیبانها آمد که یك کشتی نقره را که حامل لباسهای ابریشمین و عطریات فراوان بود کشیده و میآورند از محمولات کشتی اول هدایائی بخاصان داده سپس بتمام اهل مجلس نثار نمودند و چون مردم متفرق شدند مأمون بحضرت جواد علیه السلام گفت اگر صلاح بدانید برای ما اقسام کشتن صیدرا که فرمودی بیان کنید؟ فرمود هرگاه صیدرا در خارج حرم و از پرندگان کشته باشد بر کشنده واجبست گوسفندی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

طایفه ای پیش از شما سئوال کردند از آن امور سپس صبح کردند در حالتیکه کافر شدند بآنها (۱۰۲) خداوند برای بحیره (بره شکم ششم را گویند) و سائبه (شتری که نذر کرده بودند) و وصیله (گوسفندیکه اختصاص ببتها دارد) و حام (شتر نری را گویند که حرام بود برزنان) حکمی معین نفرموده ولی کفار در جعل این احکام برخدا دروغ بستند و بسیاری از آنها دارای شعور نیستند (۱۰۳) و هر گاه بآنها گفته شود بیائید از آنچه خدا نازل کرده و از دستور رسولش پیروی کنید میگویند آن دینیکه پدران خود را بر آن یافتیم برای ما کافی است آیا با آنکه پدرانشان چیزیرا ندانسته و راهنمائی نشدند اینان هم از پدران خود پیروی کنند (۱۰۴) ای اهل ایمان شما ایمان خود را محکم نگاهدارید و اگر همهٔ عالم گمراه شوندو شما براه هدایت باشید زیانی از آنها بشما نخواهد رسید بسوی خدا است باز گشت همه و بآنچه کردید آگاه خواهند کرد شمارا (۱۰۵)

بکشد و اگر در حرم بوده دو برابر میشود و اگر جوجه را در غیر حرم بکشد باید بچه گوسفندی که از شیر گرفته شده باشد بدهد و چون در حرم نبوده قیمتی برای آن نیست و اگر در حرم کشته شود قیمت هم اضافه میشود و هر گاه صید غیر پرنده بوده در الاغ و شتر وحشی باید بدنه بدهد و اگر توانائی ندارد شصت فقیر را خوراک دهد و اگر توانائی آنراهم ندارد هیجده روز روزه بگیرد و اگر صید گاو بود باید گاو بدهد و اگر توانائی نداشت سی مسکین را طعام بدهد و اگر آنراهم نتوانست نه روز روزه بگیرد و اگر صید آهو بود یك گوسفند بدهد اگر نداشت ده فقیر راطعام میکند اگر توانائی آنراهم نداشت سه روز روزه بگیرد و اگر در حرم بود تمام آنها دوبرابر میشود و حق واجبی است که باید ادا نماید اگر در احرام حج باشد در منی نحر کند واگر در احرام عمره بود در مکه نحر میشود و تصدق بقیمت آن میدهد تا دو برابر شود و اگر روباهی هم بکشد یك گوسفند است و اگر کبوتری بکشد یك درهم صدقه بدهد یا برای کبوتران حرم دانه بخرد و در جوجه نصف درهم است و در تخم آن چهار یك درهم است و هر گاه اینهارا از روی نادانی مرتکب شود چیزی بر او نیست

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مگر در صید که در آن فداء است خواه بداند یا نه بخطا باشد یا عمد و اگر صغیر نابالغ مرتکب شود بر او چیزی نیست و اگر تکرار کند از کسانی است که خداوند در آخرت از او انتقام خواهد کشید و اگر راهنمائی کند دیگری را در صید کردن و بکشد صید را براین راهنما فداء لازم آید و تکرار کننده بعقوبت اخروی گرفتار خواهد شد و شخص پشیمان عقوبت اخروی ندارد و اگر شب بخطا در لانه آنها را کشت چیزی بر او نیست و اگر عمداً باشد چه در روز و چه در شب باید فداء بدهد و محرم به حج در منی و محرم بعمره در مکه فداء بدهد مأمون امر کرد این مسائل را بنویسند پس تمام اهلبیت خود را که میل ازدواج نداشتند بخواند و گفت آیادر میان شما کسی که این مسائل را بداند وجود دارد؟ گفتند بخدا قسم قاضی هم قادر نبود جواب این مسائل را بدهد چه رسد بما مأمون گفت وای بر شما کار این خانواده از کار سایر مردم جداست آیا نمیدانید که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله برای حضرت امام حسن و امام حسین باآنکه هردو طفل و نا بالغ بودند بیعت گرفت و کسی برای طفل نا بالغ بیعت نمیگیرد و پدرشان علی علیه السلام به پیغمبر ایمان آورد در حالیکه دوازده ساله بود و پیغمبر ایمان او را پذیرفت و از هیچ طفلی قبول نمیکرد اما نمیدانید آنها از نسلی غیر از نسل دیگران هستند آخر آنها مانند اول آنها است گفتند ای امیر راست گفتی شما از ما بهتر میدانستی آنگاه مأمون امر کرد بر حضرت جواد علیه السلام سه طبق از عطریات و زعفران نثار کنند که در میان آنها سند املاك بود اول آنها را که اسناد بود بر وزراء و دوم که زروطلا بود بر بنی هاشم و سوم که عطریات بود بسایر مردم دادند و همیشه حضرت جواد تا زمانیکه مأمون در حیوة بود مورد احترام و تکریم بود و مأمون آنحضرت را بر اولادهای خود مقدم میداشت.

در کافی اززهری روایت کرده گفت روزی خدمت حضرت امام زین العابدین علیه السلام رسیدم فرمود از کجا میآئی؟ عرض کردم از مسجد پرسیدند چه میکردید؟ گفتم با جمعی از دوستان درمسئله‌ای مباحثه میکردیم رای اکثریت ما براین شد که غیر اززروزه ماه رمضان دیگر روزه واجب نیست، فرمود ای زهری اینطور نیست که تو میگوئی روزه بر چهل قسم است ده قسم از آن واجبست مثل وجوب روزهٔ ماه رمضان وچهارده

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قسم آن اختیاری‌است‌میخواهند میگیرند و اگر بخواهند افطار کنند و ده قسم دیگر حرامست و سه قسم روزه اذن است و یکی روزهٔ تادیب و روزه اباحه و روزه سفر و مریض است ، عرض کردم فدایت شوم آنها را تفسیر بفرمائید ؟ فرمود روزه‌های واجب یکی روزهٔ ماه رمضان است و دیگری روزه دو ماه متوالی بر آنکسی که عمداً درماه رمضان افطار کند و یکی دیگر دو ماه متوالی در قتل غیر عمدی است برای کسی که بندهٔ نیابد که آنرا آزاد کند چونکه خداوند میفرماید و **من قتل مؤمناً خطأً فتحریر رقبة مؤمنة و دیة مسلمة الی اهله** تا آنجائیکه میفرماید **فمن لم یجد فصیام شهرین متتابعین** و دو ماه روزهٔ متوالی در کفارهٔ ظهار که میفرماید **و من لم‌یجد فصیام شهرین متتابعین من‌قبل ان یتماسا** و روزهٔ سه روز در کفارهٔ قسم برای کسی که‌نتواند فقیران را خوراك بدهد **فمن لم یجد فصیام ثلثة ایام‌ذلك کفارة ایمانکم اذا حلفتم** تمام‌اینها روزهٔ متوالی‌است ومتفرق نیست و روزهٔ کسی که در حال احرام سر بتراشد واجبست زیرا میفرماید **فمن کان به اذی من راسه ففدیة من صیام او صدقة او نسك** صاحب‌تقصیر مخیر است درآنکه یا قربانی نماید یافدیه بدهد یا سه روز روزه بگیرد و دیگر روزهٔ قربانی حج از برای کسیکه نتواند قربانی کند فرمود **فمن تمتع بالعمرة الی الحج فما استیسر من الهدی فمن لم یجد فصیام ثلثة ایام فی الحج و سبعة اذا رجعتم تلك عشرة کاملة** و روزهٔ جزاء صید کردن واجب است چه میفرماید **ومن‌قتله‌متعمداًفجزاء مثل ما قتل من النعم یحکم به ذوا عدل‌منکم‌هدیاًبالغ‌الکعبةاو کفارة طعام مساکین او عدل ذلك صیاماً**

و حضرت فرمود ای زهری میدانی مراد ازعدل ذلك صیاماً چیست؟ عرض کردم خیرفرمودصیدرا قیمت میکنند پس‌از آن‌بهاصیدراباگندم‌مقایسه میکنندو ببینندباقیمت آن چند صاع گندم میدهند برای هر نصف صاع گندم یك روزروزه بعوض آن‌میگیرند و روزه نذر واجب است و همینطور واجب است روزهٔ اعتکاف و اما روزهٔ های‌حرام روزه روز عید فطر و قربان و سه روز ایام تشریق و روزه روزی که شك دارید که از رمضانست یا شعبان هم بآن امرشده وهم نهی شده وامرشده ازآن جهت که از شعبان باشد و نهی شده بعنوان آنکه از رمضان است خدمت حضرت عرض کردم اگر کسی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

از ماه شعبان چیزی روزه نگرفته باشد روزهٔ شك را چگونه بگیرد؟ فرمود نیت ماه شعبان میکند اگر ثابت شد رمضان است کفایت میکند واگر شعبان بود ضرر ندارد حضورش عرض کردم چطور روزهٔ مستحب بجای روزهٔ واجب کفایت میکند؟ فرمود اگر کسی روزه بگیرد ماه رمضان را ازروی استحباب و نمیداند که ماه رمضان است پس از آنکه دانست کفایت میکند ازاو زیرا واجب تعلق گرفته به همان ماه معین وروزهٔ وصال نیز حرام است و روزهٔ صمت وسکوت و روزهٔ نذر برای رسیدن بعمل حرام و معصیت حرام است و روزه تمام سال و عمر حرام است اما روزهٔ که شخص مخیر است مثل روزه روز جمعه وپنجشنبه و دوشنبه وایام البیض و روزهٔ شش روز از ماه شوال متصل بعید فطر و روزهٔ روز عرفه وروز عاشورا که درتمام اینها شخص مخیر است که بگیرد و یا افطار کندواما روزهٔ اذن زن نمیتواند روزهٔ مستحب بگیرد مگر باذن شوهرش وهمچنین بنده مگر باذن مولایش ومهمان مگر باذن میزبان و صاحبخانه چه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر کس وارد شد بکسی روزه نگیرد مگر باذن آنکس و اما روزهٔ تادیب مثل روزهٔ بچه که نزدیك بلوغ باو امر میشود روزه بدارد و واجب نیست و همینطور روزهٔ کسی که بعلت بیماری افطار نمود اول روز پس از آن خوب شد بقیه روز را امساك میکند یا مسافر بوده افطار کرده بود داخل شهر خودش میشود باید بقیه روز را امساك کند ولی واجب نیست واما روزهٔ مباح هر کس بخورد و بیاشامد از روی فراموشی و بدون عمد مباح فرموده خداوند او را و کفایت میکند روزهٔ او واما روزهٔ مریض و مسافر عامه اختلاف کردند عده‌ای گفتند روزه بگیرند طایفه دیگر گفته‌اند افطار کنند ودسته‌ای هم گفته اند مخیرهستند در گرفتن و نگرفتن و ما اهلبیت میگوئیم هردو باید افطار کنند پس اگرمعصیت کرد و در سفر یا بیماری روزه گرفت باید قضاء آنرا بجاآورد زیرا خداوند دراینمورد می فرماید :

فمن کان منکم مریضاً او علی سفر فعدة من ایام اخر

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام در آیه « لاتقتلوا الصید وانتم حرم » روایت کرده فرموده هرگاه شخص محرم در حال احرام کبوتری را بکشد باید یك گوسفند صدقه بدهد واگرجوجه آنرا کشت باید بچه گوسفندی صدقه بدهد واگرتخم آنرا لگد کرده

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وبشکنند باید یکدرهم صدقه بدهد و این صدقه را در مکه ومنی میدهد .

در کافی ذیل آیه «احل لکم صید البحر وطعامه» ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود برمحرم حلال است صید ماهی وخوردن او وفرمود هرحیوانیکه درخشکی تخم گذارد و روی او بنشیند آن جزء حیوانات بیابانی است که حرام است برمحرم درحال احرام صید نمودن او واگردرآب تخم گذاردان جزء حیوانات دریائی و آبی است وبر محرم صید کردن او حلال و جایز است .

عیاشی ذیل آیه «جعل الله الکعبة البیت الحرام» از ابان بن تغلب روایت کرده گفت سئوال کردم ازحضرت صادق علیه السلام معنی آیه را فرمود خداوند کعبه را بپا نموده برای دین و معاش خلایق .

طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هرکس بخانه کعبه رود بقصد سود دنیا یا آخرت خداوند باو عطا فرماید و نیز فرمود مادامیکه کعبه معظمه بپاست و مردم بحج می روند هلاك نمیشوند و هرگاه خراب شد یعنی مردم رفتن بحج را ترك نمودند خداوند آنها را هلاك می نماید .

عیاشی ذیل آیه « یا ایها الذین آمنوا لاتسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم تا آخر آیه» از احمدبن محمد روایت کرده گفت خدمت حضرت رضا علیه السلام چیزی نوشته بودم در آخر جواب نامهٔ من مرقوم داشتند: برشما باد دوری کنید اززیادسئوال کردن همانا هلاك شدند کسانی که پیش ازشما بودند بعلت زیاد سئوال کردن و آیه را مرقوم داشته بودند

در کافی ازابی جارود روایت کرده گفت فرمود حضرت باقر علیه السلام هرگاه حدیث کردم شما را سئوال نمائید از من که آن موضوع در کجای قرآن است و فرمود پیغمبر اکرم نهی کرده از کثرت سئوال و گفتار بی مورد وفاسد کردن اموال، عرض کردم حضورش ایفرزند رسول خدا این فرمایشات شما در کدام آیهٔ ازقرآن می باشد؟ تلاوت فرمود آیه لاتسئلوا عن اشیاء را تا آخر و نیزاین آیه را قرائت نمود لاخیرفی کثیرمن نجویهم و آیه ولاتؤتوا السفهاء اموالکم را .

علی بن ابراهیم ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود صفیه دختر عبدالمطلب پسری داشت وفات کرد عمر اورا ملاقات کرد و باو گفت بپوش گوشواره ات را همانا قرابت و پیوستگی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و رحم بودن با پیغمبر برای توهیچ نفع و سودی نخواهد داشت، گفت ای پسر ختنه نشدهٔ ومتعفن آیا گوشوارهٔ برای من دیدی، و گریان حضور پیغمبر رفته و آنچه عمر گفته بود عرض کرد و بیرون رفت پیغمبر بوسیله منادی مردم را بمسجد احضار نمود همینکه مردم در مسجد جامع جمع شدند فرمود چگونه است حال کسانی که گمان کردند قرابت و بستگی ورحم با من نفعی ندارد برای کسی، درصورتی که من درقیامت درمکان پسندیدهٔ ایستاده و خارج از ارحامم را شفاعت میکنم چگونه ازارحام و بستگان خود شفاعت نمینمایم و فرمود هم اکنون هریك از شما که میل داشته باشد هویت پدر ان خود را به پرسد تا من جواب بگویم، مردی ازجای خود برخاست وعرض کرد پدر من کیست؟ فرمود آن که تو ادعا وتصور میکنی نیست کنایه از آنکه زنازاده هستی ومادرت تورا اززناتولد نموده و او فلانکس است دیگری همین سئوال را نمود؛ فرمود تو پسر پدرت هستی یعنی حلال زاده‌ای فرمود باز چگونه است حال آنهائی که خیال میکنند که خویشی وقرابت با من نفع ندارد.

از این فرمایش چنین استنباط میشود که می‌فرماید هرگونه حسب ونسبی خلل دارد جزحسب و نسب خاندان محترم رسالت و ولایت شاهد براین مطلب فرمایشی است که بامیرالمؤمنین میفرماید ای علی خانوادهٔ من وتوازنکاح است وبقیه مردم تماماً از سفاح یعنی از زنا باین معنی که سلسله اعقاب آنها بالاخره ازیك طرف بزنا و حرام زادگی برمیخورد پس چطور است این خانواده که تمام سلسلهٔ اعقاب آنها تا زمان حضرت آدم بدون هیچ ریب وشکی ازحلال است خویشاوندی و قرابت باآنها نفع نداردولی قرابت آنهائی که ممکن نیست هیچیك از اعقاب آنها تا بآدم برسد حلال زاده باشد نفعی داشته باشد واین جمله اززیارت هم دلالت براین معنی دارد « اشهد انك کنت نوراً فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهرة » خلاصه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ازاظهارات عمر بصفیه بسیار غضبناك شد عمر برخاست وگفت پناه میبرم بخدا از غضب او ورسولش عفو کنید از من خداوند عفومیفرماید از شما وآیه سابق نازل شد.

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام در معنی آیه « ماجعل الله من بحیرة ولاسائبة ولا وصیلة ولاحام » روایت کرده فرمود مردمان زمان جاهلیت هر وقت گوسفند پنج شکم

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

میزائید بره ششم را بحیره مینامیدند و آن گوسفند را برای بت ها اختصاص میدادند و وصیله نام میگذاشتند وهر گاه گوسفندی درشکم ششم دوبره دفعة میزائید مادهٔ آنرا جهت بتها مقرر میداشتند و میگفتند به برادرش رسید و گوشت آنرا بر زنان حرام میدانستند و حام شتر نر را میگفتند که ذبح آنرا حلال ندانسته و چیزی بر او حمل نمیکردند خداوند در این آیه کریمه تمام آن اعمال را رد کرد .

عیاشی از عماربن ابی احوص روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت باقر علیه السلام سائبه چیست؟ فرمود آن بندهٔ ایستکه او را مولایش آزاد کند و باو بگوید برو بهر کجا که میخواهی جنایات تو بر عهد من نیست و میراث توراهم نمیخواهم پس آن بنده ولی ندارد جز خداوندو هر کس ولی او خدا باشد، رسول اکرم و ائمه هم براو ولایت دارند و میراث آن بنده برای امام میباشد (وما در احکام ارث بیان کردیم که یکی از اسباب ارث بردن ولاء امام میباشد) .

ابن باویه از ثعلبه اسدی روایت کرده گفت سئوال کردم از پیغمبر اکرم معنی آیه « یا ایها الذین آمنوا علیکم انفسکم را » فرمود امر بمعروف کنید و نهی ازمنکر و صبر وبردباری رابپیشه خودقراردهیدهرچند مردم را مشاهده کنید که پیروی از هوای نفس میکنند. و نیزفرمود نفسهای خود را اصلاح کنید و درصدد تحقیق وتجسس امور پنهانی مردم نباشید ، و اعمال دیگران را مورد بحث و مذاکره قرار ندهید زیرا اگر نیکوکارباشید گمراهی مردم بشما زیانی نمیرساند .

در کافی ذیل آیه «یا ایهاالذین آمنوا شهادة بینکم اذا حضر» تاآخر ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود این آیه در بارهٔ دو نفر نصرانی بنام ابن بندی و ابن ابی ماویه نازل شده که بایك نفر مسلمان از قبیله تمیم وادی بسفر رفته بودند ، بامرد مسلمان پول و اثاثیه و ظروف طلا ولوازم دیگری بود که بمنظور فروش همراه برداشته چون بمدینه رسیدند مرد مسلمان مریض شد وقتی احساس مرك خود را نمود هرچه داشت بآن دو نفرهمسفر خود داد که بورثه او بدهند پس از مرك او نصرانی ها وجوه نقد و قسمتی از اموال را بورثه او رد کردند ولی ظروف طلا و اشیاء نفیسهٔ که بود تسلیم ننمودند، ورثه که از حال او اطلاع داشتند پرسیدند که آیا مرض تمیم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ
اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ
مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي
بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَمِنَ الْآثِمِينَ (۱۰٦)
فَإِنْ عُثِرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَآخَرَانِ يَقُومَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ
عَلَيْهِمُ الْأَوْلَيَانِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَا
إِنَّا إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ (۱۰۷)

مدتی بطول انجامیده؟ گفتند خیر چندروز بیشتر مریض نبود سئوال کردند آیا چیزی ازاو بسرقت رفته و یا در تجارت خسارتی کرده بوده؟ گفتند خیر پرسیدند پس اموال نفیس و جواهرات و زرینه الاتی که همراه او بود چه شد جواب دادند هرچه بما داده بود بشما تحویل دادیم و زائد بر آنرا اطلاعی نداریم ورثه حضور پیغمبر شرفیاب شده و چگونگی راعرض نمودند پیغمبر اکرم آندو را قسم داد هردو قسم خورده و رهاشدند پس از چندی جواهرات را در نزد آنها مشاهده نموده و پیدا شدن آنها را به پیغمبر خبر دادند و گفتند که آن دو نفر قسم دروغ خورده اند، پیغمبر منتظر وحی شد تااینکه این آیه نازل شد و مراد از «واخران من غیرکم» اهل کتاب میباشند چه خداوند شهادة اهل کتاب را فقط در وصیت در سفر آنهم در صورتیکه مسلمان نباشد معتبر دانسته و بشهادت اولی پیغمبر ان دو نفر نصرانی راقسم داده بود بعدا فرمود اگر اطلاع یافتید که آن دو شاهد بدروغ قسم خورده اند مانند آن دو نصرانی که حضور پیغمبر دروغ قسم خوردند باید در اینصورت دو نفر دیگراز آنهائیکه مدعی هستند که شاهدین اول دروغ قسم خورده اند بجای آنها قرار دهید چنانچه امرفرمود پیغمبر بورثه تمیم که بر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای اهل ایمان چون یکی از شما را اجل در رسد برای وصیت خود دو شاهد عادل از از خودتان یا غیر خودتان گواه بگیرید واگر در سفر، مرگ بشما در رسد آن دوشاهد را نگاه دارند اگر از آنها بد گمان باشند تا بعد از نماز آنانرا سوگند دهند که بحق شهادت میدهیم و برای شهادت خود هرگز بهائی نمیخواهیم هرچند شهادت بر علیه خویشانمان باشد و گواهی خود را برای خدا کتمان نخواهیم کرد و اگر کتمان شهادت کنیم البته از گناهکاران خواهیم بود (۱۰۶) اگر بر احوال این دو شاهد اطلاعی حاصل شود که مرتکب گناهی شده اند دو شاهد دیگر که سزاوار باولیاء میت و شهادت باشند بجای آنها قیام کنند بخدا سوگند یاد نمایند که شهادت ما راست تر از شهادت آن دو شاهد پیشین است و ما اصلا از حق تجاوز نکردیم و اگر تجاوز نمائیم دراینصورت از ستمکاران باشیم (۱۰۷)

آنچه اطلاع یافتند قسم بخورند و پس از قسم خوردن جواهرات را از آن دو نفر نصرانی گرفته و بورثه رد نمود.

در کافی از یزید کناسی روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت صادق علیه السلام معنی آیه «یوم یجمع الله الرسل فیقول ماذا اجبتم قالوا لا علم لنا» را فرمود تاویل این آیه آنستکه خداوند به پیغمبران میفرماید چگونه امت ها از دعوت اوصیاء شما اجابت کردند؟ پیغمبران جواب گویند خدایا ما نمیدانیم چه کردند امت بعد از رفتن ما ازمیان آنها و فرمود پس از آیات توبیخ و ترس آیات رحمت و غفران خواهد بود. و بسند دیگر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود معنای آیه اینست چه جواب میدهند ای پیغمبران در باره وصیت هایتان؟ گویند ما نمیدانیم بعد از رفتن امت با آنها چه معامله و رفتار نمودند.

ابن بابویه در آیه «و اذ علمتك الکتاب» تا آخر آیه ازابن سکیت روایت کرده گفت حضور حضرت رضا علیه السلام عرض کردم برای چه خداوند حضرت موسی را بایدو بیضا و حضرت عیسی را با معجزات گوناگون از قبیل شفای بیماران و زنده کردن

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ذلك ادنى ان يأتوا بالشهادة على وجهها او يخافوا ان ترد ايمان بعد ايمانهم و اتقوا الله و اسمعوا و الله لا يهدى القوم الفاسقين (۱۰۸) يوم يجمع الله الرسل فيقول ماذا اجبتم قالوا لا علم لنا انك انت علام الغيوب (۱۰۹) اذ قال الله يا عيسى ابن مريم اذكر نعمتي عليك و على والدتك اذ ايدتك بروح القدس تكلم الناس في المهد و كهلا و اذ علمتك الكتاب و الحكمة و التورية و الانجيل و اذ تخلق من الطين كهيئة الطير باذني فتنفخ فيها فتكون طيرا باذني و تبرئ الاكمه و الابرص باذني و اذ تخرج الموتى باذني و اذ كففت بني اسرائيل عنك اذ جئتهم بالبينات فقال الذين كفروا منهم ان هذا الا سحر مبين (۱۱۰)

مردگان و حضرت محمد صلی الله علیه و آله را با قدرت کلام و فصاحت مبعوث فرموده است؟ آنحضرت فرمود چون در زمان موسی ساحر زیاد بود موسی را با قدرتی که سحر همگی آنها را باطل کرده و حجت را بر آنها تمام نماید نزد آنها فرستاد، و چون در عصر عیسی بیماران زیاد و عدهٔ زیادی زمین گیر و فالج بوده و به طب و طبیب زیاد محتاج بودند عیسی را با آن معجزات فرستاد، و در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در بین اعراب خطیب و شاعر و مردم فصیح زیادبود برای پیغمبر ازجانب خداوند کتابی که قرآن است حاوی موعظه و حکمت و در عین حال با کمال فصاحت و بلاغت نازل گردید که فصحا و خطباء و شعراء بعظمت آن سر تسلیم فرود آوردند و برای عامه مردم حجت بزرگ بود ابن سکیت بحضرت رضا علیه السلام گفت بخدا قسم مانند شما امروز در روی زمین نیست بفرمائید دراین زمان حجت برمردم چیست؟ حضرت جواب دادند امروز عقل حجت خلق است که مردم بوسیله عقل خود، راستگویان را تشخیص داده و

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

این نحو نزدیکتر است بآنکه شهادت را بر وجه خود ادا کنند و از اینکه اوصیاء بر ورثه قسم را رد کنند بیمناك نباشید و از خدا بترسید و سخن حق را بشنوید که‌خدا مردم فاسق را راهنمائی نخواهد کرد(۱۰۸) روزی که خدا همه پیغمبران را جمع کند و آنگاه بآنها بگوید چگونه‌امتها از دعوت شما اجابت کردند گویندپروردگارا ما نمیدانیم ، توئی‌که بباطنهای مردم آگاه هستی (۱۰۹) ای پیغمبر بیاد بیاور وقتیکه خداوند فرمود بعیسی‌پسرمریم بیاد آور نعمتی را که بتو و مادرت عطا کردیم درآن زمانیکه ترا بروح القدس تائید دادیم که در گهواره بامردم سخن گفتی و بتو تعلیم کتاب و حکمت و توزات و انجیل داده و آنگاه باذن من از گل شکل پرندهساخته‌و در آن دمیدی و کور مادرزاد و پیس را بامر من شفا دادی و مردگانرا بامر من‌ازقبرها بیرون آوردی و دست ستم بنی اسرائیل راازسر تو کوتاه کردم و توبامعجزات روشن بهدایت آنها آمدی و گفتند آنهائیکه کافر شدند‌این معجزات نیست جز سحری آشکار(۱۱۰)

تصدیق مینمایند و دروغگویان را شناخته و آنهارا تکذیب مینمایند .

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود عیسی بکنار قبر یحیی بن زکریا رفت و از خدا در خواست نمود که یحیی باو جواب بدهد فورا قبر شکافته‌شد و یحیی از قبر بیرون آمده گفت از من چه میخواهی؟ عیسی گفت میخواهم مانندایام حیوة خود بامن مأنوس شوی یحی‌جواب داد هنوز آثار حرارت موت از من دورنشده تومیخواهی مرا دو باره بسوی دنیا بر گردانی و مجدداً طعم‌مرگ را بمن بچشانی‌چون عیسی این کلام را از او شنید او را رهاکرد و بقبر برگشت .

ابن‌بابویه از علی‌بن‌فضال روایت کرده در آیه‌و اذ اوحیت الی الحواریون ان آمنوا بی و برسولی گفت حضور حضرت رضا علیه السلام عرض کردم چرا به‌پیروان مسیح ، نصاری میگویند؟ فرمود برای آنکه عیسی و مریم ازمصر که برگشتند درقریه ناصره که از شهرهای شام است فرود آمدند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اِذْ اَوْحَيْتُ اِلَى الْحَوَارِيِّينَ اَنْ آمِنُوا بِي وَ بِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَ اشْهَدْ بِاَنَّنَا مُسْلِمُونَ (۱۱۱) اِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ اَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۱۱۲) قَالُوا نُرِيدُ اَنْ نَاْكُلَ مِنْهَا وَ تَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَ نَعْلَمَ اَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَ نَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ (۱۱۳) قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِاَوَّلِنَا وَ آخِرِنَا وَ آيَةً مِنْكَ وَ ارْزُقْنَا وَ اَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (۱۱۴)

عیاشی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده گفت: یوسف صنعانی از آنحضرت سئوال نمود مراد از وحی که به حواریون شده چیست؟ فرمود خداوند بآنها الهام کرده بود.

طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در آیه اذ قال الحواریون یا عیسی بن مریم هل یستطیع ربك فرمود معنای این آیه آنست که آیا میتوانی از پروردگارت بخواهی تا مائده ای برای ما بفرستد و فرمود مائده نان و گوشت بود و از حضرت عیسی در خواست نمودند که غذائی بودن و خاصیت طعامی مائده تمام نشود فرمود تا زمانی که خیانت و معصیت و تکبر نکنید خاصیت مائده باقی است و اگر مرتکب آن اعمال شوید خداوند شما را عذاب خواهد نمود، در همان روز هرسه معصیت را بجا آوردند و بزرگان آنها گفتند ما نمیگذاریم اشخاص پست از این مائده بخورند و خداوند آن مائده را از میان آنها برداشت و آنها را بصورت خنزیر مسخ نمود و فرمود پس از آنکه مائده بر آنها نازل شد جمع شده و قریب چهار هزار و هفتصد نفر آنها خوردند و همینکه سیر شدند بعضی از مترفین و بزرگان آنها گفتند نزول مائده چیز مهمی نبود پیشینیان ما هم از این قبیل مائده ها خورده اند لذا خداوند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و یاد کن هنگامیکه بحواریین وحی کردیم که بمن و رسول من ایمان آورید گفتند ایمان آوردیم خدایا گواه باش که ما تسلیم امر تو هستیم (۱۱۱) بیاد آور زمانیکه حواریون گفتند ای عیسی پسر مریم آیا خدای تو میتواند از آسمان برای ما مائده بفرستد؟ عیسی گفت بآنها : بترسید از خدا اگر ایمان آورده اید (۱۱۲) حواریون گفتند ما میخواهیم از مائده آسمان تناول نموده و اطمینان حاصل کرده و بر یقین قلبی ما بیفزاید و بدانیم که توراست گوئی و بر آن گواه باشیم (۱۱۳) عیسی گفت پروردگارا تو از آسمان برای ما مائده بفرست تا این روز برای ما و آیندگان ما روز عید مبارکی گردیده و حجتی از طرف تو برای ما باشد و روزی بده بما که تو بهترین روزی دهندگانی (۱۱۴)

مائده را از میان آنها برداشت و یاوه گویان را بصورت بوزینه و خنزیر مسخ نمود .

ودر کافی از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود بوزینه و خوك طایفه ای از بنی اسرائیل بودند که در روز شنبه که صید ماهی بر آنها حرام بود مبادرت بصید میکردند و کفتار طایفه ای از بنی اسرائیل بودند و ایمان نیاوردند تا مائده به عیسی نازل شد و بعد مسخ شدند و دردریا ها و خشکی عدهٔ ای از حیوانات بصورت آنها هستند

عیاشی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده در آیه و اذ قال الله یا عیسی بن مریم أنت قلت للناس تا آخر فرمود عیسی بآن مردم نگفت که شما مرا و مادرم رادو خدا قرار ندهید لکن بعداً بآنها خواهد گفت و چون خداوند بعلم خود میداند که چنین چیزی واقع خواهد شد بوقوع و گذشتن آن خبر میدهد و این روایت رااز حضرت صادق علیه السلام نیز نقل نموده است که آنحضرت فرمود هرگاه خداوند اراده بر حدوث واقعهٔ بفرماید پیش از آنکه وجود یابد میفرماید واقع شده است و این آیه در صورت ظاهر بلفظ ماضی است ولی معنای مستقبل و آینده دارد و هنوز نفرموده و زود است بفرماید زیرا نصاری مدعی شدند که عیسی بآنها گفته که من و مادرم دو

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قَالَ اللّٰهُ اِنّی مُنَزِّلُها عَلَیکُم فَمَن یَکفُر بَعدُ مِنکُم فَاِنّی اُعَذِّبُهُ عَذاباً لا اُعَذِّبُهُ اَحَداً مِنَ العالَمِینَ (۱۱۵) وَ اِذ قالَ اللّٰهُ یا عیسَی ابنَ مَریَمَ ءَ اَنتَ قُلتَ لِلنّاسِ اتَّخِذُونی وَ اُمّیَ اِلٰهَینِ مِن دُونِ اللّٰهِ قالَ سُبحانَکَ ما یَکُونُ لی اَن اَقُولَ ما لَیسَ لی بِحَقٍّ اِن کُنتُ قُلتُهُ فَقَد عَلِمتَهُ تَعلَمُ ما فی نَفسی وَ لا اَعلَمُ ما فی نَفسِکَ اِنَّکَ اَنتَ عَلّامُ الغُیُوبِ (۱۱۶)

خدای دیگر غیر از خدا هستیم پس روز قیامت بین نصاری و عیسی بن مریم را جمع نموده و بعیسی میفرماید آیا تو باینها گفتهٔ آنچه را که ادعا میکنند عیسی میگوید پروردگارا اگر من گفته بودم تو میدانستی چه تو از سرائر درونی من آگاهی ومن از سر تو بی خبرم وتو هستی که بهمه اسرار نهانی خلایق آگاهی.

ونیز درتفسیر تعلم مافی نفسی ولا اعلم مافی نفسک ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرموداسم اعظم هفتادوسه حرف است وخداوند حرفی از آنرا مستور وپوشیده داشته و از اینجهت آنچه راکه در نفس خداوند میباشد کسی نمیداند خداوند آن هفتادو دوحرف را بآدم عطا فرمود و انبیاء وپیغمبران آنرا بارث بردند تا رسید بحضرت عیسی و روی این اصل عیسی میگوید خداوند هفتاد و دو حرفی که در نفس من است تو میدانی زیرا که تو آنها را بمن تعلیم دادهای و من آنچه در نفس تو است نمیدانم زیرا آن یك حرف را از مخلوقات خود مستور داشته و آنچه در نفس شما است کسی نمیداند.

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود نزد عیسی دو حرف بود که بآندو عمل مینمود و با موسی چهار حرف بود و با ابراهیم شش حرف و با نوح هشت حرف و با آدم بیست و پنج حرف و تمام آنها را جمع و برسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وپیغمبر خاتم عطا فرمود و اسم خدا هفتاد و سه حرف است که هفتادو دو حرف آنرا رسول اکرم دارا بوده و یکحرف آن از آنحضرت مستور بوده است این دو روایت دارای

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فرمود خدا من برای شما مائده میفرستم چنانچه بعد از نزول آن هر که کافر شود او را عذابی کنم که هیچیك از جهانیان را چنان عذاب نکرده باشم (۱۱۵) و یاد کن وقتیکه خدا بعیسی گفت آیا تو بمردم گفتی که من و مادرم را دو خدای دیگر غیراز خدای عالم اختیار کنید عیسی گفت خدایا تو منزهی از داشتن شریك هرگز مرا نرسد که چنین سخنی بنا حق بگویم اگر من گفته بودم تو میدانستی چه، از اسرار درونی من آگاهی ولی من از سر تو بی خبرم تو هستی که به اسرار نهانی مردم آگاهی داری(۱۱۶)

تاویلاتی است و برای کسانی که ادعا میکنند که دارای علم اعداد میباشند بیان گردید وعامه مردم از این قبیل روایات استفاده نمیکنند و ما خواستیم هر صنف از مردم خوشه ای از این تفسیر جامع چیده و بدانند هرچه از علوم واکتشافات در دنیا شده وبشود تمام آنها در فرمایشات ائمه دوازده گانه موجود است و اگر کسی بیانات و فرمایشات آن بزرگواران را ندیده و یا نفهمیده باشد دلیل بر آن نیست که علوم مزبور دراسلام نمیباشد و عدم وجدان دلیل برعدم وجود نیست.

شیخ صدوق در کتاب مصباح الشریعه در آیه « یوم ینفع الصادقین صدقهم » از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود حقیقت و راستی اقتضا میکند که خداوند بندگان را پاکیزه نماید چنانچه ذکر مینماید از راستی عیسی در روز قیامت و نتیجه راستی بیزاری از آتش جهنم میباشد برای بعضی از افراد امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و آیه را تلاوت فرمودند و هنگامیکه بیان نمود حضرت عیسی بطلان ادعاء و گفتار کذب نصاری را خداوند میفرماید این روز قیامت روزی است که راستگویان از گفتار راست خود بهره مند میشوند ونیز ضریس از حضرت باقر علیه السلام در معنی این آیه روایت کرده فرمود زمانیکه روز قیامت شد مردم همه زنده شده برای حساب بعرصهٔ محشر وارد و همگی در جدوجهد وتلاش هستند که زودتر خلاص شوند، در عرصهٔ محشر میایستند و خداوند از فوق عرش چنان بر همهٔ آنها احاطه پیدا میکند که قابل وصف نیست اولین صدائی که منادی مینماید و تمام خلایق میشنوند آنست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را باسم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ما قلت لهم الا ما امرتنی به ان اعبدوا الله ربی و ربکم و کنت علیهم شهیداً ما دمت فیهم فلما توفیتنی کنت انت الرقیب علیهم و انت علی کل شیئی شهید (۱۱۷) ان تعذبهم فانهم عبادک و ان تغفر لهم فانک انت العزیز الحکیم (۱۱۸) قال الله هذا یوم ینفع الصادقین صدقهم لهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها ابداً رضی الله عنهم و رضوا عنه ذلک الفوز العظیم (۱۱۹) لله ملک السموات و الارض و ما فیهن و هو علی کل شیئی قدیر (۱۲۰)

محمدبن عبدالله بنی قرشی العربی صدا میزنند وپیش میآید آنجناب تا اینکه درطرف راست عرش پروردگار توقف مینماید پس از آن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب را ندا میکنند و آنحضرت در طرف چپ عرش قرار میگیرد بعد امت پیغمبر را صدا میزنند و در طرف چپ علی علیه السلام میایستند سپس هریك از انبیاء و امت آنهارا ندا میدهند و در طرف چپ عرش میایستند آنگاه اول کسی را که در موقف سئوال حاضر میکنند قلم است که بصورت آدمی نزد عرش حاضر شده توقف میکند. خداوند تبارك وتعالی میگوید آیا در لوح آنچه را که بتو وحی و الهام شده نوشتی؟ قلم میگوید بلی ای خداوند تو میدانی که آنچه بمن وحی فرموده بودی در لوح نوشتم خداوندمیفرماید شاهد بر صدق مدعایت کیست؟جواب میدهد پروردگارا آیا غیر از ذات اقدست کسی بر اسرارت اطلاع یافته که شاهد بر آن باشد خطاب میرسد با این حجت و بیانت رستگار شدی، بعد از قلم لوح بصورت آدمی حضور یافته و درکنار قلم توقف میکند و باو میفرماید آیا قلم آنچه از وحی و الهام باو شده بود بر تو نوشت؟ لوح میگوید آری و من آنها را بفرشته اسرافیل رسانیدم آنگاه اسرافیل خوانده میشود و آنهم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

چیزی بآنها نگفتم جز آنچه تو مرابآن امر نمودی و گفتم خدائی را بپرستید که پروودگار من و شماست و تا زمانیکه میان آنها بودم خودت بر آن مردم گواه بوده و چون روح مرا قبض نمودی باز خود نگهبان احوال آنها بودی و بر همه چیز گواه و آگاه هستی (۱۱۷) اگر آنها را عذاب کنی بندگان تواند و اگر از گناه ایشان درگذری توئی توانا و دانا بمصلحت امور (۱۱۸) فرمود خداوند این روز قیامت روزیستکه صادقان از راستی خود بهره مند میشوند و برای آنها بهشتهائیست که زیر درختانش نهر ها جاریست و دران همیشه متنعم خواهند بود و خداوند از آنها خشنود و آنها هم از خدا خشنود و فیروزی و سعادت بزرك همین است (۱۱۹) آسمانها و زمین و هرچه در آنها است همه ملك خدا بوده و او بر هرچیز توانائی دارد (۱۲۰)

بصورت آدمی آمده وپهلوی لوح و قلم میایستد خداوند فرماید آیا لوح آنچه راکه بر آن نوشته بود بتو رسانید؟ عرض میکند بلی و آنرا بفرشته جبرئیل رسانیدم جبرئیل خوانده میشود و پیش میآید و در کنار اسرافیل میایستد باو خطاب میشود که آیا اسرافیل آنچه را بایدبتو برساندرسانید؟ میگوید بلی و آنهارا بسوی پیغمبرانت رسانیدم و تمام اوامر و نواهی که امر و مقرر شده بود به پیغمبران یکی بعد از دیگری ابلاغ نمودم و آخرین آنها که وحی وحکمت و دانش وکتاب آسمانی قرآن را بوی رسانیدم محمد بن عبدالله عربی قرشی حرمی حبیب و دوستت بود حضرت باقر علیه السلام فرمود اول کسی که از فرزندان آدم را برای سئوال بخوانند محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم است که خداوند باو جزا میدهد ودر آنروز در محضر کبریائی پروردگار مقرب تر و نزدیکتر از آنحضرت کسی نیست وخداوندمیفرماید: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آیا جبرئیل آنچه وحی شده بودرسانید و بسویت کتاب و حکمت و دانشی که فرستاده بودم آورد؟ گوید بلی مجددا میفرماید گواه تو کیست؟ میگوید ذات مقدس پروردگار شاهد وگواه است و نیز فرشتگان و نیکو کاران امتم گواه و شاهدند که آنچه را بمن وحی و ابلاغ شده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

به بندگان و افراد امت رسانیده ام و ادای رسالت کرده ام و البته گواهی خودت کافی است ، آنگاه فرشتگان را برای گواهی بخوانند و گواهی دهند و امت را برای گواهی رسانیدن احکام بخوانند و گواهی دهند سپس میفرماید : ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آیا در میان امت بجای خود کسی را گذاشتی که حکمت و دانش را بپا داشته و قرآن و کتاب مرا تفسیر و بیان کند و در مواقع بروز اختلاف در احکام دین باو مراجعه و پس از تو آن شخص حجت و جانشین من در روی زمین باشد ؟ میگوید بلی ای خداوند من علی بن ابیطالب علیه السلام برادر و وزیر و وصی و بهترین امتم را در زمان حیوتم بخلافت و جانشینی خود نصب کرده و امت را باطاعت و فرمانبرداری از او ملزم ساخته و از آنها بر این امر بیعت گرفتم و عهد نمودند که او را پیشوا و مقتدای خود بشناسند آنگاه علی علیه السلام را بخوانند و باو میفرماید آیا محمد صلی الله علیه و آله و سلم در بارهٔ تو بامت وصیت نمود و برای جانشینی و خلافت تو از آنها عهد و پیمان گرفت و ترا در زمان حیوة خود نشانهٔ هدایت خلق قرار داد و آیا تو برای آن مقام ایستادگی و استقامت کردی ؟ علی علیه السلام گوید بلی ای پرودگار ، محمد صلی الله علیه و آله و سلم مرا جانشین خود نمود و در زمان حیوتش بخلافت نصب کرد ولی همینکه روح او را بسوی خودت قبض فرمودی امت منکر خلافت من شده و مکر و خدعه نمودند و مرا پیروی و تمکین نکرده و کسی که مؤخر بود بر من مقدم داشته و مرا که مقدم بودم مؤخر گذاردند و نزدیك بود مرا بقتل برسانند و سخنان مرا نشنیده و اطاعت و فرمانبرداری نکردند تا جائیکه نا گزیر به جنك و جهاد شده و بالاخره در همین راه مرا کشتند خداوند میفرماید آیا بعد از خودت حجت و خلیفهٔ در میان امت گذاشتی که رهنمای بندگان در روی زمین باشند و آنها را بسوی دین من هدایت و رهبری کنند میگوید بلی ای پروردگار حسن فرزندم که فرزند دختر پیغمبرت بود در میان امت بجا گذاشتم ، لذا امام حسن علیه السلام را بخوانند و از او سئوالی را که از علی علیه السلام شده بود بنمایند و بعد از آن یك بیك امامان را خوانده و سئوال میفرمایند و هر کدام حجت و دلیل آورند مانند حجت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خداوند عذر آنها را قبول فرموده و حجت و برهان آنها را میپذیرد و میفرماید این روزی است که نفع میدهد براستگویان سخنان و گفتار راست آنان پس ضریس راوی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

حدیث گفت در این جا فرمایشات حضرت باقر علیه السلام صلوات الله علیه وعلی آبائه الطاهرین منقطع شد سپس خداوند بیان فرماید عظمت و قدرت وسعه مملکت خود را بقولش «لله ملك السموات والارض ومافیهن و هو علی کل شیئ قدیر» خداوند توانائی دارد بر معدومات باینکه ایجاد نماید آنها را و بر موجودات که نابود گرداند آنان را و بر اینکه دو مرتبه بوجود آورد آنها را پس از نابود کردن

پایان سوره مائده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی خلق السموات و الارض و جعل الظلمات و النور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون (۱) هو الذی خلقکم من طین ثم قضی اجلا و اجل مسمی عنده ثم انتم تمترون (۲) و هو الله فی السموات و فی الارض یعلم سرکم و جهرکم و یعلم ما تکسبون (۳) و ما تأتیهم من آیة من آیات ربهم الا کانوا عنها معرضین (٤) فقد کذبوا بالحق لما جاءهم فسوف یأتیهم انبؤا ما کانوا به یستهزؤن (٥)

سوره انعام

در مکه نازل شده

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود سوره انعام یکدفعه درمکه نازل شد و یکصدو شصت و پنج آیه است و هفتاد هزار فرشته تا نزول بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آنرا مشایعت کردند و به تسبیح و تهلیل و تکبیر مشغول بودند پس این سوره را گرامی داشته و آنرا قرائت کنید و بدانید اسم خداوند جل و علی در هفتاد موضع این سوره ذکر شده واگر مردم خواص آنرا بدانند هرگز در قرائت آن کوتاهی نکنند سپس حضرت صادق علیه السلام فرموده هرگاه کسی حاجتی داشته باشد و بخواهد خداوند حاجت اورا اجابت فرماید باید چهار رکعت نماز بجا آورد باین ترتیب که درهر رکعت بعد ازحمد سورهٔ انعام را خوانده وپس ازاتمام قرائت سوره،این دعارا بخواند.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بنام خداوند بخشنده مهربان

ستایش میکنم خداوندیکه آسمانها و زمینهارا بیافرید و تاریکی و روشنائی را برقرار داشت باز کافران به پروردگار خود شرك میآورند (١)اوست خدائیکه بیافرید شمارا از گل ،سپس اجل و مرك را مسلط کرد و اجل معین نزد اوست باز در قدرت او شك خواهید آورد ؛(٢) اوست خدای آسمان و زمین باخبر است از نهان و آشکار شما و و بهر چه کسب کنید دانا است (٣) نیامد بسوی آنها آیتی از آیات الهی مگر آنکه از روی عناد دوری جسته و روی بگردانیدند (٤) حق که بر آنها آمد (پیغمبر وقرآن) تکذیب کردند و بزودی خبر اشخاصیکه حق را به سخریه و و استهزاء گرفتند بشما میرسد که چه روزکار بدی خواهند داشت (٥)

یاکریم یاکریم یاکریم یاعظیم یاعظیم یاعظیم یااعظیم من کل عظیم یا سمیع الدعاء یامن لا یغیره الایام و اللیالی صل علی محمد و آل محمد وارحم ضعفی و فقری و فاقتی و مسکنتی فانك اعلم بهامنی و انت اعلم بحاجتی یامن رحم الشیخ یعقوب حین رد علیه یوسف قرة عینه یامن رحم ایوب بعد حلول بلائه یا من رحم محمداً علیه و آله السلام لیتم اواه و نصره علی جبابرة قریش و طواغیتها و امکنه منهم یا مغیث یامغیث یا مغیث قسم بآن کسی که جانم در دست قدرت اوست اگر این نماز را بخواند و بعد از نماز هم باز این ذکر را بگوید و حاجت خود را بخواهد البته خداوند حاجتش راعطا فرموده و بخل نماید انشاءالله و این حدیث را عیاشی نیز روایت کرده .و ابن عباس ازپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر که در شب سورهٔ انعام را قرائت کند روز قیامت از آتش جهنم ایمن باشد و هرگز آتش آنرا بچشم مشاهده ننماید/و نیز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود هر که سورهٔ انعام را از اول سوره تا آخر آیه « تکسبون » قرائت کند خداوند چهل هزار

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

الم یروا کم اهلکنا من قبلهم من قرن مکناهم فی الارض مالم نمکن لکم و ارسلنا السماء علیهم مدراراً وجعلنا الانهار تجری من تحتهم فاهلکناهم بذنوبهم و انشأنا من بعدهم قرناً آخرین (٦) و لو نزلنا علیک کتاباً فی قرطاس فلمسوه بایدیهم لقال الذین کفروا ان هذا الا سحر مبین (٧) وقالوا لولا انزل علیه ملک ولو انزلنا ملکاً لقضی الامر ثم لاینظرون (٨) ولو جعلناه ملکاً لجعلناه رجلا و للبسنا علیهم ما یلبسون (٩)

فرشته را موکل گرداند که ثواب عبادات خودشانرا تاروز قیامت برای او بنویسند

و حضرت صادق علیه السلام فرمود هرکس سوره انعام را با مشك و زعفران نوشته و بشوید و شش روز متوالی از آب آن بیاشامد خیر بسیاری روزی او شود و هیچ بدی باو نرسد و از هردرد و مرضی باذن خدای تعالی معاف باشد .

ابن بابویه در آیه « الحمدلله الذی خلق السموات والارض » تا آخر آیه ازرسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود شبی که مرا بآسمان بردند جبرئیل مرا به نهری رسانید که نامش نور بود جبرئیل گفت ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم ازاین نهر پربرکت عبور کن خداوند تعالی وپروردگار نور این نهر را بسط داده و دیدهٔ ترا نورانی نموده است این نهری است که نه فرشته مقرب ونه پیغمبرمرسلی از آن عبور نمیکنند و فقط من هستم که هرروز دراین نهر فرو رفته وبیرون میآیم و عبور میکنم پیغمبر اکرم فرموداز نهرعبور کردم تا رسیدم به حجب که مجموعاً پانصد حجاب است که فاصله میان هرحجابی تا حجاب دیگر پانصد سال راه میباشد جبرئیل بمن گفت پیش برو گفتم ای جبرئیل پس چرا با من نمیآئی ؟ گفت من از این مکان نمیتوانم تجاوز کنم من پیش رفتم تا آنجائی که خدا میخواست و شنیدم که پروردگار فرمود ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم من محمودم و تو محمدی و اسم ترا ازاسم خودم مشتق نمودم هرکس بتو متصل شود من هم باو نزدیك

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیا ندیدند پیش از ایشان چه بسیار مردمیکه هلاك نمودیم وحال آنکه توانائی بآنها در روی زمین داده بودیم که بشما آن توانائی رانداديم وازآسمان بر آنها باران ظاهری و باطنی پیوسته فرو فرستادیم و در روی زمین نهرها برایشان جاری ساختیم پس آنها را بواسطه نافرمانی و معصیت هلاك نمودیم وسپس طایفه دیگری برانگیختیم (٦)اگر کتابی درکاغذی برای توبفرستیم تا بدست خود آنرا مس کنند باز کافران گویندنیست مگر سحری آشکارا (٧) گفتند چرا بر محمد صلی الله علیه و آله فرشته نازل نمیشود؟ اگر ما فرشته بفرستیم کار تمام است و لحظه ای مهلت نخواهند یافت (٨) واگر فرشتهٔ برسالت بفرستیم او را بصورت بشری لباسی که مردمان بپوشند بپوشانیم (٩)

میشوم وهر آنکه ازتو جدا و بریده شود منهم رحمت خود را از او جدا سازم و از او دورشوم، بسوی بندگانم برگرد وآنانرا خبربده که شما را من گرامی‌داشتم ومن‌هیچ پیغمبری را مبعوث نکردم مگرآنکه وزیری از برای او قرار دادم، و علی را وزیر تو معین نمودم. پیغمبراکرم ازآسمان‌فرودآمد وکراهت داشت که‌آنچه خداوند فرموده بود ببندگان خبربدهد ازترس آنکه نبادا مردم باورننموده ونسبت دروغ باو بدهندتا آنکه شش روز از معراج پیغمبر گذشت خداوند این آیه را نازل فرمود :

« فلعلك تارك بعض ما يوحى اليك و ضائق به صدرك » پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله باز صبر نمود تا روز هشتم شد خداوند این آیه را نازل فرمود :

يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك فان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس .

رسول خدا فرمود بعد از وعده دادن و ترسانیدن این آیه تهدید است همانامر پروردگاررا اطاعت میکنم تکذیب این مردم برمن آسانتراست ازاینکه دردنیا وآخرت مورد عتاب قراربگیرم، جبرئیل برعلی‌بن‌ابیطالب سلام‌نمود وبکلمه امیرالمؤمنین‌خطاب کردآنحضرت گفت ای پیغمبرخدا سخنانی میشنوم که گویندهٔ آنرا مشاهده نمینمایم ؟! پیغمبر فرمود یا علی این جبرئیل‌است که‌آمده تا گواه باشدآنچه را خداوند دربارهٔ‌تو

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ لَقَدِ اسْتُهْزِیَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحاقَ بِالَّذِینَ سَخِرُوا مِنْهُمْ ما كانُوا بِهِ یَسْتَهْزِؤُنَ (۱۰) قُلْ سِیرُوا فِی الْأَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوا كَیْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُكَذِّبِینَ (۱۱) قُلْ لِمَنْ ما فِی السَّمواتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَیَجْمَعَنَّكُمْ إِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ لا رَیْبَ فِیهِ الَّذِینَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لا یُؤْمِنُونَ (۱۲) وَ لَهُ ما سَكَنَ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ (۱۳)

بمن امرفرموده بمردم برسانم آنگاه رسول اکرم بیك یك از مردم امر کرد بعلی سلام نموده وبگویند ای امیرالمؤمنین و سپس آن خطبه معروف را قرائت فرموده و علی را بروی دست بلند کرده چنانچه در سوره مائده مشروحاً بیان گردید و سلمان و مقداد و ابوذر و عماربن یاسر گفتند بخدا قسم هنوز شب نشده بود آن روز که این آیه نازل شد .

الیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دیناً

و پیغمبر اکرم مکرر این آیه را برمردم قرائت فرموده وگفتند کامل بودن دین و اتمام نعمت و خوشنودی خداوند در رسانیدن امرولایت امیرالمؤمنین و ولی بودن اوست بعد از من درمیان شما .

وحضرت عسکری علیه السلام فرمود امیرالمؤمنین فرموده در آیه اول سوره انعام گفتار سه طایفه ردشده است یکی قول دهری مسلکان که میگویند موجودات و آسمان وزمین از اول بوده است وکسی آنها را نیافریده خداوند درجواب آنها میفرماید « الذی خلق السموات والارض » وفرمود « وجعل الظلمات والنور » که این کلام رد بر آتش پرستان و زردشتیان و آنهائی است که میگویند نور وظلمت هردومدبران امورند و بعد فرمود « ثم الذین کفروا بربهم یعدلون » که این جمله رد برمشرکین عرب میباشد که میگفتند بت های ما خدایانی هستند که هرگز دست از پرستش آنان برنمیداریم .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای پیغمبر پیش ازتو هم امم گذشته پیغمبران خود را استهزاء ومسخره میکردندپس کیفر این عمل دامنگیرشان شد (١٠) بگو ای پیغمبر در روی زمین گردش کنید تا مشاهده کنید چگونه است عاقبت کسانیکه تکذیب آیات خدا و رسول اورا نموده اند (١١) ایرسول ما ازاین مشرکین بپرس که آنچه در آسمانها وزمین است ملك کیست؟اگر آنها نگویند توبگوهمه ملك خداست وبرخویشتن رحمت را فرض کرده و همانا شما رادر روز قیامت که شکی در اونیست جمع میگرداند وآنانیکه‌فریب دنیا را خورده ونفس خود را بزیان افکنده اند بآنروز ایمان نخواهند آورد (١٢) هرچه در شب وروزقرار گرفته همه ملك خداست و اوشنوا و دانا برهمه چیز است (١٣)

عیاشی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود برای هر نمازی‌دووقت میباشد جز نماز جمعه که‌وقت اواول ظهر است سپس‌تلاوت نمود آیه‌را فرمود کافران‌میان تاریکی شب وروشنائی روز،شرك بخدا می آورند و فرقی میان عدل وستم نمیگذارند

در کافی ذیل آیه «هوالذی خلقکم من طین» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اجل مقضی آن اجل حتمی است که خداوند معین فرموده و اجل مسمی‌اجلی است که ممکن است بدا در آن حاصل شده و اگرخداوند بخواهد مقدم و یا مؤخر میدارد ومحتوم نیست .

ونیز از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمودخداوند هیچ پیغمبری را مبعوث ننموده مگر آنکه خمر را حرام کرده و بوجود بدا اقرار داشته که اگرخداوند بخواهدامری را بجا میآورد و اگر نخواهد بجا نمیآورد . و این روایت را عیاشی و دیگران نیز نقل نموده اند .

سر آن چیزی است که درنفس خود پنهان مینمایند و جهر چیزی است که آنرا اظهار میکنند وکتمان آنست که شخص چیزی را به قلب خود عرضه داشته وبعد آنرا فراموش میکند .

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اجل غیرمسمی اجلی است که نازل‌میشوددرشب‌قدروهمانست که خداوند میفرماید:«فاذا جاء اجلهم لایستأخرون‌ساعة

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قُلْ اَغَيْرَ اللّٰهِ اَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ
اِنِّيْ اُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ (١٤) قُلْ اِنِّيْ
اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ (١٥) مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ
وَ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِيْنُ (١٦) وَ اِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ وَاِنْ
يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ (١٧) وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهٖ وَ
هُوَ الْحَكِيْمُ الْخَبِيْرُ (١٨)

ولایستقدمون «هرگاه اجل آنها رسید ساعتی مقدم و مؤخر نمیشود.

ابن بابویه ازمحمدبن نعمان در آیه «وهوالله فی السموات وفی الارض» تاآخر آیه روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام معنای آیه را سئوال نمودم؟ فرمود همچنانکه خداوند در آسمان و زمین میباشد درهمه جا و هرمکانی موجود است گفت حضورش عرضکردم درهرمکانی بذاته موجوداست؟ فرمود وای برتو ای پسر نعمان مکانها ظرف است و هرگاه بگوئی خداوند بذاته در هرمکانی هست ناگزیر میشوی که بگوئی خداوند محتاج بمکان است لکن خداوند بکلیه مخلوقات خود احاطه علمی داشته و برهرچه آفریده قدرت و سلطنت دارد و دانش او بزمین کمتر از علم او بآسمان نیست و چیزی از او دور نیست و تمام موجودات ازنظرقدرت واحاطه درحضوراومساویست

شیخ مفید درکتاب ارشادروایت کرده گفت جمعی ازدانشمندان یهود نزدابوبکر رفته وباو گفتند آیا توخلیفه پیغمبرهستی؟ گفت بلی گفتند ما درتورات دیده وخوانده ایم که خلیفهٔ پیغمبردانا ترین افراد امت است بما خبربده که خداوند در کجاست آیا در آسمان است یا در زمین؟ گفت خدا در آسمان و روی عرش قرارگرفته است یهودیان گفتند پس زمین خالی ازخداست واو در مکانی است غیراز مکان دیگر؟ ابوبکر بآنها گفت این سخنان زنادقه است ازحضور من دور شوید وگرنه میکوبم شما را بقتل

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای پیغمبر بآن کفار بگو آیا غیر خدا را بدوستی و یاوری خود گرفته‌اید؟ و حال آنکه خدا آفرینندهٔ آسمان و زمین است و او بخلق روزی میرساند و خود از طعام بی‌نیاز است بگو من کسی هستم که امر شدم نخستین تسلیم خدا باشم و جزء طایفه ایکه شرك بخدا میآورند نباشم (١٤) بگو من از عذاب سخت روز قیامت میترسم و هرگز نا فرمانی خدای خود نکنم (١٥) هر کس روز قیامت از عذاب برهد همانا برحمت خدا نائل گردیده و این کار فیروزی آشکاریست (١٦) اگر از جانب خدا ضرری بتو رسد جز خدا کسی نتواند ترا از آن زیان برهاند و اگر خیری از او بتو رسد هیچکس ترا از آن منع نکند و او بر همه چیز توانائی دارد (١٧) خدائیست که توانائی او فوق قدرت بندگان است و به همهٔ امور آگاهست (١٨)

برسانند دانشمندان یهود پشت بابوبکر نموده و از بیانات او تعجب کرده و بنای استهزاء و مسخرگی را بدین اسلام گذاردند که ناگاه امیر المؤمنین رسید بآنها فرمود ایجماعت یهود آنچه را که از ابوبکر پرسیده بودید وجوابی را که او بشما داده است دانستم اینك بشنوید خداوند بزرگتر از آنست که در مکانی باشد بدون آنکه در جای دیگر نباشد او در همه جا هست لکن نه بطوریکه تماس پیدا کند ونزدیك باشد بلکه بطور احاطه علمی و من الان از کتاب تورات خودتان آیه را بشما میگویم که شاهد این سخنانم باشد اگر صحیح بود آیا شما ایمان می آورید ؟ عرض کردند بلی فرمود آیا در کتاب تورات ندیده اید که روزی موسی نشسته بود فرشته ای از جانب مشرق حضور او آمد موسی باو گفت از کجا می آئی؟ گفت از حضور پروردگار فرشته دیگر از طرف مغرب آمد موسی پرسید از کجا میآئی؟ گفت از حضور خداوند فرشته سوم آمد گفت از کجا میآئی؟ گفت از آسمان هفتم واز حضور پروردگار آمده‌ام فرشته چهارم رسید و گفت از هفتمین طبقهٔ زمین و از نزد پروردگار میآیم موسی گفت تقدیس وتسبیح میکنم خدائی را که هیچ مکانی از او خالی نمیباشد وبمکانی نزدیکتر ازمکان دیگر نیست یهودیان بوحدانیت خدا شهادت داده گفتند تو خلیفهٔ پیغمبر هستی و آن شخص حق ترا غصب نموده وبر شما غلبه کرده است .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قُلْ اَیُّ شَیْئٍ اَکْبَرُ شَهادَةً قُلِ اللّٰهُ شَهیدٌ بَیْنی وَ بَیْنَکُمْ وَ اُوحِیَ اِلَیَّ هٰذَا الْقُرْآنُ لِاُنْذِرَکُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ اَئِنَّکُمْ لَتَشْهَدُونَ اَنَّ مَعَ اللّٰهِ آلِهَةً اُخْرٰی قُلْ لَا اَشْهَدُ قُلْ اِنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ واحِدٌ وَ اِنَّنی بَرِیءٌ مِمّا تُشْرِکُونَ (۱۹) اَلَّذینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَعْرِفُونَهُ کَما یَعْرِفُونَ اَبْناءَهُمُ الَّذینَ خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لا یُؤْمِنُونَ(۲۰)

سپس خداوند خبر میدهد که اگر علامت و نشانه بفرستیم ویا اگر فرشته هم نازل شود ایمان نمیآورید و بهلاکت خواهید رسید چه رویهٔ حضرت حق در بارهٔ امم سالفه چنین بوده و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از نظر عطوفت و مهربانی که بر امتش داشت از آیات معاف گردید و باین جهت خداوند حق شفاعت را بآن حضرت اختصاص داد

قوله تعالی : و لو جعلناه ملکا لجعلناه رجلا

اگر فرشته ای برسالت بفرستیم اورا بصورت بشری در آوریم چه مردم توانائی ندارند که فرشتگان را بصورت اصلی خود مشاهده کنند چنانچه ذیل آیه ۳٤ سوره بقره بیان نمودیم و دیدگان آنها ضعیف است پس ناچار باید فرشتگان بصورت اجسام کثیفه در آیند تا مردم آنها را مشاهده کنند چنانچه آن دو فرشته بصورت آدمی در محراب عبادت حضرت داود و بصورت بشر مهمان نسبت بحضرت ابراهیم و لوط در آمدند و بصورت دحیه کلبی جبرئیل حضور پیغمبر اکرم نخستین مرحله در آمد

در کافی از ابی ربیع شامی روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت صادق علیه السلام معنی آیه « قل سیروا فی الارض را فرمود خداوند قصد کرده قرآن را یعنی نظر کنید در قرآن و خبر هائی که در باره پیغمبران است ، و به بینید حالات کسانی که تکذیب انبیاء کردند چگونه است

قل سیروا فی الارض ثم انظر و اکیف کان عاقبة المکذبین

ابی الجارود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده در آیه « قل ای شئی اکبر شهادة

Presented by: Rana Jabir Abbas

بگو ای پیغمبر چه گواهی بزرگتر از خداست و خدا میان من وشما گواه است وبمن این قرآن را وحی نموده است تا بان شما و هر کس که خبر این قرآن باو رسد بترسانم آیا شما گواهی میدهید که با خدای یکتا خدای دیگری وجود دارد؟ من گواهی نمی دهم و جز خدای یکتا خدائی نیست و من بیزارم از آنچه شریك خدا قرار میدهید

(١٩) آنهائیکه کتاب تورات و انجیل را بآنها فرستادیم می شناسند محمد صلی الله علیه و آله را مانند شناختن فرزندان خود و با ایوصف خودرا بزیان انداخته و از روی حسد باو ایمان نمیآورند(٢٠)

فرمود سبب نزول آیه آنستکه مشرکین مکه به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله میگفتند خداوند جز تو کسی را نیافت تابرسالت بفرستد؟ ما با یهودیان و نصاری نیز در بارهٔ ادعای تو مذاکره نمودیم آنها هم میگویند اسمی از شما در نزد ایشان نیست و کسی که تصدیق اظهارات تو را بکند و گواهی بدهد که تو رسول خدائی وجود ندارد این آیه نازل شد یعنی ای پیغمبر بآنها بگو خداوند شاهد و گواه منست

ابن بابویه از محمد بن عیسی بن عبید روایت کرده گفت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام بمن فرمود اگر کسی از تو بپرسد خداوند چگونه است و آیا آن شیئی میباشد یا خیر چه میگوئی؟ عرض کردم خداوند لفظ شئی را برای نفس خود اختیار فرموده ومیفرماید: « قل ای شیئی اکبر شهادة» و گفتم خداوند شیئی است ولی نه مانند سایر اشیاء و نفی شیئیت از او باطل نمودن اوست و نبودن خداست نعوذ بالله آنحضرت فرموده راست گفتی و گفتاری نیکو است سپس فرمود در توحید سه مذهب است نبودن و نفی کردن خدا نعوذ بالله دوم تشبیه نمودن او بمخلوقات است سوم اثبات خداوند بدون شباهت بموجودات و مخلوقات و دو قسم اول باطل و حق مذهب سوم است که اثبات بدون تشبیه باشد و این روایت را عیاشی نیز از حضرت رضا علیه السلام نقل نموده است بزیادتی آنکه فرمود: خداوند همانطور است که خویش را توصیف باحد و صمد و نور فرموده. و در کافی روایت کرده در جملهٔ و اوحی الی هذاالقرآن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ مَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰی عَلَی اللّٰهِ کَذِباً اَوْ کَذَّبَ بِاٰیاتِهِ اِنَّهُ لَا یُفْلِحُ الظّٰالِمُونَ (۲۱) وَ یَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِیعاً ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِینَ اَشْرَکُوا اَیْنَ شُرَکَاؤُکُمُ الَّذِینَ کُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (۲۲) ثُمَّ لَمْ تَکُنْ فِتْنَتُهُمْ اِلَّا اَنْ قَالُوا وَاللّٰهِ رَبِّنَا مَا کُنَّا مُشْرِکِینَ (۲۳) اُنْظُرْ کَیْفَ کَذَبُوا عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَا کَانُوا یَفْتَرُونَ (۲٤) وَ مِنْهُمْ مَنْ یَسْتَمِعُ اِلَیْکَ وَ جَعَلْنَا عَلٰی قُلُوبِهِمْ اَکِنَّةً اَنْ یَفْقَهُوهُ وَ فِی اٰذَانِهِمْ وَقْراً وَ اِنْ یَرَوْا کُلَّ اٰیَةٍ لَا یُؤْمِنُوا بِهَا حَتّٰی اِذَا جَاؤُکَ یُجَادِلُونَکَ یَقُولُ الَّذِینَ کَفَرُوا اِنْ هٰذَا اِلَّا اَسَاطِیرُ الْاَوَّلِینَ (۲۵)

تا آخر آیه از مالك جهنی گفت از حضرت صادق علیه السلام معنای آنرا سئوال کردم فرمود مراد به: «ومن بلغ» امامانی است که از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم میآیند تا مردم را بوسیله قرآن پند میدهند و ایشان را میترسانند چنانکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوسیله قرآن مردم را ترساند. و این روایت راعیاشی نیز ذکر نموده است

علی بن ابراهیم از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود آنحضرت نازل شده آیه «الذین آتینا هم الکتاب یعرفونه کما یعرفون ابناءهم» در باره یهود و نصاری و مراد آنستکه پیغمبر اکرم را آنها می شناسند مانند شناختن فرزندانشان زیرا خداوند در توریة و انجیل و زبور اوصاف محمد صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب آن بزرگوار. و شیعیان و مهاجرتشان را بیان فرموده چنانچه در قرآن حکایت میکند از آنها و میفرماید «محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعاً سجداً یبتغون فضلا من الله و رضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلك مثلهم فی التوریة و مثلهم فی الانجیل» محمد فرستاده خداست و همراهانش بر کافران بسیار دل سخت و با یکدیگر بسیار مهربانند آنانرا در حال رکوع و سجود نماز بسیار بنگری

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کیست ستمکار تر از آنکه بخدا دروغ به بندد و یا آیات او را تکذیب کند؟ هرگز ستمکاران رستگار نخواهند بود (٢١) روزیکه همه را جمع کنیم گوئیم کجایند آنها که بعقیده شما شریك خدا بودند؟! (٢٢) سپس باآن همه فریفتگی در پیشگاه پروردگار عذری نیابند و نا چار از بتها بیزاری جسته و گویند ما هرگز بخدا شرك نیاوردیم (٢٣) بنگر چگونه خود را تکذیب کردند و آنچه شریك خدا قرار دادند همه نابود شد (٢٤) بعضی از مشرکین و کفار بسخن تو گوش دهند ولی بر دلهای آنها پرده نهاده ایم و فهم بیانات تو را ندارند گوشهای آنان از شنیدن کلمات حق سنگین است اگر تمام آیات الهی را مشاهده کنند باز ایمان نیاورند تا آنجائیکه نزد تو آیند در مقام گفتگو و مجادله بر آمده و گویند این آیات چیزی جز افسانه های پیشینیان نیست (٢٥) ایشان مردم را از آیات خدا منع کنند و خود را هم از آن محروم میدارند و غافل از آنند که تنها خود را بهلاکت می افکنند (٢٦)

که فضل و رحمت خدا و خشنودی او را بدعا میطلبند بر رخسارشان از اثر سجده نشانها پدیدار است این وصف حال آنهاست در کتاب تورات و انجیل این اوصاف آنحضرت بود در تورات و انجیل هنگامیکه مبعوث شد بآن علامات شناختند آن حضرت را و انکار کردند.

عمر بن خطاب به عبدالله بن سلام که از علمای بزرك یهود بود گفت آیا در کتاب تورات ذکری از محمد شده است و علامتی وجود دارد که برساند محمد صلی الله علیه و آله و سلم پیغمبر است؟ گفت بخدا قسم او را بصفاتی که خداوند وصف فرموده میشناسیم مانند شناسائی فرزندان خودمان.

در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده در آیه « الا ان قالوا والله ربنا ماکنا مشرکین » فرمود مراد بشرك در اینجا شرك در ولایت امیرالمؤمنین است.

و عیاشی از ابی معمر سعدی روایت کرده گفت مردی حضور امیرالمؤمنین آمد عرضکرد من در قرآن آیاتی را می بینم که ناقض یکدیگر بوده و بعضی از آنها بعض دیگر را تکذیب مینماید و از این نظر در مورد قرآن خداوند در شك افتاده ام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و هم ینهون عنه و ینأون عنه و ان یهلکون الا انفسهم ومایشعرون(٢٦)

ولو ترى اذ وقفوا على النار فقالوا یا لیتنا نرد ولا نکذب بایات ربنا ونکون من المؤمنین (٢٧) بل بدا لهم ما کانوا یخفون من قبل ولو ردوا لعادوا لما نهوا عنه و انهم لکاذبون (٢٨) و قالوا ان هی الا حیوتنا الدنیا و ما نحن بمبعوثین (٢٩)

امیرالمؤمنین بآن مرد فرمود مادرت بعزایت بنشیند در کجای قرآن و بکدام آیه شك داری؟ عرض کرد خداوند در یك جا میفرماید « یوم یقوم الروح والملائکة صفا لایتکلمون الا من اذن له الرحمن و قال صوابا » و درجای دیگر میفرماید در آنوقتیکه ضعیف شدند میگویند والله ربنا ما کنا مشرکین و در آیه دیگر میفرماید یوم یکفر بعضکم بعضاً ویلعن بعضکم بعضاً و باز میفرماید ان ربك لحق تخاصم اهل النار و نیز فرموده لاتختصموا لدی و در آیه دیگری میفرماید الیوم نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون .

یکمرتبه میگوید تکلم میکنند و مرتبه دیگر میفرماید تکلم نمیکنند و یك جا میفرماید دست و پا و پوست های بدن ایشان سخن میگوید و درجای دیگر میفرمایند سخن نمیگویند مگر بآنهائی که اجازه سخن داده شده و سخن براستی و حق بگویند معنای این آیات و تضاد آنها با یکدیگر چیست؟ حضرت بآن مرد فرمود این آیات مربوط بیك مکان و مورد نیست و مربوط بموارد بسیاری است در روز قیامت که مقدارش پنجاه هزار سال است خداوند تمام خلایق را دریکجا جمع نماید و همه یکدیگر را شناخته بعضی از آنها با بعض دیگر سخن گویند و آنها کسانی هستند که از پیغمبران اطاعت نموده و پیروی حق کرده و با یکدیگر در نیکی و تقوی کمك و معاضدت داشته اند و اهل معصیت که در دنیا معاصی خدا را بجا آورده و در ارتکاب معصیت بهمدیگر یاری و همکاری نموده اند یکدیگر را لعنت مینمایند سپس خداوند آنها را درجای دیگری جمع

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ایشان مردم را از آیات خدا منع کنند و خود را هم از آن محروم میدارند و غافل از آنند که تنها خودرا بهلاکت می‌افکنند (٢٦) اگر مشاهده کنی حال آنها رادر آنوقتیکه درآتش دوزخند و با نهایت حسرت گویند ای کاش ما را بدنیا باز گردانند تا دیگر آیات خدا را تکذیب نکرده و باو ایمان آوریم (٢٧) آری آنچه پیش ازاین بر آنها پنهان بود آشکار شد و اگربار دیگر بدنیا بازگردند آن اعمال زشتیکه ازآن نهی شدند باز اعاده خواهندکرد و آنها دروغ میگویند (٢٨) کافران گفتند جزهمین زندگانی دنیا دیگر زندگی نخواهد بود وهرگزپس از مرگ زنده نمیشویم (٢٩)

میکندکه از یکدیگر گریزان شده و فرار کنند چنانچه میفرماید « یوم یفرالمرء من اخیه » تاآنجاکه فرمود « یومئذشأن یغنیه » بعدازآن درمکان سوم آنها را جمع مینماید و چنان صیحه زنند که اگر آن صیحه رادر دنیا شنیده بودند بکلی از تمام کارها دست کشیده غافل میشدند و چنان گریه میکنند که بجای اشك خون خواهند گریست و پس ازآن در محل چهارمی خلایق جمع میشوند و آنها رابسخن میآورند ولی بآنچه در دنیا مرتکب معصیت شده‌اند اقرار ننمایند ومیگویند « واللّه ماکنا مشرکین » آنگاه بدهن های ایشان مهرزده میشود و اعضاء بدن آنها را بسخن درآورند و بگناهانی که نموده اند شهادت بدهند و همینکه مهر از دهانشان بر میدارند باعضای بدن خویش میگویند چرا برعلیه ماشهادت دادید؟ اعضا جواب میدهند خدائی که هرچیزی رابسخن درمیآورد مارابه‌سخن درآورد باز درمکان پنجم آنهارا جمع کنند و کسی سخن نمیگوید مگر آنکه خداوند اجازه فرماید وازآنجا بمکان ششم جمع نماید وخلایق با هم مخاصمه کنندوتمام این وقایع قبل ازحساب است وهمینکه مشغول بحساب شوندهیچکس در فکر دیگری نیست وازخداوند مسئلت میکنیم که آنروزرا برما آسان فرماید. وسلیم بن قیس هلالی در اصل خود از مولای ما امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود طایفهٔ ناجیه آنهائی هستند که از من پیروی و اطاعت نموده و از دشمنان من بیزاری جویند و در تمام امورخودتسلیم امرمن باشندوحق مرا چنانچه خداوند درقرآن واجب فرموده بشناسند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَٰذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۳۰) قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ (۳۱) وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (۳۲)

ودربارهٔ من شك نیاوردند خداوند دل های ایشانرا ازمحبت مانورانی گرداندوبه بهشت داخل کند و بدانید اوصیاء و امامان بعد از من تا روزقیامت آنهائی هستند که خداوند اطاعت آنها را باطاعت خود مقرون فرموده درآیات بسیاری از قرآن و ما را پاکیزه فرموده وحجت برخلایق و گواه آنان کرده در روی زمین و ما را با قرآن و قرآن را باما قرار داده که ازیکدیگرهرگز جدا نمیشویم تا درکنار حوض کوثر حضور پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم برسیم .

قوله تعالی : و منهم من یستمع الیك تا آخر آیه

طبرسی از صحابه روایت کرده گفتند سبب نزول آیه آن بود که طایفهٔ از مشرکین مکه مانند نصربن حارث و ابوسفیان و ولید بن مغیره و عتبة بن ربیعه حضور پیغمبر می ایستادند وقتی آنحضرت تلاوت قرآن مینمود بیکدیگر میگفتند هحمد صلی الله علیه و آله و سلم افسانه های پیشینان میگوید مانند شما که حدیث میکنید از مردمان پیشینیان مثل حدیث رستم و اسفندیار خداوند این آیه را در پاسخ آنها نازل فرمود

طبرسی ازصحابه در آیه « و هم ینهون عنه و ینأون» روایت کرده گفتندخداوند از این آیه ابیطالب و بنی هاشم را قصد کرده که پیغمبر را یاری نموده وقریش راکه قصد حضرتش را داشتند دفع و ازآنحضرت دور میکردند وآیه «ولوتری اذوقفوا علی النار» در حق بنی امیه نازل شده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اگر ببینی آنها در آنوقتیکه در پیشگاه عدل خدا باز داشته شدند و بآنها میگویند آیا قیامت و عذاب آن برحق نبود؟ جواب دهند بلی همه بر حق است خداوند عتاب کند الحال بکیفر کفرخود عذاب را بچشید (۳۰) آنهائیکه ملاقات با خدا راتکذیب کردند زیانکار شدند همینکه ناگهان قیامت فرا رسید گویند وای بر ما که آسایش و سعادت این روز را از دست دادیم و بار گناهان خود را بر پشت حمل کنند وچقدر بد باری بدوش میکشند (۳۱) دنیا جز بازیچهٔ بیش نیست

و سرای آخرت برای کسانیکه پرهیز کارند بهتر است

آیا در این سخنان تعقل نمیکنند (۳۲)

عیاشی در آیه **و لورد العادو المانهوا عنه** ازامیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود آنمردمی راکه نگاه داشتند گویند پروردگارا مارا بدنیا برگردان تا دیگر آیات ترا تکذیب نکنیم و از مؤمنین باشیم خداوند میفرماید آنها دروغ میگویند

و نیز بسند خود ازجابربن عبدالله انصاری روایت کرده گفت امیرالمؤمنین علیه السلام را بیرون شهر کوفه دیدم بدنبال آنحضرت رفتم تا بقبرستان یهودی ها رسید وسط قبرستان توقف فرمود و صدا زد یایهود یایهود ناگاه از میان قبور صدائی بلند شد لبیک لبیک ای امیرالمؤمنین علیه السلام امرشما مطاع است چه میفرمائید؟ آنحضرت فرمود عذاب خدا راچگونه مشاهده کردید؟ جواب دادند مابسبب نافرمانی بشما معذب هستیم مانند نافرمانی کردن نسبت به هرون و هرکس ترا اطاعت ننماید و نافرمانی کند تا قیامت در عذاب است سپس چنان فریادی از آنها برخاست که نزدیك بود آسمان بزمین فرو ریزد و من از ترس بیهوش شدم وچون بهوش آمدم دیدم امیرالمؤمنین علیه السلام جلوس فرموده برتختی از یاقوت سرخ و تاجی از انواع جواهرات بر سر و لباسی سبز و زرد رنك در بر داشت وصورت حضرتش چون قرص ماه میدرخشید حضورش عرض کردم ای امیرالمؤمنین علیه السلام و ای مولای من اینست سلطنت و پادشاهی بزرك؟ فرمود بلی ای جابر سلطنت ما از سلطنت سلیمان بن داود بزرگتر است سپس آنحضرت بطرف کوفه باز گشت و منهم عقب سر او آمدم داخل مسجد شدند و قنبرها را آهسته بر میداشت و میفرمود نه

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قَدْ نَعْلَمُ اِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَاِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَ لٰكِنَّ الظّٰالِمِينَ بِاٰيٰاتِ اللّٰهِ يَجْحَدُونَ (۳۳) وَ لَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلىٰ مٰا كُذِّبُوا وَ اُوذُوا حَتّٰى اَتٰيهُمْ نَصْرُنٰا وَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰاتِ اللّٰهِ وَ لَقَدْ جٰاءَكَ مِنْ نَبَإِ الْمُرْسَلِينَ (۳٤) وَ اِنْ كٰانَ كَبُرَ عَلَيْكَ اِعْرٰاضُهُمْ فَاِنِ اسْتَطَعْتَ اَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقاً فِي الْاَرْضِ اَوْ سُلَّماً فِي السَّمٰاءِ فَتَاْتِيَهُمْ بِاٰيَةٍ وَ لَوْ شٰاءَ اللّٰهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجٰاهِلِينَ (۳۵)

بخدا بجا نمیآورید و قبول نمیکنید حضورش عرض کردم با که سخن میگوئید و مخاطب شما کیست منکه کسی را مشاهده نمینمایم؟ فرمود هم اکنون عالم برهوت بر من کشف شده و می بینم اهل عالم را در میان تابوت ها عذاب میکنند و آنها را صدا میزنند و میگویند ما را بسوی دنیا بر گردان ما بفضیلت و ولایت شما اعتراف واعتقاد خواهیم نمود بآنها میگویم بخدا قسم دروغ میگوئید وهرگز اقرار نکنید سپس آیه را تلاوت فرمود « ولوردوا لعادوا لما نهوا عنه» ای جابر نیست کسی که با من مخالفت بنماید مگر آنکه خداوند او را در قیامت کور محشور نموده و در صحرای قیامت و عرصات سرگردان بماند

قوله تعالی : و لو تری اذ وقفوا علی ربهم

این آیه گفتار کسانی را که منکر قیامت هستند حکایت میکند طبرسی در آیه « قد خسر الذین کذبوا » از پیغمبر اکرم روایت کرده فرمود اهل جهنم هنگامیکه مشاهده کردند جایگاه خودشانرا در بهشت هرگاه معصیت نمی کردند گویند وای بر ما که آسایش و سعادت این روز خود را از دست بدادیم

در کافی از عمران بن میثم روایت کرده گفت آیه «قد نعلم انه لیحزنك الذی یقولون » در حضور حضرت صادق علیه السلام قرائت شد فرمود بخدا قسم ستمکاران آیات

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ما میدانیم سخنانیکه کافران در تکذیب تو میگویند ترا افسرده کرده آنها نه تنها ترا بلکه آیات و رسولان خدا را تکذیب و انکار کنند (٣٣) چقدر پیغمبران پیش از تورا هم تکذیب کردند آنان برتمام اذیت های منکران تحمل و برد باری نمودند تا وقتیکه عنایت و یاری ما شامل حال آنها شد بدان کسی کلمات خدا را نمیتواند تغییر بدهد همانا خبر های پیغمبران گذشته که امت هایشان بآنها ستم کردند بتو رسید (٣٤) اگر انکار آنها بر تو سخت می‌آید میتوانی سوراخی در زمین بساز یا نردبانی بر آسمان بر افراز تا آیتی برای آنها آوری و اگر خدا میخواست همه را راهنمائی میکرد و از نادانهائی مباش که راضی بمشیت خدا نیستند (٣٥)

خود را تا آخرین حد امکان تکذیب نمودند و فرمود لا یاتونك بجای لا یکذبونك نازل شده است یعنی بسوی تو بحق ودرستی نمیآیند و حق ترا ضایع و باطل میکنند

و حفص بن غیاث بختری از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود ای حفص صبر بر شدائد و مکاره مراتبی دارد بعضی از آنها صبر انداك است و بعضی از جزع و زاری نیز کمتر است و فرمودبر تو بادبرصبر و برد باری در تمام شئون زندگانی خود زیرا خداوند محمد صلی الله علیه و آله را که برسالت فرستاد او را امر بصبر نموده و فرمود **و اصبر علی ما یقولون و اهجر هم هجرا جمیلا** وفرمود **ادفع بالتی هی احسن السیئة فاذا الذی بینك و بینه عداوة کانه ولی حمیم** و پیغمبر اکرم آنقدرصبر و برد باری فرمود تاجائی که سنك بآنحضرت میانداختند و او را با استخوان زدند بطوریکه سینه مبارکش خسته شد و این آیه نازل شد « ولقد نعلم انه یضیق صدرك بما یقولون» و باین اندازه قناعت نکرد،حضرتش را تکذیب وازبالای کوه بزیر انداختند و سخت محزون گردید که این آیه «قد نعلم انه لیحزنك» نازل شد

پیغمبر اکرم خود را ملزم بصبرفرمود و چون خداوند فرمود قومت تراتکذیب میکنندعرض کرد خداوندا درنفس خود و اهلبیت و عرضم صبر میکنم اما طاقت گفتار آنها را ندارم این آیه نازل شد(فاصبر علی ما یقولون)در تمام احوال صبر کن و بائمه

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

إِنَّما يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَ الْمَوْتى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (٣٦) وَ قالُوا لَوْلا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قادِرٌ عَلى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لا يَعْلَمُونَ (٣٧) وَ ما مِنْ دابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لا طائِرٍ يَطِيرُ بِجَناحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثالُكُمْ ما فَرَّطْنا فِي الْكِتابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ (٣٨)

از عترتت بشارت بده و توصیه و سفارش صبر بآنها بنما پس فرمودو جعلناهم ائمة یهدون بامرنا لما صبروا و کانوا بایاتنا یوقنون (در این مورد است که حضرت صادق علیه السلام فرموده صبر نسبت بایمان مثل سر است نسبت ببدن) پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سپاسگزاری خداوند را بجا آورد این آیه نازل شد و تمت کلمة ربك الحسنی علی بنی اسرائیل لما صبروا و دمرنا ما کان یصنع فرعون و قومه وما کانوا یعرشون

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود یك آیه است هم بشارت میباشد و هم انتقام سپس خداوند کشتن مشرکین را مباح فرمود که هر کجا یافتند بکشند آنان را بر دست پیغمبر و اصحابش باین ترتیب علاوه بر آنچه که برای آنجناب در عالم آخرت ذخیره فرموده پاداش صبررا نیز بآنحضرت مرحمت فرمود.

ونیزازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده‌درآیه «وان کان کبر علیك اعراضهم» فرمود به پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله مایل بود که‌حرث‌بن عامربن نوفل بن عبد مناف اسلام بیاورداو را دعوت فرموده‌و کوشش فرمود که مسلمان شود شقاوت بر او چیره و قبول نکرد این موضوع بر پیغمبرناگوار آمد که آیه فوق نازل شد «و ان کان کبر علیك» تاآخر آیه و اگر چه«فلا تکونن» خطاب به‌پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است ولیکن در معنی خطاب بامت میباشد

قوله تعالی : انما یستجیب الذین تاآخر آیه

معنی آیه این است: اجابت میکنند ایمان بخدا و قرآنیکه بتو نازل شده آن اشخاصیکه تعقل میکنند و گواهی میدهند که مردگان را خداوند محشور میگرداند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خدا دعای آنهائی را اجابت کند که نصیحت بشنوند و مردگان را برمی‌انگیزد سپس تمام خلایق بسوی او باز گشت کنند (٣٦) کافران گفتند چرا بر محمد صلی الله علیه و آله معجزه و حجتی از خدا فرود نیامد ای پیغمبر بگو خدا توانائی دارد که آیتی بفرستد و لکن بیشتر مردم نمیدانند (٣٧) نیست جنبندهٔ درروی زمین و نه پرنده که بادو بال پرواز میکند جز آنکه آنها هم مانند شما نوعی از موجودات هستند مادر کتاب، بیان هرچیزی را کرده و فرو گذار نکردیم آنگاه بسوی پروردگار خود محشور میشوند (٣٨)

قوله تعالی : وقالوا لا نزل علیه آیة من ربه

این آیه حکایت میکند گفتار و سخنان بزرگان قریش را وقتی عاجز شدند از معارضه با پیغمبر اکرم در آنچه از قرآن آورده شروع کردند بیاوه سرائی و سخنان بیهوده و گفتند چرا بر پیغمبر آیاتی مانند عصای موسی و ناقه صالح نازل نمیشود ؟ خداوند در جواب آنها فرمود در غیر این آیه آیا کفایت نمیکند آنها را این قرآنیکه بر تو نازل کرده ایم و در اینجا فرمود بگو ای محمد صلی الله علیه و آله خدا قادر است که آیاتی بفرستد ولی وقتی آیات نازل شد و ایمان نیاوردید هلاک میشوید

در کافی از ابی جارود روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود در آخر زمان خداوند آیاتی از قبیل دابة الارض وخروج دجال و فرود آمدن عیسی بن مریم از آسمان و طلوع آفتاب از مغرب بمردم نشان خواهد داد

قوله تعالی : ومامن دابة فی الارض

یعنی هر موجودی خدا بیافریند آنها هم مخلوقی هستند مانند شما

در کافی روایت کرده در معنای آیه "ما فرطنا فی الکتاب من شیئ" از حضرت رضا علیه السلام فرمود خداوند پیغمبر اکرم را قبض روح نفرمود مگر آنکه دین را کامل نمود و قرآن را که بیان هرچیزی در آن است نازل فرمود و آنچه مردم از حلال و حرام وحدود واحکام احتیاج دارند در آن میباشد و از هیچ موضوعی فروگذار نشده است

ابی جارود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود ظلمات تاریکی و کفر است

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُماتِ مَنْ يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَ مَنْ يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ (٣٩) قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ (٤٠) بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ ما تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شاءَ وَ تَنْسَوْنَ ما تُشْرِكُونَ (٤١) وَ لَقَدْ أَرْسَلْنا إِلى أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْناهُمْ بِالْبَأْساءِ وَ الضَّراءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ (٤٢) فَلَوْلا إِذْ جاءَهُمْ بَأْسُنا تَضَرَّعُوا وَ لكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطانُ ما كانُوا يَعْمَلُونَ (٤٣) فَلَمَّا نَسُوا ما ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنا عَلَيْهِمْ أَبْوابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذا فَرِحُوا بِما أُوتُوا أَخَذْناهُمْ بَغْتَةً فَإِذا هُمْ مُبْلِسُونَ (٤٤)

و این آیه رد گفتار قدریهای این امت است که خداوند آنهارا در روز قیامت باصابئین ونصاری و مجوس محشور میکند، و آنهامیگویند پروردگارا مامشرك نبودیم خداوند میفرماید نگاه کنید چگونه بر خودشان دروغ می‌بندند؛ پس فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده برای هر امتی مجوسی است و مجوس این امت کسانی هستند که میگویند قضا و قدر نیست و خود را قادر بر انجام امور فرض مینمایند.

ابی حمزه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود این آیه نازل شده در باره کسانیکه تکذیب میکنند ائمه و اوصیاء را و بآنها ایمان نمی آورند و ایشان اشخاصی هستند که خداوند واگذاشته و رها کرده آنان را براه گمراهی، و هر که از فرزندان آدم ایمان بیاورد بائمه او براه راست هدایت و راهنمائی یافته وفرمود آنحضرت اگر در تاویل قرآن امامان را تکذیب کنند بتمام آیات قرآن تکذیب کرده اند

قوله تعالی: قل ارایتم ان اتیکم عذاب الله تا آخر و زین لهم الشیطان ما کانوا یعملون

خداوند امر نمود به پیغمبر که با کفار محاجه کند و فرمود بگو ای محمد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کسانیکه آیات ما را تکذیب کردند کرو گنك در تاریکی نادانی بسر برند و خدا هرکه را بخواهد بحالت گمراهی گذارد و هرکه را خواهد براه راست رهنمائی کند (٣٩) ای پیغمبر بکافران بگو اگر عذاب خدا یا ساعت مرك شما فرا رسد چه خواهید کرد؟ آیاغیرخدا را درآنوقت میخوانید اگر راست میگوئید؟ (٤٠) بلکه دران‌هنگام تنهاخدارامیخوانید اگر خواست شما را از سختی برهاند و آنچه راکه با خداشریك قرار میدادیدبکلی فراموش میکنید(٤١) ما پیغمبرانی‌بسوی‌امتهای پیش از توفرستادیم چون نافرمانی کردند به بلا گرفتارشان کردیم شاید بدرگاه خدا آمده و گریه وزاری کنند (٤٢) چراوقتیکه بلا بآنها میرسد تضرع وزاری‌نمیکنندتانجات‌یابندچون دلهایشان را قساوت فرا گرفت و شیطان کردار زشت آنها را در نظرشان جلوه گر ساخته (٤٣) وچون نعمتهای خدا را فراموش کردند برای اتمام حجت درهای هرچیز را بروی‌آنان گشودیم تا وقتیکه بآنها شاد و مغرور شدند ناگاه‌ایشانرا بکیفر اعمالشان رسانیده ذلیل و ناامید گردیدند (٤٤)

باین کفار اگر عذاب خدا در دنیا بر شما نازل شود مانند عذابیکه بر قوم عاد و ثمود فرستاد آیا غیر خدا را میخوانید تا آن عذاب را از شما بر طرف سازد؟ یا آن خدائی که خالق ومالك و پادشاه شماست‌میخوانید تاآن عذاب را بر دارد و دفع کند؟ وچون کفار بدر گاه خداوند تضرع‌و زاری نکردند خداوند دنیا را برای آنها هموارنموده و آنها را بی نیاز کرد تا عقوبت کار های زشتشان‌را درك نکنند وقتی به هستی های دنیا خرسند شدند ناگهان از رحمت خود مأیوس فرموده و عمرشان را بسر آورد

وحفص بن غیاث ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودروزی موسی باخداوند مناجات مینمود خداوند فرمود ای موسی اگر فقرو ابتلاء بتو رو آور شود بگومرحبا ای شعار نیکو کاران و اگر دیدی بی نیازی و ثروت روی آورد بدان، عقوبت گناهی نزدیك شده زیرا خداوند دنیا را بکسی نمیدهد مگر برای گناهی که مرتکب شده تا بر اثر اقبال دنیا گناه خود رافراموش نموده وتوفیق توبه از او سلب شود پس‌بعضی اوقات روی آوردن دنیا عقوبت گناهان است

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فقطع دابر القوم الذين ظلموا و الحمد لله رب العالمين (٤٥) قل
ارايتم ان اخذ الله سمعكم و ابصاركم و ختم على قلوبكم من اله غير الله
يأتيكم به انظر كيف نصرف الايات ثم هم يصدفون (٤٦) قل ارايتكم ان
اتيكم عذاب الله بغتة او جهرة هل يهلك الا القوم الظالمون (٤٧) و ما
نرسل المرسلين الا مبشرين و منذرين فمن امن و اصلح فلا خوف عليهم
و لا هم يحزنون (٤٨) و الذين كذبوا بايانا يمسهم العذاب بما كانوا
يفسقون (٤٩) قل لا اقول لكم عندى خزائن الله و لا اعلم الغيب و لا اقول
لكم انى ملك ان اتبع الا ما يوحى الى قل هل يستوى الاعمى و البصير
افلا تتفكرون (٥٠)

ابی حمزه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده گفت از آنحضرت معنای آیه « فلما نسوا ماذکروا به » را سئوال نمودم ؟فرمود هروقت مردم با آنکه مأمور بقبول ولایت امیر المؤمنین علیه السلام هستند ترك ولایت آن جناب کنند درهای دولت را بروی آنها باز نموده وآنان را به ثروت دنیا گرفتار سازیم تا آنکه قیام حضرت حجت علیه السلام بر پا شود و آنها گمان داشتند که هیچوقت پادشاه و پیشوائی برای ایشان نیست .

فضیل بن عیاض از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده گفت از آنحضرت سئوال نمودم که ورع و پارسائی چیست؟ فرمود چیزی است که انسانرا از محرمات خداوند باز داشته و او را ازشبهات دور گرداند چه اکثر شخص از موارد شبه‌ناك اجتناب نکند در حرام واقع میشود و حال آنکه نمیداند، و اگر منکری‌را دید و با قدرت وتوانائی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ستایش مخصوص پروردگاریستکه ریشه طایفه ستمکاران را میکند (٤٥) بگوای پیغمبر بکفار اگر خدا گوش و چشم شما را بگیرد و بر دلهایتان مهر بزند تا کور و کر و نادان شوید آیا خدائی غیراز خداوند عالم میباشد که این نعمتها را بشما باز گرداند؟ متوجه شو چگونه ما آیات را روشن مینمائیم و چگونه آنها از حق دوری میجویند (٤٦) بگو اگر عذاب خدا بطور ناگهانی یا آشکار بشما رسد چه خواهید کرد؟ آیا کسی جز طایفه ستمکاران هلاك خواهدشد؟ (٤٧) ما پیغمبران را نفرستادیم مگر مژده دهند و ترسانند، پس هر که ایمان آورده وعمل نیك بجا آورد هرگز نترسد واندوهگین نخواهد بود (٤٨) آنهائیکه آیات ما را تکذیب کردند در اثر زیان کاری مبتلا بعذاب خواهند شد (٤٩) بگو من بشما نمیگویم که گنجهای خدا نزد من است و نه از غیب آگاهم و نمیگویم فرشته ام پیروی نمیکنم جز آنچه بمن وحی میرسد بگو آیا کور و بینا مساوی هستند؟ چرا اندیشه و تعقل نمیکنید (٥٠)

از آن نهی نکرد پس دوست داشته که اختیاراً مرتکب معاصی خدا شود، وهر که مایل بارتکاب معاصی خدا باشد در مقام مبارزه و دشمنی با خدا بر آمده و هر که بخواهد و دوست داشته باشد که ظالم و ستمکاری در دنیا باقی بماند دوست دارد که معصیت خدا را بجا آورد و در آیه فوق خداوند خود را ستایش میکند که ستمکاران را هلاك فرموده و ریشه آنها را قطع کرده است

عیاشی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود روزی قنبر غلام امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شد برحجاج از او سئوال کرد ای قنبر چه کارهائی برای امیرالمؤمنین علیه السلام انجام میدادی؟ گفت آب وضوء آن حضرت را حاضر میکردم پرسش کرد پس از فراغت از نماز چه آیه ای تلاوت میفرمودند؟ عرض کرد این آیه را « فلما نسوا ما ذکروا » تا آخر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ انْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ اَنْ يُحْشَرُوا اِلَى رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَ لَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۵۱) وَ لَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدٰوةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَ مَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظّٰالِمِينَ (۵۲) وَ كَذٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا اَهٰؤُلَاءِ مَنَّ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا اَلَيْسَ اللّٰهُ بِاَعْلَمَ بِالشّٰاكِرِينَ (۵۳) وَ اِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاٰيٰتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلٰى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ اَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءً بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَ اَصْلَحَ فَاَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (٥٤)

و الحمدلله رب العالمین حجاج گفت آیا این آیات را تاویل میکرد بما بنی امیه؟ پاسخ داد آری گفت حجاج اگر تو را بقتل برسانم چه کاری انجام میدهی؟ عرض کرد در اینصورت شخص سعیدی را شقی بقتل رسانیده امر کرد گردن قنبر را زدند

و نیز از آن حضرت و حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در آیه «قل ارایتم ان اخذ الله» تا آخر آیه فرمود معنی آیه آنست بگو ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم بقریش اگر خداوند چشم و گوش شما را بگیرد و بردلهای شما مهر بزند که چیزی درك نکنید چه کسی میتواند جز خداوند آنها را بشما برگرداند؟ پس آنها چگونه تکذیب میکنند

ابی جارود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که یصدفون بمعنی یعترضون است یعنی چگونه بخدا اعتراض میکنند

و نیز در آیه «قل ارایتم ان اتیکم عذاب الله» روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام فرمود وقتی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از مکه بمدینه هجرت فرمود اصحاب حضرت مبتلا به بیماری و امراض گوناگون شده و حضور پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم شکایت نمودند این آیه

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آنهائیکه از خدا ترس دارند بترسان که جزخدا برای آنان یاور و شفیعی نباشدشاید که پرهیز کار شوند (٥١) مران از خود کسانیکه هر صبح و شام خدا را میخوانند و مقصدشان فقط اوست نه چیزی ازحساب آنها بر تو و نه از حساب تو بر آنهاست و اگر ایشان را ازخود دور سازی ازستمکاران خواهی بود (٥٢) و ما بعضی ازمردم رابیعض دیگر بیازمودیم تا آنکه بطعنه نگویند آیا خدا در میان ما برتری داده آیا خدا باحوال سپاسگزاران داناتر نیست؟ (٥٣) هرگاه مؤمنان نزد تو آیند بگو سلام بر شماباد خدا بر خود رحمت‌را فرض کرده چنانچه یکی از شما کارزشتی از روی نادانی کند سپس توبه نموده واصلاح امور خود بنماید همانا خداوند آمرزنده و مهربانست(٥٤)

نازل شد که میفرماید در دنیا شما گرفتار مشقت بیماری میشوید ولی عذاب های درد ناك و مهلك نمیرسد مگر بطایفهٔ ستمکاران

طبرسی در آیه «وانذربه الذین یخافون ان یحشروا» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودمعنی آیه آن استای پیغمبر بقرآن بترسان کسانی راکه امیدوارند بقرب پروردگار همانا قرآن شفاعت کننده و شفاعتش پذیرفته خواهد شد

قوله تعالی: **و لا تطرد الذین یدعون ربهم بالغداة و العشی**

سبب نزول آیه‌این بود که در صدراسلام‌عدهٔ از مؤمنین‌فقیر که معروف‌باصحاب صفه بودند در مسجد پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله منزل داشته و پیغمبر مخارج آن ها راتعهد نموده و طعام و مایحتاج آن‌ها رابایشان میرسانید و اکثر اوقات آن جناب نزدآن‌ها رفت و آمد مینمود و با آن ها مأنوس بوده و نزدشان می‌نشست و هر وقت اغنیای اصحاب‌شرفیاب میشدند و پیغمبر رادر میان فقرا میدیدنداز این عمل پیغمبر ناراحت شده وخوش نداشتندودرخواست مینمودند که از آنها دوری نموده و روکرداندروزی

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ (۵۵) قُلْ اِنِّي نُهِيتُ اَنْ اَعْبُدَ
الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ قُلْ لَا اَتَّبِعُ اَهْوٰاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ اِذاً وَ مَا اَنَا
مِنَ الْمُهْتَدِينَ (۵٦) قُلْ اِنِّي عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ كَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا
تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ اِنِ الْحُكْمُ اِلَّا لِلّٰهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَ هُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ (۵۷) قُلْ
لَوْ اَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْاَمْرُ بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ
بِالظّٰالِمِينَ(۵۸)

یکی از انصار خدمت پیغمبر رسید دید یکی از اصحاب صفهٔ نزدیك آن حضرت نشسته و آن جناب برایش حدیث میفرمود آن انصاری دورتر از پیغمبر توقف نموده و نزدیك نیامد و چند مرتبه هم پیغمبر باو فرمود نزدیکتر بیا و نیامد پیغمبر باوفرمود شاید میترسی که فقر این شخص بتو سرایت کند که نزدیك نمیآئی؛ مرد انصاری گفت این شخص را از حضورت دور کن تا خدمت برسم لذا این آیه را خداوند نازل فرمود پس از آن آیه وکذلك فتنا بعضهم ببعض یعنی اغنیا را با ثروتیکه بآن ها عطا مینمائیم آزمایش کنیم تا به بینیم چگونه با فقراء و تهی دستان مواسات کنند و حقوق واجبهٔ که بآنها تعلق میگیرد چگونه از مال خود خارج و بمستحقین میرسانند و ضمناً معلوم کنیم که فقرا چطور بر فقر و تنگدستی صبر و بردباری و بآنچه در دست اغنیاء است تحمل میکنند تا نگویند که خداوند بر ما منت نهاده و بآن ها ثروت عطا فرموده‌است،سپس خداوند بر پیغمبر واجب فر موده که بآن هائی که کار زشت نموده و بعد پشیمان شده و توبه کنند رحمت فرستد

در کافی ذیل آیه « کتب ربکم علی نفسه الرحمة » از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هرگاه جان بگلو رسید دیگر برای انسان توبه نمی باشد

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند رحمت کند بندهٔ را که

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ما آیات را اینطور بیان کنیم تا راه گنه کاران روشن و آشکار شود (٥٥) بگو ای پیغمبر خدا مرا از پرستش آن خدایان باطل که شما میپرستید منع فرموده، من پیروی از هوسهای شما نمیکنم تا گمراه شده و راه هدایت نیابم (٥٦) بگو من هرچه از خدا میگویم با برهان است و شما تکذیب میکنید آن عذابیکه بآن شتابزدگی دارید بدست من نیست حکمی مگر از جانب خدا که بحق بیان میفرماید و او بهترین حکم فرمایان است (٥٧) بگو اگر عذابیکه شما بعجله آن را میطلبید در نزد من بود کار میان ما و شما خاتمه می یافت و خدا باحوال ستمکاران دانا تر است (٥٨)

توبه کند پیش از مرگ همانا توبه پاک کننده است نجاسات گناه را، و نجات دهنده است از شقاوت و هلاکت، خداوند برخود واجب نموده رحمت را از برای اشخاصیکه توبه کنند و آیه را تلاوت فرمود.

در کافی در آیه « قل لو ان عندی ما تستعجلون به » روایت کرده از حضرت باقر علیه السلام فرمود خداوند میفرماید ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم بمنافقین بگو اگر من مأمور بشوم که آنچه در سینهٔ های خود پنهان میکنید از شتاب در فوت من تا پس از من باهل بیت ظلم کنید بشما میگویم، مثل « ا مثل کسی است که آتشی بر افروخته تا از روشنائی آن استفاده کند خداوند روشنائی آن را از بین ببرد و زمین بنور محمدی روشن میشود همان طور که بنور آفتاب روشن میگردد و خداوند محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بآفتاب و علی علیه السلام را بماه مثل زده و میفرماید **و هو الذی جعل الشمس ضیاء و القمر نورا** و میفرماید **و آیة لهم اللیل نسلخ منه النهار فاذا هم مظلمون** و فرموده **ذهب الله بنورهم و ترکهم فی ظلمات لایبصرون** یعنی هروقت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را قبض روح فرماید ظلمت و تاریکی هویدا گردد و فضل اهل بیت را مشاهده ننمایند چنانچه میفرماید **و ان تدعهم الی الهدی لا یسمعوا و تریهم ینظرون الیك وهم لا یبصرون** اگر وا گذاری ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آن ها را بسوی اهلبیت خود و آنان را

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (٥٩) وَ هُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ بِاللَّيْلِ وَ يَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَى أَجَلٌ مُسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٦٠) وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَ يُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَ هُمْ لَا يُفَرِّطُونَ (٦١)

به پیروی از اهلیت خودبخوانی نمیشنوند ومی بینی که بحضرتت نظر میکنند ولکن شما را نمی بینند

درکافی ازحضرت صادق در معنی آیه « وعنده مفاتح الغیب » روایت کرده فرمود مراد از ورقه سقط جنین است و حبه اشاره بفرزند و مقصود از ظلمات الارض رحم است و رطب فرزندی است که زنده متولد شده و باقی بماند و یابس فرزندی است که باقی نماند و تمام آنها در کتاب علم خدا است

ونیز در آیه «و هوالذی یتوفیکم باللیل» ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از این مرك دور شدن روح از بدن است بواسطه خواب ، و مراد از ما جرحتم اعمالی است که درروز انجام میدهند و فرمود معنی «ویرسل علیکم حفظة» فرشتگانی هستند که از انسان نگهبانی نموده واعمال آن ها را ثبت و حفظ کرده و همانها جان ایشان را قبض و در اجزای امر پروردگار قصوری نخواهند کرد

عیاشی ازحضرت صادق علیه السلام در آیه « ثم ردوا الی الله مولیهم الحق» روایت کرده فرمودروزی مروان بن حکم بمدینه وارد شد و بمقر خود نازل و بمسند خویش تکیه داده و زمزمهٔ با خود نمود یکی از دوستان حضرت امام حسین علیه السلام درآنجا بود وقتی که حضور حضرت شرفیاب شد باو فرمود مروان وقتی که وارد مدینه شد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و کلید خزینه های پنهانی نزد خداست و کسی جزاو بر آن دانا نیست،میداندهر آنچه در خشکی و دریاست برك از درخت نیافتد مگر آنکه میفهمد و هیچ دانهٔ در تاریکی های زیر زمین و تروخشکی نیست جز آنکه در کتاب مبین مسطور است (٥٩) اوست خدائیکه شما را میمیراند در شب و کارهای روزانه شما را میداند وسپس بر میانگیزاند تا باجلیکه در قضا و قدر اوست برسید باز بسوی او برمیگردید تا بنتیجه آنچه که کرده اید شما را آگاه گرداند (٦٠) او خدائی است که قدرتش فوق قدرت بندگان است و برای نگهبانی شما فرشتگانی را میفرستد تا وقتیکه موعد مرك هریکی از شما فرا رسد رسولان ما او را میمیرانند و آن ها در قبض ارواح هیچ تقصیری نخواهند کرد (٦١)

و بمسند خود جلوس کرد چه گفت؟عرض کرد این آیه « ثم ردوا الی الله» را تا آخر قرائت نمود حضرت امام حسین علیه السلام فرمود بلی بخدا قسم من و اصحابم بسوی بهشت میرویم ومروان و یارانش بطرف جهنم رانده میشوند

طبرسی در آیه «قل هوالقادر علی ان یبعث علیکم» تا آخر آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از عذاب فوق ، پادشاه جابر وستمکار است که بر ملتی مسلط شود ومراداز « و من تحت »بندگان واهل بیت شخص میباشند وکسانیکه خیری در آن‌ها نیست « ویذیق بعضکم»اشاره به همسایگان بداست و در روایت دیگر فرمود مراد کشتن بعضی از شما بعض دیگر رااست. که تمام اینها دربین مسلمانان رائج است.ودرروایت ابی جارود از حضرت باقر علیه السلام فرمود عذاب فوق صیحه آسمانی ورود استوعذاب تحت مراد زلزله وشکافخوردن زمین وفرو رفتن عمارات وانسان است و مقصود از شیعاً اختلاف در دین و یکدیگر را انتقاد و طعنه زدن است و منظور از بأس بعض، کشتن بعضی بعض دیگر را میباشد. که تمام آن‌ها اکنون دربین فرق مختلفه مسلمانان و اهل قبله وجود دارد

و مراد ازآیه «و کذب به قومك و هوالحق» قریش هستند که قرآن راتکذیب کردند و البته برای هر امتی وچیزی وقت معین است که بموقع خود می بینند ومیفهمند

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَيهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ (٦٢) قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (٦٣) قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ (٦٤) قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ (٦٥)

عیاشی در آیه «و اذا رایت الذین یخوضون» از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود مراد کسانی هستند که در کلام خدا و قرآن جدال میکنند و باید از این قبیل مردم اعراض و دوری جست و از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هر کس بخدا و روز قیامت ایمان دارد در مجلسی که بیکی از ائمه و اوصیاء من جسارت میشود و یا از مسلمان و مؤمنی غیبت میکنند نمی‌نشیند و از آن مکان بر می خیزد زیرا خداوند میفرماید « واذا رایت الذین» تا آخر آیه را تلاوت فرمود

طبرسی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود وقتی آیه فوق نازل شد مسلمانان عرض کردند حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ما چه کنیم هر وقت داخل مسجد الحرام میشویم مشرکین سخریه و استهزاء بقرآن میکنند، از این وقت ببعد باید از طواف خانه کعبه هم صرفنظر کنیم تا سخنان تمسخر آمیز مشرکین را نشنویم؟! خداوند این آیه را نازل کرد «و ماعلی الذین یتقون من حسابهم من شیئ» بر کسانیکه پرهیز کارند عقوبت حساب بد کاران نخواهد بود ولی باید آن ها بدان را متذکر سازند بقدر آنچه توانائی دارند شاید ایشان هم پرهیز کار شوند

قوله تعالی : و ذر الذین اتخذوا دینهم لعباً و لهواً

این آیه خطاب به پیغمبر اکرم است میفرماید ای رسول ما واگذار کسانی که دین خود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

سپس بسوی خدا که مولای حق است باز میگردند همانا از برای اوست حکم فرمائی و زودتر از هر حسابگری بحساب خلق رسیدگی کند (٦٢) بگو کیست که شما را از تاریکی های بیابان و دریا نجات دهد؟بخوانید او را با تضرع و زاری و درپنهانی وبگو ید اگر ما را ازاین مهلکه نجات داد پیوسته ازسپاس گذاران میباشیم(٦٣)بگو خداست که شما را از این مهلکه نجات میدهد و از هر غم میرهاند باز هم باو شرك میآورید!! (٦٤) بگو خدا تواناست که بر شما از آسمان و یا زمین عذاب بفرستدو یا شما را باختلاف کلمه و پراکندگی در افکند و بعضی را بعذاب بعض دیگر گرفتار کند بنگر چگونه ما آیات خود را بیان میکنیم شاید مردم بفهمند (٦٥)

را ملعبه و مایه هوسرانی ساخته اند و دنیا آن ها را فریب داده است و دوری بجو از چنین اشخاصی و مراد از دوری و اعراض در اینجا دوری انکاری است یعنی ملاطفت و مهربانی و مجالست با کفار نکن و فرصت نده بآن ها که دعوت کنند و مردمان را بعقیده و مذهب خود وارد نمایند بقرینهٔ ذیل آیه که میفرماید «وذکر به» و پند واندرز ده ایشانرا بوسیلهٔ قرآن تا آنکه نفسی در معرض هلاکت واقع نشود درانر انجام کارهای زشت ، زیرا نجات دهنده ای بجز خدا نمی باشد اگر تمام اموال دنیا را فدیه دهد تا او را خلاص کنند از آتش دوزخ هرگز نتوانند و آن اشخاصیکه خود را در معرض هلاکت در آوردند ودین خدا را استهزاء و ملعبه گرفته اند برای آنان شرابی از حمیم جهنم باشد و بعذاب سخت و دردناکی گرفتار میشوند بکیفر آن استهزائی که کرده بودند .

قوله تعالی : **قل اندعوا من دون الله مالا ینفعنا ولا یضرنا**

این آیه امر میفرماید که پیغمبر و مؤمنین بکفار و بت پرستان بگویند آیامابخوانیم جمادی راکه نه سود میرساند اگر او را پرستش کنیم ، و نه زیان رساند چنانچه او را رها کنیم وآیا بر گردیم بقهقری و زمان جاهلیت پس از آنکه خداوند ما را راهنمائی فرموده ومانند اشخاصی باشیم که در اثرفریب دادن شیطان حیران وسرگردان

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ كَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَ هُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ (٦٦) لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ
وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ (٦٧) وَ إِذا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آياتِنا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ
حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَ إِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطانُ فَلا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرى
مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (٦٨) وَ ما عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ
وَ لكِنْ ذِكْرى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (٦٩) وَ ذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِباً وَ لَهْواً وَ
غَرَّتْهُمُ الْحَياةُ الدُّنْيا وَ ذَكِّرْ بِهِ أَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِما كَسَبَتْ لَيْسَ لَها مِنْ
دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَ لا شَفِيعٌ وَ إِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لا يُؤْخَذْ مِنْها أُولئِكَ الَّذِينَ
أُبْسِلُوا بِما كَسَبُوا لَهُمْ شَرابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَ عَذابٌ أَلِيمٌ بِما كانُوا يَكْفُرُونَ (٧٠)

شدند، ای پیغمبر و مؤمنین بکفار بگوئید راهنمائی منحصر است بهدایت پروردگار و بس و ما در تمام امور تسلیم امر پروردگار میباشیم و بر او توکل میجوئیم و خداوند امر فرموده بما که نمازرا بپاداریم و از پرهیزکاران باشیم چه بازگشت همه خلایق بسوی او میباشد و آن خدائی است که آسمان و زمین را بیافرید و روزیکه بگوید موجود باش بیدرنگ بوجود آید سخن پروردگار حق است و پادشاهی عالم در روزی که بصور دمند تنها برای اوست

ابن بابویه در آیه «یوم ینفخ فی الصور عالم الغیب والشهادة» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود عالم غیب چیزی است که مشاهده نمی شود و شهادة آن چیزی است که هست و مشهود و دیدنی است

علی بن ابراهیم ذیل آیه «و کذلك نری ابراهیم» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرموداز برای ابراهیم زمین و آنچه بر روی آن بود ظاهر شد و آسمان و آنچه در او بود در نظرش مشهود و هویدا گردید حتی فرشتگان حاملین عرش پروردگار

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قوم تو قرآن و آیات خدا را تکذیب کردند و حال آنکه برحق بود ، ای پیغمبر بگو من نگهبان شما نیستم (٦٦) برای هر خبری که پیغمبران دادند وقت معینی است و بزودی بر آن دانا خواهید شد (٦٧) چون طایفه ای را دیدی که برای طعنه زدن در آیات ما گفتگو میکنند از آنان دوری بجو تا در سخن دیگر وارد شوند ، و چنانچه شیطان فراموشت ساخت پس از آنکه متذکر شدی دیگر با طایفهٔ ستمکاران مجالست نکن (٦٨) نیست بر اشخاص پرهیز کار حساب بد کاران ولی بر آنهاست که بدان را متذکر سازند شاید پرهیز کار شوند (٦٩) واگذار آنهائیکه دین خود را بازیچه و هوسرانی ساخته اند دنیا آنان را فریب داده تذکر بده بایشان که هرکس عاقبت گرفتار نتیجه عمل خود میشود رجز خدا دوست و شفیعی نخواهد بود و هرچه برای رهائی خود از عذاب خدا فدا بدهد از او نپذیرند آن ها کسانی هستند که عاقبت بکیفر کفر خود بعذابی دردناك و بشرابی از حمیم جهنم خواهند رسید (٧٠)

را دید خداوند عین همین مکاشفات را برای پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام نیز ظاهر فرمود

چگونگی ولادت حضرت ابراهیم

قوله تعالی : و اذ قال ابراهیم لابیه آزر اتتخذ اصناماً آلهة

عیاشی از امیر المؤمنین روایت کرده فرمود نام پدر حضرت ابراهیم تارخ بود و مادرش باو حامله بود که تارخ از دنیا رفت و آزر پدر تربیتی ابراهیم بوده . و نیز عیاشی وعلی بن ابراهیم از ابن مسکان روایت کرده اند که حضرت صادق فرمود علیه السلام آزر منجم نمرود بن کنعان بود روزی باو گفت در حساب نجوم دیده ام که در همین ایام مردی بدنیا میآید که دین بت پرستی را از بین برده و مردم را بدین دیگری دعوت میکند ، نمرود سئوال کرد در کدامیك از شهرستان متولد میشود ؟ آزر گفت در شهرستان کوثی ربا (بزبان عبری اور کسدیم گویند) مجدداً پرسید که آیا آن شخص متولد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قُلْ اَنَدْعُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلٰى اَعْقَابِنَا بَعْدَ اِذْ هَدٰينَا اللّٰهُ كَالَّذِى اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِى الْاَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ اَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ اِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ اِنَّ هُدَى اللّٰهِ هُوَ الْهُدٰى وَاُمِرْنَا لِنُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۷۱) وَاَنْ اَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِى اِلَيْهِ تُحْشَرُونَ (۷۲) وَهُوَ الَّذِى خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِى الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۷۳)

شده یا خیر؟ آزر گفت هنوز متولد نشده است، نمرود دستور داد که میان مردان وزنان جدائی افکنند تا نطفهٔ چنین مولودی منعقد نشود معذلك مادر ابراهیم بآن جناب حامله شد و چون وضع حملش نزدیك شد گفت من مریض هستم و میخواهم منزوی شوم و در آن زمان چنین رسم بود که هرگاه زنی بیمار میشد عزلت و دوری میکرد و میرفت بغار ها و شکاف های کوه زندگی میکرد مادر ابراهیم نیز دوری نموده و در غاری سکونت اختیار کرد و چون وضع حمل نمود فرزندش ابراهیم را پیچیده در همان غار گذاشت و سنگی بدر غار نهاد و از ترس نمرود بشهر مراجعت کرد و این واقعه در سه هزار و سیصد و بیست و سه سال از هبوط آدم و هزارو دویست وهفتاد سال از طوفان نوح میگذشت و آن حضرت فرزند تارخ بن ناحور بن شاروغ بن راغو بن قالغ بن عابر بن شالخ بن ارفخشد بن سام بن نوح علیه السلام میباشد خداوند بقدرت کاملهٔ خود از انگشت ابهام ابراهیم شیری جاری ساخت که وسیلهٔ تغذیه آن جناب میشد و همه روزه مادرش باو سر کشی مینمود و نهایت مراقبت مینمود که نمرودیان بوجود طفل اطلاعی پیدا ننمایند تا او را بقتل برسانند و رشد یکروزه ابراهیم معادل رشد یکماه اطفال عادی بود ودر غار بود تابسن سیزده سالگی رسید روزی مادرش بدیدار او آمد چون خواست مراجعت کند گفت مادر مرا همراه خود ببر، باو گفت ای فرزند میترسم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بگو ای پیغمبر آیا ما چیزیرا بخدائی بخوانیم که قادر بسود زیان نیست و بر گردیم بعادت جاهلیت پیشینیان پس از آنکه خداوند ما را هدایت فرموده تا مانند کسیکه فریب شیطان او را در زمین سر گردان‌ساخته بشویم شیطان توانائی ندارد که‌شخصی را بسوی خود هدایت‌کند بگو راهنمائی خدا بس هدایت است و ما مأموریم که تسلیم فرمان پروردگار جهانیان باشیم (٧١) و بخلق بگو نماز بپا دارید و از خدا بترسید که بسوی او باز گشت خواهید کرد (٧٢) او خدائیست که آسمان و زمین را بحق آفرید و روزیکه بفرمایدموجود باش موجود میشودسخن اوحق است وپادشاهی روزیکه در صور بدمند تنهابرای اوست به نهانی و آشکار خلق دانا است و بتدبیر خلق بینا و بر همه چیز آگاهست (٧٣)

که شاه مطلع شود که در این ایام بدنیا آمده و مبادرت بقتل تو نماید و باین علت او را با خود نبرد مادر از نزد او بیرون آمد ابراهیم صبر کرد همینکه آفتاب غروب کرد از غار خارج شد برای اولین بار چشمش بستارهٔ زهره افتاد که در آسمان می درخشید بی‌اختیار فریاد زد وگفت این پروردگارمنست، ولی‌همینکه غروب‌کرد گفت پروردگار غروب نمیکند و پنهان نمیشود و من خدای از بین رفتنی را دوست ندارم چون نظرش بمشرق افتاد دید ماه طالع میشود گفت این خدای من است که بهتر و بزرگتر از اولی است و چون آنراهم دیدکه حرکت نموده و غایب میشود گفت اگر خدا مرا راهنمائی نکنداز طایفهٔ گمراهان خواهم بود و چون صبح شد و خورشیداز افق مشرق طلوع کرد و ازشعاع نورش دنیا را روشن و منور ساخت گفت این‌خدائی است که میخواستم هم از آن دو بزرگتر و هم نور و جمالش بهتر و روشنتر است‌اما همینکه بحرکت درآمدودر افق مغرب پنهان شد ، خداوند ملکوت آسمانها رابنظر او رسانید ، و پرده‌ها را از جلوی چشمش بکنار زد تا عرش پروردگار و فرشتگان و موجودات زمین و آسمان را مشاهده کرد فرمود من از شریك قرار دادن برای خدا بیزارم، و من متوجه بخدائی هستم که آسمان و زمین راآفریده واین توجه بخدای واحد از روی فطرت و خمیرهٔ خلقت من است و فرمانبردار آن خدا هستم و هرگز

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اِذْ قَالَ اِبْراهیمُ لِاَبیهِ آزَرَ اَتَتَّخِذُ اَصْناماً اٰلِهَةً اِنّی اَریكَ وَ قَوْمَكَ فی ضَلالٍ مُبینٍ (٧٤) وَ كَذٰلِكَ نُری اِبْراهیمَ مَلَكُوتَ السَّمٰواتِ وَ الْاَرْضِ وَ لِیَكُونَ مِنَ الْمُوقِنینَ (٧٥) فَلَمّا جَنَّ عَلَیْهِ اللَّیْلُ رَاٰ كَوْكَباً قالَ هٰذا رَبّی فَلَمّا اَفَلَ قالَ لا اُحِبُّ الْاٰفِلینَ (٧٦) فَلَمّا رَاَ الْقَمَرَ بازِغاً قالَ هٰذا رَبّی فَلَمّا اَفَلَ قالَ لَئِنْ لَمْ یَهْدِنی رَبّی لَاَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضّالّینَ (٧٧)

برای خدای خود شریکی قائل نخواهم شد.

ابراهیم بسوی خانه مادرش رفت و داخل منزل شد و بین فرزندان او قرار گرفت ازحضرت صادق علیه السلام سئوال شد که آیا قول ابراهیم که میگوید «هذا ربی» با این گفتارش شرك بخدا آورده؟ فرمود خیر حکایت از بیان آنهائی بود که ستاره و یا ماه و آفتاب میپرستیدند نه اینکه اعتقاد آن حضرت بوده بلکه باهدایت و راهنمائی خداوند این سخنان را میگفت و چون ابراهیم داخل خانه شد مادرش در تحت سرپرستی و کفالت آزر بود آزر باو نظر کرده بمادرش گفت در این زمان که پادشاه کودکان را بقتل میرساند این طفل کیست و کجا بوده؟ گفت این هم مانند پسر تو میباشد هنگامیکه من دوری جستم بدنیا آمد آزر گفت وای برتو اگر پادشاه از وجود این طفل اطلاع حاصل نماید ما از این قرب ومنزلتی که در پیشگاه نمرود داریم خارج خواهیم شد، چون آزر در نزد نمرود مقرب بود و برای او و مردم بت هائی میتراشید و بوسیلهٔ فرزندانش میداد که آنها را بفروشند مادر ابراهیم بآزر گفت نگران مباش و وجود این طفل برای شما هیچ ضرری نخواهد داشت اگر پادشاه بوجودش پی نبرد فرزندی برای ما باقی خواهد ماند و اگر مطلع شود تو میتوانی عذری برای پادشاه بیاوری که مقبول واقع گردد ابراهیم در منزل بود و هر وقت آزر او را میدید از دیدارش مسرور میشد و او را بسیار دوست میداشت روزی بت هائی بابراهیم داد تا مانند فرزندانش بفروش برساند ابراهیم ریسمانی بگردن بت ها بسته و بروی زمین میکشید و صدا

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بیاد آور هنگامیکه ابراهیم به پدر تربیتی خود آزر گفت آیا بتها را بخدائی اختیار کرده‌ای؟ من تو و پیروانت را در گمراهی آشکاری می بینم (٧٤) و همچنین ما بابراهیم ملکوت و باطن آسمانها و زمین را ارائه دادیم تا بمقام اهل یقین رسد (٧٥) چون شب تاریك نمودار شد، ستارهٔ درخشانی مشاهده کرد گفت پروردگار من اینست و چون آن ستاره غروب کرد گفت من چیزیکه نابود شود دوست ندارم و بخدائی نخواهم گرفت (٧٦) چون ماه تابان را دید گفت این خدای من است که بزرگتر از دیگرانست وقتی پنهان شد گفت اگر خدا مرا راهنمائی نکند از طایفهٔ گمراهان خواهم بود (٧٧)

میزد: کیست چیزی را بخرد که سود و زیانی ندارد؟ و آن ها را گاهی بزیر آب فرو میبرد و گاهی لجن مال میکرد و بآنها میگفت بخورید و بیاشامید و سخن بگوئید فرزندان آزر این موضوع را بپدر خود تذکر دادند آزر ابراهیم را از آن عمل نهی نمود که دیگر چنین حرکاتی برسر بتان ننماید ولی او اعتنائی نکرد تا عاقبت آزر ابراهیم را در منزل حبس نمود و اجازه نداد تا از خانه خارج شود و بعد از مدتی آن حضرت را رها نمود، ابراهیم باز سخنان پیشین را تکرار کرد و در سرزنش آنها اصرار ورزید بطوریکه شهرت یافت درشهر کوثی ربا و مردم آن سامان به نمرود از دست حضرت خلیل شکایت کردند دستور داد آن جناب را حاضر کنند ابراهیم در کمال هیبت و وقار و بدون ترس و واهمه در دربار نمرود وارد شد و چون دیگران سپاس و ستایش نکرد او را، نمرود در غضب شد وروی از ابراهیم بگردانید و گفت مگر مرا مستحق سجده نیافتی و اینطور جسورانه وارد شدی؟ فرمود من پروردگاری را سجده میکنم که میمیراند و زنده میکند، نمرود گفت منهم زنده کنم و بمیرانم ابراهیم گفت چگونه توانی اینکار کنی؟ جواب داد دو نفر که مستحق کشته شدن هستند بریکی از آنها منت گذاشته و خلاص کردانم او را و آن دیگر را بقتل رسانم ابراهیم فرمود اگر راست میگوئی و توانائی داری آنکسیکه کشته ای او را زنده کن سپس فرمود این کار را کنار میگذاریم پروردگار من آفتاب را از مشرق طالع میگرداند شما او را از مغرب بیاور اگر راستگو هستی؟ نمرود از جواب عاجز ماند و بهتش برد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

چه میدانست که نمیتواند این کار را انجام دهد محاجه ابراهیم با نمرود بپایان رسید و آن حضرت از در بار بسلامت بیرون رفت و همچنان مردم را بخدا دعوت مینمود و آنها را از بت پرستی نهی میکرد و براه راست راهنمائی میفرمود تا موسم عیدی رسید که باید تمام مردم برای مراسم عید از شهر خارج شوند و بعید گاه بروند آن حضرت ببهانه ای از شهر بیرون نرفت پس از آنکه ابراهیم شهر را از اهالی خالی دید طعامی فراهم کرده و آورد در بتخانه‌ها نزدیك هریك از آن بتان میبرد و میگفت بخورید از این طعام و سخن بگوئید وقتی جوابی از آنها نشنید تبری بدست گرفته و تمام دست و پای بتان را در هم شکست سپس آن تبر را در گردن بت بزرك انداخت هنگامیکه نمرود و اهالی از جشن عید برگشتند مشاهده کردند که تمام بتها در هم شکسته و بزمین ریخته جز آن بت بزرك «فقالوا من فعل هذا بآلهتنا انه لمن الظالمین قالواسمعنا فتی یذکرهم یقال له ابراهیم» گفتند کسیکه چنین عملی را با خدایان ما کرده همانا ستمکار است) آنانکه مکرر لعن بتان و این سخن را از ابراهیم شنیده بودند که میگفت بخدا قسم که من این بتهای شمارا با هر تدبیری بتوانم در هم شکنم بعد از آنکه از بتخانه روی گردانیدید (گفتند ما جوانی را بنام ابراهیم شنیدیم که این کار را با بتان کرده) نمرود امر کرد ابراهیم را حاضر کنند در حضور جماعت تا بر او گواهی دهند ، ابراهیم را وارد کردند در دربار نمرود باو گفتند «انت فعلت هذا بآلهتنا یا ابراهیم) آیا تو با خدایان ما چنین کردی ای ابراهیم ؟)قال بل فعله کبیرهم هذا فاسئلوهم ان کانوا ینطقون (ابراهیم گفت اینکار را بزرك آنها کرده شما از این بتان پرسش کنید اگر سخن میگویند ، آنگاه باهم فکر کرده و گفتند البته شما که این بتان بی اثر را میپرستید ستمکارید نه ابراهیم ، سپس در مقابل حجت ابراهیم همه سر بزیر افکندند و گفتند تو بهتر میدانی که این بتان سخنی نگویند ابراهیم در پاسخ آنها گفت آیا خدائی که هر سود وزیانی بدست او است رها کرده و بتهائی را میپرستید که هیچ نفع و ضرری برای شما ندارند ؟! لعنت بر شما و بر آنچه غیر از خدای یکتا میپرستید آیا شما هیچ تعقل نمیکنید؟ نمرود با قوم خویش در بارهٔ کیفر ابراهیم مشورت کرد آنها گفتند ابراهیم را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید اگر کاری میخواهید

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بکنید،فرمود حضرت صادق علیه السلام فرعون ابراهیم و اطرافیانش رشد فکری نداشتند زیرا گفتند ابراهیم رابسوزانیم ولی فرعون موسی و قومش بارشد بودند چه وقتیکه فرعون با در باریان خود مشورت نمود در باره موسی گفتند مهلت دهید موسی و هرون را حضرت خلیل را حبس کردند و جایگاهی در بیابان بطول شصت و بعرض چهل ذرع درست کرده و هیزم بسیاری جمع نموده و بنائی برای نمرود در آنحوالی ساختند تا در آنجا مشاهده کند چگونه حضرت ابراهیم را آتش میسوزاند تمام هیزمها را آتش زده نمرود و لشکریانش بیرون رفتند تا آن حضرت را در آتش اندازند بطوری حرارت آتش زیاد بود که پرندگان نمیتوانستند در آن حوالی از شدت حرارت پرواز کنند متحیرشدند چگونه ابراهیم را در آتش افکنند زیرا کسی توانائی نداشت نزدیك شود شیطان بصورت مردی نزد آنها آمد و دستورداد منجنیقی بسازند و ابراهیم را بوسیله منجنیق در آتش افکنند ، آن حضرت را در میان منجنیق گذاشته و در آتش انداختند فریاد فرشتگان بلندشد پروردگارا خلیل تورا میخواهند بسوزانند ،زمین بدرگاه عز ربوبی نالید و عرض کرد خدایا کسی جز ابراهیم نیست در پشت من که پرستش کند تورا میخواهند او را بسوزانند ،جبرئیل تضرع و زاری کرد و گفت الهی این خلیل تو ابراهیم است مسلط کردهٔ براو دشمنش راخطاب رسید ای جبرئیل ساکت شو مانند تو بندگانی که میترسند اینگونهٔ سخنان را میگویند ولی ابراهیم بنده خاص و خالص من میباشد اگر مرا بخواند اجابت کنم دعوت او را آن حضرت خواند خدارا بسوره اخلاص و عرض کرد « یا الله یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفواً احدنجنی برحمتك من النار » ای پرور دگار یگانه و یکتا ایکسیکه از همه مردم بی نیاز و همه جهان بتو نیاز مندند ای پروردگاریکه نه کسی فرزند تو است و نه تو فرزند کسی و نه هیچ کس مثل و همتای تو است نجات ده مرا بفضل و رحمت خود از این آتش ، جبرئیل عرض کرد بآنحضرت آیا حاجتی بمن داری تا انجام دهم فرمود بتوحاجتی ندارم حاجت من بخدا است جبرئیل انگشتری بآنحضرت داد نقش نگین او نوشته بود لا اله الاالله محمد رسول الله الجأت ظهری الی الله و اسندت امری الی الله وفوضت امری الی الله در آنهنگام خطاب رسیداز مصدر جلالت کبریائی

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فَلَمَّا رَأَ الشَّمْسَ بازِغَةً قالَ هٰذا رَبِّی هٰذا اَکْبَرُ فَلَمَّا اَفَلَتْ قالَ یاقَوْمِ اِنّی
بَرِیءٌ مِمّا تُشْرِکُونَ (۷۸) اِنّی وَجَّهْتُ وَجْهِیَ لِلَّذی فَطَرَ السَّمواتِ وَ الْاَرْضَ
حَنیفاً وَ ما اَنَا مِنَ الْمُشْرِکینَ (۷۹) وَ حاجَّهُ قَوْمُهُ قالَ اَتُحاجُّونّی فِی اللّٰهِ وَ
قَدْ هَدینِ وَ لا اَخافُ ما تُشْرِکُونَ بِهِ اِلّا اَنْ یَشاءَ رَبّی شَیْئاً وَسِعَ رَبّی کُلَّ شَیْءٍ
عِلْماً اَفَلا تَتَذَکَّرُونَ (۸۰) وَ کَیْفَ اَخافُ ما اَشْرَکْتُمْ وَ لا تَخافُونَ اَنَّکُمْ
اَشْرَکْتُمْ بِاللّٰهِ ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ عَلَیْکُمْ سُلْطاناً فَاَیُّ الْفَریقَیْنِ اَحَقُّ بِالْاَمْنِ اِنْ
کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۸۱)

بآتش‌ای آتش‌سرد بشو آتش سرد گردید بطوریکه دندانهای ابراهیم ازشدت سرما بهم خورد خطاب دیگری‌شدسلام و رحمت شو برابراهیم و جبرئیل فرود آمدو دروسط آتش باابراهیم نشست وبا اوحدیث گفت،در آنوقت نمرود متوجه شد دیدوسط آتش باغ سبزو خرمی است و ابراهیم در آنجا نشسته بسیار تعجب کرد و بدرباریان گفت اگر کسی بخواهد خدائی برای خود اختیار کند باید مانند خدای ابراهیم باشد یکی ازدرباریان گفت من عزیمتی بر آتش خواندم از این جهة ابراهیم را نسوزانید بکیفر این دروغ و افترائیکه گفت فورا شعله‌ای از آن آتش بطرف اوآمد و او را سوزانید درآنوقت لوط بابراهیم ایمان آورد سپس نمرود بآزر گفت چه اندازه فرزندت گرامی است نزد پروردگار و تا سه روز آتشهای دنیا کارگر نشد نمرود در حالتیکه انگشت عبرت بدندان گرفته فریاد زد ای ابراهیم چگونه از این آتش سوزان زیانی ندیدی ؟ فرمود مرا پروردگاریستکه در آب و آتش نگهبانی میکند نمرود گفت الحال نزد ما بیا آن حضرت حضور نمرود رفت و او را از عذاب سخت خداوند ترسانید و فرمود بخدا ایمان بیاور نمرود از خلیل الرحمن مهلت طلبیده و با هامان که نخست‌وزیرش

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

چون صبحگاه خورشید درخشان را مشاهده نمود گفت این است خدای من که از آن ستاره وماه بزرگتر و روشن تر است چون آنهم غروب کرد گفت ای طایفه مشرکان من بیزارم از آنچه شما شریك خدا قرار داده اید(۷۸) من با ایمان خالص روبخدائی که آفریننده زمین و آسمان است آوردم وهرگز از طایفه مشرکین نخواهم بود(۷۹) قوم ابراهیم بااو در مقام خصومت بر آمدند گفت آیا با من در بارهٔ خدا مجادله میکنید و حال آنکه خدا مرا راهنمائی کرده و ابداً از آنچه شما شریك خدا می پندارید ترسی نخواهم داشت مگر آن که خدا بر من چیزی بیمناك بخواهد پروردگار من دانشش بهمه موجودات احاطه دارد آیا متذکر خدا نمیشوید (۸۰) چگونه ازچیزیکه شما شریك خدا قرار میدهید بترسم و شما از شرك بخدا آوردن نمیترسید و حال آنکه هیچ دلیلی بر شرك ندارید آیا کدامیك از ما با یمنی سزاوار تریم اگر شما دانا هستید (۸۱)

بود مشورت کرد آیا ایمان آورم یا خیر؟ همان گفت بعد از چهار صد سال خدائی میخواهی بندگی اختیار کنی که باعث هزاران شرمندگی است، نمرود چون از آتش انداختن آن حضرت نتیجهٔ نگرفت دستور داد ابراهیم را از مملکت خویش خارج کنند لذا آن حضرت با همسر خود ساره که دختر عمویش و فرزند تومر بن ناحور بود و برادر زاده اش لوط بن هاران از ایالت بابل هجرت کرد و بزمین کنعان فرود آمد و چون کنعان بن حام بن نوح در آنسرزمین سکونت داشت از این جهت بزمین کنعان نامیده شده بود ، از جانب پروردگار وحی رسید که ای ابراهیم دل خوش دار که نسل تو را مانند ستاره‌های آسمان فراوان گردانم و این زمین را بایشان کرامت کنم حضرت خلیل پس از چندی که در آنجا سکونت کرد قحطی بسیاری در کنعان ظاهر شد باهمراهان خود بزمین مصر رهسپار شد وقتی وارد مصر شد جماعتی از عشاران بعرض سنان بن علوان که پادشاه آن مملکت بود رسانیدند که اینك بانوئی در نهایت حسن و جمال با مرد غریبی وارد شده و آن بانو لایق و شایسته حرمسرای پادشاه است آن شاه ستمکار حضرت خلیل الرحمن را با ساره بدرگاه حاضر ساخت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (۸۲) وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۸۳) وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَىٰ وَهَارُونَ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (۸٤) وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ (۸۵) وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ (۸٦)

چون رخساره او را که مانند قرص خورشید تابان بود مشاهده کرد عنان از دست بداد و بطرف مخدره عصمت و طهارت دست درازی کرد همان لحظه دست شاه‌خشك گردید و از کار افتاد چنان ترس و هراسی بدل راه داد که نتوانست چاره جوئی کند بنای تضرع و زاری را گذاشت و پیوسته از خاندان ابراهیم عذر و پوزش می طلبید و استدعای عفو و بخشش مینمود چون بحقیقت دانست ساره که پادشاه پشیمان گشته‌و از کردار خود شرمنده است دعاکرد دستش بحالت اول برگشت شاه کنیزی بساره بخشید وگفت (ها اجرك علی دعائك لی) این کنیز را بپاداشیکه دعا فرمودی از من قبول‌نما وازاین‌جهت بهاجر نامیده‌شد ،نمرود آن کنیزو گوسفندو گاووشتر بسیاری‌حضور حضرت ابراهیم تقدیم داشت‌و عذر خواهی کرد حضرت‌ابراهیم با تمام احترام ازمصر خارج شد و بزمین فلسطین نزول اجلال فرمود و پس از چندی در قریه حبرون که اکنون بقدس خلیل مشهور است توطن نمود و باین کیفیت ولادت و نبوت و محاجه و آتش انداختن و هجرت آن‌حضرت از مملکت نمرود بپایان رسید .

شیخ مفید در کتاب اختصاص از جابر بن یزید جعفی روایت کرده گفت از

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آنانکه بخدا ایمان آورده و ایمان خود را بستم و ظلم نپوشیده اند برای آنها ایمنی است و ایشان راهنمائی یافته‌اند(۸۲) این است حجتی که عطا کردیم بابراهیم برقومش ومقام هر که را بخواهیم بلند گردانیم همانا پروردگار تو برصلاح جهانیان بینا و دانا است (۸۳) و ما بابراهیم اسحق و یعقوب را دادیم و همه را راهنمائی کردیم و نوح را پیش ابراهیم و فرزندانش داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون هدایت نمودیم و همچنین نیکوکاران را پاداش خواهیم داد (۸٤) و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس همه از نیکوکارانند (۸۵) و اسمعیل ویسع و یونس و لوط همه از شایستگان هستند وما همه پیغمبران را بر جهانیان برتری دادیم (۸۶)

حضرت باقر علیه السلام معنی آیه «وکذلك نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض» راسئوال نمودم سر مبارك را بلند کرد سپس فرمود سرت را بلند کن همینکه سرخود را بلند نمودم دیدم سقف خانه شکافته شد و نوری مشاهده کردم بمن فرمود ملکوت آسمان و زمین را حضرت ابراهیم اینطور مشاهده نمود بعد فرمود سر خود را پائین بیاور چون سر خود را پائین آوردم دیدم سقف منزل بحالت عادی خود در آمده است آنگاه دست مرا گرفت و از آن خانه بخانه دیگر برد و لباسهای خود را عوض نمود ولباس دیگری پوشیدند و بمن فرمود چشمهایت را بهم گذار چشم را بستم و پس از مدتی بمن فرمودند میدانی در کجا هستی؟ گفتم خیر فرمود اینجا ظلماتست که ذوالقرنین بآنجا رسید حضورش عرض کردم اجازه میفرمائید چشمم را باز کنم فرمود باز کن باز نمودم دیدم چنان در تاریکی میباشم که زیر پای خود را نمیبینم قدری که رفتیم توقف فرمود و گفت اینجا چشمهٔ زندگانی است که خضر از آن آشامید قدری دیگر راه رفتیم بعالم دیگری رسیدیم مشاهده نمودم که آنعالم هم در سکونت و بناماننند عالم خودمان میباشد و از آنجا بعالم سومی رفتیم آنجا هم مانند عالم اول ودوم بود

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ مِنْ آبائِهِمْ وَ ذُرِّيّاتِهِمْ وَ اِخْوانِهِمْ وَ اجْتَبَيْناهُمْ وَ هَدَيْناهُمْ اِلى صِراطٍ مُسْتَقيمٍ (۸۷) ذٰلِكَ هُدَى اللّٰهِ يَهْدي بِهِ مَنْ يَشاءُ مِنْ عِبادِهِ وَ لَوْ اَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ ما كانُوا يَعْمَلُونَ (۸۸) اُولٰئِكَ الَّذينَ آتَيْناهُمُ الْكِتابَ وَ الْحُكْمَ وَ النُّبُوَّةَ فَاِنْ يَكْفُرْ بِها هٰؤُلاءِ فَقَدْ وَكَّلْنا بِها قَوْماً لَيْسُوا بِها بِكافِرينَ (۸۹) اُولٰئِكَ الَّذينَ هَدَى اللّٰهُ فَبِهُداهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْراً اِنْ هُوَ اِلاّ ذِكْرىٰ لِلْعالَمينَ (۹۰)

تا پنج عالم را سیر نمودم پس از آن حضرت فرمودا ینها ملکوت زمین بود وابراهیم آنها را ندید و ملکوت آسمانها را مشاهده کرد که دوازده عالم است و هر عالمی مانند عالمی است که تو دیدی هریك از ما ائمه که از دنیا برویم در یکی از این عالمها ساکن میشویم تا آخرین ما قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در این عالم که اکنون ما در آن هستیم خواهد بود آنگاه فرمود چشم خود را بهم بگذار اطاعت نموده بهم گذاشتم دست مرا گرفت و طولی نکشید که خود را در آن خانه دیدم که حضرت در آن تغییر لباس دادند عرض کردم فدایت شوم چند ساعت است که ما در سیر و گردش افلاك بودیم؟ فرمود سه ساعت است و این حدیث را نیز در بصائر الدرجات روایت کرده

ابن فارسی بسند خود از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود آزر پدر تربیتی حضرت ابراهیم بود نه ولادتی ابراهیم هنوز در شکم مادر بود که پدرش فوت کرد و نام او تارخ بود و در کتاب قاموس میگوید تارخ بروزن آدم نام پدر ابراهیم خلیل است و بعضی از امامیه روایت کردند که آزر جد مادری حضرت ابراهیم بود و اطلاق پدر بر پدر غیر ولادتی در چند موضع از قرآن میباشد چنانچه در حکایت یعقوب و فرزندان او میفرماید «ام کنتم شهداء اذ حضر یعقوب الموت اذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی قالوا نعبد الهك و اله ابائك ابراهیم و اسمعیل و اسحق الهاً واحداً و نحن له مسلمون

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و نیز بعضی از پدران و فرزندان و برادران آنها را بر دیگران برتری و فضیلت داده و آنها را برگزیده و براه راست هدایت نمودیم (۸۷) اینست راهنمائی خدا هر که را از بندگانش بخواهد راهنمائی کند واگر بخداشرك آورند آنچه راکه عمل کرده‌اند نابود میسازد (۸۸) پیغمبران کسانی هستند که ما بآنها کتاب و حکمت و نبوت عطا کردیم پس اگر این مردم بآنها کافر شوند ما قومی را که هرگز کافر نشوندبرگماریم (۸۹)پیغمبران اشخاصی بودند که خدا آنها را هدایت نمود تو نیز از راه ایشان پیروی کن و بامت بگو من از شما مزد رسالت نمیخواهم مگر آنکه میخواهم اهل عالم متذکر خدا بشوند (۹۰)

در این آیه اطلاق پدر شده‌و حال آنکه اسمعیل عموی یعقوب بوده و پدرش اسحق است که برادر اسمعیل میباشد پس اطلاق کلمهٔ پدر نموده بر عمو و در ذیل آیه «رب هب لی من الصالحین فبشرناه بغلام حلیم» درسوره والصافات انشاءالله توضیحات بیشتری خواهم داد.

و نیز بسند خود از ابی عمرو وابی سعید خدری روایت کرده گفتند مادر حضوربیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودیم سلمان واباذرو مقداد و ابو طفیل وارد شدندحضورش در حالتیکه اثر حزن و اندوه از سیمای آنها هویدا بود عرض کردند ایرسول خدا ما از منافقین سخنانی چند در باره برادر و پسر عمویت علی بن ابی طالب علیه السلام شنیدیم که طاقت نیاوردیم فرمود چه میگویند منافقین در حق علی علیه السلام؟ گفتند آنها میگویند علی در حالت طفولیت اسلام اختیار کرده و سبب فضیلت آن حضرت نمیشود، فرمود پیغمبر اکرم این گفتار شماها را محزون کرده؟ عرض کردند بلی فرمود قسم بخدا منافقین دروغ میگویند مگر نخوانده‌اند کتابهای آسمانی را که میفرماید ابراهیم در شکم مادر بود از ترس پادشاه ستمکار مادرش فرار کرد وقتی رسید بکنار نهر حزران هنگام غروب آفتاب او را بزمین نهاد ابراهیم وقتی از مادر متولد شد دستی بصورت خود کشید و گفت اشهد ان لا اله الا الله موسی بن عمران در زمان فرعون متولدشد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ ما قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ اِذْ قالُوا ما اَنْزَلَ اللّٰهُ عَلىٰ بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ اَنْزَلَ الْكِتابَ الَّذي جاءَ بِهِ مُوسىٰ نُوراً وَ هُدىً لِلنّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَراطيسَ تُبْدُونَها وَ تُخْفُونَ كَثيراً وَ عُلِّمْتُمْ ما لَمْ تَعْلَمُوا اَنْتُمْ وَلا آباؤُكُمْ قُلِ اللّٰهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ في خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (۹۱) وَ هٰذا كِتابٌ اَنْزَلْناهُ مُبارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرىٰ وَ مَنْ حَوْلَها وَ الَّذينَ يُؤْمِنُونَ بِالْاخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلىٰ صَلاتِهِمْ يُحافِظُونَ (۹۲)

وقتی مادرش او را بزمین گذاشت خطاب رسید که طفل را در صندوقی بگذار و اورا در دریا افکن مادرش از این خطاب محزون شد موسی گفت مادر محزون نباش خداوند مرا بر میگرداند بسوی تو، عیسی بن مریم حین تولد با مادر سخن گفت و خداوند نبوت و کتاب را در حال طفولیت باو مرحمت فرمود وقتی مردم اشاره باو کردند و گفتند ماچگونه باطفلی سخن بگوئیم؟ آنحضرت فرمود روز دوم ولادت، من پیغمبر و بنده خداهستم مرا مقام پیغمبری عطا فرموده وسفارش کرده بمن نماز وروزه را و تمام شما مردم میدانید خداوند من و علی را از یك نور آفرید و ما هردو در پشت آدم تسبیح مینمودیم خدای تعالی را سپس انتقال یافتیم به پشت پدران و ارحام مادران میشنید تسبیح وتقدیس ما راخداوند هنگامیکه در پشت پدران ورحم مادران بودیم درهرعصر و زمانی تا زمان عبدالمطلب همانانورما ظاهر و هویدا بود در صورت پدر و مادرانمان بطوریکه اسم ما با خطوط نور در پیشانی آنها نوشته شده بود سپس آن نور دوبخش گردید یك بخش در صلب عبدالله و بخش دیگر در پشت ابی طالب قرار گرفت و هرگاه پدر وعموی من درمیان جماعت قریش می نشستند نور من ازصلب پدرم و نور علی از صلب پدرش هویدا و آشکار تلاءلؤ مینمود تا آنکه از پشت پدر و رحم مادر بیرون آمدیم همانا فرود آمد جبرئیل بسوی من در وقت ولادت علی علیه السلام گفت ای

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آن مردم خدا را نشناختند وگفتند بر هیچیك از افراد بشر کتابی نفرستاده، ای پیغمبر بآنها بگو کتاب توراتیکه در آن نور علم، و هدایت خلق بود کی برای موسی فرستاد که شما بعضی از آیات آنرا بروی کاغذ آورده و آشکار نمودید و بسیاری را پنهان داشتید و آنچه شما و پدرانتان نمی دانستید از آن آموختید؟ بگو آنکه کتاب ورسول فرستاد خدا است، پس از اتمام حجت آنها را بگذار تا بیازیچهٔ خود وغروردنیا فرو روند (۹۱) و این قرآن کتابی است مبارك که ما فرستادیم تا گواه راستی کتب آسمانی که در دست است باشد و تا مردم مکه و اطرافش را باندرز های خود متنبه سازد و آنهائیکه بروز قیامت ایمان دارند بآن قرآن ایمان آورده و بنمازهای خود محافظت نمایند (۹۲)

پیغمبرو حبیب خدا پروردگار سلام میرساند و تبریك میفرماید تو را بولادت برادرت علی علیه السلام و میفرماید هنگام ظهور و تبلیغ و وحی نزدیك شده تقویت نمودم تو را به برادر و وزیرت علی بن ابی طالب علیه السلام فوراً از جای خود بلند شدم مشاهده کردم فاطمه دختر اسد مادر علی علیه السلام را درد زائیدن گرفته درخانه کعبه بانوان و قابلها اطراف او را گرفته‌اند جبرئیل گفت ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم پردهٔ کشیده میشود میان فاطمه و بانوان ناگاه یکی از ارکان کعبه معظمه شکافته و فاطمه داخل خانه شد و شکاف بهم آمد وقتی علی علیه السلام متولد شد و ملاقات نمودم او را بجا آوردم باو آنچه راکه امر شده بودم، سپس جبرئیل گفت ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم دستت را بازکن همانا علی علیه السلام صاحب راست تومیباشد چون دستم را درازکردم علی خود را بروی دست من انداخت اذان و اقامه گفت و شهادت داد بوحدانیت خداوند و برسالت من و گفت سلام برتو ایرسول خدا تلاوت کنم ای برادرم؟ سوگند بآنخدائیکه جانم دردست اوست شروع کرد بتلاوت آن صحفیکه نازل فرموده خداوند عزوجل بر آدم وقیام کرده بر اوشیث از اول تا بآخر چنانچه شیث زنده بود همانا گواهی میداد که علی بهتر میداند و حافظ تر از اوست سپس صحف نوح و ابراهیم و تورات موسی را قرائت نمود راکر موسی ظاهر بود اقرار مینمود که علی بهتر از او تورات را در

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

حفظ دارد بمدتلاوت کرد زبور داود وانجیل عیسی را بطوریکه اگرهریك زنده بودند اقرار و اعتراف داشتند که علی آن کتب را بهتر در حفظ دارد پس از آن قرائت نمود قرآنیکه هنوز بر من نازل نشده بود از اول تا بآخر دیدم چنان در حفظ دارد مانند حفظ من در این اوقات سپس خطاب کرد بمن و من با او سخن گفتم بچیزیکه پیغمبران با اوصیاء خود سخن میگویندبعد بر گشت بحال طفولیت و همین طور است حال یازده فرزندان علی هنگام ولادت،حال که علی را شناختید چرا محزون میشوید برای خاطر سخنان ناروائیکه بعض منافقین و اهل شك و مشرکین بخدا میبندند ؛آیا میدانید که من افضل پیغمبران هستم و وصی من افضل اوصیاء میباشد؛همانا وقتی پدرم آدم مشاهده کرد اسم من وعلی و فاطمه وحسن وحسین علیهم السلام و اسامی فرزندان حسین را که نوشته شده بود بنوری بر ساق عرش پروردگار گفت خدایا آیا آفریده‌ای خلقی که گرامی دار تر باشددرحضورت از من؛خطاب رسیدای آدم اگر بخاطرصاحبان این اسامی نبود همانا نمی آفریدم نه آسمان و نه زمین و نه فرشتکان مقرب و پیغمبران مرسل را و خلق نمیکردم تورا وهنگامیکه آدم معصیت نمود قسم داد پروردگار را بحق ماتا قبول کندتوبه اوراو بیامرزد گناهانش را خداوند دعایش را باجابت رسانید ،ما آنکلماتی هستیم که خداوند بآدم تلقین و یاد داد سپس توبه اورا پذیرفت و فرمود ای آدم بشارت باد تورا که اینها از ذریه تو میباشند و افتخار کردبر فرشتکان،و تمام اینهااز فضل و برکات ما بود، وقتی فرمایش پیغمبر اکرم باینجا رسید سلمان و همراهانش از جا بر خاستند و گفتند ما طایفه رستکاران هستیم؛پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بآنهافرمود شما فائزون و رستکاران میباشید بهشت برای امثال شما مردم آفریده شده و دوزخ برای دشمنان ما و شما خلق شده(و ما شرح ولادت مولای متقیان امیرالمؤمنین علیه السلام رادر سوره مؤمنون انشاءالله بطور مفصل بیان خواهیم نمود .)

در کافی ذیل آیه «الذین آمنو و لم یلبسوا ایمانهم» ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودمراد بظلم در اینجاشك است بعد از ایمان بخدا و در روایت دیگر فرمود مراد آنستکه ایمان بیاوزد بآنچه محمد صلی الله علیه و آله از جانب خدا آورده در ولایت امیر المؤمنین و ولایت خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و با دوستی کسانی که ایمان خود

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

را بظلم و ستم آلوده ساخته اند مخلوط نگرداند و هرکس مخلوط گرداند ایمان خودرا با دوستی اولی و دومی و سومی او همان شخص باشد که پوشانیده ایمان را بظلم و ستم .

عیاشی از محمد بن مسلم روایت کرده گفت عرض کردم حضور حضرت صادق علیه السلام شیطان در اینحالت پیری مرا وسوسه میکند و مأیوس میگرداند فرمود بگو در آن حال دروغ میگوئی ای کافر ملعون من ایمان به پروردگار دارم و نماز و و روزه بجا میآورم و ستایش خدا میکنم و ایمان خود را بستم نمی پوشم . ونیز از رسول اکرم روایت کرده در حال سفر مشاهده فرمود از دور سیاهی را فرمود باصحاب این سیاهی سابقه ندارد در این مکان وقتی نزدیك شد مردی بود سلام کرد گفت میخواهم بیثرب بروم حضور پیغمبر شرفیاب شوم فرمود من پیغمبرم آن مرد قسم خورد ایرسول خدا هفت روز است که در سیر و مسافرت هستم و کسی را مشاهده نکرده ام و طعامی نخورده ام، پیغمبر فرمود باو اسلام بیاور و اسلام آورد و از اسب پیاده شد و آنآجان سپرد بیغمبر فرمود این شخص از کسانی است که ایمان او بظلم و ستم پوشیده نشده است و دستورداد او را غسل و کفن نمودند و نماز بر او خواندند و دفن کردند

در کافی ذیل آیه «وهبنا له اسحق و یعقوب» ازابی جارود روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام بمن فرمود ای ابی جارود مردم در بارهٔ حضرت ادام حسن و حضرت امام حسین چه میگویند؟ عرض کردم منافقین منکرند که ایشان فرزندان رسول خدا میباشند فرمود چگونه ادعای آنها را رد میکنید؟ عرض کردم بآیه ای که درباره عیسی بن مریم است که میفرماید: «ومن ذریته داود و سلیمان» تا آخر آیه «وکذلك نجزی المحسنین» بعد فرمود آنها در ری آیه بشما چه میگویند؟ عرض کردم میگویند گاهی پسر دختر را پسر گویند و حال آنکه فرزند صلبی نیست فرمود شما برای آنها چه دلیلی اقامه مینمائید؟ عرض کردم بآیه مباهله : «قل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نسائنا و نسائکم وانفسنا وانفسکم» مجدداً فرمودند آنها چه جواب بشما میگویند؟ عرض کردم میگویند گاه ممکن است دو فرزند یك شخص را عرب تعبیر بابنائنا میکند و حال آنکه فرزندان یکنفر هستند و این آیه هم از آن قبیل است حضرت باقر علیه السلام فرمود ای ابی جارود بخدا قسم دلیلی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

از کتاب خدا برای تو بیان میکنم که خداوند آن دو بزرگوار را فرزند صلبی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نامیده وجز کافر آنرا تکذیب و رد نمیتواند بکند عرض کردم کدامست آن؟ فرمود آیه «حرمت علیکم امهاتکم و بناتکم» تا آنجاکه میفرماید «وحلائل ابنائکم الذین من اصلابکم» ای ابی جارود از آنها سئوال کن آیا تزویج زنان حضرت امام حسن و امام حسین علیهم السلام بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم جایز است یا خیر؟ اگر گویند جایز است که دروغ گفته اند و فاسق میباشند و اگر گویند جایز نیست پس آن دو بخدا قسم فرزندان صلبی پیغمبر هستند و حرام نیست مگر زن فرزندان صلبی

عیاشی از ابی الاسود روایت کرده گفت حجاج شخصی نزد یحیی بن معمر فرستاد و باو پیغام داد که شنیده ام تو عقیده داری امام حسن و امام حسین فرزندان پیغمبرند و گفته ای که در قرآن میباشد من قرآن را از اول تا آخر خواندم وچنین چیزی ندیدم یحیی در جواب گفت آیا در سوره انعام قرائت نکرده ای «ومن ذریته داود و سلیمان» تا آنجاکه میرسد به یحیی و عیسی آیا عیسی از ذریه ابراهیم نیست؟ گفت چرا گفت عیسی با آنکه پدر نداشت از ذریه ابراهیم خوانده شده همین طور است امام حسن و امام حسین علیهما السلام

و نیز از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود مردی نزد عبدالله بن حسن رفت و از مسائل حج پرسش هائی نمود باو گفت آن شخص جعفر بن محمد است که محل رجوع مردم است و مسائل را از او میپرسند، آنمرد حضور حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شدو مسئله خودرا پرسید حضرت باو فرمود ترا دیدم که نزد عبدالله بن حسن توقف کرده بودی جواب ترا چه گفت؟ آن مرد عرض کرد مرا خدمت شما راهنمائی نمود که از حضرتت سئوال نمایم و گفت آن آقا خود را برای حل مسائل مسلمانان آماده نموده فرمود بلی من ازاشخاصی هستم که خداوندفرمود «فبهد یهم اقتده» هرچه میخواهی سئوال کن که جواب آنهارا بشنوی؟ آنمرد مسائل خود را بیان نمود و حضرت جوابهای کافیه باو داد.

قوله تعالی: و ما قدروا الله حق قدره

طبرسی از سعید بن جبیر روایت کرده گفت سبب نزول این آیه آن بود که مرد

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

یهودی بنام فحاص بن غازورا حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و با آن حضرت محاجه و منازعهٔ نمود پیغمبر فرمود بآن یهودی گواه میگیرم تو را بآن خدائیکه نازل فرموده تورات را بر موسی آیا یافتی در تورات که خداوند غضب میکند برشخصی سمین؟ و آن مرد جثهٔ فربهی داشت از این سخن پیغمبر متغیر شد و گفت بخدا قسم نازل نکرده پروردگار بر هیچ بشری کتابی ، اصحاب گفتند باو حتی بر موسی هم تورات نازل نشده ؟ این آیه نازل شد و معنایش آنستکه مردم آنطور که باید و شاید و سزاوار است خدا را نشناختند و بزرك ندانستند و ستایش نکردند او را بطوریکه مستحق ستایش است وقتیکه گفتند خداوند هیچ پیغمبری نفرستاده و به هیچ بشری کتاب نازل نکرده سپس امر فرموده خداوند به پیغمبرش، بگوای محمد صلی الله علیه و آله بآنها پس که نازل کرده تورات را بر موسی که در آن نور علم و هدایت خلق بود شما یهود بعضی از آیات او را بروی کاغذ نوشته و آشکار نمودید وبسیاری را پنهان داشتید و آنچه شما و پدرانتان نمی دانستید از آن تورات یاد گرفتید بگو آنکه رسول و کتاب فرستاد خدا است پس از اتمام حجت آنها را بحال خود واگذار تا درحال عناد و دشمنی بازیچه و غرور دنیا فرو روند

در کافی از فضیل بن یسار در معنی آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده گفت فرمود آن حضرت خداوند قابل وصف نیست چگونه میتوان او را توصیف کرد و حال آنکه در قرآن میفرماید «و ما قدروا الله حق قدره» وصف کرده نمیشود بچیزی مگر آنکه خداوند بمراتب بزرگتر از آن چیز است

ابن بابویه از محمد بن عبید روایت کرده گفت از حضرت عسکری معنای آیه «والارض جمیعاً قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمنه» راسئوال کردم فرمود خداوند این تعبیر را در جواب کسانی فرمود که او را بمخلوقاتش تشبیه کردند آیا نمی بینی که میفرماید «و ما قدروا الله حق قدره» زیرا آنها گفتند چطور خداوند زمین را بدست خود قبض مینماید و آسمانها در دست او پیچیده میشود مگر نعوذبالله خداوند مانند بشر دست دارد خداوند نفس خویش را منزه گردانیده ومیفرماید سبحانه وتعالی عمایشرکون

ابن بابویه ازمحمد صیرفی در ذیل آیه «ولتنذر ام القری» روایت کرده گفت از

jabir.abbas@yahoo.com
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ مَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرىٰ عَلَى اللّٰهِ كَذِباً اَوْ قالَ اُوحِيَ اِلَيَّ وَ لَمْ يُوحَ اِلَيْهِ شَيْءٌ وَ مَنْ قالَ سَاُنْزِلُ مِثْلَ ما اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَوْ تَرىٰ اِذِ الظّالِمُونَ فِي غَمَراتِ الْمَوْتِ وَ الْمَلائِكَةُ باسِطُوا اَيْدِيهِمْ اَخْرِجُوا اَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذابَ الْهُونِ بِما كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَ كُنْتُمْ عَنْ آياتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ (۹۳) وَ لَقَدْ جِئْتُمُونا فُرادىٰ كَما خَلَقْناكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَ تَرَكْتُمْ ما خَوَّلْناكُمْ وَراءَ ظُهُورِكُمْ وَ ما نَرىٰ مَعَكُمْ شُفَعاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ اَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَ ضَلَّ عَنْكُمْ ما كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ (۹٤)

حضرت باقر علیه السلام سئوال کردم برای چه به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله امی لقب داده‌اند؟ فرمود مردم دراین موزد چه میگویند؟ حضورش عرض کردم میگویند چون پیغمبر اکرم خواندن و نوشتن را نمیدانست او را امی گفته اند؟ فرمود اشتباه میکنند مگر نمی بینی که خداوند در قرآن میفرماید «هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب والحکمة» چگونه کسی که نتواند بخواند و بنویسد دیگران را تعلیم و یاد میدهد و رسول خدا به هفتاد و سه زبان خط میخواند و مینوشت آن حضرت را ازاین جهت امی میگفتند که از اهل مکه بوده ومکه را ام‌القری مینامیدند چنانچه در این آیه فرمود «لتنذر ام‌القری ومن حولها»

قوله تعالی: و من اظلم ممن افتری تا آخر آیه

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود این آیه در حق عبدالله بن سعدبن ابی سرح برادر رضاعی عثمان نازل شده ابی بصیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود عبدالله برادر رضاعی عثمان بمدینه آمده و قبول اسلام نمود درظاهر و چون خوش خط بود هر آیه که بر پیغمبر نازل میشد باو میفرمود تا بنویسد ولی

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کیست ستمکار تر از آنکه بر خدا افترا و دروغ می بندد و میگوید بمن وحی رسید و چیزی وحی باو نرسیده و بدروغ گوید بزودی خداوند همانطوریکه بر محمدوحی نازل کرده بماهم وحی خواهد نمود اگر حال ستمکاران را در سکرات مرگ ببینی که چگونه فرشتگان دست قدرت بر آنها دراز کنند و گویند جان از تن بدر کنید امروز کیفر عذاب و خواری میکشید بسبب سخن ناحقی که میگفتید و از حکم خدا و آیات او گردنکشی کرده و تکبر مینمودید (٩٣) و همانطور که شما را اول بیافریدیم یکایک برای حساب بسوی ما باز آئید و هرچه از مال و جاه بشما داده بودیم همه را به پشت سر افکنید و آنهائیکه بخیال خود شفیع میدانستید همه نابود شوند و میان شما و آن ها جدائی میافتد (٩٤)

وقتی میفرمود سمیع بصیر عبدالله مینوشت سمیع علیم و یا خبیر را بصیر تحریر میکرد و در نوشتن بین تا و یاء فرق میگذاشت و پیغمبر باو میفرمود در نوشتن میان آن ها فرقی نیست پس از چندی عبدالله مرتد شده بمکه باز گشت و بقریش میگفت من نمیدانم محمد صلی الله علیه و آله و سلم چه میگوید من هم مانند آنچه او میگفت میگفتم و گفته های مرا تکذیب و انکار نمیکرد منهم مثل او آیاتی نازل میکنم لذا خداوند آیه فوق را برپیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل فرمود و چون مکه بدست پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فتح شد امر فرمود او را بقتل برسانند عثمان دست او را گرفته نزد پیغمبر بمسجد برد و تقاضای عفو او را نمود پیغمبر جوابی باو نداد و عثمان چند مرتبه تقاضای خود را تکرار کرد و جوابی نشنید سر انجام فرمودند او از تو است و همینکه عبدالله بهمراهی عثمان از حضور پیغمبر رفت باصحاب فرمود مگر نگفته بودم هرکجا او را یافتید بقتل برسانید یکی ازاصحاب فرمود اگر بچشم اشاره کرده بودید او را میکشتم ، فرمود پیغمبران با اشارهٔ چشم کسی را نمیکشند بهر حال عبدالله از آزاد شده های فتح مکه شد سپس خداوند حکایت میکند از آنچه را که دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم در هنگام مرگ

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذٰلِكُمُ اللَّهُ فَأَنّٰى تُؤْفَكُونَ (۹۵) فَالِقُ الْإِصْبٰاحِ وَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَناً وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ حُسْبٰاناً ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ (۹٦) وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهٰا فِي ظُلُمٰاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيٰاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۹۷) وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وٰاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَ مُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيٰاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ (۹۸)

مشاهده میکنند و میفرماید «ولو تری اذ الظالمون» تا آخر آیه اگر مشاهده کنی حال ستمکاران را که در حق آل محمد صلی الله علیه و آله ستم کردند چگونه در سکرات مرگ فرشتگان دست قدرت بر آنها دراز کنند و گویند جان از تن بدر کنید امروز کیفر عذاب و خواری میکشید چون سخن بناحق میگفتید و از حکم خداوند گردنکشی و تکبر مینمودید

بعضی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود آیه «ولقد جئتمونا فرادی کما خلقناکم اول مرة» در باره بنی امیه و معویه و کسانی که کردارشان با ائمه مانند ایشان است نازل شده .

طبرسی روایت کرده از بعضی صحابه که آیه فوق نیز در حق نضر بن حرث بن کلده نازل شد وقتیکه گفت زود است که دوبت لات و عزی برای من شفاعت کنند

قوله تعالی : **ان الله فالق الحب والنوی یخرج الحی من المیت** تا آخر آیه

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هنگامیکه مشیت الهی تعلق گرفت که آدم را خلق کند دستور داد بجبرئیل امین در ساعت اول روز جمعه از هریك از آسمانهای هفتگانه یك قبضه خاك از طرف راست بر گیرد واز هفت طبقه زمین از هریك قبضه دیگر از طرف چپ بر دارد سپس امر فرمود آن قبضه ها را بهم مخلوط گرداند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

همانا خداست که در دل خاك هسته و دانه را میشکافد واوزنده رااز مرده و مرده‌رااز زنده پدید آورد و کسیکه چنین قدرتی دارد فقط خداست پس چرا شما بدروغ نسبت خدائی بدیگران میدهید (۹۵)خداست که پرده صبگاه را شکافته و شب رابرای آسایش خلق مقرر فرموده و خورشید و ماه را با نظمی خاص بگردش در آورده این ها مقدرات خدای دانا و توانا است (۹۶) و اوست کسیکه قرار داده ستارگان رابرای راهنمائی شما در تاریکیهای بیابان و دریا همانا آیات خود را برای مردم دانا بتفصیل بیان کردیم (۹۷) اوست خدائیکه شما را از یك تن در آرامگاه رحم و ودیعه گاه صلب بیافرید و ما آیات خود را برای اهل بصیرت مفصلا بیان کردیم (۹۸)

و فرمود بآن قبضه های طرف راست از تو میآفرینم پیغمبران و اوصیاء و صدیقون و شهداء و کسانیکه اراده نمودم گرامی بدارم آنها رابس واجب شد بر آنها آنچه‌را که فرموده و گفت بقبضه های طرف چپ از تو ایجاد میکنم ستمکاران و مشرکین و کسانی را که میخواهم اهانت کنم بآنان و آن دو طینة تماماً با هم مخلوط شد و اینست معنای فالق الحب والنوی پس حب طینة مؤمن است که خداوند براو القا کرده محبت خود را و آنرا دوست میدارد و منظور از نوی طینة کافرین است که از هر خیری دور است و از خداوند نیز دور میباشند و نامیده شده کافرین بنوی برای آنکه از حق و حقیقت دور هستند وحی عبارت از مؤمنی استکه از طینت کافر بیرون میآید و میت کافریستکه از طینة مؤمن خارج میشود پس حی مراد از مؤمن و میت مراد بکافر است ، چنانچه خداوند میفرماید «اومن کان میتافا حییناه» و موت عبارت از مخلوط کردن طینة مؤمن است با کافر و حیات هنگامی است که خداوند جدائی افکند میان آنها چنانچه میفرماید در سوره یس آیه ۷ «لینذر من کان حیا و یحق القول علی الکافرین» وخداوند همینطور بیرون میآورد مؤمن را از تاریکی بسوی نور و روشنائی و خارج میکند کافر را از نور بسوی تاریکی .

و در روایت دیگر فرمود آن حضرت مراد ازحب دانشی استکه ازائمه معصومین

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ هُوَالَّذی اَنْزَلَ مِنَ السَّماءِ ماءً فَاَخْرَجْنا بِهِ نَباتَ کُلِّ شَیْءٍ فَاَخْرَجْنا مِنْهُ خَضِراً نُخْرِجُ مِنْهُ حَبّاً مُتَراکِباً وَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِها قِنْوانٌ دانِیَةٌ وَ جَنّاتٍ مِنْ اَعْنابٍ وَ الزَّیْتُونَ وَ الرُّمّانَ مُشْتَبِهاً وَ غَیْرَ مُتَشابِهٍ اُنْظُرُوا اِلی ثَمَرِهِ اِذا اَثْمَرَ وَ یَنْعِهِ اِنَّ فی ذٰلِکُمْ لَاٰیاتٍ لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ (۹۹) وَ جَعَلُوا لِلّٰهِ شُرَکاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ وَ خَرَقُوا لَهُ بَنِینَ وَ بَناتٍ بِغَیْرِ عِلْمٍ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمّا یَصِفُونَ(۱۰۰)

بدست آید و نوعی علم و دانشی استکه از ائمه دور میباشد

عیاشی در آیه «فالق الاصباح و جعل اللیل سکنا» از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود هروقت حاجتی دارید آنرا در روز از خداوند طلب کنید زیرا خداوند حیا را در دیده و چشم قرار داده است و چون بخواهید ازدواج کنید شب را اختیار نمائید چه شب ها را خداوند برای آسایش مقرر نموده.

و نیز از حسن بن علی بن الیاس روایت کرده گفت شنیدم که حضرت رضا علیه السلام میفرمود خداوند شب را محل سکونت و آسایش قرار داده و زنان هم وسیله تأمین و آسایش هستند و تزویج و ولیمه دادن و غذا خوردن در شب از سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است.

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود تزویج کنید در شب زیرا خداوند شب را برای آسایش خلق مقرر داشته و حاجات خود را شب ها از خداوند بخواهید زیرا ظلمت و تاریکی در شب ها است. و نیز فرمود آن حضرت در آیه «و هوالذی جعل لکم النجوم لتهتدوا» مراد از نجوم در اینجا آل محمد است.

در کافی ذیل آیه «و هوالذی انشاکم من نفس واحدة فمستقر و مستودع» از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند خلق کرد پیغمبران را بر نبوت نمی باشند آنها مگر پیغمبران و آفرید مؤمنین را بر ایمان و هرگز از ایمان خارج نشوند وعاریه داد ایمان را بطایفه ای اگر بخواهد ایمان آنها را تکمیل میکند

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اوست خدائیکه از آسمان باران فرود آردتا هر گیاهی بآن برویاند و سبزه را از زمین بیرون آوریم ودر آن دانه هائی روی هم چیده شده پدیدار ساخته و ازدرخت خرما خوشه های بهم پیوسته و نیز باغهای انگوروزیتون وانار که بعضی شبیه بهم و بعضی شباهت بیکدیگر ندارند خلق کنیم شماهنگامیکه میوه باغها پدیدارشود نظر کنید وبا چشم فکرت وتعقل بنگرید که در آنها آیات و نشانه های قدرت خدا براهل ایمان هویدا است(٩٩) طایفه ای از کفار شریکانی ازجنس جن برای خدا قرار دادند وجمعی دیگر فرشتگان را پسران و دختران خدا پندارند بدون دانشی وخداوند از تمام این نسبتها برتر ومنزه است(١٠٠)

و چنانچه مشیتش تعلق گیرد آن ایمان عاریه را از آنان بگیرد ، و در باره این طایفه جاریست این آیه «فمستقر ومستودع» و فرمود آن حضرت فلان شخص ایمانش عاریه بود چون تکذیب کرد ولایت ما ائمه را خداوند آن ایمان را از او بگرفت

عیاشی در تفسیر آیه «فمستقر و مستودع» از احمد بن محمد روایت کرده گفت در خدمت حضرت رضا علیه السلام در میان طایفهٔ بنی رزین بودیم که حضرت با صدای بلند مرا مخاطب قرار داده فرمود ای احمد، عرض کردم لبیک فدایت شوم فرمود وقتی که روح مقدس رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قبض شد منافقین کوشش بسیار نمودند که نور خدارا خاموش کنند ولی خداوند مانع شد و نور خود را بوجود شریف امیرالمؤمنین علیه السلام تکمیل و تمام نمود و همینکه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از دنیا رفت ابن ابی حمزه و یارانش تلاش و سعی میکردند که نور حق را خاموش کنند ولیکن خداوند نگذاشت و نور خود را بوسیله من (وجود مقدس حضرت رضا علیه السلام) تمام کرد و این شیوه و سیرهٔ اهل حق است که اگر بآنها چیزی عطا شود خوشحال شوند و چنانچه چیزی از آنها گرفته شود جزع و زاری نمیکنند زیرا آنها اهل ایمان بوده و بر یقین میباشند اما کسانیکه بر راه باطل هستند اگر چیزی بآنها برسد مسرور شده و اگر چیزی از آنها گرفته شود فریاد و زاری و اظهار عجز میکنند زیرا آنها گرفتار شك وتردید هستند، خداوند میفرماید «فمستقر ومستودع» بعد آن حضرت فرمود مستقر بمعنای ثابت ومستودع عاریه است . ودرتهذیب از محمد بن سلیمان دیلمی روایت کرده گفت حضور

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَنّٰى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَ لَمْ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (١٠١) ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَ هُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ (١٠٢) لَا تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصَارَ وَ هُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ (١٠٣) قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا اَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ (١٠٤) وَ كَذٰلِكَ نُصَرِّفُ الْاٰيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَ لِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (١٠٥)

حضرت صادق عليه السلام عرض كردم شيعيان شما ميگويند ايمان بر دو نوع است ثابت و عاريه بمن دعائى تعليم بفرمائيد كه مداومت بقرائت آن كنم تا ايمانم كامل و ثابت بماند، فرمودند در تعقيب نمازهاى واجب خود بخوان «رضيت بالله ربا و بمحمد صلى الله عليه و آل نبيا و بالاسلام دينا و بالقرآن كتابا و بالكعبة قبلة و بعلى عليه السلام ولياً و اماماً و بالحسن والحسين و الائمة من ولد الحسين صلوات الله عليهم ائمة اللهم انى رضيت بهم ائمة فارضنى لهم انك على كل شئ قدير

عياشى از ابى بصير روايت كرده گفت عرض كردم حضور حضرت باقر عليه السلام معنى آيه «هوالذى انشاكم من نفس واحدة فمستقر و مستودع» چيست؟ فرمود اهل شهر شما چه معنى ميكنند آيه را؟ عرض كردم ميگويند مستقر چيزيستكه در رحم مادر است ومستودع در پشت پدر مراد ميباشد !! فرمود دروغ ميگويند مستقر آن ايمانى است كه در دل قرار گرفته و هرگز خارج نشود، ومستودع ايمان عاريه است كه زمانى باشد، سپس آن ايمان بر طرف شود و بيرون آيد و زبير از آنهاست كه ايمانش عاريه بود و پس از مدتى از ايمان خارج شد و نيز فرمود زبير از كسانى بود كه روزى كه پيغمبر صلى الله عليه و آله وفات نمود شمشير خود را از غلاف بيرون آورده و ميگفت در غلاف نميكنم تا باعلى عليه السلام بيعت كنند مردم، سپس همان شمشير را بعد از بيعت با آنحضرت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اوست پدیدآورنده آسمانها وزمین چگونه برای او فرزندی باشد وحال آنکه همسری ندارد و آفریننده هرچیزیست وبهمه چیزها داناست (۱۰۱) اینست پروردگار شما که جز او خدائی نیست و آفریننده هر چیزی اوست او را پرستش کنید که نگهبان همه موجودات است (۱۰۲) دیدگان او را درك نکنند و او همه دیدگان را مشاهده کند وخداوند لطیف وبهمه چیز آگاهست (۱۰۳) آمد بسوی شما آیات الهی که سبب بصیرت و بینائیست پس هر کس بینائی یافت بسود خودش باشد و هر آنکه کور دل بماند بزیان خود اقدام نموده و من نگهبان شما از عذاب خدا نمیباشم (۱۰۴)

و همچنین مکرر میآوریم آیات قرآن را تا نگویند درس خوانده است

و تا آنکه بیان کنیم آنها را برای اهل دانش (۱۰۵)

بروی آن بزرگوار کشید و با امیرالمؤمنین علیه السلام جنك کرد در بصره پس ایمان او عاریه بود، در نور و روشنائی جمال امیرالمؤمنین ازاول راه میرفت سپس خداوند آن نورایمان را ازاو گرفت وفرمود ایمان ثابت آن ایمانی است که تا روزقیامت ثابت بماند و عاریه ایمانی است که پیش از مرك گرفته شود و برطرف گردد.

قوله تعالی: **وهوالذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیئ**

در آیات گذشته خداوند بیان فرمود بر سبیل توبیخ و سرزنش شمهٔ از کفتار یهود و مشرکین وکفار و منافقین را سپس حجت آورد برای مشرکین بعجائب صنع ولطایف تدبیر و فرمود اوست خدائیکه آبها را از آسمان فرود آورد و بسبب او نباتات و گیاهانی برویاند و از درخت خرما خوشه های بهم پیوسته و باغهای انگور و زیتون و انار که بعضی شبیه بهم و بعضی شباهت بیکدیگر ندارند خلق کند و میفرماید آیا بدیده فکرت و تعقل نظر نمیکنند که تمام این آیات برای اهل ایمان هویدا است چه اهل ایمان بآن آیات استدلال آورند بر معرفت و قدرت پروردگار و با این وصف طایفه ای از کفار برای چنین خدای مقتدری مانند اهرمن و اجنه را شریك او قرار میدهند ومخلوقات آن خدا را خالق فرض میکنند و مراد ازجن در این آیه فرشتکان میباشند و نامیده خداوند آنها را بجن برای آنکه از انظار مردم پنهان هستند (وجن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اِتَّبِعْ مَا اُوحِیَ اِلَیْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَ اَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِینَ (١٠٦)
وَ لَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا اَشْرَكُوا وَ مَا جَعَلْنَاكَ عَلَیْهِمْ حَفِیظًا وَمَا اَنْتَ عَلَیْهِمْ بِوَكِیلٍ
(١٠٧) وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِینَ یَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَیَسُبُّوا اللّٰهَ عَدْوًا بِغَیْرِ عِلْمٍ
كَذٰلِكَ زَیَّنَّا لِكُلِّ اُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ اِلٰی رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَیُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا یَعْمَلُونَ
(١٠٨) وَ اَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَیْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَتْهُمْ آیَةٌ لَیُؤْمِنُنَّ بِهَا قُلْ
اِنَّمَا الْاٰیَاتُ عِنْدَ اللّٰهِ وَ مَا یُشْعِرُكُمْ اَنَّهَا اِذَا جَاءَتْ لَا یُؤْمِنُونَ (١٠٩)

بمعنای مستور و پنهان بودن است) و برای پروردگار دختران و پسرانی تصویر میکنند بدون دانش و علمی و خداوند منزه و مقدس است از آن چیزی که آنکافران میگویند

در کافی از حمران بن اعین روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت باقر علیه السلام معنی آیه «بدیع السموات والارض» را فرمود خداوند ایجاد کرد تمام موجودات را بعلم ازلی خود بدون آنکه پیش از آنها نمونه و مثالی داشته باشد و آفرید آسمان و زمین را و نبود سابق بران آسمان و زمینی آیا نمیشنوی قول خداوند را که میفرماید «و کان عرشه علی الماء» بود عرش پروردگار بر آب و اینحدیث را صفار در بصائر الدرجات و عیاشی در تفسیرش نقل نموده‌اند.

معانی بعضی از اسماء حسنی

عیاشی و کافی روایت کرده انداز حضرت صادق علیه السلام در آیه «لا تدرکه الابصار و هویدرك الابصار و هواللطیف الخبیر» فرمود مراد احاطهٔ و هم است یعنی اوهام او را درك نمیکنند و بصر در اینجا بمعنای دیدن با چشم نیست همانطور که گفته میشود مثلا فلان شخص در شعر بصیر است یا فلانی در فقه بصیرت دارد در این آیه هم مراد بصیرت است یعنی خداوند بزرگتر از آنست که بچشم مشاهده شود و او جل جلاله بصیرت تامه به تمامی موجودات دارد و این حدیث را ابن بابویه نیز در کتاب توحید نقل نموده و نیز ازابی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای پیغمبر آنچه را ما بتو وحی میکنیم پیروی کن نیست خدائی جز آن ذات یکتا واز مشرکین روی بگردان (١٠٦) واگر خدا میخواست آنها مشرك نمیشدند وترا نگهبان آنان قرار ندادیم و وکیل بر آنها نخواهی بود (١٠٧) شما مؤمنین بآنهائیکه غیر خدا را میخوانند دشنام ندهیدتا مبادا آنها هم از روی نادانی و دشمنی خدا را دشنام دهند و همچنین عمل هرقومی را در نظرشان جلوه دادیم سپس باز گشت همه آن هابسوی پروردگار است و خدا آنان را بکردارشان آگاه خواهد کرد (١٠٨) و سوگند یاد کردند بخدا نهایت سوگندی که اگر آیتی بسوی آنها بیاید ایمان آورند ای پیغمبر بگو آیات از جانب خداست و چگونه شما بگفته آنکافرین مطمئن میشوید اگر آیاتی هم بیاید هرگز ایمان نمیآورید (١٠٩)

هاشم جعفری روایت کرده گفت در حضور حضرت باقر علیه السلام عرض کردم دیده های بشری قدرت ادراك خدا راندارندلکن خداوندرا دیده هارامیفرماید؟ حضرت فرمودند ای ابی هاشم اوهام قلبی دقیق تر و لطیفتر از دیدهٔ افراد مردم است شما میتوانیدقدرت تو هم هندوچین یا سایر شهرهای عالم را با آنکه بچشم ندیده اید براتر توصیف و بیان در پیش خود تجسم کنید و همین قوهٔ و همیهٔ قلبیه که دقیق و لطیف است از درك ذات خداوند عاجز است

و نیز از اسمعیل بن فضل روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال نمودم آیا در قیامت خداوند دیده میشود ؟ فرمود سبحان الله خدا منزه از آنست که دیده شود و دیده ها درك نمیکنندمگرچیزهائیکه دارای رنك و یاکیفیت مخصوصی باشد و خداوند خود آفرینندهٔ رنگها و کیفیت هاست

و نیز عیاشی از اشعث بن حاتم روایت کرده گفت ذوالریاستین بمن گفت حضور حضرت رضا علیه السلام عرض کردم فدایت شوم مردم عقاید مختلفی در دیدن خدا دارند بعضی میگویند خداوند دیده نمیشودحقیقت این امر را بیان فرمائید؛فرمودند هرکس خدارا بغیر آنچه که ذات اقدس حق خود توصیف فرموده وصف کند بر خدا افترا بسته است خداوند در قرآن میفرماید « لا تدر که الابصار و هو یدرك الابصار

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و نقلب افئدتهم و ابصارهم کما لم یؤمنوا به اول مرة و نذرهم فی طغیانهم یعمهون (۱۱۰) و لو اننا نزلنا الیهم الملائکة و کلمهم الموتی و حشرنا علیهم کل شیء قبلا ما کانوا لیؤمنوا الا ان یشاء الله و لکن اکثرهم یجهلون (۱۱۱) و کذلک جعلنا لکل نبی عدوا شیاطین الانس و الجن یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا و لو شاء ربک ما فعلوه فذرهم و ما یفترون (۱۱۲) و لتصغی الیه افئدة الذین لا یؤمنون بالاخرة و لیرضوه و لیقترفوا ما هم مقترفون (۱۱۳)

و هو اللطیف و الخبیر و مراد از ابصار در این آیه چشم نیست بلکه بصیرتی است که در دلها میباشد و بر آن وهم واقع نگردد و درك چگونگی ذات خداوندی ننماید.

در کافی از صفوان بن یحیی روایت کرده گفت ابوقره محدث خواهش کرداز من او را ببرم حضور حضرت رضا علیه السلام اجازه گرفتم شرفیاب حضورش شدیم پرسش کرد از آنحضرت مسائل حرام و حلال را تا رسید سئوال او بتوحید ابوقره گفت روایت کرده‌اند برای ماکه پروردگارعالم قسمت نموده رؤیت و کلام را میان دو پیغمبر سخن و تکلم نمودن با خود را بموسی عطا فرموده رؤیت و مشاهده را بمحمد صلی الله علیه و آله کرامت کرده؟ فرمود حضرت رضا علیه السلام پس که از جانب خداوند تبلیغ احکام نموده و این آیات را بمردم رسانیده « لا تدرکه الابصار ولا یحیطون به علما و لیس کمثله شیء » آیا محمد صلی الله علیه و آله این آیات را نیاورده؟! عرض کرد بلی فرمود پس چطور میشود شخصی بیاید بسوی خلایق و خبر بدهد که از جانب خدا آمده است و آنها را بسوی خدا بخواند و بگوید خداوند بزرگتر از آنستکه بچشم دیده شود و بصیرت تامه بتمامی موجودات دارد و نیست مانند او چیزی و اوهام خلایق درك نمیکنند او را سپس بگوید من آن خدا را مشاهده کردم بدیدگانم و احاطه علمی باو دارم و حال آنکه آن شخص بصورت بشر است آیا حیا نمیکنند از اینگونه سخنان؟!! وهرگز قدریه و

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و ما دل و دیدهٔ آنها را چون اول بار ایمان نیاوردند اکنون از ایمان بگردانیم و اورا بحال طغیان و سر کشی واگذاریم تا در ورطه ضلالت خود غوطه ور شوند (۱۱۰) و اگر فرشتگانرا بر آنها بفرستیم و مردگان را با ایشان بتکلم در آوریم و هر چیزی را بگواهی صدق و اعجاز بر آنها بر انگیزیم باز ایمان نیاورند مگر آنکه خدا بخواهد و لکن بیشترمردم نادان و جاهل هستند (۱۱۱)و همچنین برای هر پیغمبری دشمنی از شیطانهای انس و جن قرار دادیم که بعضی از آنها با بعض دیگر سخنان آراسته بظاهر و فریب گویند و اگر خدا میخواست چنین نبود پس رها کن آنها را با دروغشان (۱۱۲) تا بگفتار فریبنده آنها کسانیکه بآخرت ایمان ندارند دل سپرده وبآن خوشنود شوند و اینان در عاقبت بدرد افتند(۱۱۳)

وکفار نمیتوانند چنین نسبتی به پیغمبر علیه السلام بدهند و بگویند که محمد صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خدا چیزیرا بسوی خلایق آورده سپس خلاف او را فرموده ابو قره گفت پس معنی آیه «ولقد رآه نزلة اخری» چیست؟ فرمود حضرت رضا علیه السلام بعد از آن آیه آیاتی دیگر است که بیان میکند مراد ازرؤیت راو میفرماید «ما کذب الفؤاد مارای» (آنچه بدیده دید محمد صلی الله علیه و آله و سلم دلش هم بحقیقت یافت و دروغ وخیال نپنداشت) سپس خبر میدهد بآیه دیگر آنچه را که مشاهده کرده ومیفرماید «لقدرای من آیات ربه الکبری» در آن جا بزرگترین آیات حیرت انگیز پروردگار را بحقیقت مشاهده نمود و آیاتیکه مشاهده کرد غیر از خود اوست و خداوند میفرماید «ولایحیطون به علماً» احاطه علمی کسی باو ندارد و هرگاه خداوند بچشم مشاهده شود احاطه علمی باو پیدا شده و معرفت و شناسائی او را حاصل کرده‌اند ابو قره گفت پس روایتیکه واردشده خداوند قابل دیدار ومشاهده‌است تکذیب کنیم؟ فرمود حضرت رضا علیه السلام هرروایتیکه مخالف آیات قرآنی باشد اورا تکذیب کنید و تمام مسلمانان اتفاق دارند که‌خداوند دیده نشود و احاطه علمی باو پیدا نکنند و مثل و مانند او چیزی نیست و اینحدیث را ابن بابویه در کتاب توحید نقل نموده است

و نیز در کافی از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود به بعض از اصحاب‌خود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

أفغير الله ابتغي حكماً و هو الذي أنزل إليكم الكتاب مفصلاً والذين آتيناهم الكتاب يعلمون أنه منزل من ربك بالحق فلا تكونن من الممترين (۱۱٤) و تمت كلمت ربك صدقاً و عدلاً لا مبدل لكلماته وهو السميع العليم (۱۱۵) وإن تطع أكثر من في الأرض يضلوك عن سبيل الله إن يتبعون إلا الظن و إن هم إلا يخرصون (۱۱٦) إن ربك هو أعلم من يضل عن سبيله و هو أعلم بالمهتدين (۱۱۷)

خداوند رحمت کند شما را همانا بدانید خداوند تعالی قدیم است واندیشه هر انسانی وادراکات هر خردمندی دلالت کند که اصالت هستی مخصوص خدا است و کسی پیش از او نبوده و با او نیز نخواهد بود و توهم کسانیکه گفته‌اند موجودی با خدا بوده وهست باطل خواهد بود چه اگر تصور موجود دیگری بشود نخستین اولی واحق باشد بمقام خالقیت وچنانچه درهستی وبقا چیزی با خدا باشد دراین صورت اصالت وهستی هر دو را بود و نشاید یکی مستقل و تابع ود یگری طفیلی و متبوع باشد،زیرا جایز نیست آن خدا آفرید کار موجودی باشد که همردیف اوست و ترجیح بدون مرجح لازم آید و توصیف نمودن ذات خویش باسمائی مانند سمیع و بصیر و قادر وقائم و علیم و حکیم و ناطق ولطیف وباطن و ظاهر و عزیز و قوی و امثال اینها برای آنستکه مخلوقات هنگام احتیاج و نیازمندی بان اسماء او را بخوانند و آنچه منافقین ودشمنان گویند نامیدن ما ائمه باسماء حسنی دلیلی است بر آنکه مانند خدا باشیم در تمام یا در بعض از حالات و یا او اشتراك داریم باطل و دروغ است ، زیرا اطلاق اسامی خدا بر بندگان بغیر آن معنائیست که به پروردگار گفته میشود چون ممکن است برای یك اسم معانی بسیاری باشد مثلا اگر اطلاق سك و یا الاغ وشیر بانسانی نمائیم آن اطلاق حقیقی نباشد چه انسان در ظرف خارج محال است یکی از این حیوانات بوده باشد پس

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیا من غیر خدا حاکم و داوری میجویم و حال آنکه او خدائی است که قرآن برای شما فرستاد که بیان هرچیزیرا میکند و آنهائیکه تورات و انجیل را بر ایشان فرستادیم میدانند این قرآن از طرف خدابه تو فرستاده شده و نبوده باشی از شك کنندگان (١١٤) وکلام خدای تو از روی راستی و عدالت بحد کمال رسید و هیچکس نمیتواند تبدیل و تغییری در آن بدهد و او خدای شنوا وداناست (١١٥) واگرپیروی کنی از بیشتر مردم روی زمین ترا از راه حق گمراه کنند چه آنها پیروی نمیکنند مگر از گمان خود و نیست پیروی آنها مگر از چیز باطل و دروغ (١١٦)

هر اطلاقی بطور حقیقت ومعنویت نباشد، مثلا خداوند علیم است نه بمعنای آنکه دانش او حادث و یا حاصل شده از مشاهده اشیائیکه بعینه نزد او حاضر نبوده بچنانچه بانسان عالم گویند از جهة دانستن اشیائیکه پیش از آن بآنها نادان بوده و یا دانش او از مشاهده چیزهائیکه نزد او حاضر نبوده حاصل شده چه اینگونه معلومات نا بودشدنی است و از بین میرود و آن انسان بر میگردد بسوی نادانی و جهل از جهة فراموشی یا علل دیگری، بلکه خداوند علیم است و دانا بمعنای آنکه نزد او چیزی از اشیاء در هیچ وقت و زمانی مجهول نبوده و هر گز استعانت نجسته بر حفظ حوادثات آینده بچیزی پس واضح شد اطلاق علم ازجهاتی برخالق ومخلوق تفاوت دارد و ابداً اشتراکی میان آن دو نیست جز اشتراك اسامی و نامیده میشود بروردگار بسمیع لکن نه بجزئیکه صدا را میشنود چنانچه مردم بگوش میشنوند بلکه مراد آنستکه صداها بر او پنهان نیست و بصیر است نه بوسیله آلت قائم است نه بمعنای ایستادن بساق پا بلکه بمعنای باقی بودن و کفایت باشد چنانچه شخصی بدیگری میگوید قم با مر کذا و لطیف است بمعنی نفوذ داشتن و ممتنع بودن ادراك کردن او نه بمعنای کم و کوچك و خبیراست بمعنی آنکه پنهان نیست از او چیزی نه از جهة تجربه و اعتبار چنانچه در مخلوقات تجربه و اعتبار سبب دانش آنها میشود چه هر کس اینطور باشد در حقیقة جاهل است

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۱۸) وَ مَا لَكُمْ أَلَّا
تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا
اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَ إِنَّ كَثِيراً لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ
بِالْمُعْتَدِينَ (۱۱۹) وَ ذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَ بَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ
سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ (۱۲۰) وَ لَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ
وَ إِنَّهُ لَفِسْقٌ وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَى أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ وَ إِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ
إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ (۱۲۱)

و علم او اعتبار یست و ظاهر است یعنی قهر و غلبه دارد بر اشیاء چنانچه گویند (ظهرت علی اعدائی یا اظهرنی الله علی خصمی) غالب شدم بر دشمنان و توانائی و قدرت داد خدا مرا بر دشمنان خود) ومعنای دیگر ظاهر آنستکه خداوند ظاهر است یعنی مدبر تمام مخلوقات است و چیزی بر او پوشیده نیست پس کدام ظاهری هویدا و آشکار تر ازخدا میباشد؟! زیرادر هرجا نظری کنی وبهر صنعتی بنگری می‌یابی اورا ودروجود خودت آثار و علامتهائی است ازخداوند که بینیاز کرداند تو را از چیز دیگر وباطن است یعنی بینا و مدبر و حافظ موجودات است چنانچه گویند ابطنته یعنی دانستم و بینا شدم سر او را و باطن در مخلوقات بمعنای مستور و پنهان شدن باشد وقاهراست بمعنای آنکه تمام مخلوقات متلبس بذلت مخلوقیت باشند برای خالق و فاعل خود و بمقدار چشم بر هم زدنی از امر تکوینی او خارج نشوند و همینطور است اسامی دیگر و این بیانات را بدانید کافی است شما را خداوند یار و یاور ماست در هدایت و ارشاد کردن شما اصحاب.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

از آنچه نام خدا بران یاد شده بخوریداگر بآیات پروردگار ایمان آورده اید (۱۱۸) چرا از آنچه نام خدا بران یاد شده نمیخورید در صورتیکه آنچه خدا بر شما حرام کرده بتفصیل بیان فرموده واز آنهاهم درحال اضطرار میتوانید بخورید همانا بسیاری از مردم پیروی از هوای نفس خود میکنندواز جهة نادانی گمراه میشوند و خداونددانا تر است از همه به تجاوز کنندگان (۱۱۹) رهاکنید هر گناه ظاهر و باطن را، همانا آنهائیکه مرتکب میشوند بزودی بکیفر خواهند رسید (۱۲۰) نخورید از هر چه نام خدا بران گفته نشده چه خوردن او فسق و کار زشتی است همانا شیاطین بدوستان خود سخنانی گویند تا با شما در مقام جدال و نزاع برآیند و اگر شما نیز پیرو آنها شوید مانند ایشان مشرك خواهید شد (۱۲۱)

قوله تعالی : و کذلك نصرف الایات و لیقولوا

بیان فرمود خداوند آیات و علامات توحید و خدا پرستی را سپس خطاب نمود بمردم آیات ما برای بینائی و راهنمائی آمد تا شما تمیز دهید حق و باطل را و هر کس نظر کند بدیدهٔ عبرت و بصیرت در آنها تا آنکه یقین و علم پیدا کندسود او بخودش بر گردد و هر آنکه کور باشد و نظر نکند بزیان خود اقدام نموده مانند کفار قریش چون از آیات و اخبار گذشتگان که در قرآن بیان شده عبرت نگرفتند گفتند هر آنچه پیغمبر بما خبر میدهد آنها را نزد دانشمندان یهود درس خوانده و یاد گرفته است و نامیده در این آیه خداوندعلم و نظر را به بینائی وجهل نادانی رابکوری وگمراهی

قوله تعالی : اتبع ما اوحی الیك من ربك تا آخر آیه و ما انت علیهم بوکیل

امر میفرماید پروردگار در این آیه به پیغمبرش که پیروی از وحی کند و از گفتار مشرکین دوری بجوید و جبری مسلکان این آیه را دلیل آورده و میگویند ما کارهای خود را بارادهٔ خداوند انجام میدهیم ودرامورجاری خوداختیاروارادهٔ نداریم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

أَوَ مَنْ كَانَ مَيْتاً فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُوراً يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٢٢) وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَ مَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَ مَا يَشْعُرُونَ (١٢٣) وَ إِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَى مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ (١٢٤)

لکن معنای آیه این است که اگر خداوند بخواهد تمام مردم را مطیع و فرمانبردار مینمایدتا گناهی از آنها صادر نشود اما خدا امر ونهی نموده و مردم را آزمایش میکند که در پیشگاه پروردگار عذری نیاورند چه آنکه نیروی قدرت و توانائی عطا فرموده تا در مقابل اعمالیکه از آنها ناشی میشود استحقاق ثواب و عقاب پیدا کنند و بآنچه خداوند از فضل و عفو و کرم و مغفرت و رحمت بخلق وعده فرموده گواهی دهند.

عیاشی در آیه "و لاتسبوا الذین یدعون من دون الله" از ابوعمرو طیالسی روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام معنی آیه را پرسیدم؟ فرمود ای عمرو آیا دیده ای کسی خدا را دشنام دهد؟ عرض کردم پس مفهوم آیه چیست؟ فرمود هر کس ولی وامام را دشنام دهد مثل آنستکه خدا را سب کرده باشد. و نیز فرمود از پدرم سئوال کردند مفهوم آیه را فرمود پیغمبر اکرم فرموده شرك پنهان تر است از اثر حرکت مورچه در شب تاریك بر روی سنگهای سیاه، پدرم فرمود چون مؤمنین بآنچه مشرکین غیر از خدا پرستش میکردند سب نموده و دشنام میدادند مشرکین نیز خدای مورد ستایش و پرستش مؤمنین را سب مینمودند لذا خداوند در این آیه مؤمنین را نهی میفرماید از اینکه معبود مشرکین را سب کنند تا که مشرکین خدا را سب نمایند زیرا در اینصورت مؤمنین ندانسته

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیا کسیکه مرده بود ما او را زنده کردیم و قرار دادیم ازبرای او روشنی تا درمیان مردم سیر کرده و سر افراز برود مثل کسی باشد که در تاریکیها فرورفته و از آن نتواند خارج شود؛ چنین جلوه گر شده کردار زشت کافران در نظرشان (١٢٢) و همچنین ما قرار دادیم که در هر دیاری بزرگان بد وستمگر با مردم آنجا مکر کنند ودرحقیقت با خودمکرمیکنندولی آگاه نیستند(١٢٣) وچون آیتی برای رهنمائی آنان نازل شد گفتند ما ایمان نیاوریم تا مانند آنکه برسولان خدا نازل شده بما نیز نازل شود خدا بهترمیداند که درکجا رسالت را برقرار کند و چه کسی را این مقام بخشد بزودی خداوند مجرمین را خوار و کوچك گردانیده و بواسطه مکریکه اندیشیدند عذابی سخت بر آنان فرو فرستد (١٢٤)

شرك بخدا میآورند و در حقیقت از روی جهل و عناد سبب میشوند تا خدای یگانه آنهامورد دشنام و سب کفار قرار گیرد

قوله تعالی :و اقسموا بالله جهد ایمانهم

طبرسی از اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده گفتند سبب نزول این آیه این بود که قریش عرض کردند ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم موسی با اوعصائی بود میزد بسنك دوازده چشمهٔ آب از او جاری میشد و عیسی مردگان را زنده مینمود و صالح پیغمبر ازمیان سنك کوه شتری بیرون آورد برای قوم ثمود، شما هم برای ما علامت و آیاتی بیاورتا تصدیق پیغمبری تو را بنمائیم، پیغمبر فرمود بآنها چه آیه و علامتی میخواهید بیاورم؟ گفتند کوه صفا را برای ما طلاکن و مردگان را زنده گردان تا از آنها پرسش کنیم از حقانیت و باطل شما و فرشتگان رابما نشان بده تا گواهی دهند برای تو یاخداوند را بما بنمایان ، فرمود پیغمبر اکرم اگر بعضی چیزهائیکه شما میخواهید بیاورم آیا تصدیق مرا مینمائید؟ عرض کردند بلی بخدا قسم ازتو پیروی میکنیم مسلمانان هم از پیغمبر درخواست نمودند که آیه ای نازل فرماید برای ایشان تا ایمان آورند پیغمبر دعاکرد تاکوه صفا مبدل بطلاگردد جبرئیل نازل شد و گفت اگر بخواهی تمام کوهها بطلا برگردد برمیگرددولکن اگر تصدیق ترا پس ازآن نکنند عذاب میکنم آنهارا وتمام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فَمَن يُرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ
ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ
لَا يُؤْمِنُونَ (۱۲۵) وَهَٰذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
يَذَّكَّرُونَ (۱۲٦) لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِندَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
(۱۲۷) وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُم مِّنَ الْإِنسِ وَقَالَ
أَوْلِيَاؤُهُم مِّنَ الْإِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَّلْتَ
لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۲۸)

ایشان هلاك خواهند شد و اگر بخواهی رها کنم آنانرا تا توبه کنند؛ پیغمبر فرمود پروردگارا واگذار ایشان رابحال خودتا توبه کنند سپس جبرئیل این آیه رانازل کرد که بیان میکند حال کفاریکه سئوال کردند از آیات و میفرماید هرگاه آیات هم برای آنها نازل شود ایمان نخواهند آورد چه دلهای آنان بر گشته و وارونه شده.

در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود تقلب در این آیه بمعنای وارونه کردن است یعنی پائین دل را ببالا و قسمت فوقانی دل را بپائین آورند و بینائی چشم گرفته شده و راهنمائی ها را توجه ننمایند وعلی بن ابیطالب علیه السلام فرمود اولین چیزی که ازمنکرین برمیگردد انکار آنهاست بدست، بعد بزبان، سپس بدل منکر میشوند و هرکس که بدل معروف را نشناسد واز کارهای زشت روگردان نباشد قلبش منقلب گشته و ایمان خود را از دست داده و هرگز اخبار آل محمد صلی الله علیه و آله را قبول نکند.

قوله تعالی : **ما کانوا لیؤمنوا الا ان یشاء الله**

این آیه رد برجبریها میباشد الا ان یشاء الله مراد آنستکه مگر آنکه خداوند آنهارا مجبور بقبول ایمان کندو قوله «وکذلك جعلنا لکل نبی» مراد آنستکه خداوند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

هر کهرا خدا بخواهد هدایت کند، دلش را بنور اسلام روشن و منشرح گرداند، و هر که را بخواهد بحال گمراهی واگذارد، دل او را از پذیرفتن ایمان تنك و سخت سازد که گوئی میخواهد از زمین بر فراز آسمان رود، خداوند آنانرا که بحق نمی گروند مردود و پلید میگرداند (١٢٥) این راه راست خدای تست و ما آیات خود را برای طایفه ای از بندگان شایسته که بآن پند میگیرند بخوبی روشن ساختیم (٢٢٦) برای آنها در پیشگاه خداوند خانه آسایش و سلامت بوده و خداوند آنانرا دوست میدارد برای آنکه نیکوکارهستند (١٢٧) بیاد بیاورید آنروزیکه همه خلایق محشور میشوند و بشیاطین گفته میشود شما بر انسان فزونی یافتید در آنحال بشرهائی که دوستداران شیاطین هستند گویند پروردگارا ما بعضی از بعض دیگر بهرهمند شده و وباجلیکه مقررفرموده ای رسیدیم خطاب رسد بآنها که: آتش منزل ومکان شماست وهمیشه در آن خواهید بود جز آنکه خدا بخواهد همانا پروردگار تو حکیم و بهمه چیز داناست (١٢٨)

هیچ پیغمبری را مبعوث برسالت نفرموده مگر آنکه در امت او شیاطینی از جن وانس بوده و بیکدیگر میگفتند باین پیغمبر ایمان نیاورید که سخنان مزخرف و گفتار وحی آنها دروغی میباشد

و حسین بن سعید از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود خداوند پیغمبری را نفرستاده مگر آنکه در امت او دو شیطان بودند که آن پیغمبر را اذیت نموده و مردم را گمراه میکردند شیاطین همزمان نوح قیطیقوس وخرام شیاطین هم عصر حضرت ابراهیم مکیل و رزام و شیاطین زمان موسی سامری و مرعثیا و هم عصر عیسی بولس و مریتون و شیاطین زمان پیغمبر اکرم حبتر و زریق بودند که کنایه از اولی ودومی است «والتصغی الیه» یعنی گوش بگفتار منافقین نده چونکه آنها ایمان بقلب نیاورده وفقط بزبان اظهار رضایت میکنند و منتظر روزی هستند که از ایمان دست کشیده وبشرك سابق خود بر گردند.

در کافی از ابی بصیر ذیل آیه «و تمت کلمة ربك» روایت کرده گفت همانسالیکه حضرت بن موسی بن جعفر علیهما السلام متولد شده بود در خدمت حضرت صادق بمکه مشرف

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ كَذٰلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظّٰالِمِينَ بَعْضاً بِمٰا كٰانُوا يَكْسِبُونَ (۱۲۹) يٰا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيٰاتِي وَ يُنْذِرُونَكُمْ لِقٰاءَ يَوْمِكُمْ هٰذٰا قٰالُوا شَهِدْنٰا عَلىٰ أَنْفُسِنٰا وَ غَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيٰا وَ شَهِدُوا عَلىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كٰانُوا كٰافِرِينَ (۱۳۰) ذٰلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرىٰ بِظُلْمٍ وَ أَهْلُهٰا غٰافِلُونَ (۱۳۱) وَ لِكُلٍّ دَرَجٰاتٌ مِمّٰا عَمِلُوا وَ مٰا رَبُّكَ بِغٰافِلٍ عَمّٰا يَعْمَلُونَ (۱۳۲)

شدهٔ بودم پس از مراجعت با جمعی از اصحاب در منزل آن حضرت مشغول صرف غذا بودیم و همواره در موقع اطعام اصحاب آن حضرت طعام نیکو ولذیذ تهیه میفرمودند در اثنائیکه مشغول غذاخوردن بودیم شخصی از طرف اندرون آمده و پیغام داد که بانوی محترمه حمیده عرض مینماید که مرا درد مخاض گرفته و فرموده بودید در موقع ولادت فرزندم کسی بر شما سبقت نگیرد لذا تشریف بیاورید حضرت از جا بر خاسته و باندرون تشریف برده و پس از چندی برگشت اصحاب آنحضرت تهنیت و مبارکباد گفته وسئوال ازمولود نمودند،فرمودخداوندپسری مرحمت فرموده که بهترین خلق روی زمین است و مادرش چیزی بمن گفت که گمان میکرد من نمیدانم اصحاب عرض کردند خبری که دادند چه بود ؟ فرمود گفت وقتی فرزند را بزمین نهادم دست های خود را بزمین گذاشت و سر بآسمان بلند نمودباو گفتم این عمل از علائم پیغمبری و امامت است حضرت فرمود شبی که جدهٔ من حامله شد به جدم فرشتهٔ حضور پدر جدم آمد و کاسهٔ شربتی باوداد که بیاشامد و آن شربت از عسل شیرین تر و ازبرف سفید تر و از یخ سرد تر بود و امر نمود که با عیال خود هم بستر شود و نطفه جدم بر اثر آشامیدن شربت مزبور منعقد شد و بهمین ترتیب در مورد انعقاد نطفه پدرم و همچنین در بارهٔ تکوین نطفه خودم تکرار شد که فرشتهٔ با ظرف شربتی وارد میشد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و همچنین ما بعضی از ستمکاران را مقابل بعضی دیگر قرار دادیم بسبب آنچه بر آزار یکدیگر کسب کردند (۱۲۹) ای طایفه جن و انس آیا برای راهنمائی شما از جنس خودتان پیغمبرانی نیامد تا آیات مرا حکایت نموده و شما را ترساند از چنین روزیکه ملاقات میکنید با من آنها با نهایت پشیمانی جواب گویند بر بدی خود گواهی دهیم و زندگانی دنیا آنانرا مغرور و فریفته ساخت و در روز قیامت بر خود گواهی دهند که براه کفر میرفتند (۱۳۰) فرستادن پیغمبران برای آنستکه خداوند اهل دیاری را تا اتمام حجت نکرده و غافل باشند بستم هلاك نگرداند (۱۳۱) برای هر یکی از بندگان رتبهٔ خواهد بود در عوض عملیکه از او سر زده و پروردگار تو غافل نیست از آنچه عمل میکنند (۱۳۲)

و در شب انعقاد نطفهٔ این فرزند نیز ظرف شربتی بمن دادند که نوشیدم و پس از مباشرت با حمیده نطفهٔ آن منعقد گردید و این فرزند بعد از من امام شماست که بعد از گذشتن چهار ماه در رحم در او روح دمیده شده و خداوند فرشته ای فرستاده تا بربازوی راست او آیه «و تمت کلمة ربك» را بنویسد و همینکه امام متولد شود دست خود را بزمین نهاده و سر را بآسمان بلند میکند دست بر زمین نهادن برای آنستکه آنچه را خداوند از علم و دانش و اخبار گذشته و آینده بزمین فرو فرستاده تمام آنها را فرا بگیرد و بلند نمودن سر بسوی آسمان بجهت آنستکه منادی از جانب پروردگار از وسط عرش صدا میزند و او را بنام خود و پدرش خوانده و میگوید که ای فلان بن فلان ثابت و بر قرارباش خداوند میفرماید بحق عظمت و بزرگی خود ترا بزرك خلق نمودم و از میان مخلوقاتم برگزیده ام که محل سر و جایگاه علم و امین بر وحی من باشی و خلیفهٔ من در روی زمین تو میباشی و بهشت را برای تو و دوستانت آفریده ام و بعزت و جلال خودم هر که با تو دشمنی کند او را بسخت ترین عذابی گرفتار و داخل جهنم کنم ولو آنکه در دنیا وسعت رزق باو عطا کرده باشم و همینکه صدای منادی قطع شود امام درحالتیکه دستهای خود را بزمین و سر بسوی آسمان بلند نموده در جواب میفرماید « شهدالله انه لا اله الا هو و الملائکة و اولوا

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ رَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَ يَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ (۱۳۳) إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَ مَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ (۱۳۴) قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَى مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۱۳۵) وَ جَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَ الْأَنْعَامِ نَصِيباً فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَ هَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَ مَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (۱۳۶)

العلم قائما بالقسط لااله الا هوالعزيز الحكيم» و همینکه این کلمات را اداکند استحقاق آنرا پیدا میکند که در شب قدر روح او را زیارت کند حضورش عرض کردم مگر روح جبرئیل نیست؟ فرمود جبرئیل از فرشتکان میباشد و روح مخلوقی است که از فرشتکان بزرگتر است وخداوند میفرماید «تنزل الملائکه والروح» واگر روح ازجنس فرشته بود ذکر آن بعد از فرشتگان بیمورد بود و در روایت دیگر فرمود چون خدایتعالی بخواهد امامی را بیافریند شربتی از زیر عرش بفرشتهٔ میدهد و بپدر آن امام میرساندو همینکه آنرا نوشید موجب آفرینش امام شده و چون متولد شود آن فرشته را میفرستد آیه را میان دو چشمش مینویسد و هروقت که امام پیش از آن از دنیا برود خداوند برای امام جانشین نوری ایجاد میکند که با آن اعمال بندگانرا ببیند و از این جهةاست کهخداوند امام را حجت برخلایق گردانیده.

عیاشی در آیه «فکلوامما ذکر اسم‌الله علیه» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود شما از ذبیحهٔ مجوس مخوریدولی اگر یهودی و نصاری شرایط ذبح را مراعات نموده و بسم‌الله گفتند مانعی نداردکه‌از ذبیحهٔ آنها بخورید.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خدای تو بی نیاز و صاحب رحمت و مهربان است اگر بخواهد همه شما را از بین ببرد و جانشین شما گرداند هر که‌را که بخواهد چنانچه شما را از ذریه طایفه دیگری بوجود آورد (١٣٣) آنچه بشما وعده دادند خواهد آمد و شما بر قدرت خدا غالب نخواهید شد (١٣٤) بگو ایطایفه غافل هرچه میتوانید عمل کنید منهم عمل نیك خود را انجام دهم و شما بزودی آگاه‌شوید که چه کسی عاقبت‌ومنزلگاه خوش دارد همانا ستمکاران را رستگاری نخواهد بود (١٣٥) قرار دادند از برای خدا سهم و نصیبی از روئیدنیها و حیوانات و بگمان خود میگفتند این سهم برای خدا و این دیگری برای شرکا و بتها، سهمی که برای شرکاء معین نموده بودند بخدا نمیرسید و آنکه برای خدا بود بشرکا میرسید و حکمی نا شایسته میکردند(١٣٦)

و نیز محمد بن مسلم روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال نمودم از ذبیحهٔ کسانیکه در موقع‌ذبح تسبیح وبالتهلیل وبالتکبیر میگویند؟ فرمودند تمام اینها نام خدا است. و نیز از ابن سنان روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال نمودم از ذبیحهٔ زن و پسربچه؟ فرمودند اگر زن مسلمه باشد و نام خدا را یاد کند و چنانچه پسر بچه هم قادر بر ذبح بوده و اسم خدا را ببرد مانعی ندارد. و نیز روایت کرده از حمران گفت از حضرت صادق علیه السلام ذبیحهٔ یهود را پرسیدم ؟ فرمودند از ذبیحهٔ یهود نخور مگر آنکه‌بگوش‌خودبشنوی که نام‌خدارا برآن بگویند آیا نمی بینی‌خداوند میفرماید «و لا تاکلوا مما لم یذکر اسم الله علیه» .

ما حکم ذبیحهٔ را در اول سوره مائده مفصلا بیان نمودیم بآنجا مراجعه شود

در کافی از منصوربن یونس روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت باقر علیه السلام معنی آیه«او من کان میتافاحیناه» را؟ فرمود کسیکه بولایت امیرالمؤمنین بی‌نبرده و غافل بوده او را بولایت رهبری نمودیم ومراد از فاحیناه ولایت است وکسیکه ولایت غیرائمه را دارا باشد مانند کسی است که در تاریکی فرورفته باشد .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

عیاشی از برید عجلی روایت کرده گفت فرمود حضرت باقر علیه السلام آیا میدانی مراد از میت در اینجا ؟ چیست میت کسی است که امام را نمیشناسد و او را خداوند بنور امامت راهنمائی نفرموده و نیست مانند این مردمیکه در حق امام معرفت دارند و او را میشناسند .

طبرسی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود این آیه نازل شده در حق حمزة بن عبدالمطلب و ابی جهل وقتی ابی جهل پیغمبر را اذیت و آزار نمود حمزه خبردار شد از این عمل بسیار غضبناك گردید عمودی را بر داشته و بسر ابی جهل زد وایمان به پیغمبر آورد. و در روایت دیگر فرمود درحق عماربن یاسر که ایمان آورد و درحق ابی جهل نازلشده وخداوند بیان میفرماید حال کافر ومؤمن را ومراد بمیتیکه احیاء نموده او را، کافریستکه هدایت شده بسوی ایمان وکسیکه در ظلمات و تاریکی سیر میکند همان کافری باشد که در کفر خود فرو رفته است ، سپس خداوند بیان حال بزرگان منافقین را میفرماید که آنها گفتند ما هرگز ایمان نیاوریم مگر آنکه مانند پیغمبران بخود ماوحی رسد و آیه ای نازل شود که در واقع خود آنها پیغمبر باشند

قوله تعالی :الله اعلم حیث یجعل رسالته

طبرسی روایت کرده سبب نزول آیه آن بود که ولید بن مغیره گفت اگر پیغمبری بر حق باشد همانا من سزاوار ترم ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم از تو به پیغمبری چه من ثروت و مال بسیار دارم و از تو بزرگترم لذا این آیه نازل شد خدا بهتر میداند که در کجا رسالت خود را مقرر دارد وچه کسی را این مقام بخشد، و نیز در حق ابی جهل نازل شده که گفت فرزندان عبد مناف مزاحمت میکنند ما را از حیث شرف و میگویند بما وحی نازل شده بخدا قسم هرگز ایمان بمحمد صلی الله علیه و آله و سلم نیاورم و از سخنان او پیروی نکنم مگر آنکه مانند محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر من وحی نازل شود

قوله تعالی : فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام

مراد از حرج، بن بستی است که هیچ راه مفری نداشته باشد و اماضیق آنستکه راه دارد لکن سخت و تنك است یصعد فی السماء ان بود که درختی را فرض کنید اطرافش درختان تنومند و زیادی باشد که شاخه و برگهای آن مانع رشد و نموآن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

درخت مفروض باشد و این را حرج مینامند خداوند این را مثل آورده برای آنهائیکه بی ایمان هستند.

ابن بابویه از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود هر که را خداوند بخواهد در دنیا بسوی ایمان و در آخرت به بهشت ودار کرامت هدایت فرماید، باوشرح صدر عطا کند تا نسبت بخالق خود وثوق و اطمینان پیدا کند و تسلیم محض شود و قلبش مطمئن گردد و هرکه را بخواهد بحالت گمراهی واگذارد و از بهشت محروم نماید او را رها کند تا در معصیت غوطه ور شده و شك کند و در عقایدش مضطرب شود بطوریکه از شدت طغیان و سرکشی میخواهد بآسمان پرواز کند

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هروقت خدا بخواهد نسبت به بندهٔ خیر و نیکوئی بنماید نقطهٔ از نور در دل او پدید آورد و گوش دل او راباز کند فرشتهٔ موکل او گرداندتاحفاظت کند او را و چنانچه بخواهد بندهٔ را بحال خود واگذارد نقطه سیاهی در دل او ایجاد شود و گوشهای قلب اومسدود گردد و شیطانی هم قرین او گرداند تا گمراهش نماید و آیه را تلاوت فرمودند

و نیز شیخ مفید در کتاب اختصاص از آدم بن حر روایت کرده گفت موسی بن اشیم از حضرت صادق علیه السلام معنای آیهٔ از آیات قرآن را سئوال نمود و من حضور داشتم و حضرت بیان فرمود طولی نکشید که مرد دیگری شرفیاب شد وهمان آیه را عیناً مطرح نموده و جواب دیگری باو فرمود ابن اشیم گفت از تناقضی که در جواب های حضرت دیدم چنان دچار شك و اضطراب شدم که میخواستم دلم را با کارد پاره کنم ودر پیش خود گفتم من از ابوحنیفه و قتاده برای آنکه برأی خود عمل مینمودند دست کشیده و بحضور این مرد آمدم ایشان هم در بیانات خود دچار اختلاف وتغیر است و تا باین اندازه خطا میرود ناگاه شخص دیگری وارد و اتفاقاً همان آیه راسئوال نمود و حضرت جوابی باو داد که با جوابهای سابقه مغایرت تام داشت دانستم عمداً اینطور میفرماید و با نفس خود حدیث می کردم که حضرت صادق علیه السلام روبمن کرده فرمود ای پسر اشیم شك نکن و این خیال باطل را دردل خود راه مده دیدم ازمنویات دلم خبر میدهد و سپس فرمود خداوند ملك و سلطنت را به سلیمان بن داود تفویض

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کرده و فرمود «هذاعطا ئنا فامنن او امسك بغیر حساب» یعنی این سلطنت را بتوتفویض نمودیم مختاری که آنرا برای خود نگاهدار یا بدیگری تفویض نما و او احکام رابه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم واگذاشت و پیغمبر هم آنها را بما ائمه تفویض نموده و آیه را تلاوت نمودند (و این روایت کاملا بما میفهماند که باید صرفاً تسلیم گفتار ائمه شد) و هر کس تسلیم آنها شود البته از طرف خداوند هدایت شده و شرح صدر باو عطا گردیده و کسی که پیرو فرمایشات ائمه نباشد گمراه است و خداوند او را مبتلا به ضیق صدر نموده و مضمون این روایت صریحاً بیان حال کسانی است که طعنه باخبار آل عصمت میزنند و محدثین و پیروان ائمه را در نظر مردم عوام بی قرب و منزلت کرده و در عوض از مذهب ابو حنیفه و تابعین آنها ترویج میکنند.

قوله تعالی: و هذا صراط ربك مستقیما

یعنی این قرآن که راه راست پروردگار تست اعوجاج و کجی در او نیست و برای آنهائیکه متذکر بخدا هستند و تفکر وتدبر در آیات او بنمایند بهشت که خانه امن و امان است میباشد و خدا ولی و ناصر ایشان است برای خاطر طاعات و عباداتی که انجام داده اند، سپس میفرماید ای طایفه جن روزیکه شما را محشور گردانیم گوئیم شمابر انسانی فزونی یافتید وبیشتر آنها را گمراه کردید پیروان شما گویند پروردگارا بعضی از ما ببعض دیگر بهره مند شده واستفاده و بهره مندشدن انس از جن بچندصورت میشود: یکی آنکه اجنه رابزرك وپیشوای خود قرارمیدهندو پیرو آنها دربعضی امورات خود میشوند ایشان هم لذات و شهوات دنیا رادر نظر اینان جلوه میدهند دیگر آنکه در کار های خود بجن پناه میبرند و از آنها قضاء حوائج خود را میخواهند چنانچه میفرماید خداوند در آیه شریفه « و انه کان رجال من الانس یعوذون برجال من الجن فزادوهم رهقاً «همانا طایفه ای از بشر پناه میبرند بگروهی از جن.

(و هنگامیکه اجنه دیدند بعضی بآنها پناه برده و اعتقاد نمودند که ایشان نفع باینان میرسانندیا میتوانند ضرر و زیان برسانند خوشوقت شده و بیشتر موجب گمراهی را فراهم میکنند) خداوند در پاسخ آنها میفرماید آتش جهنم منزل و قرار شماست و همیشه در آن باقی خواهید ماند مگر آنکه خدا بخواهد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند هیچ ظالم و ستمکاریرا یاری نکند مگر بظالم و ستمکار دیگر و هر کس یکی را دوست بدارد در قیامت با او محشورخواهد بود .

حضرت صادق علیه السلام فرمودندو همچنین آیهٔ شریفه دلالت کند که آنان ازهر طبقه و مرتبهٔ با شند خواه خودشان را دانشمند و عالم فرض کنند یا نکنند ایشان گمراه بوده و مردم را گمراه مینمایند و خداوند سینه های آنها را تنك قرار داده و نمیتوانند تسلیم ائمه واخبار واردهٔ ازایشان بشوند بلکه برأی و ظن خود مغرورند و عمل مینمایند .

قوله تعالی : **و کذلك نولی بعض الظالمین بعضاً بما کانو یکسبون**

یعنی همچنانکه بعضی از ستمکاران جن و انس را دوست یکدیگر قرار دادیم و روز قیامت بیزاری از آنها بجوئیم واگذاریم بعضی از ستمکاران را ببعض دیگر و گوئیم باشخاصیکه از ظالمین و ستمکاران پیروی کردند بگوئید به پیروان خود تاشما را امروز از عذاب جهنم خلاص کنند و مقصود ازاین بیان آنستکه بآنها بفهمانند که روز قیامت یار و یاوری برای آنها نباشد تا عذاب و کیفر خدا را از ستمکاران برطرف سازد و خداوند فرمود جدال و نزاع روز قیامت حاصل میشود میان جن و انس و آنها هریك بیزاری میجویند ازدیگری و داخل دوزخ میشوند سپس فرمود همانطور معامله میشود میان ستمکارانی که بعضی دوست بعض دیگر بودند برای کیفر اعمالی که بجا آورده اند .

ابن عباس از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده فرمود هرگاه خداوند از قومی راضی و خشنود باشد بهترین اشخاص را والی و پادشاه آنها قرار بدهد و اگر برقومی غضب کند بدترین مردم رامسلط بر ایشان قرار دهد واولیاء امور و پادشاه آنهاشرور ترین مخلوقات بوده باشند برای کیفر معصیتیکه مرتکب شدند و اینست معنی قول خداوند که میفرماید «ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیرو اما بانفسهم » .

در کافی ازمالك بن دینارروایت کرده گفت شنیدم دربعضی از کتب روایت کردند پیغمبر اکرم فرمود همانا خداوند تبارك و تعالی میفرماید من پادشاه پادشاهان هستم

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ كَذٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ اَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَ
لِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَ لَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَ مَا يَفْتَرُونَ (۱۳۷) وَ
قَالُوا هٰذِهِ اَنْعَامٌ وَ حَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا اِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَ اَنْعَامٌ
حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَ اَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا
كَانُوا يَفْتَرُونَ (۱۳۸) وَ قَالُوا مَا فِي بُطُونِ هٰذِهِ الْاَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِذُكُورِنَا وَ
مُحَرَّمٌ عَلَى اَزْوَاجِنَا وَ اِنْ يَكُنْ مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ اِنَّهُ
حَكِيمٌ عَلِيمٌ (۱۳۹)

دلهای پادشاهان در تحت اختیار و قدرت من است، هر کس اطاعت کند مرا، دل آن پادشاه را نسبت باو مهربان گردانم و رحمتی شود از جانب من و هر آنکه نافرمانی و معصیت کند مرا قرار دهم آن پادشاه را نقمت و عذاب و شدت بر او و هرگز نفس خود را مشغول به پادشاه نکنید شما توبه کنید و باز گشت نمائید بسوی من آن پادشاه را نسبت بشما مهربان گردانم (یعنی ظلم و ستم پادشاه نسبت بمردم از ناحیه خود آنها حاصل میشود و هرگاه مردم نافرمانی خدا نکنند خداوند یا آن پادشاه جبار را مهربان و یا پادشاه مهربانی برای آنها قرار بدهد)

در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند ظالم و ستمکار را یاری نمیکند مگر بظالم و ستمکار دیگر .

قوله تعالی : یامعشر الجن و الانس الم یأتکم رسل منکم تا آخر آیه

این آیه خطاب بتمام جن و انس است و اتمام حجت بر آنها است که ما از جنس خودتان پیغمبری فرستادیم تا بیان کند آیات و دلائل و بینات ما را و بترساند شما را ازعذاب روز قیامت ، گواهی دادید بر نفس خودتان که در دار التکلیف دنیا کفر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و همچنین در نظر بسیاری از مشرکین کشتن فرزندان برای بتها عمل نیکوئی بود تا آنکه آنها باین کار زشت مبتلا و دچار اشتباه و غلط شدند و اگر خدا میخواست چنین عمل بجا نمی آوردند پس واگذار آنان را بآنچه از خرافات میبافند (۱۳۷) گفتند این حیوانات و کشت وزرع مخصوص بتان است و برای دیگران ممنوع میباشد و نباید از آن بخورند جز آن که در کیش بت پرستی معین کنیم و سواری بعضی از چهار پایان بر آنها حرام بود و چهارپایانی را هم بدون نام خدا ذبح میکردند و در این احکا بخدا دروغ می‌بستند بزودی خداوند بواسطه آن‌دروغها آنان را مجازات خواهد کرد (۱۳۸) و گفتند آنچه در شکم این چهار پایان است مخصوص مردان بوده و بر زنان حرام است ولی اگر مرده باشد زن و مرد در آن شریك میباشند بزودی بمجازات این گفتارها خواهند رسید و خداوند در کیفر خلق درست کردار و داناست (۱۳۹)

ومعصیت را پیشهٔ خود قرار دادید و مغرور بزیبهای دنیا شدید در آخرت هم اقرار کنید که کافر بودید و مستحق عذاب خواهید بود و خداوند هر گز ستم بکسی نکند مگربعد از اتمام‌حجت وفرستادن پیغمبران و برای هریك از مردم فرمانبردار و نا فرمان مراتب و درجاتی باشد نسبت باطاعت و معصیت آنها و پروردگار شما هیچوقت از کردار و اعمالتان غفلت نمیکند و او بی نیاز از عبادات و طاعات بندگان است نه طاعت مخلوقات سودی باو رساند و نه معصیت و نا فرمانی آنها زیانی‌رساند و خداوند صاحب احسان و نعمت است و توانائی دارد چنانکه شما را آفریده نابود گرداند، وطایفه دیگری بوجود آورد وآنچه را از قیامت و حساب وبهشت ودوزخ و پاداش کیفر وعده فرموده محققاً خواهد آمد و هرگز شما از تحت قدرت او خارج نخواهیدشد، پس بمقدار توانائی‌خودعمل کنید و بزودی خواهید دانست که ستمکاران را رستگاری نخواهد بود.

قوله تعالی: و جعلوالله مما ذرا من الحرث والانعام تا آخر آیه

این چند آیه بیان میکنداعتقادات فاسده مشرکین و کفار قریش را و میفرماید

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهاً بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَ مَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (۱٤۰) وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَ غَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مُخْتَلِفاً أُكُلُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرُّمَّانَ مُتَشَابِهاً وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ آتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (۱٤۱) وَ مِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَ فَرْشاً كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (۱٤۲)

قریش هروقت زمینی را کشت و زراعت مینمودند میگفتند این از برای پروردگار و آن قسمت برای خدایان ما که بتها باشند و هروقت بزراعت آب میدادند اگر در قسمت مربوط به پروردگار رخنهٔ پیدا میشد و بسوی قسمت بتها میرفت رخنه را مسدود نمیکردند و میگفتند خدا بی نیاز است ولی اگر در قسمت بتها رخنه و شکافی روی میداد و آب بطرف قسمت خداوند میرفت شکاف را سد نموده و باز میگفتند خدا نیازی ندارد و باین ترتیب جماداتی را با خدا شریك میکردند علاوه بر آن، بتها و جمادات را بر پروردگار ترجیح میدادند و این آیه حکایت کردار و گفتار آن هارا میفرماید

و نیز یکی از عقاید فاسده آنها این بود که فرزندان خود را میکشتند و بقتل میرساندند دختران را بجهة غیرت و پسران را از ترس فقر و حاجت و این عمل را شیطان در نظر آنها جلوه داده بود و گویند علة اصلی کشتن دختران این بود که نعمان بن منذر با اهل مکه جنك کرد و زنان آن ها را باسیری برد و در میان آن ها دختر قیس بن عاصم بود پس از آن که صلح کردند بنا بر این شد هر بانوئی بطایفه خود بر گردد غیر از دختر قیس زیرا هوا خواه کسی شد که او را باسیری برده بود از این جهت قیس سوگند یاد کرد هرگاه برایش دختری متولد شود او را بقتل برساند از آن تاریخ کشتن دختران میان کفار عادت شد.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کسانی که از روی سفاهت و نادانی فرزندان خود را کشتند زیانکارند و از آنچه خدا نصیبشان کرده بی بهره و محروم میباشند و چون بخدا افترا بسته اند گمراه شده و راهنمائی نمی یابند (۱۴۰) آن خدائی است که برای شما باغ و بستان های دار بست و بدون دار بست و آزاد و درختهای خرما و زراعتهای گوناگون و زیتون و انار و میوه های شبیه بهم و نا شبیه بیافرید بخورید از آن میوه ها و در وقت جمع آوری و چیدن حق فقرا رابدهید و اسراف نکنید چه خدا مسرفان را دوست نمیدارد (۱۴۱) و از بعضی چهارپایان استفاده بار بری و سواری کنید و از آنچه خدا روزی شما کرده تناول کنید و پیروی از لغزشهای شیطان نکنید همانا شیطان دشمن آشکارشماست (۱۴۲)

قوله تعالی : وقالوا هذه انعام و حرث حجر لایطعمها الا من نشاء بزعمهم

این آیه نیز عقیده فاسده دیگری را بیان میکند که میگفتند این اغنام و کشت و زرع مخصوص بتان است و برای دیگران ممنوع میباشد و نباید از آن بخورند مگر آنکه خدمت بتان کند وسواری بعضی ازچهارپایان بر آنها حرام بودمانند سائبه وبحیره وحام (بحیره مشتری راگویند که پنج فرزندزائیده است،سائبه شتریست که نذرمیکردند آزاد باشد و حام حیوانی بود هرگاه فرزند او فرزندی میزائید وسوار او میشدند حرام میدانستند سوار شدن بر آنحیوان را) و چهارپایانی را هم بدون نام خدا ذبح میکردند ، و دیگر از عقاید فاسده آنها آن بود بچهٔ که ازشکم گاو وگوسفند سالم بیرون میآمدبر زنان حرام میدانستندولی اگر مرده بدنیا میآمد برزن و مرد بالسویه حلال بود .

قوله تعالی : قد خسر الذین قتلوا اولادهم

در این آیه خداوند بیان میفرماید حال دو طایفه از مشرکین را: کسانیکه فرزندان خود را بقتل برسانند ، و آنهائی که حرام کردند بر خود چهار پایان و کشت و زرع را این دوطایفه هلاك میکنند نفس خود را بواسطهٔ افتراو دروغی که بر خدا بستند و از راه حق گمراه شدند و هرگز راهنمائی نخواهند یافت و این آیه

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ثَمانِيَةَ أَزْواجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ
أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحامُ الْأُنْثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صادِقِينَ
(۱٤۳) وَ مِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ
أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحامُ الْأُنْثَيَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَداءَ إِذْ وَصَّيكُمُ اللَّهُ بِهذا فَمَنْ أَظْلَمُ
مِمَّنِ افْتَرى عَلَى اللَّهِ كَذِباً لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لا يَهْدِي الْقَوْمَ
الظَّالِمِينَ (۱٤٤)

دلالت میکند بر بطلان قول جبری مسلکان چه خداوند نسبت قتل و افترا را بخود آن ها داده و ذم کرده آنان را برای عملی که انجام میدادند و فرزندان خود را بدون جرم می کشتند پس چگونه خداوند عقاب می کند ایشان را بدون جرم ومعصیت

قوله تعالی : و هو الذی انشاء جنات معروشات

خداوند واجب کرده که در موقع درو کردن خرمن از هر قطعه زمین یك قبضه و نیز از خرما و سایر میوه جات مقداری بفقرا بدهند .

در کافی از محمد بن مسلم روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت باقر علیه السلام معنی آیه « و آتوا حقه یوم حصاده » را فرمود در زراعت دو حق است : یکی را باید بگیرند و دیگری را خود مالك میدهد ، اما آنچه باید حاکم شرع بگیرد زکوة است و او ده یك و یا بیست یك میباشد و آنچه باید مالك بدهد صدقه است یك قبضه بفقراء میدهند .

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده گفت سئوال کردم اگر میوه یا محصول گندم را از مزرعه بمنزل برده و بعد سهم فقرا را برساند چه صورت دارد فرمود مانعی ندارد و صحیح است ولی بسخاوت نزدیکتر است که پیش از حمل آن بانبار و خانه بدهد .

و نیز از آن حضرت روایت کرده فرمود در شب نچینید خرما را و درو نکنید زراعات

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

هشت جفت از چهار پایان حلالست: از نوع گوسفند دو صنف نر و ماده، و از جنس بز نیز نرو ماده حلالست بگو آیا از این دو جنس (نرو ماده) یا بچه هائی که در شکم مادر است کدام یك بحکم خدا حرام است اگر شما راستگو هستید بمن دلیل قطعی نشان بدهید (١٤٣) و از جنس شتر دو نوع نر و ماده و از نوع گاو نر و ماده آنها حلال است، بآن ها بگو آیا از این نر و ماده ها یا بچه ای که در شکم مادر هاست کدام حرام میباشد؟ آیا شما شاهد وحاضر بودید که خداوند بر حرمت این ها سفارش کرده؟ پس کیست ستمکار تر از آنکه بخدا دروغ بندد تا مردم را گمراه کند بنادانی خود؛ همانا خداوند ستمکاران را راهنمائی نخواهد کرد (١٤٤)

را و ذبح ننمائید و تخم نیافشانید چه اگر اینکار را بنمائید فقرا و بی نوایان نبوده و سئوال کنندهٔ وجود نداشته باشدوخداوند میفرماید در وقت درو حق فقرا رابدهید و آیه را تلاوت فرمودند.

و سعدبن سعد ازحضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود اگر در موقع درو کردن و یا جمع آوری محصول فقرا حاضر نباشند چیزی بر او نیست

در قرب الاسناد از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود پدرم میگفت اسراف آنستکه صدقه بدهند دو قبضه و هر گاه پدرم موقع درو کر حاضر بود دستور میداد بغلامان خود یك قبضه بفقرا بدهند و میفرمود با یك دست بدهید با دو دست دادن اسراف است.

عیاشی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود نباید درو کردن و چیدن میوه در شب باشد خداوند فرموده وآتو احقه یوم حصاده و لا تسرفوا انه لایحب المسرفین (حق فقرا را موقع جمع آوری محصول بدهید و اسراف نکنید خداوند مسرفان را دوست نمی دارد) و فرمود مرد انصاری در موقع جمع آوری محصول خود بیشتر آن ها را تصدق می داد و خود و عیالانش معطل و بی چیز باقی میماند خداوند این گونه عمل را نهی فرموده که اسراف است.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قوله تعالی :و من الانعام حمولة و فرشاً تا آخر آیه

این آیه عطف بر آیه سابق است خداوند چنانچه خلق و ایجاد فرمود باغ و بوستانهائی، آفرید چهار پایانی تا استفاده باربری و سواری کنند و بعضی از آن هارا تناول کنندو هشت جفت از چهار پایان را حلال فرمود از نوع گوسفند دو صنف نر و ماده و از جنس بز هم نر و ماده و از شتر نر و ماده از گاو هم نرماده آن ها حلال شد چه بز ومیش اهلی باشند ویا وحشی و همچنین است گاو اهلی و یا وحشی .

در کافی ازحضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود نوع حیوانات هشت گانه‌ایکه خداونددراین آیه‌نام برده‌حضرت‌نوح آنهارا باخوددر کشتی‌حمل‌نمودوفرمودخداوند در قربانی روز عید اضحی حلال فرموده حیوانات اهلی را و حرام فرموده چهار پایان وحشی را برای قربانی عید اضحی در منی .

عیاشی از صفوان جمال روایت کرده گفت برای تجارت بمصر مسافرت کرده بودم رفیقی داشتم از خوارج، هنگام حرکت به حج نزدمن آمد سئوال کرد آیا شنیده ای از حضرت صادق علیه السلام تفسیر آیه ثمانیة ازواج من الضان اثنین و من المعزاثنین قل ء الذکرین حرم ام الانثیین »تا آخر آیه‌را ؟گفتم نشنیدم خواهش کرد که من این مسئله را از آن حضرت سئوال کنی پس از آن که اعمال حج را بجا آوردم حضور حضرت صادق شرفیاب شده مسئله شخص خارجی را پرسش نمودم ، فرمود حرام است گوسفند و بز وحشی آن ها برای قربانی کردن حرام و اهلی ایشان حلال است و همچنین گاو و شتر اهلی حلال است‌و وحشی حرام‌میباشد برای قربانی حج، وقتی مراجعت‌کردم بمصر خبر دادم بآن خارجی گفت اگر جد او امیر المؤمنین بجنگ خوارج نرفته بود و آن ها را بقتل نرسانیده همانا من‌برای‌خود امامی غیراز آنحضرت اختیار نمیکردم .

قوله تعالی :قل لا اجد فیما اوحی الی محرماً تا آخر آیه

چون درآیات گذشته خداوند بیان فرمودآنچه‌راکه‌مشرکین حرام کرده بودند در این آیه بیان میفرماید محرمات را و به پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور میدهد که بآنها بگوید جز محرماتی که شماره میشوددراین آیه از چهارپایان‌حرام نیست‌و بعضی این

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیه را دلیل آورده اند بر حرام نبودن آنچه ذکر نشده مانند بوزینه و سك و یا درندگان چون شیر و گرگ و پلنگ و غیره و گمان نموده اند که تمام این ها حلال است روی جمله قل لا اجد فیما اوحی الی محرماً و اشتباه کرده اند چه این آیه رد گفتاری استکه اعراب مدعی بودند اشیائی حلال و حرام بوده چیز هائی را برنفس خود حلال و یا حرام کرده بودند لذاخداوند وضع آن ها را برای پیغمبرش حکایت کرد مانند آیه سابق که گفتند « و قالوا ما فی بطون هذه الانعام خالصة لذکورنا» نه این که محرمات منحصر است بآن چه که در آیه ذکر شده و غیر از آنها حلال میباشد.

ابن بابویه در کتاب امالی از سعد بن زیاد در تفسیر آیه «فلله الحجة البالغة» روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم فرمود خداوند روز قیامت میفرماید ای بندگان من آیا شما باحکام و واجبات دین آشنا و دانا نبودید؟ اگر جواب دهند چرا دانا بودیم میفرماید پس چرا بآنها عمل نکردید و اگر بگویند نادان بودیم میفرماید چرا یاد نگرفتید تا عمل کنید پس خداوند با آنها مخاصمه میکند و معنای حجة بالغهٔ که برای خداوند میباشد همین است.

و عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود ما ائمهٔ حجت بالغهٔ خدا بر مخلوقات زمین و آسمان هستیم.

قوله تعالی: **و علی الذین هادوا حرمنا کل ذی ظفر** تا آخر آیه

بیان میفرماید آنچه را خداوند در زمان حضرت موسی بر یهودیان حرام نموده بود

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود حرام کرد خداوند بر یهودیان هر حیوان ناخن داری را مانند پرندگان و از گاو و گوسفند پیه و چربی آن ها را حرام نموده بود واین حرمت سببش آن شد که پادشاهان بنی اسرائیل مانع میشدند که فقرا گوشت پرندگان و یا چربی گوشت را بخورند بواسطهٔ این ستمیکه بفقرا کرده بودند آن دو را بریهودیان حرام فرمود.

قوله تعالی: **سیقول الذین اشرکوا لوشاءالله ماأشرکنا**

چون در آیات گذشته رد نمود خداوند اعتقادات باطله مشرکین را در اینجا

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قُلْ لَا اَجِدُ فِی مَا اُوحِیَ اِلَیَّ مُحَرَّماً عَلَی طَاعِمٍ یَطْعَمُهُ اِلَّا اَنْ یَکُونَ مَیْتَةً اَوْ دَماً مَسْفُوحاً اَوْ لَحْمَ خِنْزِیرٍ فَاِنَّهُ رِجْسٌ اَوْ فِسْقاً اُهِلَّ لِغَیْرِ اللّٰهِ بِهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَیْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَاِنَّ رَبَّکَ غَفُورٌ رَحِیمٌ (١٤٥) وَ عَلَی الَّذِینَ هَادُوا حَرَّمْنَا کُلَّ ذِی ظُفُرٍ وَ مِنَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَیْهِمْ شُحُومَهُمَا اِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا اَوِ الْحَوَایَا اَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذٰلِکَ جَزَیْنَاهُمْ بِبَغْیِهِمْ وَ اِنَّا لَصَادِقُونَ (١٤٦)

نیز احتجاجات فاسده ایکه بر عقاید باطله خود آورده اند رد میفرماید و میگوید مانند این سخنان دروغ را پیشینیان آن ها هم گفتند و پیغمبران را تکذیب کردند تاعاقبت بعذاب ما رسیدند و هلاك شدند سپس خطاب میفرماید بگو ای محمد در جواب کفار آن ها که میگویند مشرك بودن ما بواسطهٔ خواست و مشیت خدا است آیا دلیل و حجتی بر این سخنان خود دارید بیاورید سپس میفرماید این کفار و مشرکین پیروی نمیکنند مگر از گمان وتخمین وسخنی نمیگویند جز بدروغ پس از آن میفرماید بگو ای محمد شما که از اقامهٔ حجت و دلیل عاجز شدید حجت و بینه صحیح از برای خدا است.

قوله تعالی: قل هلم شهداءکم الذین یشهدون ان الله حرم هذا

این آیه عطف میشود بر آیه « و قال مافی بطون هذه الانعام » یعنی ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم بگو بمشرکین گواهان خود را حاضر کنید تا گواهی دهند بآن چیزهائی که حرام کرده اید و اگر نیافتند شاهدی که شهادت دهد و خود آنها گواهی دادند تو پیروی از هوای نفس آنان منما. و این جمله گرچه بظاهر خطاب به پیغمبر است ولی معناً امت مراد است و این آیه دلالت دارد بر فاسد بودن تقلید چه خداوند طلب فرموده از کفار حجة و دلیلی بر صحت مذهب و گفتار آنها و عجز از اقامه دلیل را شاهد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بگو در آنچه بمن وحی شده چیزیرا که برای خورندگان طعام حرام باشد نمی یابم جز آنکه حیوان مرده یاخون ریخته شده یا گوشت خوك که نجس است و یاحیوانی که بدون نام خدا از روی فسق ذبح کرده باشند و در محرمات هم اگر کسی ازروی اضطرار آن ها رابخورد بدون ستم و تعدی از فرمان خدا، باز خدا خواهد بخشید چه او بخشنده و مهربان است (١٤٥) و بر یهودیان هرحیوان ناخن داری و از گاو و گوسفند پیه و چربی آن ها را حرام کردیم مگر آنچه در پشت آن ها است و یاآنچه اطراف روده‌ها و یا با استخوانها در آمیخته باشد چون ایشان ستم کردند ما با این حکم مجازات نمودیم آنها را و البته ما راستگو هستیم (١٤٦)

قرار داده بر بطلان قول ایشان و نیز واجب نموده پیروی کردن ازدلیل‌را نه از هوای نفس سپس فرموده به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بآن‌ها بگو بیائید تا قرائت کنم آنچه‌را خداوند حرام کرده بود بر شما نخست آنکه شریك قرار ندهید برای خدا و با پدر و مادر احسان کنید فرمود حضرت امام زین العابدین علیه السلام والدین در این آیه مراد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام میباشد و دیگر آن که فرزندان خود را از ترس فقروحاجت بقتل نرسانید و ما روزی شماو آنها را میدهیم و بکار زشت نزدیك نشوید

عیاشی از حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده فرمود کار های زشت علنی ازدواج بازن پدراست و زشت پنهان زنا کردن و قتل نفس است ودر اوامر خدا تعقل کنید و هرگز بمال یتیم نزدیك نشوید مگر از روی صلاح و مصلحت تا آن که بحد رشد و کمال برسند وکیل ووزن را تمام بدهیدو چون سخنی گوئید بعدالت رفتار کنید هر چند در باره خویشانتان باشد و بعهد خداوفا کنید این است سفارشهای خدا بشما شاید متذکر و هوشمند شوید.

محمد بن حسن صفار در کتاب بصائر الدرجات بسند خود از ابی حمزهٔ ثمالی روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام معنای آیه « و ان هذا صراطی مستقیماً » را سئوال نمودم؟ فرمود بخداقسم صراط ومیزان علی ابن ابیطالب علیه السلام است، ودرروایت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَ لَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ (۱٤۷) سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَ لَا آبَاؤُنَا وَ لَا حَرَّمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتَّى ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ (۱٤۸) قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ (۱٤۹) قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمُ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَ هُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ (۱۵۰)

دیگر فرمود ما آن راه مستقیم هستیم و هرکس از این راه تجاوز کند کافر میشود.

عیاشی از برید عجلی روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام بمن فرمود ای برید میدانی معنای صراط مستقیم چیست؟ عرض کردم فدایت شوم شما بفرمائید فرمود مراد ازصراط مستقیم ولایت علی علیه السلام وامامان بعد از آن حضرت میباشد وفرمودمعنای فاتبعوه را میدانی؟ عرض کردم خیر فرمود از علی بن ابیطالب علیه السلام پیروی کنید و مجدداً فرمودند منظور از « و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله » تبعیت وپیروی از منافقین و دشمنان علی علیه السلام است که شما را از پیروی علی بن ابیطالب علیه السلام متفرق و دور میسازد و در روایت دیگر آن حضرت فرمود آل محمد صلی الله علیه و آله صراطی هستند که خداوند شما را بسوی آن ها دلالت و رهبری میکند.

و نیز از حضرت باقر روایت کرده فرمود طریق مستقیم و راه راست راه امامت ائمه علیهم السلام میباشد و فرمود آنحضرت سبیل و راه راست ما ائمه هستیم و هرکس ازراه ما دوری بجوید براههای مختلف رفته و کافر شود.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای پیغمبر اگر ترا تکذیب کنند بگو با آنکه خدا دارای رحمت بی منتها است عذابش را از طایفه بدکاران برنخواهد داشت(١٤٧)بزودی آنهائیکه مشرك شده‌اند میگویند اگر خدا میخواست ما و پدرانمان مشرك نمیشدیم و چیزی را حرام نمیکردیم بهمین گفتار کسانیکه پیش از اینها بودند تکذیب پیغمبران میکردند تا آنکه طعم عذاب ما را چشیدند بگو ای پیغمبر آیا شما بر این سخن دلیلی قطعی دارید تا بما نشان دهید؟! پیروی نمیکنند آنها مگر از خیالات باطل خود و جز بدروغ سخن نگویند (١٤٨) بگو برای خدا حجت بالغه است اگر بخواهد همه شما را راهنمائی میکند (١٤٩) بگو گواهان خودرا بیاورید تا شهادت دهند خداوند این و آن را حرام کرده و اگر گواهی دهند تو با آنها گواهی مده و پیروی از هوای آنها نکن ایشان تکذیب کردند آیات ما را و بقیامت ایمان نمیآورندو از خدای خود بسوی بتان بر میگردند(١٥٠)

قوله تعالی : ثم آتینا موسی الکتاب

یعنی آنگاه بموسی کتاب عطا کردیم برای تکمیل نیکوکاران و در آن بیان حکم هر چیزی بود و بمنظور هدایت و رحمت فرستادیم تا مردم بدیدار و لقاء حق و آیات خداوند ایمان آورند و این قرآن را با برکت و خیر فرستادیم تا از آن پیروی نموده و پرهیز کار شوید و تا مشمول رحمت خدا گردید و نگوئید تورات و انجیل برای یهود و نصاری فرستاده شده و ما از تعلیم و تدریس آن کتب الهی غافل و بی بهره ماندیم و یا این که بگوئید اگر بر ما هم کتابی فرستاده میشد بهتر از آنان براه راهنمائی می شتافتیم بشما هم از طرف خدا حجت آشکار و هدایت و رحمت رسید اکنون کیست ستمکار تر از آن که آیات الهی را تکذیب نموده و از اطاعت او روی بگرداند ؟ بزودی اشخاصیکه از آیات الهی روی گردانیده و مخالفت کرده اند بعذاب سخت مجازات کنند آن ها را . و این آیه دلالت میکند که نازل شدن قرآن لطفی است از جانب خداوند برای مکلفین و اگر نازل نمیفرمود عذر و حجة برای آنها

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قُلْ تَعالَوْا اَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ اَلّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوالِدَيْنِ اِحْساناً وَلا تَقْتُلُوا اَوْلادَكُمْ مِنْ اِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ اِيّاهُمْ وَ لا تَقْرَبُوا الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللّهُ اِلّا بِالْحَقِّ ذلِكُمْ وَصّيكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۱۵۱) وَلا تَقْرَبُوا مالَ الْيَتيمِ اِلّا بِالَّتي هِيَ اَحْسَنُ حَتّي يَبْلُغَ اَشُدَّهُ وَ اَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْميزانَ بِالْقِسْطِ لا نُكَلِّفُ نَفْساً اِلّا وُسْعَها وَ اِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبي وَ بِعَهْدِ اللّهِ اَوْفُوا ذلِكُمْ وَصّيكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (۱۵۲)

بود چنانچه معصیت مینمودند، والحال عذاب آنها برطرف شده بواسطهٔ فرستادن قرآن و دیگر انتظاری نمیکشند کفار جز آنکه فرشتگان قهر بر آنها در آیند و یا امر خدا بر آنان رسیده و همه هلاك شوند.

ابی بصیر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده گفت آنحضرت آیه « او کسبت فی ایمانهم » را اینطور قرائت نمود « اکتسبت فی ایمانهم » و فرمود وقتی که آفتاب از مغرب طلوع نماید اگر کسی در آن روز ایمان بیاورد آن ایمان سودمند نیست.

ابن بابویه ازحضرت صادق علیه السلام درآیه « یوم یاتی بعض آیات ربك لاینفع نفساً ایمانها »روایت کرده فرمود مراد از آیات ائمه هستند و آیه منتظره حضرت حجت امام زمان علیه السلام میباشد وکسی که پیش از قیام آن حضرت ایمان نیاورده باشد ایمانش سودی ندهد.

و در روایت ابی بصیر آنحضرت فرموده ای ابا بصیر خوشا بحال شیعیانی که انتظار ظهور آنحضرت را میکشند در زمان غیبتش و در زمان ظهورش پیروی او مینمایند آن ها دوستان خداهستند که برای ایشان هیچ ترس و حزن و اندوهی نیست

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بگو بیائید تا آنچرا خدا بر شما حرام کرده همه را بیان کنم و شرك بخدا نیاورید و در باره پدر و مادر احسان کنید و فرزندان خود را از ترس فقر نکشید ما شما و آن ها را روزی میدهیم و بکارهای زشت چه آشکارا یا پنهانی نزدیك نشوید ونفس محترمیکه خداوند حرام کرده جز بحق نکشید شما را خداوند باینها سفارش کرده شاید تعقل کنید (١٥١) و هرگز بمال یتیم نزدیك نشوید مگر براه نیکوئی تا آنکه بحد رشد و بلوغ برسد وکیل و وزن را تمام بدهید ما کسی را جز بقدر توانائی او تکلیف نکنیم و چون سخنی گوئید رعایت عدالت کنید هر چند دربارهٔ خویشان خود باشد و بعهد خدا وفا کنید

اینست سفارش خدا

بشما تا متذکر

بشوید (١٥٢)

و در محاسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود هیچوقت زمین از حجت خالی نمیباشد تا حلال و حرام خدا را بمردم بشناساند و آن ها را براه خدا دعوت نماید و زمین از حجت خدا خالی نمیشود مگر چهل روز قبل از قیام قیامت وهمینکه حجت خدا ازروی زمین برداشته‌شود درتوبه بسته شده وایمان کسی بعد از آنکه حجت برداشته شود سودمند نباشد و آنها کسانی هستند که قیامت در زمان ایشان بر پا میشود و این حدیث را عیاشی نیزذکر کرده.

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مردی از پدرم سئوال کرد غزوات امیر المؤمنین علیه السلام راو آن مرد ازدوستان ما بود، پدرم فرمود خداوند فرستاده محمد صلی الله علیه و آله و سلم را با پنج شمشیر سه عدد آن ها ظاهر هستند و هرگز پنهان نشوند تا جهاد بآخر برسد و زمانی بآخر میرسد که آفتاب از مغرب طلوع کند در آن وقت مردم تماماً ایمان آورند وکسانیکه پیش از آنوقت ایمان نیاورده اند ایمان ایشان دیگر سودی نخواهد داشت.

و بسند دیگر عیاشی از آنحضرت روایت کرده در معنای آیه مزبور، فرمود

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بکم عن سبیله ذلکم وصیکم به لعلکم تتقون (۱۵۳) ثم آتینا موسی الکتاب تماماً علی الذی احسن و تفصیلا لکل شیء و هدی و رحمة لعلهم بلقاء ربهم یؤمنون (۱۵٤) و هذا کتاب انزلناه مبارک فاتبعوه واتقوا لعلکم ترحمون (۱۵۵) ان تقولوا انما انزل الکتاب علی طائفتین من قبلنا و ان کنا عن دراستهم لغافلین (۱۵٦) او تقولوا لو انا انزل علینا الکتاب لکنا اهدی منهم فقد جاءکم بینة من ربکم و هدی و رحمة فمن اظلم ممن کذب بایات الله و صدف عنها سنجزی الذین یصدفون عن آیاتنا سوء العذاب بما کانوا یصدفون (۱۵۷)

نفع نمیرساند ایمان بکسی که مشاهده کند آفتاب از مغرب طلوع نموده و دودفضای عالم را پر کرده پس از آنکه علائم مذکوره را مردم به بینند اصرار در معصیت مینمایند و دیگر ایمان بحال آن گناهکاران فایده ای ندارد و در روایت دیگر فرمود مؤمنی که مرتکب معاصی میشود همان گناه زیاد او باعث شود میان او و ایمانش و از ایمان خود بهرهٔ کسب نکند.

عیاشی در آیه «ان الذین فرقوا دینهم» از ابی بصیر روایت کرده گفت سئوال کردم معنی آیه را از حضرت صادق علیه السلام فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام قرائت میفرمود «فارقوا دینهم» سپس فرمود بخدا قسم این مردم مفارقت و دوری جستند از دین خدا که برای ایشان معین شده بود چون از امیرالمؤمنین علیه السلام جدا شدند به دستجات وحزب های متفرقه منشعب شدند و در روایت دیگر فرمود بخدا قسم این امت متفرق شدند در دین خود.

ابن بابویه در آیه «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها» از حضرت صادق علیه السلام

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اینست راه راست من از آن پیروی کنید و از راه هائیکه سبب تفرقه شما از راه خدا خدا میشود متابعت نکنید اینست سفارش خدا بشما شاید که پرهیز کار باشید (۱۵۳) سپس بموسی کتاب دادیم برای تکمیل نیکو کاران و در آن بیان حکم هر چیزی بجهة رحمت مردم بود تاشاید بدیدار پروردگار شان ایمان آورند (۱۵٤) و این قرآن مبارك را نازل کردیم پیروی از آن بکنید و پرهیز کار شوید شاید مشمول رحمت خدا گردید (۱۵۵) و قرآن را فرستادم تا نگوئید تورات و انجیل فقط برای یهود و نصاری فرستاده شده و ما از تدریس و تعلیم آن غافل و بی بهره ماندیم (۱۵٦) یا آنکه بگوئید اگر بر ما هم کتابی فرستاده میشد بهتر از آنان براه راهنمائی میشتافتیم پس بشماهم از طرف خدا حجت آشکار و رحمت راهنمائی رسید و کیست ستمکار تر از آنکه آیات خدا را تکذیب کند و از اطاعت او روی بگرداند؟ بزودی کسانیکه از آیات ما روگردانیده بعذاب سخت مجازات کنیم آنها را بکیفر آنکه از آیات ما اعراض میکنند (۱۵۷)

روایت کرده فرمود امام زین العابدین علیه السلام فرموده وای بحال کسانی که آحاد آنها بر عشر انشان غالب شود جمعی از اصحاب حضورش گفتند چگونه آحاد بر عشرات غلبه میکند؟ فرمودند همینکه یك کار نیك بجا بیاورید خداوند ده برابر بشما پاداش میدهد و اگر کار بدی انجام دهید مانند آن عقاب میشوید، پناه میبرم بخدا که اگر کسی در یك روز ده گناه از او سربزند و درمقابل عمل خوبی نداشته باشد که حسناتش بر سیئاتش غالب گردد.

وعیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده چنانچه مؤمنی در هر ماه سه روز روزه بدارد و باو بگویند آیا تمام ماه را روزه داشته ای و بگوید بلی راست گفته است آیا نمی بینید خداوند میفرماید «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها» لیکن این امر مختص بمؤمنین است فقط.

ودر کافی از حماد بن عثمان روایت کرده گفت شنیدم حضرت صادق علیه السلام

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

هَلْ يَنْظُرُونَ اِلّا اَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلائِكَةُ اَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ اَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لا يَنْفَعُ نَفْساً اِيمانُها لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ اَوْ كَسَبَتْ فِي اِيمانِها خَيْراً قُلِ انْتَظِرُوا اِنّا مُنْتَظِرُونَ (۱۵۸) اِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كانُوا شِيَعاً لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ اِنَّما اَمْرُهُمْ اِلَى اللّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِما كانُوا يَفْعَلُونَ (۱۵۹) مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ اَمْثالِها وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلا يُجْزى اِلّا مِثْلَها وَ هُمْ لا يُظْلَمُونَ (۱٦۰) قُلْ اِنَّنِي هَدانِي رَبِّي اِلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ دِيناً قِيَماً مِلَّةَ اِبْراهِيمَ حَنِيفاً وَ ما كانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱٦۱)

افطار نمیکند مدتی هم مانند حضرت داود روزه میگرفتند یعنی یك روز روزه میگرفتند و یك روز افطار میکردند پس از آن در هر ماه سه روز را روزه میگرفتند و بقیه ایام ماه راافطار مینمودند و این رویه را تا موقع رحلت از دنیا ادامه دادند و میفرمودند هر کس چنین کند مانند اینست که تمام عمرش را روزه گرفته باشد، حماد حضورش عرض کرد که آن سه روز کدام روز ها بوده؟ فرمود پنجشنبه اول ماه و چهار شنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه است و هر کس این سه روز را روزه بدارد وسوسه شیطانی از دل او بر طرف شده و بر امت های پیشین غالباً در این سه روز عذاب نازل میشده است.

قوله تعالی: قل انني هداني ربي الى صراط مستقيم

امر میفرماید خداوند پیغمبرش را که بکفار بگوید خداوند راهنمائی و دلالت فرموده مرا براه مستقیم و او آئین پاك و استوار حضرت ابراهیم است و جهة آنکه وصف نموده دین اسلام و پیغمبر را بملة و آئین ابراهیم برای آنستکه آنحضرت در نظر مردم عرب بسیار بزرك و با اهمیت بود از این جهة برای ترغیب و تشویق آنها

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیا منکران انتظاری دارند جز آنکه فرشتگان قهر بر آنها در آیند و یا امر خدا بر آنها رسیده یا بیاید بعضی از آیاتهای پروردگارت روزی که قهر و غضب او بر آنها میرسد نفع نبخشد ایمان او در آن روز اگر پیش از آن ایمان نیاورده باشد یا در ایمان کسب خیر و سعادت نکرده باشد بگو شما در انتظار عمل خیر خود باشید و ما هم منتظر پاداش کارهای پسندیده خودهستیم(۱۵۸) همانا آن هائیکه دین راپراکنده کرده اند و فرقه فرقه شدند نیستی تو از آنها و بکار تو نیایند مجازات رفتار آنان با خداست سپس بکیفر آنچه میکنند آگاهشان مینماید (۱۵۹) هرکه کار خوبی کند ده برابر آن پاداش خواهدداشت واگر کار زشتی از او سر بزند بهمان مقدارمجازات میشود و بر آنها ستم نخواهد شد(۱۶۰) ای پیغمبر بگو که خدا مرا براه راست راهنمائی کرده و بدین پاك حضرت ابراهیم که از هر لوث شرك و عقاید باطل مشرکین منزه است رهبری فرموده (۱۶۱)

توصیف فرموده دین مقدس را بملة ابراهیم و اشاره نموده که آنحضرت هرگز بت نپرستیده و از بت پرستیدن مردم را نهی میفرموده.

عیاشی در آیه «دیناً قیماً ملة ابراهیم حنیفاً» از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود کسی بر ملت ابراهیم نیست مگر ما ائمه و شیعیان ما آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

و در محاسن از عبدالله بن مسکان روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت صادق علیه السلام معنی حنیفاً مسلماً را؟ فرمود مرادخالص ومجردبودن او است ازهر گونه شك و شبهه ای و درروایت دیگرفرمود آئین ابراهیم خالص است ازهر گونه شك وبت پرستی

و ابن بابویه در آیه «قل ان صلاتی و نسکی» تا آخر «و لا تزر وازرة وزراخری از اعمش روایت کرده گفت فرمود حضرت صادق علیه السلام از شرایع دین آنست که خداوند بندگان را تکلیف نفرماید مگر باندازهٔ طاقت و توانائی و هرگز تکلیف مافوق طاقت نفرماید و افعال بندگان مخلوق است ولی بخلقت تقدیری نه تکوینی و خداوند هر چیزی را آفریده و ما نمیگوئیم به جبر و تفویض و خداوند عمل نیکوئی را بجای عمل بد نمیگیرد و اطفال را بگناهان پدرانشان عذاب نمینماید وبرخداوند است که بر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قُلْ اِنَّ صَلاتی وَ نُسُکی وَ مَحْیایَ وَ مَماتی لِلّهِ رَبِّ الْعالَمینَ (۱٦۲) لا شَریکَ
لَهُ وَ بِذلِکَ اُمِرْتُ وَ اَنَا اَوَّلُ الْمُسْلِمینَ (۱٦۳) قُلْ اَغَیْرَ اللّهِ اَبْغی رَبّاً وَ هُوَ رَبُّ
کُلِّ شَیْءٍ وَ لا تَکْسِبُ کُلُّ نَفْسٍ اِلّا عَلَیْها وَ لا تَزِرُ وازِرَةٌ وِزْرَ اُخْری ثُمَّ اِلی
رَبِّکُمْ مَرْجِعُکُمْ فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ فیهِ تَخْتَلِفُونَ (۱٦٤) وَ هُوَ الَّذی جَعَلَکُمْ
خَلائِفَ الْاَرْضِ وَ رَفَعَ بَعْضَکُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِیَبْلُوَکُمْ فیما اتیکُمْ اِنَّ
رَبَّکَ سَریعُ الْعِقابِ وَ اِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحیمٌ (۱٦٥)

بندگان تفضل و عفو بفرماید و یا آنکه آنها را عذاب کند وهرگز بآنان ظلم نخواهد کرد خداوند هرگز واجب فرموده که هر دو شخاصی که کارشان فریب واغوای دیگران است اطاعت نمایند و برای پیغمبری و امامت کسی را که باو کافر بوده اختیار نفرموده بلکه کسانی را به نبوت و امامت برگزیده است که معصوم بوده و در تمام عمر خود گناه از آنها سر نزده و ازشیطان پیروی نکرده است .

قوله تعالی : قل اغیرالله ابغی ربا و هو رب کل شئی

هنگامیکه خداوند امر فرمود پیغمبرش را بیان کردن دین از روی اخلاص ، دستور داد که بیان فرماید آنحضرت بطلان افعال و کردار مشرکین را بقولش قل اغیرالله بگو ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم بمشرکین بطریق انکار آیا من غیر خدا را بخدائی اختیار کنم در صورتیکه او پروردگار همه چیزی است؟ وکسی کسب نمیکند مگر برای نفس خود و هیچ نفسی بار دیگری را بدوش نمیگیرد و آیا جایز است طلب کنم غیر پروردگار خدائی را و پرستش کنم او را بامید رستگاری و حال آنکه او نیز مانند من مخلوقی است از مخلوقات خدا و ترک نمایم عبادت کسی که مرا آفریده و تربیت داده و آن خدا مالك و مدبر و خالق هر چیزی است و مخلوق دیگری نمیباشد آیا اینکار نزد خردمندان قبیح نیست که بتانی را بدست خود ساخته و پرداخته اید او را پرستش کنید؟

Contact: jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بگو ای پیغمبر همانا نماز و طاعات وحیات و ممات من از برای پروردگار جهانیان است (١٦٢) شریکی برای او نیست و باین اخلاص کامل مرا فرمان داده و من نخستین کسی هستم که مطیع و تسلیم امر خدا میباشم (١٦٣) بگو آیا من غیر خدا را بخدائی اختیار کنم؟ در صورتیکه او پروردگار هر چیزیست و کسی چیزی طلب نکند مگر برای نفس خود و هیچ نفسی بار دیگری را بدوش نمیگیرد و بازگشت همه بسوی خداست سپس او شما را بآنچه در آن اختلاف کرده اید آگاه خواهد ساخت (١٦٤) او خدائی است که شما را جانشین گذشتگان قرار داده و مرتبه بعضی را نسبت به بعضی دیگر بالا تر مقرر فرموده تا شما را آزمایش کند باین تفاوت، همانا پروردگار توزود کیفر و عقاب مینماید و بسیار بخشنده و مهربانست (١٦٥)

ابن بابویه از عبدالله بن صالح روایت کرده گفت خضور حضرت رضا علیه السلام عرض کردم چه میفرمائید در حدیثی که از حضرت صادق علیه السلام است که فرموده هر وقت حضرت حجت علیه السلام ظهور کند فرزندان قاتلین حضرت امام حسین علیه السلام را بواسطهٔ افعال پدرانشان بقتل میرساند؟ فرمودند حدیث صحیح است مجدداً عرض کردم پس در معنای «ولاتزر وازرة وزراخری» چه میفرمائید؟ فرمود خداوند راست میفرماید لکن فرزندان قاتلین آنحضرت چون از کارزشت پدرانشان راضی و خشنود هستند وافتخار میکنند که فرزند کسانی هستند که حضرت امام حسین علیه السلام و فرزندان و اصحاب آن بزرگوار را بقتل رسانیده اند، و اگر کسی راضی بعمل و کار دیگری باشد مانند آنست که خود او آن کار راانجام داده باشد حتی اگر کسی در مشرق زمین مرتکب قتلی شود و شخص دیگری در مغرب زمین راضی بآن قتل باشد در پیشگاه خداوند شریك قاتل محسوب میشود، عرض کردم حضرت حجة علیه السلام هنگام ظهور ابتدا از کدام طایفه انتقام میکشد؟ فرمودند از طایفه بنی شیبه شروع میفرماید ودستهای آنهارا قطع مینماید زیرا آنها دزدان خانهٔ خدا میباشند.

عیاشی در آیه «و هوالذی جعلکم خلائف الارض» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند بعضی از مردم را بر بعضی دیگر برتری میدهد بدرجات بسیاری این برتری بواسطه اعمال اشخاص میباشد.

پایان تفسیر سورهٔ انعام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بسم الله الرحمن الرحیم

الٓمٓصٓ (۱) کِتابٌ اُنْزِلَ اِلَیْکَ فَلا یَکُنْ فی صَدْرِکَ حَرَجٌ مِنْهُ لِتُنْذِرَ بِهِ وَ ذِکْرٰی لِلْمُؤْمِنینَ (۲) اِتَّبِعُوا ما اُنْزِلَ اِلَیْکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ وَ لا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهِ اَوْلِیاءَ قَلیلاً ما تَذَکَّرُونَ (۳) وَ کَمْ مِنْ قَرْیَةٍ اَهْلَکْناها فَجاءَها بَأْسُنا بَیاتاً اَوْ هُمْ قائِلُونَ (٤) فَما کانَ دَعْوٰیهُمْ اِذْ جاءَهُمْ بَأْسُنا اِلّا اَنْ قالُوا اِنّا کُنّا ظالِمینَ (٥) فَلَنَسْئَلَنَّ الَّذینَ اُرْسِلَ اِلَیْهِمْ وَ لَنَسْئَلَنَّ الْمُرْسَلینَ (٦) فَلَنَقُصَّنَّ عَلَیْهِمْ بِعِلْمٍ وَ ما کُنّا غائِبینَ (۷) وَ الْوَزْنُ یَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوازینُهُ فَاُولٰئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۸)

سورهٔ اعراف

در مکه نازل شده

سورهٔ اعراف دویست و شش آیه وسه هزار وسیصد بیست و پنج کلمه و چهارده هزار وسیصد و ده حرف است ثواب قرائت آن .

ابن بابویه بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس سورهٔ اعراف را تلاوت نمایدد هرماه، در روز قیامت از کسانی باشد که ترس و اندوه ندارند و اگر در هر جمعه آن را قرائت نماید از آنهائی باشد که در روز قیامت حساب او رانکشند زیرا در این سوره محکمات قرآن است قرائت آنرا ترك نکنید که روز قیامت برای تلاوت کنندگانش شهادت میدهد. وابن حدیث را عیاشی نیز روایت نموده است

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بنام خداوند بخشنده مهربان

المص (رمزی است از رموز قرآنی بعضی گفتند یعنی خدای مهربان صاحب اقتدار و برد بار) (۱) کتابی بزرك برای تو نازل شد دلتنك و آزرده خاطر از مردمان منکر مشو تا خلق را بآیات عذابش ترسانیده واهل ایمان را به بشارتش یادآورشوی (۲) ای اهل ایمان از آنچه خدا بسوی شما فرستاده پیروی کنید و پیرو غیر او نباشید و جزخداکسی را بدوستی نگیرید همانا اندکی ازمردم باین پند میگروند(۳) چه‌بسیار اهالی‌شهرهائیکه شب در بستر آسایش وبخواب راحت غنوده بودند درمعرض‌هلاکت و عذاب قرار دادیم (٤) و چون عذاب‌ما بآنها رسیدجز این دعوی نمیکردند که‌خود ستمکار ومستحق عذاب بودیم (٥) البته ماهم از اعمال امم وهم از پیغمبران آنهاپرسش خواهیم کرد (٦) و بر آنان شرح حالشان را بعلم و دانش بیان کنیم تا بدانندکه از کردار آنان غافل نیستیم (۷) روز محشر حقا روز سنجیدن‌اعمالست آنانکه‌درمیزان حق سنگین و دارای اعمال نیکو باشند البته رستگار خواهند شد (۸)

و نیزاز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که‌فرمود هرکه سورهٔاعراف را بخواند خداوند روز قیامت میان او وشیطان مانعی قراربدهد و رفیق آدم علیه السلام باشد و هرکس این سوره را با گلاب و زعفران بنویسد و باخود دارد درندگان و دشمنان تا وقتی‌که با او باشد باذن خداوند نزدیك اونشوند.

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود معنی «المص» منم خدای توانا و راستگو.

عیاشی ازابولبید بحرانی (مخزومی) روایت کرده گفت‌مردی درمکه حضورحضرت باقر علیه السلام رسید سئوالاتی چند از آن حضرت نمود از آنجمله پرسید معنی «المص» چیست؟ آنحضرت جوابی باو فرمودپس‌از آنکه آنمرد ازحضورش مرخص شدفرمود بمن این بیاناتی که گفتم تفسیر باطن قرآن میباشد عرض کردم حضورش برای قرآن ظاهر و باطن است؟ فرمود بلی از برای کتاب خدا ظاهر وباطن و معانی بسیاریست

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ مَنْ خَفَّتْ مَوازِينُهُ فَأُولئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِما كانُوا بِآياتِنا يَظْلِمُونَ (۹) وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنا لَكُمْ فِيها مَعايِشَ قَلِيلاً ما تَشْكُرُونَ (۱۰) وَ لَقَدْ خَلَقْناكُمْ ثُمَّ صَوَّرْناكُمْ ثُمَّ قُلْنا لِلْمَلائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (۱۱) قالَ ما مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ (۱۲) قالَ فَاهْبِطْ مِنْها فَما يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيها فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ (۱۳) قالَ أَنْظِرْنِي إِلى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (۱۴)

وقرآن ناسخ منسوخ ومحکم متشابه وسنن وامثال وفصل و وصل دارد، وهر کس گمان کند که کتاب خدا مبهم است هلاك شود ومردم را بهلاکت اندازد سپس فرمود ای ابولبید حساب کن الف یك لام سی میم چهل صاد نود عرض کردم جمع آنها یکصدو شصت یك میشود فرمود هروقت داخل یکصد وشصت یك شدید خداوند سلطنت بنی امیه را منقرض گرداند.

ونیز روایت کرده از حضرت رضا علیه السلام فرمود هرحرفی از حروفات قرآن کلید اسمی از اسماء خداوند باشد و اشاره بنعمت یا عذابست و نیست حرفی مگر آنکه اشاره است بمدت وزمان طایفهٔ ومنقرض شدن و از بین رفتن طایفه دیگر (و یکی از

علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه ولقد خلقناکم روایت کرده از حضرت صادق ع فرمود یعنی ایجاد کردیم شما را در پشت مردان سپس در رحم زنان صورت بندی نمودیم ولی عیسی در رحم مادر صورت بندی شد بدون آنکه در پشت پدری ایجاد شده باشد.

و ابی جارود از حضرت باقر ع در معنای آیه روایت نموده فرمود شما را اول ایجاد فرمود بصورت نطفه و بعد علقه و مضغه و سپس عظام ولحم بعداً صورت بندی کرد باعضاء و جوارح و خوش منظر و بد منظر و مانند اینها.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و آنانکه در میزان عدالت سبك وزن باشند کسانی هستند که بآیات و پیغمبران خدا ستم کرده و به نفس خود زیان رسانیده اند (۹) فرزندان آدم را در زمین اقتدار دادیم و برای معاش و روزی آنها از هر گونه نعمت مقرر کردیم لکن اندکی از شما شکر نعمت خدا را بجا میآورید (۱۰) شما آدمیان را بیافریدیم و باین صورت کامل آراستیم آنگاه بفرشتگان گفتیم آدم را سجده کنند همه سجده کردند جز شیطان که از جمله سجده کنندگان نبود(۱۱) خدا باو گفت چه چیز ترا از سجده آدم منع کرد وقتی که امر کردم نافرمانی کردی ؟! پاسخ داد من از او بهترم مرا از آتش و او را از خاك آفریده ای (۱۲) خدا بشیطان فرمود از این مقام فرود آی که تورا نرسد بزرگی و تکبر کنی، بیرون رو که تو از زمرهٔ فرومایگانی (۱۳) شیطان گفت

مرا تا بروزی که برانگیخته شوند

مهلت ده (۱۴)

اسرار این حروف آنستکه بعد از حذف مکررات میشود علی صراط حق نمسکه امیر المؤمنین علیه السلام راه حق خدا است باید بدامان آن بزرگوار چنك زد و توسل جست

ابن بابویه بسند خود از رحمت بن صدقه روایت کرده گفت مرد زندیقی از بنی امیه نزد حضرت صادق علیه السلام آمده و بآنحضرت گفت خداوند از ذکر المص چه منظوری داشته چه حرام و حلالی در این کلمه هست و چه نفعی برای مردم دارد ؟ حضرت متغیر و غضبناك شده فرمودند وای بر تو به ابجد کبیر حساب کن الف یکی و لام سی و میم چهل و صاد نود رویهم چقدر میشود؟ آن زندیق گفت جمعاً یکصد و شصت و یك میشود، فرمود هرگاه یکصدو شصت ویکسال گذشت ملك و سلطنت بنی امیه که اصحاب تو هستند از بین میرود، رحمة بن صدقه راوی میگوید آخر مدت مذکور روز عاشورا بود که مسوده داخل کوفه شده و بنی امیه از بین رفتند وعیاشی نیز اینحدیث را روایت کرده .

علی بن ابراهیم از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود حی بن اخطب و اباسر بن اخطب و طایفهٔ از یهودیان نجران خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند آیا

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قالَ اِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ (۱۵) قالَ فَبِما اَغْوَيْتَنِي لَاَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِراطَكَ الْمُسْتَقِيمَ
(۱۶) ثُمَّ لَاٰتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ اَيْمانِهِمْ وَ عَنْ شَمائِلِهِمْ
وَ لَا تَجِدُ اَكْثَرَهُمْ شاكِرِينَ (۱۷) قالَ اخْرُجْ مِنْها مَذْؤُماً مَدْحُوراً لَمَنْ تَبِعَكَ
مِنْهُمْ لَاَمْلَئَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ اَجْمَعِينَ (۱۸) وَ يا آدَمُ اسْكُنْ اَنْتَ وَ زَوْجُكَ
الْجَنَّةَ فَكُلا مِنْ حَيْثُ شِئْتُما وَ لا تَقْرَبا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونا مِنَ الظّالِمِينَ (۱۹)
فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطانُ لِيُبْدِيَ ما وُورِيَ عَنْهُما مِنْ سَوْاٰتِهِما وَ قالَ ما نَهاكُما
رَبُّكُما عَنْ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ اِلّا اَنْ تَكُونا مَلَكَيْنِ اَوْ تَكُونا مِنَ الْخالِدِينَ (۲۰)

الم از آنچه زهائی است که بشما نازل شده؟ فرمود بلی مجدداً عرض کردند آیا این کلمه را جبرئیل از نزد حضرت پروردگار بسوی شما آورده؟ فرمودند بلی گفتند پیش از این پیغمبرانی بوده اند که مدت پیغمبری و وضع زندگی امت آنها معلوم نیست، حی بن اخطب پیش آمد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود الف بحساب ابجد یکی است و لام سی و میم چهل که جمعاً هفتاد و یك میشود واین مدت پیغمبری یکی از آنهاست و مدت زمانی است که امت آن پیغمبر اعاشه و زندگی نمودند سپس حی به پیغمبر توجه نموده و عرض نمود ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم آیا مانند الم از حروف مقطعه چیز دیگری هم هست؟ فرمود بلی المص گفت این سنگین تر و طولانی تر است الف یکی لام سی میم چهل صاد نود و جمعاً یکصد و شصت و یك میشود، عرض کرد باز هم هست بفرمائید؟ فرمود الرا گفت این از دومی هم سنگین تر است الف یکی لام سی راء دویست که رویهم دویست و سی و یك میشود مجدداً تقاضا کرد اگر باز هم هست بفرمائید؟ فرمودند «المرا» گفت الف یکی لام سی میم چهل راء دویست جمعاً دویست و هفتاد و یك میشود، عرض کرد آیا باز هم هست؟ فرمودند بلی حی گفت ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم امر شما بر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خداوند فرمود تو از مهلت دادگانی (۱۵) شیطان گفت چون تو مرا گمراه کردی من نیز بندگانت را از راه راست که شرع و آئین تست گمراه گردانم (۱۶) آنگاه از پیش روی و از پشت سر و طرف راست و چپ آنان در میآیم تا بیشتر آنها را نیابی سپاسگزار (۱۷) خداوند به شیطان فرمود بیرون برو که تو راندهٔ درگاه مائی هر که از فرزندان آدم ترا پیروی نماید جهنم را از تو و آنان بیقین پر خواهم کرد (۱۸) ای آدم تو با جفت خود در بهشت منزل کرده و از هرچه بخواهید بخورید امانزدیك این درخت نروید که بر خودتان ستم خواهید کرد (۱۹) آنگاه شیطان آدم رابوسوسه فریب داد تا زشتی های پوشیدهٔ آنان پدیدار شود و بدروغ گفت خدا شما را از این درخت نهی نکرده مگر اینکه دو پادشاه شوید و یا عمر جاویدان

یابید (۲۰)

ما مشتبه شده نمیدانم خداوند چه مواهب و عطایائی بتو و امتت مرحمت فرموده واز خدمت حضرت مراجعت کردند، ابو یاسر به برادرش حی گفت نمیدانی شاید به محمد صلی الله علیه و آله و سلم تمام اینها داده شده باشد سپس فرمود حضرت باقر علیه السلام در بارهٔ این آیات فرموده «آیات محکمات هن ام الکتاب و آخر متشابهات» و این حروف مقطعه که در اول بعضی از سوره ها آمده تاویلاتی دیگر دارد غیر از آنچه حی بن اخطب وابو یاسر برادرش برای اصحاب خودشان تاویل کردند.

قوله تعالی: کتاب انزل الیك تا آخر آیه

یعنی این آیاتیکه وحی میشود بسوی تو ای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم کتابی است که فرشتگان بامر خداوند فرود میآورند برتو و سینه ات تنك نشود از تکذیب مردمان کافر تا خلق را بآیات عذابش ترسانیده و اهل ایمان را به بشارتش تذکر دهی وباید مؤمنین از آنقرآن پیروی کنند و پیرو غیر او نباشند و جز قرآن کسی را بدوستی نگیرند تافرمانداراایشان شوند در معصیت خداوند چه هرکس پیروی ازغیرقرآن کند او پیرو شیطان است وبت پرستی نموده لذا خداوند امر میفرماید که متابعت از قرآن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ قاسَمَهُما اِنّی لَکُما لَمِنَ النّاصِحینَ (۲۱) فَدَلّیهُما بِغُرُورٍ فَلَمّا ذاقَا الشَّجَرَةَ
بَدَتْ لَهُما سَوْاتُهُما وَ طَفِقا یَخْصِفانِ عَلَیْهِما مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ نادیهُما
رَبُّهُما اَلَمْ اَنْهَکُما عَنْ تِلْکُمَا الشَّجَرَةِ وَ اَقُلْ لَکُما اِنَّ الشَّیْطانَ لَکُما عَدُوٌّ
مُبینٌ (۲۲) قالا رَبَّنا ظَلَمْنا اَنْفُسَنا وَ اِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَ تَرْحَمْنا لَنَکُونَنَّ
مِنَ الْخاسِرینَ (۲۳) قالَ اهْبِطُوا بَعْضُکُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَ لَکُمْ فِی الْاَرْضِ مُسْتَقَرٌّ
وَ مَتاعٌ اِلی حینٍ (۲۴) قالَ فیها تَحْیَوْنَ وَ فیها تَمُوتُونَ وَ مِنْها تُخْرَجُونَ (۲۵)

نمایند ولی اندکی از این مردم متذکر قرآن میشوند سپس خداوند تذکر میدهد بشر را بعذابهائیکه بر امم گذشته نازل شده تا سبب ترس و عبرت این مردم باشد بقولش که میفرماید « و کم من قریة » چه بسیار مردمانیکه هلاك نمودیم آن ها را در حالتیکه در بستر آسایش و بخواب راحت خفته بودند و هرگز متذکر عذاب خدا نشدند تا آنوقت که مشاهده نمودند اقرار کردند و گفتند که ما خود ستمکار بودیم ولی این اقرار پس از مشاهدهٔ عذاب برای آنان سودی نبخشید پس از آن که خداوند باین آیه ترسانید مردم را از عذاب دنیا، بعذاب آخرت متذکر میگرداند ایشان را، و میفرماید سوگند بذات مقدس خود سئوال و پرسش میکنیم از آنها در بارهٔ آیاتی که پیغمبران ما بآنان رسانیده اند و نیز از رسولان خود سئوال کنیم از تبلیغ رسالت و ما هرگز از امم پیغمبران غفلت نداریم و همانا خبر دهیم آن ها را از کرداریکه انجام داده اند تا بدانند که اعمال ایشان را فرشتگان ضبط و حفظ کرده و به کیفر آن اعمال خواهند رسید و میزان های عدل الهی روز قیامت بر قرار شود و چون از برای هر نوعی از انواع طاعات روز قیامت میزانی است، لذا لفظ جمع آورده پس هر کس مقدار اعمال اودر میزان سنگین باشد البته رستگار خواهد بود و آنکه سبك وزن است کسی باشد که به نفس خود ستم کرده در اثر تکذیب آیات

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و برای تأکید بیان خویش سوگند یاد کرد که من خیرخواه شما هستم و شما را بخیر دلالت میکنم (۲۱) پس راهنمائی بفریب و دروغ کرد تا از آن درخت تناول کردند زشتی های آنها آشکار گردید و بر آن شدند که از برگ درختان بهشت خود را بپوشانند و خداوند ندا کرد که آیا من شما را از این درخت منع نکرده و نگفتم که شیطان دشمن آشکار شما است (۲۲) گفتند خدایا ما بر خویش ستم کردیم اگر ما را عفو نفرموده و مورد ترحم قرار ندهی هما ا سخت از زیانکاران خواهیم بود (۲۳) خدا گفت از بهشت فرود آئید که بعضی با بعضی دیگر مخالف و دشمن هستید و زمین تا وقت معین یعنی وقت مرگ و قیامت جایگاه شماست (۲۴) فرمود در روی زمین زندگی کنید و در آن میمیرید و هم از آن برانگیخته میشوید (۲۵)

و پیغمبران ، پس از این آیات بیان میفرماید نعمت هائی که به بشر عطا فرموده از ارزاق و انزال کتب و فرستادن پیغمبران بقولش «ولقد مکنا کم فی الارض» تا آخر آیه در کافی از حضرت صادق علیه السلام ذیل آیه «ما منعك الا تسجد اذ امر تك» روایت کرده فرمود شیطان خود را با آدم قیاس کرد و گفت مرا از آتش و او را از خاك آفریدی و حال آنکه اگر قیاس شود جوهری که خداوند از آن آدم را آفرید و آتش که در آفرینش شیطان بکار رفته همانا نورانیت و روشنی آن جوهر خیلی بیشتر از نور آتش است و خداوند در این آیه حکایت میکند گفتار شیطان را برای آدم و ما کیفیت سجده نمودن فرشتگان آدم را در سوره بقره ذیل آیه ۳۴ بیان نمودیم بآنجا مراجعه شود.

عیاشی در آیه «لاتینهم من بین ایدیهم و من خلفهم» تا آخر آیه از زراره روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام فرمود ای زراره این رفتار شیطان برای شما و نظائر شما میباشد و دیگران فارغ هستند و لازم نیست که شیطان از طرف راست و چپ برای اغوای آنها بیاید بلکه خودشان گمراهند.

طبرسی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از من بین ایدیهم آنست که امر آخرت را بر آنها سهل و آسان گیرد و منظور از من خلفهم آنکه ایشان را وادار به جمع اموال و ثروت نموده و نگذارد که حقوق واجبه را بدهند تا آن مل

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

برای ورثه باقی بماند و عن ایمانهم فاسد نمودن دین آنهاست بزینت دادن معاصی و گمراه نمودن مردمان است به نیکو شمردن شك و شبهه و ظن بر آنان و غرض از عن شمائلهم دوست داشتن لذات و غلبه شهوات و هوای نفس است برایشان

ابن ابی عمیر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در معنی بدت لهما سواتهما فرمود عورتهای آنها در داخل بود و هویدا نبود چون ترك اولی نموده و معصیت کردند عورتشان ظاهر گشت و نیز فرمود آنحضرت زمانی که آدم از بهشت رانده شد جبرئیل نزد او آمده و گفت ای آدم آیا خداوند بقدرت کاملهٔ خود ترا ایجاد ننمود و از روح خود بتو ندمید و تو مسجود فرشتگان شدی و حوا را بزوجیت تو در آورد و ترا در بهشت جای داد و تمام میوه‌های بهشت را بتو مباح نموده و صریحاً از نزدیك شدن باین درخت ترا منع فرمودچطور معصیت پروردگار نمودی؟ گفت ای جبرئیل شیطان بخدا قسم خورد که من ناصح و خیر خواه توام و من گمان نمیکردم مخلوقی بخالق خودقسم بدروغ بخورد تمام قصه شیطان و آدم در سوره بقره بیان شد.

قوله تعالی: یابنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً

این آیه بیان میفرماید بعض نعمتهائیکه خداوند به فرزندان آدم عطا نموده و خطاب عام است برای تمام مردم تا روز قیامت و معنی انزلنا علیکم عطا وبخشش است چه هرچه خداوند به بندگان کرامت میفرماید همانا نازل کرده بسوی او و مراد از نزول در اینجا فرود آمدن از آسمان نیست.

عیاشی از حضرت باقر علیه السلام در معنای آیه مزبور روایت کرده فرمود مراد از لباس جامه است که آنرا میپوشند و ریاش عبارت از مال و متاع است و لباس تقوی وعفت است زیرا هرکه عفت داشت عورتش پیدا نیست اگر چه لباس نداشته باشد و فاجر کسی است که عورتش هویدا باشد هرچند با لباس پوشیده شده باشد و عفت که لباس تقوی است بهتر از هر چیزیست و لباس تقوی لباس سفیدی است و این نعمت هائیکه خداوند خلق فرموده و نازل کرده از آیاتی استکه دلالت دارد بر توحید و یگانگی خدا تا مردم تفکر کنند و بیاد خدا باشند و در مقام پرستش او برآیند و از نافرمانی و معصیت دوری بجویند و باز ایستند سپس خطابی دیگر خداوند بمردم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

میکند و میفرماید ای فرزندان آدم شما را شیطان فریب ندهد چنانچه پدر و مادر شما آدم و حوا را از بهشت بیرون کرد و لباس عزت از تن آنان بر کنده و قبایح آنهارا در نظرشان پدیدار نمود و از راه حق منصرف نگرداندشما را تا داخل معصیت گردید همانا او و بستگانش شما را می بینند ولی شما آنها را مشاهده نکنید.

ابن بابویه روایت کرده ازابن عباس گفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود خداوند قرارداده شیاطین را نسبت به بنی آدم مانند مجرای خون دربدن ایشان ومساکن آنها سینه های فرزندان آدم است چنانچه میفرماید در قرآن «یوسوس فی صدور الناس» و دشمنانی که نبینید شما انها را نمی دانید کید و مکر و حیله آنان از چه نوع است پس سزاوار است هرگاه وسوسهٔ در نفس خود مشاهده نمودید بترسید از آن که نبادا از طرف شیاطین باشد و بشر آنها را نمی بیند برای آنکه اجسامشان شفاف و لطیف است محتاج استدیدن آنان بشعاع وروشنائی بسیاری و شاهد بر اینکه شیاطین قابل دیدار نیستند همین آیه است که میفرماید خداوند «لاترونهم» بلی اگر خداوند پرده از روی جسد های ایشان بردارد قابل دیدار شوند چنانچه پیغمبران و ائمه می دیدند آنها را مانند فرشتگان که مشاهده مینمودند ایشان را سپس میفرماید ما قراردادیم شیاطین را دوستداران کسانیکه ایمان نیاورده اند و اجسام انها را برای ایشان ظاهر کردانیم و این جمله اشاره است بانکه با آنقدرت و توانائی که شیاطین دارند و جد و جهد میکنند که فرزندان آدم را فریب داده وداخل در معصیت گردانند تمکن ندارند که سلطنت و اقتدار پیدا کنند بر مؤمنین و توانائی آنها فقط برکفار و مردم فاسق نادان میباشد.

قوله تعالی: و اذا فعلوا فاحشة قالوا وجدنا علیها آباءنا

این آیه اشاره است بمشرکین و طواف آنها وقتی میخواستند زن ومرد ایشان طواف کنند تمام لباسهای خود را بیرون میآوردند و برهنه طواف میکردند و میگفتند باید مانند وقتیکه از مادر متولد شدیم و عریان بودیم طواف کنیم چه در این لباسها معصیت نمودیم و آنها در حال طواف کشف عورت میکردند وقتی بآنان گفته میشد چرا اینطور طواف میکنید، پاسخ میدادند پدران ما نیز باینطریق بودند و خدا آنهارا

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

يا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنا عَلَيْكُمْ لِباساً يُوارِي سَوْآتِكُمْ وَ رِيشاً وَ لِباسُ التَّقْوى ذٰلِكَ خَيْرٌ ذٰلِكَ مِنْ آياتِ اللّٰهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ (۲۶) يا بَنِي آدَمَ لا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطانُ كَما أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُما لِباسَهُما لِيُرِيَهُما سَوْآتِهِما إِنَّهُ يَرِيكُمْ هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لا تَرَوْنَهُمْ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّياطِينَ أَوْلِياءَ لِلَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ (۲۷) وَ إِذا فَعَلُوا فاحِشَةً قالُوا وَجَدْنا عَلَيْها آباءَنا وَ اللّٰهُ أَمَرَنا بِها قُلْ إِنَّ اللّٰهَ لا يَأْمُرُ بِالْفَحْشاءِ أَتَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ ما لا تَعْلَمُونَ (۲۸)

باین دستور امر فرموده بود خداوند سخنان ایشان را باین طریق رد میفرماید «ان الله لا یأمر بالفحشاء» هرگز خدا باعمال زشت امر نمیکند.

عیاشی در معنی آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود هر کس گمان کند که خداوند بندگان را بکارهای زشت و بد امر میفرماید دروغ برخدا بسته است و هر آنکه خیال نماید که خیر و شر بدون خواست خداوند است خداوند را از سلطنت خود خارج نموده و هر کسی تصور کند که معصیت بجا آورده میشود بدون قدرت و قوهٔ که خداوند بشخص معصیت کار عطا فرموده بر خدا افترا بسته است و هر که بخدا دروغ بسته و افترا بزند خداوند او را در آتش جهنم داخل میکند.

قوله تعالی: قل امر ربی بالقسط

در آیه گذشته فرمود خداوند هرگز امر بفحشاء که عبارت از هر قبیح و معصیت است نکرده و در اینجا میفرماید بگو ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم خداوند امر میکند بعدل و قسط یعنی بهر عمل خیر و نیکی و نیز امر فرموده که متوجه خدا شوید و روی بحضرت او آورید در عبادت و پرستش و از راه اخلاص بخوانید او را چنانچه شما را نخست بار آفرید مبعوث گرداند در آفرینش دوم و همانطور بسوی خدا باز گردید.

ابی جارود در معنی آیه «کما بدأکم تعودون» از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای فرزندان آدم ما لباسی که ستر عورت شما کند و جامه های زیبا و نرم برای شما فرستادیم ولی لباس تقوی بهترین جامه‌ها است این سخنان همه از آیات خدا است که برای شما فرستادیم تا خدا را بیاد آورید (۲۶) ای فرزندان آدم مبادا شیطان شما را فریب دهد چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرده و جامهٔ عزت از تن آنان بر کنده و قبایح آنها را در نظرشان پدیدار نمود همانا او و بستگانش شما را می بینند در صورتیکه شما آنها را نمی بینید ما شیاطین را دوستداران کسانی قرار داده ایم که ایمان نمیآورند (۲۷) آنها وقتی که کار زشتی مرتکب شوند میگویند ما پدران خود را نیز باین کار یافته ایم و خدا ما را بر آن امر نموده بگو ای پیغمبر هرگز خدا باعمال زشت امر نمیکند مگر آنکه آنچه از نادانی خود میکنید بخدا میبندید (۲۸)

فرمود آفرید خداوند خلایق را مؤمن و کافر و شقی و سعید و همین طور میباشد روز قیامت بعضی هدایت یافته‌اند و بعضی دیگر گمراه باشند و فرمود در معنی «انهم اتخذ والشیاطین اولیاء من دون الله» مراد قدریه هستند که گمان کرده اند توانائی بر گمراهی وراهنمائی دارند و آنها مجوس این امت باشند و دروغ میگویند آن دشمنان خدا مشیة و قدرت مخصوص خداست هر کس را خداوند شقی آفرید همانطور شقی وارد محشر میشود و هر آنکه را سعید خلق کرد در قیامت سعید مبعوث شود فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله شقی کسی است که در شکم مادر شقاوت او معلوم باشد و سعید نیز در رحم مادر سعید است.

ابن بابویه در آیه «کما بداکم تعودون» از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از شیاطین پیشوایان جور و باطلند که خیال کردند آنها راهنمای مردم میباشند نه ائمه حق.

و در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرد در آیه «خذوا زینتکم عند کل مسجد» فرمود منظور در نماز عید و جمعه میباشد. و این حدیث را نیز در تهذیب روایت کرده. و در روایت دیگر فرموده آنحضرت مراد غسل نمودن است برای کسی که قصد دیدار و ملاقات با امامی را داشته باشد.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قُلْ اَمَرَ رَبّی بِالْقِسْطِ وَ اَقیمُوا وُجُوهَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصینَ لَهُ الدّینَ کَما بَدَاَکُمْ تَعُودُونَ (۲۹) فَریقاً هَدیٰ وَ فَریقاً حَقَّ عَلَیْهِمُ الضَّلالَةُ اِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّیاطینَ اَوْلیاءَ مِنْ دُونِ اللّهِ وَیَحْسَبُونَ اَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ (۳۰) یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ وَ کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لا تُسْرِفُوا اِنَّهُ لا یُحِبُّ الْمُسْرِفینَ (۳۱) قُلْ مَنْ حَرَّمَ زینَةَ اللّهِ الَّتی اَخْرَجَ لِعِبادِهِ وَ الطَّیِّباتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِیَ لِلَّذینَ آمَنُوا فِی الْحَیوةِ الدُّنْیا خالِصَةً یَوْمَ الْقِیمَةِ کَذلِکَ نُفَصِّلُ الْآیاتِ لِقَوْمٍ یَعْلَمُونَ (۳۲)

و نیز ابن بابویه از آنحضرت روایت کرده فرمود مراد شانه زدن ریش است در وقت هر نماز زیرا شانه کردن روزی را زیاد مینماید و موها را نیکو گرداند و حاجت ها را روا کند و منافع بیشتری را در بر دارد و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم زیر لحیهٔ مبارك را چهل دفعه شانه میکشید و بالای لحیه را هفت دفعه و میفرمود شانه کردن ریش حافظه را زیاد مینماید و بلغم را دفع میکند.

عیاشی بسند خود ازحضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از زینت لباس پاکیزه است ودر کافی ازاسحق بن عمار روایت کرده گفت حضورحضرت صادق علیه السلام عرض نمودم آیا اگر کسی ده دست لباس داشته باشد اسراف است؟ فرمود خیرعرض کردم سی دست؟ فرمودند خیر اینها از اسراف نیست و اسراف آنست که لباسی که برای حفظ آبروی تو باشد لباس پستی و ذلت قرار دهی.

و در کافی در آیه «قل من حرم زینة الله» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود امیر المؤمنین ابن عباس را نزد ابن کوا و اصحابش فرستاد ابن عباس لباس فاخری پوشیده بود چون آنهابسوی او نظر کردند گفتند ای ابن عباس تو ازمابهتری

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بگوای پیغمبر پروردگارمن بعدل و درستی امر کرده و فرموده در عبادت روی بحضرت او آورید و خدا را ازسر اخلاص بخوانید چنانچه شما را اول بار بیافرید همانطورهم بسویش بازآئید (۲۹) بعضی رهرو راه هدایت وگروهی ثابت در گمراهی شدند زیرا که خدا را گذارده وشیاطین را بدوستی اختیار کردند و تصور مینمودند که براه راست هدایت یافته اند (۳۰) ای فرزندان آدم زیور های خود را در مقام عبادت بخود گیرید و از نعمتهای خدا بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمیدارد (۳۱) بگو ای پیغمبر چه کسی زینت های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از رزق حلال و پاکیزه منع نموده بگو این نعمتهای موجودهٔ دنیا برای خاص اهل ایمانست ما آیات خود را برای اهل دانش روشن بیان میکنیم (۳۲)

که اینکونه لباس فاخر پوشیدهٔ و این اول مخاصمه میان ما وشما میباشد ابن عباس آیه را قرائت نمود

و نیز از یونس بن ابراهیم روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام شرفیاب شدم دیدم آنحضرت لباسی ازخز پوشیده است عرض کردم پوشیدن خز اشکال وعیبی ندارد؟ فرمود خیر گفتم نخ هائی از ابریشم دارد، فرمودند باکی نیست حضرت امام حسین علیه السلام شهید شد در حالتیکه لباس خز پوشیده و در بدن داشت و این آیه را تلاوت نمود سپس فرمود لباس خز بپوش و تجمل و زینت نما خداوند جمیل است و زینت و جمال را دوست دارد لکن باید از حلال باشد ونیز روایت کرده از آنحضرت که شانه زدن ریش در موقع هر نمازی مستحب است و از زینة میباشد.

و نیز روایت کرده که سفیان نوری روزی بمسجد پیغمبر داخل شد نگاهش بحضرت صادق علیه السلام افتاد دید که آنحضرت لباس بسیار قیمتی پوشیده برفقایش گفت بخدا قسم الان بحضورش رفته و برای این لباسهای فاخر که پوشیده است او را توبیخ و سرزنش میکنم، خدمت حضرت آمد وگفت آیا پیغمبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (٣٣) وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ (٣٤) يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (٣٥) وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (٣٦)

هم اینطور لباس فاخر میپوشیدند حضرت فرمود ایشان در زمان سختی و تنگی روزگار بودند و بعلت تنگی روزگار مانند این لباسها را نمی پوشیدند امروز که دنیا دروسعت و گشایش و راحتی است وسزاوار بدنیا ومال آن نیکوترین مخلوقات خداوند میباشند و آیه را تلاوت نموده سپس فرمود ای نوری ما ائمه سزاوار تریم بآن چیز های خوبی که خداوند آفریده و لباس روئین خود را عقب زد لباس خشن و زبری که در زیر پوشیده بودند نمایان شد و فرمود من لباس فاخر را برای مردم پوشیده ام و لباس زیری را برای خودم بعد دست مبارك را بلند کرده لباس روئی سفیان ثوری را کنار زده زیر آن لباس فاخر و نرمی بود و فرمود تو لباس پشمینه زبر را رو پوشیده و لباس مرغوب را زیر و پنهان کرده و میخواهی مردم را بلباس فریب دهی سفیان ثوری چنان خجالت کشیده و سر را بزیر انداخت که دیگر قدرت تکلم نداشت.

و نیز عیاشی از حکم بن عینه روایت کرده گفت بر حضرت باقر علیه السلام وارد شدم در خانه بسیار مجلل وباشکوهی که فرشهای عالی گسترده شده بود و آنحضرت نیز لباس فاخری بر تن و درکمال زینت وجلال وآراستگی بود زیر چشمی نگاهم بآن حضرت افتاد دیدم بسوی من توجهی فرموده و گفتند ای ابامحمد این تجملی که مشاهده میکنی برای شخص مؤمن هیچ ضرر و عیبی ندارد و آیه را قرائت کردند.

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بگوای پیغمبر، خدای من هرگونه اعمال زشت را چه آشکارا وچه پنهان، و گناهکاری و ستم بناحق و شرك بخدا که بر آن هیچ دلیلی ندارد، و اینکه چیزی رابخدا نسبت دهید که نمیدانید همه را حرام کرده (۳۳) هر قومیٔ را اجل معینی است که چون فرا رسد لحظهٔ مقدم و مؤخر نتوانند کرد (۳٤) ای فرزندان آدم چون پیغمبرانی‌از خود شما بیاید و آیات مرا برای شما بیان کند پس هرکه تقوی پیشه کرده و بکار شایسته شتافت هیچ ترس و اندوهی بر او نخواهد بود (۳۵) آنهائیکه آیات خدا را تکذیب کردند و از اطاعت او سرکشی و تکبر نمودند اهل دوزخند و در آن همیشه معذب خواهند بود (۳٦)

ابن بابویه در کتاب امالی از فضیل بن اسحق همدانی روایت کرده گفت وقتی که امیر المؤمنین محمد بن ابوبکر را والی مصر نمود نامه برای مردم مصر نوشته و بمحمد داد و امر فرمود که هنگام ورود برای آنها قرائت نماید اینك جملاتی از نامهٔ مزبور را بمناسبت این آیه ترجمه و نقل مینمائیم.

فرموده بودند: بدانید ای‌بندگان خدا پرهیز کاران خیر دنیا و آخرت راجمع میکنند و اهل دنیا در دنیای شما شرکت دارند ولی در آخرت شما نمیتوانند شریك باشند خداوند تمام نعمت خود را بر شماحلال نموده و شما را از نعمت های خودغنی و بی نیاز گردانیده و به پیغمبرش فرموده که بمردم بگو چه کسی زینت خدا واغذیه و اطعمه لذیذه راکه برای مردم آفریده حرام نموده، تمام این نعمت ها برای اشخاصی است که در دنیا ایمان آورده اند، شما در مجلل ترین و عالی ترین خانه ها سکونت کرده و از بهترین غذاهای لذیذ و نیکو و پاکیزه خورده و با بهترین و زیباترین‌زنها ازدواج نموده و به بهترین مرکب سواری سوار شده و با اهل دنیا بالاترین خوشی و لذت را ببرید و فردای قیامت هم در جوار رحمت حق خواهید بود مشروط بآنکه با تقوی باشید و دستورهای پیغمبر خود را رعایت و عمل نموده و ذریه و اهلبیت او را احترام کنید و خدا را به بهترین وجهی پرستش نموده و شکر و سپاس او را بجا

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرىٰ عَلَى اللّٰهِ كَذِباً اَوْ كَذَّبَ بِاٰيَاتِهِ اُولٰئِكَ يَنالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتابِ حَتّىٰ اِذا جاءَتْهُمْ رُسُلُنا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قالُوا اَيْنَ ما كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ قالُوا ضَلُّوا عَنّا وَ شَهِدُوا عَلىٰ اَنْفُسِهِمْ اَنَّهُمْ كانُوا كافِرِينَ (٣٧) قالَ ادْخُلُوا فِي اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ فِي النّارِ كُلَّما دَخَلَتْ اُمَّةٌ لَعَنَتْ اُخْتَها حَتّىٰ اِذَا ادّارَكُوا فِيها جَمِيعاً قالَتْ اُخْرٰيهُمْ لِاُولٰيهُمْ رَبَّنا هٰؤُلاءِ اَضَلُّونا فَاٰتِهِمْ عَذاباً ضِعْفاً مِنَ النّارِ قالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلٰكِنْ لا تَعْلَمُونَ (٣٨)

آورده و صبر و بردباری و نیکوئی نمائید و در راه حق کوشش و مجاهدت فراوان بعمل آورده و اطمینان داشته باشید گرچه غیر از شما شیعیان (که مراد عامه است) نماز های طولانی تر و روزهٔ بیشتر و زیاد تر از شما بعمل میآورند لکن اگر شما بدستور ما و با ولایت ما باشید با تقوی تر بوده و بخدا نزدیکتر هستید تا آخر نامه.

علی بن ابراهیم روایت کرده از صادقین علیهما السلام که سبب نزول آیه آنست که مردمانی بودند در موقع طواف خانه کعبه برهنه و عریان میشدند مرد ها روز و زنها در شب و طعام نمیخوردند مگر باندازهٔ سد رمق پس بآنها امر فرمود لباس بپوشند و بخورند و بیاشامند ولی اسراف نکنند و میانه روی را پیش گیرند.

در کافی بسند خود از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده در آیه «قل انما حرم ربی الفواحش ما ظهر منها و ما بطن» آنحضرت فرمود قرآن ظاهری دارد و باطنی اما آنچه ظاهر قرآن حرام نموده روشن است و باطن آن مراد ائمه جور و باطلند و جمیع آنچه را در قرآن حلال نموده است مراد ظاهر قرآنست و باطن آیه مراد از حلال ما ائمه برحق و حقیقت هستیم و حدیث دیگری در

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کیست ستمکار تر از آنکس که بر خدا دروغ بندد یا آیات او را تکذیب کند؟ آنان بکیفر خویش خواهند رسید تا هنگامیکه فرشتگان قبض روح او برسد و روح اورا قبض کنند گویند چه شدند آنهائیکه بخدائی میخواندید پاسخ میدهند که همه ازنظر ما نا پدید شدند و ایشان بر زیان خویش گواهی دهند که کافر بوده و راه هدایت نپیموده اند (۳۷) خداوند گوید شما هم با آن گروه از جن و انس داخل شوید که پیش از شما بدوزخ رفته اند در آنوقت هر قومی از آنان که بدوزخ شوند قوم دیگر را ازهم کیشان خود لعن کنند تا آنگاه که همه را آتش دوزخ فرا گیرد آنگاه طایفه آخرین باول گویند که خدایا اینان ما را گمراه کردند عذابشان را در آتش شدیدتر گردان

خدا فرماید عذاب همگی بقدر استحقاق و در حدود گناهی است

که مرتکب شده اند ولکن شما بر آن

آگاه نیستید (۳۸)

تفسیر این آیه در سوره بقره ذیل آیه خمر بیان نمودیم بآنجا مراجعه شود و دیگر تکرار نمیکنیم.

و نیز روایت کرده این آیه رد بر کسانی است که در دین خدا گفتارها و بیاناتی از روی ظن و ابداع و اختراع خود نموده و در دین بدعت میگذارند بدون علم و یقین و هر که مانند مشرکین سخنانی از روی ظن و گمان بگوید و یا محارم را برخود حلال بداند و گفتار یا کار زشتی را بخدا نسبت دهد بدون علم و یقین مرتکب حرام شده است و نیز فرمود دنیا بین نیکو کار و بد کردار مشترك است و لکن روز قیامت مخصوص مؤمن و نیکوکاران است.

قوله تعالی: **و لکل امة اجل فاذا جاء اجلهم لا یستاخرون ساعة و لا یستقدمون**

مراد باجل اجل حتمی است و تفسیر او در سوره انعام ذیل آیه ثم قضی اجلا بیان شد بآنجا مراجعه شود.

قوله تعالی: **یا بنی آدم اما یاتینکم رسل منکم**

در آیات گذشته بیان نمود نعمتهای دنیوی را در این آیه عطاهای دینی را بر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ قالَتْ اُولیهِمْ لِاُخْریهِمْ فَما کانَ لَکُمْ عَلَینا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما کُنْتُمْ تَکْسِبُونَ (٣٩) اِنَّ الَّذینَ کَذَّبُوا بِاٰیاتِنا وَ اسْتَکْبَرُوا عَنْها لا تُفَتَّحُ لَهُمْ اَبْوابُ السَّماءِ وَ لا یَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتّی یَلِجَ الْجَمَلُ فی سَمِّ الْخِیاطِ وَ کَذلِکَ نَجْزِی الْمُجْرِمینَ (٤٠) لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهادٌ وَ مِنْ فَوْقِهِمْ غَواشٍ وَ کَذلِکَ نَجْزِی الظّالِمینَ (٤١) وَ الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصّالِحاتِ لا نُکَلِّفُ نَفْساً اِلاّ وُسْعَها اُولئِکَ اَصْحابُ الْجَنَّةِ هُمْ فیها خالِدُونَ (٤٢)

آنها عطف داده و میفرماید ای فرزندان آدم چون پیغمبرانی از جنس خودتان بیاید و آیات مرا برای شما بیان کند پس هرکه تقوی پیشه کند و از معاصی و مخالفت پیغمبران اجتناب نماید و بکار شایسته و نیکو بشتابد هیچ ترس و اندوهی برای او نخواهد بود ولی اگر تکذیب آیات خدا بنماید و بر او افترا و دروغ به بندد بآنها عذابیکه در قرآن و کتب الهی وعده داده شده خواهد رسید و ایشان اصحاب دوزخ باشند و در انجا جاوید بمانند و کیست ستمکار تر از این قبیل اشخاص که بنفس خود ستم نمودند.

قوله تعالی: قال ادخلوا فی امم قد خلت من قبلکم

این آیه حکایت میکند قول خدا را که بکفار میفرماید در روز قیامت و امر میکند که داخل جهنم شوند و بآن هائیکه وارد دوزخ شدند از جن و انس متصل شوند

در کافی از حضرت باقر علیه السلام در معنی آیه «ربنا هؤلاء اضلونا» روایت کرده فرمود بعضی از کفار میخواهند در اثر معاشرت با پیروان و تابعین خود راه فرار و خلاصی

علی بن ابراهیم قمی ذیل آیه ان الذین کذبوا بایاتنا از حضرت باقر ع روایت کرده فرمود این آیه در حق طلحه و زبیر نازل شده و جمل شتر آنهاست که در جنگ جمل برابر امیرالمؤمنین ایستادگی نمودند و یکی از دلائل آنکه جائز نیست در آسمان است همین آیه است که میفرماید لاتفتح لهم ابواب السماء و لا یدخلون الجنة و دلیل آنکه جهنم و آتش در زمین است آیه ٦٧ در سوره مریم است فوربک لنحشرنهم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و طایفه سابق بلاحق پاسخ دهند که شما را برما برتری نباشد خطاب بآنها رسد که عذاب را بکیفر آنچه از اعمال زشت و ناشایسته مرتکب شده اید بچشید (۳۹) همانا آنانکه آیات خدا را تکذیب کنند و از روی تکبر سر بآنها فرود نیاورند درهای آسمان بروی ایشان باز نشود وببهشت نروند تا آنکه شتر در سوراخ سوزن در آید و اینگونه گنهکاران متکبر را سخت مجازات خواهیم کرد (۴۰) برای آنها در دوزخ بسترها گسترده و سرابرده ها بر افراشته اند و چنین است جزای ستمکاران (۴۱) و آنانکه ایمان آورده و بقدر توانائی خود کار نیك کردند چه ما کسی را بیش از وسع و قدرتش تکلیف نمیکنیم آنان اهل بهشت بوده وهمیشه در آن متنعمند (۴۲)

از آتش جهنم را پیدا کنند در آنوقت دیگر راه خلاصی ندارند و عذر آنها مورد قبول واقع نخواهد شد و هرگز نجات نیابند.

طبرسی در آیه «قال ادخلوا فی امم قد خلت من قبلکم من الجن و الانس» تا آخر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد ائمه جور هستند وخداوند از راه شماتت بآنها میفرماید بچشید عذابیکه بدست خودتان کسب کرده اید

طبرسی از حضرت باقر علیه السلام در آیه «ان الذین کذبوا بایاتنا واستکبروا عنها» روایت کرده فرمود اعمال و ارواح مؤمنین بآسمان بالا رفته و درهای آسمان بازشود و داخل بهشت شوند اما همینکه عمل و روح کافر را بالا میبرند تا بآسمان برسد منادی از آنجا صدا میزند برگردانید و او را بسجین فرو برید و سجین نام وادیست در حضر موت که برهوت هم نامیده شده.

شیخ مفید در کتاب اختصاص از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده هرگاه خداوند بخواهد بندهٔ مؤمنی را قبض روح کند خطاب

و الشیاطین ثم لنحضرنهم حول جهنم جثیاً حول جهنم دریائی است که بدنیا احاطه دارد و آتش از آن طغیان میکند بطوریکه میفرماید و اذا البحار سجرت سپس خلایق را اطراف جهنم حاضر نموده و صراط از زمین بسوی بهشت نصب میشود مراد از جثیا سوار شدنست یعنی ستمکاران را در حالتی که بر آتش سوار شدند نگاه میکنند و اینحدیث را عیاشی نیز نقل نموده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ نَزَعْنا ما فی صُدُورِهِمْ مِنْ غِلٍّ تَجْری مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهارُ وَ قالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ
الَّذی هَدانا لِهذا وَ ما کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ
رَبِّنا بِالْحَقِّ وَ نُودُوا أَنْ تِلْکُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوها بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (٤٣)
وَ نادی أَصْحابُ الْجَنَّةِ أَصْحابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنا ما وَعَدَنا رَبُّنا حَقًّا
فَهَلْ وَجَدْتُمْ ما وَعَدَ رَبُّکُمْ حَقًّا قالُوا نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَیْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ
عَلَی الظَّالِمِینَ (٤٤)

میفرماید بفرشته موکل برقبض ارواح برو با فرشتگان بسوی بندهٔ من و روح او رانزد من بیاور فرشته موکل وارد شود بر آن بنده بنیکو ترین صورت و لباس پاکیزه و بوی خوش گوید سلام بر تو ای دوست خدا بشارت باد ترا برورد گارت بتو سلام میرساند ومیفرماید من راضی وخشنود ازتوهستم هرگز برتوغضب نکنم بشارت بادترا بهشت جاویدانی وروح اورا بکمال راحتی بگیرد وخازن بهشت برای اوشربت بهشتی آورد وبیاشامد و هرگز بعد از این تشنه نشود ندر قبرونه درقیامت تا داخل بهشت گردد سپس گوید بفرشته موکل برگردان روح مرا در جسد تا آنکه حمد و ثنا گوید روح بر جسدم و جسد بر روحم روح بجسد گوید خداوند جزای خیر بدهد تو را که پیوسته در طاعت و فرمانبرداری خدا بودی و از معصیت دوری میکردی بر تو باد رحمت تا روز قیامت و جسد نیز بروح همین گفتار را بگوید در آن هنگام فرشته موکل بر قبض ارواح ندا کند ایروح پاك و پاکیزه بیرون شو از دنیا دلا حالتیکه مطمئن هستی خداوند جمعی از فرشتگان را بفرستد تا از منزل بقبر او را مشایعت کنند و استغفار برای او بنمایند و شفاعت کنند از او و بشارت دهند او را ببهشت و روح اورا بآسمان بالا برند درهای آسمان باز شود و او را تسلی دهند و فرشتگان گویند عبور میکرد از طرف ما اعمال صالح و نیکوی تو و می شنیدیم شیرینی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و ما کینه و حسد را از دل آنان ببریم و در بهشت زیر قصر های آنها نهر ها جاریست و گویند خدا را شکر که ما را باین مقام رهبری نمود و اگر هدایت او نبود دراین مقام راه نمی یافتیم همانا رسولان خدا ما را بحق رهبری کردند آنگاه باهل بهشت ندا کنند که این است بهشتی که از اعمال نیکوی خود بارث یافتید(۴۳)

سپس بهشتیان دوزخیان را صدا زنند که آنچه پیغمبران بما وعده دادند بحق دریافتیم آیا شما نیز بآنچه وعده داده بودند بحقیقت رسیدید گویند

بلی آنگاه منادی ندا کند که

لعنت خدا برستمکاران

باد (۴۴)

وحلاوت تلاوت قرآن تورا وفرشتگان گواهی دهند که پروردگارا ما شنیدیم تلاوت قرآنرا ومشاهده نمودیم اعمال صالحه اورا خداوندا جزای خیر باو عطا بفرما خطاب رسد رحمت من بر او باد، و ارواح مؤمنین ملاقات کنند اورا و چنان شاد شوند مانند شاد شدن کسانیکه دوستان خودرا پس از مدت مدیدی ملاقات کرده اند و بعضی از آنها ببعض دیگر گویند بگذارید تا او خالش خوب شود چه آن از هول و ترس بزرگی بیرون شده است سپس سئوال کنند احوال دوستان و اقوام خود را اگر بگوید آنها مرده اند گریه کنند و گویند برده اند او را بهاویه پس از آن خطاب رسد از مصدر جلال که برگردانید روح او را در قبر و زمین که از آنجا بیرون شدند و در آنجا برگردند و باز خارج شوند.

قوله تعالی: **و الذین آمنوا و عملوا الصالحات**

در آیه گذشته وعده داد کفار را بجاویدبودن آنها در آتش جهنم در این آیه مؤمنین را وعده و بشارت میدهد بخلود در بهشت.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام در معنای آیه و قالوا الحمدلله الذی هدانالهذا تا آخر روایت کرده فرمود روز قیامت که شد پیغمبر صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه را بخوانند و برای شیعیان نصب کنند و هر وقت شیعیان آنها را مشاهده

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجاً وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كافِرُونَ (۴۵)
وَ بَيْنَهُما حِجابٌ وَ عَلَى الْأَعْرافِ رِجالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيماهُمْ وَ نادَوْا
أَصْحابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوها وَ هُمْ يَطْمَعُونَ (۴۶) وَ إِذا صُرِفَتْ
أَبْصارُهُمْ تِلْقاءَ أَصْحابِ النَّارِ قالُوا رَبَّنا لا تَجْعَلْنا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۷)
وَ نادى أَصْحابُ الْأَعْرافِ رِجالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيماهُمْ قالُوا ما أَغْنى عَنْكُمْ
جَمْعُكُمْ وَ ما كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ (۴۸) أَهؤُلاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لا يَنالُهُمُ اللَّهُ
بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَ لا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ (۴۹)

کنند گویند سپاسگزاریم خدائیکه ما را بسوی ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه از اولادان بزرگوارش هدایت و رهبری فرموده است.

قوله تعالی: و نادی اصحاب الجنة اصحاب النار

این آیه حکایت میکند آنچه را که واقع میشود میان اهل دوزخ و بهشت بعد از قرار گرفتن هریك بجای خود و در اینجا ماضی بمعنای استقبال است زیرا محقق واقع خواهد شد و بهشتیان دوزخیان را صدا زنند که آنچه پیغمبران بما وعده دادند بحقیقت دریافتیم آیا شما نیز بآنچه وعده داده بودند بحقیقت آن رسیدید؟ گویند بلی آنگاه منادی ندا کند که لعنت خدا برستمکاران باد.

طبرسی بسند خود از محمد بن حنفیه روایت کرده گفت پدرم علی بن ابیطالب علیه السلام فرمود من همان مؤذن هستم که در قرآن خداوند میفرماید "فاذن مؤذن بینهم ان لعنة الله علی الظالمین" فرمود آگاه باشید که لعنت خداوند بر آن اشخاص میباشد که تکذیب ولایت مرا نموده و بحق من استخفاف کنند.

و از ابن عباس روایت کرده که گفت برای علی بن ابیطالب علیه السلام در قرآن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آنانکه بندگان را از راه خدا باز میدارند و راه کج را میطلبند بقیامت ایمان ندارند (۴۵) میان طایفه بهشتیان و دوزخیان پرده ایست و بر اعراف مردانی هستند که بسیمایشان شناخته شوند صدازنند درود بر شما اهل بهشت باد و هنوز داخل بهشت نشدند لکن ایشان در انتظار هستند (۴۶) و چون نظر اعرافیان بر اهل دوزخ افتد گویند پروردگارا ما را با این ستمکاران یك جای قرار مده (۴۷) و اهل اعراف مردانی هستند که آنها را بسیمایشان میشناسند آواز داده گویند دیدید که جمع مال و جاه و مقام بحال شما سودمند نبود (۴۸) آیا مؤمنین که بر ایشان سوگند یاد میکردید خدا آنها را مشمول عنایت و رحمت خود نمیگرداند میبینید چگونه در بهشت بی خوف و اندیشه و بدون حزن و اندوه داخل بهشت میشوند (۴۹)

وکتاب خدا اسامی متعددی است که اکثر مردم آنها را نمیدانند از آنجمله مؤذن است و مراد از آن کامه آنحضرت میباشد.

در کافی از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود ندا کننده امیرالمؤمنین علیه السلام است که اعلان میکند و تمام خلایق صدای آن بزرگوار را می شنوند و آیه ۳ سوره برائة که میفرماید «واذان من الله و رسوله» شاهد است که ندا کننده امیرالمؤمنین علیه السلام میباشد و خود آنحضرت فرموده من هستم ندا کنندهٔ میان مردم.

ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود بعد از آنکه امیرالمؤمنین علیه السلام از جنك نهروان مراجعت نمود بآنحضرت گفتند معاویه ملعون شما را دشنام میدهد و اصحابت را بقتل میرساند آن بزرگوار بالای منبر تشریف برد خطبهٔ قرائت نمود تا آنکه فرمود منم مؤذن در دنیا و آخرت که خداوند میفرماید «فاذن مؤذن بینهم» و نیز میفرماید و آذان من الله و رسوله من هستم آنکسیکه ندا کنم میان مردم لعنت خدا باد برستمکاران.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده در آیه «و بینهما حجاب و علی

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ نادیٰ اَصْحابُ النّارِ اَصْحابَ الْجَنَّةِ اَنْ اَفیضُوا عَلَیْنا مِنَ الْماءِ اَوْ مِمّا رَزَقَکُمُ اللّٰهُ قالُوا اِنَّ اللّٰهَ حَرَّمَهُما عَلَی الْکافِرینَ (٥٠) الَّذینَ اتَّخَذُوا دینَهُمْ لَهْواً وَ لَعِباً وَ غَرَّتْهُمُ الْحَیٰوةُ الدُّنْیا فَالْیَوْمَ نَنْسیهُمْ کَما نَسُوا لِقاءَ یَوْمِهِمْ هٰذا وَ ما کانُوا بِآیاتِنا یَجْحَدُونَ (٥١) وَ لَقَدْ جِئْناهُمْ بِکِتابٍ فَصَّلْناهُ عَلیٰ عِلْمٍ هُدیً وَ رَحْمَةً لِقَوْمٍ یُؤْمِنُونَ (٥٢) هَلْ یَنْظُرُونَ اِلّا تَأْویلَهُ یَوْمَ یَأْتی تَأْویلُهُ یَقُولُ الَّذینَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنا مِنْ شُفَعاءَ فَیَشْفَعُوا لَنا اَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَیْرَ الَّذی کُنّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ ما کانُوا یَفْتَرُونَ (٥٣)

الاعراف رجال یعرفون کلا بسیماهم» فرمود ابن کوا خدمت امیر المؤمنین علیه السلام شرفیاب شد و پرسید معنای این آیه چیست؟ آنحضرت فرمود ماییم آنمردان که براعراف توقف می کنیم و یاران خود را از سیمای آنها میشناسیم و ما اعرافی هستیم که شناخته نمیشود خداوند مگر از راه معرفت ما و خداوند ما را روز قیامت بر پل صراط میگذارد وکسی داخل بهشت نشود مگر آنکه مارا بشناسد وما نیز اورا بشناسیم وکسی داخل جهنم نمیشود جز آنکه ما را انکار کرده و ما نیز آنها را نشناسیم خداوند تبارك و تعالی اگر میخواست نفس خویش را بمردم میشناسانید و مردم نیز خدا را شناخته و بسوی او میرفتند لکن خداوند چنان خواسته که ما را صراط و وسیلهٔ معرفت خود برای خلایق قرار داده پس هر کس از ولایت ما سرپیچی کرده و یا دیگری را برما برتری دهد از راه خدا دور گشته و سرنگون شده است «فانهم عن الصراط لناکبون» و بآنجائی که بخواهد برود و در لجن زارها غرق شود و هر کس بسوی ما آید میآشامد از چشمهٔ صافی که بامر پروردگار جاریست و هرگز خشك و نابود نشده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اهل دوزخ بهشتیان را آواز دهند که ما را از آبهای گوارا و از نعیم بهشتی که خدا روزی شما کرده بهره‌مند کنید آنها پاسخ دهند که خداوند این آب و طعامها را بر کافران حرام گردانیده (۵۰) آنهائیکه دین خدا را بازیچه گرفته و متاع دنیا آنانرا مغرور و غافل کرده‌ما هم امروز آنها را فراموش کنیم همانطور که آنان چنین روزی را بخاطر نیاورده و آیات ما را انکار کردند (۵۱) و ما بر آنان کتابی فرستادیم که در آن همه‌چیز را بر اساس علم و دانش بیان نمودیم برای هدایت آن گروه که ایمان بیاورند (۵۲) کافران دیگر در انتظار چه میباشند ؟ جز آنکه تأویل آیات و عاقبت اعمال آنها به آنان برسد و روزی که عاقبت کار را مشاهده کنند کسانیکه این روز را فراموش کرده بودند با حال تاسف خواهند گفت افسوس که رسولان خدا بسوی ما بحق آمدند ایکاش مخالفت نمیکردیم تا بشفاعت ما بر میخاستند یا بدنیا باز میگشتیم تا باعمال صالحی میپرداختیم در آن هنگام آن کافران خود را در زیان سخت دیده و آنچه میبافتند همه نابود شده است (۵۳)

و هیچوقت قطع نخواهد شد .

ابن بابویه بسند خود از برید بن معاویه عجلی روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام معنای آیه راسئوال نمودم ؟ فرمود این آیه در حق این امت نازل شده و مراد از رجال ائمه از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم است راوی گفت حضورش عرض کردم اعراف یعنی چه ؟ فرمود صراطی است میان بهشت و جهنم که هریك از مؤمنین گناهکار را ما ائمه شفاعت کنیم از آتش جهنم نجات یافته و از صراط بگذرد و هر که را شفاعت نکنیم هلاك خواهد شد .

و عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده من یعسوب الدین و اول سابقین و خلیفهٔ رسول امین و قسمت کنندهٔ بهشت و دوزخ و صاحب اعراف میباشم ، و در این مورد روایات زیادی از عامه و خاصه است که میرساند مراد از رجالی که بر صراط توقف میکنند ائمه طاهرین میباشند .

و در تفسیر ثعلبی که یکی از مخالفین است از ابن عباس روایت میکند گفت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (٥٤) ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ (٥٥) وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ (٥٦) وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (٥٧)

اعراف مرتبهٔ بالای صراط است که در آنجا علی بن ابیطالب علیه السلام و جعفر و حمزه توقف کرده و شیعیان خود را از سفیدی صورتشان و دشمنان خویش را از سیاه شدن روی آنها می شناسند.

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اعراف مکانی است میان بهشت و دوزخ و رجال ائمه اطهار هستند که در آنجا توقف کرده اند آنان با شیعیان بدون حساب بسوی بهشت میروند و آن بزرگواران به گناهکاران میگویند نگاه کنید به برادران خودتان که بر شما سبقت گرفته و بدون حساب داخل بهشت شدند.

در کافی از بشر بن حبیب روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت صادق علیه السلام معنی آیه «و بینهما حجاب وعلی الاعراف رجال» را فرمود توقفگاهی است میان بهشت و جهنم در آنجا محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و حسن و حسین و فاطمه علیها السلام و خدیجه کبری توقف نموده اند و میگویند کجا هستند دوستان و شیعیان ما؛ جمعی پیش آیند که اسامی آنها و پدرانشان را میدانند دست آنان را گرفته و داخل بهشت گردانند،

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

پروردگار شما خدائی است که آسمان و زمین را در شش روز خلق کرد سپس عرش را برقرار نمود و روز را به شب پوشانید که با شتاب در پی آن طی کند و خورشید و ماه وستارگان مسخر امر او گردیده آگاه باشید که ملك آفرینش مخصوص خداست و در حکم نافذ و فرمان اوست ، منزه و بلند مرتبه و آفرینندهٔ عالمیان است (٥٤) خدا را به تضرع و زاری آهسته بخوانید و او هرگز ستمکاران را دوست ندارد (٥٥) در زمین پس از اصلاح بفساد بر نخیزید و خدا را از روی بیم و امید بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیك است (٥٦) اوست خدائیکه باد ها را به بشارت باران رحمت خویش در پیش فرستد تا ابر های سنگین را بر دارند ما آنها را بشهر و دیاری که از بی آبی مرده است برانیم و بآن سبب باران فرستیم و هرگونه ثمر و حاصل برآوریم و مانند این زمین مردگان راهم از خاك برانگیزیم شاید که متذکر شوید (٥٧)

و نیز از ابی حمزه ثمالی روایت کرده گفت درخدمت حضرت باقر علیه السلام سئلی که هشام بن عبدالملك با نافع مولی عمر بن الخطاب به حج رفته بود بحج مشرف شده بودیم نافع توجه کرد که مردم در خانه کعبه میان رکن و مقام اطراف حضرت باقر علیه السلام اجتماع کرده اند بهشام گفت ای امیر این شخص کیست که آنقدر مردم بدور او جمع شده اند؟ هشام به نافع گفت این شخص محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب علیهم السلام و پیغمبر اهل کوفه است نافع گفت هم اکنون نزد او رفته و مسائلی میپرسم که جز پیغمبر و جانشین او نتواند جواب بدهد گفت برو سئوال کن شاید او را حضور مردم خجالت بدهی، نافع آمد و مردم راشکافت تا بحضرت باقر علیه السلام رسید گفت ای محمد من تورات و انجیل و زبور و قرآن را خوانده و باحکام حلال و حرام آنها واقف گشته ام آمده ام از شما مسائلی چند بپرسم که جواب آنها را جز پیغمبر یا وصی او نمیتواند بدهد ، حضرت سر مبارك را بلند نموده فرمود هرچه میخواهی سئوال کن گفت بفرمائید فاصلهٔ میان عیسی ومحمد صلی الله علیه و آله و سلم چه مدت بوده ؟ فرمود بآنچه توعقیده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

داری بگویم یا عقیدهٔ خودم را؟ گفت بهر دو فرمودند مامعتقدیم پانصد سال ولی بعقیده تو ششصد است گفت مرا خبر ده از مفهوم این آیه « و اسئل من ارسلنا من قبلك من رسلنا اجعلنا من دون الرحمن آلهة یعبدون » پیغمبر با فاصلهٔ که بین او و عیسی بوده از چه کسی سئوال نموده است ؟ حضرت آیه معراج را (سبحان الذی اسری) را تا آخر که میفرماید لنریه من آیاتنا را تلاوت نموده و فرمود از آیاتی که خداوند به پیغمبر نشان داد آن بود که پیغمبران اولین و آخرین را در شب معراج محشور کرد و به جبرئیل فرمود که اذان و اقامه بگوید و اذان را هر فصلی دوبار تکرار و در اقامه حی علی خیر العمل اضافه نمود پیغمبر جلو آمده و بنماز ایستاد و تمام پیغمبران بایشان اقتدا نموده و نماز بجا آوردند پس از فراغت از نماز خداوند فرمود ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم از این پیغمبران که پیش از تو بودند سئوال کن آیا بجز من خدائی برای پرستش مردم قرار داده‌اند ؟ پیغمبر از آنها سئوال فرمود چه کسی را پرستش مینمودید و بر که گواهی میدادید ؟ گفتند گواهی میدادیم که خدائی نیست مگر خدای یکتا که برایش مثل و مانندی نیست و گواهی میدهیم که حضرتت پیغمبر و فرستاده خدائی و خداوند بر این گواهی از ما پیغمبران عهد و پیمان گرفته بوده ، نافع گفت راست فرمودید ای ابا جعفر اینك بفرمائید مراد از این آیه « یوم تبدل الارض غیر الارض و السموات » چیست ؟ حضرت باقر علیه السلام فرمود نان سفیدی است خلایق از آن میخورند تا خداوند حساب بندگان را برسد نافع پرسید آیا تمام خلایق مشغول خوردن هستند ؟ فرمود یا مشغول خوردن میباشند یا مقیم در آتش نافع گفت چگونه در آتش هستند؟ فرمود خداوند میفرماید « و نادی اصحاب النار » تا آخر آیه وچون طعام بخواهند زقوم و همینکه آب بطلبند حمیم بآنها بخورانند گفت راست گفتی ای پسر رسول خدا مجدداً گفت مسئلهٔ دیگری دارم فرمود سئوال کن گفت بفرمائید بدانم خدا کجاست؟ فرمود وای بر تو بگو چه جائی نیست تا خبر بدهم آنجاست ستایش میکنم خداوندی را که نه جفت و نه فرزندی برایش نیست و بعد فرمود ای نافع خبر بده بمن از آنچه میپرسم ؟ نافع عرض کرد بفرمائید فرمود چه میگوئی در حق اصحاب نهروان اگر بگوئی که امیر المؤمنین علیه السلام آنها را بحق کشته است همانا بر گشته ای از کفری که داشتی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

باسلام و اگر بگوئی آنها را بی سبب کشته کافر شده ای؟ نافع جوابی نداد و گفت بخدا قسم که از روی حق و حقیقت شما دانا ترین مردم هستی و از حضور آنحضرت نزد هشام رفت، هشام پرسید ای نافع چه کردی؟ گفت واگذار سخنی که گفتی برو او را خجالت بده، بخدا قسم دانشمند ترین مردم است بحق و درستی و فرزند رسول خدا است و سزاوار و شایستهٔ آنست که اصحابش او را امام بدانند.

طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اعراف توقفگاهی است در میان بهشت و دوزخ در انجا هر پیغمبر و وصی او می ایستند با گناهکاران امت خود چنانچه صاحب لشکر باضعیفان قشون خود توقف میکند و نیکوکاران به بهشت داخل شوند خلیفه پیغمبر بآن گناهکاران میگوید نظر کنید بر برادران نیکوکاران خود چگونه داخل بهشت شدند و در آنجاجای گرفتند چنانچه خداوند میفرماید «و نادی اصحاب الجنة ان سلام علیکم» سپس خداوند خبر میدهد ازحال گناهکاران و میفرماید «انهم لم یدخلوها و هم یطمعون» یعنی آن گناهکاران داخل بهشت نمیشوند بلکه خداوند داخل میگرداند آنها را ببهشت برای خاطر شفاعت کردن پیغمبر صلی الله علیه و آله و امامان و نگاه میکنند آنطایفهٔ گناهکاران باهل دوزخ «فیقولون ربنا لا تجعلنا مع القوم الظالمین» و میگویندپروردگارا ما را باطایفه ستمکاران در جهنم قرار ندهسپس ائمه ندا میکنند اهل دوزخ را چرا شما در دنیا مخالفت نموده و تکبر و سرکشی نمودید؟ این ضعیفان کسانی هستند که شما آنها را سبك میشمردید وسخریه و استهزاء میکردید بآنان در دنیا پس از آن بامر خداوند که میفرماید ادخلو الجنة لا خوف علیکم و لا انتم تحزنون (وارد بهشت شوید در حالتیکه هیچ ترس و اندوهی برشما نباشد) ائمه آن گناهکاران را وارد بهشت کنند.

قوله تعالی: **الذین اتخذوا دینهم لهواً و لعباً**

یعنی دینیکه لازم است متدین باو بشوید و دوری بجوئید از محرمات و منهیات او بسخریه و بازیچه گرفته اید حرام میکنند بر خود هرچه بخواهند و حلال میدانند آنچه راکه اراده کنند بسبب هوای نفس خود.

ابن بابویه درمعنی «فالیوم ننسیهم کما نسوا لقاء یومهم» از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کرده فرمود خداوند پاداش بآنها عطا نمیفرماید مانند عطا کردن بدوستانیکه در دنیا مطیع و فرمانبردار بودند .

و نیز از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند سهو و فراموش نمیکند وسهو وفراموشی تعلق دارد بمخلوق حادث نه بخالق قدیم مگر نمیشنوید قول خدا را که میفرماید و ما کان ربك نسیاً بلکه خداوند بکیفر میرساند هر کسیکه او را در دنیا فراموش کرده باشد و او را میگذارد بحال خودش .

قوله تعالی :و لقد جئناهم بکتاب فصلناه علی علم

وقتی بیان نمود حال دوطایفه از مطیعین و عاصین را سپس فرمود بآنها کتاب و حجة عطا کردیم وقرآن را برای ایشان تفسیر نمودیم تا راهنمائی کند آنها رابسوی حق و نجات بخشد آنان را از گمراهی و آن قرآن نعمتی است برای مؤمنین که آنها سود برند و منتفع شوند از او و پس از عطا کردن قرآن و حجت دیگر انتظاری نمیکشند جز عاقبة و جزای خود را در آن روزیکه جزا داده شود میگویند کسانیکه ترك عمل واطاعت کرده اند، پیغمبرانی بسوی ما آمد ولی ما بسخنان آنها گوش نداده و اگر اطاعت ایشان را مینمودیم امروز آنها هم شفاعت از ما میکردند ایکاش ما را بدنیا بر گردانند تا عبادت خدا را بجا آوریم و هلاك کردند آنها نفسهای خودرا.

قوله تعالی : ان ربکم الله الذی خلق السموات و الارض

پس از بیان کردن حال کفار و پرستش آنها غیر خدا را، دلیل و حجت میآورد بمصنوعات ومخلوقات و متوجه میگرداند ایشان را و میفرماید: معبودیکه سزاوار پرستش است جز خدای آفریننده آسمان و زمین نیست و آن پروردگار قادر و توانا است که آسمان و زمین را در لحظه ای بیافریند ولی خلقت آنها را در شش روز از روزهای دنیا باتمام رسانید برای مصلحتی چنانچه در احتجاج از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود اگر خدا میخواست آسمان و زمین را بیك چشم بهم زدن می آفرید ولی بمداراة و تدریج آفرید تا سبب حجت بر خلایق گردد و نگویند آسمان و زمین قدیم بوده . و در عیون اخبار از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند توانائی داشت که بیافریند آسمان و زمین را بیك لحظة ولکن آنها را در شش روز آفرید

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

تا ظاهر و هویدا شود بر فرشتگان چیزیکه خلق نموده ، و استدلال آورد بحدوث عالم و آنکه خداوندحادثی را پس از حادث دیگر خلق میکند .

در کافی از حضرت صادق ﷺ روایت کرده فرمود خداوندآفرید خیر راپیش از شرروز یکشنبه و درآن روز وروز دوشنبه آفرید زمین را و روز سه شنبه‌خلق‌نمود اسباب وقوت آنها را وچهارشنبه وپنجشنبه بیافرید آسمان ها را و اقوات آنا را درروز جمعه آفریدوبترتیب ایام‌هفته آغازش یکشنبه وانجامش‌جمعه بود وباین مناسبت جمعه راجمعه نام گذاشته اندکه جمع‌شد و باتمام رسیدخلقت آسمان و زمین در روزجمعه

قوله تعالی : ادعوا ربکم تضرعا و خفیة

پس از آنکه دلایل توحید را بیان کرد دستور میدهد خداوند بندگان خود راکه باخضوع و خشوع‌و آهسته او را بخوانند .

طبرسی ازبعض‌صحابه‌روایت کرده گفتندریکی ازجنگهاحضورپیغمبراکرم ﷺ بودیم بفراز کوهی رسیدیم متفقا صدا های خود را بذکر سبحان‌الله ولااله الا الله بلند نمودیم آنحضرت فرمود با نفس خود مدارا کنید و آهسته خدا را بخوانید او صدا را میشنود و مانند شخص غایب و کر نمی باشد پروردگار از هرچیز بشما نزدیکتر است (تضرع اظهار کردن جوهر صداست و خفیه آهسته گفتن است یعنی خدا را با جهر و اخفات بخوانید) و لا تفسدوا فی الارض یعنی مردم را بقتل نرسانید و آنها را گمراه نکنید و معصیت خدا را بجا نیاورید پس از آنکه زمین را در اثر فرستادن پیغمبران و نازل کردن کتاب آسمانی اصلاح نموده همانا رحمت خدا بفرمانبرداران و نیکو کاران نزدیك است و پاداش او میرسد بکسانیکه عمل نیکو بجا آورند .

در کافی از حضرت باقر ﷺ روایت کرده فرمود زمین را خداوند بوجود پیغمبر ﷺ و امیرالمؤمنین ﷺ اصلاح فرموده ولی پس از آنکه مردم آنحضرت و اولاد طیبین او را رهاکردند فاسد گردید .

قوله تعالی: و هوالذی یرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته

یکی ازنعمتهای خداوند فرستادن‌بادهائی‌است که بشارت باران رحمت میدهند و این آیه دلیل است که مردم روز قیامت برای حساب زنده خواهند شد و رد گفتار

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

زنادقه است که منکر قیامت هستند و ممثل میکند حشر و نشر را.

قوله تعالی: **و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربه**

این آیه مثل است برای آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم که دانش آنها باذن پروردگار برای مردم ریزش میکند و «الذی خبث لا یخرج الا نکدا» امثالی است برای دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام و نکد کدر و فاسد را گویند تمام این مثلها و آیات را خداوند برای طایفه سپاسگزاران بیان میفرماید.

مبعوث شدن حضرت نوح

قوله تعالی: **ولقد ارسلنا نوحاً الی قومه**

پس از بیان نمودن آیات و دلایل توحید اشاره میفرماید بحال کسانیکه باخدا در مقام جدال و نزاع بر خواستند و پیغمبران او را تکذیب نمودند تا سبب تسلیت خاطر پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم باشد و آنحضرت ازاذیت و آزار کفار دلتنك وملول نشود و کفار بدانند که خداوند ایشان را عاقبت مانند گذشتگان عذاب وهلاك خواهد نمود نخست بیان میفرماید شرح حال قوم نوح را با آنحضرت و قصه او بدین قرار است

ابن بابویه درعلل از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اسم نوح عبدالغفار بود و لقبش نجی الله و نوح است او را شیخ الانبیاء گویند آنحضرت پانصد سال گریه و زاری نمود از اینجهة ملقب بنوح شد حضرت آدم خبر او را بفرزندان خود داد و گفت قوم او تکذیب کنند آنحضرت را خداوند طوفانی پدید آورد و آنها را هلاك گرداند هرکدام از شما او را درك کنید باید بآنجناب ایمان آورید تا از غرق شدن نجات یابید نسب شریفش بده واسطه بحضرت آدم میرسد تمام پدران او پیغمبر بودند آنحضرت فرزند ملك بن متوشلخ بن اخنوخ ادریس پیغمبر است طبق تواریخ در سال هزارششصد چهل دو بعد ازهبوط آدم متولد شده و پس ازهشتصد و پنجاه سال خداوند او را به پیغمبری مبعوث فرمود شریعت آنجناب توحید وخدا پرستی ونماز وامر بمعروف و نهی از منکر بود حدود و احکام ارث نداشت

ابن بابه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود نوح مردم را علنی و آشکار دعوت بحق میکرد فرزندان شیث هبة الله باو ایمان آوردند هنگامیکه دیدند بعلوم

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ودانشیکه نزد شیث بوده تبلیغ مینمود اما فرزندان قابیل آنحضرت را تکذیب کردند و گفتند خداوند بطایفه جن که پیش از ما بودند فرشتگانی مبعوث فرموده و باید پیغمبران از نوع فرشتگان باشند تا ما باو ایمان آوریم، نهصدوپنجاه سال بنص قرآن نوح مردم را دعوت بحق نمود و شب و روز تبلیغ کرد بیش از هشتاد نفر باو ایمان نیاوردند بقدری آن مردم بجنابش جسارت کرده و اذیت و آزار رسانیدند که قابل وصف نیست اعضاء او را شکسته و تن مبارکش را در نمدی پیچیده و بخانه میبردند وقتی بهبودی حاصل میکرد میفرمود پروردگارا هدایت بفرما این قوم نادان را باز بامداد بدعوت قوم میرفت آن مردم بی باك جنابش را سنگسار میکردند چندانکه بدن مبارکش بزیر سنگها پنهان میشد شبانگاه جبرئیل او را از زیر سنگها بیرون آورده جراحات بدن او را التیام مینمود و آن مردم وصیت میکردند بفرزندان خود که پیروی از نوح نکنند، مردی بنام قنی دست فرزند خود را بگرفت حضور آنحضرت برد گفت این مرد ساحر دیوانه ایست پیروی نکن از او پدران ما هم چنین وصیت کردند بما، آنفرزند عصائیکه بدست پدرش بود بگرفت و چنان بر سر نوح زد که خون از محاسن شریفش جاریشد، خطاب رسید با نحضرت هرگز این طایفه ایمان نخواهند آورد، عرض کرد پروردگارا آیا کسی هست میان فرزندان ایشان که اطاعت و فرمانبرداری کند و ایمان آورد تا این زحمت و مشقت من بی ثمر نباشد؟ خداوند فرمود از نسل آنها هم هیچوقت مؤمنی بوجود نیاید نوح عرض کرد پروردگارا الحال که چنین است باقی نگذار درروی زمین یکنفر از آنها را، خداوند دعای او را باجابت رسانید و آنانرا عاقبت بکیفر اعمالشان گرفتار نمود تا چهل سال پشت پدران و رحم مادران را نازا و عقیم قرار داد و فرزندی از ایشان متولد نشد و همه را غرق و بطوفان هلاك نمود و ما شرح ساختن کشتی و غرق شدن ایشان را در سورهٔ هود بیان خواهیم کرد انشاءالله تعالی.

ابن بابویه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود روزی نوح در کشتی بخواب رفته بود بادی وزید جامه او را بکنار زد عورت آنحضرت نمودار شد حام بخندید سام فرزند دیگر او منع نمود، هرچه سام آن حضرت را میپوشانید حام آن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ الْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِداً كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ (٥٨) لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحاً إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ (٥٩) قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (٦٠) قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (٦١) أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَ أَنْصَحُ لَكُمْ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ (٦٢)

پیراهن را بعقب میزد در این اثنا نوح از خواب بیدار شد دید حام میخندد سببش را پرسش کرد سام واقعه را بعرضش رسانید آنحضرت متغیر شد سر مبارك را بآسمان بلند کرد عرض کرد پروردگارا آب پشت حام را بر گردان و تغییر ده و فرزندان او را سیاه پوست بگردان خداوند دعای آنحضرت را باجابت رسانید لذا اهل سودان و حبشه که سیاه پوست هستند تمام آنها از نسل حام میباشند.

و نیز روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام فرمود حضرت نوح دو هزار و پانصد سال در دنیا زندگانی نمود هشتصد و پنجاه ساله بود که مبعوث شد و نهصد و پنجاه سال دعوت مینمود و دویست سال مشغول ساختن کشتی بود پانصد سال بعد از طوفان بتعمیر و بناء شهر ها مشغول و فرزندان خود را در آن شهر ها سکونت داد روزی فرشته موکل بر قبض ارواح حضورش رسید بر آنحضرت سلام کرد جوابش را داد و فرمود ایعزرائیل بچه مقصودی در اینجا آمده ای؟ عرض کرد برای قبض روح شما گفت مهلت ده تا از این آفتاب بسایه روم وقتی بسایه رفت فرمود گویا عمرم مانند رفتن از این آفتاب بسایه بود امر پروردگار را انجام ده روح مقدس آنحضرت را قبض نمود.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

زمین پاك و نیکو گیاهش باذن خدا نیکو بر آید و زمین بدو ناپاك بیرون نیاوزدجز گیاه بد و بی ثمر و اینطور آیات خود را بیان کنیم برای قومی که شکر خدا رابجا آورند (۵۸) نوح را بسوی‌قومش فرستادیم گفت ای قوم خدا را به پرستیدکه جز او خدائی نیست من بر شماسخت از عذاب بزرك قیامت میترسم (۵۹) طایفه از قومش گفتند ماتورا در گمراهی می بینیم (۶۰) گفت ای قوم من گمراه نیستم لکن من فرستادهٔ پروردگار جهانیانم (۶۱)پیغام خدا را بشما میرسانم و نصیحت میکنم و از خدا بوحی او باموری مانند قیامت و حساب و کیفر اعمال آگاهم که شما آگاه نیستید (۶۲)

مبعوث شدن هود پیغمبر بطایفه عاد

قوله تعالی : و الی عاد اخاهم هوداً

هود پیغمبر که‌عابر نیز باو گویند فرزند شالخ‌بن ارفخشدبن سام بن نوح است و بموجب تواریخ در سال دو هزاروششصد چهل هشت بعد از هبوط آدم متولد شده و آنحضرت مبعوث شد بر طایفه عاد و آنها سکونت داشتند میان یمن و حضر موت تا ساحل دریای حبشه مردمانی بودند بزرك جثه و قوی هیکل و بت پرست بودند پس از آنکه خداوند هود را بسوی ایشان فرستاد و آنان را دعوت کرد بتوحید و خدا پرستی اجابت نکردند دعوت او را و تکذیب کردند هود را و بسیار اذیت و آزار نمودند آنحضرت را خداوند بر آنها غضب فرمود و تا هفت سال باران رحمت خود را از آنها قطع کرد بطوریکه قحط و غلا در میان ایشان پدیدار شد ، مرسوم و عادت مردم در آن عصر این بود هروقت مبتلا بقحط و بلائی میشدند پناه بخانه کعبه میآوردند خواه مؤمن باشند یا کفر و اهل مکه در آنوقت طایفه عمالقه بودند از فرزندان عملیق بن لاوذ بن سام بن نوح و بزرك ایشان مردی بود بنام معویة بن مکر که مادرش از طایفه عاد بود چون کار برایشان سخت و دشوارشد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

او عجبتم ان جاءكم ذكر من ربكم على رجل منكم لينذركم و لتتقوا و لعلكم ترحمون (٦٣) فكذبوه فانجيناه و الذين معه في الفلك و اغرقنا الذين كذبوا بآياتنا انهم كانوا قوما عمين (٦٤) و الى عاد اخاهم هودا قال ياقوم اعبدوا الله مالكم من اله غيره افلا تتقون (٦٥) قال الملأ الذين كفروا من قومه انا لنريك في سفاهة و انا لنظنك من الكاذبين (٦٦) قال ياقوم ليس بي سفاهة و لكني رسول من رب العالمين (٦٧) ابلغكم رسالات ربي و انا لكم ناصح امين (٦٨)

رؤسای آنها حرکت کردند بطرف مکه و بمنزل معویة که از جانب مادر با طایفه عاد خویشی داشت وارد شدند بی اندازه و نهایت مهمان نوازی از آنها نمود مایحتاج آنها را از شراب و طعام فراهم ساخت چون از بلای قحط و تنگدستی وارسته بودند و به بساط ناز و نعمت پیوسته، از تعب یاران و طلب باران بکلی فراموش کردند و در لهو ولعب کوشیدند معویه باخود اندیشید که اگر ایشان را از این غفلت آگاه سازم گویند که مهمان نوازی بر من گران آمده این واقعه را بادو نفر در میان گذاشت آنها گفتند شعریکه متضمن بیچارگی ودر ماندگی عادیان است انشا کن و بدو کنیز مغنیه خود که ایشان را جرادتان میگفتند بده در آن هنگامیکه بزرگان عاد در نشاط و مستی و شور شراب هستند بخوانند، شعری انشاء و بمغنیان خود داد ناگاه بخاطر آن جماعت آمد که یکماه است در خانه معویه بطعام و طرب پرداخته و باران و طلب باران را فراموش کرده اند، بعزم دعا بر خواستند یکی از آنها که باطناً به هود ایمان آورده بود گفت تا عادیان به پیغمبر خدا ایمان نیاورند از بلا رها نشوند چون قوم این سخن را بشنیدند ازاو روی بگردانیدند و بخانه کعبه وارد شدند دست

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیا تعجب دارید که مردی از جانب خدا برای یاد آوری شما فرستاده شده تا شما را
از عذاب قیامت بترساند که پرهیز کار شوید تا شاید مورد لطف خدا واقع گردید
(۶۳) چون نوح آمد او را تکذیب کردند ما هم او و پیروانش را نجات دادیم
و آنهائیکه آیات خدا را تکذیب کردند غرق کردیم که مردمی نادان و کوردل
بودند(۶۴)و بقوم عاد برادرشان هود را فرستادیم بآنها گفت ای قوم خدا را بپرستید
که جز او خدائی نیست آیا پند نگرفته و پرهیز کار نمی شوید (۶۵) آنهائیکه
از قومش کافر شدند گفتند ما تو را سفیه و بی خرد می یابیم وگمان میکنیم
که از دروغگویان باشی (۶۶) گفت ای قوم مرا سفاهتی نیست لکن
من رسول خدا هستم (۶۷) پیغام خدا را بشما میرسانم
و من ناصح وخیرخواه و مهربان
و امینم(۶۸)

بدعا برداشتند در آنحال سه قطعه ابر در هوا پدیدار شد یکی سرخ و دیگری سفید
وسومی سیاه هاتفی صدازد ای خوانندگان هر کدام از این قطعات ابر را میخواهید برای
خود اختیار کنید ، یکی از آنها گفت ابر سیاه را میخواهیم که در آن باران بسیار است
باز صدائی شنیدند که می گفت باقی نماند از آل عاد یکنفر آن قطعه ابر بطرف قوم عاد
روانه شد آنها ابر را که مشاهده کردند خرم و خوشحال شدند و گفتند الان باران
بر ما میبارد و از عذاب خدا غافل بودند اول کسیکه آثار عذاب از آن ابر مشاهده
کرد بانوئی بنام مهد بود چون چشمش بر آن افتاد دیوانه وار نعره زد واز هوش برفت
وقتی بخود آمد گفت آتشی افروخته و جمعی مهیب می بینم که بسوی ما میآیند
در آنوقت جناب هود با چهار هزار نفر مؤمنین از میان قوم بیرون شده و بکناری
رفت ودستور داد به پیروان خود که درمکانی توقف کنند وخطی با سر انگشت مبارك
بر گرد ایشان کشید تا از آسیب باد در امان باشند و کیفیت هلاك آنها را در سوره
هود بیان خواهیم کرد انشاءالله تعالی .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

او عجبتم ان جاءکم ذکر من ربکم علی رجل منکم لینذرکم و اذکروا اذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح و زادکم فی الخلق بصطة فاذکروا آلاء الله لعلکم تفلحون (٦٩) قالوا اجئتنا لنعبد الله وحده و نذر ما کان یعبد آباؤنا فأتنا بما تعدنا ان کنت من الصادقین (٧٠) قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب اتجادلوننی فی اسماء سمیتموها انتم و آباؤکم ما نزل الله بها من سلطان فانتظروا انی معکم من المنتظرین (٧١)

مبعوث شدن صالح پیغمبر بر طایفه ثمود

قوله تعالی: و الی ثمود اخاهم صالحاً

هنگامیکه طایفه عاد هلاك شدند و خانه های آنها خراب و ویرانه شد طایفه ثمود آن شهر ها و دیار را آباد و در آنجا سکونت کردند و در نهایت خوشی و وسعت زندگانی مینمودند پس از چندی بنای طغیان و سرکشی گذاشتند و غیرخدا را بخدائی پرستیدند پروردگارعالم صالح پیغمبر راکه فرزند جابربن ثمودبن عابر بن ارم بن سام بن نوح بود و در سال دوهزار ونهصد وهفتاد وسه بعد ازهبوط آدم متولد شده بسوی آنهافرستاد در شهرستان حجر که میان حجاز و شام است سکونت داشتند هنوز هم اثر خانه های آنان که در میان سنگها ساخته شده وجود دارد و جناب صالح با ایشان عموزاده بود چه ثمود دو فرزند داشت یکی ارم که طایفه ثمود از او میباشند و دیگری جابر پدر صالح و آنحضرت آنها را بخدا پرستی و توحید دعوت مینمود و از بت پرستیدن نهی میکرد.

در کافی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از جبرئیل سئوال نمود چگونه بود هلاکت قوم صالح؟ گفت ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم خداوند فرستاد

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیا تعجب کردید که مردی از جانب خدا بیاد آوری شما فرستاده شده تا شما را بترساند ؟ ایمردم بیاد آورید که خداوند شما را بعد ازهلاك قوم نوح جانشین آنها قرار داده و در خلقت و نعمت بر تری و فزونی بخشید ایقوم نعمتهای خدارا بیاد آورید شاید که رستگار شوید (۶۹) قوم او گفتند آیا تو برای آن بسوی ما آمده ای که خدارا بهیکتائی پرستیم و از بت هائی که پدران ما میپرستیدند اعراض کنیم اگر راست میگوئی هرعذابیکه بما وعده میدهی زود بانجام رسان (۷۰) هود فرمودغضب خدا برشما حتم شده آیا با من مجادله میکنید و باسامی بی‌مسمائی که پدرانتان بربتها نهاده باحق بخصومت برمیخیزید و خدا درآن بتهاهیچ برهانی ننهاده در انتظار عذاب خدا باشید من نیز انتظار عذاب را بر شما دارم (۷۰)

صالح را بسوی طایفه ثمود در حالیکه آنحضرت شانزده ساله بود توقف کرد میان ایشان و تبلیغ نمود تا رسیدبصد و بیست سال کسی از ایشان ایمان نیاورد برای آنها هفتاد بت بود که میپرستیدند صالح چون مشاهده کرد که ایمان نمیآورند فرمود ایقوم متجاوز از صد سال است شما را بسوی خدا دعوت میکنم اجابت نمیکنید من یکی از این دو کار را بشما پیشنهاد میکنم یا از من سئوال کنید چیزی را تاجواب او را از جانب خدا بسوی شما آورم یا آنکه من از بتان شما سئوالاتی مینمایم اگر پاسخ مرا دادندازمیان شما میروم و دیگر کاری ندارم. گفتند ای صالح نیکو پیشنهادی کردی و انصاف دادی روزی را معین کردند که صالح برسشهائی از بتان آنها بکند و پیش از آن بتها را بیرون آوردند قربانی برای ایشان کردندو گریه و زاری نمودند سپس بصالح گفتند سئوالات خود رابنما ،صالح گفت اسم این بتها چیست؟جواب دادند فلان اسم دارد حضرت آمد بطرف بتها و باسم ایشان را مخاطب ساخته و سئوال نمود جوابی ندادند ، صالح گفت چرا جواب نمیدهید؟گفتند از بت بزرك سئوال کن از او نیز سئوال نمود جوابی نشنید گفتند ای صالح مهلت بده تا ما با خدایان خود راز و نیاز کنیم تا جواب تورا بدهند ، آمدند نزد بتان خود خاکها بر سر ریختند گریه و زاری کردند به بتان خود گفتند اگر جواب صالح را ندهید ما مفتضح میشویم سپس

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فانجيناه و الذين معه برحمة منا و قطعنا دابر الذين كذبوا بآياتنا و ما
كانوا مؤمنين (٧٢) و الى ثمود اخاهم صالحا قال يا قوم اعبدوا الله مالكم
من اله غيره قد جاءتكم بينة من ربكم هذه ناقة الله لكم آية فذروها تأكل
في ارض الله و لا تمسوها بسوء فيأخذكم عذاب اليم (٧٣) و اذكروا
اذ جعلكم خلفاء من بعد عاد و بوأكم في الارض تتخذون من سهولها
قصورا و تنحتون الجبال بيوتا فاذكروا الاء الله و لا تعثوا في الارض
مفسدين (٧٤)

گفتند ای صالح الحال بخوان آنها را تا جواب ترا بدهند حضرت صالح هرچه آنهارا صدا زد جوابی نشنید فرمود روز تمام شد جواب نمیدهند شما از من بخواهید تا خدای من پاسخ شما را بدهد، هفتاد نفر از بزرگان ایشان گفتند ایصالح ما سئوالی از تو مینمائیم اگر پروردگارت پاسخ ما را داد ایمان بتو خواهیم آورد ، فرمود سئوال کنید هرچه میخواهید گفتند ما را ببر کنار اینکوه و از خداوند در خواست کن تا برای ما شتر قرمزی از اینکوه بیرون آورد فرمود سئوالی نمودید که دشوار است بر من و سهل و آسان است بر پروردگار من ، آنوقت صالح دعا کرد و تقاضای آنان را از خدا طلب نمود فوراً کوه صدای عجیبی کرد که نزدیك بود مردم ازصدای او هلاك شوند و مانند زن حامله باضطراب در آمد و شکافی خورد و شتر قرمزی از او بیرون آمد گفتند ایصالح چقدر زود خدا مسئولت را باجابت رسانید از خدابخواه این شتر بچه‌ای بزاید تقاضا کرد آن شتر زائید بآنها فرمود آیا باز تقاضائی دارید؟ گفتند خیر الان میرویم قوم را خبر میدهیم تا ایمان بیاورند از آن جمعیت شش نفر ایمان آوردند و باقی ایشان مرتد شدند و گفتند نیست این عمل جز سحر و اینحدیث را

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

هود و پیروانش را برحمت خود نجات دادیم و آنانکه تکذیب آیات نموده و ایمان نیاوردند همه را هلاك کردیم (۷۲) و برای قوم ثمود صالح برادرشان را فرستادیم گفت خدای را بپرستید که جز او خدائی نیست و اکنون معجزهٔ روشن و واضح از طرف خدا آمد این ناقهٔ خدای برای شما آیه و معجزهٔ ای است او را واگذارید تا در زمین خدا چرا کند و در بارهٔ او قصد سوئی نکنید که بعذابی دردناك گرفتار خواهید شد (۷۳) و یاد آورید خدا شما را پس ازهلاك قوم عاد جانشین آنها قرارداد و در آن سرزمین منزل نمودید تا در اراضی هموار قصور عالی بنا نموده و در کوه ها بتراشیدن سنگها منزلهای محکم بنا کنید و نعمتهای خدا را یاد نموده و در زمین بفساد کاری برنخیزید(۷۴)

عیاشی نیز نقل نموده است.

عیاشی از حضرت رضا علیه السلام در آیه «فانتظروا انی معکم من المنتظرین» روایت کرده فرمود چقدر خوب است صبر و بردباری نمودن و انتظار فرج کشیدن آیا نمی بینید خداوند از قول هود پیغمبر حکایت نموده و میفرماید «فانتظروا» تا آخر آیه

ابن بابویه از حضرت صادق علیه السلام در آیه «اتعلمون ان صالحاً مرسل من ربه» روایت کرده فرمود مدتی صالح از میان قوم خود غایب شد در موقعی که رفته بود پیر مردی بزرك جثه و پر لحیه ولی موقع مراجعت مردی لاغر اندام و نحیف و موی ریشش تنك شده وبهمین علت اورا از صورتش نشناختند اهل وطایفه او سه دسته شده بودند یکعدهٔ بکلی منکر او بودند و دستهٔ دوم در بارهٔ او شك داشتند و طایفه سوم بر یقین بودند صالح پیغمبر نزد طایفهٔ شاکین رفته و گفت من صالح پیغمبر هستم او را تکذیب نموده دشنام داده و زجر و اذیتش کردند و گفتند ما بیزاری میجوئیم بسوی خدا از آنکه تو صالح پیغمبر باشی صالح باین هیئت و صورت که تو

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ (٧٥) قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ (٧٦) فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (٧٧) فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (٧٨) فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ (٧٩)

هستی نبود،صالح نزد منکرین رفت آنها بکلی ازوی تنفر نموده وفرار کردند سپس نزد طایفه سوم که اهل یقین بود رفت گفت من صالح پیغمبر شما هستم آنها گفتند خبر بده بما از چیزی که شك نکنیم که تو پیغمبر هستی و ما انکار نداریم که خداوند اگر بخواهد انسان را بهر شکل در خواهد آورد؟ گفت من همان صالح هستم که ناقهٔ را برای شما آوردم گفتند راست میگوئی علامت آن شتر چه بود؟ فرمود یکروز آب مشروب شما را میآشامید و روز دیگر بشما شیر میداد گفتند ایمان آوردیم بخدا و آنچه شما از جانب خدا آوردید آنهائیکه شك داشتند و نیز دستهٔ که منکر بودند باهل یقین گفتند ما بآنچه شما ایمان آوردید کافریم ، راوی میگوید حضور حضرت صادق علیه السلام عرض کردم آیا در میان ایشان آنروز عالمی بوده است؟ فرمود خداوند عادل تر از آنست که زمین را از حجت خالی بدارد و قوم صالح پس از بیرون رفتن او برای خود امامی نشناختند و چون صالح برگشت همه حضورش جمع شدند و مثل حضرت حجت قائم عجل‌الله تعالی فرجه مثل صالح است که در مورد حضرتش مردم سه دسته خواهند شد و ما شرح حال و قصهٔ ناقهٔ صالح را در سوره هود بتفصیل بیان خواهیم نمود انشاءالله تعالی .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

رؤساء وگردنکشان قوم صالح با ضعفائی که باو ایمان آورده بودند به تمسخر گفتند آیا شما میدانید که صالح راخدا برسالت فرستاده؟مؤمنان جواب دادند بلی ما بآنچه برای او فرستاده شده ایمان داشته ومطمئن بوده وشکی نداریم که آئین او از طرف خداست(۷۵) منکران گفتند ما هم بیشك بآنچه شما ایمان دارید کافریم (۷۶) آنگاه ناقهٔ صالح را پی کردند واز امر خدا سرباز زدند و به پیغمبرشان صالح ازروی تمسخر وتحکم گفتند اگر تو ازفرستادگان خدائی اکنون عذابیکه برنافرمانی خدا بما وعده کردی بیاور(۷۷) پس زلزله بر آنها آغاز گردید تا آنکه همه درخانه های خود ازپادر آمدند(۷۸) چون علامت عذاب ظاهر شد صالح از آنان روبر گردانید وازایمان ایشان ناامید شد و گفت ایقوم من ابلاغ رسالت ازطرف خدای خود نمودم ولکن شما از نادانی وغرور ناصحان رادوست ندارید(۷۹)

لوط پیغمبر وهلاك قوم او

قوله تعالی : و لوطاً اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة

حضرت لوط فرزند هاران بن تاحور بن تارخ است و برادر زادهٔ حضرت ابراهیم بود خته شده از مادر متولد شد و در خدمت عموی خود از بابل حرکت نموده و بزمین حبرون ساکن گردید پس از مدتی در اثر فراوانی مواشی وجمع جای بر آنها تنگ شد حضرت ابراهیم بلوط فرمود الحال شما بشهرستان مؤتفکات برو و مردم آنسامان را بخدا دعوت کن (مؤتفکات را مکذبات نیز میگویند در نواحی رودار دن واقع شده) لوط حرکت نمود و بمؤتفکات فرود آمد و از قبایل آنجا دوشیزه ای بخواستگاری بر آورد و مردم را بخدا دعوت مینمود مدت سی سال آنها را تبلیغ کرد و بشریعت حضرت ابراهیم خواند جز چهارده نفر از ایشان بیشتر ایمان نیاوردند و آنمردم علاوه بر بت پرستی اعمال زشت و قبیح هم انجام میدادند هرچه حضرت آنها را اندرز و وعده عذاب خدا میداد ابدا اعتنائی نکرده و نپذیرفتند میگفتند باو اگر راست میگوئی عذاب بر ما نازل کن آنان از خست و دنائت طبع غسل جنابت نمیکردند ،چون دیار آنها سر راه شام و مصر قرار گرفته بود مسافرین

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ لُوطاً اِذْ قالَ لِقَوْمِهِ اَتَأْتُونَ الْفاحِشَةَ ما سَبَقَكُمْ بِها مِنْ اَحَدٍ مِنَ الْعالَمِينَ (۸۰) اِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّساءِ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ (۸۱) وَ ما كانَ جَوابَ قَوْمِهِ اِلاّ اَنْ قالُوا اَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ اِنَّهُمْ اُناسٌ يَتَطَهَّرُونَ (۸۲) فَاَنْجَيْناهُ وَ اَهْلَهُ اِلاَّ امْرَاَتَهُ كانَتْ مِنَ الْغابِرِينَ (۸۳) وَ اَمْطَرْنا عَلَيْهِمْ مَطَراً فَانْظُرْ كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ (۸۴) وَ اِلى مَدْيَنَ اَخاهُمْ شُعَيْباً قالَ يا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّهَ ما لَكُمْ مِنْ اِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَاَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزانَ وَ لا تَبْخَسُوا النّاسَ اَشْياءَهُمْ وَ لا تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلاحِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۸۵)

در آنجا زیاد وارد میشدند عاقبت بخل و دنائت ایشان را بکارهای زشتی وادار نمود که دیگر مسافری در آن دیار فرود نیاید هرچه لوط آنها را منع نمود نپذیرفتند و هرزمان مهمانی برایشان وارد میشد عمل شنیع لواط بااومینمودند وبلوط میگفتند اگر مهمان نوازی کنی مهمانانت را مفتضح و بی آبرو خواهیم کرد وهروقت بر لوط مهمانی وارد میشد آنها را پنهان میکرد تا هنگامیکه خواست خدا تعلق گرفت آنمردم را هلاك گرداند، نخست فرشتگانی بسوی ابراهیم فرستاد عنوان مهمان بآنحضرت خبر دادند که ما مأموریم قوم لوط را بهلاکت برسانیم وتفصیل اورا ذیل آیه۲۹ سوره هود بیان خواهیم نمود. انشاءالله

در کافی در آیه « و لوطاً اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة ما سبقکم بها من احد من العالمین » ازحضرت صادق و حضرت باقر علیهما السلام روایت کرده فرمودند که شیطان بصورت زیبائی نزد قوم لوط آمده و جوانان قوم را دعوت نموده که بر او سوار شده و تمتع گیرند وچنانچه بر عکس گفته بود که من سوار شما شوم هرگز قبول نمیکردند

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و لوط را فرستادیم که بقوم خود گفت آیا عمل زشتی که پیش از شما هیچکس بآن مبادرت نکرده است بجا میآورید ؟! (۸۰) شما بجای زنان با مردان شهوترانی میکنید آری شما قوم فاسد و زیانکاری هستید (۸۱) آنها بلوط پاسخ ندادند جز آنکه گفتند او را از شهر بیرون کنید که او و پیروانش مردم پاکدامنی هستند که کار ما را پلید دانسته و از آن بیزارند (۸۲) ما هم لوط و اهلبیتش را نجات دادیم مگر زنش را که او از بازماندگان در عذاب بود (۸۳) و بر آنها بارانی از سنگریزه فرو باریدیم بنگر که عاقبت بد کافران چیست ؟! (۸۴) و بسوی مردم مدین برادر آنها شعیب را فرستادیم گفت ایقوم خدا را بپرستید جز او خدائی نیست اکنون که از جانب پروردگار بر شما برهانی روشن آمده کم فروشی را ترك کنید و در سنجش کیل و وزن با مردم درستی پیشه کرده و کم نفروشید و در روی زمین بفساد اقدام نکنید پس از آنکه با قوانین آسمانی بخیر و اصلاح در آمدید و این رویه برای شما بهتر است اگر ایمان دارید (۸۵)

و چون بر شیطان واقع شدند از او لذت بردند سپس شیطان رفته و آنها را بحال خود گذاشت و بعضی را حواله بعضی دیگر نمود .

عیاشی از یزید بن ثابت روایت کرده گفت مردی از امیر المؤمنین علیه السلام سئوال نمود که آیا جایز است با زنان از دبر نزدیکی نمود ؟ فرمود این کار مردمان پست است زیرا خداوند میفرماید «اتاتون الفاحشة» و نیز از عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده گفت شخصی از رفتن نزد زنان از آنحضرت سئوال نمود فرمود در قرآن آیه که آنرا حلال کرده باشد نمیبینم جز یك آیه که میفرماید «انکم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء» .

ولادت شعیب پیغمبر و مبعوث شدن او باهل مدین

قوله تعالی : و الی مدین اخاهم شعیباً

شعیب پیغمبر نسب شریفش از اینقرار بحضرت ابراهیم خلیل میرسد آنحضرت

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ لا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِراطٍ تُوعِدُونَ وَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ تَبْغُونَها عِوَجاً وَ اذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلاً فَكَثَّرَكُمْ وَ انْظُرُوا كَيْفَ كانَ عاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (۸۶) وَ إِنْ كانَ طائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَ طائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنا وَ هُوَ خَيْرُ الْحاكِمِينَ (۸۷) قالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يا شُعَيْبُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنا قالَ أَ وَ لَوْ كُنَّا كارِهِينَ (۸۸)

فرزند قوبك بن رعویل بن مرین عقاین مدین بن ابراهیم میباشد حضرت خلیل پس از وفات ساره با دوشیزه ای که از طایفه قطور بود ازدواج نمود و مدین از او متولد شد شعیب طبق تواریخ در سال سه هزار وششصد وشانزده بعد از هبوط آدم بعرصهٔ وجود آمدقوم اواز فرزندان مخص بن جندل بن عصیب بن مدین هستند و آنحضرت را خطیب الانبیاء میگفتندچون شهر و دیار آنهاپر از درخت و اشجار بود لذاباصحاب ایکه نامیده شده اند مذهب ایشان بت پرستی بود و پیشتر منادی خدا را بجا میآوردند و در کیل و وزن خیانت مینمودند و کم فروش بودند خداوند حضرت شعیب را بر آنها مبعوث نمود آنان را بخدا پرستی و توحید دعوت کرد اشخاصیکه آوازهٔ دعوت آنحضرت را شنیده بودند از بلاد شام و ممالك دیگر حرکت میکردند تا درك حضورش بنمایند، قوم او برسرراه وجاده نشسته بودند هر کسی از راه میآمد که بخدمت شعیب برسد ممانعت میکردند، آنحضرت میفرمود ای قوم بر سرراه منشنید و طریق ایمان را بر مردم نبندید وآنها را براه کج نبرید و نخوانید و بترسید از آنکه عذابی مانند عذاب قوم نوح وهود و صالح بشما برسد و هلاك شوید ابداً اعتنائی بسخنان آنحضرت نمیکردند و میگفتند باو ای شعیب در میان ما مردی ناتوان و بیقدر هستی چنانچه اینگونه سخنان را تکرار کنی و با گرویدگان خود بکیش و آئین مادر نیائی تو و

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و بهر طریق در کمین گمراه کردن خلق و ترسانیدن و بازداشتن مردم از راه خدا بر نیائیدتا هر که بخدا ایمان آورده براه ضلالت اندازید و بیاد آورید زمانیکه شما اندك بودید در مقابل دشمنان بسیار و خداوند برعدهٔ شما افزود و بردشمنان غلبه دادو بنگرید چگونه است حال مفسدان که عاقبت دچار عذاب و هلاکت شدند(۸۶) اگر جمعی از شما بآنچه من ازطرف خدا مامور بتبلیغ آن شدم ایمان آورده و طایفهٔ ایمان نیاورند وبخصومت پرداخته شما مؤمنین که ایمان آورده اید صبر پیشه کنید تا خدا میان ما و آنها داوری کند که او بهترین داور است (۸۷) طایفهٔ از قوم شعیب که از حکم خدا سر کشی کردندبه شعیب گفتند ماتو وپیروانت را ازشهرخود بیرون کنیم مگر آنکه به کیش ما بر گردید شعیب گفت باآن نفرتی که از آئین شمادارم رجوع بآن محال است(۸۸)

و پیروانت را از دیار خویش بیرون کنیم آنحضرت هرچه ملاطفت و مهربانی بآنها نمود ایمان نیاوردند و دست از اذیت و آزار آنجناب بر نداشتند و میگفتند سخنان تو بیهوده و هذیانست و هرچه میگوئی ما عمل نکنیم و نمیتوانیم بفهمیم ناچار دست بدرگاه قادرمتعال برداشت و گفت پروردگارا تو حکم کن میان ما و اینقوم ومؤمنینی که باو ایمان آورده بودند که تعدادشان هزار و هفتصد نفر بود برداشته بهمراه خود از دیار مدین خارج شد و بجانب ایکه فرود آمد همینکه شعیب با پیروانش خارج شد اثر عذاب در شهر هویدا شد و هفت شبانه روز درو دیوار مدین مانند آهن تابیده و هوا مثل کوره آهنگران حرارت پیدا کرد و هر لحظه زیاد و فزونی می یافت ناگاه باد و ابری نمودار شد مردم از خانه ها خارج شدند و در زیر ابر توقف نمودند در آن هنگام خداوند بسوی ایشان آتشی فرستاد و تمام آنها مانند ملخ سوختند و خاکستر شدند و بعذاب و ذلت و خواری گرفتار شدند.

طبرسی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود قوم شعیب دو طایفه بودند طایفهٔ در اثر زلزله و صیحه آسمانی هلاك شدندو جمعی دیگر بواسطه صاعقه سوختند و نابود گردیدند و تمام آنهائیکه هلاك شدند صدهزار نفر بودند شصت هزار آنها شرارت و نافرمانی میکردند و چهل هزار از ایشان دراثر آنکه بدانرا از عمل زشت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

منع نمیکردند بهلاکت رسیدند و درسوره هود نیزشمهٔ از حال آنها را انشاء الله بیان خواهیم نمود.

عیاشی در آیه « و الی مدین اخاهم شعیباً » از یحیی بن مساور همدانی روایت کرده گفت مردی از اهل شام حضور امام زین العابدین علیه السلام آمده عرض کرد آیاشما علی بن حسین میباشی؟ فرمود بلی گفت جدت علی بن ابیطالب علیه السلام کسی بود که عدهٔ کثیری از مؤمنین راکشت. حضرت بسیار اندوهگین شده وگریه بسیاری نموده بآن مرد فرمود وای برتو چگونه اعتقادنموده ای که پدرم مسلمانان را بقتل رسانید؟ گفت برادران مؤمنین ما بما ظلم نمودند و ما بجهت ظلمی که از آنها دیده بودیم آنها را کشتیم، آنحضرت فرمود آیا قرآن خوانده ای؟ عرض کرد بلی فرمود خداوند میفرماید « و الی مدین اخاهم صالحا والی ثمود اخاهم شعیبا » آیا قوم شعیب وصالح برادران دینی شعیب وصالح بودند یا برادران عشیره و قبیله ای؟ آنمرد گفت برادران عشیره ای بودند آنحضرت فرمود پس کسانی که با پدرم جنك نمودند مسلمان نبودند بلکه برادر عشیره ای بودند مرد شامی گفت اشکال و غم مرا زایل نمودی ای علی بن حسین علیه السلام خداوند هم وغم ترا برطرف سازد که مرا بینا و آگاه ساختی و وسوسهٔ شیطانی در بارهٔ پدرت از دلم دفع گردید.

قوله تعالی :و ما ارسلنا فی قریة من نبی الا اخذنا اهلها بالباساء

پس از آنکه بیان فرمود تکذیب نمودن پیشینیان پیغمبران خود را و آنچه از عذاب بر آنها نازل شده بطور کلی بیان میفرماید ما پیغمبرانی نفرستادیم درشهرودیاری مگر آنکه اهل آن شهر را نخست مبتلا نمودیم ببدی و گرسنگی و مرض تا متنبه شوند سپس بر طرف نمودیم آن شدت و سختی را از آنها و در رفاهیت و وسعت قرار دادیم ایشان را بطوریکه بعضی ببعض دیگر گفتند سیره و عادت پدران ماهمین بوده گاهی در شدت و لحظهٔ در رفاهیت و وسعت زندگانی مینمودند ناگاه در اثر این گفتار و غفلت و متنبه نشدن آنان را بعذابی سخت هلاك نمودیم و معنی آیه آنستکه خداوند از روی تدبیر با خلق رفتار مینماید گاهی مبتلا میگرداند آنها را بانواع بلاازقبیل مرض وقحطی وگرسنگی وزمانی آنانرا درحال رفاهیت ووسعت وامنیت

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قرار میدهد وقتی متنبه نشدند و در هردو حالت طغیان و سرکشی نمودند آنها را بعذابی هلاك گرداند تا آنکه بیشتر در حسرت و عقاب بوده باشند .

قوله تعالی : و لو ان اهل القری آمنوا واتقو لفتحنا علیهم برکات من السماءوالارض

در این آیه میفرماید هر امتی را که هلاك نمودیم هلاکت آنها بدست خودشان بود چه آنان مرتکب معاصی شدند و عاقبت بهلاکت افتادند و اگر آنها ایمان میآوردند وتصدیق مینمودند پیغمبران مرا و از معاصی و نافرمانی دوری میجستند و پرهیز کار میشدند همانا درهای خیرات و برکات خود را بروی ایشان باز مینمودیم و دعاهای ایشان را باجابت میرساندیم ولی تکذیب کردند پیغمبران را ماهم آنانرا بکیفر نافرمانی و معصیت هلاك کردیم آیا اهل مکه که تو را ای محمد ﷺ تکذیب میکنند ایمن هستند که عذاب ما در شب بفراش و منزل آنها نمیرسید ؟ایاایمن میباشند از عذاب روز ها در حالتیکه مشغول بلهو و لعب هستند؟ آیا ازمکر خدا در امان میباشند ؟وازعذاب ایمن نباشند مگر طایفه ستمکاران آیا عبرت نگرفتند از عذاب پیشینیان خود؟ آیانگفتیم اگر بخواهیم ایشان راهم هلاك گردانیم بکیفر اعمال زشتشان؟چرا پند و نصیحت قبول نمیکنند؟اینست شهرهائیکه ما اخبار اهلش را برای تو بیان کردیم پیغمبرانی با دلایل روشن بسوی ایشان فرستاده شد و آنها تکذیب نمودندن پیغمبران را و ایمان نیاوردند .

در کافی از حضرت باقر ﷺ در آیه «فما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا من قبل» روایت کرده فرمود خداوند خلایق را دوطایفه خلق فرموده یکی اصحاب یمین واهل بهشت و دیگری اصحاب شمال و اهل جهنم سپس آنها را در ظل و سایه یعنی در عالم ذر جمع و ایجاد فرمود راوی حضورش عرض کرد مراد از ظل چیست ؟ فرمود آیا سایهٔ خود را در آفتاب نمی بینی چیزی هست و حال آنکه چیزی نیست بعد برای هدایت خلایق و دعوت بسوی خدا شناسی پیغمبرانی برای آنها فرستاد تا بوجود خداوند یگانه اقرار نمایند چنانچه میفرماید «ولئن سئلتهم من خلقهم لیقولن الله پس بعضی از مردم اقرار نمودند و عده ای انکار کردند سپس آنها را بولایت ما

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِباً إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّيَنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْماً عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ (٨٩) وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْباً إِنَّكُمْ إِذاً لَخَاسِرُونَ (٩٠) فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ (٩١) الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْباً كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْباً كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ (٩٢)

اهل بیت دعوت کردند گروهی اقرار بولایت نموده و بخدا قسم کسی ولایت ما را انکار ننمود مگر آنکه مبغوض خدا شد و از طایفه اصحاب شمال گردید و اینست معنای آیه که فرمود « و ما کانوا لیؤمنوا بما کذبوا من قبل » و کسانی که در عالم ذر اقرار نکردند هرگز در دنیا ایمان نمیآورند و این حدیث را عیاشی نیز عیناً روایت نموده است.

قوله تعالی : و ما وجدنا لاکثرهم من عهد

یعنی هلاك شوندگان وفای بعهد نکردند و این معنی نظیر آن استکه گفته شود فلانی عهدی ندارد یعنی وفائی نیست از برای او و ما می بینیم بسیاری از آن مردم راکه نقض عهد میکنند و وعده خلافی مینمایند، و سر آن که تعبیر فرمود که بسیاری از مردم فاسقند و حال آنکه تمام مشرکین و کفار فاسق میباشند آنست گاهی بعضی از کفار عادل در دین خود باشند و مرتکب نشوند محرماتیکه در مذهبشان حرام است و معنی آیه اینطور میشود بسیاری از کفار علاوه بر کفرشان فاسق در دین خود نیز میباشند و باموورات مذهبی پای بند نیستند و وعده خلافی و عهد شکنی میکنند و اندکی از ایشان وفای بعهد خواهند کرد.

در کافی ذیل آیه « و ما وجدنا لاکثرهم من عهد » از حسین بن حکم روایت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اگر ما بدین شما برگردیم با وجود آنکه خدا ما را از آن نجات داده همانا بخدا دروغ بسته ایم و هرگز ما بآئین باطل شما رجوع نکنیم مگر آنکه مشیت خدا قرار گیرد چه پروردگار ما، بمصالح ما آگاهست و ما باو توکل نموده و از او فتح و فیروزی طلبیم پروردگارا تو میان ما و آنها بحق فیروزی ده چه تو بهترین فیروزی دهنده میباشی (۸۹) گروهی از کافران امت او مردم‌را تهدید کرده گفتند ایمردم اگر از شعیب پیروی کنید در زیان خواهید افتاد (۹۰) پس دچار زلزلهٔ شده و شب را بروز آوردند در حالتیکه در خانه های خود بهلاکت رسیده‌بودند (۹۱)

آنانکه شعیب را تکذیب کردند هلاك شده و اثری از آنها باقی نماند

و خود زیانکار شدند (۹۲)

کرده گفت نامه ای حضور حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نوشته و حضورش عرض کردم من در شك هستم همانطور که حضرت ابراهیم گفته «رب ارنی کیف تحیی الموتی منهم میل دارم چیزی بمن نشان بدهید، آنحضرت در جواب نامه مرقوم داشته بودند که حضرت ابراهیم مردمؤمنی بود و میخواست ایمانش زیاد ترشود و تو شخص شاکی هستی و در مردم شك کننده خیر و خوبی نیست و نیز نوشته بودند شك در صورتی است که یقین نباشد و همینکه یقین حاصل گردید شك جایز نیست و خداوند میفرماید «وما وجدنا لاکثرهم من عهد» تا آخر آیه را مرقوم فرموده بودند سپس نوشته بودند که این آیه در حق اشخاصی که شك میکنند نازل شده.

و عیاشی از ابی ذر غفاری روایت کرده گفت بخدا قسم پیغمبر فرموده تصدیق نکرده کسی بعهدی که خداوند درعالم ذر از او گرفته و وفای بآن عهد ننموده جز اهل بیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و اندکی از شیعیان آنها و این آیه را تلاوت مینمود.

ولادت موسی و مبعوث شدن او

قوله تعالی: **ثم بعثنا من بعدهم موسی بایاتنا الی فرعون و ملائه**

پس از آنکه بیان فرمود قصص پیغمبران گذشته و هلاکت امتهای ایشان را

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فتولی عنهم و قال یا قوم لقد ابلغتکم رسالات ربی و نصحت لکم فکیف
اسی علی قوم کافرین (٩٣) و ما ارسلنا فی قریة من نبی الا اخذنا اهلها
بالبأساء و الضراء لعلهم یضرعون (٩٤) ثم بدلنا مکان السیئة الحسنة حتی
عفوا و قالوا قد مس آباءنا الضراء و السراء فاخذناهم بغتة وهم
لایشعرون (٩٥) و لو ان اهل القری آمنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات
من السماء و الارض ولکن کذبوا فاخذناهم بما کانوا یکسبون (٩٦)

عطف میفرماید دراین آیه قصه موسی و فرعون وهلاك فرعونیان را بر آنها وشرح او بدینقرار است موسی فرزند عمران بن یغهاث بن لوی بن یعقوب بن اسحق بن ابراهیم خلیل است بموجب تواریخ در سال سه هزار و هفتصد وچهل وهشت بعد از هبوط آدم متولد شده و مادرش از طایفه بنی لوی است بنام یوکبد لقب مبارکش کلیم است ولید بن مصعب که بفرعون مشهوراست چون مشاهده کرد بسیاری توالد و تناسل بنی اسرائیل را در اندیشه فرورفت که مبادا روزی این جمعیت فراوان سبب زحمت و مشقت او بشوند مقربان خود را احضار نمود با ایشان مشورت کرد اینك از دیاد بنی اسرائیل بآنجا رسیده که اگر متفق شوند و با ما مخاصمت و مخالفت کنند دفع ایشان بآسانی میسر نشود گفتند بهتر آنستکه باینجماعت مجال ندهیم ودرصدد برطرف نمودن و اضمحلال آنها برآئیم از اینجهة افسرانی جور پیشه وسنگدل و بیرحم بر ایشان مأمور کرد تا آنان را بکارهای شاق و مزدوریهای رایگان شب و روز بگمارند و معذب نمایند بنی اسرائیل را بکارهای سخت ودشوار واداشتند تا شبی که فرعون درخواب دید آتشی از طرف شام بر افروخت و بمصر افتاد سرای قبطیان را سوخت آنگاه قصر سلطنتی را فرو گرفته و دود از آن برآورد و با خاك یکسان نمود فرعون وحشت زده از خواب بیدار شد معبرین را احضار کرد و خواب خود را نقل نمود آنها گفتند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

شعیب از آن مردم بی ایمان روی گردانید و گفت ایقوم من رسالت خدا را بشما ابلاغ کرده و برای اتمام حجت شما را نصیحت نمودم ، اکنون که کافرشدید من چرا بر هلاك کافران غمگین شوم (۹۳) ما هیچ پیغمبری را بدیاری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را بشدائد ومحن مبتلا ساختیم تا شاید بدرگاه خدا تضرع و زاری کنند (۹۴) سپس آن سختی ها را بآسایش و خوشی مبدل کردیم تا بکلی خود را فراموش کرده و گفتند آن رنج و محنت ها به پدران مارسید ، ما هم ناگهان آنان را بکیفراعمالشان عقاب کردیم در حالیکه از توجه بآن عقاب غافل بودند (۹۵) و اگر مردم مکه ایمان آورده و پرهیز کار میشدند هما نادرهای برکات آسمان و زمین رابروی آنها میگشودیم ولی چون تکذیب آیات وپیغمبران نمودند ما نیز آنان رابکیفر کردارزشت رسانیدیم (۹۶)

بهمین زودی مولودی از بنی اسرائیل بوجود آید که این دولت را از بین ببرد،فرعون تصمیم گرفت بر دفع این مولودودونفر قابله از قبطیان طلب نمود بآنها دستور داد که هر پسر از بنی اسرائیل متولد شودزنده نگذارند و چندافسر نیز مأمور کرد هر جا مولود پسری یافتند از طایفه بنی اسرائیل بقتل برسانند ودختران آنها را برای خدمت گذاری نگاهدارند چنانچه خداوند در قرآن میفرماید « یذبحون ابناءکم ویستحیون نساءکم » آنها بر حسب دستور ، هر پسری میدیدند سرش را از تن جدا مینمودند و در رود نیل میانداختند جمع بسیاری را باین کیفیت بقتل رسانیدند تا آنشبیکه منجمین تعیین کرده بودند که نطفهٔ آن مولود در رحم مادر قرار خواهد گرفت فرعون دستور داد در آنشب هیچ مردی با عیال خود هم بستر نشود مردان بنی اسرائیل را از زنان دور کرده و جدا نمودندچون آسیه دختر مزاحم عیال فرعون از بنی اسرائیل بود فرعون باخود گفت من امشب با وی مباشرت میکنم شاید آن مولود از رحم او پدید آید از اینجهة بزمینیکه اکنون اسکندریه است رفت و عمران راکه از اعوان و نزدیکان بود بهمراه برد و در درگاه خوابگاه خود بحراست واداشت نیمه‌شب از آنجا که تقدیر الهی جاری است یوکبد در سرای فرعون حاضر شد نزد عمران آمد وبااو هم بستر شد و از عمران بار برداشت و حامله گردید و بشتاب از نزد عمران بیرون

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ (٩٧) أَوَ أَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ
أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ (٩٨) أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ
إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ (٩٩) أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا
أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ (١٠٠)
تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا
كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ (١٠١)

رفت ستاره حضرت موسی در آسمان هویدا شد منجمین آثار منعقد شدن نطفه موسی را دریافتند ، غلغله بسیاری در میان ایشان افتاد بطوریکه فرعون مضطربانه از خواب بیدار شد از عمران پرسید چه خبر است وعمران گفت چون مردان بنی اسرائیل در یکجا جمع شدند بتعظیم فرعون این صدا ها را میکنند و آثار حمل بر یوکبد ظاهر نگشت ،پس از مدت حمل موسی متولد شد،وحی رسید بعمران صندوقی بسازد وموسی را درصندوق نهاده وسر آنرا محکم کند وبرود نیل اندازد،یوکبد موسی را درصندوق نهادو بکنار رود نیل آورد وبآب دریا انداخت ، آسیه عیال فرعون درقصریکه مشرف بدریا است نشسته مشغول تماشا بود،صندوقی را بدید دستور داد اورا بگیرند ونزدش ببرند صندوق راگرفته حضور وی آوردند چون سر آنرا باز کرد طفلی را مشاهده کرد مهر موسی در دل او جاگرفت دانست که طفل از بنی اسرائیل است از ترس فرعون درآبش انداخته اند او را موسی نام گذاشت یعنی بیرون کشیده شده از آب کنایه از آنکه از آبش برگرفته اند کلثوم خواهر موسی بفرموده یوکبد از دور بدید بانی ایستاده بود تا عاقبت کار موسی را بداند آسیه طفل را برداشته نزد فرعون بردو قصه را تا بآخر بیان نمود بعضی که در خدمت فرعون بودند گفتند مبادا این همان مولودی باشد که منجمین خبر داده اند فرعون قصد کشتن او را نمود آسیه شفاعت کرد و گفت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آیا اهل دیار از آن ایمنند که شبانگاه و در موقعی که در خواب هستند عذاب ما آنها را فراگیرد (۹۷) و یا اهل دیار که از یاد خدا غافل شده اند امین هستند که در روز و موقعیکه سرگرم بازی و غفلت دنیا میباشند عذاب ما بآنان نرسد (۹۸) آیا از مکر خدا غافل و ایمن گردیده اند؛ ایمن نمیشوند مگر مردم زیانکار (مراد از مکر خدا عذاب اوست (۹۹) آیا این مردمی را که بعد از مرگ اقوام گذشته وارث زمین شده اند خدا آگاه نفرمود که اگر ما بخواهیم بکیفر گناهشان میرسانیم و بر دلهای ایشان مهر زده تا بگوش دل چیزی نشنیده واز آن پند بگیرند (۱۰۰) این است شهر هائیکه ما اخبار اهلش را برای تو بیان کردیم برای همهٔ آنها پیغمبران با دلایل روشن آمد ولکن آنها را تکذیب کرده وایمان نیاوردند خداهم دلهای کافران را مهر نمود (۱۰۱)

من از هنجمین کشف حال کرده‌ام و اینک از شر آن مولود که خبر میدادند اطمینان حاصل کرده ام بهتر آنستکه از خون وی در گذری چه آثار برکت ازدیدار او هویدا است ،باشد که مارا سودی بخشد چنانچه خداوند حکایت میفرماید «وقالت امراة فرعون قرة عین لی ولك لا تقتلوه عسی ان ینفعنا او نتخذه ولداً وهم لا یشعرون» فرعون از قتل موسی در گذشت و او را بآسیه بخشید در صدد دایه بر آمدند تااو را شیردهد هر کس را که‌حاضر کردند پستان او را نگرفت روزدیگر کلثوم درجستجوی برادر بر آمد ، جمعی را دید که در طلب دایه بهر خانه میروند بآنها گفت من بانوئی از بنی اسرائیل را اطلاع دارم که فرزند او را کشته‌اند برای اینخدمت شایسته است ایشان گفتند او را حاضر کن تا این طفل را بوی رسانیم کلثوم نزد مادر آمده دید چنان در فراق موسی بیطاقت شده که نزدیك است راز خود را فاش کند همراه بوکبد بخانه فرعون رفت چون طفل را بدست او دادند پستان وی بگرفت و بنوشید آسیه از اینحال درشگفت آمد وگفت البته شیر این زن خوشبوی و شیرین است مادرموسی را بمزدوری گرفته و ضروریات او را مهیا ساخته طفل را باو سپرده تا شیر دهد و پرستاری کند از آن چنانچه میفرماید «فرد دناه الی امه کی تقر عینها ولا تحزن» مادرموسی فرزند را بخانه خویش آورد و پرستاری مینمود روزی آسیه موسی را گرفته نزد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فرعون برد پسر خوانده خویش را بر زانوی فرعون گذاشت موسی ریش او را بگرفت و چند موی از آن بر کنده و بخندید، فرعون این کار را مبارك نگرفت و گفتا منجمین را بیاد آورد باخود گفت مبادا چون بالغ و رشید شود چراغ دولت او را خاموش گرداند بهتر این است او را بقتل رسانم تا از این خیال فارغ و آسوده شوم، آسیه چون فهمید عرض کرد طفلانرا تکلیفی نباشد که کار آنها را کیفر دهند اگر پادشاه را این سخن باور نباشد اورا امتحان کنیم چنانچه این جسارت را بعمد کرده اورا بکشید والا ریختن خون طفل بی گناه چه سودی بخشد، سپس دستور داد طشتی پر از آتش افروخته و طبقی از یاقوت سرخ حاضر کنند تا موسی را آزمایش کرده آنحضرت خواست دست بر یاقوت برد جبرئیل آمد دستش را باز داشته و بروی آتش گذاشت موسی آتشی برگرفت و بر دهان نهاده زبانش بسوخت و از اینجهة در مخرج حرف سین لکنتی حاصل شد فرعون چون اینحال را مشاهده کرد از خون او در گذشت و بدایه باز سپرد تا بتربیت او اقدام کند یوکید فرزند را بخانه برده پرستاری کرد تا هنگام باز داشتن از شیر رسید او را از شیر باز گرفت و آسیه بخانه خود برد و هر روز بر بر اسباب تجمل وی میافزود چنانکه در ده سالگی او را چهارصد غلام بود و بعضی از مصریان موسی را پسر فرعون میدانستند چهل سال بدینطریق گذشت تا وقت مهاجرتش از مصر فرا رسید و کیفیت مهاجرت او را در سوره قصص بمناسبت آیه انشاءالله بیان خواهیم نمود.

ورود موسی بمصر برای دعوت فرعون

قوله تعالی: **و قال موسی یا فرعون انی رسول من رب العالمین**

چون موسی وارد بشهر مصر شد بنی اسرائیل را از نبوت و مبعوث شدن خود بر آنها آگاه ساخت و مردم را بپروردگار عزت دعوت نمود بنی اسرائیل باو ایمان آوردند و از رحمت خداوند که بسوی ایشان فرستاده شده شاد گشتند سپس از مصدر جلالت خطاب رسید بموسی اینك بنزد فرعون برو و او را بپرستش من دعوت کن موسی ببارگاه فرعون رفت باو فرمود ای فرعون من فرستاده خدای جهانیان هستم و از طرف خدا چیزی جز حق بخلق نگویم و دلیل روشنی از جانب پروردگار عالم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

برای شما آورده ام بنی اسرائیل را بهمراه من بفرست ، فرعون گفت اگر تو با دلیل آمده ای چنانچه راست میگوئی دلائل خود را بیاور ، موسی عصای خود را بیفکند ناگاه اژدهائی پدیدار گردید و دست خود رااز جیب در آورد برای بینندگان چون آفتاب درخشان شد .

عیاشی از صادقین علیهما السلام روایت کرده فرمودند فرعون برای آنکه از وجود حضرت موسی در امان باشد هفت قصر طولانی داخل یکدیگر بنا نموده و شیرهائی در آن قصر ها نگهداری مینمود که کسی از ترس آن حیوانات درنده قدرت ورود بآن ها را نداشته باشد زمانیکه موسی به نبوت مبعوث شده و برای ملاقات فرعون آمد داخل قصر شد شیر ها او را دیده دمهای خود را از ترس حرکت داده و عقب عقب میرفتند و موسی بهر قصری میرسید دروازه آن قصر بروش باز میشد تا بقصرفرعون نزدیك شد با همان لباس پشمینه و شده و عصائیکه در دست داشت درب قصر نشسته اجازه ورود خواست کسی باو اعتنائی نکرد موسی گفت من فرستادهٔ خدا هستم باز هم توجهی ننمودند مدتی توقف و اصرار ورزید در بعض روایات شش روز توقف موسی درب قصر فرعون بود)فرعون گفت آیا جز تو پروردگار رسولی نداشت که بفرستد ؟ موسی در خشم شد و با عصا چنان بدر قصر زد که تمام درهای قصر باز شد نظر کرد دید فرعون بر تخت سلطنتی نشسته و تخت او در عمارتی بود که هشتاددرع ارتفاع داشت موسی وارد شده برفرعون گفت من فرستادهٔ پروردگارم ، فرعون گفت اگر راست میگوئی معجزه ای بنما موسی عصای خود را انداخت اژدهائی شد دهان باز کرد یکطرف دهان را بزمین و طرف دیگر را بالای قصر نهاد و چنان از دهانش شعله های آتش بیرون میآمد و دیده گانش مانند کوره آهنگران می افروخت و هرلحظه مجلسیانرا تماشا میکرد و بر می آشفت و دندانها را چون سندانهای آهن بر هم میکوفت ولوله و غوغائی در اهل مجلس افتاده و مردم از بام و در فرومیریختند و فرعون سربزیر افکنده بود وزیرچشمی نگاه میکرد دید اژدها ازدهانش آتش شعله ور است از شدت ترس برو در افتاد و محدث شد پس از بهوش آمدن بموسی گفت اژدها را بگیر فرعون در اندیشه فرو رفت که مبادا مردم بموسی ایمان آورند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ودر کارسلطنت ومملکت لغزشی وسستی پدید آید بنای مشورت را با قوم خود گذاشت آنها که پانصد نفر بودند از اشراف قبطیان و هر روزدر دربار فرعون حاضر میشدند گفتند که این شخص ساحر بسیار ماهر و دانائیست میخواهد شما را از دیار ومملکت خود آواره کند فرعون بموسی گفت میخواهی بجادو گری و ساحری ما را ازمصر بیرون کنی و بنی اسرائیل را بسلطنت نشانی ؟! سپس رو کرد بقوم خود و گفت در باره او چه دستور میدهید ؟ گفتند موسی و برادرش هارون را مدتی مهلت داده و کسانی را بشهر ها بفرست تا ساحران زبر دست را بحضورت بیاورند ، فرمود حضرت صادق علیه السلام ندیمان فرعون در آنزمان تمام حلال زاده بودند چه اگر میان آنها حرام زاده بود میگفتند او را بکشید و در نتیجه موسی بقتل میرسید بفرعون گفتند او رامهلت بدهید سپس آنحضرت دست مبارك را بسینهٔ خود گذاشت و فرمودند مارا کسی نمیکشد مگر آنکه حرام زاده باشد .

فرعون ماموراني برای جمع آوری ساحران فرستاد هفتاد و دو نفر از استادان سحره بدرگاه فرعون حاضر شدند و مردم شهر را آگاه کردند که جمع شوند دردربار فرعون همینکه ساحران آمدند باو گفتند آیا چنانچه ما بر موسی غلبه کنیم اجرو پاداش شایان خواهیم یافت ؟ فرعون پاسخ داد بلی علاوه بر آن از مقربان دربار من خواهید گشت ،فرعون بر غرفه خاص خود بنشست و موسی و هارون در میان انجمن در آمده بایستادند مردم انتظار میکشیدند تا به بینند ظفر برای کدامیك از این دو طایفه است استادان سحره بموسی گفتند تو مختاری که اول عصای خود را بیفکنی یا آنکه مابساط سحر خویش را بیفکنیم، موسی گفت نخست شما بیفکنید وهمینکه بساط خود را گستردند بجادوگری چشم مردم را بسته و سحری بزرك و هول انگیز بر انگیختند مردم چون بدیدند ترسیدند و پای بر سر هم نهاده باز پس شدندموسی ترسید مبادا کار آنحضرت را نیز ازاین قبیل پندارند و از نوع سحر و ساحری شمارند ناگاه از مصدر جلالت خطاب رسید که عصای خود را بیفکن ناگهان موسی عصای خویش را افکندو بصورت اژدهائی بر آمد وهرچه آنها بافته بودندهمه را بلعید وحق ثابت شد و اعمال ساحران همه باطل گردیدساحران با آن همه سحر بزرك در آنجامغلوب

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

شدند و خوار و کوچك باز گشتند و در مقابل قدرت خدا و معجزه موسی بسجده افتادند و گفتند ایمان آوردیم بخدای جهانیان خدای موسی و هارون و ساحران دانستند که جدال با موسی خطاست و این کار از سحر و ساحری بیرون است فرعون از ایمان آوردن ساحرین درغضب شد بآنها گفت ایمان بموسی آوردید پیش از آنکه من بشما اجازه بدهم همانا موسی استاد و آموزگار شماست و این جادو ها را از او آموخته اید این حیله ای بود که شما اندیشیده بودید تا مردم این شهر را بیرون کنید بزودی خواهید دانست چگونه کیفر دهم شما را دست و پاتان را بکیفر این مخالفت بریده و جسدتان را بدار بیاویزم تاعبرت دیگران باشد ایشان گفتند ما از مرك نمیترسیم زیرا بسوی خدای خود باز میگردیم کیفر تو بما نیست جز آنکه بآیات پروردگار ایمان آورده ایم پروردگارا بما صبر عنایت فرما و ما را بآئین اسلام بمیران و ایشان بفرعون گفتند ما هرگز ترا اختیار نکنیم و از دین خود بر نگردیم با آن همه معجزات ظاهر که دیده ایم اینك هرچه خواهی کن که ما بداش نامتناهی را بکیفر یك روزه نخواهیم داد فرعون امر کرد دست و پای هریك را ازجانب راست ودیگری راازطرف چپ بریدند و بدنهای آنها را بدرختها آویختند و از قبطیان هفتاد طایفه بموسی ایمان آوردند فرعون بهرکس دست میبافت او را بقتل میرسانید و فرمان داد تا عذاب و آزار بنی اسرائیل را دو چندان کنند جمعی از سران قوم فرعون گفتند آیا موسی و پیروانش را رها میکنی تا در این سرزمین فساد کرده و خدائی ترا ترك کنند فرعون گفت بزودی پسرانشان را بقتل میرسانم و زنان را زنده نگاه داشته و در رنج اسیری بگذارم و ما بر آنها غالب و بر هلاکت ایشان توانائی داریم موسی چون بمیان بنی اسرائیل آمد گفتند باو اگر چه مادر ذلت بندگی و رقیت بودیم اما اینگونه شکنجه وعذاب را نمیدیدیم همانا این دعوی و دعوت شما شمشیری بود که برای قتل ما بدست فرعون دادی حضرت موسی بقوم خود گفت از خداوند طلب یاری نموده و صبر پیشه کنید زمین ملك خداست و بهرکس از بندگان که بخواهد واگذارد و سعادت مخصوص پرهیز کاران میباشد.

در کافی ذیل آیه «ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده» ازحضرت باقر علیه السلام

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ مَا وَجَدْنَا لِاَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَ اِنْ وَجَدْنَا اَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ (١٠٢) ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَى بِاٰيَاتِنَا اِلَى فِرْعَوْنَ وَ مَلَائِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (١٠٣) وَ قَالَ مُوسَى يَا فِرْعَوْنُ اِنِّى رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (١٠٤) حَقِيقٌ عَلَى اَنْ لَا اَقُولَ عَلَى اللّٰهِ اِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاَرْسِلْ مَعِيَ بَنِى اِسْرَائِيلَ قَالَ (١٠٥) اِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِاٰيَةٍ فَاْتِ بِهَا اِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ (١٠٦)

روایت کرده فرمود در قرآن علی بن ابیطالب علیه السلام است که مرقوم داشته من و اهلبیت اشخاصی هستیم که وارث زمین بوده و ما قیم پرهیزکاران و تمام روی زمین برای ماست هرکس از مسلمانان آنرا عمران و آباد نماید باید خراجش را بامامان از نسل و فرزندان من بدهد در این صورت استفاده نمودن از زمین برای او حلال میشود تا وقتیکه ظاهر بشود فرزند یازدهمی من حضرت قائم علیه السلام و حیازت کند اراضی راهمانطوریکه پیغمبر صلی الله علیه و آله حیازت نمود وغیرشیعیان را ازتصرف زمین منع کند و با شیعیان در متصرفات آنها مقاطعه کاری نموده و میگذارد که در دست ایشان بماند قوم موسی باو گفتند ماهم پیش از رسالت تو و هم بعد از آن به رنج و شکنجه دشمن مبتلا بودیم، موسی گفت غم مخورید امید است که خدا دشمن شما را هلاک سازد و در زمین شما را جانشین آنها گرداند آنگاه بنگرد تا شما چه خواهید کرد و خطاب رسید از جانب پروردگار بموسی که ایموسی من ایشان را بپیروی قوی خود از مصر بیرون خواهم آورد باتفاق هارون نزدفرعون بروید باو بگوئید که خداوند میفرماید بنی اسرائیل را رخصت ده تا ازمصر بیرون شده در بیابان مرا عبادت کنند و اگر سخن تورا نپذیرد ما طوفانی بفرستیم که تمام زراعات آنهارا ازبین ببردچون بعضی از مردمان ایمان آورده بودند هامان بفرعون گفت جمعی بموسی ایمان آورده اند دستور دهید

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ومانیافتیم بیشتر مردم را درعهد خود استوار بلکه اکثر آنها را عهد شکن وبدکار یافتیم (۱۰۲) بعد از آن پیغمبران موسی را با آیات و ادله بسوی فرعون و قومش فرستادیم آنها هم با آن آیات مخالفت و سرکشی کردند بنگر که چگونه بود عاقبت کار ، آن تبه کاران (۱۰۳) موسی گفت ای فرعون محقق بدان که من فرستادهٔ خدای جهانیان هستم (۱۰۴) سزاوار آنم که از طرف خدا چیزی جز حق بخلق نگویم و

دلیل روشنی از جانب پروردگار عالم برای شما آوردم

بنی اسرائیل را بهمراه من بفرست فرعون گفت

اگر تو راست میگوئی دلائل

خود را بیاور (۱۰۶)

تا آنها را زندانی کنند فرعون امر کرد بنی اسرائیل را زندانی کردند موسی بدستور خدا بفرعون گفت اگر آنها را آزاد نسازی ورها نکنی خداوند دراین سال طوفانی بفرستد که تمام زراعت شما را از بین برده و قصرهای شما بطوری ویران شود که در بیابانها چادر بزنید ، و چون چنین شد فرعون بموسی گفت دعا کن تا طوفان بر طرف شود من بنی اسرائیل را رها کنم ، هامان بفرعون گفت اگر آنانرا رها کنی موسی بر تو غلبه خواهد یافت و سلطنت تو از بین میرود سخن هامان در فرعون اثر کرد و آنها را رها ننمود ، سال دوم خداوند ملخ را فرستاد که کلیه زراعت ها و درختهای را خورده حتی موهای بدن مردم را نیز خوردند و بشدت و سختی مبتلا شدند فرعون نزد موسی ناله و شکایت کرده و گفت ایموسی دعا کن خداوند این بلا را بر طرف سازد تا بنی اسرائیل را رها کنم ، باز هامان نگذاشت سال سوم شپش و کك را بر آنها مسلط ساخت و این اولین مرتبهٔ بود که خداوند آفت مزبور را ایجاد کرد و قبل از آن سابقه نداشت باز هم بنی اسرائیل را رها ننمودند تا آنکه خداوند قورباغه را بر آنها مسلط کرد و در طعام و شراب آنها پیدا شد و ازسوراخهای گوش و بینی آنها داخل می‌شدند و ازدهانشان بیرون میآمدند خدمت موسی رفته وباگریه و زاری درخواست کردند که دعا کن تا خداوند این آفت را از ما دور نماید و ما بتو ایمان آورده

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فَاَلْقٰی عَصَاهُ فَاِذَا هِیَ ثُعْبَانٌ مُبِیْنٌ (١٠٧) وَ نَزَعَ یَدَهُ فَاِذَا هِیَ بَیْضَاءُ لِلنّٰظِرِیْنَ
(١٠٨) قَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اِنَّ هٰذَا لَسٰحِرٌ عَلِیْمٌ (١٠٩) یُرِیْدُ اَنْ یُخْرِجَكُمْ
مِنْ اَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَاْمُرُوْنَ (١١٠) قَالُوْا اَرْجِهْ وَ اَخَاهُ وَ اَرْسِلْ فِی الْمَدَائِنِ
حٰشِرِیْنَ (١١١) یَاْتُوْكَ بِكُلِّ سَحّٰرٍ عَلِیْمٍ (١١٢) وَ جَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوْا
اِنَّ لَنَا لَاَجْرًا اِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغٰلِبِیْنَ (١١٣) قَالَ نَعَمْ وَ اِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِیْنَ (١١٤)
قَالُوْا یٰمُوْسٰی اِمَّا اَنْ تُلْقِیَ وَ اِمَّا اَنْ نَكُوْنَ نَحْنُ الْمُلْقِیْنَ (١١٥)

بنی اسرائیل را نیز رها نمائیم موسی دعا کرد تا عذاب بر طرف شد ولی باز ازرهائی بنی اسرائیل امتناع ورزیده و خداوند آب نیل را برای قبطیان خون گردانید آنها آب رود را خون میدیدند بنی اسرائیل هروقت آب میآشامیدند آب بود ولی قبطیان که میآشامیدند خون بود حتی به بنی اسرائیل میگفتند که از آبی که دردهان خود میبرید بدهان ما بریزید چون بدهان قبطیان میریختند مبدل بخون میشد ناله و فریاد زیادی کرده و از موسی استدعا نمودند که این دفعه اگر رفع عذاب و بلابنماید حتما بنی اسرائیل را رها کنیم چون بر اثردعای موسی این عذاب هم مرتفع گردید باز بوعده خود وفا ننمودند لذا خداوند برف بر آنها بارید که پیش از آن ندیده بودند و بر اثر آن جمع کثیری از آنان مردند و آنها که بودند ناله و فریادشان بلند بود . موسی از خداوند درخواست کرد برف منقطع گردید

باز فرعون بوعده خود عمل ننمود باردیگر موسی نزد فرعون آمد برای مرخصی بنی اسرائیل امتناع نمود موسی دعا کرد تمام مصر را پشه فرو گرفت و در خانهٔ قبطیان پشه گوناگون فرود آمد هفت روز این بلا شایع بود کار بر فرعون تنك شد فرستاد تا موسی را آوردند گفت ایموسی من بنی اسرائیل را اذن میدهم تا در خانهای خود برای خدای خویش قربانی کنند موسی گفت چگونه میشود در شهریکه همه کس

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

موسی عصای خود را بیفکند واژدهائی پدیدار گردید (۱۰۷) ودست خود را از جیب بدر آورد ناگاه برای بینندگان چون آفتاب درخشان شد (۱۰۸) گروهی از قوم فرعون گفتند که این شخص ساحری بسیار ماهر وداناست (۱۰۹) قصد آن دارد که شمارا از سرزمین خودتان بیرون کند اکنون درباره او چه دستور میدهید (۱۱۰) گفتند موسی و برادرش هارون را مدتی مهلت داده و کسانی را بشهرها بفرست (۱۱۱) تا ساحران زبردست را بحضورت بیاورند (۱۱۲) فرعون برای جمع آوری ساحران فرستاد و همینکه آمدند بفرعون گفتند آیا چنانچه ما بر موسی غلبه کنیم اجر و مزد شایان خواهیم داشت (۱۱۳) فرعون پاسخ داد بلی علاوه بر آن از مقربان درباز خواهید گشت (۱۱۴) ساحران بموسی گفتند تو مختاری که اول عصای خودرا بیفکنی یا آنکه ما بساط سحر خویش را بیفکنیم (۱۱۵)

مخالف باشد کسی بر خلاف ایشان رفتار کند رخصت بده تا در بیابان قربانی کنند گفت رخصت میدهم بشرط آنکه دور نشوند اکنون دعا کن تا این بلا از ما بر گردد چون موسی دعا کرد و آن بلیه بر طرف شد باز فرعون امتناع کرد از رها نمودن بنی اسرائیل، موسی دعا کرد تمام حیوانات و چهار پایان بنی اسرائیل در صحرا مردند دل فرعون نرم نشد و بنی اسرائیل را مرخص نکرد، آنگاه بفرمان خداوند موسی نزد فرعون رفت و قدری خاکستر از کوره حدادی همراه خود برد موسی آن خاکسترا مشت مشت پر میکرد بسوی آسمان میپاشید از هوا پراکنده و دانهای آبله سوزنده میگشت و در بدن قبطیان هویدا میشد فرعون بگریه و زاری بموسی گفت این بلارا از ما بر گیر و قوم خود را هر کجا میخواهی ببر موسی از خدا تقاضا کرد آن بلا مرتفع شد فرعون بوفای خود عمل ننمود موسی در غضب شد دست بسوی آسمان بلند کرد جهان را ظلمت و تاریکی فرا گرفت چنانکه قبطیان سه روز یکدیگررا نمیدیدند کار بر فرعون سخت شد بزرگان قبطی گفتند ایفرعون هیچ میدانی که مصر رو بویرانی نهاد و محاجه تو با این قوم خاك ما را بر باد داد ایشان را رها کن تا خنقی آسوده شوند، فرعون گفت ایموسی قوم خود را بر داشته با فرزندان از این شهر بیرون روید و خداوند خود را عبادت کنید اما حیوانات خود را بجا بگذارید موسی گفت حیوانات

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قَالَ اَلْقُوا فَلَمَّا اَلْقَوْا سَحَرُوا اَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاؤُ بِسِحْرٍ
عَظِيمٍ (١١٦) وَاَوْحَيْنَا اِلَى مُوسَى اَنْ اَلْقِ عَصَاكَ فَاِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا
يَأْفِكُونَ (١١٧) فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١١٨) فَغُلِبُوا
هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ (١١٩) وَاُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ (١٢٠) قَالُوا
آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ (١٢١) رَبِّ مُوسَى وَهَرُونَ (١٢٢) قَالَ فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ
بِهِ قَبْلَ اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ اِنَّ هٰذَا لَمَكْرٌ مَكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا
اَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ (١٢٣)

را میخواهیم برای قربانی ببریم فرعون بر آشفت و بموسی گفت دورشوازپیش من دیگر روی مرا نبینی که هلاك خواهی شد و امان نخواهی یافت موسی گفت این سخن بحق گفتی زیرا من روی ترا نخواهم دید واز نزد او بیرون آمد و میان قوم خودرفت فرعون بنی اسرائیل را رها کرده نزد موسی آمدند آنحضرت اسباب بیرون رفتن از مصر را مهیا نمود از مصدر جلالت وحی رسید بموسی که ببنی اسرائیل بگو زیورو حلی قبطیان راعاریه بگیرند و هنگام خروج از مصر همراه خود ببرند

بنی اسرائیل از نظر معجزات موسی چنان در نظر قبیطیان بزرك بودند که از هرکس اسباب وآلات گران بها وکمرهای زرین وزیورهای گوهرین طلب میکردند بی مضایقه بعاریه میدادند و در شهر مصر کمتر کالای نفیس باقی ماند که بنی اسرائیل بعاریه نبردند آنگاه خطاب آمد ایموسی این ماه که ماه نیسان است اول سال شماباشد بنی اسرائیل را بگو هر نفری یك گوسفند ویا بز یکساله و نرینه گرفته در خانه خود نگاه دارند و در عصر چهاردهم آنرا ذبح کنند و گوشت آنرا کباب کرده بخورند وچیزی از آن باقی نگذارند و اگر بماند بآتش بسوزانند ونان فطیر بپزند وباسبزی

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

موسی گفت شما بیفکنید و همینکه بساط خود راگستردند بجادوگری چشم مردم‌را
بسته و آنها بسختی هراسان شده و سحری بزرك وهول انگیزبر انگیختند (۱۱۶)ما
بموسی وحی نمودیم که عصای خود را بیفکن که ناگهان هر چه آنها بافته‌بودند همه
را بلعید(۱۱۷)و حق ثابت شده و اعمال ساحران همه باطل گردید (۱۱۸)ساحران با
آن سحر بزرك در آنجا مغلوب شده و خوار و کوچك باز گشتند (۱۱۹)و در مقابل
قدرت خدا و معجزه موسی بسجده افتادند(۱۲۰) وگفتند ایمان آوردیم بخدای
جهانیان (۱۲۱) خدای موسی و هرون (۱۲۲) فرعون گفت ایمان آوردید
پیش از آنکه من بشما اجازه بدهم همانا این کیدی‌است که شما
اندیشیده بودیدتاکه مردم این شهر راازبیرون کنید بزودی‌خواهید
دانست که شما را چگونه کیفر دهم (۱۲۳)

تلخ تناول کنند و باید کمر را بسته و نعلین دربا و عصادر دست و اینکار را بشتاب
بجا آورند که این فصح خداوند است موسی فرمان خدا را بقوم رسانید و ایشان
امتثال امر نمودند چون شب پنجشنبه چهاردهم نیسان که مطابق ماه ایپ قبطیان‌بود
فرا رسید موسی فرمود تاقربانی فصح راانجام دهند و گفت کسی از خانه بیرون نرود
که شب بسیار هولناکی خواهد بود امشب قهر خداوند بر مصر فرود میآید چون
نیمه شب شد نخست فرزندان تمام فرعونیان مردند وهلاك شدند، شورش بسیاری در
تمامی شهر و خانها افتادفرعون در همانشب نزد موسی شخصی را فرستاد و گفت همین
ساعت بر خیزید و باقوم خود بیرون روید و آنچه را دارید همراه خود ببرید کسی
دیگر مزاحم شما نخواهد بود و اهل مصر همه آمدند و اصرار کردند که الان
برخیزید و بیرون بروید که ما را دیگر توانائی‌دربلا نمانده است و از هیبت وبزرگی
بنی اسرائیل حلی و زیور های خود را طلب نمیکردند و با جان منت داشتند که بنی
اسرائیل بروند و اندوخته ایشان را با خود ببرند در آن‌هنگام وحی رسید بموسی
بنی اسرائیل را درهمین شب حرکت دهوآنها را ازمصربیرون‌ببرچنانچه قرآن‌حکایت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ (١٢٤) قَالُوا
إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ (١٢٥) وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا
جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ (١٢٦) وَقَالَ الْمَلَأُ
مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذَرَكَ وَ
آلِهَتَكَ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ(١٢٧)
قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ
يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ (١٢٨)

میکند «واوحینا الی موسی ان اسر بعبادی لیلا انکم متبعون» در همانشب بنی اسرائیل از مصر بیرون آمدند و یك منزل راه پیمودند و بسکوت فرود آمده منزل کردند موسی بقوم فرمود تا هفت روز باید میان شما این نان فطیر پخته شود و روز هفتم را عید فصح گیرید و نخست بچه گوسفندان خود را قربانی کنید بعوض اول فرزندان خود فدا دهید که از مصر نجات یافتید و این عید در بین فرزندان شما همیشه بماند بنی اسرائیل از کنار دریای قلزم گذشتند و روز ها ستونی از ابر در پیش روی آنها حرکت میکرد همه قوم بدنبال او میرفتند چون شب فرا میرسید آن ستون مبدل بآتش میشد و روشنائی میداد همانطور دلیل راه آنها بود خلاصه از بیابان سکوت حرکت کرده و در ایثام خیمه زدند و از آنجا بمجدول فرود آمدند سپس در کنار دریای احمر خیمه های خود را بر افراشتند پس از بیرون آمدن بنی اسرائیل ازمصر فرعون در بحر فکر غوطه ور شد و متوجه شد بنی اسرائیل از قید بندگی او بیرون رفتند و اشیاء نفیسه قبطیان را با خود بردند درغضب شد تصمیم گرفت بشتاب ایشان را دنبال کند مامورینی فرستاد از هر آبادی و قریه که نزدیك شهر بود لشکر هنی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

دست و پای شما را بکیفر این مخالفت بریده و همه را بدار خواهم آویخت (۱۲۴) گفتند ماازمرك نمیترسیم زیراکه بسوی خدای خود بازمیگردیم (۱۲۵) وتو ازماکینه کشی نمینمائی مگر آنکه ماباآیات پروردگارمان ایمان آورده‌ایم خدایابما صبرعنایت فرما و ما را بآئین اسلام بمیران (۱۲۶) جمعی ازسران قوم فرعون گفتند آیا موسی و پیروانش را رها میکنی تا در این سر زمین فساد کرده و خدائی تو را ترك کنند گفت بزودی پسرانشان راهی کشم و زنان را زنده نگهداشته ودر رنج اسیری بگذارم و ما بر آنها غالب و بر هلاکت ایشان اقتدار داریم (۱۲۷) موسی بقوم خود گفت از خداوند طلب یاری نموده وصبر پیشه کنید که زمین ملك خداست وبهر کس ازبندگان که بخواهد واگذاردهمانا عاقبت نیکومخصوص پرهیزکاران واعل تقوی است (۱۲۸)

فراهم کنند قشون بسیاری آماده کرد و گفت باید دنبال کنیم و آن گریختگان را دستگیر کرده و بکیفر رسانیم آنگاه دستور داد ارابه خاص خود را از مصر بیرون آوردند و ششصد ارابه دیگر مهیا نمود که بر هریك امیر فوجی قرار بگیرد ودستور داد ششصد هزار مرد کار آزموده بر مقدم سپاه روانه شوند و بشتاب حرکت کنند بنی اسرائیل که در کنار دریای احمر خیمه زده بودند ناگاه مشاهده کردند لشگر فرعون‌باپرچمهای بتعجیل رو بآنها میآیند ترسان و هراسان شدند و دراطراف موسی جمع شده گریه و زاری مینمودند، آنحضرت فرمود نترسید پروردگار یار و یاور ما خواهد بود در آن هنگام وحی رسید بموسی ایموسی امروز جلال و عظمت خود را بر فرعون و سپاهیان او ظاهر خواهیم کرد و ایشان را ذلیل و شجاع خواهیم ساخت تا بدنبال شما بتازند و خود را بهلاکت اندازند اینك عصای خود را بر دریا بزن تا آب شکافته خشکی نمایان شود موسی عصای خود را بدریا زد دوازده کوچه و راه عریض‌نمودارشد بادهشرقی وزید، بن دریارا خشك کرد وهرسبطی‌ازبنی‌اسرائیل‌ازراه دریا عبور کردندوآن‌ستون ابر که ازپیش روی‌آنها عبور مینمود تاریك کردمیان‌ایشان

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قَالُوا اُوذِينَا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَأْتِيَنَا وَ مِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ
اَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَ يَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ (١٢٩)
وَلَقَدْ اَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصٍ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ
(١٣٠) فَاِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هٰذِهِ وَ اِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا
بِمُوسَى وَ مَنْ مَعَهُ اَلَا اِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللّٰهِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
(١٣١) وَ قَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ (١٣٢)

و فرعونیان را و همه آنها عبور کردند نفر آخر که بنی اسرائیل که از دریا خارج شد و آخرین نفریکه از فرعونیان داخل دریا گردید آب دریا بهم آمد فرعون برهلاك خود یقین کرد ودانست که ازدریا بیرون نخواهد شد ناچاربدر گاه پرورد گار دست برداشت و عرض کرد ایمان بخدای بنی اسرائیل آوردم و جز آن خدائی نمیدانم جبرئیل مشتی از لجنهای دریا بردهن او زد و گفت سالها کفر ورزیدی و دعوی خدا کردی و با پیغمبران خدا خصومت نمودی اکنون که دانستی دیگر رهائی نیست ایمان آوردی آب دریا بحال خودبر گشت وفرعون با لشگریانش غرق شدند وتمام بنی اسرائیل نجات یافتند و تا هفت روز دریای احمر در طلاطم بود و نعش قبطیان را بکنار میانداخت و بنی اسرائیل لباسهای آنان را از تن آنها بیرون میآوردند و میربودند موسی منع میکرد بنی اسرائیل را از این عمل آنها نمی پذیرفتند و آن البسه وحلی تماماً سرمایه فتنه سامری شد و در سوره بقره ذیل آیه ٥٠ بخش اول شرح غرق فرعونیان و نجات بنی اسرائیل رابیان نمودیم بانجامراجعه شود وپس ازبیرون آمدن ازدریا سهٔ روزطی مسافت کردند و بدشت ماره فرود آمدند آب شیرین نیافتند بدستور موسی درختی از آن بیابان قطع کرده و در آب افکندند آب شیرین شد سپس از ماره کوچ کرده بایلم رسیدند و از آنجا حرکت نموده و ببیابان سین رسیدند بجماعتی بت پرست نظر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قوم موسی باو گفتند که ماهم پیش از رسالت تو وهم بعداز آن به رنج و شکنجه دشمن مبتلا بودیم موسی گفت غم مخورید امید است که خدا دشمن شمارا هلاك سازد ودر زمین شمارا جانشین آنها کند آنگاه بنگرد تا شما چه خواهید کرد (۱۲۹) و ما فرعونیان را به قحط سالی سخت و نقص و آفت برکشت و زرع دچار کردیم تا متذکر شوند ودست از ستم وه‌مخالفت بردارند (۱۳۰) هر وقت نیکوئی بآنها میرسید آنرا بشایستگی خود نسبت داده و هر پیش‌آمدبدی که روی مینمود فال بد بموسی و پیروانش میزدند آگاه باشید که فال بدآنها نزد خداست اما بیشتر آنها بر این امر آگاه‌نیستند (۱۳۱)فرعونیان بموسی گفتندا گرتو آیات ومعجزاتی آورده‌ای که‌ما راباآن‌سحر کنی بدانکه هرگز ما بتوایمان نخواهیم آورد(۱۳۲)

کرده بموسی گفتند مانند خدایان بت پرستها برای ما نیز خدائی قرار بده موسی فرمود شما مردم نادانی هستید خدایان بت پرستها نابود شدنی است و عقاید و آئین آنها باطل است آیا غیرخدا را بخدائی میطلبید درحالیکه خدا شما را برعالمیان‌زمان خود برتری و فضیلت بخشیده.

میقات موسی و نزول تورات

قوله تعالی :و واعدنا موسی ثلثین لیلة

ابن بابویه از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند بموسی وحی رسانید کتاب تورات را که محتوی احکام است در ظرف چهل روز که ماه ذیقعده و دهه اول ذیحجه باشد نازل‌میکنم موسی باصحابش گفت خداوند بمن وعده‌فرموده که تا سی روز تورات را بر من نازل کند و بنا بامر خداوند و برای آنکه اصحابش بی حوصله نشوند نگفت که چهل روز بطول میانجامد برادرش هرون را جانشین خود نموده و بمیقات رفت همینکه سی روز گذشت و موسی نیامد بنی اسرائیل غضبناك شده و تصمیم بکشتن هرون گرفته و گفتند موسی بما دروغ گفت و از دست مافرار

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ
فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ (١٣٣) وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا
مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ
وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ (١٣٤) فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ
بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ (١٣٥) فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ
فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ
كَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ (١٣٦)

کرد و گوسالهٔ ساخته و به پرستش آن قیام کردند و چون روز دهم ذیحجه رسید خداوند الواح تورات را که در آن احکام دین و اخبار و قصص و مستحبات و هر آنچه مورد نیاز آنها بود بر موسی نازل کرده و با موسی سخن گفت موسی بسوی قوم خود بر گشت بآنها خبر داد خداوند مرا مقرب درگاه خود قرار داده و با من تکلم نموده بنی اسرائیل گفتند ما این بیان تورا تصدیق نکنیم جز آنکه ما هم سخنان خدا را شنیده جمعیت بنی اسرائیل هفتصد هزار نفر بودند موسی از میان ایشان هفتصد نفر را بر گزید و از بین آنها هفتاد نفر را انتخاب کرد همراه خود بطور سینا برد تا آنها مکالمات خدا را با موسی بشنوند وقتی صدای حق را شنیدند طالب دیدار او شدند و گفتند ما گواهی ندهیم که این سخنان از پروردگار است، تا خدا را آشکار مشاهده نکنیم تصدیق تورا نخواهیم کرد موسی بتقاضای آنها عرض کرد خدایا خودرا آشکار بما بنما خطاب رسید هرگز مرا نخواهید دید بکوه بنگرید اگر او با آن عظمت و سختی هنگام تجلی بجای خود قرار گرفت شماهم توانید مرا مشاهده کنید همینکه نور خدا بر کوه جلوه گر شد موسی از وحشت صیحهٔ زد و بیهوش شد و صاعقهٔ زد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بر آنها طوفان و ملخ و شپشك و قورباغه و خون شدن آب فرستادیم ولی باز طریق
گردنکشی پیش گرفته و قومی گناهکار شدند (۱۳۳) و چون بلا بر آنها مسلط شد
بموسی گفتند که از خدا بخواه تا این بلا را از ما دور کند باین شرط اگر رفع بلا
شود البته بتو ایمان آورده و بنی اسرائیل را بهمراهی تو میفرستیم (۱۳٤)
چون بلا را از سر آنها رفع کردیم تا مدتی که متعهد شده بودند
ایمان آوردند وهمینکه مدت بپایان رسید پیمان خود
را شکستند (۱۳۵) ما هم از آنها انتقام
کشیده و آنها را در دریا غرق
کردیم چونکه آیات ما را
تکذیب و از آن غفلت
نمودند (۱۳۶)

آن هفتاد نفر هلاك شدند و کوه از هم متلاشی و پاشیده شد و بدریا ریخت و هنوز
هم در دریا فرو رفته درهای آسمان گشوده شد و فرشتگان نازل شدند خطاب رسید
بآنها موسی را دریابید تا هلاك نشده فرشتگان موسی را احاطه نموده باو گفتند این
چه در خواست بیموردی بود که از درگاه ربوبیت نمودی توبه کن موسی چشم
خود را گشوده مجدداً بکوه نظری افکنده دید فریادی عظیم از آن برخاسته برو در
افتاد و قالب تهی کرد و از ترس خداوند آنچه مشاهده نموده بود مرد سپس خداوند
روح او را بر گردانید موسی سر از زمین برداشت و حالش بهبودی یافت گفت خدایا
تو منزه و برتری از آنکه بدیده مشاهده شوی بدرگاه تو، توبه نمودم و من اول کسی
هستم که ایمان دارم بچشم دیده نشوی سپس موسی گفت پروردگارا اگر مشیت تو
تعلق گرفته بود که همه آنها را هلاك گردانی پیش از حضور در وعده گاه مینمودی
آیا ما را بکار سفیهان هلاك خواهی کرد این کار را جز برای امتحان نمی نمائی
پروردگارا چگونه بسوی قوم بروم و جواب آنها را چه بگویم خواهند گفت
برگزیدگان ما را بکوه بردی و بقتل رسانیدی و تو راست نمیگوئی خداوند آن عده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَى بَنِي اِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَ دَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَ قَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ (١٣٧) وَجَاوَزْنَا بِبَنِي اِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَاَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى اَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا اِلَهاً كَمَا لَهُمْ اٰلِهَةٌ قَالَ اِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ (١٣٨) اِنَّ هٰؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَا هُمْ فِيهِ وَ بَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٣٩)

را زنده نمود و ذیل آیه ٥٥ سوره بقره روایتی ذکر نمودیم بآنجا مراجعه شود

ابن بابویه بسند خود از هشام در آیه «قل رب ارنی انظر الیك قال لن ترانی» روایت کرده گفت حضور حضرت صادق علیه السلام بودم که معاویة بن وهب و عبدالملك بن اعین وارد شدند معویه حضورش عرض کرد فدایت شوم چه میفرمائید در آن حدیثی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت میکنند که آنحضرت پروردگار را مشاهده نموده‌اند آیا خدا را بچه صورتی دیده‌اند و یا حدیثی که از امیرالمؤمنین روایت شده که فرموده‌اند مؤمنین در بهشت پروردگار را مشاهده میکنند این مشاهدات بچه صورتی است حضرت صادق علیه السلام تبسمی نموده و فرمود ای معاویه چقدر قبیح است بر مردی که هفتاد و یا هشتاد سال در ملك خدا زندگی نموده و در اینمدت از نعمت های او تناول کرده و خدائی که او را آفریده و باو نعمت عطا فرموده بطوریکه سزا باشد نشناخته، ای معاویه رسول اکرم صلی الله علیه و آله باچشم مشاهده نکرده بدانکه دیدن بدو طریق میسر است یکی دیدن با چشم و یکی دیدن بدل وقلب اگر کسی بگوید خدا را بچشم دل دیده‌ام راست گفته وصحیح است وهر آنکه مدعی شود که خدا را بچشم سر دیدم دروغ گفته وبخدا کافر شده و آیات قرآن را تکذیب نموده است زیرا پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده هر کس خدا را بمخلوقاتش تشبیه کند کافر است و حدیث کرده پدرم از پدرش امام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وماپس از زوال فرعون مردمی را که آنها ذلیل و ناتوان بودند وارث مشرق و مغرب زمین بابرکت مصر وشام نمودیم واحسان خدا بربنی اسرائیل بحد کمال رسیدبه پاداش آن صبری که نمودند و فرعون وقومش را باآن صنایع وعمارات نابودوهلاك نمودیم (۱۳۷) و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادیم بقومی که به پرستش بتان پای بند بودند برخوردند و گفتند ایموسی برای ما خدائی مانند خدایان بت پرستان قرار بده موسی گفت شما مردم نادانی هستید (۱۳۸) خدایان بت پرست هانا بود شدنی و عقاید وآئین آنها باطل است(۱۳۹)

زین العابدین علیه السلام واوازپدرش امام حسین علیه السلام کدفرمود شخصی ازپدرم امیر المؤمنین علیه السلام سئوال کرد ای برادر رسول خدا آیا پروردگار خودرا دیده‌اید فرمود خدائی را که ندیده باشم پرستش نمیکنم لکن بدانید خداوند را بچشم مشاهده نکنند بلکه بحقایق دل و ایمان درك نمایند چه اگر خدا باچشم دیده شود و بتوان با چشمها تشخیص داد چنین خدائی مخلوق است نه خالق و حادث است نه قدیم و بمخلوقات تشبیه گردیده واین معنی کفر است وای برشما آیا قرآن نمی خوانید که خداوند میفرماید «لاتدرکه الابصار وهو یدرك الابصار و هو اللطیف الخبیر» و نیز بموسی میفرماید

«لن ترانی ولکن انظر الی الجبل فان استقر مکانه فسوف ترانی» واز نور خداوندی مقدار سوراخ سوزنی بکوه طلوع نموده بود که کوه درهم آویخته و چون پشم زده شد و بدریا فروریخت و موسی از مشاهده آن حال غش کرده روح از بدنش خارج گردید سپس روح دوباره ببدن او بر گشت و بهوش آمده گفت پروردگارا توبه کردم از گفتار اشخاصی که گمان کردند که ترا باچشم مشاهده کنند وبر گشتم بسوی معرفت خود باینکه بچشم‌ها دیده نشوی ومن اول کسی هستم که ایمان دارم تومارا می بینی، ولی ما بچشم ترا نمیبینیم وتو بالاتر از آن هستی که بچشم مشاهده شوی سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود واجب ترین واجبات برای انسان شناختن پروردگار و اقرار به

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قَالَ اَغَيْرَ اللّٰهِ اَبْغِيكُمْ اِلٰهاً وَ هُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ (١٤٠) وَ اِذْ اَنْجَيْنَاكُمْ
مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ اَبْنَاءَكُمْ وَ يَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ
وَ فِي ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ (١٤١) وَ وَاعَدْنَا مُوسَى ثَلٰثِينَ لَيْلَةً وَ اَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَالَ مُوسَى لِاَخِيهِ هٰرُونَ اخْلُفْنِي فِي
قَوْمِي وَ اَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ (١٤٢) وَ لَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا
وَ كَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ اَرِنِي اَنْظُرْ اِلَيْكَ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلٰكِنِ انْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ
فَاِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلّٰى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكّاً وَ خَرَّ مُوسَى
صَعِقاً فَلَمَّا اَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ اِلَيْكَ وَ اَنَا اَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ (١٤٣)

بندگی نمودن و قدر متیقن از کسانی است که بداند نیست خدائی جز او وشبیه و مانند ندارد و بداند که خداوند قدیم است و همیشه موجود و برقرار است و صفات او عین ذات است و کسی مانند او نیست و خداوند بهمه چیز دانا و شنواست و بعد از معرفت خداوند شناختن پیغمبر و شهادت دادن به نبوت او و حد اقل شناختن اقرار به پیغمبری اوست و بآنچه از قرآن یا امر و نهی از جانب پروردگار آورده یقین داشته باشد و پس از آن شناختن امام است که در هرحال و زمان و موقع شدت ورفاه باید بامام توسل جسته و پناهنده شد و حدود معرفت بامام آنست که بداند امام تالی تلو پیغمبر و مانند اوست مگر در مقام نبوت و اطاعت امام اطاعت پیغمبر واطاعت پیغمبر اطاعت خدا است ودر کلیه امور باید تسلیم امر امام باشد و بداند که امام بعداز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله علی بن ابیطالب علیه السلام است و بعد از او امام حسن علیه السلام و بعد از او امام حسین علیه السلام و بعد از او علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد الصادق و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

موسی گفت آیا غیر خدا را بخدائی میطلبید در حالی که خدا شما رابرعالمیان برتری وفضیلت بخشید (۱۴۰) بیادآورید زمانی که شمارا ازفرعونیان نجات بخشیدیم وآنها شما را عذاب و شکنجه نموده پسرانتان را کشته و زنان را باسارت و خدمتکاری میگماشتند و این برای شما از جانب خداوند امتحان و تنبیه بزرگی بود (۱۴۱) وبا موسی سی شب وعده نهادیم و چون پایان یافت ده شب دیگر بر آن افزودیم تا آنکه مدت وعده چهل شب تکمیل شد به برادر خود هارون گفت تو اکنون پیشوای قوم و جانشین من باش و راه اصلاح پیش گیر وپیرو اهل فساد مباش (۱۴۲) چون با موسی هفتاد نفر بوعده گاه ماآمد وخدایش باوی سخن گفت موسی بتقاضای قوم خود عرض کرد خدایاخودرا آشکارا بمن بنماکه ترا مشاهده کنیم خدا گفت کهمرا ابدا نخواهی دید لیکن بکوه بنگر اگر کوه با آنهمه سختی هنگام تجلی بجای خود برقرار تواند ماند پس تو هم مرا خواهی دید همینکه نورخدا بر کوه جلوه کرد کوه متلاشی گردید وموسی بیهوش افتاد وچون بهوش آمد گفت خدایا تو منزه وبرتری که بچشم دیده شوی بدرگاه تو توبه نموده ومن اول کسی هستم که بتو ایمان دارم (۱۴۳)

بن علی وبعد از او حجة زمان قائم آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین است سپس حضرت صادق علیه السلام فرمود آن معاویه ابن اسمیل بود که برای توتشریح نمودم باید رعایت و عمل نمائی اگر بهمان عقیده که داشتی در مذهب میمردی که خداوند بچشم مشاهده میشود همانا بیدترین حالی مرده بودی سخنان کسانیکه گمان کرده اند خداوند دیده میشود ترا فریب ندهد چه آنها عجیب تر از این سخنان هم گفته اند آیا نسبت نداده اند بآدم چیزهائی و آیا بابراهیم نسبت های ناروا نداده اند و یا نسبت زنا و آدم کشی بداود پیغمبر نداده اند و یا در مورد یوسف و زلیخا سخنانی بیجا نگفته اند و یا بحضرت موسی نسبت نداده و یا آنکه نسبت به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خودمان در باره عیال زید نسبت ناروا نداده و یا بامیر المؤمنین از این قبیل بیانات نگفته اند منافقین با نشر اباطیل خود بزعم خود قصد تمسخر مذهب اسلام را داشته و میخواستند مسلمانان را به قهقرا برگردانده وبمذهب پیش از اسلام و بت پرستی سوق دهند خداوند چشمان آنها را کور کرداند چنانچه چشم دل ایشان را کور نموده است .

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قالَ يا مُوسى اِنّى اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النّاسِ بِرِسالاتى وَ بِكَلامى فَخُذْ ما آتَيْتُكَ وَ كُنْ مِنَ الشّاكِرينَ (١٤٤) وَ كَتَبْنا لَهُ فِى الْاَلْواحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَ تَفْصيلاً لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْها بِقُوَّةٍ وَ أْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِاَحْسَنِها سَاُرِيكُمْ دارَ الْفاسِقينَ (١٤٥) سَاَصْرِفُ عَنْ آياتِىَ الَّذينَ يَتَكَبَّرُونَ فِى الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَاِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لا يُؤْمِنُوا بِها وَ اِنْ يَرَوْا سَبيلَ الرُّشْدِ لا يَتَّخِذُوهُ سَبيلاً وَ اِنْ يَرَوْا سَبيلَ الْغَىِّ يَتَّخِذُوهُ سَبيلاً ذلِكَ بِاَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِاٰياتِنا وَ كانُوا عَنْها غافِلينَ (١٤٦)

قوله تعالى قال يا موسى انى اصطفيتك على الناس برسالاتى و بكلامى

این آیه خبر میدهد از نعمت بزرگی که خداوند بموسی عطا فرمود و برگزیده او را به پیغمبری سپس تکلم نمود با او بدون فرستادن فرشته و سخن نگفت خداوند بدون واسطه باکسی ازپیغمبران جز با موسی و پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله در شب معراج نزد سدرة المنتهی.

عیاشی در آیه «و کتبنا له فی الالواح من کل شئ موعظة و تفصیلا لکل شئ» از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود الواحی را که خداوند بموسی نازل کرد حاوی کلیه چیزهائی بود که تا روز قیامت واقع خواهد شد و همینکه زمان موسی منقضی شد باو وحی شد که الواح مزبور را که از زبرجد بهشتی و نامش زینة بود ودیعه بگذارد در کوهی موسی بطرف کوهی که مامور شده بود رفت کوه شکافته شد و موسی الواح را در درون شکاف گذاشت و شکاف بهم بر آمد و الواح در آن کوه بود تا زمانیکه خداوند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را مبعوث فرمود قافله ای از یمن بقصد دیدار حضرت حرکت کردند چون بآن کوه رسیدند همان موضع شکافته شد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خدا فرمود ایموسی من ترا برای آنکه پیغامهایم را بخلق برسانی برگزیده و برای‌هم صحبتی خود انتخاب کردم پس آنچه را که بتو فرستادم کاملا فرا گیرد وشکر وسپاس مرا بجاآور (۱۴۴) ودرالواح تورات ازهرموضوعی در نصیحت و پند وعلم و معرفت برای موسی‌نوشتیم و دستور دادیم که حقایق و احکام آنرا بقوت عقل ایمان فرا گرفته و قومت را دستور بده که نیکوتر مطالب آنرا اخذ کنند و از طعن فاسقان اندیشه بخودراه ندهند چه بستی مقام ومنزلت فاسقانرا بزودی‌بشما نشان خواهیم داد (۱۴۵) من آنانراکه در زمین بناحق واز روی تکبردعوی بزرگی کنند ازآیات‌رحمتم رو گردانم زیرا هر چه از آیات مشاهده کنند ایمان نیاورده و اگر راه هدایت وارشد وصلاح به بینند آنراه را نمی پیمایند واگرراه ضلالت و گمراهی یابند پیش گیرند باین جهت آیات خدا را تکذیب کرده‌و ازفهم آن غافل و دورند (۱۴۶)

و الواح آشکار گردید آن طایفه الواح را برداشته وخداوند چنان ترسی در دل آنها افکنده بود که قدرت نداشتند بآن نظر کنند تا آنکه خدمت پیغمبر رسیده وتقدیم حضورش نمودند پیش از ورود قافله جبرئیل بر پیغمبر نازل شده و قصهٔ الواح را به آنحضرت بیان کرده بود و چون آنها واردشدندحضرت الواح را مطالبه فرمودایشان پرسیدند شما از کجا خبردارشده اید فرمود پروردگارم‌مرا مطلع نمود گفتندشهادت میدهیم که شما رسول خدا میباشی و الواح را تسلیم نمودند الواح بزبان عبرانی بود پیغمبر امیرالمؤمنین علیه السلام را احضار نموده الواح‌را بآنجناب‌داد وفرمود بگیراین الواح را که در آنها علوم اولین و آخرین درج و ثبت‌شده و این‌الواح حضرت موسی‌است که بامر پروردگار تسلیم تو مینمایم امیر المؤمنین گفت ای رسول خدا من بخوبی نمیتوانم آنها را قرائت کنم فرمود بر طبق دستورخداوند آنها را امشب زیر سرخود بگذار و بخواب صبح تمام مندرجات آنها را میتوانی بخوانی و میدانی صبح روزبعد امیرالمؤمنین تمام علوم اولین و آخرین را میدانست و پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بآنحضرت امر فرمود که مندرجات الواح را استنساخ نماید وامیرالمؤمنین علیه السلام نیز آنها راروی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

والذين كذبوا بآياتنا ولقاء الآخرة حبطت اعمالهم هل يجزون الا ما كانوا يعملون (١٤٧) واتخذ قوم موسى من بعده من حليهم عجلا جسدا له خوار الم يروا انه لا يكلمهم ولا يهديهم سبيلا اتخذوه وكانوا ظالمين (١٤٨) ولما سقط في ايديهم ورأوا انهم قد ضلوا قالوا لئن لم يرحمنا ربنا ويغفر لنا لنكونن من الخاسرين (١٤٩)

پوستی نوشت و حضرت صادق عليه السلام فرمود الواح مزبور جفراست و حاوی علوم اولین و آخرین است و آن جفر نزد ماست علاوه بر آنها عصای موسی هم نزد ما میباشد و ما وارث پیغمبران سلف هستیم و فرمود آنکوه که الواح در آن نهاده شده است در بیابانی موسوم بشعب واقع شده و در کنار آن درختی بوده و در روایت صاحب محاسن از حضرت باقر عليه السلام است که فرمود زمانی که موسی بر اثر عملیات بنی اسرائیل در غضب شد بعضی از الواح از دست او بیفتاد و آن کوه سنك آنها را بلعیده تا موقع بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تسلیم آنحضرت نمودند و آنچه از تورات از بین رفته بود همان الواحی بوده که کوه بلعیده بود و در روایت دیگری فرموده امیرالمؤمنین عليه السلام نقل نموده که بعضی از الواح مزبور از یوشع بن نون وصی موسی دست بدست ارث برده شده تا بدست طایفه از اهل یمن رسید و چون پیغمبر مبعوث شد آنها تصمیم به شرفیابی حضور پیغمبر گرفتند پیش از ورود جبرئیل خبر آنها را به پیغمبر رسانید و باقی حدیث مزبور عیناً مانند حدیث قبلی میباشد:

صاحب محاسن بسند خود از عبدالله بن ولید یمانی در ذیل جملهٔ «فخذوها بقوة و امر قومك یاخذوا باحسنها» روایت کرده گفت حضرت باقر عليه السلام بمن فرمود ای عبدالله شیعیان در باره امیرالمؤمنین عليه السلام و موسی و عیسی چه میگویند؟ گفتم فدایت شوم در چه خصوص فرمود از حیث علم و دانش حضورش عرض کردم بخدا قسم امیر المؤمنین عليه السلام داناتر از عیسی و موسی بود و هر علمی که پیغمبر واجد آن بود

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وآنانکه آیات خداوند ولقاء عالم آخرت را تکذیب کردند اعمالشان تباه وباطل شد آیا در محکمه عدل الهی جز آنچه کردند کیفر آنها خواهد بود؟ (۱۴۷) قوم موسی بعد از او از طلا و زیور خود گوسالهٔ ساختند و آنرا پرستیدند آیا نمی دیدند که آن گوساله بی روح با آنها سخنی نمیگوید و براهی هدایت نمیکند و باز بی آن گوساله را گرفتند و مردمی سخت دل و ستمکار بودند (۱۴۸) و چون از پرستیدن گوساله پشیمان شده دیدند که درگمراهی افتاده‌اند باخود گفتند اگر خدا ما را نبخشد و ازما نگذرد همانا از زیانکاران خواهیم بود (۱۴۹)

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز دارا بود و خداوند به پیغمبرش میفرماید « و نزلنا علیك الکتاب تبیانا لکل شیئی »و میفرماید « وجئنابك علی هؤلاء شهیدا»

قوله تعالی: **ساصرف عن آیاتی الذین یتکبرون فی الارض بغیر الحق**

این آیه نظیر جملهٔ معترضه‌است که فاصله‌شده میان قصهٔ موسی وبنی‌اسرائیل وخطاب به پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است و مراد آنست ای محمد صلی الله علیه وآله وسلم متکبران و سرکشان از آیات و حجتهای خدا روی میگردانند چنانچه فرعون روی گردانیده و آنها کسانی هستند هرچه آیات خدا را مشاهده کنند ایمان نیاورند واگر راه هدایت ببینند آن راه را نمی پیمایندولی چنانچه راه ضلالت و گمراهی یابند پیش گیرند چه آنها آیات خدا را تکذیب کرده و از درك آن غافل باشند و آنها اشخاصی میباشند که ایمان به آخرت ندارند و آیات خدا را تکذیب میکنند مسلما اعمالشان ضایع و باطل گردد و جز آنچه عمل نمودند کیفری نخواهند داشت

گوساله پرستیدن بنی اسرائیل

قوله تعالی: **و اتخذ قوم موسی من بعده من حلیهم عجلا جسدا**

بطوریکه ذیل آیه « وواعدنا موسی ثلثین لیلة»اشاره‌شد هنگامیکه موسی برای میقات بکوه طور رفت برادرش هارون‌را جانشین خود قرارداد پس ازرفتن آنحضرت سامری آن زر و سیمیکه بنی اسرائیل از قبطیان عاریه کرده بودند و آنچه از غرق شدگان

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَى إِلَى قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي
أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ قَالَ ابْنَ أُمَّ
إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي
مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (١٥٠) قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ
وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ (١٥١) إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِنْ
رَبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ (١٥٢)

لشکر فرعون که آب بکنار انداخته بود بدست آوردند همه را گرفت و چون صنعت زرگری را نیکو میدانست آنها را ذوب کرد و گوساله زرین بساخت، سپس مستضعفین بنی اسرائیل را وسوسه نموده و بشبهه انداخت گفت وعده موسی بسر رسیده و تخلف نموده بیست شب و روز است که رفته و میقات او تمام شده باید فکر معبودی کنیم تا او را پرستش نمائیم، بنی اسرائیل گفتند ایسامری خدا را بما بنما تا بستایش او مشغول شویم پاسخ داد که پروردگار بسوی شما آمده و میخواهد قدرت و توانائی خود را نشان بدهد و بنفس خویش بدون واسطه با شما سخن بگوید و گوساله زرین را که ساخته بود بیرون آورد و گفت اینست پروردگار شما وموسی، گفتند گوساله چگونه خدا میباشد؟ پاسخ داد آنخدائیکه از درخت باموسی تکلم فرمود اینك از گوساله با شما سخن گوید و از آن صدائی بر میآمد بنی اسرائیل باور کردند و گوساله را سجده کردند و بپرستش او مشغول شدند هارون هرچه آنها را از اینعمل منع کرد نپذیرفتند و گفتند ما این گوساله را پرستش خواهیم کرد تا زمانیکه موسی باز آید اگر تصدیق سامری کند اختلاف برداشته شود والاهرچه دستور دهد رفتار کنیم هارون بیچاره شد و سکوت اختیار کرد میقات موسی بپایان رسید الواح تورات را باو عطا فرمود، سپس خطاب نمود ایموسی بعد از تو سامری بنی اسرائیل را گمراه ساخته موسی از کردار قوم خشمگین و اندوهناك شد بسوی آنها مراجعت کرد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و چون موسی بسوی قوم خود باز گشت بحال خشم، گفت شما پس از من بسیار بد حفظ غیب مرا نمودید، آیا در کار خدای خود عجله کردید واز شدت غضب الواح را بزمین انداخته و سر هرون برادرش راکشید، هرون گفت ای جان برادر ای فرزند مادرم برمن خشمگین مباش آنها مرا خوار داشته و نزدیك بود مرا بکشند پس تومرا دشمن شاد منما و جزء مردم ستمکار حساب مکن (١٥٠) موسی گفت پروردگارامن و برادرم را بیامرز و دررحمت خود داخل گردان که تو مهربانترین مهربانانی (١٥١) کسانیکه گوساله پرستی کردند بزودی بقهر و غضب خداوند دچار شده و در دنیا نیز گرفتار ذلت و خواری خواهند شد و همچنین ما دروغگویان را بکیفر میرسانیم(١٥٢)

چون بنزدیك آنان رسیدید بنی اسرائیل گرداگرد گوساله جمع شده اند واورا پرستش میکنند فرمود بآنها آیا وعده خداوند راست نبود؟ امروزپایان میقات است چرا عهد مرا شکستید ودرغضب شده الواح رابزمین زد بعضی از آنها شکست آنگاه موسی روبهارون کرد و گفت ای هارون چه شد از میان اینقوم بیرون نرفتی هنگامیکه مشاهده کردی ایشان گمراه شدند و بنزد من نیامدی؟ و سروالحیه هارون را گرفته پیش کشید کنایه از آنکه چرا ازفرمان من سرکشی نمودی، هارون گفت ای فرزند مادرم سر ومحاسن مرا مگیر ترسیدم اگر آنها را رهاکنم و بجانب شما آیم بگوئی تو جدائی افکندی میان بنی اسرائیل ونتوانستی آنان رانگهداری کنی موسی عذر برادررا پذیرفت ودست بدعا بلند نمود گفت پروردگارا من و برادرم رابیامرز و دررحمت خود داخل گردان تو ارحم الراحمین هستی، سپس توجه بسامری کرد وفرمود ایسامری چه گناه بزرگی از تو سرزد چگونه اینگوساله را بصدا درآوردی و این مردم راگمراه نمودی؟ عرض کرد من بینا بودم بآنچه دیگران نبودند چه من مشتی از خاك زیر پای مرکب جبرئیل هنگام هلاك فرعونیان برداشتم و باخود همراه نموده بودم اکنون در پیکر گوساله ریختم تا بصدا در آمد و اینعمل را نفس من بیاراست حضرت موسی خواست او را هلاك کند خطاب رسید ایموسی سامری صفت جود داردمردم از او سود مند میشوند

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئاتِ ثُمَّ تابُوا مِنْ بَعْدِها وَ آمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِها لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۱۵۳) وَ لَمَّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْواحَ وَ فِي نُسْخَتِها هُدىً وَ رَحْمَةٌ لِلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (۱۵۴) وَ اخْتارَ مُوسى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقاتِنا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُمْ مِنْ قَبْلُ وَ إِيَّايَ أَتُهْلِكُنا بِما فَعَلَ السُّفَهاءُ مِنَّا إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِها مَنْ تَشاءُ وَ تَهْدِي مَنْ تَشاءُ أَنْتَ وَلِيُّنا فَاغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا وَ أَنْتَ خَيْرُ الْغافِرِينَ (۱۵۵)

نباید نعمت حیات را از او گرفت موسی گفت بسامری از میان ما بیرون رو مردم بطرف تو نخواهند آمد عذابت در دنیا آنست که بتنهائی زندگانی کنی و در بیابانها بگردی هر کس باو نزدیك میشد فریاد میزد دورشو از طرف من چه آنکس وسامری هردو از صحت دور میگشتند و در تعب می افتادند عاقبة سامری از مردم و مردم از سامری گریزان شدند ، بنی اسرائیل وقتی اینحال را مشاهده کردند منکر شدند که گوساله پرستیدند خداوند بموسی دستور داد طلاهای گوساله را با سوهانی ریز ریزو براده نموده در آب بریزد بنی اسرائیل از آن آب بیاشامند هر کس در اثر آشامیدن آن آب لب وبینی او سیاه شود معلوم است که گوساله پرستیده وشرح آزمایش و توبه آنها را در بخش اول سوره بقره ذیل آیه ۵۳ بیان نمودیم .

در کافی ذیل آیه « ان الذین اتخذوا العجل سینالهم غضب من ربهم و ذلة » تا آخر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود هر بنده ای چهل روز خدای خود را باخلاص عبادت و پرستش نماید خداوند آن بنده را بمقام زهد میرساند و درهای حکمت بدل او باز کند و زبانش بحکمت گویا شود و این آیه را تلاوت فرموده

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کسانیکه مرتکب اعمال زشت شده و پس از آن توبه مینمایند و ایمان میآورند خداوند توبهٔ آنها را قبول نموده و بخشنده و مهربانست (١٥٣) و چون غضب موسی تسکین یافت الواح را برداشت و در صحیفهٔ آنها هدایت و رحمت بود برای آنهائیکه از خدای خود میترسیدند (١٥٤) وموسی هفتاد نفر از مردان قوم را برای حضور در وعده گاه خدا انتخاب کرد ولی آنها را صاعقه زد و هلاك شدند موسی گفت پروردگارا اگر مشیت تو تعلق گرفته بود که همهٔ آنها را هلاك نمائی پیش از حضور در وعده گاه میکردی آیا ما را به فعل سفیهان هلاك خواهی کرد؟ این کار را جز برای امتحان نمینمائی، هر که را بخواهی بحال گمراهی واگذاری و هر که را خواهی هدایت فرمائی توئی مولای ما بر ما ببخش و ترحم نما که بهترین آمرزندگانی (١٥٥)

وگفتند مگر نمی بینید بدعت گذاران و کسانیکه بر خدا و پیغمبر و اهلبیت او افترا زده اند خداوند ذلیل و خوارشان میفرماید.

قوله تعالی: و اختار موسی قومه سبعین رجلا

ابن بابویه ذیل این آیه بسند خود از سعد بن عبدالله روایت کرده گفت فرمود حضرت قائم عليه السلام ایسعد تقویت کنم تو را ببرهانیکه عقلت اطمینان پیدا کند خبر بده مرا از پیغمبرانیکه برگزیده آنها را خداوند و نازل کرد بر ایشان کتاب و تأیید نمود آنانرا بعصمت تا آن پیغمبران هادی و دلیل امت باشند مانند موسی وعیسی آیا جایز است با بسیاری کمال و دانش آنها که اختیار کنند و برگزینند منافقین و فاسقین را بگمان آنکه آنها از جملهٔ مؤمنین هستند؟ عرض کردم خیر جایز نیست فرمود پس چه میگوئی نسبت بموسی باکثرت عقل و دانش او و با آنکه وحی بسویش نازل میشد اختیار کرد و برگزید از بزرگان قوم خود هفتاد نفر نیکوکار را از آن اشخاصیکه شك نداشت در ایمان و اخلاص آنها و این اختیار موسی بخطارفت و آن جماعت منافق درآمدند زیرا پس از آنکه ایشان را بمیقات برد اظهار نمودند ما باید

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و اكتب لنا في هذه الدنيا حسنة و في الآخرة انا هدنا اليك قال عذابي
اصيب به من اشاء ورحمتي وسعت كل شيئ فساكتبها للذين يتقون ويؤتون
الزكوة و الذين هم بآياتنا يؤمنون (١٥٦) الذين يتبعون الرسول النبي
الامي الذي يجدونه مكتوبا عندهم في التورية و الانجيل يأمرهم بالمعروف
و ينهيهم عن المنكر و يحل لهم الطيبات و يحرم عليهم الخبائث و يضع
عنهم اصرهم و الاغلال التي كانت عليهم فالذين آمنوا به و عزروه و
نصروه واتبعوا النور الذي انزل معه اولئك هم المفلحون (١٥٧)

خدا را بدیده مشاهده کنیم پس وقتی اختیار شخص موسی بخطا رفت با آنکه پیغمبر خدا بود چگونه سایر مردم در اختیار خلیفه خطا نمیکنند . از اینجا معلوم میشود که کسی نمیتواند شخصی را بامامت و خلافت بر گزیند مگر آنکه عالم باشد بآنچه در دلهای مردم است و ضمایر آنها بر او هویدا باشد پس چطور مهاجرین و انصار میتوانند شخص صالح و امینی را برای خود بامامت و خلافت اختیار کنند در صورتیکه موسی اراده اصلاح داشت واختیار او بخطا رفت

در کافی ذیل آیه « الذین یتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه مکتوباً عندهم » تا آخر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد از نور در این آیه

علی بن ابراهیم قمی ذیل آیه الذین یتبعون الرسول از صادقین (ع) روایت کرده فرمودند مراد از ثقل و سنگینی که بر بنی اسرائیل بوده آن بود که آنها باید حتما غسل نموده و وضو بسازند و جایز نبود تیمم بکنند و غیر از کنایس و معابد نمیتوانستند جای دیگر نماز بخوانند، و گناهکار شناخته و رسوا میشد، واگر بول بیدن آنها میرسید باید موضع نجس شده را با مقراض بچینند ، و گوسفند بر آنها حلال نبود ، و تمام این شدائد و سختی ها را خداوند ببرکت وجود پیغمبر اکرم از این امت برداشت.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و در دنیا و آخرت برای ما نیکی و ثواب مقرر فرما که بسوی تو هدایت و رهبری یافته ایم خداوند فرمود عذاب من بکسانی میرسد که بخواهم ، اما رحمت من بتمام موجودات میرسد و البته برای آنهائیکه راه تقوی پیش گرفته و زکوة مال بدهند و بآیات ما بگروند رحمت خود را بر آنها حتم و لازم خواهیم کرد (۱۵۶) کسانی که از رسول امی که در تورات و انجیل که در دست آنهاست اوصاف و نامش نگاشته شده پیروی میکنند آن رسول آنها را به نیکوئی امر و از زشتی ها نهی خواهد کرد و بر آنها هر طعام پاکیزه را حلال و هر پلیدی را حرام میگرداند و احکام پر رنج و مشقتی که چون زنجیر بگردن نهاده اند همه را بر میدارد پس آنانکه باو گرویده و او رامعزز داشته و یاری نموده و از نوری که باو نازل شده پیروی کنند آنها بحقیقت رستگاران عالمند (۱۵۷)

امیرالمؤمنین علیه السلام است .

و نیز از ابو عبیده حذاء روایت کرده گفت از حضرت باقر علیه السلام از مراتب استطاعت و گفتار مردم سئوال کردم؛ این آیه را تلاوت فرمود « و لایزالون مختلفین الا من رحم ربك ولذالك خلقهم » سپس فرمود ای ابوعبیده مردم درزسیدن بگفتارحق مختلفند وتمام آنها هلاك شوند حضورش عرض کردم پس مراداز الامن رحم ربك کیست؟ فرمود آنها شیعیان ما هستند که خداوند ایشان را بجهت اطاعت و پیروی نمودن امام آفریده است و غرض از رحمتی که خداوند میفرماید « ورحمتی وسعت کل شئی » علم امام است « وفساکتبهاللذین یتقون » مراد ولایت واطاعت امام است « یجدونه مکتوباً عندهم فی التورية و الانجيل » پیغمبر و اوصیاء و امامان میباشند و منکر کسی است که انکار فضل امام نموده و قائل بامامت نباشدو مراد از طیبات اخذ علم از امام واهلبیت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و خبائث بیانات مخالفین امام و مراد از « ذنوب » گناهانی است که پیش از شناختن امام مرتکب شده و « اغلال » سخنانی است که شخص از پیش خودو بدون امر و دستور خدا و امام میگوید و هنگامیکه شناخت امام وفضیلت اورا خداوند بر

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (١٥٨) وَمِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (١٥٩)

طرف میکند گناهان آن شخص را سپس میفرماید «الذین آمنوا» مراد آنهائی هستند که بامام ایمان آوردند و دوری کردند از پیروی جبت و طاغوت که فلان و فلان است و توبه کردند از گناهان خود پاداش آنان بشارتی است در دنیا و در آخرة وامام علیه السلام آنها را بشارت میدهد بظهور حضرت حجة علیه السلام و کشته شدن دشمنان و وارد شدن کنار حوض کوثر حضور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام

و نیز روایت کرده که خداوند از پیغمبران سلف عهد و پیمان گرفت که خبر بعثت پیغمبر خاتم را بامت های خود داده و آنها پیغمبر اکرم را بزبان یاری نموده و بامت های خود امر کردند که آن حضرت را یاری نمایند و چون بامر پروردگار پیغمبر خاتم رجعت فرماید پیغمبران سلف هم رجعت کنند تا آن جناب را در دنیا یاری نمایند

و حفص بن غیاث از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود موقعیکه موسی مشغول مناجات با خدا بود شیطان نزد او آمد یکی از فرشتگان باو گفت وای بر تو چگونه امیدواری که موسی را در این حال که بمناجات با پروردگار مشغول است اغفال کنی؟! شیطان جواب داد همانطور که بپدر او آدم در بهشت امید داشتم بموسی نیز امیدوارم، وسخنانی که خداوند بموسی میفرمود این بود.

ای موسی نماز را قبول نمیکنم جز از بندگان متواضع در برابر عظمتم که دل آنها پیوسته بذکر من مشغول بوده و خائف باشند و اصرار بر گناه نداشته و حق دوستان و اولیاء مرا بشناسند، موسی عرض کرد پروردگارا آیا ابراهیم و اسحق و یعقوب از اولیای حضرتت نیستند؟ خطاب رسید چرا آنها از اولیاء ما میباشند ولی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

بگو ای پیغمبر من از طرف خدا بر همهٔ شما رسول میباشم آنخدائیکه آسمانها و
زمین ملك اوست و جز او خدائی نیست و زندگی بخشیده و میمیراند پس
ایمردم ایمان بیاورید بخدا و بر رسولش که نبی امی است و بخدا و سخنان
او ایمان دارد و از او پیروی کنید تا هدایت یابید (۱۵۸) جماعتی از
قوم موسی بدین حق هدایت یافته و
باو بازمیگردند (۱۵۹)

منظور از دوستان که گفتم کسانی هستند که بخاطر آنها آدم و حوا و بهشت و جهنم را خلق نموده ام، موسی عرض کرد پروردگارا آنها چه اشخاصی میباشند؟ فرمود محمد صلی الله علیه و آله و سلم و احمد صلی الله علیه و آله و سلم که نامش را از نام خودم مشتق نموده ام چه یکی از اسامی من محمود است ومحمد از آن بیرون آمده احد هم یکی از اسماء من است که احمد از آن اشتقاق یافته موسی درخواست نمود که خداوند اورا ازامت آنحضرت قرار بدهد، فرمود دعایت را باجابت رسانیدم وباید قدر ومنزلت او و همچنین قدرومنزلت اهلبیت او را بخوبی بشناسی بمثل او و مثل اهلبیتش و آنچه در طینت آنها ایجاد کرده ام مانند فردوس است در بهشت که نه برگ آن ریخته شود و نه طعمش زایل گردد هر کس آنها و حقشان را بشناسد در ظلمت جهل برد باری باو عطا شود و در هنگام تاریکی نوری فراراهش قرار میدهم و دعا و درخواستهای او را قبل از آنکه مرا بخواند اجابت کنم ای موسی هرگاه دیدی که فقر بتو روی آورد بگو مرحبا بتو ای صفت نیکو کاران و چنانچه غنا و ثروت روی بیاورد بدان که پاداش گناهی تعجیل شده، ای موسی دنیا خانهٔ عقوبت است آدم را بعلت ترك اولائی که از او سرزده بود عقاب کردم، دنیا ملعونهٔ است برای علاقمندان و دوستدارانش جز آنهائیکه در دنیا برای جلب رضا وخشنودی من زیست میکنند ای موسی بندگان نیکوکار من درحدود دانش خود از دنیا دوری میجویند ولی بدکاران بقدر جهل و نادانی خویش بدنیا رغبت و میل پیدا میکنند، هر که دنیا را اهمیت داده و بزرك بشمارد و چشمش بدنیا باشد محتاج شود، و آنکسی که دنیا را کوچك شمرده ومنشاء اثر نداند از زندگانی ولذات

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ قَطَّعْنٰهُمُ اثْنَتَیْ عَشْرَةَ اَسْبَاطاً اُمَماً وَ اَوْحَیْنٰا اِلیٰ مُوسیٰ اِذِ اسْتَسْقٰیهُ قَوْمُهُ
اَنِ اضْرِبْ بِعَصٰاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَیْناً قَدْ عَلِمَ كُلُّ اُنَاسٍ
مَشْرَبَهُمْ وَ ظَلَّلْنَا عَلَیْهِمُ الْغَمٰامَ وَ اَنْزَلْنَا عَلَیْهِمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوٰی كُلُوا
مِنْ طَیِّبٰاتِ مٰا رَزَقْنٰاكُمْ وَ مٰا ظَلَمُونٰا وَ لٰكِنْ كٰانُوا اَنْفُسَهُمْ
یَظْلِمُونَ (١٦٠)

دنیا کامیاب و برخوردار گردد :

حضرت صادق علیه السلام فرمود چقدر خوبست که بتوانید برای دنیا ارزشی قائل نشده و آنرا مهم ندانید اگر مورد مدمت اشخاص واقع شوید نگران نباشید، وچنانچه بمدح و ثنای شما نپرداخت محزون و غمگین نشوید، شخص باید در پیشگاه خداوند پسندیده و مقبول باشد امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود در دنیا خوبی برای دو دسته از مردم است یکی آنکه هرروز عمل نیکش زیادشود و دیگر آنکسی که تدارك کند روزهائی راکه بر طبق آمال و آرزو های خود گذرانیده به توبه کردن و بازگشت از اعمال بد ، اما بخدا قسم اگر چندان سجده برای خدا کنند تا گردنهای خود را بر اثر کثرت سجود از بدن جدا کنند توبهٔ آنها قبول نشود مگر آنکه بولایت ماالهلبیت اعتراف نموده وحق مارا بشناسند وبواسطهٔ علاقمندی وخشنودی خاطر ما امیدوار به ثواب باشند وکسی که معرفت بامام خود داشته باشد از قوت به سد جوع راضی بوده و از مال دنیا به قرص نانی و ستر عورتی اکتفا نماید وبا اینحال از خدای خود خائف بوده و شاکر باشد ، یعنی اگر حق ما را بداند از جلب ثروت دنیوی که از طریق مخالفت با ما عاید شود صرفنظر نماید و از خوراك بقدری که نمیرد اکتفا کند و از پوشاك و لباس باندازهٔ که عورتش را بپوشاند قناعت ورزیده و ولایت ما را نگاهداری میکند که از دستش نرود .

ابن بابویه در آیه «قل یاایهاالناس انی رسول الله الیکم جمیعاً» تا آخر آیه از

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قوم موسی را بدوازده سبط منشعب کردیم وهر سبطی طایفه‌ای محسوب میشوند و بموسی وحی نمودیم که برای قومش طلب آب مینمود عصای خود را بر سنگی بزن دوازده چشمه آب از آن جاری شده و هرقبیله آبخور خود را دانستند و برسر آنها سایه افکندیم وبرای آنها مرغ بریان وترنجبین فرستاده گفتیم از قوت پاکیزه ای که روزی شما نموده ایم تناول کنید ولی از حکم ما تجاوز ننمائید نشنیدند و ستمگر شدند اما نه برما بلکه بر خویش ستم کردند (۱۶۰)

امام حسن علیه السلام روایت کرده فرمود سبب نزول آیه آن بود که عده از یهودیان خدمت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله رفته عرض کردند ای محمد صلی الله علیه و آله تو مدعی هستی که مانند موسی از جانب خداوند بتو وحی میرسد و پیغمبر هستی ؟ جوابی بآنها نداد آنان سخنان خود را تکرار نمودند آنحضرت فرمود بلی اینطور است و من بزرگترین فرزند آدم و پیغمبر خاتم هستم و برای من فخری نیست ، عرض کردند بعثت شما بر عجم است یا عرب و یا بر بنی اسرائیل که ما هستیم؟ این آیه نازل شد وفرمودند من بسوی تمام مردم آسمان و زمین مبعوث و فرستاده شده ام .

عیاشی در تفسیر آیه « و من قوم موسی امة یهدون بالحق و به یعدلون » از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود موقعی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله از طرف مکه بسوی کوفه خروج کند عده‌ای بآنحضرت ملحق میشوند که بیست و پنج نفر از آنها از قوم موسی بوده و اصحاب کهف و یوشع وصی موسی و مؤمن آل فرعون و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری ومالك اشتر نیز باآنحضرت میباشند .

و در کافی در آیه « و قطعناهم اثنتی عشرة اسباطاً امماً و اوحینا الی موسی ان اضرب بعصاك الحجر » ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود همینکه حضرت حجة علیه السلام از مکه قیام نموده وبجانب کوفه حرکت فرماید منادی در میان اصحابش ندا میکند که کسی طعام و آب همراه بر ندارد و سنك حضرت موسی همراه آن حضرت بوده و بوسیلهٔ شتری حمل میشود بهر منزلی که میرسند و فرود آیند از آن سنك چشمه

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ اِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هٰذِهِ الْقَرْيَةَ وَ كُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَ قُولُوا حِطَّةٌ وَ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّداً نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ (١٦١) فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلاً غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزاً مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ (١٦٢)

آبی جاری شود که هر تشنه از آن بنوشد رفع عطش او شود و چنانچه گرسنه از آن آب میل نماید سیر گردد و تا ورود به نجف اشرف آن سنك زاد راه آنها باشد.

قوله تعالی: و ظللنا علیهم الغمام و انزلنا علیهم المن و السلوی

تفسیر و شرح این چند آیه را در بخش اول سوره بقره ذیل آیات ٤٩ تا ٧٠ بیان نمودیم.

اصحاب سبت و مسخ شدن آنها

قوله تعالی: و اسئلهم عن القریة التی کانت حاضرة البحر

عیاشی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود در یکی از قراء بنی اسرائیل که در کنار دریا واقع شده بود بر اثر جزر و مد دریا آب دریا وارد نهرهای قریه شده و ماهیان دریا هم بر اثر جریان آب داخل شهر ها شده و بآخرین قسمتهای قریه میرفتند و چون خداوند صید ماهی را در روز های شنبه بر بنی اسرائیل حرام نموده بود حیلهٔ اندیشیده و شبکه هائی ساختند و جلوی رودخانه ها قرار میدادند ماهی هائیکه در روز شنبه وارد نهر شده بودند شب یکشنبه صید میکردند و ماهی هاهم روز شنبه بیرون میآمدند ولی روز یکشنبه جلوه گر نشده و خارج نمیشدند دانشمندان، مردم را نهی نموده و آنها را از ارتکاب عمل خلاف منع میکردند چون نپذیرفتند خداوند آنها را بصورت میمون و خنزیر مسخ نمود و علت حرمت صید در روز شنبه آن بود که عید هفتگی تمام ملل در آن عصر جمعه بود و یهودی ها مخالفت با آن نموده

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و چون بقوم موسی امرشد که در شهر بیت المقدس مسکن کنید و از هرنوع خوردنی
که بخواهید تناول نمائید و براین در باحال تواضع و سجده درآئید و در دعا بگوئید
پروردگارا گناهان ما را بریز تا از خطاهای گذشته شما در گذریم که ما نیکو
کاران را افزون احسان کنیم (۱۶۱) ستمکاران بر خلاف آنچه بآنها
دستور داده شد رفتار کردند ماهم بکیفرمخالفت و ستمگری بر
آنها از آسمان عذابی سخت فرود آوردیم (۱۶۲)

و روز شنبه را عید خود قرار دادند و خداوند آنها را از صید در روز شنبه منع فرمود و چون عناد و سرپیچی کردند مسخ شدند .

ابی عبیده ازحضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود در قرآن حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام دیدم که آنها از یهودیان و طایفهٔ ایله و از قوم ثمود بودند خداوند خواست آنان را آزمایش فرماید روز های شنبه که صید برایشان حرام بود در کنار نهر گودال و حوضچه هائی ایجاد کرده ماهی ها از نهر بآن گودال ها که میرفتند شبکه هائی جلوی آنها قرار میدادند که دیگر ماهی ها بنهر نروند وبعد صید مینمودند مدتی بر این منوال رفتار میکردند و کسی آنها را از این حیله گری و امر خلاف منع ننمود، شیطان بیاك عده از ایشان القا کرده بود که خداوند شما را از خوردن ماهی در روز شنبه منع فرمود نه صید کردن آن لذا در روز شنبه مبادرت بصید ماهی مینمودند و روزهای بعد میخوردند و روز بروز بر عصیان آنها افزوده گروهی که از دست راست بودند آنها را از ادامهٔ عمل خلاف نهی کرده و از عقوبت خداوند و ارتکاب معصیت که رویهٔ آنها شده بود تهدید نمودند و خودشان از آنها کناره گرفته و بقریه دیگر رفتند دست چپی ها با کار مردم قریه و حیله گری آنها مخالف بودندو پیروی اعمال و رفتار آنها میکردند ولی از امر بمعروف و نهی ازمنکر خودداری نموده وساکت بودند ومفاد آیهٔ بعد را با آنها دسته که مردم قریه را پند واندرزداده و نصیحت میکردند گفتند چون ترك کردند آنچه را امر شده بود ومرتکب معصیت شدند کسانی که بآنها پند و اندرز میدادند ، گفتند بخدا قسم دیگر با شما معاشرت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ سْئَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ اِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ اِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعاً وَ يَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذٰلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (١٦٣) وَ اِذْ قَالَتْ اُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْماً اللّٰهُ مُهْلِكُهُمْ اَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَاباً شَدِيداً قَالُوا مَعْذِرَةً اِلٰى رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (١٦٤) فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ اَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَ اَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ (١٦٥)

ننموده و در این شهری که معصیت خدا مینمائید نمانیم زیرا میترسیم بلائی نازل شود و از شهر خارج شده و در بیابان زیر آسمان خوابیدند، چون آن گروه فرمانبردار و دوستداران خدا صبح کردند نگران بودند که بر سر معصیت کاران چه گذشته بدروازهٔ شهر نزدیك شدند ولی صدائی نشنیدند و درب دروازه گشوده نشد بوسیله نردبان بالای قلعه و باروی شهر رفته و چون نیك نظر و توجه کردند مشاهده نمودند که مردم شهر بصورت بوزینه مسخ شده اند دروازه را گشوده داخل شهر شدند آن نیکوکاران میمونها و بوزینه ها را نشناختند ولی آنها مؤمنین را شناختند مؤمنین به میمونها گفتند آیا ما بشما نمیگفتیم که مرتکب گناه نشده و بفرمودهٔ پروردگار مخالفت نکنید و گوش ندادید و بکیفر عنادوسرپیچی خود رسیدید امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمود بآنخدائی که دانه را در درون خاك میشکافد و بیرون میآورد و بشر راایجاد میفرماید هر آینه میشناسم نسب آنها را از این امت که نه انکار دارند و نه تغییرعقیده داده اند بلکه آنها هم امر پروردگار را رها کرده و در اطراف دنیا پراکنده شدند و خداوند در آیه ٤٣ سوره مؤمنین میفرماید « فبعدا للقوم الظالمین ».

عیاشی ذیل آیه «واسئلهم عن القریة» ازاصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده گفتند عده ای از مردم حضور آنحضرت آمدند عرض کردند در بازار از این جریث

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ای رسول ما سئوال کن بنی اسرائیل را از آن قریه که در ساحل دریا بود و از تجاوز نمودن حکم تعطیل شنبه و در آنموقع ماهیان بروز شنبه پیرامون دریا پدیدار میشدند ودرغیر آنروز نمیآمدند بدینگونه ما آنهارا بعمل فسق ونافرمانی آزمایش کردیم (۱۶۳) طایفهٔ گفتند چرا قومی را که محکوم بهلاك ویابعذاب است موعظه میکنید پنددهندگان گفتند موعظه و پند ما برای اتمام حجت و عذر است که درنزد پروردگار باشدو شایداثر نموده وتقوی را پیشه خودسازند (۱۶۴) پس وقتی فراموش نمودند آنچه را که تذکر داده شده ماهم آن جماعتی که نهی ازمنکر نموده وخلق را نصیحت نمودند از کاربدمنع میکردند نجات بخشیده و آنانکه ستمکاری میکردند بکیفر فسقشان بعذاب رسانیدیم (۱۶۵)

ها (مارماهی) میفروشند حضرت تبسمی نموده فرمود برخیزید همراه من بیائید چیز عجیبی بشما نشان دهم تا در باره وصی بلافصل پیغمبر خود جز خیر و نیکوئی نگوئید سپس بکنار شط فرات تشریف برده و توقف کردند آب دهان مبارك را بشط انداختند و سخنانی چند فرمودند ناگاه جریثی (مارماهی) سر از آب بیرون آورده و دهان خود را باز نمود امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود تو کیستی وازچه طایفه میباشی وای برتو بافصاحتی تمام آنحیوان گفت ما بشکل مردم شهری هستیم که در کناردریاسکونت داشتندولایت شمارا بآنها عرضه داشتندعدهٔ ازبنی اسرائیل قبول ولایت نکردند خداوند بعضی رادردریا بصورت (مار ماهی) و عدهٔ ای را در خشکی بصورت سوسمار مسخ فرمود سپس امیرالمؤمنین علیه السلام بما توجه فرموده و گفتند آیا بیانات این مارماهی را شنیدید؟ عرض کردیم بلی فرمود بآنخدائیکه محمد صلی الله علیه و آله را براستی مبعوث نموده اینها مانند زنان شما دچارعادت میشوند.

و نیز در آیه «الم یؤخذ علیهم میثاق الکتاب» ازحضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند بندگان خود را بدو آیه از قرآن اختصاص داده یکی آنکه چیزی را که نمیدانند تکذیب نکنند و دیگر آنکه چیزی را که ندانند نگویند و این آیه را قرائت نمودند و نیز آیه «بل کذبوا بما لم یحیطوا بعلمه» را

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فلمّا عتوا عن ما نهوا عنه قلنا لهم كونوا قردة خاسئين (١٦٦) و اذ تاذّن ربّك ليبعثن عليهم الى يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب ان ربّك لسريع العقاب و انّه لغفور رحيم و قطعنا هم فى الارض امماً منهم الصالحون و منهم دون ذلك و بلوناهم بالحسنات و السيّئات لعلّهم يرجعون(١٦٧) فخلف من بعدهم خلف ورثوا الكتاب يأخذون عرض هذا الادنى و يقولون سيغفر لنا و ان يأتهم عرض مثله يأخذوه الم يؤخذ عليهم ميثاق الكتاب ان لا يقولوا على اللّه الا الحقّ و درسوا ما فيه و الدّار الاخرة خير للّذين يتقون افلا تعقلون (١٦٨)

تلاوت فرمودند و این حدیث را در کافی بسند خود از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است

ابی جارود از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود آیه «و الذین یمسکون بالکتاب» درحق آل محمد صلی الله علیه و آله و تابعین آنها نازل شده است.

و نیز از حضرت صادق علیه السلام ذیل آیه «واذ نتقنا الجبل فوقهم» روایت کرده فرمود چون خداوند تورات را برای بنی اسرائیل نازل و مقرر فرمود بنی اسرائیل آنرا قبول نکردند خداوند کوه طور را بر فراز سر آنها برانگیخت موسی بآنها گفت اگر نافرمانی نموده و قبول نکنید کوه طور بر سر شما فرود آمده و هلاك خواهید شد ناچار تسلیم شده قبول کردند و سرهای خود را بزیر انداختند.

طبرسی در احتجاج از ابی بصیر روایت کرده گفت حضرت باقر علیه السلام در مسجد الحرام نشسته بودند جمعی از اصحاب اطراف آن حضرت حضور داشتند طاوس یمانی با یارانش حضور آنحضرت شرفیاب شد عرض کرد اجازه میفرمائید مسائلی

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وقتیکه سرکشی و تکبر کرده و از آنچه نهی شده بود مرتکب شدند ماهم آنهارا مسخ کرده و گفتیم بشکل بوزینه شوید و از رحمت خداوند دور بمانید (۱۶۶) و هنگامیکه امر نافذ خدا بر این قرار گرفت که تا روز قیامت کسی را بعقوبت و عذاب سخت بر آنها بر انگیزد و پروردگار تو زود کیفر دهنده ستمکاران ونسبت بخلق بسیار بخشنده و مهربانست و بنی اسرائیل را در روی زمین به شعبی متفرق ساختیم بعضی از آنها صالح و درستکار و بعضی خیانت پیشه اند و آنها را بخوبی ها و بدی ها بیازمودیم تا بحکم خدا باز گردند (۱۶۷) و بازماندگان آنها که وارث کتاب آسمانی شدند متاع پست دنیا را بر گزیدند و میگفتند ما بخشیده خواهیم شد چنانچه متاع دیگری مانند آن متاع که یافتند باز بیابند برگیرند آیا از آنان پیمان کتاب آسمانی گرفته نشده که بخدا جز حق و سخن راست نسبت ندهند؟ وآنچه در کتاب است درس بگیرند و خانهٔ آخرت و نعمت های بهشتی همیشگی برای مردم پرهیزکار بهتر از متاع فانی دنیاست آیا تعقل نمیکنید؟ (۱۶۸)

سئوال کنم؟ فرمود سئوال کن عرض کرد چه پرنده ای بود که بیش ازیکمرتبه پرواز نکرد و خداوند او را در قرآن بیان نموده فرمود؟ طور سینا میباشد خداوند او را بلند کرداز جای خودبر فراز سر بنی اسرائیل بانواع عذاب تا آنکه آنها قبول کردند تورات را و آیه را تلاوت فرمودند.

عیاشی از معاویة بن عمار روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت صادق علیه السلام آیامردان دستهای خود را در حالت نماز وسجده بزمین میگذارند؟ فرمود بنی اسرائیل هنگامیکه داخل در نماز میشدند چنان حالت سستی در خود ایجاد میکردند گویا مرده بودند خداوند این آیه را نازل فرمود به پیغمبر صلی الله علیه و آله خود «خذما آتیناك بقوة» پس هروقت شما داخل نماز شدید با شوق و توانائی وقوت باشید وهرگاه روزی شما کم شود با قوت و قدرت طلب کنید اورا.

و نیز از اسحق بن عمار روایت کرده گفت سئوال کردم از آنحضرت معنی قوة در آیه را آیا مراد قوت دربدن است یا قوت در قلب؟ فرمود مقصود هردومی باشد:

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ الَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتابِ وَ أَقامُوا الصَّلوٰةَ إِنَّا لا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ(۱۶۹)
وَ إِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَ ظَنُّوا أَنَّهُ واقِعٌ بِهِمْ خُذُوا ما آتَيْناكُمْ
بِقُوَّةٍ وَ اذْكُرُوا ما فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۱۷۰) وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ
ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قالُوا بَلى شَهِدْنا
أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هٰذا غافِلِينَ (۱۷۱) أَوْ تَقُولُوا إِنَّما أَشْرَكَ
آباؤُنا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنا بِما فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ(۱۷۲)

و از ابی حمزه روایت کرده گفت معنی آیه را از آنحضرت سئوال کردم فرمود مراد بقوة سجده کردن و نهادن دستها بر زانو در حال نماز میباشد.

چگونگی عالم ذر

در کافی در تفسیر آیه «و اذ اخذ ربك من بنی آدم» تا آخر از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود بعضی از قریش از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله سئوال کردند که برای چه شما نسبت بسایر انبیاء فضیلت و سبقت دارید در صورتی که خاتم پیغمبران و آخرین آنها میباشید؟ فرمود من اول کسی هستم که به پروردگار ایمان آوردم و اول کسی بودم که بعداز عهد و پیمان خداوند جواب دادم که حاضرم بعهد خود وفا کنم و آیه را تلاوت فرموده و گفتند باینجهت برتمام پیغمبران برتری دارم.

و ما قبلا ذیل آیه «وله اسلم من فی السموات والارض» روایتی مفصل مربوط باین آیه ذکر نمودیم و در تفسیر این آیه روایات بسیاری از طرق شیعه و عامه وارد شده که خلاصهٔ همه آنها روایاتی بود که ما سابقاً بیان کرده‌ایم.

صاحب کتاب فردوس که یکی ازعلماء عامه است از حذیفهٔ یمانی روایت کرده گفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود اگر مردم میدانستند علی علیه السلام در چه زمانی بامیرالمؤمنین لقب یافت محققاً منکر فضیلت او نمیشدند، وقتی امیرالمؤمنین نامیده شد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آنانکه بکتاب آسمانی تمسك جسته و نماز برپا داشتند ما اجر درستکاران را ضایع نخواهیم گذارد (۱۶۹) یهودیان بیاد بیاورند وقتی که کوه طور را چون سایبان بالای سر اجدادشان بر افراشتیم که پنداشتند بر سرشان فرود آید و امر کردیم که دستوراتی که بوسیلهٔ تورات داده شده باقرار ایمان وعقیدهٔ محکم بگیرند و بآنچه در آن کتاب درج شده متذکر باشند و پرهیزکار شوند (۱۷۰) ای رسول ما بیاد بیاور وقتی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و ایشان را برخود گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند بلی ما بخدائی تو گواهی دهیم، تا دیگر در روز قیامت نگویند غافل ودیم (۱۷۱) یا آنکه نگویند چون پدران ما مشرك بودند ما هم فرزندان آنها بودیم و پیروی پدران خود نمودیم آیا بعمل زشت اهل باطل ما را هلاك خواهید نمود (۱۷۲)

که هنوز روح در بدن آدم دمیده نشده بود و خداوند در عالم ذر مردم را بر نفس خودشان گواه گرفت و فرمود آیا من پروردگار شما و محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر و علی علیه السلام ولی و امیر شما نیست؟ همه از روی میل و رغبت و یا باکراه گفتند بلی.

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود اول کسی که از پیغمبران در جواب خداوند سبقت گرفت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود زیرا آنحضرت نزدیکترین خلایق در پیشگاه خداوند بود همان مقامی که جبرئیل در شب معراج بآنجناب گفت پیش برو ای محمد صلی الله علیه و آله قدم بمقامی گذارده ای که پیش از تو هیچ ملك مقرب و نبی مرسل بآنجا قدم نگذاشته و اگر عظمت روح و نفس پیغمبر اکرم نبود نمیتوانست توانائی و قدرت رسیدن بآن مقام را حائز شود چنانچه خداوند در آیه ۹ سورهٔ النجم میفرماید «فکان قاب قوسین او ادنی» پس چون امر خدا صادر شد اول بمقام اولیائی آنحضرت واقع شد.

و حضرت صادق علیه السلام فرمود خداوند در عالم ذر از خلایق عهد گرفت بخدائی خود و باینکه پیغمبر ما رسول و فرستادهٔ از جانب اوست و نیز عهد گرفت از پیغمبران بولایت و امامت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمهٔ طاهرین و فرمود آیا من پروردگار شما نیستم و محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر شما نیست و علی و ائمهٔ معصومین پیشوایان شما نیستند؟ گفتند چرا

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وَ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰاتِ وَ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (١٧٣) وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي
آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ (١٧٤) وَلَوْ شِئْنَا
لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لٰكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ
تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصُصِ
الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (١٧٥) سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمُ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَ
أَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ (١٧٦)

و اول کسی که از پیغمبران عهد و میثاق بر پروردگار خود از او گرفت حضرت خاتم بود چنانچه میفرماید «و اذ اخذ الله من النبیین میثاقهم و منك و من نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم» اول پیغمبران را بطور کلی ذکر فرموده و بعد افضل آنها را تصریح نموده و پیغمبر خاتم را بر افضل انبیا مقدم داشته چون پیغمبری برتر از آن حضرت نبوده بعد از انبیاء برای ایمان پیدا کردن به پیغمبر خاتم عهد و میثاق گرفته و همچنین بر یاری نمودن امیرالمؤمنین وصی او چنانچه میفرماید «و اذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب و حکمة ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم» یعنی بر رسول خدا که پیغمبر ماست ایمان آورده و یاری کنید امیرالمؤمنین را «لتؤمنن به ولتنصرنه» و امت های خود را خبر بدهید به بعثت آن پیغمبر خاتم که باو ایمان آورند و او و ائمه معصومین را یاری کنند.

عبدالله بن مسکان از حضرت صادق علیه السلام و ابی بصیر از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده اند در تفسیر قول خداوند که میفرماید «لتؤمنن به ولتنصرنه» فرمودند خداوند از زمان آدم تا زمان خاتم پیغمبری نفرستاده مگر آنکه بدنیا برگشت کند و با پیغمبر خاتم جهاد نموده و پیغمبر و امیرالمؤمنین را یاری نمایند.

پس از آن از آنحضرت برای جمیع انبیا میثاق گرفت و فرمود «قل یا محمد

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ما چنین آیات خود را تفصیل میدهیم تا از غفلت و جهالت و راه باطل بخدا پرستی و طاعت حق باز گردند (۱۷۴) ای رسول ما برقوم یهودحکایت بلعم باعور را بخوان که ما آیات خود را باو عطا کردیم ولی از آن آیات سرپیچی نمود و آیات از او گرفته شده و شیطان او را تعقیب کرده و از گمراهان عالم گردید (۱۷۵) و اگر ما میخواستیم او را مقام بلندی میبخشیدیم لیکن او بزمین فروماند و پیروهوای نفس خود گردید دراینصورت حکایت او مانند سگی است که اگر او را تعقیب کنی و یا بحال خود واگذاری درهر حال عوعو کند اینست رسول ما اینست مثل مردمی که آیات خدارا بعداز علم بآن تکذیب کردند این حکایت را بمردم بیان کن تاشاید بفکر آیند (۱۷۶) کسانیکه ازروی عناد آیات ما را تکذیب کنند بوضع بدی گرفتار شوند و آنها جز بخویش ستم روا نمیدارند (۱۷۶)

آمنا بالله و بالیوم الاخر و ما انزل علینا و ما انزل علی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و الاسباط و ما اوتی موسی و عیسی و ما اوتی النبیون من ربهم لا نفرق بین احد منهم ونحن له مسلمون».

عیاشی از اصبغ بن نباته روایت کرده گفت ابن کوا حضورامیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد آیا خداوند پیش از موسی باکسی از فرزندان آدم تکلم نمود؟ فرمود آن حضرت خداوند با تمام خلایق اعم از کافر و مؤمن سخن گفت این فرمایش بر ابن کوا گران آمد و فهمید، گفت چگونه باخلایق تکلم نمود ای امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود باو مگر قرآن نخوانده ای که خطاب میکند به پیغمبر اکرم و میفرماید «و اذ اخذ ربك من بنی آدم» تا آخر آیه مردم کلام خدا را شنیدند و جواب دادند و اقرار بربوبیت و اطاعت خدا و رسول و ما ائمه نمودند در عالم ذر و میثاق سپس فرشتگان گواه و شاهد بر آنها شدند و گفتند ای فرزندان آدم ما گواه شما باشیم درروزقیامت تا نگوئید ما غفلت کردیم و چنین اقراری نه نمودیم.

و نیز از حضرت باقر علیه السلام و حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمودند در آن سالیکه عمر متصدی خلافت شد با جمعی از مهاجر و انصار بمکه رفت امیرالمؤمنین علیه السلام هم با حسنین علیهما السلام و عبدالله بن جعفر مشرف شدند بزیارت خانهٔ کعبه وقتی احرام

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مَنْ يَهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَ مَنْ يُضْلِلْ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (١٧٧) وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيراً مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ (١٧٨) وَ لِلّٰهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوهُ بِهَا وَ ذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (١٧٩) وَ مِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ (١٨٠)

بستند عبدالله بن جعفر لذك ورداى بوشيد و آنها را شكاف زد عمر متوجه او شد گفت چه كسى گفته اين بدعت را بجا آورى ؟ اشاره كرد بامير المؤمنين عليه السلام آنحضرت فرمود اى عمر اين بدعت نيست و سزاوار نيست كسى بماسنة و مذهب را ياد بدهد، عمر گفت چنين است اى ابوالحسن تصديق ميكنم فرمايشات شما را وقتى داخل خانهٔ كعبه شدند عمر رفت بجانب حجر الاسود واورا بوسيد و گفت اگر نميديدم پيغمبر تورا لمس ميكرد و ميبوسيدهمانا نميبوسيدم تورا چه بوسيدن سنك سود وزيانى ندارد؛ امير المؤمنين عليه السلام فرمود چنين نيست ايعمر كه توگمان كردى نسبت بحجر الاسود هم سود دارد وهم زيان و ما اين خبر را دربخش اول در احكام حج بيان نموديم در اينجا تكرار نكنيم .

ابن مسكان در معناى آيه «و اذ اخذ ربك من بنى آدم» از حضرت صادق عليه السلام روايت كرده گفت بآنحضرت عرض كردم خداوند اين پيمان را حضوراً از فرزندان آدم گرفت؛ فرمود بلى معرفت ثابت و برقرار است ولى آنجائيكه عهد و پيمان از آنها گرفته فراموش كرده اند و بزودى بيادشان خواهد آمد و اگر اين پيمان و معرفت نبود و باقى نميماند هرآينه كسى نميدانست كه خداوند خالق و رازق اوست پس بعضى از افراد بشر در عالم ذر بزبان اقرار كردند اما ايمان بقلب نياوردند لذا خداوند ميفرمايد «فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا به من قبل» .

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

آنکه را خداوند هدایت بفرماید بهدایت راه یافته و کسانی راکه رها نموده و بحال خود واگذارد زیانکارمیباشند(۱۷۷)بسیاری از بشر و جن را برای جهنم خلق کردیم چه آنهادلهائی دارندبدون معرفت و ادراك و دیده هائی بی نور و بصیرت و گوشهائی ناشنوا و در حقیقت چون بهائم بلکه گمراه تر از آنها هستند و آنها مردمانی باشند که از خدا غافل هستند (۱۷۸) و برای خدا نامهای پسندیده ونیکوئی است بآنهاخدا را بخوانید و کسانیکه درنامهای او کفر و عناد میورزند بخودواگذارید که بزودی جزای کردار خود را خواهند دید (۱۷۹)واز خلقی که آفریدیم فرقه‌ای بحق هدایت یافته‌اند واز باطل همیشه بحق‌باز میگردند (۱۸۰)

بلعم باعور و اسم اعظم دانستن او

قوله تعالی :و اتل علیهم نبأالذی آتیناه آیاتنا

طبرسی از حضرت باقر ﷺ روایت کرده فرمود این آیه در حق بلعم‌باعور نازل شده و خداوند آنرا مثل زده برای کسانیکه بر طبق دلخواه و هوای نفس‌خود رفتار میکنند از اهل اسلام و اهله‌قبله و پیروی از هوای نفس را بر هدایت خداوند برگزیده اند و بلعم‌بن باعور یکی ازافراد بنی اسرائیل بود فرمودآنحضرت وحضرت رضا ﷺ خداوند اسم‌اعظم را به بلعم بن باعور تعلیم و عطا فرمود و هروقت‌خداوند را بآن اسم میخواند خداوند دعایش را اجابت میفرمود روزی نزد فرعون رفته بود و فرعون و اصحابش در تعقیب حضرت موسی و در صدد بدست آوردن او بودند تا بلعم را دید گفت‌خداوند را باسم اعظم که میدانی بخوان تا موسی را در هرکجاهست متوقف سازد ما باو و اصحابش برسیم بلعم در اجرای نظر فرعون خواست سوار بر الاغ‌خود شده و دعا و نفرین کند که خداوند موسی و یارانش را حبس نماید تا فرعون آنها را مجازات نماید ولی هرچه کوشش کرد حیوان تن بسواری او نداد و نمیگذاشت سوار شود هرچه آنرا میزد مفیدواقع نگردید و تسلیم نشد بقدرت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خداوند حیوان بسخن آمده گفت وای برتو چرا اینقدر مرا میزنی میخواهی من تو را یاری نموده وسواری دهم تا به پیغمبر خدا و یارانش دعای بد و تفرین کنی، بلعم علاوه بر آنکه از این گفتار حیوان عبرت نگرفت چنان متغیر شد تا براثر زدن بسیار حیوان را کشت و خداوند اسم اعظم را از خاطرش محو نمود که دیگر بزبان نیاورد بطوریکه خداوند میفرماید «فانسلخ منها فاتبعه الشیطان فکان من الغاوین»

و حضرت رضا علیه السلام فرمود حیوانات داخل بهشت نمیشوند مگر سه حیوان یکی الاغ بلعم بن باعور دیگری سگ اصحاب کهف سوم گرگی که پاسبانی را محزون کرد و کیفیت گرگ مزبور آنست که پادشاه ظالم و ستمکاری بیکی از پاسبانان خود دستور داد که گروهی ازمؤمنین را به شکنجه و آزار بقتل برساند پاسبان موصوف پسری داشت که مورد علاقه شدید او بود گرگ مزبور آن پسر را دریده و خورد و پاسبان مامور بقتل بیچارگان بشدت دچار حزن و تاثر گردید و خداوند آن گرگ را که موجب اندوه و غصهٔ پاسبان گردید داخل بهشت فرماید.

عیاشی ازسلیمان لبان روایت کرده گفت فرمود حضرت باقر علیه السلام میدانی مغیرة بن شعبة مانند که میباشد؟ عرض کردم نمیدانم فرمود مثل او مثل بلعم بن باعور است که اسم اعظم باو داده شده بود چون مرتد شد خداوند آن اسم را از او محو نمود

و نیز از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود خالد بن ولید بجا آورد آنچه را که میخواست زمان جاهلیت در جنگ احد و غیر آن وقتی اسلام آورد مرتد شد و از اسلام برگشت بواسطهٔ اسیر کردن و بقتل رسانیدن طایفه بنی حنیفه در زمان ابوبکر اموال آنها را غارت کرد و مالک بن نویره را بقتل رسانید و با عیالش زنا کرد و حلال دانست زنا را عمر بن خطاب تهدید کرد خالد را و گفت اگر زنده بمانی تو را حبس میکنم زیرا مسلمانان را بقتل رسانیدی.

طبرسی از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند قصهٔ بلعم باعور را مثل زده برای هر کسیکه هوای نفس را مقدم بدارد بر راهنمائی و هدایت خدا از اهل قبله.

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

قوله تعالی : و لقد ذرانا لجهنم کثیراً من الجن و الانس

خداوند بیان فرمود امر کفار را و مثلهائی برای آنها آورد سپس میفرماید مآل و عاقبت کسانیکه کافر شدند جهنم باشد که در آنجا جاوید بمانند.

در کافی ذیل آیه از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود خداوند بر دل و دیدگان کفار پرده ای بپوشاند که نفهمند و تعقل نکنند و راه هدایت نپیمایند و گوشهای آنها صدای حق را نشنود.

قوله تعالی : و لله الاسماء الحسنی فادعوه بها

اسامی خداوند از این چند قسم بیرون نیست یا صفات ذات جلاله باشند مانند قادر و عالم و قدیم و بصیر و امثال اینها و یا صفات فعل هستند نظیر رازق و مبدع ومحیی و ممیت و یا دلالت بر تنزیه و تقدیس و نفی نقص کنند مثل غنی و واجد و قدوس و اسماء حسنی اسامی را گویند که نفوس تمام خلایق باو متوجه و مایلند مانندغفور و رحیم نه مثل قهاروجبارو گاهی باسامی گویند که معانی آنها نیکو است مثل جواد و رحیم و رازق و اسماء الهی اموریست که بادن خدا دلالت بر ذات و صفات و افعل حضرت او نمایند از نقوش والفاظ وصور و حقایق وتمام آنها حادث و مخلوق حضرت حق هستند واختیار شده اند برای توسل مخلوق بواسطه آنها احداست وخواندن او باسمائیکه بر خالق و مخلوق بشراکت گفته میشود جز باشتراک اسم نیست و بآن معانی که بر صانع گفته آید مخلوق را نشاید وبعکس هم اینطور است چنانچه شرح او را ذیل آیه لاتدرکه الابصار بیان نمودیم.

در کافی از حضرت صادق علیه السلام ذیل آیه هو لله الاسماء الحسنی روایت کرده فرمود بخدا قسم ما ائمه اسماء حسنی خدا هستیم و خداوند عبادت کسی را بدون ولایت ما آل محمد صلی الله علیه و آله قبول نمیفرماید و این حدیث را عیاشی بسند خود عینا از حضرت رضا علیه السلام روایت نموده است.

و شیخ مفید در کتاب اختصاص از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود جابر انصاری گفت روزی از رسول اکرم سئوال نموده و پرسیدم یا رسول الله در باره علی امیر المؤمنین علیه السلام چه میفرمائید: فرمود علی نفس من است عرض کردم حسن وحسین

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و الذين كذبوا بآياتنا سنستدرجهم من حيث لا يعلمون (۱۸۱) و املى لهم
ان كيدي متين (۱۸۲) اولم يتفكروا ما بصاحبهم من جنة ان هو الا نذير
مبين (۱۸۳) اولم ينظروا في ملكوت السموات و الارض و ما خلق الله
من شئي و ان عسى ان يكون قد اقترب اجلهم فبای حديث بعده يؤمنون
من يضلل الله فلا هادي له و يذرهم في طغيانهم يعمهون (۱۸۵) يسئلونك
عن الساعة ايان مرسيها قل انما علمها عند ربي لا يجليها لوقتها الا هو
ثقلت في السموات و الارض لا تاتيكم الا بغتة (۱۸۶)

چطور؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود حسن و حسین هر دو روح من و فاطمه جسم من است هر که آنها را خوشحال کند موجب خشنودی و مسرت من شود و هر که آنها را بیازارد مرا آزرده است خدا را گواه میگیرم من دشمنم با دشمنان آنها و دوستم با دوستان آنها ای جابر هروقت بخواهی دعا کنی که مقرون باجابت شود خدا را باسامی آنها بخوان چه اسامی علی و فاطمه و حسن و حسین در نزد خدا از هر اسمی محبوبتر است و آنها اسماء حسنای خداوند میباشند.

عیاشی از حضرت رضا علیه السلام روایت کرده فرمود بجمعی از شیعیان هرگاه بشما شدت و سختی روی داد استعانت بجوئید بما حضور پروردگار چنانچه در قرآن دستور فرموده و آیه را تلاوت نمود سپس فرمود بخدا قسم ما اسماء حسنی خدا هستیم اطاعت کسی قبول نشود جز بشناختن و معرفت پیدا کردن در حق ما ائمه.

در کافی از عبدالله بی سنان روایت کرده گفت از حضرت صادق علیه السلام سئوال نمودم مراد از مضمون آیه «وممن خلقنا امة يهدون بالحق وبه يعدلون» کدام است؟ فرمودند ما ائمه هستیم و این حدیث را عیاشی نیز از حضرت باقر علیه السلام روایت

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و آنهائیکه آیات ما را تکذیب کردند بزودی ایشان را بعذاب و هلاکت می افکنیم از جائیکه اطلاع نداشته باشند (۱۸۱) و چند روزی بآنها مهلت میدهیم ولی مکر و عقاب ما شدیداً بآنها فرا رسد (۱۸۲) آیا این مردم فکر نکردند پیغمبری که برای هدایت آنهافرستاده شده درکمال عقل است و جنونی که آنها از روی غرض میگویند ندارد او ترساننده خلق است از عذاب قیامت با بیانی روشن (۱۸۳ آیا در ملکوت آسمانها و زمین فکر نمیکنند و بآنچه خدا آفریده نمینگرند شاید مرگ بآنان نزدیك باشد آنگاه بچه حدیثی بعدازاین کتاب آسمانی ایمان میآورند(۱۸٤)هرکه راخدا بحال گمراهی واگذاشت کسی نمیتواند او را هدایت و رهبری کند و رامیگذارد که در طغیان وسرکشی به حیرت وضلالت بماند (۱۸۵)ای پیغمبر ازتو میپرسند که قیامت چه وقت برپا میشود؟ جواب بده که علم آن نزد پروردگار من است و کسی بجز او نمیداند واوسنگین است در آسمانها و زمین و نیاید برشما مگر ناگهانی (۱۸٦)

نموده است.

و از طریق مخالفین موفق بن احمد بسند خود از امیر المؤمنین علیه السلام روایت کرده فرمود این امت هفتاد و سه فرقه میشوند هفتاد و دو فرقه از آنها در آتش جهنم میروند و یك فرقه نجات می یابند و آنها هستند که خداوند در بارهٔ آنان میفرماید «و ممن خلقنا امة» تا آخر آیه و این حدیث را عیاشی در سورهٔ مائده ذیل آیه «منهم امة مقتصدة» روایت کرده است و امیر المؤمنین علیه السلام فرمود آن امت من و شیعیان من هستند.

ابن بابویه در امالی از ابی بصیر روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت صادق علیه السلام آل محمد چه کسانی هستند؟ فرمود ذریه آنحضرت میباشند عرض کردم اهل بیت او کیانند؟ فرمود ائمه واوصیاء هستند، گفتم عترت او چه اشخاصی باشند؟ فرمود اصحاب عبا سئوال کردم مراد از امة چیست؟ فرمود امة مؤمنینی را گویند که تصدیق کرده اند آنچه را آنحضرت از طرف خداوند آورده و آنها کسانی هستند که بر قرآن و عترت اهل بیت توسل جسته اند و قرآن و عترت دوجانشین پیغمبر میباشند

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

يسئلونك كانك حفي عنها قل انما علمها عندالله ولكن اكثر الناس لايعلمون

(۱۸۷) قل لا املك لنفسي نفعا و لا ضرا الا ما شاءالله و لو كنت اعلم الغيب

لاستكثرت من الخير و ما مسني السوء ان انا الا نذير و بشير لقوم يؤمنون

(۱۸۸) هوالذي خلقكم من نفس واحدة و جعل منها زوجها ليسكن اليها

فلما تغشيها حملت حملا خفيفا فمرت به فلما اثقلت دعوا الله ربهما لئن آتيتنا

صالحا لنكونن من الشاكرين (۱۸۹)

در کافی ذیل آیه « و الذین کذبو بایاتنا سنستدرجهم من حیث لایعلمون » از سفیان بن سمط روایت کرده گفت حضرت صادق علیه السلام فرمود چون خداوند به بنده‌ای نظر لطف و خیر داشته باشد اگر آن بنده مرتکب گناه و لغزشی گردد خداوند او را به بلیه مبتلا سازد تا فوراً تنبیه شده و از آن معصیت توبه و استغفار کند ولی اگر ارادهٔ خوبی به بنده ای نداشته باشد چنانچه گناهی از او سر بزند در عقب آن گناه نعمتی باو عطا فرماید تا غرق در نعمت و لذات او شده و متذکر توبه و استغفار نشود و در همان حالت باشد تا از دنیا برود و اینست مراد از نعمتی که در موقع ارتکاب معاصی به بندهٔ گناهکار عطا میشود در آیه فوق .

و نیز از آنحضرت روایت کرده فرمود چه بسیار مردمانی هستند که بآن نعمت هائیکه خداوند بایشان عطا کند مغرور شوند و چه بسا کسانیکه خداوند گناهان آنها را با عطا نمودن نعمت در وقت ارتکاب معصیت مستور میسازد و زیادند آنهائی که با مدح وثنای مردم فریب خورده و امر بر خود آنها مشتبه میشود و بزشتی اعمال خود واقف نمیشوند .

و بسند دیگر از بعضی اصحاب حضرت صادق علیه السلام روایت کرده گفتند سئوال کردیم معنی استدراج را از آنحضرت؟ فرمود بنده ای گناه میکند سپس خداوند عقب

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

باز از تو سئوال میکنند که تو کاملا بآن آگاهی؟ بگو علم آن ساعت محققاً نزد خداست لکن بسیاری ازمردم بر آن آگاه نیستند (۱۸۷) ای پیغمبر بمردم بگو که من مالك نفع و ضرر خود نیستم جز آنکه خدا بخواهد و اگر من از غیب جز آنچه بوحی میدانم آگاه بودم بر خیر و نفع خود همیشه میافزودم و زیان و ضرری بمن نمیرسید ومن نیستم مگر رسولی ترساننده و بشارت دهندهٔ گروهی که اهل ایمان هستند (۱۸۸) اوست خدائی که شما را از یك تن بیافرید و از آن جفتش اوراهم مقرر داشت تا باو انس و آرام بگیرد و چون با او خلوت و نزدیکی نمود باردسبك بر داشت و پس از چندی سنگین شد پدر و مادر در آنموقع خدا را خواندند که ای پروردگار اگر بما فرزندی نیکو عطا فرمائی البته ازشکر گذاران خواهیم بود (۱۸۹)

آن گناه نعمتی باو عطا بفرمایدتا بکلی غفلت کند از گناه وتوبه ودرهمان حالت ازدنیا برود

قوله تعالی: اولم یتفکروا ما بصاحبهم من جنة

آیه گذشته ذکر نمود حال آنهائیکه به پیغمبر ﷺ ایمان آورده و هدایت یافتند دراین آیه بیان میفرماید کسانی را که تکذیب پیغمبر و آیات خدا نموده اند ومنظور کفار قریش هستند و مراد از صاحبهم پیغمبر اکرم ﷺ میباشد و میفرماید چرا قریش در ملکوت آسمانها و زمین و عجایب صنع خدا فکر نمیکنند تا عبرت بگیرند و یقین کنند خالق و مالك آسمان و زمین و آفریدگار تمام موجودات، خدا است وبس شاید مرك بآنها نزدیك باشد پس بچه حدیثی بعد از قرآن و کتاب آسمانی ایمان میآورند با آشکار بودن دلالات واضحه بر آنکه قرآن کتاب خدا و معجزه است و کسی توانائی ندارد مانند او سوره‌ای بیاورد و نامیده خداوند در اینجا قرآن را بحدیث چه او حادث و قدیم نمی باشد.

در کافی از حضرت صادق ﷺ روایت کرده گفت امیر المؤمنین ﷺ فرمود آگاه گردانید دل خود را بفکر کردن در آیات خدا و پرهیز کنید ازعذاب پروردگار

و از حسن صیقل روایت کرده گفت حضور حضرت صادق ﷺ عرض کردم روایت کردند از شما که فکر نمودن یکساعت بهتر است از عبادت یکشب چگونه

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فلمّا آتیهما صالحا جعلا له شرکاء فیما آتیهما فتعالی اللّه عمّا یشرکون (١٩٠)
ایشرکون ما لا یخلق شیئاً وهم یخلقون(١٩١) ولا یستطیعون لهم نصراً و لا
انفسهم ینصرون (١٩٢) و ان تدعوهم الی الهدی لا یتبعوکم سواء علیکم
ادعوتموهم ام انتم صامتون (١٩٣) ان الذین تدعون من دون اللّه عباد
امثالکم فادعوهم فلیستجیبوا لکم ان کنتم صادقین (١٩٤) الهم ارجل
یمشون بها ام لهم ایدٍ یبطشون بها ام لهم اعین یبصرون بها ام لهم اذان
یسمعون بها قل ادعوا شرکاءکم ثم کیدون فلا تنظرون (١٩٥)

فکر کنم ؟ فرمود عبور میکنی بخرابه‌ها و خانهای ویران پس میگوئی با خود کجا هستند ساکنین این دیار؟ چرا سخن نمیگویند ؟ اینست فکر نمودن ، سپس فرمود آن حضرت بهترین عبادات بسیار فکر نمودن در آیات و قدرت خداوند است

و نیز از معمر بن خلاد روایت کرده گفت میفرمود حضرت رضا علیه السلام عبادت و پرستش بزیادی نماز و روزه نیست بلکه بزیاد فکر کردن در آیات خدا است

و فرمود امیر المؤمنین علیه السلام فکر نمودن در آیات خدا میکشاند انسان را بسوی عمل خیر و احسان به برادران مؤمن.

قوله تعالی : یسئلونک عن الساعة ایان مرسیها

طبرسی و علی بن ابراهیم از صحابه روایت کرده اند سبب نزول این آیه آن بود که کفار قریش فرستادند عاص بن وایل سهمی و نضر بن حارث بن کلده و عقبة بن ابی معیط را بسوی نجران تا آنکه از علمای یهود مسائلی یاد گیرند و آن مسائل را از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سئوال کنند از جمله مسائلی که گفتند از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پرسش کنند این بود چه وقت قیامت بر پا میشود اگر تو پیغمبر راستگوئی هستی

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و چون فرزند صالح بآنها عطا کردیم در آن مولود نصیبی برای شیطان قرار دادند و او را شریك در فرزند نمودند و خدا منزه است از آنچه مشرکین براو میگویند (۱۹۰) آیا چیزی که نمیتواند موجودی را خلق کند و خود مخلوق است (۱۹۱) شریك خدا قرار میدهید در حالی که آنها هرگز نه بمشرکان و نه بخود یاری نمیتوانند بکنند (۱۹۲) و اگر آنها را براهدایت بخوانید پیروی ننمایند چه آنها را دعوت بسوی خدا کنید چه ساکت بمانید یکسان است (۱۹۳) غیر خدا کسانی را که شما بخدائی میخوانید همه مانند شما بندگانی هستند اگر در دعوی خود راستگو هستید از آنها بخواهید تا مشکلات شما را رفع و حوائج شما را بر آورند (۱۹۴) آیا این بت ها پائی دارند که بتوانند راهی بروند و یا دستی که از آستین قدرت بیرون آورند و یا چشمی دارند که ببینند و آیا گوشی شنوا دارند ای پیغمبر بآنها بگو که شرکای باطل خود را بخوانید و هر حیلهٔ که میتوانید بکار برید تا مرا مغلوب کنید بدون آنکه هیچ مهلتی بمن بدهید (۱۹۵)

خداوند در جواب آنها این آیه را نازل فرمود بگو ای محمد صلی الله علیه و آله دانش او نزد خداست ولی بیشتر مردم نمیدانند.

قوله تعالی: **قل لا املك لنفسی نفعاً ولاضراالا ماشاءالله**

طبرسی از صحابه روایت کرده سبب نزول آیه آن بود کفار قریش گفتند ای محمد صلی الله علیه و آله آیا پروردگار بخبر میدهد شما را باسعار تا در وقت ارزانی جنسی را خریداری کنیم و هنگام ترقی او را بفروشیم و ازاین راه سود فراوانی بدست آوریم خداوند این آیه را نازل کرد بگو بآنها ای محمد صلی الله علیه و آله من مالك سود و زیان خود نیستم مگر آنکه خدا بخواهد مالك گرداند مرا و من علم غیب نمیدانم جز آنکه پروردگار مرا آگاه سازد و تعلیم دهد.

عیاشی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود و ما مسنی السوء مراد فقر و نادانی است و اینحدیث را ابن بابویه نقل نموده است.

قوله تعالی: **هوالذی خلقکم من نفس واحدة وجعل منها زوجها**

این آیه یکی از ادلهٔ توحید است و مخاطب بآیه تمام فرزندان آدم میباشد

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ (١٩٥) وَالَّذِينَ
تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ (١٩٦) وَإِنْ
تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ
(١٩٧) خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ (١٩٨) وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ
مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (١٩٩) إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ
طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (٢٠٠)

مقصود از نفس واحد آدم وجعل یعنی خلق میباشد یعنی ازهمان طینة ، جفتش راکه حواء است بیافرید تا مایه سکونت خاطر و آسایش او باشد «فلما تغشیها» مراد هم بستری با حواست چون با او خلوت کرد باردبك برداشت یعنی آب نطفه در رحم او قرار گرفت و پس از چندی که گوشت و استخوان روئید سنگین شد و فرزندان آدم در آن هنگامیکه آثار حمل مشاهده کنند خدارا بخوانند و گویند اگر پروردگار بما فرزند نیکو عطا کند ازشکرگذاران خواهیم بود چون فرزند صالح بآنها عطا گردید در آن مولود نصیبی برای شیطان قرار دادند و او را شریك در فرزند نمودند ونام میگذارند او را بعبدالعزی و عبداللات و عبد منات یعنی بنده بت عزی ولات و منات.

ابن بابویه از ابو صلت هروی روایت کرده گفت مأمون از حضرت رضا علیه السلام سئوال نمود آیا پیغمبران معصوم نیستند؟ فرمود بلی معصوم میباشند عرض کرد حضورش پس معنی «فلما اتیهما صالحاً جعلا له شرکاء فیما آتیهما» یعنی چه؟ فرمود آنحضرت حوا برای آدم در هر بطنی یك پسر و دختر زائید آن فرزندان در فرزندانیکه خداوند بآنها عطا فرمود شیطان را در فرزند شریك نمود و شکر نکردند خدا را چنانچه پدر و مادر آنها آدم و حوا شکر گذار خدا بودند پس جعلا اشاره بنسل و فرزندان آدم است نه بخود آدم که پیغمبر بود ، مأمون گفت از روی حقیقت شهادت میدهم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

دوست من آن خدائی است که این قرآن رافرستاده و او یار و یاور نیکوکاران است (۱۹۶) آنهائی را که غیر از خدا میخوانید هیچکدام قدرت یاری شما بلکه یاری خودندارند (۱۹۷) و اگر آنها را براه هدایت بخوانید نمی شنوند می‌بینی که آنهادر تو مینگرند و نمی بینند(۱۹۸) ای پیغمبرطریقهٔ عفو و بخشش پیش گیر و امر به‌نیکو کاری کن و از مردم نادان روی بگردان (۱۹۹)اگر شیطان انس و جن در تو وسوسه و تحریکی پدید آورد بخدا پناه ببر که او بحقیقت شنوا و داناست(۲۰۰) چون بمردم با تقوا از شیطان وسوسهٔ بدل‌فرا رسد همانندم خدا راییاد بیاورند و همان لحظه بصیرت و بینائی پیداکنند (۲۰۱)

ایعلی بن موسی ﷺ که شمافرزند پیغمبر هستید سپس خداوند بآیه «ایشرکون مالا یخلق شیئاً» حجت میآورد بر مشرکین و کفار و میفرماید آیا چیزی که نمیتواند موجودی بیافریند و خود او مخلوق‌است شریک‌خدا قرار میدهید در حالیکه هرگز نه بخود و نه به پیروان خودشان یاری نمیتوانند بکنند و در حقیقت آنکسانی راکه بخدائی میخوانید همه مانند شما بندگانی هستند اگر راست میگوئید از آنها تقاضا کنید تا مشکلات شمارا برطرف کنند و حوائجتان را برآورند.

قوله تعالی : خذالعفو و امر بالعرف

خداوند دستور میدهد پیغمبرش را بدعا و تبلیغ رسالات و تعلیم مینماید آن حضرت را بمحاسن افعال و مکارم اخلاق و خصال نیکو.

ابن بابویه درذیل آیه« خذالعفو و امر بالعرف و اعرض عن‌الجاهلین »ازحضرت رضا ﷺ روایت کرده که فرمود مؤمن ، مؤمن نمیشود مگر آنکه دارای سه صفت شود: اول‌طریقهٔاز پروردگار خود یاد بگیرد که آن پنهان کردن اسرار است خداوند میفرماید « عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه احداً الا من ارتضی من رسول » دوم باید سنتی‌ازپیغمبر یاد بگیرد و آن مدارا کردن‌با مردم است خداوند به پیغمبرا کرم ﷺ امر بمدارا کردن فرموده و میفرماید «خذالعفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین»

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و اخوانهم یمدونهم فی الغی ثم لا یقصرون (۲۰۲) و اذا لم تأتهم بایة قالوا لولا اجتبیتها قل انما اتبع ما یوحی الی من ربی هذا بصائر من ربکم و هدی و رحمة لقوم یؤمنون (۲۰۳) و اذا قری القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون (۲۰۴) و اذکر ربک فی نفسک تضرعا و خیفة و دون الجهر من القول بالغدو و الاصال و لا تکن من الغافلین (۲۰۵) ان الذین عند ربک لا یستکبرون عن عبادته و یسبحونه و له یسجدون (۲۰۶)

سوم سنتی از امام و ولی باید یاد بگیرد و آن صبر در شداید و بردباریست در سختیها و پریشانی ها چنانچه میفرماید «والصابرین فی البأساء والضراء اولئك الذین صدقوا و اولئك هم المتقون»

و شیخ مفید در کتاب مجالس بسند خود از احمد بن عیسی علوی روایت کرده گفت خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم فرمود اگر کسی برای عرض حاجتی بسوی من آید من برای بر آوردن حاجت او سبقت گرفته و تسریع میکنم از ترس آنکه مبادا صاحب حاجت مستغنی شود، ای مردم بمکارم اخلاق در دار دنیا توجه داشته باشید که خداوند آنها را در سه کلمه از قرآن جمع فرموده و میفرماید «خذ العفو و امر بالعرف و اعرض عن الجاهلین» که تفسیر آنها چنین است صله کن با کسی که قطع صله با تو نموده و عفو کن از کسی که در حق تو ستم روا داشته و عطا کن بکسی که ترا از حق خود محروم داشته است، سپس خداوند بیان میفرماید راه تقوی و پرهیز کاری را و هر گاه شیطان آنها را وسوسه کند بقولش «و اما ینزغنك من الشیطان نزغ فاستعذ بالله» چون شیطان در تو وسوسه پدید آورد بخدا پناه ببر که او شنوا و داناست و بگو اعوذ بالله من الشیطان

علی بن ابراهیم فی ذیل آیه واذکر ربك فی نفسك از صادقین (ع) روایت کرده فرمودند مراد از تضرعا و خیفة نماز ظهر و عصر است و دون الجهر بالغدو و الاصال نمازهای صبح و شب است.

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و شیاطین انس و جن برادرانشان را براه ضلالت و گمراهی میکشند و در گمراه نمودن هیچ تقصیر نمیکنند(۲۰۲)وهروقت ای رسول آیتی برای مخالفین نیاوری بر تو اعتراض کنند که چرا آیتی فراهم نساختی بگو من پیروی بغیر از آنچه از خدایم بوحی رسد نخواهم کرد این آیات قرآن سبب بینائیست از جانب پروردگار و هدایت ورحمت است برای کسانی که ایمان بیاورند (۲۰۳) چون قرآن تلاوت شود همه گوش بآن فرا دهید و سکوت کنید تا مورد لطف و رحمت حق شوید (۲۰۴) خدای خودرا باتضرع ودر پنهانی وبی آواز دردل خودهرصبح وشام یاد کن واز غافلان مباش(۲۰۵)فرشتگانی که در حضور پروردگار تو هستند از بندگی خدا سرکشی نکنندو پیوسته به تسبیح و تنزیه ذات احدیت و بسجدهٔ او مشغول میباشند (۲۰۶)

الرجیم» و هرگاه بیاد آورد شیطان معصیتی را ومردم را وادار بمعصیت بنماید آنهاباید متذکر خدا بشوند که در آن هنگام بینائی پیداخواهند نمود .

عیاشی در آیه « ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان » تا آخر آیه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده فرمود مراد آنست که وقتی بنده ای تصمیم بارتکاب گناهی بگیرد همینکه بیاد خدا افتاده و متذکر شود از برای خاطر خداوند آن گناه را بجا نیاورد و ترك تصمیم بعمل را بنماید و این روایت را در کافی نیز نقل نموده است

قوله تعالی : واخوانهم یمدونهم فی الغی

یعنی برادران مشرکین از شیاطین انس وجن این مردم را براه ضلالت وگمراهی میکشند و زینت میدهند معاصی خدا را برای آنها و از هیچگونه غرور و فریبی کوتاهی نکنند و بر آنان ترحم ننمایند ای محمد صلی الله علیه و آله هروقت آیاتی برای مشرکین نیاوری اعتراض کنند و گویند چرا آیه ای نیاوردی بسوی ما و آنچه میگوئی نیست بوحی پروردگار، پاسخ ده آنها را که من آیات از نزد خود نیاوردم و خداوند بر حسب مصلحت خود نازل میفرماید و من بغیر آنچه از جانب خدا بوحی میرسد پیروی نخواهم کرد این آیات قرآن دلایل ظاهر و حجت و برهان آشکاریست از جانب

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com　　http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

پروردگار، بینا گرداند هر انسانی را در امور دین، و راهنمای کسانی است که ایمان بیاورند و نعمت دین و دنیاست برای اهل ایمان و اختصاص داد قرآن را برای مؤمنین چه آنها فقط بقرآن منتفع شوند نه کافرین، و این آیه بزرگترین دلیل است براینکه افعال و اقوال پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم تابع وحی بوده و نیز دلیل است بر جایز نبودن عمل برأی و قیاس.

عیاشی ذیل آیه «و اذا قری القرآن» از ابن ابی یعفور روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت صادق علیه السلام شخصی قرائت قرآن میکند آیا واجبست بر کسی که میشنود سکوت کند و گوش بدهد؟ فرمود بلی هرگاه حضور تو قرائت کند واجب است گوش دهی و ساکت باشی تا قرائت تمام شود. واصحاب ما امامیه اینحدیث را در نماز معتبر میدانند و میگویند وارد شده در خصوص نماز هرگاه اقتداء بامامی کنند واجب است که گوش دهند بقرائت حمد و سورهٔ امام.

در کافی ذیل آیه «و اذکر ربك فی نفسك تضرعا و خیفة» از حسین بن مختار روایت کرده گفت سئوال کردم از حضرت صادق علیه السلام معنی آیه را، فرمود میگوئی در شب این کلمات را «لا الله الا الله وحده لاشریك له له الملك و له الحمد یحیی ویمیت ویمیت و یحیی و هو علی کل شئی قدیر» عرض کردم جملهٔ بیده الخیر را بگویم؟ فرمود همانطوریکه دستور میدهم بگو و نیز بخوان ده مرتبه این کلمات را «اعوذ بالله السمیع العلیم من همزات الشیاطین و اعوذ بك رب ان یحضرون ان الله هو السمیع العلیم» هنگام طلوع و غروب آفتاب ده مرتبه بخوان.

ابن بابویه در کتاب فقیه در آیه «واذا قری القرآن» از حضرت باقر علیه السلام روایت کرده فرمود اگر اقتداء بامامی نمودی حمد و سوره را قرائت مکن و بقرائت امام گوش بده و در دو رکعت اخیر از نمازهای چهار رکعتی هم قرائت مخوان زیرا آنها تابع دو رکعت اول میباشد و این روایت را شیخ و عیاشی نیز نقل نموده اند.

در کافی در آیهٔ «و اذکر ربك فی نفسك تضرعا و خیفة» از صادقین علیهما السلام روایت کرده فرمودند نمی نویسند فرشتگان چیزی را مگر آنچه که شنیده شود بنفس خویش و این آیه را تلاوت نموده و فرمودند ثواب ذکر را بنده از نظر اهمیت

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

و بزرگی آن نزد خداوند تبارك وتعالی نمیداند ، و این حدیث را عیاشی نیز روایت کرده‌است

ستایش بی منتهی خداوندی را که توفیق عطا فرمود بخش دوم تفسیر شریف‌را بپایان رسانیدم و از پروردگار منان درخواست مینمایم که موفق گرداند ما را برای اتمام بقیه بخشها و از خوانندگان گرامی خواهانم با نظر دقت و انصاف بنگرند در این مجموعه که در حقیقت دائرة المعارف اسلامی و مذهب جعفری علیه السلام است و بطور تحقیق بیان مینماید مسائل حرام و حلال ، واجبات و محرمات ، احکام تکلیفی واجتماعی ، قصص وحکایات را با دلیل وبرهان این تفسیر دربردار دو آنچه راکه باید یك نفر مسلمان اعتقاد داشته باشد ازاصول پنجگانه بادله عقلی ونقلی از گفتار معصومین علیهم السلام و این تفسیر شریف دلیل وراهنمائی است ازبرای استنباطات احکام شرعیه ویژه دانش آموزان علوم دینیه و تذکره ای است برای دانشمندان و بیان میکند این تفسیر، عقاید ومذاهب ملل مختلفه جهان را بالغزشهای امتان گذشته باعباراتی شیوا و سبکی ساده و اسلوبی نیکو بطوریکه هر کس سواد خواندن داشته باشد میتواند استفاده کند و شاید از بدو اسلام تا بحال این روش تفسیر سودمند و جامع تالیف و تدوین نشده امیدوارم مورد توجه برادران اسلامی واقع گردد و بیش از این استقبال از این تالیفات مذهبی بشود چه بینندگان را از هر گونه رسایل و کتب دینی مستغنی میگرداند و هدیه نا قابلی است که تقدیم ساحت قدس اسلیحضرت امام عصر حجةابن الحسن العسکری عجل الله فرجه روحی و روح العالمین لهالفداء مینمایم شاید منظور نظر آن سلطان سلاطین بشود و ذخیره معاد این کمترین بنده درگاه ربوبی گردد و ما را از نظر معاندین و جاهلین وحاسدین محفوظ بدارد چه فرمودامیرالمؤمنین علیه السلام والجاهلون لاهل العلم اعداء ،

نبود عجب از حاسدکر منکر این (تفسیر) گردد
کز درك حقایق خود جهلش بودی عنوان
هر بد کندی انکار رخشندگی خورشید
کی طعم گوارا را بیمار کند اذعان

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

البته معاندین اخبار آل عصمت علیهم السلام و جهال دانشمند نمایان کی میتوانندچنین تفسیر شریفی را که مشحون است از گفتار و معجزات ائمه اثنا عشر مشاهده کنند ناچاراذهان مردمان‌عوام را مشوب کنند و شبهات و تسویلات شیطانی را بکاراندازند وبهر کیفیت بتوانند خدشه دراحادیث‌واخبار آل‌عصمت‌وطهارت مینمایند بهر جهة نباید خوانندگان گرامی توجه کنند بسخنان‌این گونه اشخاص‌وازودیعه کان‌پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم قرآن واحادیث‌دور شوند و کناره گیری کنند تاموجب خسران دنیا و آخرت آنهابشود درودبی‌پایان برسید رسل‌خاتم پیغمبران صلی الله علیه و آله و سلم وبراهلبیت‌او ولعنت سرمدی بردشمنان و مخالفین آنها باد تا روز محشر.

در خاتمه از زحمات دوست گرامی آقای حسین ذوالقدر شجاعی سپاس گذارم که کمك نمودند در پاك نویسی این تفسیر شریف برای حاضر کردن طبع ، و توفیق ایشان را از یزدان مهربان خواهانم والسلام علی من اتبع الهدی

حاج سید ابراهیم بروجردی

تهران مورخه دهم شهر صفر

پایان جلد دوم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas